

دانشنامه امام محمدی علیه السلام

بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

فارسی - عربی

مجله علمی

جلد ششم

تأسیس
مؤسسه الهادی مسودی

بایگاری
مؤسسه کاظم طباطبائی
دینی از پژوهشگران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشنامه امام محمدی عجل الله فرجه

بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

فارسی - عربی

محمد دگر می شه

Shiabooks.net



جلد ششم

ترجمہ

عبدالمناد سعودی

باہر کاری

محمد کاظم طباطبائی

جمعہ از پڑھشکران

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۲۵
عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه امام مهدی (عج) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی).
محمدی ری شهری، با همکاری سید محمدکاظم طباطبایی، ترجمه عبدالهادی مسعودی.
مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر. ۱۳۹۳-
مشخصات ظاهری : ۱۰ ج .

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 754 - 5

ISBN: 978 - 964 - 493 - 760 - 6

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : امام مهدی (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

موضوع : امام مهدی (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - غیبت

شناسه افزوده : طباطبایی، سید محمدکاظم، ۱۳۲۴-

شناسه افزوده : مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۴۳- مترجم.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۳:۲۳۳۲:۵۱/ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۴۳۷۷۱

دانش نامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی) / ج ۶

محدث محمندی ری شهری

با همکاری: سید محمد کاظم طباطبایی

مترجم: عبد الهادی مسعودی

با همکاری:

نقد علمی: رضا استادی و دیگران

آخذ روایات: محمود کریمیان، محمدرضا سجادی طلب، سید روح الله سید طباطبایی، احمد غلامعلی، غلامحسین مجیدی، محمدرضا سبحانی، حیدر مسجدی، محمدحسین صالح آبادی

تحقیق و تکمیل مصدیریایی: محمود کریمیان، محمدرضا سجادی طلب

مقاله با مصادر: عبد الکریم مسجدی، عبد الکریم حلقی، رعد بهبانی و دیگران

اقرار گذار: رسول افقی

بچال و تراجم: محمد کاظم رحمان ستایش، محمّد تهری

اعتبارسنجی روایات: محمود کریمیان

همکاری دو نگارش تحلیل و بیان: رضا پرنجگار، رسول جعفریان، فاسم جوادی، سید حمید حسینی، علی راد، محمّد کاظم رحمان ستایش، علی اصغر رضوانی، احمد رنجبری، غلامحسن شانه‌چو، علی الشیخ، هادی صادقی، مصطفی صادقی، ضیاء الدین مرتضوی، مهدی مهریزی

بازبین ترجمه: رسول افقی

بازبینی: سید حسن فاطمی موحد، مرتضی خوش نصیب

پیگیری نهایی: سید روح الله سید طباطبایی، سید محمود طباطبایی نژاد

همکاران دیگر: محمّد هادی خالقی، محمدحسین صالح آبادی

سرپرستار فارسی: محمّد خنجرزاده

ویرستار فارسی: محمّد باقری زاده اشعری، حسین پوزشریف، سید محمّد علی طباطبایی، سید محمّد دلائل موسوی

سرپرستار عربی: حسین دیناغ

شرح لغات و ویرستاری عربی: حسین انصاری (حمیداری)

نمونه خوان عربی: محمّد علی دیناغی، عبد الکریم حلقی، رعد بهبانی

نمونه خوان فارسی: علی نقی نگران، محمود سپاسی، سید هاشم شهرستانی

صفحه آرا: سید علی موسوی کیا

حروفین: حسین الخمیان، علی اصغر ذریاب، علی اکبری

خوش نویس: حسن فرزانهگان

مدیر آماده سازی: محمّد باقر نجفی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۹۳

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۷۱ / ص.ب ۲۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۵ / فروشگاه شماره ۳ (قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۰۹ / ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره ۳ (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ۷ درب شرقی ۷) تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲ / فروشگاه شماره ۴ (مشهد مقدس، چهار راه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی نجاری گنجینه کتاب، طبقه همکف: ۰۲۱ - ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

http://darolhadith.ir

darolhadith.20@gmail.com

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 754 - 5

ISBN: 978 - 964 - 493 - 760 - 6

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست اجمالی

۷	فصل چهارم: دعا برای تعجیل در فرج
۱۱	فصل پنجم: زمینه‌سازی برای حکومت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹	پژوهشی در باره مهم‌ترین وظیفه پیروان اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در عصر غیبت
۶۰	پژوهشی در باره روایات «رايات سودا»

بخش هشتم: دعا

۷۳	فصل یکم: دعاهای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> برای امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	فصل دوم: دعای امام مهدی <small>علیه السلام</small> برای فرجش
۱۲۵	فصل سوم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در عیدها
۱۴۵	تحلیلی در باره متن و سند دعای ندبه
۱۶۹	فصل چهارم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در ماه رمضان
۱۹۵	فصل پنجم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در روز جمعه
۲۰۷	فصل ششم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در وقت‌های دیگر
۲۵۳	فصل هفتم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در هر حال
۲۸۲	پژوهشی در باره حکمت دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۹۵	فصل هشتم: دعاهای رسیده از امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۲۷	فصل نهم: استخاره‌های منسوب به امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۳۲	پژوهشی در باره استخاره‌های منسوب به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۴۵	فصل دهم: توسل به امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۵۵	سخنی در باره توسل به امام زمان <small>علیه السلام</small> به وسیله عربضه

بخش نهم: زیارت‌ها

۳۶۹	فصل اول: زیارت‌های امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۸۸	پژوهشی در باره سند و متن زیارت آل پس

مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى .

١٠١٢ . تفسير العياشي : عَنْ فَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ :
 أَوْحَى اللَّهُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَيُولَدُ لَكَ ، فَقَالَ لِسَارَةَ ، فَقَالَتْ : «ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ؟»
 فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ : أَنَّهَا سَتَلِدُ وَيُعَذِّبُ أَوْلَادَهَا أَرْبَعِينَ سَنَةً بِرَدِّهَا الْكَلَامَ عَلَيَّ .
 قَالَ : فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ، ضَجُّوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ،
 فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ ، فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِئَةً
 سَنَةً .

قَالَ : وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا ، فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا
 فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ .

١٠١٣ . الكافي : عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ خَلْفِ بْنِ
 حَمَّادٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ ، قَالَ : أَمَلَى عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَهُوَ
 جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَالشَّنَاءِ عَلَيْهِ :

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،
 وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ، وَرَوْحَهُمْ ، وَرَاحَتَهُمْ ، وَسُرُورَهُمْ .

فرج شماست. و سلام بر تو - ای اسحاق بن یعقوب - و سلام بر کسی که راه هدایت
پویدا! ^۱

۱۰۱۲. تفسیر العیاشی - به نقل از فضل بن ابو قره -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید:
«خداوند به ابراهیم وحی کرد که به زودی، فرزندی برایت به دنیا می آید. آن را به
ساره گفت. وی گفت: «من با این پیری و کهن سالی، بچه می زایم؟!». خداوند به ابراهیم
وحی کرد: او به زودی بچه دار می شود؛ اما چون سخن مرار د کرد، فرزندان
چهار صد سال به سختی می افتند.

هنگامی که سختی بنی اسرائیل به درازا کشید و چهل روز به گریه و ناله
پرداختند، خداوند به موسی وحی کرد که آنان را از دست فرعون آزاد کند و از این
رو، صد و هفتاد سال عذاب از آنها برداشته شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «شما نیز این گونه هستید. اگر شما نیز چنین کنید، خداوند
از کارتان گره می گشاید؛ اما اگر این گونه نکنید، امر تا نهایتش می رود» ^۲.

۱۰۱۳. الکافی - با سندش به نقل از عمرو بن ابو مقدم -: امام صادق علیه السلام این دعا را - که جامع
دنیا و آخرت است - بر من املا فرمود: «پس از حمد و ثنای الهی می گویی: "خدایا!
تو خداوندی هستی که معبودی جز تو خدای بردبار بخشنده نیست و تو خدایی
هستی که معبودی جز تو خدای عزیز حکیم نیست و تو خدایی هستی که معبودی
جز تو خدای یگانه چیره نیست خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست
و فرجشان، آسودگی، راحتی و شادی شان را نزدیک گردان"» ^۳.

۱. ثقیفه، طوسی: ص ۲۹۰ - ۲۹۲ ح ۲۴۷ (با سند معتبر). کمال الدین: ص ۴۸۳ ح ۱۰۶ الاحتجاج: ج ۲ ص ۵۴۲ -
۵۴۵، الخرائج و الجرائع: ج ۳ ص ۱۱۳ - ۱۱۵ ح ۳۰، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۷۰ - ۲۷۲، کشف الغمّة: ج ۳
ص ۲۲۱، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۰ ح ۱۰، نیز رک: همین دانش نامه: ج ۴ ص ۲۲۷ (پاسخ پرسش های
اسحاق بن یعقوب).

۲. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۱۵۴ ح ۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۳۱ ح ۳۴.

۳. الکافی: ج ۳ ص ۵۸۳ ح ۱۸ (با سند معتبر).

الفصل الرابع

الدُّعَاءُ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ

١٠١٠. كمال الدين : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْجَرِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا:

... وَاللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عليه السلام عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ، وَوَقَّعَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

١٠١١. الغيبة للطوسي : أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ وَأَبِي غَالِبِ الزُّرَّارِيِّ (وغيرهما)، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعَمْرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلَتْ عَلَيَّ، فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ عليه السلام: ...

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَشِيَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَإِنِّي لِأَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عَلَيَّ مَا قَدْ كُفَيْتُمْ، وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَيَّ

فصل چهارم

دعا برای تحجیل در فرج

۱۰۱۰. کمال الدین - با سندش به نقل از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری - : بر ابو محمد حسن بن علی (امام عسکری علیه السلام) وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از ایشان بپرسم که قبل از پرسش من فرمود: «به خدا سوگند، او چنان غایب می شود که تنها، کسی از هلاک شدن نجات می یابد که خدای تعالی او را بر اعتقاد به امامتش استوار و در آن روزگار، به دعا برای تعجیل در فرجش، موفق بدارد»^۱.

۱۰۱۱. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از اسحاق بن یعقوب - : از محمد بن عثمان عمری - که خدا رحمتش کند - خواستم نامه ای را برایم [به امام زمان علیه السلام] برساند که در آن از مسائلی که برایم مشکل شده بود، پرسیده بودم. توقیع به خط مولایمان، صاحب الدار علیه السلام آمد: «... و اما چگونگی سود بردن از من در غیبتم، مانند سود بردن از خورشید است، هنگامی که ابر، آن را از دیده ها پنهان می دارد؛ و من، مایه ایمنی اهل زمین هستم، همان گونه که ستارگان، مایه ایمنی اهل آسمان اند. پس درهای سؤال را از آنچه به کارتان نمی آید، ببندید و [پیش از] آنچه را کفایت شده اید، بر دوش خود منهدم، و برای تعجیل در فرج، فراوان دعا کنید که این،

۱. کمال الدین: ص ۳۸۲ ح ۱ (با سند معتبر). إعلای التوری: ج ۲ ص ۲۴۸. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۳۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳ ح ۱۶. نیز برای دیدن همه حدیث. ر. ک: همین دانش نامه: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۵۳۵.

الفصل الخامس

الْمَهْدِيُّ لِلدَّوْلَةِ الْأَمَامِيَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١ / ٥

رَوَايَاتُ تَشِيرُ إِلَى التَّوَلَّى

١٠١٤ . سنن ابن ماجه : حَدَّثَنَا حَرْمَلَةُ بْنُ يَحْيَى الْمِصْرِيُّ وَإِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعِيدٍ الْجَوْهَرِيُّ ، قَالَا : ثنا أبو صالح عبد القفار بن داود الحراني ، ثنا ابن لهيعة ، عن أبي زرعة عمرو بن جابر الحضرمي ، عن عبد الله بن الحارث بن جزء الربيدي ، قال : قال رسول الله ﷺ :
يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ ، فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ ، يَعْنِي سُلْطَانَهُ ١ .

١٠١٥ . الغيبة للنعماني : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ ، عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْخَلْبِيِّ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ ، عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِلِيِّ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ :

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا

١ . ليس في المعجم الأوسط «يعني» وفي شرح الأخبار «فيعطون المهدي سلطاناه يدعوناه» .

٢ . في الزوائد : في إسناد عمرو بن جابر الحضرمي وعبد الله بن لهيعة وهما ضعيفان .

فصل پنجم

زمینه سازی برای حکومت امام مهدی علیه السلام

۱/۵

احادیثی که به انقلاب زمینه ساز اشاره دارند

۱۰۱۴. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از عبد الله بن حارث بن جزء زبیدی - : پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مردمی از شرق، قیام می کنند و برای حکومت مهدی، زمینه را آماده می کنند»^۱.

۱۰۱۵. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از ابو خالد کابلی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی می بینم گروهی را که در شرق در پی گرفتن حق، قیام می کنند؛ اما آن را به ایشان نمی دهند. دوباره آن را می طلبند؛ ولی به آنها داده نمی شود. پس چون این وضعیت را می بینند، شمشیرهایشان را بر گردن خود می نهند. آنچه را خواسته بودند، به ایشان می دهند، اما دیگر آن را نمی پذیرند تا این که قیام می کنند و آن را جز به صاحبان نمی سپرند. کشتگان آنها شهیدند. هان! من اگر آن زمان را درک می کردم، خود را

۱. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۸ ح ۴۰۸۸، المعجم الأوسط: ج ۱ ص ۹۴ ح ۲۸۵ (در این منبع، «حکومت» نیامده است)، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳ ح ۲۸۶۵۷، کنف اللمعة: ج ۳ ص ۲۶۷، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۶۵ ح ۱۲۳۶، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۸۷.

يُعْطُونَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

١٠١٦. الإقبال : هذا ما رَوَيْنَاهُ وَرَأَيْنَاهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

اللَّهُ أَجَلٌ وَأَكْرَمٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِإِمامٍ عَادِلٍ، قَالَ : قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَأَخْبِرْنِي بِمَا أَسْتَرْيِحُ إِلَيْهِ.

قَالَ : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، لَيْسَ يَرَى أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَرَجاً أَبَداً مَا دَامَ يُوَلِّدُ بَنِي فُلَانٍ مُلْكٌ حَتَّى يَنْقَرِضَ مُلْكُهُمْ، فَإِذَا انْقَرَضَ مُلْكُهُمْ أَتَاكَ اللَّهُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، يُشِيرُ بِالتَّقَى وَيَعْمَلُ بِالْهُدَى وَلَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرُّشَا، وَاللَّهُ، إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ، ثُمَّ يَأْتِينَا الْغَلِيظُ النَّصْرَةَ دُو الْخَالِ وَالشَّامَتَيْنِ، الْقَائِمُ الْعَادِلُ الْحَافِظُ لِمَا اسْتَوْدِعَ، يَمَلُؤُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا الْفُجَّارُ جَوْرًا وَظُلْماً.

١٠١٧. الكافي : عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ، عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾^٢ قَالَ :

قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَطَعَنُ الْحَسَنِ ﷺ، «وَلَتَنْظُرُنَّ عَلُوًّا كَبِيرًا» قَالَ : قَتَلَ الْحُسَيْنِ ﷺ «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَانَهُمَا»، فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ ﷺ «بَغْتُنَا عَلَيْكُمْ

١. الرِّشْوَةُ وَالرُّشُوءُ : الرِّشْوَةُ : الرِّشْوَةُ إِلَى الْحَاجَةِ بِالصَّانِعَةِ، فَالرَّاشِي : مَنْ يُعْطِي الَّذِي بَعِنَهُ عَلَى الْبِاطِلِ، وَالْمُرْتَشِي :

الْأَخَذُ (الْشَّهَادَةُ : ج ٢ ص ٢٢٦ «رِشَا»).

٢. الإسراء : ٤.

برای صاحب این امر، خود را نگاه می‌داشتیم.^۱

۱۰۱۶. الإقبال - به نقل از ابو بصیر - : امام صادق ع فرمود: «خداوند، باشکوه‌تر و کریم‌تر و بزرگ‌تر از آن است که زمین را بدون امام رها کند».

گفتم: فدایت شوم! به من چیزی بگو که آسوده خاطر شوم.

فرمود: «ای ابو محمد! امت محمد ص تا آن گاه که فرزندان بنی فلان حکومت دارند، هیچ گاه فرجی نخواهند دید تا آن که حکومت اینان منقرض شود و چون حکومتشان منقرض شود، خداوند، مردی از ما اهل بیت را مقدر کرده که به پرهیزگاری، راه‌نمایی و به هدایت، رفتار می‌کند و در حکمش رشوه نمی‌گیرد و به خدا سوگند، او را با نام خودش و نام پدرش می‌شناسم. سپس آن مرد سببر نیرومند خالدار نشاندار، قائم به عدالت و حافظ امانت‌های به او سپرده شده، می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که بدکاران، آن را از ظلم و ستم پر کرده‌اند».^۲

۱۰۱۷. الکافی - با سندش به نقل از عبد الله بن قاسم بطل - : امام صادق ع فرمود: «سخن خداوند متعال: ﴿و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می‌کنید﴾، [دو بار تباه کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب ع و نیزه زدن به حسن ع. ﴿و گردنکشی بزرگی می‌کنید﴾، یعنی کشتن حسین ع. ﴿و چون هنگام [کیفر] نخستین تباهکاری فرا رسید﴾، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین ع. ﴿بندگان سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم که تا درون خانه‌هایتان را بکاوند﴾، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از قیام قائم بر می‌انگیزد و هیچ خون ریخته شده‌ای از

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۷۲ ح ۵۰ (با سند معتبر). بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۲۳ ح ۱۱۶.

۲. الإقبال: ج ۳ ص ۱۱۶. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۶۹ ح ۱۵۸.

عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ؛ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام، فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَا لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلَهُ، «وَكَانَ وَعْدًا مُّفْعُولًا»^١ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام.

١٠١٨. تفسير العياشي: عن صالح بن سهل، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «وَقَضَيْتَنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لِنُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» قَتْلُ عَلِيِّ وَطَعْنُ الْحَسَنِ، «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» قَتْلُ الْحُسَيْنِ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» إِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ، لَا يَدْعُونَ وَتَرَا لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا حَرَقُوهُ «وَكَانَ وَعْدًا مُّفْعُولًا» قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ.

٢ / ٥

دَوْرُ الْقَمِيَّتَيْنِ فِي الدَّفَاعِ عَنِ الْحَوْرِ نَصْرَةَ الْإِمَامِ الْهَادِي عليه السلام

١٠١٩. بحار الأنوار: بإسناده^٣ عن عَفَّانَ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي: أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَ «قَمًّا»؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتَ أَعْلَمُ!

قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ «قَمًّا» لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -، وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ.

١٠٢٠. بحار الأنوار: عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّبِيعِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى

١. الإسراء: ٥.

٢. الوتر: الجناية التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو نهب أو سبي، ومنه الوتر لمن قتل له قتيل فلم يدرك بدمه (التهامة: ج ٥ ص ١٢٨ «وتر»). وقال العلامة المازندراني: «ولعل المراد به المتصف بها» (شرح الكافي للمازندراني: ج ١٢ ص ٢٦٠). وقال العلامة المجلسي: «قوله عليه السلام: «وترأ»، الوتر - بالكسر -: الجناية، أي صاحب وتر وجناية على آل محمد عليهم السلام» (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ١٢٣).

٣. أي الحسن بن محمد بن الحسين القمي في كتاب تاريخ قم.

خانندان محمد را و نمی‌نهند، جز آن که قاتلش را می‌کشند. «و این وعده‌ای شدنی است»، یعنی خروج و قیام قائم.^۱

۱۰۱۸. تفسیر العیاشی - به نقل از صالح بن سهل - : امام صادق علیه السلام فرمود: «و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می‌کنید»، [دو بار تباه کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به حسن علیه السلام. «و گردنکشی بزرگی می‌کنید»، یعنی کشتن حسین علیه السلام. «و چون هنگام [کیفر] نخستین تباہکاری فرار سید»، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین علیه السلام. «بندگانی سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم که تادرون خانه‌هایتان را بکاورند»، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از خروج قائم بر می‌انگیزد و هیچ خون ریخته شده‌ای از خاندان محمد را و نمی‌نهند، جز آن که جنایتکارش را می‌سوزانند. «و این وعده‌ای شدنی است»، یعنی پیش از قیام قائم.^۲

۲ / ۵

نقش قمیان در دفاع از حق و نصرت امام مهدی علیه السلام

۱۰۱۹. بحار الأنوار - با سندش به نقل از عفان بصری - : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می‌دانی چرا قم را "قم" نامیده‌اند؟».

گفتم: خداوند و پیامبرش و شما بهتر می‌دانید.

فرمود: «آن را قم نامیدند؛ چرا که اهلش به گرد قائم خاندان محمد - که دروذهای خدا بر او باد - جمع می‌شوند و با او قیام می‌کنند و همراه او پایداری می‌ورزند و وی را یاری می‌دهند».^۳

۱۰۲۰. بحار الأنوار - با سندش به نقل از صفوان بن یحیی بیاع سابری - : روزی نزد امام کاظم علیه السلام بودم. سخن از قم و اهل آن و تمایل آنان به مهدی علیه السلام به میان آمد. امام علیه السلام

۱. الکافی: ج ۸ ص ۲۰۶ ح ۲۵۰، مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۸، تأویل الآیات الظاهرة: ج ۱ ص ۲۷۷ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۹۳ ح ۱۰۳.

۲. تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۲۰، کامل الزیارات: ص ۱۳۳ ح ۱۵۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۵۶ ح ۴۶.

۳. بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۱۶ ح ۲۸ (به نقل از: تاریخ قم).

بِتَاعِ السَّابِرِيَّ، قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ ؑ فَجَرَى ذِكْرُ «قُمَّ» وَأَهْلِيهِ وَمِثْلِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ ؑ، فَتَرَحَّمَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ:

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ «قُمَّ». وَهُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ، خَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا يَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ.

١٠٢١. بحار الأنوار: روى بعض أصحابنا، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ جَالِسًا، إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَلِ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا».

فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هُمْ وَأَهْلُ «قُمَّ».

١٠٢٢. بحار الأنوار: عَنِ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى، عَنِ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ؑ قَالَ:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ «قُمَّ» يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَيْرِ الْحَدِيدِ، لَا تُرْتَلِّهُمُ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَخْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبِتُونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

راجع: ج ٧ ص ٢٢٦ (القسمة العاشر؛ الفصل الثاني؛ افاضة العلم من قم إلى سائر البلاد).

١. زُبَيْرُ الْحَدِيدِ: (بفتح الباء وضمتها) أي قطع الحديد (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٣٦ «زبر»).

برایشان طلب رحمت کرد و فرمود: «خدا از آنان خوشنود باشد!» سپس فرمود: «بهشت، هشت در دارد که یکی از آنها برای قمیان است و آنان برگزیدگان شیعیان ما از میان دیگر شهرها هستند. خداوند متعال، ولایت ما را با سرشت ایشان عجین کرده است.»^۱

۱۰۲۱. بحار الأنوار - به نقل از یکی از یاران ما - نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که این آیه: ﴿هنگامی که مرعد [کیفر] نخستین گردنکشی فرارسد، بندگانی سخت جنگاور را از خردمان بر شما می‌گماریم تا درون خانه‌هایتان را بکاوند و این، وعده‌ای شدنی است﴾ را خواند.

گفتم: فدایت شویم! این بندگان کیستند؟

سه بار فرمود: «به خدا سوگند، آنان اهل قم هستند.»^۲

۱۰۲۲. بحار الأنوار - با سندش به نقل از ایوب بن یحیی جندل - امام کاظم علیه السلام فرمود: «مردی از اهل قم، مردم را به حق فرا می‌خواند. گروهی به استواری پاره‌های آهن، گرد او را می‌گیرند. توفان‌های شدید، آنها را نمی‌لغزاند و از نبرد، خسته نمی‌شوند و هراسان نمی‌گردند و بر خدا توکل می‌کنند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است.»^۳

ر.ک: ج ۷ ص ۲۲۷ (بخش دهم، فصل دوم: سرازیر شدن علم از فقه به دیگر جاه‌ها).

۱. بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۳۹ (به نقل از: تاریخ قم).

۲. بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۴۰ (به نقل از: تاریخ قم).

۳. بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۳۷ (به نقل از: تاریخ قم).

پژوهشی درباره مهم‌ترین وظیفه پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در عصر غیبت

مسئله بسیار مهمی که در این فصل باید بررسی گردد، این است که: مهم‌ترین وظیفه مسلمانان، بویژه پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در عصر غیبت امام مهدی علیه‌السلام چیست؟ آیا آنان در این دوران، وظیفه‌ای در جهت تأسیس حکومت اسلامی و اقامه ارزش‌های دینی ندارند؟ آیا وظایف آنها در انجام دادن وظایف فردی، شتاب نکردن در اقامه احکام سیاسی و اجتماعی اسلام، دعا کردن برای ظهور امام غایب، و منتظر ماندن برای ظهور ایشان، خلاصه می‌شود؟ و آیا مسلمانان، هیچ وظیفه‌ای در مورد تأسیس حکومتی بر پایه احکام و قوانین اسلامی و زمینه‌سازی فرهنگی و سیاسی برای حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام ندارند؟

دو دیدگاه در باره تأسیس حکومت در عصر غیبت

در باره این مسئله - که بویژه پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه‌السلام، اهمیت دوچندانی یافته -، دو دیدگاه وجود دارد:

۱. تأسیس حکومت، مهم‌ترین وظیفه عصر غیبت

دیدگاه اول، این است که مهم‌ترین وظیفه مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در روزگار غیبت، تأسیس حکومتی است که افزون بر اقامه احکام و حدود الهی، برای حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام نیز زمینه‌سازی نماید - که موضوع این پژوهش هم هست - .

برای تبیین این دیدگاه، دو مقدمه باید اثبات گردد:

مقدمه اول: ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام غایب؛

مقدمه دوم: ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه‌سازی حکومت امام

مهدی (عج).

یک. ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام غایب

با در نظر گرفتن حکمت غیبت امام عصر (عج)،^۱ به سادگی می‌توان به نقش زمینه‌سازی برای ظهور ایشان و ضرورت آن، پی برد؛ زیرا اصلی‌ترین فلسفه غیبت ایشان، چیزی جز فراهم نبودن زمینه‌های لازم جهت تشکیل حکومت جهانی اسلام نیست.

از سوی دیگر، مهم‌ترین لوازم انتظار حقیقی ظهور امام مهدی (عج) - که در احادیث فصل اول این بخش بر آن تأکید شده - فراهم‌سازی زمینه قیام ایشان است. همچنین بر اساس احادیثی دیگر - که در فصل سوم آمده‌اند و از پیروان اهل بیت (عج) می‌خواهند که در برابر مشکلات دینداری در عصر غیبت، پایداری کنند -، سازش‌ناپذیری با زمامداران ستمگر و زمینه‌سازی برای روشنگری و آگاهی توده‌های مردم در جهت براندازی حکومت آنان و ایجاد حکومت جهانی اسلام، ضروری‌اند؛ زیرا در غیر این صورت، تأکید بر مشکلات توان‌فرسای شیعیان در عصر غیبت، بی‌معناست. بنا بر این، تردیدی در ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی (عج) نیست.

البته چنان‌که در فصل سوم آمده، عجله و تندروی در سرنگون‌سازی حکومت جباران، نکوهیده، و به کارگیری نهایت دقت و تدبیر در این باره، لازم و ضروری است.

۱. ر.ک. ج ۳ ص ۱۷۴ (بخش سوم / فصل دوم / تبیین حکمت غیبت).

دو. ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه‌سازی ظهور

به نظر می‌رسد مقدمه دوم، یعنی ضرورت تشکیل حکومت جهت زمینه‌سازی برای ظهور، بسیار بدیهی و روشن است و نیازی به اثبات ندارد. به سخن دیگر، تصور آن برای تصدیقش کافی است؛ زیرا برای زمینه‌سازی حکومت جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، امکانات در اختیار یک حکومت را نمی‌توان با امکانات فردی - که با صدها مانع سیاسی و اجتماعی رو به روست -، مقایسه کرد. بنا بر این، نقش بنیادین تشکیل حکومت برای زمینه‌سازی ظهور، غیر قابل انکار است.

نکته‌ای که در این جا نباید مورد غفلت قرار گیرد، این است که امکانات تبلیغی، به تنهایی برای ترویج معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و بسترسازی جهت حکومت جهانی اسلام، کافی نیستند؛ بلکه همان طور که در رهنمودهای اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده، تبلیغ عملی مدعیان پیروی از اهل بیت (علیهم‌السلام) بویژه کارگزاران حکومتی که حکومت به نام آنان تأسیس می‌شود نیز برای انتقال صحیح پیام‌های فرهنگی خاندان رسالت، ضروری است. باید توجه داشت که اگر تبلیغ عملی، با تبلیغ رسانه‌ای همراه نباشد، چه بسا تبلیغات رسانه‌ای، نتیجه معکوس دهند.

بنا بر این، جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که بتواند در عمل، کارایی مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، امنیتی و بویژه در زمینه فرهنگی و سبک زندگی، در معرض دید جهانیان قرار دهد، بی تردید، نوید دهنده ظهور امام عصر (علیه‌السلام) و حاکمیت جهانی اسلام خواهد بود.

بر این اساس و با توجه به دو مقدمه‌ای که گذشت (ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام غایب و ضرورت تشکیل حکومت زمینه‌سازان)، روشن می‌شود که مهم‌ترین وظیفه پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام)، بلکه همه علاقه‌مندان به حکومت جهانی اسلام، مبارزه با زمامداران جبار حاکم بر جوامع اسلامی و تشکیل حکومتی مبتنی بر

قوانین اسلامی و آرمان‌های خاندان رسالت است.^۱

بزرگ‌ترین نظریه پرداز این دیدگاه، امام خمینی علیه السلام است که با رهبری او و مقاومت ملت ایران و ایثار و فداکاری مجاهدان، طلسم حکومت دو هزار و پانصدساله زورمداران بر کشور ایران را شکست و حکومتی بر پایه قوانین اسلامی در این کشور شکل گرفت.

بر اساس این دیدگاه، در عصر غیبت نیز مانند عصر حضور، مسلمانان موظف‌اند که در حد توان، احکام اسلامی را اقامه کنند، و برای انجام دادن این وظیفه، راهی جز تشکیل حکومت دینی ندارند. البته تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت در درجه اول، بر عهده مجتهد جامع شرایط رهبری است^۲ و مسئولیت زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام مهدی علیه السلام بر عهده این حکومت خواهد بود.

۲. اختصاص تشکیل حکومت به عصر حضور

دیدگاه دوم، این است که تشکیل حکومت دینی و اجرای احکام اسلامی در جامعه، ویژه خاندان رسالت است، بدین معنا که پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و مدت کوتاهی از امامت امام حسن علیه السلام تا ظهور امام مهدی علیه السلام، اسلام برنامه‌ای برای تشکیل حکومت و اجرای حدود الهی ندارد، و مسلمانان و به طور خاص، پیروان اهل بیت علیهم السلام، مکلف به تلاش برای تشکیل حکومت دینی و اقامه ارزش‌های الهی نیستند و تنها وظیفه آنان، انجام دادن تکالیف فردی است. به عبارت دیگر، هر چند در مسائل حکومتی، تسلیم زورمداران و حتی دشمنان اسلام باشند، حق مبارزه با آنان را ندارند(!) و در یک جمله، در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام، دین از سیاست

۱. گفتمنی است که افزون بر نقش حکومت دینی در بسترسازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام، ضرورت تشکیل چنین حکومتی در عصر غیبت جهت اجرای احکام و قوانین اسلام، مبتنی بر ادکة فراوانی از کتاب (قرآن)، سنت و عقل و اجماع است. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: دراسات فی ولایة النقیه: ج ۱، ص ۸۳-۲۰۴.

۲. ر.ک: صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۷۸ (پیام امام به مراجع اسلام، ۱۳۶۷/۱۲/۳).

جداست.

امام خمینی علیه‌السلام با اشاره به این دیدگاه می‌فرماید:

استکبار، وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مایوس شد، دو راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود: یکی راه ارباب و زور، دیگری، راه خدعه و نفوذ. در قرن معاصر، وقتی حربه ارباب و تهدید، چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ، تقویت گردید. اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار «جدایی دین از سیاست» است که متأسفانه این حربه در حوزه روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است، تا جایی که دخالت در سیاست، دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاستون، شهرت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد.... ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب، کاری‌تر از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی، اگر می‌خواستی بگویی: شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! ترویج تفکر «شاه، سایه خداست» و یا «با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و این که «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد؟» و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه‌السلام باطل است»، و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان‌فرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات، جلوی آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود.^۱

شواهد دیدگاه دوم

در این جا لازم است به احادیثی که به عنوان شاهد و دلیل دیدگاه دوم (اختصاص تشکیل حکومت دینی به عصر حضور)، مورد استناد قرار می‌گیرند، اجمالاً اشاره و توضیحات لازم ارائه گردد:

۱. صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۲۷۸ (پیام امام به مراجع اسلام، ۶۷/۱۲/۳).

یک. احادیث فراگیر شدن ظلم، قبل از ظهور امام مهدی (عج)

دسته اول از احادیثی که ممکن است به عنوان شاهد دیدگاه دوم، مورد بهره‌برداری قرار گیرند، احادیثی هستند که تأکید می‌کنند امام مهدی (عج) هنگامی ظهور می‌کند که ظلم و جور، جهان را فرا گرفته است.^۱

بر پایه این احادیث، فراگیر شدن ظلم، مقدمه ظهور امام غایب است. بنا بر این، ممکن است از این احادیث چنین برداشت شود که هر اقدامی جهت مبارزه با ظلم و استقرار عدل در جامعه، به معنای تلاش برای از بین بردن مقدمه ظهور آن امام و در نتیجه، به تأخیر افتادن ظهور ایشان است. از این رو، منتظران ظهور امام مهدی (عج) نه تنها نباید کوچک‌ترین اقدامی در جهت اصلاح ناهنجاری‌ها و استقرار عدل و داد در جامعه نمایند، بلکه به عکس باید آنها نیز به گسترش ظلم و تباهی در جهان کمک کنند تا هر چه زودتر امام عصر (عج) ظاهر شود (۱)

چنین برداشت انحرافی‌ای از این احادیث، در واقع، به قدری سست و بی‌اساس است که توضیح آن برای نقد و رد آن، کافی است، چنان که امام خمینی (عج) در ادامه پیام به مراجع اسلام، با اشاره به دیدگاه یاد شده می‌فرماید:

البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست، از لایه‌های تفکر اهل جمود، به طلاب جوان سرایت نکند.....

دیروز، مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند: دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است. امروز می‌گویند: مسئولین نظام، کمونیست شده‌اند. تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان را برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - مفید و راه‌گشا می‌دانستند. امروز این که در گوشه‌ای خلاف شرعی - که هرگز خواست مسئولین نیست - رخ می‌دهد، فریاد «و اسلاما» سر

۱. ر.ک: ج ۷ ص ۲۴۲ (فصل دوم / فراگیری ظلم و ستم).

می‌دهند! دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند؛ امروز، انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند.

ولایتی‌های دیروز - که در سکوت و تحجر خود، آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند [و] در عمل، پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است -، امروز، خود رابانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند.^۱

با اندکی تأمل در احادیثی که پیشگویی کرده‌اند قبل از ظهور امام مهدی علیه‌السلام، ظلم، جهان را فرا خواهد گرفت، مشخص می‌شود که مقصود آنها، نسخ آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و تعطیل احکام و حدود الهی در عصر غیبت نیست؛ بلکه مقصود، پیشگویی از فراگیر شدن نسبی ستم و تباهی پیش از ظهور دادگستر جهان است، و به سخن دیگر، با همه تلاش‌هایی که مؤمنان و منتظران راستین، جهت مبارزه با فساد باید انجام دهند، قبل از ظهور منجی موعود، حکومتی که بتواند رژیم‌های ظالمانه‌ای را که ظلم آنها فراگیر است، ریشه کن کند و عدالت را در سراسر جهان بگستراند، تحقق نخواهد یافت.

دو. احادیث نهی از قیام، قبل از قیام قائم علیه‌السلام

دسته دوم از احادیثی که دستاویز مخالفان تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت است، شامل احادیثی است که در نگاه ابتدایی و سطحی، بر نهی مبارزه با حکومت‌های فاسد، و لزوم سازش و مسالمت با آنها، قبل از قیام امام مهدی علیه‌السلام دلالت دارند. مهم‌ترین احادیث این دسته،^۲ به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول، احادیثی هستند که رهبران قیام قبل از قیام امام مهدی علیه‌السلام را «طاغوت»

۱. صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۸۱ (پیام امام به مراجع اسلام، ۱۳۶۷/۱۲/۳).

۲. برای آشنایی بیشتر با احادیثی که در این باره وارد شده، ر.ک: دراسات فی ولایة الغیبه: ج ۱ ص ۲۰۵-۲۵۶.

نامیده‌اند و به حسب ظاهر دلالت دارند که هر گونه جنبش بر ضد ستمگران قبل از نهضت جهانی مهدوی، مذموم و محکوم است، مانند آنچه کلینی (ع) از ابو بصیر، از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ.^۱

هر پرچمی قبل از قیام قائم برافراشته شود، پرچمدار آن، طاغوت است.

طبق این سخن، قیام بر ضد زمامداران ستمگر، قبل از قیام جهانی امام عصر (ع) به طور مطلق، جایز نیست و هر کس رهبری آن را به عهده داشته باشد، طاغوت شمرده می‌شود و مخالفت با او واجب است.

گروه دوم از احادیث این دسته، احادیثی هستند که توصیه می‌کنند قبل از آشکار شدن نشانه‌های ظهور امام مهدی (ع)، پیروان اهل بیت (ع) نباید در مبارزه بر ضد حاکمان جائر شرکت کنند، مانند حدیثی که ثقة الإسلام کلینی (ع) از سدیر نقل کرده که امام صادق (ع) خطاب به او می‌فرماید:

يَا سَدِيرُ! الزَّمْ بَيْتَكَ وَكُنْ جَلَساً مِنْ أَحْلَاسِيهِ. وَاسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. فَإِذَا بَلَغَكَ أَنْ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا.^۲

ای سدیر! پیوسته در خانه خود بنشین و همچون پلاسی از پلاس‌های خانه باش، و تا شب و روز آرام است، آرامش خود را حفظ کن. پس هنگامی که شنیدی سفیانی قیام کرده است، به سوی ما کوچ کن، گرچه با پای پیاده.

همچنین ایشان در حدیثی دیگر از عمر بن حنظله از امام صادق (ع) نقل کرده که می‌گوید:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْخَسْفُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ، وَالْيَمَانِيُّ.

۱. الکافی: ج ۸ ص ۲۹۵ ح ۴۵۲. همین مضمون در کتاب الفیته نعمانی (ص ۱۱۴ ح ۹) از مالک بن اعین، از امام باقر (ع) نقل شده است.

۲. الکافی: ج ۸، ص ۲۶۴ ح ۲۸۲، وسائل الشیعة: ج ۱۱ ص ۳۶ ح ۲ و ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۴ و ۱۶. همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۹۸ ح ۱۱۶۶.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَنْخُرُجَ مَعَهُ؟
قَالَ: لَا.

پیش از قیام قائم علیه‌السلام پنج نشانه است: صیحه آسمانی، قیام سفیانی، فرورفتن لشکر سفیانی در زمینی به نام بیداء^۱ کشته شدن نفس زکیه، و قیام یمانی. گفتیم: فدایت شوم! اگر قبل از این نشانه‌ها، یکی از خاندان شما قیام کرد، آیا با او همراهی کنیم؟ فرمود: نه.^۲

در حدیث دیگری نیز، در ماجرای قیام ابو مسلم خراسانی و نامه وی به امام صادق علیه‌السلام، ایشان در باره نشانه هنگام قیام، خطاب به فضل بن کاتب می‌فرماید:
لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ يَا فَضْلُ حَتَّى يَخْرُجَ السُّفْيَانِيُّ، فَإِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَأَجْبُوا إِلَيْنَا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - وَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِمْ.^۳

از جای خود حرکت مکن تا این که سفیانی قیام کند. پس هر گاه سفیانی قیام کرد، به سوی ما روی آورید (این جمله را سه بار تکرار کرد) و این، از نشانه‌های حتمی است.

در حدیثی دیگری، ابو بکر حضرمی می‌گوید: هم‌زمان با ظهور پرچم‌های سیاه در خراسان، من و ابان بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدیم و گفتیم: نظر شما چیست؟ امام علیه‌السلام فرمود:

إِجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ، فَانْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ.^۴
در خانه خود بنشینید و هر گاه دیدید که ما گرد مردی جمع شده‌ایم، با سلاح به سوی ما بشتابید.

این احادیث به حسب ظاهر، دلالت دارند که پیروان اهل بیت علیهم‌السلام قبل از مشاهده

۱. بیداء، بیابان بزرگ میان مکه و مدینه است که پس از مبقات ذو الحلیفه آغاز می‌شود.

۲. ر.ک: ج ۷ ص ۲۱۷ ح ۱۲۸۰.

۳. ر.ک: ج ۷ ص ۶۶ ح ۱۱۲۸.

۴. الغیبة، نعمانی: ص ۱۹۷ ح ۶.

نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام؛ هیچ وظیفه‌ای برای مبارزه بر دوش ندارند؛ بلکه وظیفه آنها خانه‌نشینی و همکاری نکردن با قیام‌کنندگان است.

گروه سوم احادیث، بر وجوب تقیه بویژه قبل از قیام امام مهدی علیه السلام دلالت دارند که مقتضای آنها، حرمت قیام است. دو حدیث حسین بن خالد و محمد بن عماره، از این گروه و به قرار زیرند:

شیخ صدوق به سند خود از حسین بن خالد، از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:

لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ... إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام، فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا.^۱

کسی که از گناه برهیز نمی‌کند، دین ندارد، و کسی که تقیه را رعایت نمی‌کند، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما نزد خدا، کسی است که بیشتر تقیه می‌کند... تا روزی که وقت آن [نزد خدا] معلوم است و آن، روز قیام قائم ما اهل بیت علیهم السلام است. پس هر کس قبل از قیام قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.

شیخ صدوق از محمد بن عماره، از پدرش، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

الْمُؤْمِنُ مُجَاهِدٌ لِأَنَّهُ يُجَاهِدُ أَعْدَاءَ اللَّهِ تَعَالَى فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ بِالتَّقِيَّةِ وَ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ بِالسَّيْفِ.^۲

مؤمن [همواره] در حال جهاد است؛ زیرا او در دولت باطل، به وسیله تقیه و در دولت حق، با شمشیر، با دشمنان خدا جهاد می‌کند.

چه بسا از این گونه احادیث نیز برداشت شود که در حکومت‌های باطل، قیام مسلحانه، مطلقاً جایز نیست. بنا بر این، پیروان اهل بیت علیهم السلام تا ظهور امام مهدی علیه السلام باید تسلیم حاکم جائر باشند.

۱. ر.ک: ج ۹ ص ۲۲۸ ح ۱۷۸۹ (کمال‌الدین).

۲. علل الشرائع: ج ۲ ص ۲۶۷ ح ۴۲. بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۷۲.

مفاد احادیث گروه چهارم، پیشگویی از شکست همه قیام‌های قبل از قیام مهدوی است، مانند: حدیث مرفوع ربیع بن عبد الله بن جارود، از امام زین العابدین علیه‌السلام که ایشان فرمود:

وَاللّٰهُ لَا يَخْرُجُ وَاحِدًا مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام إِلَّا كَانَ مَثَلَهُ مَثَلُ فَرَّخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ، فَأَخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَثُوا بِهِ.^۱

به خدا سوگند، پیش از خروج قائم علیه‌السلام، هیچ یک از ما قیام نمی‌کند، مگر این که او همچون جوجه‌ای است که پیش از محکم شدن بال‌هایش از آشیانه خود پرواز کند. پس [به زمین می‌افتد و] کودکان، او را می‌گیرند و با او بازی می‌کنند (بازیچه دست دیگران می‌شود).

و نیز حدیث ابو الجارود، زیاد بن منذر که می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که

فرمود:

لَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ يَدْفَعُ ضَيْمًا وَلَا يَدْعُو إِلَىٰ حَقٍّ إِلَّا صَرَغَتْهُ الْبَلِيَّةُ حَتَّىٰ تَقُومَ عِصَابَةٌ شَهَدَتْ بَدْرًا لَا يُوَارِي قَتِيلُهَا وَلَا يُدَاوِي جَرِيحُهَا.^۲

هیچ یک از ما اهل بیت نیست که ظلم و ناروایی را دفع و مردم را به حق دعوت کند، مگر این که گرفتاری، او را به زانو در می‌آورد، تا این که گروهی که در جنگ بدر حضور یافتند، قیام کنند؛ گروهی که کشتگانشان به خاک سپرده نمی‌شوند و زخمی‌های آنها مداوا نمی‌گردند.

در پایان این حدیث، راوی می‌گوید: مقصود امام باقر علیه‌السلام از این گروه، فرشتگان

بود.

۱. انکافی: ج ۸ ص ۲۶۹ ح ۲۸۲. همین مضمون در کتاب الغیبة، نعمانی: (ص ۲۰۶ ح ۱۱۲) از امام باقر علیه‌السلام نیز نقل شده است.

۲. الغیبة، نعمانی: ص ۲۰۲ ح ۳.

و نیز حدیث متوکل بن هارون که از امام صادق ع نقل کرده که فرمود:
 مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِثْلَ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامٍ قَائِمًا أَوْ يَدْفَعُ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشُ حَقًّا إِلَّا
 اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِيَعَتِنَا.^۱
 هیچ یک از ما اهل بیت تا قیام قائم ما برای جلوگیری از ستمی و به پا داشتن حقی،
 قیام نمی‌کند، مگر این که ریشه‌کنی بلا بد نیست و قیام او بر اندوه ما و پیروان ما
 می‌افزاید.

هرچند در این دسته از احادیث، قیام قبل از ظهور امام مهدی عج نهی نشده، لیکن
 ظاهر مفاد آنها، باطل دانستن این گونه قیام‌هاست؛ زیرا نه تنها نتیجه‌ای ندارد و به
 شکست می‌انجامد، بلکه موجب آن است که قیام‌کننده، بازیچه دست سیاست‌بازان
 شود و سرنوشت وی و همراهانش، اندوه اهل بیت ع را افزون نماید.

نقد و بررسی احادیث نهی از قیام

به منظور نقد و ارزیابی این دسته از احادیث، لازم است ابتدا سند آنها و سپس
 محتوای آنها بررسی شوند و سرانجام، مضمون آنها بر موازین اصولی نقد و ارزیابی
 حدیث، عرضه شود.

الف - ارزیابی سند احادیث نهی از قیام

بسیاری از احادیث که ملاحظه شدند، از نظر سند، معتبر نیستند؛^۲ لیکن نکته مهم
 این است که اگر سند همه این احادیث هم صحیح فرض شوند، آنچه در نظر ابتدایی
 از این احادیث برداشت می‌شود، قطعاً مقصود نیست. این نکته را در ارزیابی
 مضمون آنها توضیح خواهیم داد.

۱. صحیفه سجّادیه: ص ۱۱.

۲. برای آگاهی از ارزیابی کامل سند احادیثی که در این باره وارد شده، رک: دراسات فی ولایة القفیه: ج ۱
 ص ۲۰۵-۲۵۶.

ب- ارزیابی مضمون احادیث نهی از قیام

در بررسی محتوا و مضمون احادیث نهی از قیام، با در نظر گرفتن فضای صدور آنها، چند نکته قابل توجه است:

۱. دسته اول از این احادیث، هرچند به ظاهر، مطلق‌اند و پرچمدار همه قیام‌های قبل از قیام مهدوی را طاغوت خوانده‌اند، لیکن با ملاحظه آنها در کنار احادیثی که قیام زید^۱ یا شهدای فنج^۲ را مورد تأیید قرار داده‌اند، معلوم می‌شود که اطلاق آنها مقصود نیست؛ بلکه مقصود، «پرچمداران قیام‌های باطل» اند، چنان‌که در حدیثی از امام باقر علیه‌السلام به این معنا تصریح شده است:

من رفع رایة ضلالة فصاحبها طاغوت.^۳

کسی که پرچم گمراهی را برافرازد، پرچمدار آن، طاغوت است.

همچنین با در نظر گرفتن معنای صدور این احادیث و احادیث دسته دوم، مشخص می‌شود که مقصود از آنها، نهی از تلاش برای تشکیل حکومت عدل بر پایه قوانین اسلامی نیست؛ زیرا این احادیث، در فضایی صادر شده‌اند که بسیاری از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام تصور می‌کردند زمینه برای تحقق حکومت جهانی اهل بیت علیهم‌السلام فراهم است؛ چرا که حکومت بنی امیه به دلیل جنایاتش، دیگر پایگاه اجتماعی نداشت و روزهای پایانی خود را سپری می‌کرد و حکومت بنی عباس هم تشکیل نشده و در آغاز راه بود، و از سوی دیگر، محبوبیت خاندان رسالت در جامعه اسلامی، در حال افزایش بود، به گونه‌ای که رهبران جنبش‌ها از نام آنان برای جذب هواداران بهره‌برداری می‌نمودند.

در چنین فضایی، به طور طبیعی، پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به این تحلیل می‌رسیدند

۱. ر.ک: ص ۴۳.

۲. ر.ک: ص ۴۴.

۳. الکافی: ج ۸ ص ۲۹۷ ح ۴۵۶.

که بهترین فرصت برای تشکیل حکومت موعود اهل بیت (ع) فراهم شده است؛ ولی امام صادق (ع) با دیدن خطای آنها در تحلیل، با تعبیرهای گوناگون تأکید فرمود که حکومت جهانی اهل بیت (ع) نشانه‌هایی دارد که تا تحقق نیابند، پیروان آنان باید منتظر بمانند.

بر این اساس، معنای این گونه احادیث، متن دادن به حکومت جباران و مخالفت با تلاش جهت تشکیل حکومت صالحان تا روزی که نشانه‌های حکومت جهانی اهل بیت (ع) آشکار شوند، نیست؛ بلکه بدین معناست که پیروان اهل بیت (ع) با نهضت‌هایی مانند قیام ابو مسلم خراسانی، همراهی نکنند.

۲. در احادیث یاد شده، افزون بر هشدار به قیام‌هایی که با انگیزه نفسانی و به نام اقامه عدل و ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرند، نکته دیگری قابل توجه است و آن، روشنگری در باره قیام امام مهدی (ع) و معرفی مهدیان دروغین^۱ است، بدین معنا که قبل از آشکار شدن نشانه‌های ظهور امام مهدی (ع)، هر کس به نام ایشان قیام کند، طاغوت شمرده، می‌شود و قیام او باطل و محکوم به شکست است.

۳. دسته چهارم از احادیث، پیش‌بینی کرده‌اند که اگر هر یک از خاندان رسالت، پیش از ظهور امام مهدی (ع) قیام کند، قیام او شکست خواهد خورد و موجبات ناراحتی خاندان رسالت را فراهم خواهد ساخت.

در ارزیابی این پیشگویی‌ها باید گفت:

اولاً: این پیشگویی‌ها، چنان که در متن احادیث تصریح شده، به اهل بیت (ع) اختصاص دارد و بدین معناست که هر یک از امامان اهل بیت (ع) قبل از امام مهدی (ع) قیام کند، قیام او موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

ثانیاً: با توجه به قیام سید الشهداء (ع) و قیام زید، بی‌ثمر بودن قیام‌های قبل از قیام

مهدوی، غیر قابل قبول است.

ثالثاً: موفقیت انقلاب اسلامی در ایران، عملاً ثابت کرد که پیشگویی‌های یاد شده به معنای نفی تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت نیست.

ج - سنجش احادیث نهی از قیام با موازین حدیث‌شناسی

مطلب سوم در ارزیابی احادیث نهی از قیام، سنجش مضمون ظاهری آنها با موازین حدیث‌شناسی است. فرض کنید که همه احادیث نهی از قیام و مبارزه با زمامداران جائز تا ظهور امام عصر علیه‌السلام، از نظر سند، صحیح و از نظر دلالت، بی‌اشکال اند؛ ولی هنگامی که مضمون ظاهری آنها را بر موازین حدیث‌شناسی عرضه کنیم، خواهیم دید که این مضمون نمی‌تواند مقصود اهل بیت علیهم‌السلام باشد، و باید گفت: صدور آنها به دلیل تقیه و رعایت اصول پنهانکاری بوده است.

به بیان دیگر، مضمون ظاهری احادیث نهی از قیام، به دلیل تعارض با قرآن، سنت و سیره امامان و حکم بدیهی عقل، قابل قبول نیست. لذا باید گفت صدور آنها از باب تقیه است:

یک. تعارض با قرآن

در قرآن، آیات فراوانی، مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر، و مبارزه با ظلم و ظالم و فساد و تباهی ترغیب می‌کنند و آنان را به تلاش جهت استقرار نظام ارزشی الهی تشویق می‌نمایند که در این جا تنها به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

و باید از شما گروهی باشند که [دیگران را] به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت باز دارند، و آنهاست که رستگارند.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۱

شما بهترین امتی هستید که برای مردمان، پدیدار شده‌اید؛ [زیرا] به کارهای پسندیده فرمان می‌دهید و از کارهای ناپسند، باز می‌دارید.

این آیات و آیات مشابه،^۲ تلاش برای اقامه ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی و مبارزه با انواع ظلم و فساد و تباهی را وظیفه عمومی امت اسلامی و خصوصیت بارز آنها می‌دانند، و بی‌تردید، به زمان خاصی اختصاص ندارند. در قرآن، همچنین آیات فراوانی، جامعه اسلامی را به مبارزه و پیکار در راه خدا دعوت می‌نمایند، مانند:

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۳ وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾^۴ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.^۵

پس کسانی باید در راه خدا کارزار کنند که زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند، و هر که در راه خدا کارزار کند، پس کشته شود یا پیروز گردد، به او مزدی بزرگ خواهیم داد. و شما را چه شده که در راه خدا کارزار نمی‌کنید و آن ناتوان شمرده‌شدگان از مردان و زنان و کودکانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون ببر و برای ما از نزد خویش سرپرستی قرار ده و برای ما از نزد خویش یاری بر بگمار»؟ کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت (بت یا طغیانگر) پیکار می‌کنند. پس با دوستان شیطان بجنگید؛ که نیرنگ شیطان، هماره است.

۱. آل عمران: آیه ۱۱۰.

۲. ر.ک: توبه: آیه ۷۱ و ۱۱۲.

۳. نساء: آیه ۷۴-۷۶.

این آیات و آیات مشابه نیز مردم مسلمان را به جنگیدن در راه خدا دعوت می‌نمایند. روشن است که مقصود از راه خدا، راه استقرار نظام اسلامی و اقامه ارزش‌ها و مبارزه با انواع بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌هاست. پس این آیات هم به زمان خاصی اختصاص ندارند.

دو. تعارض با سنت

افزون بر آیات قرآن، در سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، موضوع امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد در همه زمان‌ها به صورت متواتر، مورد تأکید قرار گرفته است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

محمد بن عرفه، از امام رضا علیه‌السلام، از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده که فرمود:

إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَتَبَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى^۱.

هر گاه امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، باید خود را برای حوادثی از جانب خداوند، آماده نمایند.

در حدیثی دیگر، مسعدة بن صدقه، از امام صادق علیه‌السلام، روایت کرده:

قال النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: إِنْ لَمْ يَكُنْ يُبْعَضُ الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.^۲

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «خداى بزرگ، از مؤمن سستی که دین ندارد، خشمناک است». برسیدند: مؤمنی که دین ندارد. کدام است؟ فرمود: «آن که نهی از منکر نمی‌کند».

محمد بن عرفه در حدیثی دیگر از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده:

۱. الکافی: ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۷ ح ۳۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۹۲.
۲. الکافی: ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۵.

تَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيْسْتُمْ عَمَلُونَ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ
فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.^۱

باید امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید، وگرنه بدهایتان بر شما مسلط
می شوند و هر چه نیکان شما دعا کنند، دعایشان مستجاب نمی شود.

جابر نیز در حدیثی از امام باقر ع نقل می کند:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ... لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا
الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخْصَ وَ الْمَعَادِيرَ يَتَّبِعُونَ رَلَاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عَلَيْهِمُ
يَقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ مَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَمَّا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَبَتِ الصَّلَاةُ
بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْرِ إِلِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفَضُوا كَمَا رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ
أَشْرَفَهَا.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ؛ هُنَالِكَ
يَتِيمٌ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيُهْلِكُ الْأَبْرَارَ فِي دَارِ الْفُجَّارِ وَ الصَّغَارُ فِي
دَارِ الْكِبَارِ.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ
عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ
الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يُسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْقَطْرُ بِالسِّنِّكُمْ
وَ صَكُّوا بِهَا جِنَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً فَإِنْ اتَّعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا
سَبِيلَ عَلَيْهِمْ «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲ هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَبْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ
غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاعِغِينَ مَالًا وَ لَا مَرِيدِينَ بِظَلْمٍ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ
يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ.^۳

۱. الکافی: ج ۵ ص ۵۶ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۶ ح ۲۵۲.

۲. شورا: آیه ۴۲.

۳. الکافی: ج ۵ ص ۵۵ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۶ ح ۲۷۲.

در آخر الزمان، مردمی می‌آیند... آنان امر به معروف و نهی از منکر را فقط زمانی واجب می‌دانند که گزندى به آنها نرسد و برای خود، عذرها و بهانه‌ها می‌تراشند و دنباله‌رو لغزش‌های عالمان و عمل فاسدشان هستند. نماز و روزه و هر عملی را که برای جان و مالشان ضرری نداشته باشد انجام می‌دهند، اگر نماز هم به دیگر کارهای مربوط به مال و جانشان زیان زند، آن را کنار می‌گذارند، همچنان که بالاترین و ارجمندترین واجبات را کنار می‌گذارند.

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ای بزرگ بوده که دیگر واجبات، به وسیله آن، استوار می‌گردد. غضب خدای تعالی بر مردمان، در آن هنگام [که واجب ترک شود] صورت می‌پذیرد و همگان را گرفتار عذابش می‌کند. پس نیکان در سرای فاجران، هلاک می‌شوند و خردسالان در خانه بزرگ سالان [از آن رو که در برابر گناه، بی‌اعتنا بوده‌اند].

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه بزرگی است که واجبات به واسطه آن، برپا می‌شوند و راه‌ها امن می‌گردند و درآمدها حلال می‌شوند و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به صاحبانش بر می‌گردند و زمین، آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرند. با دل‌های خود، انکار کنید و با زبان‌هایتان اعتراض نمایید و آن را به پیشانی‌هایشان بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ کس نهراسید. اگر پسند پذیرفتند و به راه حق بازگشتند، کاری به آنها نداشته باشید. «راه [نکوهش] - تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در [روی] زمین به ناحق سر بر می‌دارند، آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت». در چنین حالتی، با آنها عملاً جهاد کنید و در دل‌هایتان دشمنشان بدارید، بی آن که در صدد قدرت‌طلبی باشید و با مالی را به ستم بگیرید و یا از غرور پیروزی، دست به ستمگری بیالابید، تا آن که به فرمان خدا برگردند و راه طاعت او را در پیش گیرند.

همچنین در حدیثی، یحیی الضویل از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمود:

مَا جَعَلَ اللَّهُ عز وجل بَسْطَ اللِّسَانِ وَ كَفَّ اليَدِ وَ لَكِن جَعَلَهُمَا يُبَسِّطَانِ مَعَا وَ يُكْفِيَانِ مَعَا.^۱
 خدا عز وجل زبان را برای گشودن (گفتن) و دست را برای بستن (کار نکردن) نیافریده
 است؛ بلکه باید این دو (زبان و دست) با هم، گشوده و یا هم، بسته شوند.

عبد الرحمان بن ابی لیلی می گوید: هنگام برخورد با سپاه شام، از علی ع شنیدم:
 أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عَدُوَّانَا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَسَقَدَ
 سَلِيمٌ وَ تَبَرَّى وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ
 لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ فِي الْعَالِيَا وَ كَلِمَةً لِلظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ
 الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ (تَوَزَّرَ) تَوَزَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ.^۲

ای مردم مؤمن! هر کس ستمی را که به کار گرفته می شود، یا منکری را که مردم به
 آن دعوت می شوند، ببیند و آن را به دل انکار کند، سالم می ماند و گناهی بر او
 نیست. و کسی که به زبان انکار کند، پاداش الهی دارد و مقامش از اولی بهتر است.
 و کسی که با شمشیر به انکار برخیزد تا شعار توحید، بلند شود و شعار ستمکاران،
 پست گردد، او کسی است که به راه رستگاری رسیده و بر راه خدا قیام نموده و نور
 یقین در دلش روشن گشته است.

و در حدیثی دیگر، بکر بن محمد از امام صادق ع نقل کرده است:

أَيُّهَا النَّاسُ أَمْرُوا (أَوْمُرُوا) بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
 النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يَقْرَبَا أَجْلاً وَ كَمْ يَبَاعِدَا رِزْقاً.^۳

ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید. امر به معروف و نهی از منکر، اجلی را
 نزدیک نساخته اند و روزی ای را دور نکرده اند.

بی تردید، مدلول احادیث امر به معروف و نهی از منکر - که تنها شمار اندکی از

۱. انکافی: ج ۵ ص ۵۵ ح ۱.

۲. نهج البلاغه: حکمت ۳۷۹.

۳. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۲۶، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۷۳ ح ۱۰.

آنها گذشت -^۱ با ظاهر مضمون احادیثی که امر به سکوت و نهی از قیام دارند، قابل جمع نیست، بویژه احادیثی که بر نقش اصولی امر به معروف و نهی از منکر در اقامه مطلق ارزش‌های اسلامی تأکید دارند، یا ترک این فریضه را موجب کیفر الهی و مسلط شدن اشرار بر جامعه اسلامی می‌دانند، یا بهره‌گیری از قدرت را برای اقامه آن، ضروری دانسته‌اند، و یا توصیه می‌کنند که مبادا به خاطر ترس از مرگ و کوتاه شدن عمر و کم شدن روزی، دست از مبارزه بردارید که اقامه این فریضه، نه عمر را کوتاه می‌کند و نه روزی را کم!

بر فرض تعارض این دو دسته از احادیث، با در نظر گرفتن تعداد احادیث امر به معروف و نهی از منکر و چه بسا تواتر آنها، همچنین قوت مضمون آنها و هماهنگی شان با قرآن، و دیگر قرائنی که بدانها اشاره خواهیم کرد، بی تردید، حَقّ تقدّم و ترجیح، با احادیث امر به معروف و نهی از منکر است.

سه. تعارض با سیره اهل بیت علیهم‌السلام

یکی دیگر از معیارهای قابل اعتماد در شناخت احادیث منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام، عرضه آنها بر سیره و سبک عمل آنهاست.

بر این اساس، اگر سخنی به آنان نسبت داده شود یا به گونه‌ای تفسیر گردد که با سیره آنها تعارض داشته باشد، آن نسبت، ناروا و آن تفسیر، خطاست.

با نگاهی گذرا به سیره اهل بیت علیهم‌السلام ملاحظه می‌کنیم که آنان نه تنها کمترین فرصتی در برابر حکومت‌های باطل نداشتند، بلکه با همه توان و البته با تدبیر و رعایت اصول پنهانکاری، در برابر آنها ایستادند و هیچ فرصتی را برای مبارزه با آنان از دست ندادند، گرچه به دلیل مساعد نبودن زمینه فرهنگی، تلاش‌های آنان برای برقراری حاکمیت عدالت، به نتیجه مطلوب نرسید. بهترین سند این ادعا، شهادت

۱. برای آشنایی با این احادیث، ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۶ (کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر).

آنان و به زندان افتادن برخی از آنها به دست زمامداران فاسد و جائز است.^۱
 بدیهی است که اگر اهل بیت (ع) سکوت و خانه‌نشینی را انتخاب می‌کردند و به امور دینی، منهای سیاست می‌پرداختند و متعرض مستکبران حاکم نمی‌شدند، دلیلی نداشت که سرنوشت همه آنها شهادت شود؛ چرا که اسلامی نشان دادن حکومت، یکی از مهم‌ترین شگردهای سیاسی حاکمانی بود که خود را خلیفه پیامبر خدا (ص) معرفی می‌کردند و در صورتی که آنان امامان اهل بیت (ع) را مزاحم و معارض حکومت خود نمی‌دانستند، نوادگان پیامبر خدا (ص) را نمی‌کشتند و با این کار، پایه‌های حکومت خود را سست نمی‌کردند!

چهار. تعارض با احادیث قیام

یکی دیگر از نکاتی که در ارزیابی احادیث نهی از قیام قبل از ظهور امام مهدی (ع) قابل توجه اند، تعارض آنها با احادیثی است که صریحاً مسلمانان را به قیام در برابر ستمگران دعوت کرده‌اند. این احادیث را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

گروه اول: احادیثی هستند که در باره وجوب قیام علیه حاکمان ستمگر در صورت امکان، و تسلیم نشدن در برابر خواسته‌های نامشروع آنان وارد شده است. نمونه‌هایی از این احادیث، به قرار زیرند:

عبد الله بن مسعود در حدیثی نقل کرده که روزی پیامبر خدا (ص) برای گروهی از یاران خود، از حوادث تلخی که پس از او در تاریخ اسلام روی خواهد داد، خبر داد و بیان فرمود: در آینده، قرآن و سلطان با هم فاصله می‌گیرند و زمامداران حاکم بر امت اسلام، از قرآن جدا می‌شوند. سپس وظیفه مسلمانان را در چنین شرایطی، چنین تعیین نمود که به هر سو قرآن حرکت کرد، همراه آن حرکت کنند، و نیز خبر داد که در آینده، امامان ستمگری بر مسلمانان حکومت خواهند کرد که اگر از ایشان

۱. ر.ک: بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۲۰۷ باب ۹ (إنهم لا يموتون إلا بالشهادة).

اطاعت کنند، آنان را گمراه خواهند کرد و اگر علیه ایشان عصیان نمایند، آنان را خواهند کشت!

او در ادامه نقل کرده که: اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا! در چنین شرایطی چه کنیم؟ پیامبر ﷺ پاسخ فرمود:

كُونُوا كَأَصْحَابِ عِيسَى: نُصِبُوا عَلَى الْخَشَبِ، وَ نُشِرُوا بِالصَّاعِثِ. مَوْتُ فِي طَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةٍ.^۱

همچون اصحاب عیسی باشید؛ به دار آویخته شدند و با اژه، قطعه قطعه گردیدند.

مرگ در فرمان‌برداری [از خدا]، بهتر از زندگی در نافرمانی از اوست.

همچنین ابو عطا در حدیثی می‌گوید: روزی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) با چهره‌ای اندوهناک به طرف ما آمد و فرمود: «چه می‌کنید با زمانی که به زودی بر شما سایه خواهد افکند؟ هنگامی که حدود الهی تعطیل می‌شوند و ثروت مردم به دست حکام، تاراج می‌گردد و با دوستان خدا، دشمنی و با دشمنان خدا، دوستی می‌شود؟».

گفتیم: شما بفرمایید، اگر ما آن زمان را درک کردیم، وظیفه چه خواهد بود؟

امام نیز همان پاسخ پیامبر خدا ﷺ را دادند که:

مانند اصحاب عیسی باشید که بدن آنها را با اژه قطعه قطعه کردند و بر چوبه دار

آویختند. مرگ در اطاعت خدا، بهتر از زندگی در معصیت اوست.^۲

ابن عباس نیز از پیامبر ﷺ نقل کرده است:

سَيَكُونُ امْرَأَةٌ تَعْرِفُونَ وَ تُنْكِرُونَ؛^۳ فَمَنْ نَاهَدَهُمْ نَجَا، وَ مَنْ اعْتَرَاهُمْ سَلِمَ، وَ مَنْ

۱. کنز العمال: ج ۱ ص ۲۱۶ ح ۱۰۸۱ (به نقل از ابن عساکر)، المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۹۰ ح ۷۲۲ (با عبارت مشابه).

۲. دستور معالم الحكم: ص ۱۱۴.

۳. این جمله، ممکن است اشاره باشد به آنچه در برخی از احادیث دیگر آمده که: «ستكون عليكم امراء يأمرونكم بما لا تعرفون و يعملون بما تنكرون...» (المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۸ ص ۶۹۶ ح ۶۸).

خَالَطَهُمْ هَلَكٌ ۱.

زامدارانی بر شما حکومت خواهند کرد که از شما می‌خواهند بر خلاف آنچه از اسلام می‌دانید، عمل کنید. پس هر که با آنان مخالفت و دشمنی کند، نجات می‌یابد، و هر کس از ایشان کناره بگیرد، سالم می‌ماند، و هر کس با آنان همنشینی داشته باشد، هلاک می‌شود.

در حدیثی دیگر، سدید صیرفی می‌گوید:

بر امام صادق (ع) وارد شدم و به ایشان گفتم: شما چرا علیه حکومت وقت، قیام نمی‌کنید؟ به خدا سوگند، نشستن شما جایز نیست! فرمود: «چرا؟».

گفتم: زیرا پیروان و دوستان و یاران شما زیادند. به خدا سوگند اگر امیر مؤمنان (ع) به اندازه شما پیرو و یار داشت، تیم و عدی در خلافت او طمع نمی‌کردند. امام (ع) فرمود: «سدید! فکر می‌کنی پیروان من چه قدرند؟».

گفتم: یکصد هزار نفر!

امام (ع) فرمود: «یکصد هزار؟».

گفتم: آری و دویست هزار نفر دیگر!

امام (ع) پرسید: «می‌گویی من دویست هزار پیرو دارم؟».

گفتم: آری، و نیمی از دنیا!

امام سکوت کرد و پس از گذشت لحظاتی فرمود: «ممکن است همراه ما به ینبع^۲ بیایی؟».

گفتم: آری... در راه، امام (ع) پسر بچه‌ای را دید که مشغول چرانیدن بزغاله‌هایش بود. با دیدن این منظره، رو به من کرد و فرمود: «سدید! اگر من به شمار این بزغاله‌ها

۱. المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۳۳ ح ۱۰۹۷۳. الجامع الصغیر: ج ۲ ص ۶۴ ح ۲۷۸۱.

۲. منطقه‌ای در اطراف مدینه.

پیرو داشتیم، نشستن بر من جایز نبود».

از مرکب پیاده شدیم و نماز گزاردیم. پس از نماز، بزغاله‌ها را که شمردم، هفده رأس بود.^۱

در کتاب دعائم الإسلام از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است:

إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ وَ جَبَّ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ.^۲

هنگامی که برای امام به شماره رزمندگان جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر، نیرو و فراهم شود، قیام و دگرگون کردن نظام بر او واجب است.

گفتنی است که هرچند سند این احادیث، ضعیف است، لیکن مضمون آنها هماهنگ با قرآن و قابل قبول است.

گروه دوم، احادیثی هستند که برخی از قیام‌های عصر امامان علیهم‌السلام (مانند قیام زید بن علی بن حسین علیه‌السلام) را تأیید کرده‌اند. چهار نمونه زیر، از این گروه‌اند:

کلینی رحمته‌الله در حدیثی به سند صحیح از عیص بن قاسم، از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که ایشان ضمن محکوم کردن قیام‌های نادرست معاصر خود، می‌فرماید:

لَا تَقُولُوا: خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صَدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَيَّ الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ آلهِ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَيَّ سُلْطَانٌ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ.^۳

نگویید: [اگر قیام در شرایط کنونی صحیح نیست، چرا] زید قیام کرد؟! زیرا زید، فردی دانشمند و راستگو بود و شما را برای به قدرت رسیدن خود، فراخواند؛ بلکه شما را به سوی فردی از خاندان پیامبر که برای امامت لایق بود، فراخواند و اگر پیروز می‌شد، به وعده خود وفادار بود و دلیل قیام او، شکستن قدرت نظام

۱. انکافی: ج ۲ ص ۲۴۲ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۳۷۷.

۲. بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۴۹ ح ۱۸ (به نقل از دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۴۲ که در نسخه ما به جای «برای امام»، «برای اسلام» دارد).

۳. انکافی: ج ۸ ص ۲۶۴ ح ۲۸۱، بحار الأنوار: ج ۵۴ ص ۳۰۲ ح ۶۷.

حاکم بود.

ابن ابی عبدون، از امام رضا علیه السلام نقل کرده:

إِنَّهُ كَانَ مِنْ عُلَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَضِبَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاهَدَ أَعْدَاءَهُ حَتَّى قُتِلَ فِي سَبِيلِهِ
وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَاهُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ
رَجِمَ اللَّهُ عَمِّي زَيْدًا إِنَّهُ دَعَا إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ ظَفِرَ لَوْفِي بِمَا دَعَا إِلَيْهِ .^۱
او (زید) از دانشمندان خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. برای خدا خشم کرد و با
دشمنان خدا جنگید تا این که در راه خدا کشته شد. پدرم موسی بن جعفر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ برای
من روایت کرد که از پدرش جعفر بن محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ شنیده است که: خدا رحمت کند
عمویم زید را! او مردم را برای رهبری کسی دعوت می‌کرد که خاندان رسالت، او
را شایسته امامت می‌دانستند و اگر پیروز می‌شد، به وعده خود وفادار بود.

همچنین در حدیثی نقل شده که وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به «فخ» یعنی مکان شهادت
حسین بن علی بن حسن (شهید فخ) و اصحابش رسید، نماز خواند و گریست و
سپس فرمود:

نَزَلَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ لَمَّا صَلَّيْتُ الرُّكْعَةَ الْاُولَى فَقَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ وَلَدِكَ يَقْتُلُ فِي هَذَا
الْمَكَانِ، وَأَجْرُ الشَّهِيدِ مَعَهُ أَجْرُ شَهِيدَيْنِ.^۲

پس از رکعت اول، جبرئیل بر من نازل شد و گفت: یکی از فرزندان تو در این
سرزمین کشته خواهد شد که اجر شهید با او، برابر دو شهید است.^۳

در حدیث دیگری آمده است که نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام سخن از قیام کنندگان خاندان
رسالت به میان آمد. ایشان فرمود:

لَا أَرَأَى أَنَا وَ شَيْعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ لَوِ دِدَتْ أَنَّ الْخَارِجِيَّ

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۴۹ ص ۱، بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۱۷۲ ح ۲۷.

۲. مقابل الظالمین: ص ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۴۸ ص ۱۷۰.

۳. احادیث دیگری نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام و امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام در تأیید وی نقل شده است (ر.ک: تهذیب
السفالی فی تفضیح کتاب رجال النعاشی).

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام خَرَجَ وَ عَلَى نَفَقَةُ عِيَالِهِ^۱.

تا زمانی که قیام کنندگان از خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قیام کند، من و پیروانم در خیر و صلاح هستیم، و دوست دارم افرادی از این خاندان، قیام کنند و بر من است که هزینه خانواده آنان را تأمین نمایم.

از این احادیث، دو نکته مهم قابل استفاده است:

۱. مقصود از احادیثی که قیام‌های پیش از قیام قائم خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تخطئه می‌کنند، قیام‌هایی اند که با انگیزه‌های نفسانی برپا می‌شوند.
۲. برای مشروعیت قیام، لازم نیست که قیام کنندگان به قطع بدانند که موفق به تشکیل حکومت حق خواهد شد؛ بلکه صرف شکسته شدن ابهت و قدرت زمامداران ستمکار و یا مشغول نگه داشتن ذهن سیاسی و نظامی آنان برای جلوگیری از اعمال رهبری بر جامعه اسلامی، کافی است که مشروعیت آن را اثبات کند.

گروه سوم، احادیثی هستند که از پیدایش قیام موفق پیش از قیام ولی عصر - ارواحنا فداه - خبر داده و آن را آماده‌ساز قیام ایشان و جهانی شدن انقلاب اسلامی دانسته‌اند. در این باره، به دو حدیث اشاره می‌کنیم:

عبد الله بن حارث، از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده که فرمود:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْتُونَ بِالْمَهْدِيِّ عليه‌السلام، - يَعْنِي سُلْطَانَهُ -^۲.

مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت [جهانی] مهدی علیه‌السلام را فراهم می‌سازند.

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده:

كَأَنَّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ،

۱. مستطرفات السرائر: ص ۴۸ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۱۷۲ ح ۲۱.

۲. رک: ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۰۱۴.

فَإِذَا رَأَوْا ذَٰلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَىٰ عَوَاتِقِهِمْ ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّىٰ يَقُومُوا ، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَٰلِكَ لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ^۱ .

گویی مردمی را می بینم که از مشرق زمین به یا می خیزند و حق جویی می کنند؛ ولی حقشان را نمی دهند. باز حق طلبی می کنند و باز حقشان داده نمی شود و هنگامی که چنین می بینند، سلاح هایشان را بر دوش می گیرند و آنچه را خواسته بودند، در اختیارشان قرار می دهند؛ ولی اینان نمی پذیرند و قیام می کنند [و حکومت را به دست می گیرند] و آن را به کسی جز صاحب شما نمی دهند. کشته هایشان شهیدند. بدانید که اگر من آن [زمان] را درک کنم، بقای خود را برای صاحب این امر [از خدا] خواهم خواست.

شماری از احادیث یاد شده، از نظر سند معتبر نیستند، لیکن ضعف سند، به معنای عدم صدور آنها از اهل بیت (ع) نیست، و با توجه به انطباق مضمون آنها با قرآن و احادیث متواتر و قطعی، و نیز حکم بدیهی عقل مبنی بر وجوب ظلم ستیزی و حرمت پذیرفتن حاکمیت ظالم، مفاد آنها قابل قبول است.

چکیده مطالب

چکیده مطالبی که گذشت، عبارت است از:

۱. وجوب تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، به عصر حضور و ظهور امام مهدی (عج) اختصاص ندارد؛ بلکه با توجه به دلیل ضرورت اجرای احکام اسلام در همه زمانها و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام عصر (عج)، مهم ترین وظیفه مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت (ع) تلاش برای تشکیل حکومت دینی است.
۲. احادیث نهی از قیام، به معنای مخالفت اهل بیت (ع) با تلاش جهت برقراری

حکومت صالحان و به معنای تن دادن به حاکمیت زمامداران جائز و فاسد نیست؛ بلکه مقصود آنها این است که پیروان اهل بیت علیهم‌السلام نباید با نهضت‌هایی که رهبری آنها با افرادی ناصالح مانند ابو مسلم خراسانی و یا مدعیان مهدویت است، همکاری کنند. همچنین نباید قبل از فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای قیام، قیام نمایند.

۳. بر فرض صحت سند احادیث نهی از قیام و پذیرش دلالت آنها بر وجوب خودداری از تشکیل حکومت دینی به طور مطلق، باز نمی‌توان به مفادشان عمل کرد؛ زیرا با قرآن و سنت و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و حکم عقل، معارض هستند. افزون بر این می‌توان گفت: اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر رعایت مسائل امنیتی در جامعه خفقان‌آلود معاصر خود، چنین سخن گفته باشند.

٣/٥

قِيَامُ قَوْمٍ مِنَ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتُ سُودٍ

١٠٢٣. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا معاوية بن هشام، ثنا علي بن صالح، عن يزيد بن أبي زياد، عن إبراهيم، عن علقمة، عن عبد الله، قال: بينما نحن عند رسول الله ﷺ، إذ أقبل فتية من بني هاشم، فلما رآهم النبي ﷺ اغرورقت عيناه وتغير لونه، قال: فقلت: ما نزال نرى في وجهك شيئاً نكرهه؟! فقال:

إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا، وإن أهل بيتي سيلقون بعدي بلاء وتشريداً وتطريداً، حتى يأتي قوم من قبل المشرق معهم رايات سود، فيسألون الخيراً فلا يعطونه، فيقاتلون فينصرون، فيعطون ما سألوا فلا يقبلونه، حتى يدفعوها إلى رجل من أهل بيتي، فيملؤها قسطاً كما ملؤها جوراً، فمن أدرك ذلك منكم، فليأتهم ولو حبواً^٢ على الثلج.^٣

١٠٢٤. دلائل الإمامة: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ حَفْصِ الْخَثَمِيِّ وَمُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ رِبَاحِ الْأَشْجَعِيِّ، قالا، حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ: قالا: أَخْبَرَنَا حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ، قَالَ: كُنْتُ أُخْتَلِفُ إِلَى عَمْرٍو بْنِ قَيْسِ الْمَلَانِيِّ أُتَعَلَّمُ مِنْهُ الْقُرْآنَ، وَكَانَ النَّاسُ يَجِئُونَهُ وَيَسْأَلُونَهُ عَنِ هَذَا الْحَدِيثِ، حَتَّى حَفِظْتُهُ مِنْهُ.

فَحَدَّثَنِي عَمْرٍو بْنُ قَيْسِ الْمَلَانِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَخَرَجَ إِلَيْنَا مُسْتَبْشِراً يُعْرِفُ الشُّرُورَ

١. في أكثر المتابع: «الحق» بدل «الخبر».

٢. التحبؤ: أن يمشي على يديه وركبته أو استه (النهاية: ج ١ ص ٢٣٦ «حبا»).

٣. وزاد في المتن في آخره «فإنه المهدي».

۳/۵

قیام گروهی از شرق با پرچم های سیاه رنگ

۱۰۲۳. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از عبد الله - : نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم که دسته ای از جوانان بنی هاشم، جلو آمدند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دید، اشک، چشمانش را فرا گرفت و رنگش دگرگون شد. گفتم: پیوسته در چهره ات چیزی ناخوش می بینم؟ فرمود: «ما خاندانی هستیم که خداوند، آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است و خاندانم پس از من، گرفتار و تبعید و رانده می شوند، تا آن که گروهی با پرچم های سیاه از شرق می آیند. خیر را می طلبند و به آنها داده نمی شود. پس می جنگند و پیروز می شوند و آنچه را طلبیده بودند، به ایشان می دهند؛ اما دیگر نمی پذیرند تا آنچه را خواسته [و گرفته] اند، به دست مردی از خاندان من می دهند که زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ستم پر شده بود. پس هر یک از شما که آن زمان را درک کند، به سویش بشتابد، حتی اگر ناگزیر بر خزیدن بر روی برف باشد.»^۱

۱۰۲۴. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از حنان بن سدير - : برای فراگیری قرآن، نزد عمرو بن قیس مَلایی می رفتم. مردم نزد او می آمدند و آن قدر در باره این حدیث پرسیدند که آن را حفظ کردم.

عمرو بن قیس مَلایی، با سندش به نقل از عبد الله [بن مسعود]: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدیم. ایشان چنان شادمان به سوی ما آمد که شادی در چهره اش نمایان

۱. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶ ح ۴۰۸۲، المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۵۱۱ ح ۸۲۳۴ (با عبارت مشابه)، المصنّف ابن ابی شیبّه: ج ۸ ص ۶۹۷ ح ۷۴، المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۲۹ ح ۵۶۹۹، الثّقین: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۸۹۵ (در تمام این منابع، «حق» به جای «خیر» آمده است و در الثّقین، این اضافه آمده است: «به درستی که او مهدی است.»)، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۷ ح ۳۸۶۷۷: کشف الثّمّة: ج ۳ ص ۲۶۸ (به نقل از علّمة بن عبد الله)، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۲۰۱ ح ۱۲۸۶، المناقب، کوفی: ج ۲ ص ۱۱۰ ح ۵۹۹ (در این دو منبع، «حق» به جای «خیر» آمده است)، دلائل الإمامة: ص ۴۲۲ ح ۴۱۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۷، نیز، ر.ک: الثّقبة، نعمانی: ص ۱۴۵ ح ۴.

فِي وَجْهِهِ، فَمَا سَأَلْنَاهُ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرَنَا، وَلَا سَكَّنَا إِلَّا ابْتَدَأَنَا، حَتَّى مَرَّتْ بِهِ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فِيهِمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، فَلَمَّا أَنْ رَأَاهُمْ خَشَرْنَا لَهُمْ، وَانْهَمَلْت عَيْنَاهُ بِالْذُمُوعِ. فَقَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجْتَ إِلَيْنَا مُسْتَبْشِرًا، نَعْرِفُ الشُّرُوزَ فِي وَجْهِكَ، فَمَا سَأَلْنَاكَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرْتَنَا وَلَا سَكَّنَا إِلَّا ابْتَدَأْتَنَا، حَتَّى مَرَّتْ بِكَ الْفِتْيَةُ، فَخَشَرْتَ لَهُمْ، وَانْهَمَلْتَ عَيْنَاكَ.

فَقَالَ ﷺ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ ﷻ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيدًا وَتَشْرِيدًا فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفِعَ رَايَاتُ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَ، وَيُقَاتِلُونَ فَيَنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ الَّذِي سَأَلُوا، فَعَنْ أَدْرَكِهِمْ مِنْكُمْ - أَوْ مِنْ أَبْنَائِكُمْ - فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الشَّلْحِ، فَإِنَّهَا رَايَاتُ هَدْيٍ، يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْت جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٠٢٥. الفتن لابن حماد: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَرْوَانَ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ عُبَيْدَةَ، عَنِ الْحَسَنِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ذَكَرَ بَلَاءَ يَلْقَاهُ أَهْلُ بَيْتِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَهُ اللَّهُ وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا اسْمُهُ كَاسِمِي، فَيُؤَلِّيهِ أَمْرَهُمْ، فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ وَيَنْصُرُهُ.

١٠٢٦. تاريخ بغداد: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ، حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ أَبِي ذَهْلِ الْعَصِمِيِّ الْهَرَوِيِّ، حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ، حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، حَدَّثَنَا أَبُو شَرَاعَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ: هَلْ فِيكُمْ غَرِيبٌ؟ قَالُوا: لَا.

بود. چیزی از ایشان نپرسیدیم، جز آن که پاسخ داد و ساکت نشدیم، مگر آن که به سخن آمد، تا آن که جوانانی از بنی هاشم - که حسن و حسین میان آنان بودند - بر ایشان گذشتند. هنگامی که پیامبر (ص) آنان را دید، چهره اش گرفته و چشمانش اشکبار شد. به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! چنان شادمان به سوی ما آمدی که شادی را در چهره ات می دیدیم و از چیزی نپرسیدیم، جز آن که پاسخمان را دادی و سکوت نکردیم، جز آن که تو با ما سخن گفتی، تا این که این جوانان بر تو گذشتند و برای آنان غمگین شدی و دیدگانت اشکبار شد.

پیامبر (ص) فرمود: «ما خاندانی هستیم که خداوند (ج) آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است و خاندانم پس از من، رانده و در شهرها آواره می شوند، تا آن که پرچم های سیاهی از سمت شرق برافراشته می شوند که حق را می طلبند؛ اما به آنها داده نمی شود و می جنگند و پیروز می شوند و آنچه خواسته بودند، به آنها داده می شود. هر کس از شما یا فرزندان او، آنها را درک کرد، به سویش بشتابد، حتی اگر ناگزیر به خزیدن بر روی برف باشد؛ چرا که آنها پرچم های هدایت هستند و آنها را به مردی از خاندان من می سپارند که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است.»^۱

۱۰۲۵. الفتن، ابن حماد - با سندش به نقل از حسن - : پیامبر خدا (ص) بلایی را ذکر کرد که اهل بیتش به آن دچار می شوند تا آن که خداوند، پرچمی سیاه رنگ را از شرق بر می انگیزد که هر کس آن را یاری کند، خداوند، یاری اش می کند و هر کس آن را وا نهد، خداوند، او را وا می نهد تا نزد مردی همنام من بیایند و کار خود را به او بسپارند و خداوند نیز او را استوار می دارد و یاری می دهد.^۲

۱۰۲۶. تاریخ بغداد - با سندش به نقل از ابو شراع - : در خانه ای نزد ابن عباس بودیم. گفت: آیا غریبه ای میان شما هست؟ گفتند: نه.

۱. دلائل الإمامة: ص ۴۴۶ ح ۴۲۰، العدد القویة: ص ۹۱ ح ۱۵۷.

۲. الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۳ ح ۹۰۴.

قال: إذا خَرَجَتِ الرّاياتُ السّودُ فاستوصوا بِالْفَرَسِ خَيْراً، فَإِنَّ دَوْلَتَنَا مَعَهُمْ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَلَا أَحَدُّكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ قَالَ: وَإِنَّكَ هَاهُنَا؟! هَاتِ.

قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِذَا أَقْبَلَتِ الرّاياتُ السّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِقِ، فَإِنَّ أَوَّلَهَا فِتْنَةٌ، وَأَوْسَطُهَا هَرَجٌ، وَآخِرُهَا ضَلالَةٌ^١.

١٠٢٧. الصراط المستقيم: عَن أَبِي جَعْفَرٍ ؑ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرّاياتِ السّودَ مِنْ قِبَلِ المَشْرِقِ، مِنْ أَطْرَافِ الأَيْسَنَةِ إِلَى رُجِّ القَنَاةِ صَوْفَ أَحْمَرٍ، فِتْلِكَ راياتُ الحَسَنِ التي لا تُكذَّبُ.

١٠٢٨. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَأَحْمَدُ بْنُ يوسُفَ، قالَا: ثنا عَبْدُ الرَّزّاقِ، عَن سُفْيَانَ الثَّورِيِّ، عَن خالِدِ الحَدّاءِ، عَن أَبِي قِلابَةَ، عَن أَبِي أسماء الرّحبيّ، عَن ثوبانَ، قالَ: قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ^٢ ثَلاتَةٌ، كُلُّهُمُ ابْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لا يَصِيرُ إِلَى واحِدٍ مِنْهُمُ، ثُمَّ تَطْلُعُ الرّاياتُ السّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِقِ، فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتلاً لَمْ يَقْتُلَهُ قَوْمٌ.

ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئاً لا أَحْفَظُهُ، فَقَالَ: فَإِذا رَأَيْتُمُوهُ فَبايِعُوهُ وَلَوْ حَبِوا عَلَى التَّلَجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ، المَهديُّ.

راجع: ج ٧ ص ٨٢ (القسم العاشر / الفصل الأول مكان خروج السفيناني)

و ج ٧ ص ١١٨ (الفصل الأول: هزيمة جيش السفيناني في قبائل رايات سود).

١. نيس في المنالغ إلى «هات».

٢. المراد به كنز الكعبة لما ورد في أحاديث أخرى من أن المهدي ؑ سيفتح كنز الكعبة... (راجع: شرح احقاق

الحق، ج ٢٩ ص ٢١٦).

گفت: هنگامی که پرچم‌های سیاه قیام کردند، با ایرانیان به نیکی رفتار کنید؛ چرا که حکومت ما با ایشان است.

ابو هریره گفت: آیا آنچه را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، برایتان نگویم؟
گفت: تو این جایی؟! آنچه را شنیده‌ای، بگو.

گفت: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هنگامی که پرچم‌های سیاه از سمت مشرق می‌آیند، آغاز آن، فتنه، میانه آن، هرج و مرج و پایان آن، گم‌راهی است».^۱
۱۰۲۷. الصراط المستقیم: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که پرچم‌های سیاه را از سمت مشرق دیدید که از نوک سرنیزه‌هایشان تا پیکان نیزه‌هایشان را با پشم سرخ‌رنگ پوشانده‌اند، بدانید که پرچم‌های سید حسنی است که دروغگو خوانده نمی‌شود».^۲
۱۰۲۸. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از ثوبان - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نزد ذخیره‌تان،^۳ سه فرزند خلیفه می‌جنگند؛ ولی نصیب هیچ کدامشان نمی‌شود. سپس پرچم‌هایی سیاه از سوی مشرق پدیدار می‌شوند و از شما کشتار بی‌سابقه‌ای می‌کنند».
آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی فرمود که به خاطر نمی‌آورم و سپس فرمود: «هنگامی که او را دیدید، برای بیعتش بروید، حتی اگر ناگزیر به خزیدن بر روی برف باشید؛ چرا که او جانشین خداوند، مهدی، است».^۴

و.ک: ج ۲ ص ۸۳ (بخش دهم، فصل یکم، جای خروج سفیانی)

و ج ۷ ص ۱۱۹ (شکست لشکر سفیانی در برابر پرچم سیاه).

۱. تاریخ بغداد: ج ۳ ص ۱۲۰ ش ۱۱۳۸، الثقن، ابن حنّاد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ (با عبارت مشابه)، کنز العمال: ج ۱۱ ص ۱۶۰ ح ۳۱۰۳۳؛ المنقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۳۰۰ (در این منبع، بخش پایانی حدیث آمده است)، بحار الأنوار: ج ۴۲ ص ۶۱.
۲. الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۶۱.
۳. ذخیره یا همان «کنز» به احتمال فراوان، اشاره به کعبه دارد.
۴. سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۴۰۸۴. در زوائد گفته: این سند، صحیح و رجالش موثق هستند، المستدرک: ج ۴ ص ۵۱۰ ح ۸۲۳۲، ذهبی در نخبص این حدیث را بنا بر شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳ ح ۳۸۶۵۸؛ كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۳ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۷.

قَوْمٌ مِنْ خُرَّاسَانَ مَعَهُمْ رَايَاتُ سُودٍ

١٠٢٩ . مسند ابن حنبل : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، حَدَّثَنِي أَبِي ، ثنا وَكَيْعٌ ، عَنْ شَرِيكٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِي قِلَابَةَ ، عَنْ ثَوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ فَاتْتَوْهَا ، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

المَهْدِيَّ .^١

١٠٣٠ . الغيبة للنعماني : أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ثَعْلَبَةُ بْنُ مَيْمُونٍ ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى ، عَنْ دَاوُدَ الدَّجَاجِيِّ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ ﷺ ، قَالَ :

سُئِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»^٢ .

فَقَالَ : اإِنْتَظِرُوا الفَّرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ ، فَقِيلَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا هُنَّ ؟

فَقَالَ : إِخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ ، وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ ، وَالفَّرْعَةُ فِي شَهْرِ

رَمَضَانَ . قِيلَ : وَمَا الفَّرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ؟^٣

فَقَالَ : أَوْ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ ﷻ فِي الْقُرْآنِ : «إِنْ نَشَأَ نُثِرَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ

فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»^٤ هِيَ آيَةٌ تُخْرِجُ الفَتَاةَ مِنْ خِدْرِهَا ، وَتَوْقِظُ النَّائِمَ ،

١ . في الفردوس «فأبانه» بدل «لأن فيها» .

٢ . مريم : ٣٧ .

٣ . يبدو أن المراد هو الخوف علي إثر الصيحة السماوية . الصيحة التي تسمع من السماء في شهر رمضان .

٤ . الشعراء : ٤ .

۴/۵

پرچم‌های سیاه‌رنگ از خراسان

۱۰۲۹. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ثویان - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که دیدید پرچم‌های سیاه از سمت خراسان آمدند، به آنها پیوندید، که جانشین خداوند، مهدی، میان آنهاست»^۱.

۱۰۳۰. الغیبة، نعمانی - با سندش به نقل از داوود دجّاجی، از امام باقر علیه السلام - : امیر مؤمنان علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «آن‌گاه از میان ایشان، چند دسته اختلاف ورزیدند» فرمود: «از میان سه [نشانه]، فرج را انتظار کشید».

گفته شد: ای امیر مؤمنان! آنها کدام‌اند؟

فرمود: «اختلاف شامیان با همدیگر، پرچم‌های سیاه از خراسان و هراس (صیحة) ماه رمضان».

گفته شد: هراس^۲ ماه رمضان چیست؟

فرمود: «آیا سخن خدای تعالی را در قرآن نشنیده‌اید: «اگر بخواهیم، نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرو می‌فرستیم که در برابر آن، سر خم کنند»؟! آن، نشانه‌ای است که دختران را از کُنْج

۱. مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۲۲۵ ح ۲۲۴۵۰، الفردوس: ج ۲ ص ۳۲۲ ح ۳۴۷۰ (با عبارت مشابه)، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۳۸۶۵۱: كشف الغمة: ج ۳ ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۲.
۲. گویا مقصود، هراس در پی صیحة آسمانی است؛ صیحه‌ای که در ماه رمضان از آسمان شنیده می‌شود.

وَتُفْرَعُ الْيَقْظَانُ.

١٠٣١. الإرشاد: قَدْ جَاءَتْ الْأَخْبَارُ بِذِكْرِ عِلَامَاتِ لِيَزْمَانَ قِيَامِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ ع، وَحَوَادِثَ تَكُونُ أَمَامَ قِيَامِهِ آيَاتٌ وَدَلَالَاتٌ، فَمِنْهَا: خُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ... وَهَدْمُ سُورِ الْكُوفَةِ، وَإِقْبَالُ رَايَاتِ سُودٍ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ.

١٠٣٢. الغيبة للطوسي: الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ السَّمَاكِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَانِي، عَنْ نُعَيْمِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ سَعِيدِ أَبِي عُثْمَانَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ ع بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.

١٠٣٣. الفتن لابن حماد: حَدَّثَنَا سَعِيدُ أَبُو عُثْمَانَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع، قَالَ: تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تُقْبَلُ مِنْ خُرَاسَانَ الْكُوفَةَ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ بَعَثَ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ.

١٠٣٤. سنن الترمذي: حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ، أَخْبَرَنَا رِشْدِينُ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنِ ابْنِ شِهَابٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ قَبِيصَةَ بْنِ دُوَيْبٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ، لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءِ^١.

١٠٣٥. كنز العمال عن الإمام علي ع: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يَذْهَبُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ حَتَّى تَجِيءَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ، حَتَّى يُوَثِّقُوا خِيُولَهُمْ بِنَجَلَاتِ^٢ بَيْسَانَ^٣ وَالْفُرَاتِ.

١. وزاد في الفتن «يعني بيت المقدس» وإيلياء: اسم مدينة بيت المقدس، ومعناه: بيت الله (معجم البلدان: ج ١ ص ٢٩٣).

٢. هكنا في المصدر، والنظائر «بنخلات»: لأن بيسان مشهورة بالنخل.

٣. بيسان: مدينة بالأردن وهي بين حوران وفلسطين وتوصف بكثرة النخيل، وبيسان أيضاً موضع معروف بأرض اليمامة، وهو الموصوف بكثرة النخيل (معجم البلدان: ج ١ ص ٥٢٧).

خانه بیرون می‌آورد و خفته را بیدار و بیدار را هراسان می‌کند.^۱

۱۰۳۱. الإرشاد: خبرهایی در ذکر نشانه‌های روزگار قیام مهدی عج آمده و حوادثی پیش از قیامش رخ می‌دهند و آیه‌ها و نشانه‌هایی پدیدار می‌شوند که از آنهاست: خروج سفیانی، ... انهدام خانه‌های کوفه و پیش آمدن پرچم‌هایی سیاه‌رنگ از سمت خراسان.^۲

۱۰۳۲. الغیبة، طوسی - با سندش به نقل از جابر - : امام باقر عج فرمود: «پرچم‌های سیاهی که از خراسان خارج می‌شوند، در کوفه فرود می‌آیند و چون مهدی عج ظهور کند، برای بیعت با او روانه می‌شوند».^۳

۱۰۳۳. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از جابر - : امام باقر عج فرمود: «پرچم‌های سیاهی که از سمت خراسان روانه می‌شوند، در کوفه فرود می‌آیند و چون مهدی عج در مکه ظهور می‌کند، برای بیعت با مهدی روانه می‌شوند».^۴

۱۰۳۴. سنن الترمذی - با سندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا ص فرمود: «از خراسان، پرچم‌های سیاهی خروج می‌کنند که چیزی جلودارشان نیست تا در بیت المقدس افراشته شوند».^۵

۱۰۳۵. کنز العمال: امام علی عج فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، شب و روز سپری نمی‌شوند، تا آن که پرچم‌هایی سیاه از سوی خراسان بیایند و اسبان خود را

۱. الغیبة، نعمانی: ص ۲۵۱ ح ۸، تأویل الآیات: ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۴ (به نقل از معلی بن خنیس، از امام صادق عج)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۲۹ ح ۹۵.

۲. الإرشاد: ج ۲ ص ۳۶۸، روضة الواعظین: ص ۲۸۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۱۹ ح ۸۲.

۳. الغیبة، طوسی: ص ۴۵۲ ح ۴۵۷، الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۵۸ ح ۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۱۷ ح ۷۷.

۴. الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۹۲۱.

۵. سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۳۱ ح ۲۲۶۹ (هذا حدیث غریب)، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۲۹۲ ح ۸۷۸۳ (وفیه: إسناده ضعيف جداً)، المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۳۱ ح ۲۵۳۶، مسند الشاميين: ج ۳ ص ۲۲۷ ح ۲۱۳۸، تاریخ مدینه دمشق: ج ۳۲ ص ۲۸۱، الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۵۸۴، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۳۸۶۵۲.

١٠٣٦ . شرح الأخبار : عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، أَنَّهُ ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ (ع) .
فَقَالَ :

تَطَّلَعُ الرِّايَاتُ السُّودُ . وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَشْرِقِ ، وَتَطَّلَعُ رَايَاتُ الْمَهْدِيِّ مِنْ هَاهُنَا ،
وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَغْرِبِ .

وَذَلِكَ فِي أَيَّامِ بَنِي أُمَيَّةَ قَبْلَ قِيَامِ بَنِي الْعَبَّاسِ . وَطَلَّعَتْ رَايَاتُهُمُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ
الْمَشْرِقِ مِنْ جِهَةِ خُرَّاسَانَ ، فَطَلَّعَتْ رَايَاتُ الْمَهْدِيِّ بَعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْمَغْرِبِ ، كَمَا قَالَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ .

به درختان نخل بیسان^۱ و فرات ببندند.^۲

۱۰۳۶. شرح الأخبار: روایت شده که امام صادق علیه السلام از مهدی علیه السلام یاد کرد و فرمود: «پرچم‌هایی سیاه سر بر می‌آورند (با دستش به شرق اشاره نمود) و پرچم‌های مهدی علیه السلام از این جا پدیدار می‌شوند» (با دستش به غرب اشاره نمود). این، در روزگار بنی امیه و پیش از قیام بنی عباس بود که پرچم‌های سیاهشان از سمت مشرق از خراسان سر بر آورد، و پرچم‌های مهدی علیه السلام پس از آن از مغرب پدیدار شد، همان گونه که امام - که درودهای خدا بر او باد - فرمود.^۳

نکته: در باره پرچم‌های سیاه همراه با سفیانی، تعدد پرچم‌های سیاه، پرچم‌های سیاه بنی عباس، گزارش‌های دیگری در مصادر حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت وجود دارد.^۴

۱. بیسان، شهری در کشور اردن است که به فراوانی درختان خرما مشهور است. این صفت برای جایی در سرزمین یمامه هم گفته شده است.

۲. کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۷۶ ح ۳۹۶۴۲ (به نقل از ابن منادی در کتاب الملاحم).

۳. شرح الأخبار: ج ۳ ص ۲۶۴ ح ۱۲۳۴.

۴. ر.ک: ص ۱۶۳ بخش دهم / فصل یکم / شکست لشکر سفیانی در برابر پرچم‌های سیاه، الفتن، ابن حنّاد: ج ۱

ص ۲۰۲ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۷ ح ۵۶۶ و ص ۲۱۰ ح ۵۷۳ و ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۳ ح ۹۰۶ و ص ۳۱۶

ح ۹۱۳. مسند ابی یعلی: ج ۵ ص ۵۴ ح ۵۰۶۲. البدایة و النهایة: ج ۶ ص ۲۴۶. کنز العمال: ج ۱۱ ص ۱۶۱

ح ۳۱۰۲۷ و ص ۲۸۳ ح ۳۱۵۳۰ و ج ۱۴ ص ۵۹۵ ح ۳۹۶۸۰.

الغیبة، نعمانی: ص ۱۹۷ ح ۶. دلائل الإمامة: ص ۲۹۳ ح ۲۴۸. الخرائج و الجرائع: ج ۲ ص ۶۴۵ ح ۵۴. إعلام

الطوری: ج ۱ ص ۵۲۸. المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۲۱.

پژوهشی درباره روایات «رایات سود»

برخی احادیث، به قیام گروهی از مردمان از مشرق و زمینه‌سازی برای فرج و انقلاب مهدوی، اشاره دارند. گروهی از گزارش‌ها، به نشانه دیگری اشاره کرده‌اند که گاه با این عنوان ترکیب می‌شود. «رایات سود (پرچم‌های سیاه)»، عنوان ویژه‌ای است که به مشخصات گروه قیام‌کننده اشاره دارد. بررسی مجموعه احادیث معصومان علیهم‌السلام و گزارش‌های صحابه و تابعان، مراد و مدعای نشانه «رایات سود» را تبیین می‌کند.

بیان گزارش‌ها

مجموعه متون مرتبط با «رایات سود» را در چند گزینه بررسی می‌کنیم:

۱. مصادر

الف - مصادر شیعی

اشاره به احادیث «رایات سود»، در مصادر کهن شیعی، بسیار کم‌رنگ و بی‌برگ و بار است. ثقة الإسلام کلینی (م ۳۲۹ق) در کتاب الکافی، به برخی از نشانه‌های ظهور اشاره کرده است؛ ولی حدیثی در باره «رایات سود» نقل نکرده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) نیز در کتاب کمال الدین در این باره مطلبی ندارد.

نعمانی (م ح ۳۵۰ق) در کتاب الغیبه، چهار گزارش در باره «رایات سود» آورده است: ^۱ یک گزارش به نقل از کعب الأحبار است و دیگری در باره ظهور «رایات

۱. انقیبه، نعمانی: ص ۱۴۷ ح ۴ و ص ۱۹۷ ح ۶ و ص ۲۵۱ ح ۸ و ص ۲۵۳ ح ۱۲. نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه:

سود» در خراسان در زمان امام صادق علیه السلام و دو روایت نیز از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام که با قیام امام مهدی علیه السلام مرتبط نیست.

شیخ مفید (م ۴۱۳ق) در کتاب الإرشاد، در جمع‌بندی نشانه‌های ظهور، به «رایات سود» اشاره کرده است.^۱ شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نیز در این باره، تنها یک حدیث و به نقل از نعیم بن حماد از امام باقر علیه السلام گزارش کرده است.^۲

نویسنده کتاب دلائل الإمامة (قرن پنجم) در پنج گزارش به «رایات سود» اشاره کرده، که یک گزارش آن، در باره ابو مسلم خراسانی است،^۳ سه گزارش آن، با طرق اهل سنت از عبد الله بن مسعود نقل شده^۴ و یک گزارش نیز از امیر مؤمنان علیه السلام است.^۵

قطب زاوندی (م ۵۷۳ق) در کتاب الخرائج و الجرائح، دو گزارش نقل کرده^۶ که یکی از آنها در باره ابو مسلم خراسانی است.^۷

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)، دو گزارش در نکوهش «رایات سود» به نقل از کعب الأحبار و ابو هریره آورده^۸ و در گزارش دیگر، به ابو مسلم اشاره کرده است.^۹

گسترده‌ترین گزارش‌ها در باره «رایات سود» را سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) در کتاب التشریف بالمنن (الملاحم و الفتن) آورده است. او، در این باره بیست گزارش به

۱. ص ۵۶ ح ۱۰۳۲ و ج ۷ ص ۲۸۲ ح ۱۳۹۲.

۲. ر.ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۱.

۳. ر.ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۲.

۴. دلائل الإمامة: ص ۲۹۴ ح ۲۲۸.

۵. دلائل الإمامة: ص ۴۲۲ ح ۴۱۴ و ص ۲۴۵ ح ۴۱۹ و ص ۴۴۶ ح ۴۲۰. نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵.

۶. ر.ک: ج ۷ ص ۳۰۶ ح ۱۳۶۷.

۷. الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۵۸.

۸. الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۶۲۵ ح ۵۴.

۹. المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۲۰۰.

۱۰. المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۲۹.

نقل از مصادر اهل سنت نقل کرده است. بیشتر این گزارش‌ها به نقل از کتاب الفتن ابن حماد و برخی نیز از الفتن ابن منادی و الفتن سلیلی است.^۱

برخی از این متون، در نكوهش «رایات سود» و برخی در ستایش آنهایند. نیز برخی به بنی عباس و برخی به امام مهدی عج اشاره دارند. بیشتر گزارش‌های موجود، گفته‌های صحابه یا کعب الأخبارند و حدیث مستند به پیامبر ص و اهل بیت ع کمتر گزارش شده است. در این کتاب، حتی یک گزارش از مصادر شیعه یا راویان شیعی، نقل نشده است.

در جمع‌بندی مصادر شیعی می‌توان گفت: مصادر اصلی حدیثی شیعه، «رایات سود» را به عنوان نشانه ظهور، گزارش نکرده‌اند. مصادر دیگر نیز معمولاً این متون را از طریق اهل سنت نقل کرده و یا آن را بدون ارتباط با قیام مهدوی مطرح نموده‌اند.

ب- مصادر اهل سنت

کهن‌ترین مصدر موجود حدیثی مشهور اهل سنت که به «رایات سود» اشاره کرده، مسند ابن حنبل (م ۲۴۱ ق) است. او دو گزارش در باره «رایات سود» خراسان به نقل از ابو هریره و ثوبان، نقل می‌کند.^۲ گزارش ابو هریره، مرتبط با مهدویت نیست؛ ولی روایت ثوبان، با مهدویت مرتبط است.

ابن ماجه (م ۲۷۳ ق) در باب «خروج المهدی»، دو روایت در باره «رایات سود» به نقل از عبد الله بن مسعود و ثوبان، گزارش کرده است.^۳ این

۱. رک: الملاحم والفتن: ص ۸۴ ح ۳۳ و ص ۸۷ ح ۲۲ و ص ۸۹ ح ۲۷ و ص ۹۲ ح ۵۱ و ص ۱۱۷-۱۲۴ ح ۱۰۹-۱۲۳ و ص ۱۲۶-۱۳۹ ح ۱۵۶-۱۶۰.

۲. مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۲۹۲ ح ۸۷۸۲ و ج ۸ ص ۳۲۵ ح ۲۲۴۵۰. نیز، رک: همین دانش‌نامه: ص ۵۴ ح ۱۰۳۰.

۳. رک: ص ۴۸ ح ۱۰۲۳ و ص ۵۲ ح ۱۰۲۸.

گزارش‌ها در باب «خروج المهدی» آمده‌اند، ولی متن آنها، اشاره‌ای به قیام مهدوی ندارند. ظاهراً برداشت ابن ماجه آن بوده است که این قیام، در رابطه با مهدویت است.

ترمذی (م ۲۷۹ ق) روایت ابو هریره را نقل کرده است که با مهدویت ارتباطی ندارد.^۱

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) روایت ثوبان را با دو طریق^۲ و روایت عبد الله بن مسعود را نقل کرده است.^۳ یکی از گزارش‌های ثوبان، موقوف است و به پیامبر ﷺ استناد داده نشده است. هر سه متن در باره «رایات سود»؛ به قیام امام مهدی ﷺ تصریح کرده‌اند.

نکته مهم، این که: در مصادر اصلی حدیثی اهل سنت، تنها همین سه روایت (یعنی گزارش‌های ثوبان، عبد الله بن مسعود و ابو هریره) نقل شده و هیچ قولی از صحابه یا کعب الأحبار، گزارش نشده است.

کتاب الفتن نگاشته نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۸ ق) اگر چه جزو کتاب‌های حدیثی مشهور اهل سنت نیست، ولی شاخص‌ترین کتاب در گزارش‌های «رایات سود» است. در کتاب نعیم بن حماد - که با امام رضا ﷺ و امام جواد ﷺ و امام هادی ﷺ معاصر بوده است -، نزدیک به شصت گزارش در باره «رایات سود» وجود دارد که در دو گروه مجزاً ارائه شده‌اند: «رایات سود» بنی عباس و «رایات سود» مرتبط با قیام امام مهدی ﷺ.

بیشتر گزارش‌های موجود در این کتاب، از اقوال صحابه، تابعان و کعب

۱. سنن الترمذی: ج ۲ ص ۵۲۱ ح ۲۲۶۹.

۲. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۰ ح ۸۲۳۲ و ص ۵۴۷ ح ۸۵۳۱.

۳. المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۸۴۳۲.

الأخبار است و تنها هفت روایت به نقل از پیامبر (ص)؛^۱ شش روایت به نقل از امیرمؤمنان (ع)؛^۲ و پنج روایت به نقل از امام باقر (ع) در باره «رایات سود» آمده است؛^۳ یعنی حدود ۲۵ درصد گزارش‌ها از معصومان (ع) نقل شده‌اند.

در این هجده حدیث، شش روایت با قیام مهدوی مرتبط نیستند^۴ (حتی در برخی موارد، در نكوهش «رایات سود» آمده‌اند.^۵ و یا صراحتاً به «رایات سود» بنی عباس اشاره دارند^۶)، سه گزارش در باره نبرد «رایات سود» با سفیانی و فرماندهی شعیب بن صالح اند^۷ و تنها در نه گزارش، ارتباط مستقیم «رایات سود» با امام مهدی (ع) و یا بیعت با ایشان مطرح شده است.^۸

نکته قابل تأمل، آن است که با وجود این که نعیم بن حماد مروزی، با احمد بن حنبل با چند سال تقدّم زمانی، معاصر و با او در مبحث «خلق و عدم خلق قرآن» نیز هم عقیده بوده است، ولی هیچ یک از روایات و آثار کتاب او در مسند ابن حنبل و در دیگر کتاب‌های کهن و معتبر اهل سنت نیامده است. ظاهراً مدرسه رسمی حدیث

۱. الفتن ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ و ص ۲۰۳ ح ۵۵۲ و ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۲ و ص ۲۱۳ ح ۵۸۴ و ص ۳۱۰ ح ۸۹۵.

۲. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۵۷۳ و ص ۲۱۶ ح ۵۹۵ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۷ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶.

۳. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۵۶۶ و ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۳ و ص ۳۲۲ ح ۹۲۱ و ص ۳۴۵ ح ۹۹۹.

۴. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۳ ح ۵۵۱-۵۵۲ و ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۲.

۵. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ و ص ۲۱۰ ح ۵۷۳.

۶. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۲.

۷. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۷-۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲-۹۱۳ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴.

۸. ر.ک: الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۸۹۵ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۶ و ۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲-۹۱۳ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶ و ص ۳۴۵ ح ۹۹۹.

اهل سنت، رویکرد نعیم بن حماد را در نقل گزارش‌های مربوط به فتن و نشانه‌های ظهور نپذیرفته و آن را طرد کرده است.

۲. احادیث

الف - احادیث خالص شیعی^۱

احادیث شیعی «رایات سود»، بسیار کم برگ و بار است؛ چرا که تنها سه حدیث خالص شیعی در مصادر ما گزارش شده است:

حدیث اول به نقل از امام باقر علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام که فرج (گشایش) را منوط به سه نشانه شمرده است: اختلاف شامیان، رایات سود خراسان و فزعه (صیحه) در ماه رمضان.^۲ این حدیث، مربوط به مطلق گشایش است و به قیام مهدوی مربوط نیست.

حدیث دوم به زوال حکومت بنی امیه و بنی عباس اشاره کرده و از اصحاب «رایات سود» سخن گفته است^۳ که ظاهراً به قیام ابو مسلم خراسانی اشاره دارد و با قیام مهدوی، مرتبط نیست.

حدیث سوم، صراحتاً ابو مسلم خراسانی را «صاحب رایات سود» خوانده است.^۴

نتیجه آن که از منظر احادیث خالص شیعی، «رایات سود» خراسان، با قیام مهدوی ارتباطی ندارند.

۱. مراد از احادیث خالص شیعی، احادیثی هستند که به گونه کامل از طریق راویان شیعه گزارش شده‌اند، نه آن که از میراث حدیثی اهل سنت، به میراث حدیثی شیعه منتقل شده باشند.

۲. الثغیبة، نعمانی: ص ۲۵۱ ح ۸.

۳. الثغیبة، نعمانی: ص ۲۵۶ ح ۱۳.

۴. دلائل الإمامة: ص ۲۹۴ ح ۲۴۸، إعلام الوری: ج ۱ ص ۵۲۸.

نکته

قاضی نعمان در کتاب شرح الأخبار، گزارشی را به امام باقر علیه السلام نسبت می‌دهد که «رایات سود» از مشرق و «رایات مهدی» از مغرب می‌آیند. او «رایات سود» را بر قیام ابو مسلم خراسانی و «رایات مهدی» را بر قیام فاطمیان در مصر حمل می‌کند که به انجام رسیده است.^۱ قسمت اول گزارش او - که مطابق با گزارش‌های دیگر است - مرتبط با امام مهدی علیه السلام نیست و قسمت دوم آن، با توجه به تمایلات قاضی نعمان به اسماعیلیه و فاطمیان مصر، جعلی می‌نماید.

ب - احادیث اهل سنت

ب / ۱ - احادیث نبوی

جوامع رسمی حدیثی اهل سنت، احادیث معدودی را از پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده‌اند. گزارش عبد الله بن مسعود، به مهاجور بودن اهل بیت علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و خروج «رایات سود» از مشرق اشاره دارد که در نهایت، به ریاست یکی از اهل بیت علیهم السلام منتهی می‌شود. در برخی گزارش‌ها، ویژگی عدل‌گستری برای آنان ذکر شده که می‌تواند بر قیام مهدوی تطبیق شود.^۲

روایت ثوبان، «رایات سود» را با قیام مهدی مرتبط می‌داند.^۳ برخی گزارش‌های ثوبان، موقوف است و به پیامبر صلی الله علیه و آله مستند نیست.^۴

یک گزارش ابو هریره نیز به «رایات سود» اشاره دارد؛ ولی با قیام مهدوی مرتبط نیست.^۵ گزارش دیگر ابو هریره، «رایات سود» را فتنه و گمراهی شمرده است.^۶

۱. ر.ک: ص ۵۸ ح ۱۰۳۶.

۲. ر.ک: ص ۴۸ ح ۱۰۲۳.

۳. ر.ک: ص ۵۲ ح ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸.

۴. ر.ک: الفتن، ابن حنّاد: ج ۱ ص ۳۱۱ ح ۸۹۶.

۵. ر.ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۴ (سنن الترمذی).

مصادر حدیثی اهل سنت، تنها این احادیث را از پیامبر ﷺ گزارش کرده‌اند. نعیم بن حمّاد، افزون بر گزارش‌های پیشین، دو گزارش از سعید بن مسیب و یک گزارش از حسن (احتمالاً حسن بصری) نقل کرده است. سعید بن مسیب و حسن بصری، تابعی هستند و امکان گزارش مستقیم از پیامبر ﷺ را نداشته‌اند. از این رو، روایت آنها مرسل محسوب می‌شود.

گزارش اول سعید بن مسیب، به «رایات سود» بنی عباس و «رایات سود» بر ضد سفیانی، اشاره کرده است و با قیام مهدوی، مرتبط نیست.^۷ گزارش دیگر او نیز شبیه به گزارش اول است و به این نکته اشاره می‌کند که رایات سود مبارزه کننده با سفیانی، در نهایت به امام مهدی ﷺ می‌پیوندند.^۸

گزارش حسن (بصری)، به ارتباط «رایات سود» با فردی اشاره می‌کند که از اهل بیت ﷺ است و نام او شبیه نام پیامبر ﷺ است.^۹

مصادر مشهور و کهن اهل سنت، حدیثی را از اهل بیت ﷺ در باره «رایات سود» گزارش نکرده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد روایت عبد الله بن مسعود و ثوبان، دستاویز اصلی عباسیان برای استفاده از پرچم‌های سیاه و ادعای مهدویت بوده است.

ب / ۲۱. احادیث اهل بیت ﷺ

کتاب الفتن نگاشته نعیم بن حمّاد (م ۲۲۸ ق) در نقل حدیث از اهل بیت ﷺ، استثنا محسوب می‌شود. در این کتاب، احادیثی از امیر مؤمنان ﷺ و امام باقر ﷺ گزارش شده است؛ احادیثی که در مصادر شیعی متقدم وجود ندارند و از اسناد اهل سنت برخوردارند.

مطالبی که در این احادیث، به آنها توجه شده است، از این قرارند:

۶. رک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۶ (تاریخ بغداد).

۷. الفتن ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۵۵۵.

۸. الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۴ ح ۹۰۶.

۹. الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۲ ح ۹۰۴.

۱. زوال بنی امیه پس از قیام «رایات سود» (مثل روایت جابر جعفی از امام باقر (عج)؛^۱
۲. نگرهش کسانی که پس از قیام «رایات سود» به قدرت می‌رسند؛^۲
۳. اختلاف رایات سود؛^۳
۴. ظهور سفیانی؛^۴
۵. فرماندهی شعیب بن صالح؛^۵
۶. ظهور امام مهدی (عج) در مکه پس از «رایات سود»؛^۶
۷. مشخصات و ویژگی‌های قیام مهدوی پس از قیام «رایات سود» از مشرق.^۷

ج - آثار

مراد از اثر، گزارش‌های غیر مستند به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. این گروه در مصادر اولیه شیعه، به ندرت گزارش شده‌اند. مصادر حدیثی معتبر اهل سنت هم از نقل این گزارش‌ها ابا دارند؛ ولی شمار فراوان این گزارش‌ها در کتاب‌های فتن و ملاحم همچون الفتن نگاشته نعیم بن حماد (م ۲۲۸ ق) و کتاب‌های مشابه آن همچون الفتن سلیلی و الفتن ابن منادی و در نهایت در مصادر متأخر شیعی همچون الفتن و الملاحم سید ابن طاووس، بروز یافته است.

۱. ر.ک: الفتن. ابن حماد: ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۵۶۶.
۲. الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۵۷۳.
۳. الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۱۶ ح ۵۹۵ و ص ۲۸۸ ح ۸۴۱. نیز ر.ک: همین دانش‌نامه ج ۷ ص ۹۱ ح ۱۱۵۵.
۴. الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۸۴۱ و ص ۲۸۹ ح ۸۴۵.
۵. الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۹۰۷ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶. نیز ر.ک: همین دانش‌نامه: ج ۷ ص ۱۱۹ ح ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳.
۶. ر.ک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵ و الفتن، ابن حماد: ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۹۲۱.
۷. ر.ک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵.

این مجموعه گسترده و کهن، نشان‌دهنده اثرگذاری فراوان پیشگویی‌ها بر فرهنگ دوره و زمانه خویش است، همچنان که احتمال فرصت‌طلبی و جعل را افزون می‌کند.

فرهنگ‌سازی این گزارش‌ها بر تحلیل رابطه «رایات سود» با قیام مهدی در مصادر متأخر، کاملاً آشکار است، به گونه‌ای که نقش احادیث را بسیار کم‌رنگ ساخته است.

این متون، به نقل از افرادی چون: کعب الأحبار، محمد بن حنفیه، ابن عباس، زهری، ابو قبیل و یا اشخاص بی‌نام و نشانی همچون پیرمردی که دوران جاهلیت را نیز درک کرده است، گزارش شده‌اند.

اشکال اصلی در این گزارش‌ها، استناد نداشتن این سخنان به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است. از این رو، پیشگویی آنان نمی‌تواند معیار و مستند صحیح در تحلیل و یا نظریه‌پردازی شود. تمایلات افراد و احتمال سوء استفاده‌های سیاسی از این گزارش‌ها، اعتماد به آنها را بسیار کاهش می‌دهند.

جمع‌بندی

با عنایت به مطالب بخش پیشین و روایاتی که بر وجود دولت زمینه‌سازان پیش از قیام امام مهدی ﷺ دارند، می‌توان گفت: اهل بیت ﷺ از حکومت زمینه‌سازان قیام مهدوی خبر داده‌اند؛ ولی این در گزارش‌های، موضوع رایات سود و یا آغاز قیام از خراسان، مطرح نشده است و ارتباطی میان دولت زمینه‌سازان و پرچم‌های سیاه نیست.

گزارش‌های مستند و اصیل «رایات سود»، مرتبط با قیام مهدوی نیستند؛ بلکه به قیام ابو مسلم و گشایش جامعه اسلامی در مدت زمان محدود پس از برافتادن بنی امیه اشاره دارند. در دوره‌های بعد، این گزارش‌ها با مجموعه فراوان

گزارش‌های بی‌نام و نشان و یا غیر مستند و غیر معتبر، مخلوط شده و بر قیام قبل از انقلاب مهدوی، تطبیق داده شده است. احتمال سوء استفاده طرفداران ابو مسلم از این متون و یا جعل و تحریف متون مشابه برای قداست‌بخشی به قیام ابو مسلم و عباسیان نیز وجود دارد. هر چه باشد، متون «رایات سود» و قیام از مشرق، با انقلاب مهدوی و دولت زمینه‌سازان، مرتبط نیستند.

دعا

- | | | |
|-----------|---|---|
| فصل یکم | : | دعای ایل میت <small>علیه السلام</small> برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> |
| فصل دوم | : | دعای امام مهدی <small>علیه السلام</small> برای فرجش |
| فصل سوم | : | دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در عیدنا |
| فصل چهارم | : | دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در ماه رمضان |
| فصل پنجم | : | دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در روز جمعه |
| فصل ششم | : | دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در وقت نایب کبر |
| فصل هفتم | : | دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در هر حال |
| | | پژوهشی درباره حکمت دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| فصل هشتم | : | دعای رسیده از امام مهدی <small>علیه السلام</small> |
| فصل نهم | : | انتخاب دعا مناسب به امام مهدی <small>علیه السلام</small> |
| فصل دهم | : | توسل به امام مهدی <small>علیه السلام</small> |

الفصل الأول

الرَّعِيَّةُ أَهْلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١ / ١

دُعَاءُ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٧. الغيبة للنعماني : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ مُوسَى بْنِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى الْمَعْبُودِيِّ^١، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسَلَّمَةَ بْنِ قَعْنَبٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، تَبَسُّنَا بِمَهْدِيكُمْ هَذَا.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا دَرَجَ^٢ الدَّارِجُونَ، وَقَلَّ الْمُؤْمِنُونَ، وَذَهَبَ الْمُجْلِبُونَ، فَهَنَّاكَ هُنَاكَ. فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ الرَّجُلُ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، مِنْ ذُرْوَةِ طُودِ^٣ الْعَرَبِ، وَبَحْرٍ مَغِيضِهَا^٤ إِذَا وَرَدَتْ،

١. كذا في المصدر. وفي بحار الأنوار: «العبيدي»، والنظائر أن الصحيح: «المعبيدي».

٢. درج: مات (النهاية: ج ٢ ص ١١١ «درج»).

٣. الطود: الجبل العظيم (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٧٠ «طود»).

٤. المغيظ: المكان الذي يفيض (أي يدخل) فيه الماء فيغيظ (انظر: لسان العرب: ج ٧ ص ٢٠١ «غيظ»).

ولعل المعنى: أنه بحر العلوم والخيرات، فهي كامنة فيه، أو شبههه ببحر في أطرافه مغايض؛ فإن شيعتهم مغايض علومهم (بحار الأنوار: ج ٥١ ص ١١٥).

فصل یکم

دعای اهل بیت علیهم السلام برای امام مهدی علیه السلام

۱ / ۱

دعای امام علی بن ابی طالب علیه السلام

۱۰۳۷. الغیبة، نعمانی - به نقل از سلیمان بن بلال، از امام جعفر صادق علیه السلام، از پدرش، از جدش - : امام حسین علیه السلام فرمود: «مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! ما را از این مهدی تان باخبر کن.

فرمود: هنگامی که رفتنی‌ها بروند و مؤمنان اندک شوند و شورشیان از میان بروند، آن هنگام است، آن هنگام.

مرد گفت: ای امیر مؤمنان! این شخص از کدام طایفه است؟

فرمود: "از بنی هاشم. از بلندای والاترین قبیله عرب. از دریای آبگیر از همه سو.

وَمَخْفِرِ أَهْلِهَا^١ إِذَا أُتِيَتْ، وَمَعْدِنِ صَفْوَتِهَا إِذَا اِكْتَدَرَتْ، لَا يَجْبِينُ إِذَا الْمُنَايَا
هَكَعَتْ^٢، وَلَا يَخُورُ^٣ إِذَا الْمَنُونُ اِكْتَنَعَتْ^٤، وَلَا يَنْكُلُ إِذَا الْكُمَاةُ^٥ اصْطَرَعَتْ، مُشَمَّرٌ
مُغْلُولِبٌ^٦، ظَفِيرٌ ضِرْغَامَةٌ^٧، حَصْدٌ^٨ مُخْدَشٌ^٩، ذَكَرٌ^{١٠} سَيْفٌ مِنْ سَيْوْفِ اللَّهِ، رَأْسٌ
قَتْمٌ^{١١}، نَشْوٌ^{١٢} رَأْسُهُ فِي بَاذِخٍ^{١٣} السُّودَدِ، وَعَارِزٌ^{١٤} مَجْدُهُ فِي أَكْرَمِ الْمُحْتَدِ^{١٥}.
فَلَا يَصْرِفَنَّكَ عَنْ بَيْعَتِهِ صَارِفٌ عَارِضٌ، يَنْوِصُ إِلَى الْفِتْنَةِ كُلِّ مَنَاصٍ^{١٦}، إِنْ قَالَ

١. خَفَرَتِ الرَّجُلَ - مِنْ بَابِ ضَرْبٍ - إِذَا آجَرْتَهُ وَكُنْتَ لَهُ حَامِيًا وَكفيلًا (مجمع البحرين: ج ٣ ص ٢٩١ «خفر»).
٢. هَكَعَتْ: أَي نَزَلَتْ (انظر: لسان العرب: ج ٨ ص ٣٧٤ «هكع»).
٣. خَارَ الرَّجُلُ: ضَعْفٌ وَانْكَسَرُ: وَرَجُلٌ خَوَّازٌ: ضَعِيفٌ (لسان العرب: ج ٤ ص ٢٤٢ «خور»).
٤. كَنَعٌ: إِذَا قَرَّبَ وَدَنَا (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٣ «كنع»).
٥. الْكُمِيَّةُ: الشَّجَاعُ، وَالْجَمْعُ الْكُمَاةُ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٢٢ «كمي»).
٦. مَغْلُولِبٌ: مَلْتَفٌ (لسان العرب: ج ١ ص ٦٥٢ «غلب»).
٧. الضَّرْعَمُ وَالضَّرْغَامُ وَالضَّرْغَامَةُ: الْأَسَدُ، وَرَجُلٌ ضِرْغَامَةٌ: شَجَاعٌ. فِيمَا أَنْ يَكُونُ شَبَهًا بِالْأَسَدِ، وَإِمَّا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ أَصْلًا فِيهِ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٥٧ «ضرغم»).
٨. الْحَصْدُ: جَزْأُ الْبِرِّ وَنَحْوَهُ. وَقَتْلُ النَّاسِ أَيْضًا حَصْدٌ (ترتيب كتاب العين: ص ١٨٢ «حصد»). أَي يَحْصِدُ النَّاسَ بِالْقَتْلِ.
٩. مُخْدَشٌ: أَي يَخْدَشُ الْكُفَّارَ وَيَجْرَحُهُمْ (انظر: مجمع البحرين: ج ٤ ص ١٣٦ «خدش»).
١٠. رَجُلٌ ذَكَرٌ: إِذَا كَانَ قَوِيًّا شَجَاعًا أَنْفًا أَيْبًا (لسان العرب: ج ٤ ص ٣٠٩ «ذكر»).
١١. قَالَ الْفَيْرُوزِيُّ أَبَادِي: الرَّأْسُ: أَعْلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَسَيِّدُ الْقَوْمِ، وَالْقَتْمُ - كَزُقْرٍ -: الْكَثِيرُ الْعَطَاءِ (بحار الأنوار: ج ٥١ ص ١١٦).
١٢. كَذَا فِي الطَّبَعَةِ الْمُعْتَمَدَةِ لِلْمَصْدَرِ، وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ «نَشَقٌ»، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: «لَبِقٌ»، وَفِي بَعْضِهَا «شَقٌ». وَلَمْ نَجِدْ لَهَا مَعْنَى مُنَاسِبَةً، وَفِي الْعَانِي.
١٣. الْبَاذِخُ: الْعَالِي (لسان العرب: ج ٣ ص ٧ «بذخ»).
١٤. غَرَزٌ وَاسْتَعْرَزٌ: اسْتَدَّ وَصَلَّبَ (تاج العروس: ج ٨ ص ٩٩ «عرز»).
١٥. الْمُحْتَدُ: الْخَالِصُ الْأَصْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٨٦ «حتد»).
١٦. الْمَنَاصُ: الْمَلْجَأُ. وَمَنَاصٌ مَنَاصًا: تَحْرُكٌ، وَعَمَّنْهُ: تَنَحَّى، وَإِلَيْهِ: نَهَضَ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٢١ «نوص»).

پناهگاه پناهندگان به او. معدن برگزیدگان آن از میان تیرگی‌ها. از درآمدن مرگ، هراسی ندارد و به گاه نزدیک شدن مرگ، ضعفی از خود نشان نمی‌دهد و آن گاه که شجاعان به خاک می‌افتند، پا پس نمی‌نهد. دامن همت به کمر زده، [ظرفدارانش] انبوه. شیر نری همیشه پیروز که دشمنان را زخم می‌زند و از دم درو می‌کند. شمشیری از شمشیرهای خداوند و سالار پُرخیری است که سر و ریشه در خاندان شرف دارد و مجد و بزرگی‌اش در ارجمندترین و اصیل‌ترین زمینه‌ها، بالیده است. هیچ کس شما را از بیعت با او منصرف نکند؛ که اگر کند؛ فتنه‌جو و فرصت‌طلب است. چنین کسی اگر سخن بگوید، بدترین سخنران است و اگر خاموش بماند، خیانت و تباهی نهان دارد.

امام علی علیه السلام سپس به توصیف امام مهدی عج باز گشت و فرمود: درگاهش از همه شما وسیع‌تر، از همه شما داناتر و از همه شما با خویشانش پُر پیوندتر است.

“خدایا! برانگیختن او را، بیرون آمدن از سرگردانی و تاریکی قرار ده و پراکندگی امت را با او به اتحاد و اجتماع مبدل کن.”

فَشَرُّ قَائِلٍ، وَإِنْ سَكَتَ فُذُو دَعَايِرٍ^١.

ثُمَّ رَجَعَ إِلَى صِفَةِ الْمَهْدِيِّ (عج) فَقَالَ: أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا، وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَأَوْصَلُكُمْ رَحِمًا، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعْتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْعُمَّةِ، وَاجْمَعْ بِهِ شَمَلَ الْأُمَّةِ، فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فَاعْزِمِ وَلَا تَنْشِ عَنهُ إِنْ وُفِّقْتَ لَهُ، وَلَا تَجُوزَنَّ عَنهُ إِنْ هُدِيتَ إِلَيْهِ، هَاهُ! - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ.

١٠٣٨. الذكري للشهيد الأول: إختار ابن أبي عقيل الدعاء بما روي عن أمير المؤمنين (عج) في القنوت: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شُخِصَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسِنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ تَظَاهِرِهِ، وَإِمَامِ حَقِّ تَعَرُّفِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

قال: وَبَلَغَنِي أَنَّ الصَّادِقَ (عج) كَانَ يَأْمُرُ شِيعَتَهُ أَنْ يَقْتَتُوا بِهَذَا بَعْدَ كَلِمَاتِ الْفَرَجِ.

٢ / ١

دُعَاءُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (عج) عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٩. مهج الدعوات: حَرَزَ لِمُقْتَدَى السَّاجِدِينَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (عج): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَحْكَمَ

١. الدُّعَاءُ: النَّسَادُ، وَرَجُلٌ دَاعِرٌ: خَبِيثٌ مَفْسُدُ الْلسَانِ الْعَرَبِ: ج ٤ ص ٢٨٦ «دعوا».

اگر خداوند، خیر تو را خواست، عزم [همراهی با او] را استوار کن و اگر به پیوستن به او توفیق یافتی، روی مچرخان و اگر به سوی او راه یافتی، از او درمگذر.^۱
سپس امام با دستش به سینه‌اش اشاره کرد [و فرمود]: «وَهْ كِه چِه آرزومند دیدار او هستم!»^۲

۱۰۳۸. الذکری، شهید اول: ابن ابی عقیل [فقیه بزرگ شیعه]، دعایی را که امیر مؤمنان می‌خوانده، برای قنوت انتخاب کرده است: «خدایا! دیده‌ها به سوی تو خیره مانده و گام‌ها به سوی تو برداشته شده و دست‌ها به سوی تو بالا آمده و گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تو را با زبان‌ها خوانده و راز و نیازشان در کارها با توست. خدای ما! میان ما و قوم ما راه حق را بگشای؛ که تو بهترین گشاینده‌گان هستی.

خدایا! از غیبت پیامبران و کم‌شمار بودن ما و فراوانی دشمنانمان و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضد ما و درگیر شدنمان با فتنه‌ها به تو شکوه می‌بریم. خدایا! با عدالتی که پدیدار می‌کنی و امام حقی که معرفی می‌نمایی، این گره‌ها را بگشای. ای خدای حق، خدای جهانیان! اجابت کن.»

ابن ابی عقیل می‌گوید: و به من خیر رسیده که امام صادق علیه السلام به پیروانش فرمان می‌داده است که پس از ذکر کلمات فرج، این دعا را در قنوت نماز بخوانند.^۲

۲ / ۱

دعای امام زین العابدین علیه السلام

۱۰۳۹. مهج الدعوات: حرزی از آن مقتدای ساجدان، امام زین العابدین علیه السلام: «به نام خداوند گسترده مهر مهربان، ای شنونده‌ترین شنوندگان! ای بهترین بیننده! ای سریع‌ترین حسابرس! ای بهترین داور! ای آفریدگار آفریده‌ها! ای روزی‌دهنده روزی‌خوران!

۱. القیبة، نعمانی: ص ۲۱۲ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱۵ ح ۱۴.

۲. الذکری: ج ۳ ص ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۰۷.

الْحَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ، يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ^١، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ، الْكَبِيرُ يَا رِداؤُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى، وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكَرْبَلَاءَ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّقِيِّ [وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ]^٢، وَالْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، الْإِمَامَ الْمُنتَظَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَاحْذَلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَالْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

راجع: ص ٢٠٨ ج ١٠٧٢.

٣ / ١

دُعَاءُ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحُزْنُهُ عَلَى طَوْلِ غَيْبَةِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٤٠. فلاح السائل نقلاً عن عباد بن محمد المدايني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجله بِالْمَدِينَةِ

١. المكروب: المتهوم المصباح العنبر: ص ٥٢٩ «كرب».

٢. سقطت من المصدر وأثبتناها من بحار الأنوار.

ای یاور کمک خواهان! ای رحیم ترین رحم کنندگان! ای راهنمای متحیران! ای فریادرس فریادخواهان! ای مالک روز جزا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. ای فریادرس غصه داران! ای اجابت کننده ندای بیچارگان! تو خداوند و اختیاردار جهانیانی. تو خدای بی همتا و سلطان حقیقی هستی که کبریایی ردای ترست.

خدایا! بر محمد مصطفی درود فرست و نیز بر علی مرتضی، فاطمه زهرا، خدیجه کبرا، حسن مجتبی، حسین، شهید کربلا و بر علی بن حسین، زیور عابدان، و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق، و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا، و محمد بن علی تقی و علی بن محمد تقی و حسن بن علی عسکری و حجت قائم، مهدی بن حسن؛ امامی که انتظارش را می کشند. درودهای خدا بر همه ایشان باد!

خدایا! هر کس ایشان را دوست دارد، دوست بدار، و هر کس ایشان را دشمن می دارد، دشمن بدار و هر کس ایشان را یاری می دهد، یاری ده و هر کس ایشان را وا می نهد، وا بگذار و هر کس به ایشان ستم می کند، لعنت کن و در فرج خاندان محمد، تعجیل کن و شیعه خاندان محمد را یاری و دشمنان خاندان محمد را هلاک نما و دیدار قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از پیروان و شیعیان و خشنودان به کار حضرتش قرار ده، به رحمتت ای رحیم ترین رحیمان! ^۱.

د.ی: ص ۲۰۹ ج ۱۰۷۴.

۳/۱

دعای امام صادق علیه السلام و اندوه او بر طول کشیدن غیبت امام مهدی علیه السلام

۱۰۴۰. فلاح السائل - به نقل از عباد بن محمد مدائنی - : در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد

حِينَ فَرَعُ مِنْ مَكْتُوبَةِ الظُّهْرِ، وَقَدْ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ ١:
 ... وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ - الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي
 عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ - وَعَدَّهُ.
 اللَّهُمَّ أَيْدُهُ بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَقُوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
 سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْكِنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ».

قُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ دَعَوْتَ لِنَفْسِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

قَالَ: قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَسَائِقِهِمْ، وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ.

١٠٤١. الغيبة للطوسي: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ
 الشَّيْبَانِيُّ الرَّهْنَبِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَارِثِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمَنْصُورِ الْجَوَاشِينِيِّ،
 قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْبُدَيْلِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي، عَنْ سَدِيرِ النَّصِيرِيِّ، قَالَ:
 دَخَلْتُ أَنَا وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَدَاوُدُ بْنُ كَثِيرِ الرَّقِّيِّ وَأَبُو بَصِيرٍ وَأَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَلَى
 مَوْلَانَا الصَّادِقِ ع، فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ وَعَلَيْهِ مِسْحٌ ٢ خَسِيرِيٌّ مِطْرَفٌ بِلَا
 جَيْبٍ، مُقَصَّرُ الْكُمَيْنِ، وَهُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِيَةِ الشُّكْلِيِّ ٣ ذَاتَ الْكَيْدِ الْحَرَمِيِّ، قَدْ نَالَ
 الْحُزْنَ مِنْ وَجَنَّتِيهِ، وَشَاعَ التَّغَيُّرُ فِي عَارِضِيهِ، وَأَبْلَى الدَّمْعُ مَحَجْرِيهِ، وَهُوَ يَقُولُ:

١. ورد صدر هذا النص في كتاب فلاح السائل هكذا: من المهمات عقيب صلاة الظهر الاقتداء بالصادق ع نسي
 الدعاء للمهدي ع الذي بشر به محمد رسول الله ﷺ أمته في صحيح الروايات، ووعدهم أنه يظهر في أواخر
 الأوقات (راجع: ص ٢٤٨ ح ١٠٨٥).

٢. المِسْحُ: وهو كساء معروف (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٩٥ «مسح»).

٣. الشُّكْلِيُّ: فقد الولد، امرأة ثكلى (النهاية: ج ١ ص ٢١٧ «شكلى»).

شدم. ایشان نماز ظهرش را خوانده بود و در حالی که دستانش را رو به آسمان کرده بود، چنین دعا می کرد: ^۱ «... و وعدهات را به ولّیت، فرزند پیامبرت، دعوتگر به سوی تو با اجازهات، امین تو میان مردمت، دیدهات میان بندگانت، حجّت بر آفریدگانت - که درودها و برکت‌هایت بر او باد - به انجام رسانی.

خدایا! با یاری‌ات او را استوار دار و بندهات را یاری ده و یارانش را نیرو بخش و شکیبایشان کن و دریچه چیرگی فیروزمندی را بر ایشان بگشای و در فرجش تعجیل کن و او را بر دشمنانش و دشمنان پیامبرت مسلط کن. ای رحیم‌ترین رحیمان!».

گفتم: فدایت شوم! آیا این دعا را برای خودت نکردی؟

فرمود: «برای نور آل محمد و پیش‌برنده آنها، انتقام گیرنده از دشمنانشان به

فرمان خداوند، دعا کردم».^۲

۱۰۴۱. الغیبة، طوسی - به نقل از سدید صیرفی - : به همراه مفضل بن عمر، داوود بن کثیر رقی، ابو بصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان صادق علیه السلام در آمدیم. او را دیدیم که بر خاک نشسته و عبای خیبری نگارین آستین کوتاه بی‌گریبانی به تن کرده و مانند مادر سرگشته داغدار فرزند از دست داده می‌گرید و اندوه، چهره‌اش را فرا گرفته و غم به رخساره‌اش دویده و اشک، کاسه چشمش را خیس نموده است و می‌فرماید: «سرورم! غیبت تو خوابم را ربوده و بستم را بر من تنگ نموده و دل آسودگی‌ام را برده است.

۱. مؤلف فلاح السائل. این دعا را جزو تعقیبات نماز ظهر آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که روایات صحیحی، بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او و ظهورش را در آخر الزمان، گزارش کرده‌اند و این روایت نیز از جمله آنهاست.

۲. فلاح السائل: ص ۳۰۸ ح ۲۰۹. مصباح المتعجد: ص ۶۰ ح ۹۶، البلد الامین: ص ۱۳. برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۵.

سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَّتْ رُقَادِي وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي، وَابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي،
سَيِّدِي غَيْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مَصَائِبِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ، وَفَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ بِفَنَاءِ الْجَمْعِ
وَالْعَدَدِ، فَمَا أَحْسَرُ بِدَمْعَةٍ تَرَقَّأً^٢ مِنْ عَيْنِي، وَأَنْبِيَّ يُفْشَا^٣ مِنْ صَدْرِي^٤.

قَالَ سَدِيرٌ: فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَأَ، وَتَصَدَّعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا مِنْ ذَلِكَ الْخَطْبِ
الِهَائِلِ، وَالْحَادِثِ الْغَائِلِ، فَظَنْنَا أَنَّهُ سَمَتَ لِمَكْرُوهَةٍ قَارِعَةٍ، أَوْ حَلَّتْ بِهِ مِنَ الذَّهْرِ
بَائِقَةٌ^٥، فَقُلْنَا: لَا أَبْكَى اللَّهُ عَيْنِكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، مِنْ آيَةٍ حَادِثَةٍ تَسْتَدْرِفُ دَمْعَتَكَ،
وَتَسْتَمِطِرُ عَبْرَتَكَ، وَأَيُّهُ حَالَةٌ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا الْمَأْتَمَ؟

قَالَ: فَزَفَرَ الصَّادِقُ ع زَفْرَةً انْتَفَخَ مِنْهَا جَوْفُهُ، وَاشْتَدَّ مِنْهَا خَوْفُهُ، فَقَالَ: وَيَكُمُ،
إِنِّي نَظَرْتُ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ^٦ الْمُشْتَمِلِ عَلَى عِلْمِ الْبَلَايَا وَالْمَنَايَا،
وَعِلْمِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي خَصَّ اللَّهُ تَقَدَّسَ اسْمُهُ بِهِ مُحَمَّدًا
وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ ع، وَتَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا ع، وَغَيْبَتَهُ وَإِطَاءَهُ وَطَوْلَ عُمُرِهِ،
وَبَلَوَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِ الشَّيْعَةِ مِنْ طَوْلِ
غَيْبَتِهِ، وَارْتِدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنِ دِينِهِ، وَخَلَعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ، الَّتِي قَالَ
اللَّهُ ع: ﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَبْعَهُ فِي عُنُقِهِ﴾^٧ يَعْنِي الْوَلَايَةَ، فَأَخَذْتَنِي الرِّقَّةُ

١. في كمال الدين: «يُفْنِي أَنْجَمٌ...» وهو الأنسب.

٢. رَقَاً الدَّمْعُ: إِذَا سَكَنَ وَانْقَطَعَ (النهاية: ج ٢ ص ٢٤٨ «رَقَاً»).

٣. فُشَا الشَّيْءُ يَفْشُو فُشُوعًا: إِذَا ظَهَرَ، وَهُوَ عَامٌّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَمِنْهُ إِفْشَاءُ السَّرِّ (لسان العرب: ج ١٥ ص ١٥٥ «فشو»).

٤. كَذَا فِي الْمَصْدَرِ، وَفِي كَمَالِ الدِّينِ: «وَأَنْبِيَّ يَفْتَرُ مِنْ صَدْرِي».

٥. الْبَائِقَةُ: النَّازِلَةُ وَهِيَ الدَّاهِيَةُ وَالشَّرُّ الشَّدِيدُ (المصباح المنير: ص ٦٦ «هوق»).

٦. الْجَفْرُ وَالْجَامِعَةُ: كِتَابَانِ نَعْلِي ع قَدْ ذَكَرَ فِيهِمَا عَنِّي طَرِيقَةَ عِلْمِ الْحُرُوفِ وَالْعَوَادِثِ الَّتِي تَحْدُثُ إِلَى انْتِقَاضِ
الْعَالَمِ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٩٨ «جفر»).

٧. الإسراء: ١٢.

سرورم! غیبت تو، مصیبت‌هایم را فاجعه‌ای همیشگی کرده و نیافتن یکی از پس دیگری، جمع و شمار [عزیزان] را به نابودی کشانده است تا آن جا که اشک خشکیده چشمم و ناله سر کشیده از سینه‌ام را احساس نمی‌کنم».

سدیر می‌گوید: از این رخداد سهمگین و پدیده دهشتناک، هوش از سرمان پرید و دل‌هایمان بی‌تاب و پاره‌پاره شد و گمان بردیم که مقصودش، مصیبتی کوبنده است و یاروزگار، پیشامدی ناخوش را برایش پیش آورده است.

گفتیم: ای فرزند بهترین مردم! خدا چشمانت را گریان نکند! از چه پیشامدی اشک می‌ریزی و دیده‌ات گریان است و چه حالتی این سوگواری را بر شما در آورده است؟

امام صادق علیه السلام آهی دردناک از ته دل کشید و هراسش را از آن نشان داد و فرمود: «وای بر شما! صبح امروز به کتاب جعفر^۱ نگریستم که در بردارنده علم بلاها و مرگ‌هاست و نیز آنچه تاکنون روی داده و تا روز قیامت روی می‌دهد و از چیزهایی است که خداوند - نامش پاک باد - تنها به محمد و امامان پس از او داده است. من در آن به این چیزها می‌اندیشیدم: تولد قائمان، غیبت، دیر پدیدار شدنش، طول عمرش، گرفتاری مؤمنان پس از او در همان زمان، شک‌هایی که از درازی غیبتش در دل‌های شیعیان پدید می‌آید، از دین بیرون رفتن بیشتر آنها و در آوردن رشته اسلام از گردن خود، با آن که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿و پرونده هر انسانی را به گردنش آویختیم﴾»

۱. جعفر و جامعه، دو کتاب از آن امام علی علیه السلام است که گفته شده بر پایه و روش دانش حقوق، حوادث دنیا را تا انقراض آن ذکر کرده است.

وَاسْتَوَلَّتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ.

٤ / ١

دُعَاءُ الْإِفَافِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٢. فلاح السائل نقلاً عن يحيى بن الفضل النوفلي: دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام بِبَغْدَادَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: ... أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَهٗ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

قال: قُلْتُ لَهُ: مَنْ الْمَدْعُوُّ لَهُ؟ قَالَ: ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام. ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّ الْمُنْتَدِحِ^١ الْبَطْنِ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِّينِ، أَحْمَشُ^٢ السَّاقِينَ، بَعِيدُ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ تَعْتَادُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ، يَا أَيُّ مَنْ لَيْلُهُ يَرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، يَا أَيُّ مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، مُصْبَاحُ الدُّجَى، يَا أَيُّ الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ. قُلْتُ: مَتَى خُرُوجُهُ؟

قال: إِذَا رَأَيْتَ الْعَسَاكِرَ بِالْأَنْبَارِ عَلَيَّ شَاطِئِي الْفُرَاتِ وَالصَّرَاةَ^٣ وَدِجْلَةَ، وَهَدَمَ قَنْطَرَةَ الْكُوفَةِ، وَإِحْرَاقَ بَعْضِ يُبُوتَاتِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، لَا غَالِبَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَلَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ.

١. في المصدر: «المنتدح». والتصويب من بحار الأنوار. والمنتدح: السَّعة، وقولهم: لك منتدح في البلاد: أي

مكان واسع عريض (لسان العرب: ج ٢ ص ٦١٢ «تدح»).

٢. أحمش الساقين: أي دقيقتها (النهاية: ج ١ ص ٢٢٠ «حمش»).

٣. الصَّرَاةُ: يطلق على نهرين ببغداد، الصَّرَاةُ الْكُبْرَى والصَّرَاةُ الصَّغْرَى (معجم البلدان: ج ٣ ص ٣٩٨).

که مقصود، ولایت است. پس دلم سوخت و اندوه‌ها بر من چیره شدند.^۱

۴/۱

دعای امام کاظم علیه السلام

۱۰۳۲. فلاح السائل - به نقل از یحیی بن فضل نوفلی - : در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. ایشان از نماز عصر فارغ شده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده بود و شنیدم که می فرمود: «از تو درخواست می کنم به وسیله نام نهفته و اندوخته‌ات، زنده برپادارنده‌ای که درخواست کننده با آن ناکام نمی ماند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده تو از دشمنانت تعجیل کنی و آنچه را به او وعده داده‌ای، به انجام رسانی. ای صاحب شکوه و جلال!».

به امام گفتم: برای چه کسی دعا می کنی؟

فرمود: «همان مهدی خاندان محمد». سپس فرمود: «پدرم فدای آن فربه شکم، ابرو به هم پیوسته، باریک ساق، چهارشانه، سبزه رویی که پرتوی از زردی شب بیداری بر او عارض شده است! پدرم فدای آن که شبش در سجود و رکوع به پاییدن ستاره‌ها سپری می شود! پدرم فدای آن که در راه خدا از سرزنش کسی نمی ترسد و چراغی برای تاریکی هاست! پدرم فدای کسی که به فرمان خدا قیام می کند!».

گفتم: کی قیام می کند؟

فرمود: «هنگامی که لشکرها را در شهر انبار بر کناره رودهای فرات، صرّاة^۲ و دجله دیدی و نیز انهدام پل کوفه و آتش زدن برخی خانه‌های کوفه را دیدی. خداوند آنچه بخواهد می کند و کسی بر امر خدا چیره نیست و باز دارنده‌ای از حکمش وجود ندارد».^۳

۱. الغیبة، طوسی: ص ۱۶۷ ح ۱۲۹. کمال الدین: ص ۳۵۲ ح ۵۰. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۱۹ ح ۹. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۳ ص ۱۳ ح ۲۸۳.
 ۲. صرّاة بزرگ و کوچک، دو نهر هستند که از بغداد می گذرند.
 ۳. فلاح السائل: ص ۳۵۳ ح ۲۲۸. مصباح المهجد: ص ۷۳ ح ۱۱۹، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۸۰ ح ۸. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ص ۲۲۷ ح ۱۰۸۴.

٥/١

دُعَاءُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٣. جمال الأسبوع نقلاً عن يونس بن عبد الرحمن، عن مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عجله الله عنه، أنه كان يأمر بالدعاء للحجة صاحب الزمان عجله الله عنه، فكان من دعائه له صلوات الله عليهما^١:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ^٢ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِن شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَن حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَأَبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ^٣، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ.

اللَّهُمَّ وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَن آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَن كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَعَادِ مَن عَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ.

١. ورد صدر هذا الدعاء في الكتاب هكذا:

جمال الأسبوع: ما حدث به الشريف الجليل أبو الحسين زيد بن جعفر العلوي المحمدي، قال: حدثنا أبو الحسين إسحاق بن الحسن العفراتي، قال: حدثنا محمد بن همام بن سهيل الكاتب، ومحمد بن شعيب بن أحمد المالكي، جميعاً، عن شعيب بن أحمد المالكي، عن يونس بن عبد الرحمن ...

٢. الجحججاء: السيد الكريم (النهاية: ج ١ ص ٢٤٠ «جججج»).

٣. في المصدر: «يحتقر» والصواب ما أثبتناه كما في معار الأثرار ومواضع أخرى.

۵/۱

دعای امام رضا علیه السلام

۱۰۳۳ . جمال الأسبوع - به نقل از یونس بن عبد الرحمان :- مولا یمان امام رضا علیه السلام به دعا برای حجّت صاحب الزمان علیه السلام فرمان می داد و خود - که درودهای خدا بر هر دو باد - در دعایش چنین می خواند: «خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و از ولّیت، خلیفهات و حجّتت بر خلقت دفاع کن؛ او که زبان و سخنگویت به اذن توست، حکمت تو را بر زبان می آورد، دیده بینای تو میان آفریده هایت، گواه تو بر بندگانت، سرور مجاهد کوشا و بنده پناهنده به توست. خدایا! او را از شر آنچه آفریده، درست کرده، ایجاد نموده، پدید آورده و صورت داده ای پناه ده، و او را از جلو و پشت، راست و چپ، بالا و پایین، حفظ فرما، با همان حفظت که اگر کسی را در بر بگیری، تباہ نمی کند و پیامبرت، وصی پیامبرت و پدران امامانت و ستون های دینت را - که درودهای بر همه ایشان باد - در باره او حفظ کن، و او را به امانت بگیر که تباہ نمی شود و در پناه و پیمان خودت در آور که شکسته نمی شود. به دژ عزّت و منع خودت راه بده که مغلوب نمی شود.

خدایا! او را با امان محکم خود امان ده که هر کس را با آن امان دادی، و انهدادی، و او را در حمایت خود قرار ده که هر کس در آن باشد، مغلوب نمی شود و او را با یاری پیروزمندان یاری ده و با لشکر چیرهات استوارش بدار و با نیرویت تقویتش کن و با فرشتگانت پشتیبانی اش بنما. خدایا! هر کس او را دوست می دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می دارد، دشمن بدار، و زره نگاه دارنده ات را بر او بپوشان و گرداگرد او را با فرشتگانت به طور کامل بگیر. خدایا! و برترین چیزی را که به برپاکنندگان عدالت از میان پیروان پیامبران دادی، به او برسان.

خدایا! پراکندگی ها را با او جمع کن و شکاف ها را با او پر کن و ستم را با او

وَحُفَّةٍ بِمَلَايِكَتِكَ حَقًّا، اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ.
اللَّهُمَّ اشْعَبْ^١ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ^٢ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِمْتَ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْقَدْلَ،
وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا،
وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحٍ
قَرِيبٍ، وَوَزِّنْهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا، وَأَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقُوَّةً
نَاصِرَةً وَآخِذًا خَازِلَةً، وَدَمِيمًا^٣ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرَ عَلَى مَنْ غَشَّاهُ.

اللَّهُمَّ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمُدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ
الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ، وَمُمِيَّةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّمَةَ الْبَاطِلِ، وَأَذِلِّ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِ^٤ بِهِ
الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَّعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا^٥ وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ
آثَارًا.

اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَّةَ
الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَحَيَّ مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ،
حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، صَحِيحًا مَحْضًا^٦، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا

١. الشَّعْبُ: الجمع والإصلاح (لسان العرب: ج ١ ص ٢٩٧ «شعب»).

٢. الرُّتْقُ: إنحام الفتق وإصلاحه (لسان العرب: ج ١٠ ص ١١٤ «رتق»).

٣. دَمِيمٌ عَلَيْهِمْ: أي أهلكهم وأزعجهم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣١٨ «دميم»).

٤. أَبْرَاهُ لَه: أهلكه (لسان العرب: ج ٢ ص ٨٦ «بور»).

٥. دَيَّارٌ: أي ساكن - في الدار - (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٢١ «دار»).

٦. الْمَحْضُ: المعانص الذي لم يخالطه غيره (المصباح المنير: ص ٥٦٥ «محض»).

بمیران و عدالت را با او پدیدار کن و زمین را با طول بقایش زینت بخش و با یاریات استوارش کن و با هراس [در دل دشمن] یاری اش ده و پیروزی ای آسان برایش پیش آور و از نزد خودت تسلطی پیروزمند بر دشمنت و دشمنش برایش قرار بده.

خدایا! او را قائمی قرار بده که چشم به راهش باشند، و نیز امامی که با او [از دشمنانت] انتقام می‌گیری و با نصرتی فیروزمند و فتوحی نزدیک، استوارش بدار و وارث شرق و غرب زمین که برایش مبارک گردانده‌ای قرار بده و سنت پیامبرت را - که درودهایت بر او و خاندانش باد - با او زنده کن تا آن جا که هیچ چیزی از حقیقت را به هراس از کسی، پنهان ندارد. یاورش را تقویت کن و واگذارنده‌اش را وا بگذار و هر که را با او دشمنی می‌کند، به هلاکت برسان و هر که را به او خیانت می‌کند، نابود بفرما.

خدایا! حاکمان زورگو، ستون‌ها، استوانه‌ها و برپا دارندگان کفر را به دست او هلاک کن و سران گم‌راهی، بدعت‌گزاران اصلی، نابودکنندگان سنت و تقویت‌کنندگان باطل را به دست او درهم شکن و زورگویان را به دست او خوار کن و کافران و منافقان را به دست او نابود کن و نیز همه ملحدان را در هر زمان و در هر مکان از شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا یا در کوه و دشت تا آن که کسی از آنان نماند و اثری از ایشان نپاید.

خدایا! سرزمین‌هایت را از آنان پاک و دل‌بندگانت را [با نابودی آنها] خنک گردان و مؤمنان را با او عزت ببخش و سنت‌های فرستادگان و احکام از یاد رفته پیامبران را به دست او زنده کن و آنچه را که از دینت محو و از احکامت دگرگون شده، به دست او احیا کن تا دینت را با او و بر دستان او نوین، شاداب، درست و ناب کنی، بی هیچ کژی و بدعتی در آن تا با عدالتش، تاریکی‌های ستم را نور بخشی و آتش کفر را خاموش کنی و جایگاه‌های حق و عدالت‌های ناشناخته را آشکار و

بِدَعَةِ مَعَهُ، حَتَّى تُشِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ، وَتُوضِّحَ بِهِ مُشْكِلاتِ الْحُكْمِ.

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ، وَانْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ (مِنْ الرَّجْسِ)، وَصَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرِّيبِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ^١، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْبًا^٢، وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنْتَ الْإِمَامُ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتُسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ.

اللَّهُمَّ وَاسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي، اللَّهُمَّ وَقُونَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَنَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمِنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ

١. الطَّامَةُ: الدَّاهِيَةُ تَغْلِبُ مَا سِوَاهَا، وَقَالَ الْفَرَّاءُ: هِيَ الْقِيَامَةُ تَطْمُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٧٠ «طمم»).

٢. الْحَوْبُ: الْإِثْمُ؛ الْخَطِيئَةُ (المصباح المنير: ص ١٥٥ «حَاب»).

نقاط مبهم و پیچیده احکام را روشن کنی.

خدایا! او بنده توست که او را برای خود برگزیدی و از میان خلقت برگزیدی و بر بندگانت برتری دادی و امانتدار نهان‌هایت نمودی و از گناهان، نگاهش داشتی و از عیب‌ها مبرايش کردی و از آلودگی، پاکش نمودی و از پلیدی، دورش گردانیدی و از تردید، سالمش نهادی.

خدایا! ما روز قیامت و روز بلای بزرگ برایش گواهی می‌دهیم که نه گناهی کرده و نه خطایی نموده و نه نافرمانی تو را کرده و نه در اطاعت تو کوتاهی نموده، نه حرمتی از تو را فرو گذاشته و نه واجبی از تو را دگرگون ساخته و نه شریعتی از تو را تغییر داده است و او امام پرهیزگار راه‌نمای راه‌یافته، پاک پروا پیشه، وفادار راضی و پاکیزه است.

خدایا! بر او و پدرانش درود فرست و به خودش، فرزندانش، خانواده‌اش، نسلس، اُمّتش و همه مردمش، مایه چشم‌روشنی‌اش و آنچه جانش را شاد می‌کند، عطا کن و حکومت همه مملکت‌ها، نزدیک و دور، و نیرومند و خوار را برای او گرد آور تا حکمش را بر هر حکمی جاری و با حقش بر هر باطلی غلبه کند.

خدایا! ما را به دست او به راه روشن هدایت و شاه‌راه روشن آن و طریقه میانه - که تندرو به آن باز می‌گردد و عقب‌مانده، خود را به آن می‌رساند - برسان. خدایا! ما را بر فرمان‌برداری از او نیرومند کن و بر پیروی او استوار بدار و دنباله‌روی از او را بر ما منت بنه و ما را در حزب او و برپا دارندگان کارش که همراه او شکیب می‌ورزند و با خیرخواهی برای او، خشنودی تو را می‌جویند قرار بده، تا آن که روز قیامت، ما را در زمره یاران و یاوران و تقویت‌کنندگان حکومت او محشور کنی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه اینها را از جانب ما تنها برای خودت و به دور از هر شک و شبهه و ریا و خودنمایی قرار ده تا بدان، بر غیر تو اعتماد نکنیم و با آن، جز تو را نجویم تا آن گاه که ما را در جایگاه او جای دهی

وَمَقْوِيَّةِ سُلْطَانِيهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصاً، مِنْ كُلِّ شَكٍّ
وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى
تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامِيَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَسْرَةِ
وَالْفَسْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِنَا غَيْرَنَا،
فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وُلاةِ عُهُودِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَانصُرْهُمْ وَتَمِّمْ
لَهُمْ مَا أَسَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً، وَصَلِّ
عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَنْعَمَةِ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِينُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ،
وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ
أَوْلِيَائِكَ، وَصَفْوَتُكَ وَأَوْلَادُ أَصْفِيَائِكَ، صَلِّوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
اللَّهُمَّ وَشُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلاَحَهُ
وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَوُا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ
مِنَ الْمِهَادِ، قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفَقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ
عَنْ بَصَرِهِمْ، وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ
عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَاتَّخَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي ذَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ
بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا، فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ^٢، وَرُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ
مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَسْعُونَتِكَ

١. سلوا عن الأهل والأولاد: أي نسوا ذكرهم، وذهنوا عنهم (انظر: لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٩٥ «سلوا»).

٢. يضع عليه كنفه: أي يسترّه، وقيل: يرحمه ويلطف به (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

و در بهشت، همراهش سازی، و ما را در کار او به ملالت و کسالت و سستی و ناتوانی مبتلا مکن و ما را از کسانی قرار ده که با آنان دینت را یاری می‌دهی و ولایت را قدرتمندانه پیروز می‌کنی و دیگری را به جای ما مگذار که ما را با دیگری عوض کردن، برای تو آسان و بر ما گران است؛ که تو بر هر کار، توانایی.

خدایا! بر کارگزاران او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و یاری‌شان ده و آنچه از امور دینت را به ایشان سپرده‌ای، بر ایشان کامل کن و ما را یاران ایشان و یاوران دینت قرار ده و بر پدران پاکش، امامان راه‌یافته، درود فرست. خدایا! آنان معدن‌های کلمات تو، گنجوران دانش تو، والیان امر تو، بندگان خالص تو، برگزیدگان از میان آفریدگان تو، اولیا و فرزندان اولیای تو، برگزیدگان و فرزندان برگزیدگان تو هستند؛ درودهای تو و رحمت و برکاتت بر همه آنان باد!

خدایا! همکاران و یاورانش را در فرمان‌برداری از تو، آنان که دژ و سلاح و پناهگاه و مایهٔ انس او قرار دادی، آنان که خانواده و فرزند را از یاد برده و از وطن خود دور شده و بستر گرم و نرمشان را فرو نهاده و تجارت خود را رها نموده و به زندگی خود زیان زده و بی آن که از شهرشان غایب شوند، در انجمن‌هایشان یافت نمی‌شوند و با فرد دوری که آنان را در کارشان یاری کند، پیمان بسته و با نزدیکی که از کارشان جلو گیرد، مخالفت کرده‌اند و از پس سال‌ها پشت به هم کردن و از هم بریدن، با هم متحد شده‌اند و رشته‌های پیوندی را که [در بینشان] با متاع ناچیز و زودگذر دنیایی حاصل شده، بریده‌اند، خدایا آنان را در حفظ و سایهٔ حمایت خودت بگیر و گزند هر یک از آفریدگانت را که قصد دشمنی با ایشان را دارد، از آنان بازگردان و کفایت و یاری‌ات و نیز تأیید و امدادت را برای ایشان چندان فرا بخوان که آنان را در اطاعتت یاری دهی و با حَقشان، باطل کسی را که در پی خاموش کردن نور توست، از میان ببری!

و بر محمد و خاندان او درود فرست و همهٔ کرانه‌های گیتی و همهٔ سرزمین‌ها

لَهُمْ، وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ، مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَزْهِقِ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ
أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَقْفٍ مِنَ الْآفَاقِ، وَقَطِرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ، قِسْطاً
وَعَدلاً وَرَحْمَةً وَفَضْلاً، وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى
الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَادْخُرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ
تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

راجع: ص ٢١٢ ج ١٠٧٤.

٦ / ١

دُعَاءُ الْإِنْفَاقِ الْجَوَائِدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٤. مهج الدعوات - في ذكر فنوتات الأئمة الطاهرين^١ -: فنوت الإمام محمد بن علي
الجوائد^٢:

اللَّهُمَّ مَنَّاخُكَ^٢ مُتَّبِعَةً، وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةً، وَنِعْمَتِكَ سَابِغَةً، وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ وَحَمْدُنَا
يَسِيرٌ، وَأَنْتَ بِالتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مَنْ اعْتَرَفَ بِجَدِيرٍ، اللَّهُمَّ وَقَدْ غُصَّ أَهْلُ الْحَقِّ بِالزِّيْقِ،
وَارْتَبَكَ^٣ أَهْلُ الصُّدُقِ فِي الْمَضِيْقِ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ،
وَبِإِجَابَةِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ، وَالنَّصْرَ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادَهُ^٤، وَأَتِيحَ لَنَا

١. ذكر السيد بن طاووس سناً واحداً في بداية أدعية القنوتات.

٢. المنبجحة: المنحة وهي العطية (النهاية: ج ٤ ص ٣٦٤ «منح»).

٣. ربه: خلطه فارتبك، وفلاناً: ألقاه في وحل فارتبك فيه (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

٤. يتكادئك: أي يصعب عليك ويشق (النهاية: ج ٤ ص ١٣٧ «كاد»).

تكاد الشيء تكلفه وكابده وصلّى به، وتكادني الأمر: شقّ عليّ تكاءدني (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

را به دست آنان از عدل و داد و رحمت و فضیلت پُر کن و به اندازه کرم و جودت و آنچه بر بندگانت - که برپا دارنده عدالت بوده‌اند - منت نهادی، از آنان قدردانی کن و از پاداش، چیزی برایشان ذخیره کن تا درجاتشان را بالا ببری؛ که تو هر چه بخواهی می‌کنی و هر چه بخواهی به آن حکم می‌رانی. آمین، ای خدای جهانیان! ^۱

و.ک: ص ۲۱۲ ح ۱۰۲۴.

۶ / ۱

دعای امام جواد علیه السلام

۱۰۲۴. مهج الدعوات ^۲ - در ذکر قنوت‌های امامان پاک - : قنوت امام جواد علیه السلام: «خدایا! عطایای تو در پی هم و احسان‌هایت پشت سر هم و نعمت‌هایت گسترده و سپاس ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو شایسته توجّه به کسی هستی که خود اعتراف می‌کند. خدایا! اهل حق را جان به لب آمده و اهل صدق به تنگنا افتاده و تو ای خداوند، به بندگانت و مشتاقانت، مهربانی و به اجابت دعایشان و تعجیل در گشایش کارشان سزاواری. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به یاری ما بشتاب، بی آن که پس از آن، ما را واگذاری و چنان کمکی به ما بنماید که هیچ باطلی را یارای رویارویی با آن نباشد و زمینه‌ای گسترده را از جانب خودت برای ما فراهم بیاور تا ولایت در آن، ایمن و دشمنت در آن، ناکام و نشانه‌هایت در آن، برپا شود و فرمان‌هایت پدیدار گردد و دشمنان وعده‌هایت منکوب شوند. خدایا! ما را از

۱. جمال الأسبوع: ص ۳۱۰، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۲ ح ۵.

۲. سید ابن طاووس در آغاز دعاهای قنوت، یک سند برای آنها ذکر کرده است.

مِن لَّدُنكَ مُتَاحاً^١ فَيَاحاً^٢، يَأْمَنُ فِيهِ وَرَيْكَ وَيَخِيبُ فِيهِ عَدُوَّكَ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ وَيُظْهَرُ فِيهِ أَوَامِرُكَ، وَتَنَكَّفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَائِكَ.

اللَّهُمَّ بَادِرْنَا مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ، وَبَادِرْ أَعْدَاءَكَ مِنْ بَأْسِكَ بِدَارِ النَّقِمَةِ، اللَّهُمَّ أَعِنَّا وَأَعِزَّنَا، وَارْفَعْ نَقِمَتَكَ عَنَّا، وَأَجِلْهَا بِالنُّوْمِ الظَّالِمِينَ.

٧/١

دُعَاءُ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

١٠٢٥. مهج الدعوات^٣: قُنُوتُ مَوْلَانَا الْوَفِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ: ... وَدَعَا فِي قُنُوتِهِ، وَأَمَرَ أَهْلَ قَوْمٍ بِذَلِكَ، لَمَّا شَكَّوْا مِنْ مُوسَى بْنِ يُغَا:

الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ... اللَّهُمَّ، وَلَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا جُنَّةً إِلَّا هَتَكْتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَقْتَهَا، وَلَا سَرِيَّةً ثَقِيلًا إِلَّا خَفَفْتَهَا، وَلَا قَائِمَةً عَلْوًا إِلَّا حَطَّطْتَهَا، وَلَا رَافِعَةً عَلَمًا إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا خَضْرَاءَ إِلَّا أَبْرَثَهَا^٤، اللَّهُمَّ فَكْوِّرْ شَمْسَهُ، وَحُطِّ نَوْزَهُ، وَاطْمِسْ ذِكْرَهُ، وَارْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ، وَفُضِّ جُيُوشَهُ، وَأَرْعِبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ.

اللَّهُمَّ، وَلَا تَدْعَ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَ، وَلَا بَيِّنَةً إِلَّا سَوَّيْتَ، وَلَا خَلْفَةً إِلَّا قَصَمْتَ^٥.

١. تاح له الشيء: يتوح؛ تهيأ كتاح يتيح وأتاحه الله فأتبع. ولعل العناح مصدر ميمي ويحتمل اسم المكان (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

٢. فَيَاحٌ: واسع (النهاية: ج ٣ ص ٤٨٤ «فيح»).

٣. ذكر السيد بن طاووس سنداً واحداً في بداية أدعية القنوت.

٤. أبر الأثر: عفى عليه من التراب. قال الرياشي: التأبير: التعفية ومحو الأثر (لسان العرب: ج ٤ ص ٥ «أبر»).

٥. الْقَصْمُ: دَقُّ الشَّيْءِ، وَالْقَصْمُ: كَسْرُ الشَّيْءِ الشَّدِيدِ حَتَّى يَبِينَ. وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «قَصَمْتُ»، وَهُوَ الْأَنْسَبُ. وَالْقَصْمُ: الْكَسْرُ مِنْ غَيْرِ بَيِّنَةٍ. وَالْقَصْمُ أَنْ يَنْصَدَعَ الشَّيْءُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَبِينَ. مَنْ قَصَمْتَ الشَّيْءَ أَقْصَمَهُ قَصْماً، إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٨٥ «قصم»).

جانب خودت به سرای رحمت برسان و دشمنانت را از سر سختگیری ات به سرای
نقمت ببر. خدایا! ما را یاری ده و به فریادمان برس و کيفرت را از ما بردار و آن را بر
گروه ستمکاران فرود آور. ^۱

۷ / ۱

دعای امام عسکری علیه السلام

۱۰۴۵. مهج الدعوات: قنوت مولای وفادار مان، امام حسن عسکری علیه السلام: ... در دعایش چنین دعا
کرد و قمیان را نیز هنگامی که از موسی بن بُغَا^۲ شکایت کردند به آن فرمان داد:
«ستایش، ویژه خداوند است و سپاس بر نعمت های او... خدایا! هیچ یک از
ستون های ستم را و امگذار جز آن که آن را در هم شکنی، و هیچ سپری از آن را فرو
مگذار جز آن که آن را بدری، و هیچ جمعی از آنان باقی مگذار جز آن که از هم
پاشیده کنی و نیز، هیچ سپاه سنگینی را جز آن که سبکش سازی، و هیچ فرازی جز
آن که فرودش بیاوری، و هیچ پرچم برافراشته ای جز آن که سرنگونش کنی، و هیچ
سرسبزی ای مگر آن که خاک مرگ بر آن پاشی. خدایا! خورشید ستم را در هم پیچ و
نورش را پایین بکش و ذکرش را از یادها ببر و سرش را با حق بکوب و لشکریانش
را پراکنده کن و دل های اهلش را بلرزان.

خدایا! باقی مانده ای از ستم را و امگذار جز آن که به باد فنایش بسپاری و بنایی از
آن را | مگذار جز آن که با خاک یکسانش کنی و حلقه ای منه مگر آن که آن را
بشکنی، و سلاخی جز آن که کندش کنی، و تیزی ای مگر آن که آن را بشکنی، و

۱. مهج الدعوات: ص ۸۰. بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۲۵.

۲. موسی بن بُغَا (م ۲۶۴ ق) از امرای بنی عباس بود که در کشتار سال ۲۵۰ ق، اهل حمص و سال ۲۵۲ ق، در
قزوین و دیلم دست داشته است و مردم قم به امام عسکری علیه السلام شکایت نمودند و ایشان این دعا را در قنوت
دستور فرمود (ر. ک: مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۸ ص ۶ ح ۱۵۲۹۱، تاریخ دمشق: ج ۶۰ ص ۴۰۱ ش
۷۷۱۱، تاریخ الطبری: ج ۹ ص ۲۷۸ و ۲۷۸).

ولا سلاحاً إلا أكلت، ولا خدأً إلا قللت، ولا كراعاً^١ إلا اجتحت، ولا حاملاً علم إلا نكست، اللهم وأرنا أنصاره عباديد^٢ بعد الألف، وشئنا بعد اجتماع الكلم، ومقنعي الرؤوس بعد الظهور على الأمة، وأسفر لنا عن نهار العدل، وأرنا سرمداً، لا ظلمة فيه، ونوراً لا شوب معه، وأهطل علينا ناشئته، وأنزل علينا بركته، وأدل له من ناواه، وانصره على من عاداه.

اللهم، وأظهر به الحق وأصبح به في غسق^٣ الظلم، وبهم^٤ الحيرة، اللهم وأحي به القلوب الميتة، واجمع به الأهواء المتفرقة والآراء المختلفة، وأقم به الحدود المعطلة، والأحكام المهملة، وأشبع به الخصاص الساغبة^٥، وأرح به الأبدان اللاغية^٦ المتعبه، كما ألهجتنا بذكره وأخطرت بآلنا دعاءك له، ووقفنا للدعاء إليه، وحياسة أهل الغفلة عنه، وأسكنت في قلوبنا محبته والطمع فيه، وحسن الظن بك لإقامة مراسيمه.

اللهم، فأت لنا منه على أحسن يتين، يا محقق الظنون الحسنة، ويا مصدق الآمال المبينة^٧، اللهم وأكذب به المتألين^٨ عليك فيه، وأخلف به ظنون القانطين من

١. الكراع: اسم يجمع الخيل، والكراع: السلاح، وقيل: هو اسم يجمع الخيل والسلاح (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٠٧ «كراع»).
٢. العباديد: الخيل المتفرقة في ذهابها ومجيئها، ويقال: ذهبوا عباديد أي: متفرقين، ولا يقال: أقبلوا عباديد (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٧٦ «عبد»).
٣. الغسق: ظلمة الليل (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٦ «غسق»).
٤. اليهم: جمع تهمة - بالضم - وهي مشكلات الأمور (لسان العرب: ج ١٢ ص ٥٧ «يهم»).
٥. الخصاص: الجوع، والساغبة: الجائعة. وقيل: لا يكون للثعب إلا مع الثعب (النهاية: ج ٢ ص ٨٠ «خمس» و ص ٣٧١ «سغب»).
٦. اللغيب: الثعب والإعياء (النهاية: ج ٤ ص ٢٥٦ «لغيب»).
٧. في المصدر: «المبينة»، وما أثبت من بحار الأنوار ومصباح المتجسد، وهو المناسب للمقام.
٨. المتألين: يعني الذين يحكمون على الله ويقولون: فلان في الجنة وفلان في النار (النهاية: ج ١ ص ٦٢ «ألى»).

خیلی اسبانی جز آن که آنها را از بیخ برکنی، و بر دوش کشنده پرچم جز آن که سرنگونش کنی. خدایا! به ما نشان بده که یاوران ستم پس از الفت و اتفاق، پراکنده شده و پس از وحدت کلمه، با هم اختلاف کرده و بعد از پیروز شدن در برابر امت، سرافکنده گشته‌اند.

خدایا! روز روشن عدالت را به ما بنمای و آن را برای همیشه و بی تاریکی و به صورت نوری بدون هیچ آلاچی، به ما نشان بده و آغاز آن را بر ما فرو ریز و برکت آن را بر ما نازل فرما و او را بر مخالفانش برتری ده و در برابر دشمنانش یاری اش کن.

خدایا! و حق را با او آشکار کن و تیرگی شب حیرت را با او به صبح مبدل نما. خدایا! دل‌های مرده را با او زنده کن و خواسته‌های متفاوت و نظرهای گوناگون را به دست او متحد کن و حدود اجرا نشده و احکام فرو گذاشته را با او به پا دار و شکم‌های گرسنه را به دست او سیر و بدن‌های رنجور خسته را با او آسوده کن، همان گونه که ما را شیفته یاد او کردی و به فرمان انداختی که تو را برای او بخوانیم و به ما توفیق دعا کردن برای او دادی، در حالی که غافلان، از او دور و به کنارند، و محبت و امید به او را در دل‌های ما جادادی و نیز گمان نیکو به خودت تا فرمان‌های او را بر پا بداریم.

خدایا! خبرش را به صورت بهترین یقین بر ایمان بیاور. ای که گمان‌های نیکو را نیز محقق می‌کنی و ای که آرزوهای دیرین را جامه عمل می‌پوشانی! خدایا! آنان را که برخلاف تو حکم می‌رانند، به وسیله او تکذیب کن و با کمک او پندارهای ناامیدان از رحمتت و مایوسان از وی را دگرگون کن. خدایا! ما را رشته‌ای از رشته‌های او و پرچمی برافراشته از پرچم‌های او و پناهی از پناهگاه‌های او قرار ده و رخسار ما را به آرایش او خرم کن و ما را با یاری رساندن به او گرامی بدار و در ما

رَحْمَتِكَ وَالْآسِينَ مِنْهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا سَبِيًّا مِنْ أَسْبَابِهِ، وَعَلَمًا مِنْ أَعْلَامِهِ، وَمَعْقِلًا مِنْ
مَعَاقِلِهِ، وَنَضْرًا وَجَوْهَنَا بِتَحْلِيلِيَّتِهِ، وَأَكْرَمَنَا بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فِيْنَا خَيْرًا تُظَهِّرُنَا لَهُ بِهِ،
وَلَا تُسْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النِّعَمِ، وَالْمُرَبِّصِينَ بِنَا حُلُولَ النَّدَمِ وَنُزُولَ الْمُثَلِّ، فَقَدْ تَرَى يَا
رَبُّ بَرَاءَةَ سَاحَتِنَا، وَخُلُوقَ ذَرَعِنَا^١ مِنَ الْإِضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْنَةٍ^٢، وَالتَّمَنِّي لَهُمْ وَقُوعَ
جَائِحَةٍ^٣، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَحْصِينِهِمْ بِالْعَافِيَةِ، وَمَا أَضْبَوْا^٤ لَنَا مِنْ انْسِهَارِ الْقُرْصَةِ،
وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْغَفْلَةِ.

اللَّهُمَّ، وَقَدْ عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا، وَبَصُرْنَا مِنْ غُيُوبِنَا خِلَالًا نَخْشَى أَنْ تَقْعُدَ بِنَا عَنِ
اشْتِهَارِ^٥ إِجَابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَّفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّينَ، وَالْمُبْتَدِيُّ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ
السَّائِلِينَ، فَانْتَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ، وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ
تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ.

اللَّهُمَّ، وَالذَّاعِي إِلَيْكَ وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ إِلَى
مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذْ ابْتَدَأَتْهُ بِنِعْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُ أَثْوَابَ كَرَامَتِكَ، وَالْقِيَّتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ
طَاعَتِكَ، وَتَبَّتْ وَطْأَتُهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَوَقَّفَتْهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ أَهْلُ
رَمَانِهِ مِنْ أَمْرِكَ، وَجَعَلَتْهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ،
وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا رُدَّ^٦ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ، وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ، فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي حَصَانَةِ مَنْ

١. الذُّرْعُ وَالذَّرَاعُ: الْوَسْعُ وَالطَّاقَةُ (لسان العرب: ج ٨ ص ٩٦ «ذرع»).

٢. الْإِحْنَةُ: الْحِفْظُ فِي النِّصْرَةِ (لسان العرب: ج ١٣ ص ٨ «أحن»).

٣. الْجَائِحَةُ: الشَّدَّةُ وَالنَّازِلَةُ الْعَظِيمَةُ الَّتِي تَجْتَاكُ الْعَالَمَ مِنْ سَنَةٍ أَوْ قِسْمَةٍ (لسان العرب: ج ٢ ص ٢٣١ «جوح»).

٤. أَضْبَأَ الرَّجُلُ عَلَى الشَّيْءِ: إِذَا سَكَتَ عَلَيْهِ وَكْتَمَهُ (الصحاح: ج ١ ص ٦٠ «ضبا»).

٥. فِي بَحَارِ الْأَثْوَارِ: «إِسْتِهَال».

٦. (دُرُخ ل). وَفِي مِصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَكَذَا الْمَوَارِدِ الْمَشَابِهُةُ لِهَذَا الدُّعَاءِ: «وَرُد».

خیری قرار ده که آن را به دست او برایش پدیدار کنی و حسودان بر نعمت‌ها و آنان را که ندامت و عذاب شدن ما را انتظار می‌کشند، شماتت کننده ما منما؛ که تو ای خدای ما! پاک‌ی ساحت ما و تهی بودن سینه‌مان را از کینه‌توزی نهان به آنها می‌بینی و آرزوی تیره‌روزی و فرود آمدن بلا بر ایشان و زوال عافیتشان را در ما نمی‌بینی، در حالی که آنان در انتظار فرصت اند تا به گاه غفلتمان بر ما بجهند.

خدایا! ما را به خودمان شناسانده‌ای و برخی عیب‌هایمان را چنان به ما نشان داده‌ای که می‌ترسیم ما را از شایستگی اجابت دعوت فرو بنشانند، در حالی که تو به غیر شایستگان نیز می‌بخشی و به آنان که هنوز درخواست هم نکرده‌اند، به احسان آغاز می‌کنی. پس به ما و برای کارمان به اندازه کرمیت، جودت، بخششت و منت‌نهادنت، ببخش که تو هر چه خواهی می‌کنی و به هر چه اراده کنی، حکم می‌رانی. ما مشتاق تویم و از همه گناهانمان توبه کاریم.

خدایا! دعوتگر به سویت و بر پا دارنده عدالت از میان بندگان، نیازمند به رحمت و محتاج به کمک تو در فرمان‌برداری‌ات است، هنگامی که با نعمت‌بخشی‌ات به او آغاز کردی و جامه کرامت را بر او پوشاندی و محبت اطاعت را در دل او انداختی و از سر مهر، جایگاهش را در دل‌ها استوار ساختی و او را به قیام برای امرت موفق کردی، در حالی که مردم روزگارش چشم بر آن فرو بسته‌اند و او را پناه بندگان ستم‌دیده‌ات و یاور کسانی که جز تو یآوری نمی‌یابند و تجدید کننده احکام فروخته کتابت و استوارکننده نشانه‌های رد شده دینت^۱ و سنت‌های پیامبرت - که سلام و درودها و رحمت و برکات بر او و خاندانش باد - قرار دادی. پس خدایا! او را از آزار متجاوزان محافظت کن و نور او را بر دل‌های

۱. در بسیاری از موارد مشابه متن چنین آمده است: «استوارکننده نشانه‌های وارد شده دینت».

بِأَسِ الْمُعْتَدِينَ، وَأَشْرَقَ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بُغَاةِ الدِّينِ، وَبَلَغَ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَغَتْ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ، وَأَذِلَّ بِهِ مَنْ لَمْ تُسْهِمْ لَهُ فِي الرُّجُوعِ إِلَى مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ، وَارْمِ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ مَنْ أَرَادَ التَّأْلِيْبَ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ وَتَشْتِيتِ أَمْرِهِ، وَاغْضَبْ لِمَنْ لَا تِرَةً لَهُ وَلَا طَائِلَةَ^٢، وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِيكَ، مَتَى مِنْكَ عَلَيْهِ لَا مَتَى مِنْهُ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ، فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضاً فِيكَ لِلْأَبْعَدِينَ، وَجَادَ بِبَدَلٍ مُهَجَّتِهِ لَكَ فِي الذُّبِّ عَنِ حَرِيمِ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَدَّ شَرَّ بُغَاةِ الْمُرْتَدِّينَ الْمُرْبِيبِينَ، حَتَّى أَخْفِيَ مَا كَانَ جُوهَرٍ بِهِ مِنَ الْمَعَاصِي، وَأَبْدَى مَا كَانَ تَبْدَهُ الْعُلَمَاءِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ، وَمَا أَخَذَتْ مِيثَاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِالطَّاعَةِ، وَأَلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكاً مِنْ خَلْقِكَ يَعْلُو أَمْرُهُ عَلَى أَمْرِكَ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فِيكَ مِنْ مَرَارَاتِ الْغَيْظِ الْجَارِحَةِ بِخَوَاسِّ الْقُلُوبِ، وَمَا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الْعُمُومِ، وَيَفْرَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ، وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتِي لَا تَبْتَلُعُهَا الْحُلُوقُ، وَلَا تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ، مِنْ نَظَرَةٍ إِلَى أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحَبَّتِكَ، فَاسْئَلِ اللَّهُمَّ أَرْزَهُ بِنَصْرِكَ، وَأَطِّلْ بَاعَهُ فِيمَا قَصَرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ الزَّائِعِينَ فِي حِمَاكَ، وَزِدْهُ فِي قُوَّتِهِ بِسَطَّةٍ مِنْ تَأْيِيدِكَ، وَلَا تَوْحِشْنَا مِنْ أَنْسِهِ، وَلَا تَخْتَرِمَهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ، وَالْعَدْلِ الظَّاهِرِ فِي أُمَّتِهِ.

١. التناوب: التحريض (الصحاح: ج ١ ص ٨٨ «أب»).

٢. لا ترة له: أي لم يطلب أحد التجنبايات التي وقعت عليه وعلى أهل بيته (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٥٤).

٣. الطائلة: الفضل والقدرة والفي والسعة والعلو (لسان العرب: ج ١١ ص ٤١٤ «طول»).

٤. بمواسي (خ ل).

نا آرام دینجویان بتابان و او را به برترین درجه کسانی از پیروان پیامبران که عدالت را برپا می کنند، برسان.

خدایا! کسی را که برای بازگشتش به دامن محبت بهره ای نداده ای، به دست او خوار کن و نیز هر کس را که به دشمنی با او برخاسته و بخواهد بر ضد دینت آتش افروزی کند، با سنگ کوبنده سرش را نشانه بگیر و [بدین وسیله] او را خوار و کارش را پراکنده ساز و برای کسی که خونخواه و قدرتی ندارد و به خاطر تو با دور و نزدیک دشمنی کرده، خشم بگیر و این زانه از سر منت او بر تو، بلکه از سر منت تو بر او می کنی.

خدایا! همان گونه که او خود را به خاطر تو هدف تیر دورافتادگان [از هدایت] کرد و خون خود را به خاطر تو و برای دفاع از حریم مؤمنان بذل کرد و سر سرکشان از دین برگشته شکاک را به خودشان بازگرداند تا آن جا که معصیت های آشکار به نهانگاه خزیدند و آنچه را دانشمندان به پس پشت خود افکنده بودند - با آن که از ایشان پیمان گرفته شده بود که آن را برای مردم روشن کنند و نپوشانند - آشکار شد، و به توحید در اطاعتت فرا خواند و این که همتایی - که کارش بر کار تو چیره شود -، برای تو از میان آفریده هایت نگیرند و در این راه، تلخی ناراحتی را به خاطر تو با دل و جان، ذره ذره می چشد و اندوه او را فرا می گیرد و از پیشامدهای سهمگین، به ناله و فغان می آید و غصه های گلوگیر و غیر قابل تحمل را که از نگرش به یکی از کارهایت که دستش به تغییر آن و بازگرداندن آن به [عرصه] محبت نمی رسد، فرو می بزد. پس خدایا! پشتش را به یاریات محکم بدار و دستش را بلند و قوی بدار تا در راندن آنان که در قرقگاه تو می چرخند، کوتاه نماند و با تأییدات خودت، قدرتش را گسترش ده و ما را از انس با او دور مکن و آرزویش را که به سامان آوردن همه همکیشان و پیدایی عدالت در امتش است، ناکام مگذار.

اللَّهُمَّ وَشَرَّفَ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مُقَامَهُ، وَسَرَّ
 نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَأَجْزَلَ لَهُ عَلَى مَا
 رَأَيْتَهُ، قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابَهُ، وَأَبْنِ قُرْبَ دُنُودِهِ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا
 مِنْ بَعْدِهِ، وَاسْتِخْذَانَنَا^١ لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ، إِذْ أَفْقَدْنَا وَجْهَهُ، وَبَسَطْتَ أَيْدِي مَنْ كُنَّا
 نَبْسُطُ أَيْدِيَنَا عَلَيْهِ لِتُرْدُدِهِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَافْتِرَاقِنَا بَعْدَ الْأَلْفَةِ وَالْإِجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنْفِهِ،
 وَتَلَهُّفِنَا عِنْدَ الْقَوْتِ عَلَى مَا أَقْعَدْتَنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا
 سَبِيلَ لَنَا إِلَى رَجْعَتِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ، وَرُدِّ عَنْهُ مِنْ سِيْهَامِ
 الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَانِ^٢ إِلَيْهِ وَإِلَى شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنِيهِ عَلَى طَاعَةِ
 رَبِّهِ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ سِلَاحَهُ وَجِصْنَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَّوْا عَنِ الْأَهْلِ
 وَالْأَوْلَادِ، وَجَفَّوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّلُوا الْوَتِيرَ مِنَ الْيَهَادِ، وَرَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرَوْا
 بِمَعَايِشِهِمْ، وَفَقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنِ مِصْرِهِمْ، وَخَالَلُوا^٣ الْبَعِيدَ بِمَنْ
 عَاضَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَقَلَّوْا^٤ الْقَرِيبَ بِمَنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، فَاتَّكَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابِيرِ
 وَالتَّقَاتِعِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا، فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ
 فِي أَمْنٍ حِرْزِكَ وَظِلِّ كَنْفِكَ، وَرُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ،
 وَأَجْزَلَ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنُصْرِكَ، وَأَزْهِقْ
 بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ.

١. خذاً له يخذأه: خضع وانقاد له، وكذلك استخذأت له (لسان العرب: ج ١ ص ٦٤ «خذأ»).

٢. شنان قوم: أي بعضهم (متردات ألفاظ القرآن: ص ٢٦٥ «شنان»).

٣. في مصباح المتعجب: «خالفوا» وبحار الأنوار: «خالفوا».

٤. اتقلبوا: البغض (النهاية: ج ٤ ص ١٠٢ «قلبي»).

خدایا! جایگاهش را در ایستگاه حسابرسی به خاطر قیامی که به فرمان تو در آینده به پا می‌کند، گرامی بدار و پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - و نیز دنباله‌روان دعوتش را با دیدارش، شادمان کن و پاداش او را به خاطر آنچه از قیام به امرت از او دیدی، بزرگ بدار و نزدیکی اش را به تو در زندگی اش روشن کن و بر خواری ما پس از او و خضوع ما در برابر کسی که او را با دستان وی می‌کوبیم، رحم کن، هنگامی که ما را از دیدن چهره‌اش محروم کردی و دستان کسانی را بر ما گشودی که ما بر او دست گشوده بودیم تا او را از نافرمانی اش بازگردانیم. و نیز رحم کن بر تفرقه‌مان پس از الفت و اتفاق زیر سایه حمایت او و تأسفمان بر از دست دادن فرصت یاری او و نیز تکاپوی قیام به حق آنچه راهی به بازگشتش نداریم. خدایا! او را از آنچه بر او بیم می‌رود، ایمن و آسوده کن و تیرهای مکر و حيله را از او برگردان؛ تیرهایی که کینه‌توزان به سوی او و همکاران قیامش پرتاب می‌کنند، کسانی که او را در اطاعت از خدایش یاری دادند، یارانی که تو آنها را سلاح و قلعه و پناهگاه و مایه انس او قرار داده‌ای و زن و فرزند را از یاد برده و ترک دیار کرده و بستر گرم و نرم را رها نموده و کار و کاسبی خود را به کنار نهاده و به زندگی خود زیان زده و بی آن که از شهرشان غایب شده باشند، در انجمن‌هایشان دیده نمی‌شوند و با افراد دوری که ایشان را در کارشان یاری دادند، دوست شدند و با افراد نزدیکی که جلوی آنان را گرفتند، دشمنی نمودند، و از پس سال‌ها پشت به هم کردن و بریدن از یکدیگر، با هم الفت یافتند و رشته‌های پیوند دنیایی میان خود را بریدند. پس خدایا! آنان را در امان حرز خودت و سایه حمایت قرار ده و رنج و آزار هر یک از بندگان را که قصد دشمنی با آنها دارد، به خودش بازگردان، و کفایت و کمکت را به ایشان به خاطر دعوتشان [به سوی تو] بیشتر کن و با استوار داشتن و یاری‌ات، آنها را مدد فرما و با حق ایشان، باطل کسانی را از میان ببر که در پی خاموش کردن نور تو هستند.

اللَّهُمَّ، وَامَلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْآفَاقِ وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ، قِسْطاً وَعَدْلًا وَمَرَحَمَةً
وَفَضْلاً، وَاشْكُرْهُمْ عَلَيَّ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ
مِنَ عِبَادِكَ، وَادْخَرْتَ لَهُمْ مِنْ تَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ
وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ.^١

١. في صدر مصباح المتهجد: «ويستحب أن يزداد هذا الدعاء في الوتر: الحمد لله...».

خدایا! همه کرانه‌های گیتی و سراسر عالم را با دست ایشان از عدالت و دادورزی و رحمت و فضل، آکنده ساز و به اندازه کرم و جودت و آنچه بر بندگان قیام کننده‌ات به عدالت، منت نهادی، از آنان قدردانی کن و آن قدر از پاداشت را برای ایشان ذخیره کن که درجاتشان را با آن بالا ببری و تو هر چه بخواهی می‌کنی و به هر چه اراده کنی، حکم می‌رانی»^{۱، ۲}

۱. در مصباح المتهجد، خواندن این دعا را در نماز وتر، مستحب دانسته است.

۲. مهج الدعوات: ص ۸۵-۸۷، مصباح المتهجد: ص ۱۵۶، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۲۸-۲۳۳.

الفصل الثاني

أرغية الإمام المهدي عليه السلام لفرجه

١ / ٢

دَعَاؤُهُ عِنْدَ الْوِلَاةِ

١٠٤٦. كمال الدين : حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبِي ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الطُّهَوِيُّ ...^١ عَنْ حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ عليه السلام - فِي ذِكْرِ مَا جَرَى حِينَ وِلَاةِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام - : ... فَرَجَعْتُ فَلَمْ أَلْبَثْ أَنْ كُشِفَ الْغِطَاءُ الَّذِي كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهَا (أَي تَرَجَسَ) وَإِذَا أَنَا بِهَا وَعَلَيْهَا مِنْ أَثَرِ التَّوْرِ مَا غَشِيَ بَصْرِي ، وَإِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ عليه السلام سَاجِدًا لُوجْهِهِ ، جَائِيًا عَلَيَّ رُكْبَتَيْهِ ، رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ ، وَهُوَ يَقُولُ : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، (وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ) ، وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ...» ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَيَّ نَفْسِهِ . ثُمَّ قَالَ : «اللَّهُمَّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي ، وَتَبِّتْ وَطْأَتِي ، وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا» .

١. في بعض النسخ «الطهوي» وفي بعضها «الظهري» وفي بعضها «الزهري» وبعضها «المطهري» وفي بعضها «الطهري» ولم أجد بهذه الأسماء في أصحاب الهادي أحدًا ، نعم ، ذكر «الطهومي» في جامع الرواة من أصحاب الرضا عليه السلام ، لكن حاله مجهول . (هامش المصدر) ، وفي بحار الأنوار «المطهري» .

فصل دوم

دعای امام مهدی علیه السلام برای فرجش

۱ / ۲

دعایش هنگام تولد

۱۰۴۶. کمال الدین - به نقل از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام در یادکرد ماجرای تولد امام مهدی علیه السلام - :.... باز گشتم و طولی نکشید که پرده میان من و نرگس کنار رفت و او را چنان نوری فرا گرفته بود که چشمانم را فرو بست و آن گاه کودکی را دیدم که سر بر سجده نهاد و بر زانوانش نشست و دو انگشت اشاره خود را بالا آورد و فرمود: «گواهی می دهم که خدایی جز خداوند یگانه بی همتا نیست و جدّم محمّد، پیامبر خدا و پدرم، امیر مؤمنان است...». سپس یک یک امامان را بر شمرد تا به خودش رسید و سپس فرمود: «خدایا! آنچه را بر من وعده داده‌ای به انجام برسان و کارم را به پایان ببر و زمینه و جایگاهم را استوار بدار و زمین را به دست من از عدل و داد پُر کن.»^۱

۱. کمال الدین: ص ۴۲۶ - ۲۲۸ ح ۲، اثنا عشر فی المناقب: ص ۲۰۱ ح ۱۷۸، روضة الواعظین: ص ۴۸۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱ ح ۱۴، نیز، برای دیدن همه حدیث، ر.ک: همین دانش نامه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۳۴۵.

٢/٢

دُعَاؤُ فِي الْقُنُوتِ

١٠٢٧. مهج الدعوات - في ذكر قنوتات الأئمة الطاهرين - : قنوت مولانا الحجة محمد بن الحسن (ع) : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمْ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنجَارِ وَعَدِكَ، وَبَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمَلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ، وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَتَحَرَّزْ بِمَنْعِكَ عَلَيَّ رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتَعَانَ بِرَفْدِكَ^١ عَلَيَّ قَلَّ^٢ حَدُّكَ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ^٣، وَوَسِعَتْهُ جِلْمًا لِنَأْخُذَهُ عَلَيَّ جَهْرَةً، وَتَسْتَأْصِلُهُ عَلَيَّ غِرَّةً، فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ - وَقَوْلِكَ الْحَقُّ - : «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأُزْيِنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^٤، وَقُلْتَ : «فَلَمَّا أَسْفُونَا أَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»^٥.

وإنَّ الغايةَ عندنا قد تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لِنَغْضِبُكَ غَاضِبُونَ، وَإِنَّا عَلَيَّ نَصْرَ الْحَقِّ مُتَعَصِبُونَ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَإِلْإِنْجَارِ وَعَدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَلِإِحْلُولِ وَعَدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ، وَاشْرَعْ شَرَائِعَهُ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ، وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ

١. الترفد: هو الإعانة (النهاية: ج ٢ ص ٢٤١ «رقده»).

٢. القل: الكسر والضرب (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٣٠ «قل»).

٣. الأيد: القوة (الصحاح: ج ٢ ص ٢٤٢ «أيد»).

٤. يونس: ٢٤.

٥. الزخرف: ٥٥.

۲ / ۲

دعایش در قنوت

۱۰۴۷. مهج الدعوات: - در ذکر قنوت‌های امامان پاک :- قنوت مولایمان حجة بن الحسن: «خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و اولیایت را با تحقق وعده‌ات گرامی بدار و آنان را که آرزوی یاری‌ات را دارند، به آرزویشان برسان و از ایشان خطر کسانی که پرچم مخالفت با تو را برافراشته‌اند، برطرف کن؛ که اینان دستورت به مخالفت نکردن را نافرمانی نموده و با یاری گرفتن از بخشش تو، به کُند کردن تیزی [سلاحت] برخاسته و با نیروی گرفته از تو، آهنگ مکر با تو را دارند و تو با بردباری‌ات، به انتظار آشکارا گرفتن آنها هستی تا به گاه غفلتشان آنان را از ریشه برکنی که تو خود گفتی - و گفتارت حقیقت است :- «چون زمین، زیور خود را برگردد و [به سبزه و گل] آراسته شود و مردم گمان کنند که [در بهره گرفتن] از آن توانایند، امر ما شب یا روز بیاید و آن را چنان درو شده بر جای نهیم که گویی روز پیش، هیچ نبوده است. این گونه نشانه‌های خود را برای اندیشه‌وران روشن می‌داریم». و گفتی: «هنگامی که ما را خشمگین کردند، از آنان انتقام گرفتیم».

هدف [خلقت] با ما به سرانجام می‌رسد و ما به خشم تو خشم می‌گیریم و ما برای یاری حق، هم‌پیمان می‌شویم و به در آمدن فرمان تو مشتاقیم و برای به انجام رساندن وعده‌ات، چشم‌انتظاریم و منتظر فرود آمدن تهدیدت نسبت به دشمنانت هستیم.

خدایا! این اجازه را بده و راه‌هایش را باز کن و بیرون آمدنش را آسان نما و راه‌هایش را هموار کن و جاده‌هایش را بکش و سربازان و یاورانش را استوار بدار و بیم و هراس را به گروه ستمکاران برسان و شمشیر انتقامت را بر دشمنان معاندت

عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَخُذِ بِالْقَارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ.

١٠٢٨ . مهج الدعوات : ودَعَاكَ فِي الْقُنُوتِ بِهَذَا الدُّعَاءِ : «اللَّهُمَّ مَنْ لِكَ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءُ وَتَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُنِزِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^١.

يا ماجدُ يا جوادُ، يا ذا الجلالِ والإِكْرَامِ، يا بَطَّاشُ يا ذا البَطْشِ الشَّدِيدِ، يا فَعَالاً لما يُريدُ، يا ذا القُوَّةِ المَتِينِ، يا رُؤُوفُ يا رَحِيمُ يا لَطِيفُ، يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ المَخْزُونِ المَكْنُونِ، الحَيِّ القَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ العُرُوقِ وَالْعِظَامِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيائِكَ، وَأَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلَجِ وَالتَّارِ، لا هَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَلا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعَمَ المِياهِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ المَاءَ فِي عُرُوقِ النِّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَسَقَمْتَ المَاءَ إِلَى عُرُوقِ الأشْجارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعَمَ الثَّمَارِ وَالوَأْنِهَا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الفَرْدِ الوَاحِدِ المُتَفَرِّدِ بِالوَاحِدَانِيَّةِ، المُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ المَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَسَقَمَتْهُ مِنْ حَيْثُ سِثَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ سِثَتْ وَكَيْفَ شَاوُوا.

بگستران و انتقام خون را بگیر؛ که تو بخشنده، اما چاره جو هستی»^۱.

۱۰۴۸. مهج الدعوات: و [امام زمان علیه السلام] این دعا را در قنوت خواند: «خدا یا ای فرمان‌روای گیتی ایه هر کس بخواهی، فرمان‌روایی می‌بخشی و از هر کسی بخواهی، آن را باز پس می‌گیری و هر کس را بخواهی، عزیز می‌داری و هر کس را بخواهی، خوار می‌کنی، خیر و نیکی به دست توست، بی‌گمان، تو بر هر کاری توانایی».

ای بزرگوار! ای بخشنده! ای دارای شکوه و جلال و اکرام! ای قدرتمند حمزه‌ور! ای نیرومند سختگیر! ای کننده هر چه می‌خواهی! ای صاحب قدرت استوار! ای دلسوز! ای مهربان! ای لطیف! ای زنده هنگامی که کسی زنده نیست! از تو درخواست می‌کنم به نام نهفته اندوخته‌ات، زنده برپا دارنده، به اسمی که در دانش غیبی‌ات تنها برای خود نگاه داشتی و کسی از آفریدگانت از آن آگاه نشد، و از تو درخواست می‌کنم به اسمی که آفریده‌هایت را در رُحِم‌ها به هر صورت که بخوامی صورت می‌دهی و روزی‌هایشان را در میان تاریکی‌های چندطبقه و روی هم و از میان رگ‌ها و استخوان‌ها به آنها می‌رسانی، و از تو درخواست می‌کنم به اسمی که با آن میان دل‌های اولیای الفت دادی و آتش و یخ را در یک‌جا جمع کردی به طوری که نه آن، این را ذوب کند و نه این، آن را خاموش سازد و از تو می‌خواهم به اسمی که مزه آب‌ها را با آن ایجاد کردی، و از تو می‌خواهم به اسمی که آب را با آن از میان طبقات زمین به ریشه‌های گیاه دواندی و آب را از میان سنگ سخت، به آوندهای درخت رساندی.

و از تو می‌خواهم به اسمی که رنگ و طعم میوه‌ها را با آن درست کردی، و از تو می‌خواهم به اسمی که با آن آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی، و از تو می‌خواهم به آن سمت که یگانه، یکتا، تنها در وحدانیت و یگانه در بی‌نیازی است، و از تو می‌خواهم به اسمی که دل صخره سخت را شکافتی و آب را بیرون کشیدی و آن را به هر کجا که خواستی روانه نمودی، و از تو می‌خواهم به اسمی که با آن، مردم را آفریدی و آنان را هر گونه که خواستی و خواستند، روزی دادی.

ای که روزها و شب‌ها او را تغییر نمی‌دهد! تو را با همان دعایی می‌خوانم که نوح، به

يا مَنْ لا يُغَيِّرُهُ الأَيَّامُ وَاللَّيالي ، أَدْعوكَ بِما دَعَاكَ بِهِ نوحٌ حينَ ناداكَ ، فَأَنْجَيْتَهُ
وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ ، وَأَدْعوكَ بِما دَعَاكَ بِهِ إِبْراهِيمُ خَليلَكَ حينَ ناداكَ ، فَأَنْجَيْتَهُ
وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا ، وَأَدْعوكَ بِما دَعَاكَ بِهِ موسى كَلِيمَكَ حينَ ناداكَ ،
فَقَلَقْتَ لَهُ البَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرائيلَ ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي اليَمِّ ، وَأَدْعوكَ
بِما دَعَاكَ بِهِ عيسى رُوحَكَ حينَ ناداكَ ، فَتَجَيْتَهُ مِنْ أَعْدائِهِ ، وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ ، وَأَدْعوكَ
بِما دَعَاكَ بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ ، وَمِنْ الأَحْزابِ نَجَيْتَهُ ،
وَعَلَى أَعْدائِكَ نُصْرَتَهُ .

وَأَسأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي إِذا دُعيتَ بِهِ أَجَبْتَ ، يا مَنْ لَهُ الخَلْقُ وَالأَمْرُ ، يا مَنْ أَحاطَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، يا مَنْ أَحصى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ، يا مَنْ لا تُغَيِّرُهُ الأَيَّامُ وَاللَّيالي ، ولا
تَنسَابُهُ عَلَيْهِ الأَصْواتُ ، ولا تُخْفِي عَلَيْهِ اللُّغاتُ ، ولا يُبْرِئُهُ إِلا حَاحُ المُلِحِّينَ .

أَسأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّهِمْ
بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَميعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنكَ الهُدَى ،
وَعَقَدُوا لَكَ المَوائيقَ بِالطَّاعَةِ ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبادِكَ الصَّالِحِينَ .

يا مَنْ لا يُخَلِفُ المِيعادَ ، أَنْجِزْ لي ما وَعَدْتَنِي ، واجْمَعْ لي أَصحابي ، وَصَبِّرْهُمُ ،
وَانصُرْني عَلَيَّ أَعْدائِكَ وَأَعْداءِ رَسولِكَ ، ولا تُخَيِّبْ دَعوتِي ، فَإني عَبْدُكَ ، ابنُ عَبْدِكَ ،
ابنُ أُمَّتِكَ ، أُسِرَ بَيْنَ يَدَيْكَ .

سَهْدِي أَنْتَ الَّذي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا المَقامِ ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ،
أَسأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُنْجِزَ لي ما وَعَدْتَنِي ، إِنَّكَ أَنْتَ
الصَّادِقُ وَلا تُخَلِفُ المِيعادَ ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

گاه صدا زدن تو خواند و او و همراهانش را نجات دادی و قومش را هلاک کردی. و تو را با دعایی می خوانم که ابراهیم، دوست، به گاه صدا زدن تو، آن را خواند و نجاتش دادی و آتش را بر او سرد و سلامت کردی. و تو را با دعایی می خوانم که موسی، هم سخنت، تو را با آن خواند و دریا را برایش شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات دادی و فرعون و قومش را در دریا غرق کردی. و تو را با دعایی می خوانم که عیسی، روحت، تو را با آن خواند و او را از دست دشمنانش رهاندی و به سوی خودت برگشیدی. و تو را با دعایی می خوانم که دوست، برگزیده ات و پیامبرت، محمد، تو را با آن خواند و دعوتش را اجابت کردی و از دست احزاب [مشرک و کافر] نجاتش دادی و بر دشمنانش، پیروز کردی.

و از تو می خواهم به اسمی که چون تو را با آن بخوانند، پاسخ می دهی. ای که خلق و امر در دست اوست! ای که به هر چیزی احاطه علمی داری! ای که شمار همه چیز را می دانی! ای که روزها و شبها او را دگرگون نمی کنند و صداها بر او مشتبه نمی شود و زبانها بر او پوشیده نمی ماند و پافشاری اصرارکنندگان، او را ملول نمی کند!

از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد، برگزیدگان از آفریدگانت، درود فرستی. پس بهترین درودها را بر ایشان بفرست و بر همه پیامبران و فرستادگان که هدایت تو را به مردم رساندند و با تو پیمان اطاعت بستند، و نیز بر بندگان شایسته ات درود فرست.

ای که خلاف وعده نمی کنی! آنچه را به من وعده داده ای، به انجام برسان، و یازانم را برابم گرد آور، و آنان را شکیبیا کن، و مرا در برابر دشمنانت و دشمنان پیامبرت یاری ده، و دعایم را ناکام مگذار؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو و اسیر پیش روی تو هستم. سرور من! تو کسی هستی که این جایگاه را بر من منت نهادی و مرا به جای بسیاری از آفریدگانت با آن برتری بخشیدی. از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچه را به من وعده داده ای، به انجام رسانی؛ که تو راستگویی و خلاف وعده نمی کنی و تو بر هر کاری توانایی.^۱

٣ / ٢

دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْكَعْبَةِ

١٠٢٩. كتاب من لا يحضره الفقيه: رُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِيَّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَآخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَهُوَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي».

قال مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ -: وَرَأَيْتُهُ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَابِ^١ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي^٢ مِنْ أَعْدَائِكَ^٣.

٤ / ٢

دُعَاؤُهُ حِينَ الْعُبُورِ عَنِ وَايِ السَّلَامِ

١٠٥٠. دلائل الإمامة: بِهَذَا الْإِسْنَادِ^٤ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي صِفَةِ الْقَائِمِ^٥):

كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَايِ السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِهِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ، لَهُ شِمْرَاخٌ^٦ يَزْهَرُ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ:

١. التستجاء من البيت الحرام: هو العائظ المقابل لسياب دوز الركن اليساني (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٢٨ «جور»).

٢. في بحار الأنوار (ج ٥١ ص ٢٥١): «بي» بدل «لي».

٣. في كمال الدين: «من أعدائي» بدل «من أعدائك».

٤. أي أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى، عن أبيه، عن أبي علي محمد بن همام.

٥. في العدد القوية: «المسلي».

٦. الشراخ: غرة الفرس إذا دقت وسالت وجلت الخشوم ولم تبلغ النجفلة [أي الفم] (الصحاح: ج ١ ص ٢٢٥ «شرخ»).

۳/۲

دعایش نزد کعبه

۱۰۴۹. کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از عبد الله بن جعفر حمیری - : از محمد بن عثمان عمری - خدا از او خشنود باد - پرسیدم: صاحب این امر را دیده‌ای؟ گفت: آری، و آخرین بار، او را نزد خانه خدا دیدم که می‌فرمود: «خدایا! آنچه را به من وعده داده‌ای، به انجام رسان.»

محمد بن عثمان - خدا از او خشنود باد و خشنودش کند - گفت: و او را - در ودهای خدا بر او باد - دیدم که در مستجار^۱ به پرده‌های کعبه درآویخته و می‌فرماید: «خدایا! به دست من^۲ از دشمنانت^۳ انتقام بگیر.»^۴

۴/۲

دعایش هنگام عبور از وادی السلام

۱۰۵۰. دلایل الإمامة: علی بن محمد که سند حدیث توصیف قائم علیه السلام را به امیر مؤمنان می‌رساند: گویی او را می‌بینم که از وادی السلام گذشته و سوار بر اسبی دست و پا سفید - که پیشانی‌اش می‌درخشد - به سوی مسجد سهله می‌رود و دعا می‌خواند و می‌فرماید: «بی گمان و بی تردید، خدایی جز خداوند نیست از سر باور و راستی! خدایی جز خداوند نیست از سر تعبد و بندگی! خدایی جز خداوند نیست! خدایا! ای یاور هر مؤمن تنها! ای خوارکننده هر گردنکش لجباز! آن هنگام که راه‌ها

۱. مستجار، جایی از دیوار پشت کعبه و روبه‌روی در آن، اندکی قبل از رکن یمانی است که در آن جایستادن و خود را به کعبه چسباندن و دعا کردن، مستحب است.

۲. در منبع اصلی به جای «به دست من» «برای من» آمده؛ ولی ما مطابق با نسخه بحار الأنوار ترجمه کردیم.

۳. نسخه کمال الدین به جای «دشمنانت»، «دشمنانم» دارد.

۴. کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۰ ح ۳۱۱۵، کمال الدین: ص ۴۴۰ ح ۹ و ح ۱۰، الفقیه، طوسی: ص ۲۵۱ ح ۲۲۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰ ح ۲۳.

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ
يا مُعِينُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَوَحِيدُ، وَمُنْذِلُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ،
وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ.

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي، وَكُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا، وَأَوْلَا نَصْرِكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يا
مُتَسِّرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِينِهَا، وِيا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ
بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزَّةٍ يَتَعَزَّزُونَ، يا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرًا^٢ الْمَذَلَّةِ عَلَيَّ
أَعْنَاقِهَا، فَهَمَّ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي قَصُرَ عَنْهُ خَلْقُكَ^٣، فَكُلُّ لَكَ
مُدْعِنُونَ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي
الْفَرَجَ، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي، وَتَقْضِي حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ
عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

٥/٢

دُعَاءُ الْحِجَابِ

١٠٥١. مهج الدعوات - في ذكر الحُجُبِ المَرْوِيَةِ عَنِ النَّبِيِّ وَالْأَيْمَةِ (ع) -: حِجَابُ مَوْلانا
صاحبِ الزَّمانِ (ع) :

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَن عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائِي، وَأَنْجِزْ لِي مَا
وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي، وَأُحْيِي بِي مَا دَرَسَ^٤

١. في العدد القوية: «مُعْزٌ».

٢. النير: الخشبة المعترضة في عنق الثورين وقد يستعار للإذلال (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٥٣ «نير»).

٣. في العدد القوية: «فَطَرَتْ بِه خَلْقَكَ».

٤. دَرَسَ: عفا وخفيت آثاره (المصباح المنير: ص ١٩٢ «درس»).

مرا از پای بیندازد و زمین با همه وسعتش بر من تنگ آید، تو پناه من هستی.
 خدایا! تو مرا آفریدی در حالی که از آفرینش من بی نیاز بودی و اگر یاری تو
 نبود، من از شکست خوردگان بودم. ای پخش کننده رحمت از جایگاه هایش و
 بیرون آورنده برکت‌ها از معادنش! و ای که خود را به قلّه و الایی‌ها ویژه ساخته و
 اولیایش به عزّت او عزّت می‌یابند! ای که پادشاهان در برابر او یوغ ذلّت بر گردنشان
 می‌نهند و از شوکت او بیمناک اند! از تو می‌خواهم به اسمی که آفریده‌هایت را با آن
 سرشتی،^۱ که همه در برابرت اقرار دارند.

از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و کارم را به فرجام
 رسانی و در فرجم تعجیل کنی و مرا کفایت کنی و عافیت بخشی و حاجت‌هایم را
 برآورده کنی، هم‌اکنون، هم‌اکنون و امشب، امشب! که تو بر هر کاری توانایی.^۲

۵/۲

دعا برای محفوظ ماندن

۱۰۵۱. مهج الدعوات - در ذکر حجاب‌هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام روایت شده است :-
 حجاب مولایمان صاحب الزمان علیه السلام: «خدایا! مرا از چشم دشمنانم پنهان بدار و من
 را با اولیایم گرد هم آور و آنچه را به من وعده داده‌ای، به انجام رسان و مرا در
 روزگار غیبتم حفظ کن تا آن گاه که ظهورم را اجازه دهی و به دست من واجبات و
 سنت‌های از یادرفته‌ات را زنده کن و در فرجم تعجیل کن و خروجم را آسان ساز و
 از جانب خودت تسلطی پیروزمند برآیم قرار بده و گشایشی روشن برآیم پیش بیاور
 و مرا به راهی مستقیم هدایت کن و مرا از همه آنچه از ستمکاران بیم دارم، نگاه دار.

۱. طبق نقل العدد القویة ترجمه شد. ترجمه متن موجود چنین است: «به اسمی که آفریده‌هایت به [درک] آن
 نمی‌رسند» (م).

۲. دلائل الإمامة: ص ۴۵۸ ح ۴۳۸، العدد القویة: ص ۷۵ ح ۱۲۵ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۱
 ح ۲۱۲.

مِنْ فَرُوضِكَ وَسُنَّكَ، وَعَجَّلَ فَرَجِي، وَسَهَّلَ مَخْرَجِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا
 نَصِيرًا، وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَحَازِرُهُ مِنْ
 الظَّالِمِينَ، وَاحْجُبْنِي عَنِ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ، النَّاصِبِينَ العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَلَا
 يَصِلُ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ، فَإِذَا أُذِنَتْ فِي ظَهْرِي فَأُيْدِنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ
 يَتَّبِعُنِي لِنَصْرَةِ دِينِكَ^١ مَنصُورِينَ، وَوَفِّقْنِي لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ، وَانصُرْنِي عَلَيَّ مَنْ تَعَدَى
 مَحْدُودَكَ، وَانصُرِ الحَقَّ، وَأَزْهِقِ البَاطِلَ، إِنَّ البَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ
 شِيعَتِي وَأَنْصَارِي مَنْ تَقَرَّرَ بِهِمُ العَيْنُ، وَيُسَدُّ بِهِمُ الأُزْرُ^٢، وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ،
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^٣.

٦ / ٢

دَعَاؤُ لِتَسْهِيلِ أُمُورِ الْمُتَضَائِقَةِ

١٠٥٢ . قصص الأنبياء للراوندي : ومن دُعائه :

يَا مَنْ إِذَا تَضَائِقَتِ الأُمُورُ فَتَحَ لَنَا [أَهَا] بَابًا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الأَوْهَامُ، فَصَلِّ [اصِلًا]
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأُمُورِي المُتَضَائِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهْمٌ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ.

١ . وزاد في بحار الأنوار عن مهج الدعوات والمصباح : «مؤيدين» وفي مسيلك مجاهدين . وعلى من أرادني
 وأرادهم بسوء» .

٢ . الأزر : الظهر والقوة (لسان العرب : ج ٤ ص ١٨ «أزر»).

٣ . قال المؤلف بعد ذكر الحجب : «وهذه الحجب مما ألهمنا أيضاً تلاوتها يوم أحاطت السماء والفرق . وصعبت
 السلامة بكثرة المياه وزادت على إحاطتها بهم موضع دخل بها ماء الزبادات . وأمکن المقام بإجابة الدعوات و
 دفع تلك المحذورات . سلامتنا من الدخول في تلك الحادثات والحمد لله» .

٤ . قال السيد آية الله موسى الشبيري تزنجاني دامت بركاته انقل بطرق عديدة عن السيد مرتضى الكشميري أنه
 نقل الدعاء المذكور عن الإمام الحجة عج وفي نقله : «فتح لها» . بدل «فتح لنا» و «صل» بدل «فصل» .

و مرا از دیده کینه توزان - که پرچم دشمنی با خاندان پیامبرت را برافراشته‌اند - پنهان بدار تا هیچ یک از آنان نتوانند آسیبی به من برسانند و چون اجازه ظهورم را دادی، مرا با لشکریانت استوار بدار و کسانی را که برای یاری دینت، در پی من آمده‌اند،^۱ یاری بده، و مرا به برپا کردن حدودت موفق بدار، و مرا بر کسی که از مرزهای معین شده تو در گذشته است، پیروز کن، و حق را یاری ده و باطل را از میان ببر که باطل رفتنی است، و از پیروان و یاورانم کسانی را بر من وارد کن که چشم به آنها روشن و پشت به آنها محکم می‌شود و آنان را در حرز و حفظ و امان خودت قرار بده، به رحمت، ای رحیم‌ترین رحیمان! ^۲.

۶ / ۲

دعایش برای آسان شدن کارهای سخت او

۱۰۵۲. قصص الأنبياء، رواندی: از دعای امام علیه السلام:^۴ «ای که چون کارها به تنگنای افتد، دری به روی ما می‌گشایی که به خیال کسی هم نرسیده است! بر محمد و خاندان محمد

۱. در بحار الأنوار به نقل از مهج الدعوات و المصباح کفعمی این اضافه آمده است: «مویذ بدار، و در راه تو جهاد می‌کنند، و در برابر کسانی که اراده بدی به من و ایشان دارند».

۲. نویسنده پس از ذکر حرزها گفته است: این حرزها از جمله اتهامات به ما است. خواننده شوند در روزی که امواج آب‌ها و غرق شدن، همه را احاطه کرده باشد، و سانه ماندن، به خاطر زیادی آب‌ها، و تسلط آب‌ها با نبود کردن جاهایی که آب به آنها نفوذ کرده، زیاد شده، و ایستادگی با اجابت دعاها و برطرف شدن این مشکلات، ما را از ورود به رخدادها [ی تلخ] در امان نگه دارد و ممکن کند. سیاس از آن خداست. در مصباح کفعمی آمده است: «کسانی که در یاری دین تو مرا تبعیت می‌کنند، و در راه تو جهادگرند، مورد تأیید قرار بده، و بر کسانی که قصد سوء به من و آنها دارند، یاری شده قرارمان بده». این فراز پس از فراز «برای یاری دین تو» آمده است.

۳. مهج الدعوات: ص ۳۶۰، المصباح، کفعمی: ص ۲۹۶، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۷۸.

۴. آیه الله سید موسی موسوی شبیری زنجانی - برکات وجودش مدام باد - گفته است: از سید مرتضی کشمیری، از طریق‌های متعدد نقل شده که او دعای یاد شده را از امام حجّت - عجل الله تعالی فرجه - نقل کرده است. در نقل ایشان گشایش را متعلق به تنگناها و نه ما دانسته است.

۱۰۵۳ . مهج الدعوات : حِرْزُ لَمَوْلَانَا الْقَائِمِ ع : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، يَا مَالِكَ الرِّقَابِ ، وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ ، سَبِّبْ لَنَا سَبَباً لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً ، يَحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ .

درود فرست و برای کارهای به تنگنا افتاده‌ام، دری بگشای که به خیال کسی هم نرسیده است. ای رحیم‌ترین رحیمان! ^۱

۱۰۵۳. مهج الدعوات: حرز مولایمان قائم علیه السلام: «به نام خداوند گسترده‌مهر مهربان. ای مالک مردم! ای شکست‌دهنده‌ حزب‌ها! ای گشاینده درها! ای فراهم‌آورنده سبب‌ها! برای ما سببی فراهم کن که نیازی به پیجویی و طلب نداشته باشیم. به حقّ خدای بی‌همتایی که خدایی جز او نیست و به حقّ محمد که پیامبر خداست، خداوند بر او و بر همه خاندانش درود فرستد». ^۲

۱. فصص الأنبياء، رازندی: ص ۲۶۵ ح ۴۲۷.

۲. مهج الدعوات: ص ۶۴، المصباح، کفعمی: ص ۲۰۷، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۳۶۵ ح ۱.

الفصل الثالث

الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمُهَدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَعْيَادِ

١ / ٣

الدُّعَاءُ لَهُ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ

دُعَاءُ النَّبِيَّةِ

١٠٥٢ . المزار الكبير : الدُّعَاءُ لِلنَّبِيَّةِ . قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي قُرَّةَ : نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَرْزَوَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعَاءُ ، وَذَكَرَ فِيهِ أَنَّ الدُّعَاءَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ فَرَجَهُ وَفَرَجَنَا بِهِ ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ ١ :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا .
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ
وَدِينِكَ ؛ إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ التَّعْصِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا
اضْمِحْلَالَ ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي زَخَارِفِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا ٢

١ . وَقَالَ فِي الْإِقْبَالِ : «دُعَاءُ آخِرِ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِيدِ وَيُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ» .

٢ . الدُّنْيَا : الضَّعِيفُ الْخَسِيسُ (لسان العرب : ج ١٤ ص ٢٧٦ «دنيا»).

فصل سوم

دعا برای امام مهدی علیه السلام در عیدها

۱ / ۳

دعا برای امام در عیدهای چهارگانه

دعای ندبه^۱

۱۰۵۴ . المزار الکبیر - به نقل از محمد بن علی بن ابی قره - : این دعا را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - خدا از او راضی باد - نقل کرده‌ام. او در آن کتاب نوشته است که این دعا برای صاحب الزمان - درودهای خدا بر ایشان باد و خداوند در فرجش که فرج ما نیز هست، تعجیل فرماید - است و مستحب است که این دعا را در چهار عید [فطر، قربان، غدیر و روز جمعه] بخوانند:^۲

«خدا را سپاس، که پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر سرور ما، محمد که پیامبر اوست و سلام فراوان خدا بر او باد! خداوند! تو را سپاس بر آنچه تقدیر تو در باره دوستانت جاری شده است؛ آنان که ایشان را برای خودت و آیینت، خالص ساخته‌ای؛ چرا که برای آنان نعمت فراوانی را که پیش توست، برگزیدی؛ نعمتی همیشگی که آن را زوال و نابودی

۱ . ترجمه این دعا از ترجمه جناب آقای جواد معدنی در کتاب ما، خدا بر گرفته شده، و با اصلاحات متنی و نسخه‌ای جناب آقای رسول افقی، به این شکل عرضه شده است.

۲ . در الإقبال گفته است: دعایی دیگر که پس از نماز عید خوانده می‌شود، و در عیدهای چهارگانه هم خوانده می‌شود.

وزیرِ جها^١، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمْ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالنَّشَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ^٢ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ الذَّرَائِعَ^٣ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقِي فِي الْآخِرِينَ، فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِداءً^٤ وَوَزيراً، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيْدَتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جِاهاً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ؛ إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَن مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ: لَوْلَا أُرْسِلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً مُنْذِراً، (وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْماً هَادِياً)^٥، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى^٦.

إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ، سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ

١. في المصادر الأخرى: «... في ذرجات هذه الدنيا تدبيري ورحمها وزهرجها»، والزهرج: الزينة والذهب (النهاية: ج ٢ ص ٢٩٤ «زهرج»).

٢. رَفَدْتَهُ: إِذَا أَعْنَتَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٤١ «رَفَد»).

٣. في الإقبال: «الذريعة». والذرائع: جمع ذريعة: وهي الوسيلة (الصحاح: ج ٣ ص ١٢١) «ذرع».

٤. الرِداءُ: العَوْنُ وَالنَّاصِرُ الْنَهَائِيَّةُ: ج ٢ ص ٢١٢ «رداء».

٥. أُبَيِّنَتْهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْآخَرَى.

٦. تَضْمِينٌ لِلآيَةِ ١٢٢ مِنْ سُورَةِ طه.

نیست، پس از آن که پارسایی در این دنیای پست و [نیز] زرق و برق آن را بر آنان شرط کردی. آنان نیز این شرط را گردن نهادند. و تو وفای آنان را به این شرط دانستی. پس آنان را پذیرفتی و مقرب داشتی و از پیش، بر ایشان نام بلند و ستایش آشکار روا داشتی و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی و با وحی خویش، آنان را گرامی داشتی و با علم خود، از آنان پذیرایی کردی و آنان را راهی به آستان و وسیله‌ای به رضوانت قرار دادی.

آن گاه یکی از آنان را در بهشت خود جای دادی، تا آن که از آن برون آوردی. یکی را بر کشتی خود سوار کردی و با رحمت خویش، او و مؤمنان همراهش را از هلاکت رهانیدی. یکی را دوست خودت قرار دادی و از تو در میان آیندگان، آوازه نیکو خواست. پس پذیرفتی و آن را والا قرار دادی. و با یکی از طریق درخت، سخن گفتی و برادرش را یاور و وزیرش ساختی. یکی را نیز بدون داشتن پدر به دنیا آوردی و به او نشانه‌های روشن دادی و با روح القدس تأییدش کردی. و برای هر یک آیینی مقرر داشتی و راه و روشی گشودی و جانشینانی برگزیدی که یکی پس از دیگری و از زمانی تا زمان دیگر، نگهبان دین باشند، تا دینت بر پا ماند و حجتی روشن بر بندگان باشند و برای آن که حق، از جایگاهش پس رانده نشود و باطل، بر اهل حق چیره نگردد، و تا کسی نگوید: چرا به سوی ما پیامبری بیم‌دهنده فرستادی و نشانه هدایتگری بر نیفراشتی تا پیش از آن که خوار و فرومایه شویم، از نشانه‌های تو پیروی کنیم؟!۱

تا آن که کار را به حبیب و برگزیده‌ات محمد صلی الله علیه و آله سپردی و او همان گونه که وی را برگزیده بودی، سرور آفریدگانت و برگزیده برگزیدگان و برترین انتخاب‌شدگانت

وَمَغَارِبِكُمْ، وَسَخَّرَتْ لَهُ الْبُرَاقَ^١، وَعَرَّجَتْ بِهِ^٢ إِلَى سَمَاوَاتِكُمْ، وَأَوْدَعَتْهُ عِلْمَ مَا كَانَ
وَأ^٣ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكُمْ.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَخَفَّفْتَهُ بِجِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ^٤ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،
وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ^٥ عَلَى الَّذِينَ كَلَّمَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^٦، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا
صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْتِكَ مَبَارَكًا وَهُدًى
لِّلْعَالَمِينَ» فِيهِ آيَةٌ بُيِّنَتْ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا^٧، وَقُلْتَ: «إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^٨.

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: «قُلْ لَا
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^٩، وَقُلْتَ: «مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ
لَكُمْ»^{١٠}، وَقُلْتَ: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»^{١١}.

١. البراق: وهي الدابة التي ركبها رسول الله ﷺ ليلة الإسراء، سمي بذلك لنصوع لونه وشدته بريقه (النهاية: ج ١ ص ١٢٠ «برق»).

٢. في المصادر الأخرى: «عَرَّجَتْ بِرُوحِهِ».

٣. أئبتناه من المصادر الأخرى.

٤. مسوِّمين: أي مُعَلِّمين أنفسهم أو خيَلهم بعلامة يعرفون بها في الحرب (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩١١ «سو»).

٥. في المصدر: «تُظْهِرُ»، وما في المتن أئبتناه من المصادر الأخرى.

٦. تَضْمِينٌ لِلآيَةِ ٣٣ مِنْ سُورَةِ التَّوْبَةِ، وَالآيَةُ ٩ فِي سُورَةِ الصَّفِّ.

٧. آل عمران: ٩٦ و ٩٧.

٨. الأحزاب: ٣٣.

٩. الشورى: ٢٣.

١٠. سبأ: ٤٧.

١١. لم ترد هنا الآيتان الأوتناتان في المصدر وأئبتناهما من المصادر الأخرى.

١٢. الفرقان: ٥٧.

بود و گرامی ترین کسی که بر او اعتماد کردی. او را بر پیامبرانت مقدم داشتی و وی را به سوی بندگانت (از جن و انس) برانگیختی و خاور و باختر زمین را زیر پایش قرار دادی و بُراق^۱ را مسخر او ساختی و او را به آسمانت بالا بردی^۲ و دانش گذشته و آینده تا پایان آفرینشت را نزد او به امانت نهادی.

سپس او را با افکندن بیم و هراس [در دل دشمنان] یاری کردی و با جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندار خود، او را احاطه کردی و به او وعده دادی که دین او را بر همه دین‌ها غالب سازی، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. و این، پس از آن بود که او را در جایگاه صدق و راستی خاندانش برنشاندی و برای او و خاندانش «نخستین خانه‌ای که مایه برکت و هدایت برای جهانیان بود، در مکه قرار دادی؛ خانه‌ای که در آن نشانه‌هایی روشن، همچون مقام ابراهیم است و هر که در آن خانه درآید، در امان باشد» و فرمودی: «همانا خداوند خواسته است که پلیدی را از شما خاندان ببرد و شما را کاملاً پاک کند». سپس در کتاب خودت، پاداش محمد ص را مهرورزی با آن خاندان قرار دادی و فرمودی: «بگو: هیچ پاداشی برای این رسالت از شما نمی‌خواهم، مگر مهرورزی با خویشانندام» و فرمودی: «هر پاداشی هم که از شما خواستم، به سود خودتان است» و فرمودی: «بر آن رسالت، پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر آن کس که بخواهد راهی به سوی پروردگارش بجوید» و آنان، راه رسیدن به تو و طریق دست یافتن به رضای تو بودند.

پس، پیامبر ص چون دورانش سپری گشت، جانشین خود علی بن ابی طالب ع را به عنوان راه‌نما برگماشت؛ چرا که او بیم‌دهنده بود و هر قومی را هدایتگری است. پس در حالی که گروه مردم [در غدیر خم] در برابرش بودند، فرمود: «هر که من

۱. بُراق، نام مرکبی است که پیامبر خدا ص شب معراج بر آن سوار شد. به خاطر درخشندگی و براق بودنش، چنین نامیده شد (ر.ک: النهایة؛ ج ۱ ص ۱۲۰).

۲. در منابع دیگر چنین آمده است: «و روح او را به آسمانت بالا بردی».

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَرَثَتُهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرُ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ». وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ»، وَقَالَ: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى».

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أودَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا».

ثُمَّ قَالَ: «أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ مَعِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي^٢، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٌ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي».

وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ. لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَجْمٍ، وَلَا بِسَاقِفَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَقَبَةٍ مِنْ

١. فِي الْمَعْنَى: «وَرِثَتُهُ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى.

٢. الْعِدَّةُ: الْوَعْدُ. وَيُجْمَعُ عَلَى عِدَاتٍ (الصَّحَاحُ: ج ٢ ص ٥٥٥ وَعَدَّة).

سرپرست او هستم، علی سرپرست اوست. خداوندا! با دوستدارش دوستی و با دشمنش دشمنی کن و هر که یاری اش می کند، یاورش باش و هر که خوارش می کند، خوارش کن!

و فرمود: "هر که من پیامبرش هستم، علی امیر و فرمانده اوست" و فرمود: "من و علی از یک درختیم و مردم دیگر، از درختانی پراکنده اند" و او را نسبت به خود، جایگاهی بخشید که هارون نسبت به موسی داشت و به او فرمود: "تو نسبت به من، به منزله هارون به موسی هستی، جز آن که پس از من، پیامبری نیست."

و دخترش را که سرور زنان جهان است، به همسری او درآورد و از مسجد خود، آنچه بر خودش حلال بود، بر علی هم حلال ساخت و همه درها را بست، مگر در او را. سپس دانش و حکمت خود را نزد علی به ودیعت نهاد و فرمود: "من، شهر علمم و علی، در آن است. پس، هر کس خواستار حکمت باشد، باید از در آن درآید."

سپس فرمود: "تو، برادر و وصی و وارث منی، گوشت تو از گوشت من، و خون تو از خون من است و صلح با تو، صلح با من است و جنگ کردن با تو، جنگ کردن با من است. ایمان، با گوشت و خونت آمیخته است، آن گونه که با گوشت و خون من در آمیخته است و تو فردا [ای قیامت]، کنار حوض [کوثر]، جانشین منی و تویی که بدهی مرا ادا می کنی و وعده هایم را به انجام می رسانی، و پیروان تو بر منبرهایی از نورند، با چهره هایی سفید که در بهشت، اطراف من و همسایگان من اند. ای علی! اگر تو نبودی، پس از من، مؤمنان باز شناخته نمی شدند."

و علی عج پس از پیامبر، روشنگری از گمراهی، و فروغ [هدایت] در کوری [ضلالت]، و ریسمان استوار خدا، و راه راست پروردگار بود. نه کسی در

مَتَابِعِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

قَدْ وَتَرْنَا فِيهِ صَنَادِيذَ الْعَرَبِ^٢، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاهَشَ ذُؤَبَانَهُمْ^٣، وَأَوْدَعَ^٤ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ^٥ عَلَيَّ عَدَاوَتِهِ، وَأَكَبَّتْ عَلَيَّ مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ^٦.

وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأُولِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَيَّ مَقْتِدِهِ، مُجْتَمِعَةٌ^٧ عَلَيَّ قَطِيعَةٌ رَجِيمَةٍ وَإِقْصَاءٌ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ.

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُيِّبَ مَنْ سُيِّبَ، وَأَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَسْئُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مِّنْ يَشَاءٍ مِّنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^٨، وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولاً^٩، وَلَنْ يُخْلِفَ

١. وَتَرْتُ الزُّجُلُ: إِذَا قَتَلْتَ لَهُ قَتِيلًا (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٧٤ «وتر»).

٢. صَنَادِيذُ الْعَرَبِ: أَشْرَافُهُمْ وَعِظْمَاؤُهُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ (أنظر: النهاية: ج ٣ ص ٥٥ «صند»).

٣. قَالَ الْعَلَمَةُ الْمَجْلِسِيُّ (ع): قَوْلُهُ: «نَاهَشَ ذُؤَبَانَهُمْ» فِي بَعْضِ النُّسخِ: «نَاوَشَ»، يُقَالُ: نَهَشَهُ، أَي عَضَّهُ أَوْ أَخَذَهُ بِأَضْرَاسِهِ، وَالْمَنَاوَشَةُ: الْعِنَاوَةُ فِي الْقِتَالِ. وَذُؤَبَانُ الْعَرَبِ: صَعَالِيكُهُمْ وَلِصُوحِهِمْ (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٢٣).

٤. فِي بَعْضِ نُسَخِ الْمَصْدَرِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ: «فَأَوْدَعَ».

٥. أَضَبُوا عَلَيْهِ: أَي أَكْثَرُوا. يُقَالُ: أَضَبُوا إِذَا تَكَلَّمُوا مُتَابِعاً، وَإِذَا تَهَضُّوا فِي الْأَمْرِ جَمِيعاً (النهاية: ج ٣ ص ٧٠ «ضيب»).

٦. النَّاكِثُونَ: أَهْلُ التَّجَمُّلِ: لِأَنَّهُمْ نَكَثُوا الْبَيْعَةَ: أَي نَقَضُوهَا. وَالْقَاسِطُونَ: أَهْلُ صَفِينِ: لِأَنَّهُمْ جَارُوا فِي حُكْمِهِمْ وَبَغَوْا عَلَيْهِمْ. وَالْمَارِقُونَ: الْخَوَارِجُ: لِأَنَّهُمْ مَرَقُوا مِنَ الدِّينِ (مجمع البحرین: ج ٢ ص ١٨٣٠ «نكث»).

٧. فِي الْمَصْدَرِ: «مُجْتَمِعَةٌ». وَمَا فِي الْمَتْنِ أُثْبِتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى.

٨. تَضْمِينُ لِلآيَةِ ١٢٨ مِنْ سُورَةِ الْأَعْرَافِ.

٩. تَضْمِينُ لِلآيَةِ ١٠٨ مِنْ سُورَةِ الْإِبْرَاهِيمِ.

خویشاوندی و سابقه در دین، از او پیش تر بود و نه کسی در منقبت، به او می رسید. او گام در قدمگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می نهاد [و راه او را می رفت] و در راه تاویل قرآن، می جنگید و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری بیم نداشت.

در راه خدا، خون سران عرب را ریخت و دلاورانشان را کشت و گرگ های آنان را از هم درید و در دل هایشان کینه هایی از بدر و خیبر و حنین و جز آنها بر جای نهاد. آن گروه نیز بر دشمنی با او همدست شدند و به جنگ با او روی آوردند، تا آن که او با عهدشکنان [در جنگ جمل] و ستمگران [در صفین] و بیرون رونندگان از دین (نهروانیان) جنگید و آنان را کشت.

و چون روزگارش سر آمد و شقی ترین مردم - که از نگون بخت ترین پیشینیان، پیروی می کرد - او را به شهادت رساند، فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره هدایتگران، یکی پس از دیگری، اطاعت نشد و امت، بر دشمنی با او و همدستی بر قطع رَحِم پیامبر صلی الله علیه و آله و دور ساختن فرزندانش اصرار داشتند، مگر اندکی که به رعایت حق پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آنان، وفا کردند.

پس شماری کشته شدند، شماری به اسارت رفتند، و شماری، از وطن خویش تبعید شدند، و قلم تقدیر الهی بر آنان جاری شد، آن گونه که امید پاداش نیکو از آن رُوَد؛ که زمین، از آن خداوند است و به هر کس از بندگانش که بخواهد، به میراث می دهد و سرانجام، از آن تقوای پیشگان است و پروردگار ما، منزّه است. همانا وعده پروردگار مان شدنی است و خداوند، وعده اش را خلاف نخواهد کرد و او از جمند و حکیم است.

الله وَعَدَهُ^١، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

فَعَلَى الْأَطْنَبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - فَلَيْبِكَ
الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلَيْتَدُبُّ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُدَّرُ الدُّمُوعُ، وَلَيَصْرُخُ الصَّارِحُونَ
وَيَضِجُ الضَّاجُونَ وَيَعِجُّ الْعَاجُونَ.

أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ
صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ
الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟

أَيْنَ بَيْتَهُ اللهُ الَّذِي لَا تَخْلُو مِنْ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ؟ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ؟
أَيْنَ الْمُتَنْظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ^٢ وَالْعِوَجِ؟ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ
الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالشُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ
الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ؟ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ
الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أَيْتَةِ الشَّرِكِ وَالنِّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ
وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ؟ أَيْنَ طَامِسُ آتَارِ الرِّبِغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ
قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَادِ^٣ وَالْمَرَدَّةِ؟ [أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ
وَالنُّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟^٤ أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى
التَّقْوَى؟

أَيْنَ بَابُ اللهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهُ اللهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ

١. تضمين لآية ٤٧ من سورة الحج.

٢. الأمت: الانخفاض والارتفاع والاختلاف في الشيء (لسان العرب: ج ٢ ص ٥ «أمت»).

٣. في المصدر: «أين مبيد أهل العناد والمردة»، وما في المتن أنبأه من المصادر الأخرى.

٤. سقط ما بين المعنولين من المصدر وأثبتاه من المصادر الأخرى.

پس، گریه کنندگان، بر پاکانِ خاندانِ محمد و علی - که درود خدا بر آن دو و خاندانشان باد - بگریند و ناله کنندگان، بر آنان ناله کنند و برای چونان آنان، اشکها ریخته شود و فریادزنان و ضجه‌زنان و شیونکنان، بر آنان فریاد و ضجه بزنند و شیون کنند که: حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته‌ای پس از شایسته و راستگویی پس از راستگو؟ کجاست راه پس از راه؟ کجایند برگزیدگان پس از برگزیدگان؟ کجایند خورشیدهای فروزان؟ کجایند ماه‌های تابان؟ کجایند ستارگان درخشان؟ کجایند نشانه‌های دین و بایگاہ‌های دانش؟

کجاست آن "بقیة الله (یادگار خدا)" که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجاست آن مهیاگشته برای ریشه‌کن کردن ستمگران؟ کجاست آن که انتظار می‌رود اختلاف‌ها و کجی‌ها را اصلاح کند؟ کجاست آن که امید است ستم و تجاوز را از بین ببرد؟ کجاست آن که برای بازسازی واجبات و مستحبات، ذخیره شده است؟ کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن آیین و احکام خدا؟ کجاست آن که امید بسته‌ایم قرآن و حدود آن رازنده سازد؟ کجاست احیاگر نشانه‌های دین و دینداران؟ کجاست در هم کوبنده شوکت تجاوزکاران؟ کجاست ویرانکننده بنیان‌های شرک و نفاق؟ کجاست ریشه‌کنکننده فاسقان و گنهکاران و طغیانگران؟ کجاست دروکننده شاخ و برگ گمراهی و تفرقه؟ کجاست نابودکننده نشانه‌های کزروی و هواپرستی؟ کجاست قطع‌کننده رشته‌های دروغ و افترا؟ کجاست از بین برنده عاصیان و سرکشان؟ کجاست ریشه‌کنکننده عنادگران، گمراه‌کنندگان و ملحدان؟ کجاست عزت‌بخش دوستان و خوارکننده دشمنان؟ کجاست وحدت‌آفرین بر محور تقوا؟ کجاست آن در خدا که از آن وارد می‌شوند؟ کجاست آن چهره خدا که اولیا به آن روی می‌آورند؟ کجاست آن وسیله پیوند زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست آن ألفت‌بخش پریشانی‌ها و

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى؟ أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟ أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟ أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِفِ^١ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؟ أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟

يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي، وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى، يَا بِنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ التَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بِنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ، يَا بِنَ الْعَطَارِفَةِ^٢ الْأَنْجَبِينَ، يَا بِنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بِنَ الْخَضَارِمَةِ^٣ الْمُتَنَجِّبِينَ، يَا بِنَ الْقَمَاقِمَةِ^٤ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بِنَ الشَّرْجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بِنَ الشَّهْبِ الْقَاقِبَةِ، يَا بِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بِنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بِنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بِنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بِنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بِنَ الصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بِنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا بِنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ.

يَا بِنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بِنَ الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بِنَ النَّعَمِ السَّائِغَاتِ، يَا بِنَ طَهِّ وَالْمُحَكَّمَاتِ، يَا بِنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بِنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بِنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

١. في الإقبال: «الخلاتق» بدل «الخلائف».

٢. العطارفة: جمع العطارف، وهو السيد الشريف والسخي السري (القاموس المحيط: ج ٣ ص ١٨١ «عطارف»).

٣. الخضرم: الجواد الكثير العطية (لسان العرب: ج ١٢ ص ١٨٤ «خضرم»).

٤. القمامة: السيد (النهاية: ج ٢ ص ١١٠ «قمام»).

خرسند ساز دل‌ها؟

کجاست آن جویای خونخواهی پیامبران؟ کجاست آن خونخواه کشته دشت کربلا؟ کجاست آن یاری شده الهی بر ضد هر که بر او ستم کند و افترا بزند؟ کجاست آن ناچاری که چون دعا کند، اجابت شود؟

کجاست آن سرسلسله جنیان جانشینان،^۱ که نیکوکار و با تقواست؟ کجاست فرزند پیامبر برگزیده؟ کجاست پسر علی مرتضی و پسر خدیجه کبرا و فرزند فاطمه زهرا؟

پدر و مادرم به فدایت و جانم سپر و حامی تو باشد، ای پسر سروران مقرب ای پسر برگزیدگان گرامی تر! ای پسر هدایتگران هدایت شده! ای پسر برگزیدگان وارسته! ای پسر سروران برگزیده! ای پسر پاکان پاکیزه! ای پسر بخشنندگان انتخاب شده! ای پسر سالاران و سروران بزرگ! ای پسر ماه‌های تابان! ای پسر چراغ‌های فروزان! ای پسر شهاب‌های درخشان! ای پسر ستارگان نورافشان! ای پسر راه‌های روشن! ای پسر نشان‌های آشکار! ای پسر دانش‌های کامل! ای پسر سنت‌های پرآوازه! ای پسر نشانه‌های هویدا! ای پسر معجزه‌های موجود! ای پسر دلیل‌های آشکار! ای پسر راه راست! ای پسر خبر بزرگ! ای پسر آن که نزد خدا در أمّ الكتاب والا و فرزانه است! ای پسر آیات و بینات! ای پسر دلیل‌های ظاهر! ای پسر برهان‌های درخشان! ای پسر حجّت‌های رسا! ای پسر نعمت‌های سرشار! ای پسر طاهّا و آیات محکّمات! ای پسر یاسمین و ذاریات! ای پسر طور و عادیات! ای پسر آن که [به خدا] نزدیک شد و نزدیک شد تا آن که به اندازه دو کمان مانده به قُرب خدای والای برتر رسید!

کاش می‌دانستم در کدام سو و ناحیه جا گرفته‌ای؟ بلکه در کدام سرزمین و

۱. در الاقبال چنین است: «کجاست آن سرگل آفریدگان».

لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى^١؟ بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُثَقِّلُكَ أَوْ تُرِي؟ أِبْرَضَوَى^٢،
أَوْ غَيْرَهَا، أَمْ ذِي طُوَى^٣؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَأَنْتَ لَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ
حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيجٌ
وَلَا شَكْوَى.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا تَزَحَّ عَنَّا، بِنَفْسِي
أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَتَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مَنْ عَقِيدٍ^٤ عِزٌّ لَا
يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ^٥ مَجْدٍ لَا يُجَازِي^٦، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ^٧ نِعْمٌ لَا
تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي.

إِلَى مَتَى أَحَارٌ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى؟ وَأَيُّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيُّ نَجْوَى؟
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيُخَذِّلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ
عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى!

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلٌ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَالْبُكَاءُ؟ هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَاسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا
خَلَا؟ هَلْ قَدِيتَ^٨ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى؟ هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ

١. النَّوَى: الوجه الذي يذهب فيه، والبعد، والدار، والتحول من مكان إلى آخر (القاموس المنسحب: ج ٢ ص ٣٩٧ «نوى»).

٢. رَضَوَى: جبل في المدينة (معجم البلدان: ج ٣ ص ٥١).

٣. ذُو طُوَى: موضع عند مكة (معجم البلدان: ج ٢ ص ٢٤٥).

٤. العَقِيد: المُعَايِدُ، الحَتِيفُ (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٩٦ «عقيد»).

٥. مَجْدٌ أَثِيلٌ: قديم (لسان العرب: ج ١١ ص ٩ «أثيل»).

٦. فِي بَعْضِ الْمَصَادِرِ: «لَا يَحَازِي» بِدَلِّ: «لَا يَجَازِي».

٧. التِّلَادُ: أَسَالُ الْقَدِيمِ الَّذِي وُلِدَ عِنْدَكَ (النهاية: ج ١ ص ١٩٤ «تلد»).

٨. الْقَدَى فِي الْعَيْنِ: مَا يَسْقُطُ فِيهِ مِنْ تَرَابٍ أَوْ تِينٍ أَوْ وَسَخٍ، كَأَنَّهُ يَرِيدُ الْكَدُورَةَ الَّتِي حَصَلَتْ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ حَوَادِثِ
الدَّهْرِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٢٥٥ «قذى»).

خاک به سر می بری؟ آیا در "رَضوی" ^۱ یا جز آنی؟ یا در "ذی طوی" ^۲ هستی؟ بر من، سخت و ناگوار است که مردم را ببینم و تو دیده نشوی و از تو هیچ صدا و نجوایی نشنوم. بر من، سخت است که رنج و بلا تو را احاطه کند و من آسوده باشم و هیچ ناله و شکوه‌ای از من به حضورت نرسد.

جانم فدایت، ای پنهانی که از ما دور نیستی! جانم فدایت، ای جدایی که از ما جدا نیستی! جانم فدایت، ای آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمنی که یاد می‌کند و ناله شوق سر می‌دهد! جانم فدایت، ای از سرشت ارجمندی که کسی برتر از آن نیست! جانم فدایت، ای از تبار کهن و بزرگواری که کسی همانند شما نیست! جانم فدایت، ای از نعمت‌های دیرینی که کسی چون آنها نیست! جانم فدایت، ای از خاندان شرافتی که کسی با شما برابر نیست!

مولای من! تا کی سرگردان تو باشم، تا کی؟ و با کدام خطاب و نجوا تو را توصیف کنم؟ بر من، بسی سخت است که از جز تو پاسخ و سخن بشنوم! بر من، بسی ناگوار است که بر تو بگریم و مردم، تو را واگذارند! بر من، بسی دشوار است که آنچه می‌گذرد، بر تو بگذرد، نه بر آنان!

آیا یآوری هست که با او ناله فراق و گریه طولانی سر دهیم؟ آیا بی‌تاب نالانی هست که چون تنها شود، با او هم‌ناله شوم؟ آیا چشمی می‌گیرد تا چشم من در یاری آن، زار زار بگرید؟ آیا - ای پسر احمد - راهی برای دیدار تو هست؟ آیا [فراق] امروز ما به فردای [وصال] تو متصل می‌شود که بهره‌مند شویم؟ کی می‌شود که بر جویبارهای پُرآب رحمت در آیم و سیراب شویم؟ کی از چشمه زلال آب لطفت خواهیم نوشید، که عضو طولانی شده است؟ کی می‌شود که صبح و شام، با تو باشیم و چشممان روشن گردد؟ کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم،

۱. نام کوهی در مدینه است.

۲. جایی نزدیک مکه است.

فَتَلَقْنِي؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِيهِ فَنَحْطِي؟ مَتَى تَرُدُّ مِنَّا هَلْكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ^١ مِنْ عَذَابِ مَا نِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى^٢؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّرَ عِيُونُنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَتَوَّمُ الْمَلَأَ؛ وَقَدْ مَلَأَتْ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ^٣ الْعَتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَسَمْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَفْتَ الْكَرْبَ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى^٤، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى^٥، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى.

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ^٦ إِلَى وَرَائِكَ، الْمَذْكُرِيكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا نَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَانًا حَتَّى تَوَرِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافَقَةَ الشَّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَانِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ^٧، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ رَسُولِكَ السَّيِّدِ

١. تقع من الماء: زويي (لسان العرب: ج ٨ ص ٢٤١ «تقع»).

٢. الصَّدَى: العَطَشُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٩٩ «صدى»).

٣. أَبْرَتِ الْقَوْمَ: أَهْلَكَهُمْ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤١ «أبر»).

٤. الْعُدْوَى: طَلَبْتُكَ إِلَى وَالِي لِبُعْدِيكَ عَلَى مَنْ ظَلَمْتُكَ أَيْ يَنْتَقِمُ مِنْهُ... وَالْعُدْوَى: النَّصْرَةُ وَالْمَعُونَةُ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٣٩ «عدو»).

٥. الْجَوَى: الْحَرَقَةُ وَشِدَّةُ الْوَجْدِ مِنْ عَشْقٍ أَوْ حُزْنٍ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٠٦ «جوا»).

٦. نَفْسٌ تَاتِقَةٌ: أَيْ مُشَاتِقَةٌ. وَتَاتَقَتْ نَفْسُهُ إِلَى الشَّيْءِ: اِسْتَأْتَقَتْ وَنَازَعَتْ إِلَيْهِ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٣٤ «توق»)، وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَالْإِقْبَالِ: «الشَّائِقُونَ».

٧. فِي الْإِقْبَالِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ» بِدَلِّ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» وَهُوَ الْأَنْسَبُ.

در حالی که پرچم پیروزی را افراشته باشی، آن سان که دیده شود؟ آیا ما را خواهی دید، در حالی که گرداگرد تو حلقه زده‌ایم و تو مردم را رهبری می‌کنی و جهان را پر از داد کرده‌ای و دشمنانت را خواری و کیفر چشانده‌ای و سرکشان و منکران حق را نابود ساخته‌ای و متکبران را ریشه کن کرده و ستمگران را نابود ساخته‌ای، در حالی که مالب به ثنای خدا گشوده، می‌گوییم: حمد و ثنا از آن خداوند، پروردگار جهانیان است؟

خداوند! تویی بر طرف‌کننده غم‌ها و گرفتاری‌ها. از تو دادخواهی می‌کنم؛ که دادرسی، نزد توست و تویی پروردگار آخرت و دنیا. پس، ای فریادرس دادخواهان! به فریاد بنده کوچک و گرفتارت برس و سرورش را به او نشان بده. ای خدای بسیار مقتدر - و به سبب سرورش رنج و سوز غم و هجران را از او بزدای و آتش سوزان دلش را فرو بنشان. ای آن که بر عرش، استوار گشته‌ای و ای آن که بازگشت و فرجام، به سوی توست!

خداوند! ما بندگان تویم که شیفته ولی تو هستیم؛ آن که یادآور تو و پیامبر توست. او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی و برای ما مایه استواری و پناهندگی ساختی و وی را برای مؤمنان ما پیشوا قرار دادی. پس، درود و سلام ما را به او برسان و بدین سبب بر کرامت ما - ای پروردگار - بیفزای و قرارگاه او را برای ما مایه قرار و آرامش قرار بده و نعمت را بر ما چنین کامل کن که او را پیشاپیش ما قرار دهی و ما را وارد بهشت خودت سازی و همدم شهیدان از برگزیدگان خودت، قرار دهی!

خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛^۱ بر جدش، محمد، فرستاده

۱. در الإقبال به جای جمله پیش گفته شده چنین آمده است: «خدا یا! بر حجت و ولی امرت درود فرست» و من الإقبال مناسب تر است.

الأَكْبَرِ، وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرَ^١، وَجَدَّتِيهِ الصُّدَيْقَةَ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ، وَأَنْتُمْ وَأَدْوَمُ، وَأَكْبَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلُّ عَلَيْهِ صَلَاةٌ لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا.

اللَّهُمَّ وَأَقِمِ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ^٢ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ^٣ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلِّ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ مَنْ يَأْخُذُ بِخُجْرَتِهِمْ^٤، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ.

وَأَمِّنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَافِقَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُوسَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَدِيهِ، رِيّاً رَوِيّاً، هَنِيئاً سَائِغاً^٥، لَا ظَمّاً بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

١. وزاد في الإقبال: «وحامل اللواء في المحشر، وساقى أوليائه من نهر الكوثر، والأمير علي سائر البشر، الذي من آمن به فقد ظفر، ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر. صلى الله عليه وعلى أخيه وعلى نجلهما الميامين الفرر، ما طلعت شمس وما أضاء قمر وعلى جدته...».

٢. دَحَضْتُ: بَطَلْتُ (المصباح المنير: ص ١٩٠ «دحض»).

٣. الإدالة: الغلبة. يقال: أدبنا لنا على أعدائنا؛ أي نصرنا عليهم وكانت الدولة لنا، والدولة: الانتقال من حال الشدة إلى الرخاء (النهاية: ج ٢ ص ١٤١ «دول»).

٤. أصل الحجرة: موضع شد الإزار، ثم قيل للإزار حجرة للمجاورة. فاستعاره للاعتصام والاتساع، والتمسك بالنسيء والتعلق به (النهاية: ج ١ ص ٢٢٤ «حجز»).

٥. سائغ: عذب (لسان العرب: ج ٨ ص ٢٢٥ «سوغ»).

تو و سرور بزرگ‌تر، و بر پدرش سرور کوچک‌تر،^۱ و بر مادر بزرگش صدیقه کبرا فاطمه دختر محمد، و بر هر کدام از پدران نیکویش که برگزیده تو آند، و بر خود او، درود فرست، برترین؛ کامل‌ترین، تمام‌ترین، پیوسته‌ترین، بزرگ‌ترین و سرشارترین درودی که بر هر یک از بندگان برگزیده‌ات فرستاده‌ای؛ و بر او درودی فرست، بی‌شمار و بی‌پایان! خداوندا! به سبب او حق را برپا بدار، به سبب او باطل را نابود کن، به سبب او دوستان خودت را حاکم گردان، به سبب او دشمنانت را خوار کن و - خداوندا - میان ما و او پیوندی برقرار ساز که به همنشینی با نیاکانش بینجامد، و ما را از آنانی قرار بده که به دامان آنان چنگ می‌زنند و در سایه لطف آنان به سر می‌برند، و ما را یاری کن تا حقوقش را به او ادا کنیم و در فرمان‌برداری‌اش بکوشیم و از نافرمانی‌اش پرهیز کنیم!

و با خرسندسازی او از ما، بر ما منت بگذار، و رأفت و مهربانی و دعا و خیر او را به ما ارزانی دار، به اندازه‌ای که با آن به رحمت گسترده‌ات و کامیابی از نزدت، دست یابیم. و به سبب او نمازمان را پذیرفته، گناهانمان را آمرزیده، و دعاهايمان را اجابت شده قرار بده. و به سبب او روزی‌های ما را گسترده و اندوه‌های ما را زدوده و نیازهای ما را برآورده قرار بده. و باروی کریمت به سوی ما روی بیاور و تقرّب جویی ما را به درگاهت پذیر و با نگاه رحمت‌بار، بر ما بنگر تا با آن، به کرامت کامل در پیشگاهت نایل آییم. سپس به جود خود، آن نگاه پُر مهر را از ما بر نگردان، و ما را از حوض جدش ع با جام او و با دست او سیراب کن؛ سیرابی کامل و گوارا، که پس از آن، هیچ تشنگی‌ای نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان!^۲

۱. در الإقبال، افزوده است: «صاحب پرچم در قیامت، و ساقی دوستانش از نهر کوثر، و پیشوا بر همه مردم، آن که هر کس به او ایمان آوزد، پیروز است و هر کس به او ایمان نیاورد، در خطر و کفر افتاده است. درود خدا بر او و برادرش و فرزندان خجسته و نورانی آن دو، تا آن گاه که خورشید بدمد و ماء، فروغ افشانند...».

۲. المزار الکبیر: ص ۵۷۳ ح ۲، مصباح الزائر: ص ۴۴۶، الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴ (هر دو منبع با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰۴.

تحلیلی درباره متن و سند دعای ندبه

دعای ندبه، یکی از زیباترین و بهترین دعاهاى عصر غیبت امام مهدى عج است که هر صبح جمعه، شیفتگان قائم عج با خواندن آن، عشق و ارادت خود را به ایشان ابراز می‌دارند. این دعا، در واقع یک دوره فشرده اصول عقاید اسلامی است که به گونه‌ای هنرمندانه، در قالب دعا و نیایش ارائه شده است.

در این دعا، پیوند آسمان و زمین و ارتباط آفریدگار جهان با انسان از طریق وحی، و امامت و رهبری انبیای الهی از آدم تا خاتم، به گونه‌ای زیبا بیان شده، و اهل بیت پیامبر خدا علیهم السلام به عنوان اوصیای ایشان معرفی می‌شوند.

این دعا، با اشاره به مجاهدت‌های اهل بیت علیهم السلام در راه احیای سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ارزش‌های اسلامی و سختی‌هایی که آنان در این راه دیده‌اند، نیایشگر را به گریستن با هدف بر سر نوشت آنان دعوت می‌کند:

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - فَلَيْبِكِ
الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَتَدَبَّرِ النَّادِبُونَ.

باید گریه‌کنندگان بگریند و نوحه‌سرایان نوحه‌سرایى کنند بر باکان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آن دو و خاندانشان باد - .

به همین جهت، این دعا به «دعای ندبه» موسوم گردیده است. هدف اصلی از این گریه و ندبه، انتظار مثبت و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام به رهبری امام مهدى - عجل الله تعالى فرجه - است. این هدف، در بخش پایانی دعا،

در قالب زمزمه‌ای عاشقانه در جستجوی عدالت‌گستر جهان، و خطاب‌هایی عارفانه به امام زمان علیه السلام و درخواست‌هایی از عمق جان از خداوند منان، بیان شده است.

نگاهی به سند دعای ندبه

قوت متن این دعا، و استناد بسیاری از آن به آیات قرآن و احادیث صحیح^۱ از یک سو، و مطلوبیت مطلق دعا از سوی دیگر، به این دعا، و جاهت خاصی می‌بخشد؛ لیکن بی‌تردید استناد آن به اهل بیت علیهم السلام بر اعتبار و اهمیت آن خواهد افزود. لذا اجمالاً به ارزیابی سند این دعا خواهیم پرداخت.

۱. دعای ندبه در مصادر کهن

کهن‌ترین مصادر موجود که این دعا را نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از:

الف - المزار الکبیر،^۲ نگاشته محمد بن جعفر، معروف به ابن مشهدی (ق ۶ق)

با توجه به طبقه این فرد، می‌توان او را از افراد قرن ششم دانست؛ ولی سال دقیق تولد و وفات وی روشن نیست. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی به سبب قرائتی، او را هم‌دوره ابن زهره (۵۱۱ - ۵۸۵) شمرده است.^۳

این کتاب، یکی از کهن‌ترین کتاب‌های زیارتی است که مورد اعتماد عالمان بوده است، اگرچه در انتساب آن به ابن مشهدی و همچنین شخصیت ابن مشهدی، اختلاف وجود دارد.^۴

۱. رک: شرح دعای ندبه، سید علی‌اکبر موسوی محب‌الاسلام. ایشان دعای ندبه را به ۱۲۴ فقره تقسیم نموده و منابع قرآنی و روایی هر فقره را از جوامع حدیثی شیعه و سنی استخراج کرده است. نیز، رک: با دعای ندبه در پگاه جمعه، مجله موعود؛ ش ۱۴ - ۱۹.

۲. المزار الکبیر؛ ص ۵۷۳.

۳. الذریعة؛ ج ۸ ص ۱۹۲.

۴. برخی از متأخران همانند محدث نوری و شیخ آقا بزرگ تهرانی، انتساب این کتاب به ابن مشهدی را مسلم شمرده‌اند (خانه مستدرک الوسائل؛ ج ۱ ص ۲۶۰، الذریعة؛ ج ۲۰ ص ۲۲۴)؛ ولی برخی همانند علامه مجلسی

می توان گفت: کهن بودن کتاب المزار الکبیر و اعتماد افرادی همچون سید ابن طاووس بر آن، به آن اعتبار می بخشد و آن را از کتاب های معتبر در حوزه دعا قرار می دهد. اگرچه در حوزه فقه، این قرائن، مورد قبول فقیهان رجالی همانند مرحوم آیه الله خویی قرار نگرفته است.

ب - مصباح الزائر، نگاشته سید ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴)^۱

سید ابن طاووس دعای ندبه را به احتمال فراوان از کتاب المزار الکبیر نقل کرده است؛ چون سید در ابتدای آن آورده است:

ذکر بعض اصحابنا قال محمد بن علی بن ابی قرّة نقلت من کتاب محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری رضی الله عنه دعاء الندبة و ذکر انه لصاحب الزمان و يستحب ان يدعى به فی الأعیاد الأربعة.

برخی از یاران [عالم] ما یادآوری کرده اند که محمد بن علی بن ابی قره گفته است: من از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، دعای ندبه را نقل کردم و در آن گفته شده که این دعا از صاحب الزمان است و مستحب است که در عیدهای چهارگانه خوانده شود.

در این امر تشکیک نموده اند. علامه مجلسی در باره آن نوشته است: «المزار الکبیر تألیف محمد بن المشهدی أو السید فخار أو بعض معاصر بهما» (بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۱۰۲).

همچنین در بسیاری از موارد در کتاب بحار الأنوار نام او نیامده و با عنوان مؤلف المزار الکبیر یاد شده است. اختلاف در باره این مشهدی از جانب دیگر نیز وجود دارد: چون اطلاعات چندانی در باره او در دست نیست. شیخ حرّ عاملی در باره وی گفته است: «وی مردی فاضل، محدث و راستگو بود و نوشته هایی از شاذان بن جبرئیل قمی دارد» (أمل الآمل: ج ۲ ص ۲۵۲ و ۲۵۳)؛ ولی آیه الله خویی در باره او این گونه گفته است: «اعتبار خود این کتاب برای ما ثابت نشد؛ برای این که وضعیت محمد بن مشهدی، روشن و شخصیتش شناخته نیست؛ محدث نوری اصرار دارد که وی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری است. اما این گفته محدث نوری، تنها گمان می آورد او علم آور نیست» (معجم رجال الحدیث: ج ۱ ص ۵۱).

علامه مجلسی نیز در باره شخص مؤلف کتاب تردید دارد، ولی کتاب را معتبر شمرده و می گوید: «از کیفیت اسناد المزار الکبیر استفاده می شود که کتاب معتبری است و سید ابن طاووس هم اخبار و متن زیارت های بسیاری را از آن نقل کرده است» (بحار الأنوار: ج ۱ ص ۳۵).

۱. مصباح الزائر: ص ۴۱۸.

این متن به همین صورت در کتاب ابن مشهدی، موجود است.^۱

ج - اقبال الأعمال، نگاشته سید ابن طاووس^۲

این کتاب، آخرین نگاشته سید ابن طاووس است. ظاهر سخنان سید ابن طاووس در کتاب الإقبال، نشانگر آن است که منبعی به غیر از المزار الکبیر در دست داشته است.

د - زوائد الفوائد، نگاشته جمال الدین علی بن علی بن طاووس، فرزند سید ابن طاووس.^۳

ه - مزار قدیم، نویسنده نامعلوم (ق ۶ق)

مرحوم شیخ عباس قمی گفته است: علامه مجلسی، این دعا را از کتاب مزار قدیم نیز نقل کرده است که ظاهراً از مؤلفات قطب راوندی است.^۴

مؤلف کتاب مزار قدیم، مشخص نیست؛ ولی با توجه به نقل او با یک واسطه از پسر شیخ طوسی، او در قرن ششم می‌زیسته است و این دعا در نسخه خطی آن کتاب، وجود دارد.^۵

۲. بررسی سند: ابن مشهدی و سید ابن طاووس

در کتاب مصباح الزائر، این دعا را به نقل از محمد بن علی بن ابی قره و او از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده‌اند.

دو کتاب دیگر یعنی اقبال الأعمال و زوائد الفوائد، این دعا را بدون ذکر سند و به گونه مرسل نقل کرده‌اند. اکنون به بررسی رجالی افراد واقع در سند می‌پردازیم:

۱/۲. محمد بن علی بن ابی قره، از مشایخ نجاشی است. نجاشی در باره او

گفته است:

۱. ر.ک: ص ۱۲۴ ح ۱۰۵۴.

۲. الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴.

۳. زوائد الفوائد: ص ۴۸۲ (نسخه خطی کتاب‌خانه دانشگاه تهران، به نقل از کتاب ده رساله: تحقیقی در باره دعای ندبه: ص ۲۸۳).

۴. هدیه الزائرین: ص ۵۰۷.

۵. نسخه خطی مزار قدیم در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی به شماره ۴۶۲ ص ۱۷۳-۱۷۶.

كان ثقة وسمع كثيراً وكتب كثيراً وكان يوزق لأصحابنا ومعنا في المجالس^۱.
او موثق بود و فراوان حدیث شنیده و بسیار نوشته بود و کتابها را برای شیعیان
تکثیر می کرد و هم نشین ما بود.

۲ / ۲. محمد بن الحسين بن سفیان بزوفری، از اساتید شیخ مفید است.^۲ او در
متون کهن رجالی، توثیق نشده است؛ ولی مرحوم آقا بزرگ تهرانی گفته است:
ويظهر وثاقته من إكثار الشيخ المفيد الرواية عنه مع طلب الرحمة وإن لم يذكر
ترجمته في الأصول الرجالية.

از این که شیخ مفید، به فراوانی از او روایت کرده و هم برایش طلب رحمت کرده
است، وثاقتش ظاهر می شود هرچند در کتاب های رجالی اصلی، شرح حال وی
نیامده است.^۳ گفتنی است احادیث شیخ مفید از او چندان زیاد نیست و تنها دو
حدیث به نقل از او در الأملی طوسی آمده است.^۴ نام او در طریق شیخ طوسی به
احمد بن ادريس هم ذکر شده است.^۵

۳. انتساب دعای ندبه به اهل بیت (ع)

قرائنی وجود دارد که با استناد به آنها می توان انتساب این دعا به اهل بیت (ع) و ماثور
بودن آن را اثبات نمود:

۱ / ۳. قرینه های اجمالی انتساب

۱. بزوفری گفته است: «يستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة». اعلام استحباب
خواندن دعایی خاص در ایام خاص، نشانگر صدور آن از اهل بیت (ع) است؛ چون

۱. رجال النجاشی: ج ۲ ص ۳۲۶ ش ۱۰۶۷.

۲. معجم رجال الحديث: ج ۱۷ ص ۱۲.

۳. الدررعة: ج ۸ ص ۱۹۵.

۴. الأملی. طوسی: ص ۵۶ ح ۸۰ و ص ۱۶۷ ح ۲۷۹.

۵. تهذیب الأحکام: ج ۱۰ ص ۲۵.

هیچ‌کس از عالمان، دعایی را که خود انشا کرده است، مستحب نمی‌شمارد و آن را به ایام خاص، پیوند نمی‌دهد.

این نکته می‌تواند قرینه‌ای بر صدور حدیث از ائمه علیهم‌السلام باشد. حتی اگر وثاقت بزوفری را نپذیریم، باز هم نمی‌توان این گونه سخن را به شخصی نسبت داد که شیخ مفید از او نقل حدیث کرده است.

۲. سید ابن طاووس نیز در کتاب الإقبال و در اعمال روز عید فطر آورده است: «دعاء آخر بعد صلاة العید» و سپس دعای ندبه را آورده و پس از آن گفته است:

فاذا فرغت من الدعاء فتأهب للِسجود بين يدي مولاك وقل ما روينا باسنادنا إلى
أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا فرغت من دعاء العید المذكور ضع خدك الأيمن على
الأرض وقل: ...^۱

وقتی دعا را به پایان بردی، در پیشگاه مولایت به سجده بیفت و آنچه ما از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌ایم بگو. امام فرمود: بگو: «هرگاه دعای عید یاد شده را به پایان بردی، گونه راستت را بر زمین بگذار و بگو...».

اگر چه انشای دعا را عالمان شیعی انجام داده‌اند؛ ولی معمولاً هر گاه عالمی، دعایی را انشا می‌کرد، این نکته را یادآور می‌شد که آن دعا منسوب به معصوم علیه السلام نیست.^۲

۱. الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴.

۲. سید ابن طاووس در مواردی این نکته را یادآوری کرده است. مثلاً: فصل ششم: فیما نذکره من دعاء انشأناه نذکره عند تناول الطعام؛ فصل ششم: در دعایی که ساخته‌ایم و هنگام تناول غذا می‌خوانیم (الإقبال: ج ۱ ص ۲۴۲). و یا در جانی دیگر آورده فصل: انا آنچه در هنگام رؤیت هلال سؤال گفته می‌شود، ما بیشتر در کتاب اعمال ماه دعایی را انشا کردیم که برای همه ماه‌ها مناسب است. پس اگر آن را نیافت، در هنگام رؤیت هلال سؤال بگوید. (الإقبال: ج ۲ ص ۱۶). فصل دهم: آنچه در خداحافظی با منزل اول (در سفر) می‌گوییم به صورت انشا (الأمان من إخطار الأسفار: ص ۱۳۰).

مرحوم شیخ صدوق نیز نوشته است: من در اخبار چیز تعیین شده مشخصی را برای زیارت حضرت

۳. کهن ترین منبع دعای ندبه، کتاب المزار الکبیر است. نویسنده این کتاب در ابتدای نگاهشته خویش تصریح کرده است:

أما بعد فإني جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات ... مما اتصلت به ثقة الرواة
إلى السادات.^۱

اما بعد، من در این کتابم، زیارت های گوناگونی را جمع کردم که راویان موثقی به بزرگان رسانده اند.

بنا بر این، اجمالاً انتساب دعاهاى موجود در کتاب به امامان را اثبات کرده است.

۲ / ۳. انتساب تفصیلی دعا به اهل بیت علیهم السلام

۱. ابن مشهدی نوشته است:

الدُّعَاءُ لِلنَّدْبِيَّةِ . قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ [عَلِيِّ بْنِ] أَبِي قُرَّةَ : نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ بْنِ زَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعَاءَ ، وَذَكَرَ فِيهِ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ فَرَجَهُ وَفَرَجْنَا بِهِ ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ.^۲

دعا برای نوحه و ندبه: محمد بن ابی قره می گوید: این دعا را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - که خداوند از او خشنود باشد - نقل کردم و در آن یاد شده که: دعا برای امام زمان - که درو دهای خداوند بر او باد و خداوند در فرج او شتاب ورزد و امور ما را به وسیله ایشان گشایش دهد - است. و مستحب است که در عیدهای چهارگانه خوانده شود.

برخی گفته اند: بزوفری تصریح کرده است: «إنَّه الدعاء لصاحب الزمان»؛ بنا بر

ص صدیقه علیها السلام نیافتم. پس آنچه برای خودم دوست داشتیم، برای هر کس که کتاب مرا نگاه می کند نیز همان را پسندیدم (کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۴).

گفتنی است: سید ابن طاووس به استناد به روایت «ان أفضل الدعاء ما جرى على نساءك»؛ بهترین دعا آن است که بر زنان جاری شود». انشاء دعای خود را عملی مقبول دانسته است (الامان من إخطار الأسفار: ص ۲۰).

۱. المزار الکبیر: ص ۲۷.

۲. ر.ک: ص ۱۲۴ ح ۱۰۵۴.

این، این دعا از ناحیه مقدسه صادر شده است. لیکن در این باره، دو نکته قابل توجه است:

الف. آیا مقصود از «الدعاء لصاحب الزمان» آن است که امام مهدی علیه السلام گوینده این دعا بوده‌اند؟ و یا مقصود، آن است که این دعا برای امام مهدی علیه السلام خوانده می‌شود؟ هر دو احتمال، متصور است.

ب. جمله اول این عبارت یعنی «الدعاء للندبة»، مؤید احتمال دوم است؛ یعنی این دعا برای ندبه و نجوا با امام عصر علیه السلام خوانده می‌شود.

حرف «لام» در «الندبة» و «لصاحب الأمر» می‌تواند برای تبیین هدف و مقصود دعا باشد، نه آن که به گوینده آن اشاره داشته باشد. علامه شوشتری، این نظر را به عنوان احتمال دوم مطرح کرده و نوشته است

احتمال دارد دعا، انشای بزوفری باشد به این که معنی این فقره این باشد که: باید

این دعا خوانده شود برای آن حضرت یعنی برای فرجش و ظهورش.^۱

ج. صدور دعای ندبه از امام مهدی علیه السلام بعید و عجیب می‌نماید. گویش دعا به گونه‌ای است که حالت ندبه و زاری برای امام مهدی علیه السلام و تأسف بر غیبت ایشان و آرزوی ملاقات با ایشان را دارد. بدین سبب، گوینده آن می‌باید شخصی به غیر از ایشان باشد. توجیه این مدعا با احتمال آموزشی بودن دعا نیز، استبعاد آن را زایل نمی‌کند.

۲. علامه مجلسی نوشته است: دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و

تأسف بر غیبت قائم علیه السلام به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است.^۲

ظاهراً سخن علامه مجلسی علیه السلام نیز اشاره به سخن سید ابن طاووس در کتاب اقبال الأعمال است؛ زیرا علامه مجلسی دعای ندبه را در دو جا از کتاب بحار الانوار ذکر

۱. مقالات و گفتارها: ص ۶۳.

۲. زاد المعاد: ص ۴۸۶.

کرده است^۱ که تنها یک مورد - یعنی کتاب الإقبال - موهم استناد به امام صادق علیه السلام است. لیکن استناد به کتاب إقبال الأعمال برای انتساب این دعا به امام صادق علیه السلام صحیح نیست؛ زیرا:

۱. مرحوم سید ابن طاووس، در ابتدا و انتهای دعا هیچ اشاره‌ای به معصوم علیه السلام نکرده است.

۲. جمله «إذا فرغت من دعاء العید المذكور» در سخن امام صادق علیه السلام اشاره‌ای به این دعای خاص ندارد؛ بلکه به مطلق دعا در این روز و یا دعای خاصی که در متن اصلی بوده، توجه داده است.

روشن است که اگر مجموعه دعا و نماز و اعمال دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده بود، هیچ نویسنده معمولی نیز آن را این گونه نقل نمی‌کرد، چه رسد به مرحوم سید ابن طاووس که متخصص در نگارش دعا و زیارت است.

۳. «المذكور» صفت برای «العید» است نه «دعا»؛ بنا بر این نمی‌تواند به دعای ندبه اشارت کند. سید ابن طاووس برای این روز، ابتدا نماز و سپس دعایی ذکر کرده و هیچ یک را به معصوم علیه السلام اسناد نداده است. او در ادامه می‌گوید: «دعاء آخر بعد صلاة العید ویدعی به فی الأعیاد الأربعة».

با توجه به آن که دعای ندبه، مخصوص عید فطر نیست، این نکته تقویت می‌شود که امام علیه السلام به مطلق دعا و یا دعای خاص روز عید فطر اشاره کرده‌اند.

۴. با فرض کنار نهادن تمامی اشکالات، سخن علامه مجلسی بسیار عجیب می‌نماید؛ چون در هیچ یک از مصادر حدیثی - حتی در کتاب جامع بحار الأنوار - سندی برای انتساب این دعا به امام صادق علیه السلام ذکر نشده است که بتوان در اعتبار یا بی‌اعتباری آن کاوش نمود و آن را معتبر شمرد. علامه شوشتری نیز این انتساب را

۱. بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۰-۲۸ ح ۷ و ج ۱۰۲ ص ۱۰۴.

نپذیرفته است.^۱

بنا بر این، با عنایت به مجموع آنچه ملاحظه شد، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که: انتساب اجمالی دعای ندبه به اهل بیت علیهم السلام قابل قبول است و با توجه به شیوه عالمان پیشین، در عدم سختگیری فقهی در موارد غیر فقهی، مثل مستحباتی چون: دعا و زیارات، به نظر می‌رسد این مقدار از انتساب نیز برای خواندن دعا کفایت کند.^۲

باید توجه داشت که قاعده تسامح در ادله سنن، جواز خواندن دعای ندبه را به امید رسیدن به ثواب اثبات می‌کند.

پاسخ به یک شبهه

یکی از نویسندگان با استناد به فقره «أبرضوی أم غیرها أم ذوی طوی؟» و مشابهت این سخن با قول کیسانیه^۲، این احتمال را مطرح کرده که این دعا در راستای تفکر کیسانیه و امامت محمد بن حنفیه است.

علامه شوشتری در جوابیه‌ای مفصل، این شبهه را بررسی کرده و آن را پاسخ گفته است. ایشان پس از اشاره به احادیث معتبری که جایگاه امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت را کوه رضوی و یا ذی طوی دانسته، آورده است:

کیسانیه در مدّعی خود به اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در باره غیبت استناد کرده‌اند و به ناحق، آن را بر محمد بن حنفیه تطبیق کرده‌اند؛ زیرا منشأ هر شبهه، مطلب حقی است که بیجا به کار می‌برند.^۳

در تکمیل سخن علامه شوشتری، می‌گوییم: این سخن به هیچ عنوان نمی‌تواند

۱. مقالات و گفتارها: ص ۶۳.

۲. بنا بر اعتقاد کیسانیه، محمد ابن حنفیه در کوه رضوی مأوا دارد. (ر.ک: فرق الشیعه: ص ۲۹).

۳. ر.ک: مقالات و گفتارها: ص ۶۳ پاسخ علامه شوشتری به شبهه دکتر شریعتی، ده رساله، رضا استادی، با دعای ندبه در نگاه جمعه، مجله موعود، ش ۱۸.

بر دعای ندبه تطبیق شود؛ زیرا در قسمت‌های گوناگون دعای ندبه، در بیش از ده جمله، امام مهدی عج از فرزندان پیامبر ص، خدیجه س و فاطمه س دانسته و معرفی شده است. عباراتی همچون: **أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنِ خَدِيجَةَ الزَّهْرَاءِ، وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟** ... **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حَتَّى تَكُونَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ جَدِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الشَّيْخِ الْأَكْبَرِ...** و **عَلَيَّ جَدَّتِيهِ الصَّديْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ**.^۲

بنا بر این، احتمال انتساب این دعا به طرفداران محمد بن حنفیه صحیح نیست. بدیهی است آنان محمد بن حنفیه را از فرزندان فاطمه س و پیامبر اکرم ص نمی‌دانستند و به گونه‌ای سخن نمی‌گفتند که موجب تضعیف عقاید آنان شود.

۱. ر.ک: ص ۱۳۶ ح ۱۰۵۴، الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۹.

۲. الإقبال: ج ۱ ص ۵۱۲. نیز، ر.ک: همین دانش‌نامه: ص ۱۴- ح ۱۰۵۴.

٢ / ٣

الدُّعَاءُ فِي عِيدِ الْفِطْرِ

١٠٥٥ . مصباح المتهجد - فِي الدُّعَاءِ قَبْلَ صَلَاةِ عِيدِ الْفِطْرِ - : اسْتَفْتِحْ خُرُوجَكَ بِالدُّعَاءِ إِلَى أَنْ تَدْخُلَ مَعَ الْإِمَامِ فِي الصَّلَاةِ فَتَقُولُ :

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِي ، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ إِلَهُنَا وَمَوْلَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَحَسُنَ مَا أَوْلَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَإِلَيْنَا الَّذِي اجْتَبَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي بَرَّأْنَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَنَا وَسَوَّأَنَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي أَنْشَأَنَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي يَقْدِرْتَهُ هَدَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي يَدِينُهُ حَبَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي مِنْ فَتْنَتِهِ عَافَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِالْإِسْلَامِ اصْطَفَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي فَضَّلَنَا بِالْإِسْلَامِ عَلَى مَنْ سِوَانَا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَكْبَرُ سُلْطَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى بُرْهَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ سُبْحَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ أَرْكَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى مَكَانًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَسْنَى شَأْنًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ نَاصِرٌ مَنْ اسْتَنْصَرَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْمَغْفِرَةِ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَ وَصَوَّرَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَمَاتَ فَأَقْبَرَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي إِذَا شَاءَ أَنْشَرَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَسُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَظْهَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ الْخَلْقِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَبَّرَ ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ ، وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ ، وَأَمِينِكَ وَنَجِيبِكَ ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَخَلِيلِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَعَلَّمْتَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ ، وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنَ الْعَمَى ، وَأَقَمْتَنَا بِهِ عَلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَسَبِيلِ التَّقْوَى ،

۲ / ۳

دعا برای امام علیه السلام در روز عید فطر

۱۰۵۵. مصباح المتهجد - در ذکر دعای پیش از نماز عید فطر: بیرون آمدنت را با دعا آغاز کن تا آنگاه که همراه امام به نماز در آیی. آن گاه می گویی: «خدایا! به سوی تو رو کردم و کارم را به تو سپردم و بر تو توکل کردم. خدا را به بزرگی می ستایم به خاطر به زاء آوردن ما. خدا بزرگ تر و معبود و مولای ماست. خدا را به بزرگی می ستایم به خاطر سرپرستی اش نسبت به ما و نیکویی آزمونی که از ما کرد. خدا بزرگ تر است، او که ولی انتخاب کننده ماست. خدا بزرگ تر است، صاحب اختیارمان که ما را هستی داد. خدا بزرگ تر است، او که ما را آفرید و راست و استوار کرد. خدا بزرگ تر است، صاحب اختیارمان که ما را پدید آورد. خدا بزرگ تر است، او که با قدرتش ما را هدایت کرد. خدا بزرگ تر است، او که دینش را به ما هدیه داد. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را از آزمون دشوارش آسوده نهاد. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را برای اسلام برگزید. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را با اسلام بر غیر ما برتری بخشید. خدا بزرگ تر است و چیرگی اش نیز بزرگ تر است. خدا بزرگ تر و برهانش بالاتر است. خدا بزرگ تر و دوری اش از عیب و نقص نیز با شکوه تر است. خدا بزرگ تر و احسانش قدیم تر است. خدا بزرگ تر و ارکانش پیروزمند تر است. خدا بزرگ تر و جایگاهش والاتر است. خدا بزرگ تر است و شأنش بالاتر است. خدا بزرگ تر و یاور کسی است که از او یاری بخواهد. خدا بزرگ تر و صاحب مغفرت برای کسی است که استغفار می کند. خدا بزرگ تر و کسی است که آفرید و صورت داد. خدا بزرگ تر و کسی است که می میراند و به قبر می بزد. خدا بزرگ تر و کسی است که هر گاه بخواهد [مردگان را] بر می انگیزد. خدا بزرگ تر و پاک تر و آشکارتر از هر چیزی است. خدا بزرگ تر است و صاحب اختیار مردم و خشکی و دریاست. خدا بزرگ تر است، هر اندازه که چیزی خدا را تسبیح کند و بزرگ بدارد و همان گونه که خداوند دوست دارد، بزرگ داشته شود.

خدایا! بر محمد، بنده، فرستاده، پیامبر، برگزیده، دوست، همراز، امین، نجیب، گزیده

وَأَخْرَجْتَنَا بِهِ مِنَ الْغَمْرَاتِ إِلَى جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ، وَأَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ، وَأَشْرَفَ وَأَكْبَرَ، وَأَطْهَرَ وَأَطْيَبَ،
وَأَتَمَّ وَأَعَمَّ، وَأَعَزَّ وَأَزْكَى وَأَنْمَى، وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ،
اللَّهُمَّ شَرِّفْ مَقَامَهُ فِي الْقِيَامَةِ، وَعَظِّمْ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَالَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا
وَآلَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْكَ مَنْزِلَةً، وَأَعْلَاهُمْ مَكَانًا، وَأَفْسَحَهُمْ لَدَيْكَ
مَجْلِسًا، وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَكَ شَرَفًا، وَأَرْفَعَهُمْ مَنْزِلًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَالْحُجَجِ عَلَى خَلْقِكَ،
وَالْأَدِلَاءِ عَلَى سُنَّتِكَ، وَالْبَابِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، وَالتَّرَاجِمَةِ لِيُوحِيكَ، الْمُسْتَتِينَ بِسُنَّتِكَ،
النَّاطِقِينَ بِحِكْمَتِكَ، الشُّهَدَاءِ عَلَى خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ^١ اشْعَبْ^٢ بِهِمُ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ^٣ بِهِمُ الْفَتْقَ، وَأُمِّتْ بِهِمُ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِمُ
الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِمُ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُمْ بِنَصْرِكَ، وَانصُرْهُمْ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ
نَاصِرَهُمْ، وَاخْذُلْ خَاذِلَهُمْ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُمْ، وَدَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَمَهُمْ،
وَافْضُضْ بِهِمُ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُؤِمَّةَ السُّنَنِ، وَالْمُتَعَزِّزِينَ بِالْبَاطِلِ،
وَأَعِزِّ بِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَذِلُّ بِهِمُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ،
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَاعْتَقَدُوا

١. من هنا بآلى «يا أرحم الراحمين»، ورد في كتاب الإقبال هكذا:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ أَمْرِكَ، الْمُنْتَظَرِ لَفْرَجِ أَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأُمِّتْ بِهِ

الجور، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِمُ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُمْ بِنَصْرِكَ، وَانصُرْهُمْ بِالرُّعْبِ ...

٢. الشُّعْبُ: الجمع والإصلاح (لسان العرب: ج ١ ص ٢٩٧ «شعب»).

٣. الرُّتْقُ: ضد الفَتْقِ وهو التَّشَامُ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٧٢ «رتق»).

از میان آفریده‌ها، یار ویژه و ناب و گل سرسید آفریده‌هایت، درود فرست.

خدایا! بر محمد، بنده‌ات و فرستاده‌ات درود فرست؛ همو که ما را با او از گم‌راهی به راه آوردی و از نادانی به دانایی کشاندی و از نایبایی به بینش رساندی و ما را با او در شاه‌راه روشن و راه تقوا نگاه داشتی و از اعماق تباهی‌ها به سوی همه نیکی‌ها بیرون کشیدی و ما را از لبه پرتگاه هلاکت نجات بخشیدی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ درودی برتر، کامل‌تر، شریف‌تر، بزرگ‌تر، پاک و پاکیزه‌تر، نام‌تر و عام‌تر، عزیزتر و پاکیزه‌تر و بالنده‌تر، نیکوتر و زیباتر از درودی که به هر یک از جهانیان فرستاده‌ای. خدایا! جایگاهش را در قیامت، باشکوه و حالش را پیش روی مردمان، بزرگ بدار. خدایا! روز قیامت، نزدیک‌ترین جایگاه مردم به خودت و والاترین مکان و وسیع‌ترین مجلس نزد خودت و باشکوه‌ترین و رفیع‌ترین منزل را از آن محمد و خاندان محمد قرار بده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نیز بر امامان هدایت، حجت‌های بر خلقت، راه‌نمایان به سنت، دری که از آن [به سوی خدا] می‌آیند، مترجمان وحی‌ات، عاملان به سنت، سخنگویان به حکمت و گواهان بر آفریده‌هایت.

خدایا! با آنان^۱ پراکندگی‌ها را به اتحاد تبدیل نما و شکاف‌ها را پر کن و ستم را بمیران و عدالت را پدیدار کن و زمین را با طول عمرشان زینت ده و با یاری‌ات استوارشان کن و با هراس انداختن [در دل دشمن] یاری‌شان ده و یاورشان را تقویت کن و واگذارنده‌شان را واگذار و بر آن که با ایشان دشمنی می‌کند، خشم بگیر و هر که را به آنها ستم می‌کند هلاک کن و سران گم‌راهی را به دست ایشان درهم شکن و نیز بدعت‌گذاران و کسانی

۱. از این جا به طول یک پاراگراف، در الإجمال با اندک تفاوت‌هایی آمده که از جمله آوردن ضمیر مفرد به جای ضمیر جمع است که به امام زمان علیه السلام باز می‌گردد و آغاز آن چنین است: «خدایا! بر ولایت که منتظر امرت و منتظر گشایش کار اولیایت است درود فرست. خدایا! پراکندگی‌ها را با او پیوند بزن، و جدایی‌مان را با او به همبستگی بدل کن. و با او ستم را نابود ساز، و عدالت را بر ملا کن، و با طولانی کردن ماندگاری او، زمین را بیار. او را با یاری خود تأیید نما، و با ترساندن [دشمنان] او را پیروز کن...»

لَكَ الْمَوَاتِقُ بِالطَّاعَةِ، وَدَعَوْا الْعِبَادَ إِلَيْكَ بِالنَّصِيحَةِ، وَصَبَرُوا عَلَيَّ مَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى
وَالْتَكْذِيبِ فِي جَنَبِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى ذُرَارِيَّتِهِمْ وَأَهْلِ بُيُوتَاتِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ،
وَجَمِيعِ أَتْبَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ،
الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ،
وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ اخْصُصْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْمُبَارَكِينَ السَّامِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ، الَّذِينَ
أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ
عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

٣ / ٣

الدُّعَاءُ لَهُ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ

١٠٥٦ . الإقبال : ما روينا بإسنادنا إلى هارون بن موسى الثَّلَعُكَبَرِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ، بِإِسْنَادِهِ
إِلَى أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ:

أَدْعُ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ، إِذَا تَهَيَّأْتَ لِلخُرُوجِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ
رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَأِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَأَنْتَ وَفَادَتِي وَتَهَيَّئْتِي وَإِعْدَادِي
وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا رَبُّ عَلَيَّ أَيْمَنَةِ الْمُؤْمِنِينَ: الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ

که سنت‌ها را می‌میرانند و به باطل، عزت می‌جویند، و مؤمنان را با ایشان عزیز کن و کافران و منافقان را به دست ایشان ذلیل نما و نیز همه منحدان و مخالفان را در شرق و غرب گیتی، ای رحیم‌ترین رحیمان!

خدایا! بر همه فرستادگان و پیامبران درود فرست؛ آنان که هدایت تو را رساندند و پیمان اصاعت با تو بستند و بندگان را با دلسوزی و خیرخواهی به سوی تو فراخواندند و به خاطر تو بر هر آزار و تکذیبی که دیدند، شکیب ورزیدند.

خدایا! بر محمد و بر ایشان (پیامبران و خاندان ایشان) و فرزندان و اهل خانه و همسرانشان و نیز همه پیروان و دنباله‌روان ایشان از مردان و زنان باایمان و مسلمان، زنده و مرده‌شان درود فرست، و در این ساعت و در این روز، سلام و رحمت و برکت خدا بر همه آنان باد!

خدایا! اهل بیت پیامبرت محمد ص را که همگی مبارک، گوش به فرمان و مطیع تو هستند و آلودگی را از آنها زدوده و آنان را پاک و پاکیزه نموده‌ای، به برترین درودهایت و بالنده‌ترین برکت‌هایت ویژه کن؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد! ^۱

۳ / ۳

دعا برای امام عج در روز جمعه و دو عید

۱۰۵۶. الإقبال - به نقل از ابو حمزة ثمالی - : امام باقر ع فرمود: «هنگامی که در روز جمعه و دو عید [فطر و قربان] خواستی [برای نماز] بیرون بروی این دعا را بخوان: خدایا! هر کس امروز آماده یا مهیا شد و وسایل و تدارکات درآمدن بر مخلوقی را فراهم آورد تا از کمک و جایزه و هدایای او بهره‌ای ببرد، من درآمدن و آمادگی و تهیه و تدارکم را به سوی تو - ای سرورم - قرار دادم، به امید بهره بردن از تو و جوایز و هدیه‌هایت.

خدایا! بر محمد، بنده‌ات، فرستاده‌ات، گزیده از خلقت و بر علی، امیر مؤمنان و وصی

۱. مصباح المنهج: ص ۶۵۱ ح ۷۲۴، الإقبال: ج ۱ ص ۴۸۴، المصباح، کفعمی: ص ۸۶۲، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۶ ح ۴.

وَمُحَمَّدٍ» وَتَسْتَبِيهِمْ إِلَىٰ آخِرِهِمْ حَتَّىٰ تَنْتَهِيَ إِلَىٰ صَاحِبِكَ ^١ . وَقُلْ :

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ ^٢ فَتْحاً يَسِيراً وَانصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقُقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَىٰ سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَفْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ قَبَلْنَا» .

وَتَدْعُو اللَّهَ لَهُ وَعَلَىٰ عَدُوِّهِ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ وَيَكُونُ آخِرُ كَلَامِكَ :

«اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِمَنْ تَذَكَّرَ فِيهِ فَيَذَكَّرُ» ^٣ .

٤ / ٣

الدُّعَاءُ فِي عِيدِ الْغَدِيرِ

١٠٥٧ . المقنعة - في دُعَاءِ يَوْمِ الْغَدِيرِ ^٤ :- إِذَا ارْتَفَعَ النَّهَارُ مِنَ الْيَوْمِ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، فَاغْتَسِلْ فِيهِ كَغُسْلِكَ لِلْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ، وَالْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ، وَامْسَسْ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ إِنْ قَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَابْرُزْ تَحْتَ السَّمَاءِ وَارْتَقِبِ الشَّمْسَ، فَإِذَا بَقِيَ لِرِزْوَالِهَا نِصْفُ سَاعَةٍ أَوْ نَحْوُ ذَلِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا «فَاتِيحَةَ الْكِتَابِ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» فَإِذَا سَلَّمْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى وَأَثْنِ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَصَلِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَابْتَهِلْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي اللَّعْنَةِ لِظَالِمِي آلِ الرَّسُولِ ﷺ

١ . في بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر : «إلى صاحب الزمان» .

٢ . في نسخة : «لنا» .

٣ . في بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر : «يذكر فيه فيذكر» .

٤ . باب صلاة يوم الغدير وأصلها : ص ٢٠٣ .

پیامبرت درود فرست و - ای خدای من -، بر پیشوایان مؤمنان درود فرست، بر حسن، حسین، علی، محمد و تا آخر یکی یکی نام می‌بری تا به صاحبت می‌رسی و می‌گویی: - خدایا! فتحی آسان را برای او فراهم آور و یاری پیروزمندانه را نصیب او فرما. خدایا! دینت و سنت پیامبرت را به دست او چنان آشکار کن که هیچ بخشی از حقیقت را به خاطر هراس از کسی، پنهان ندارد.

خدایا! ما مشتاقیم تا دولت کریمه‌ای بر سر کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن، عزیز کنی و نفاق و منافقان را با آن، ذلیل گردانی و در آن، ما را از دعوتگران به فرمان برداریات و پیش‌برندگان به راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را با آن، روزی ما کنی. خدایا! آنچه را از حق نمی‌شناسیم، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم، به ما برسان.

و خدا را برای او و بر ضد دشمنش می‌خوانی و حاجت خود را می‌خواهی و پایان سخت این باشد: خدایا! دعای ما را اجابت کن. خدایا! ما را از کسانی قرار ده که در این [روز، او را] یاد می‌کند و [در قیامت] یاد می‌شود.^۱

۴ / ۳

دعا برای امام عج در عید غدیر

۱۰۵۷. المقنعة - در دعای روز غدیر -: هنگامی که خورشید روز هجدهم ذی حجه بالا آمد، غسلی همانند غسل دو عید [فطر و قربان] او روز جمعه بکن و پاکیزه‌ترین لباس را بپوش و اگر توانستی خود را اندکی خوشبو کن و به زیر آسمان برو و مراقب خورشید باش تا چون به اندازه نیم ساعت یا همین حدود به ظهر مانده باشد، دو رکعت نماز و در هر رکعت، سوره حمد، ده مرتبه سوره توحید، ده مرتبه سوره قدر و ده مرتبه «آیه الکرسی» را بخوان و چون سلام دادی، خدای متعال را حمد کن و او را آن گونه که سزایند آن است، می‌ستایی و بر پیامبر خدا ص درود فرست و برای لعنت کردن ستمکاران به خاندان پیامبر و

وَأَشْيَاعِهِمْ، ثُمَّ ادْعُ قُلَّ: ...

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَّفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ، وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ، وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْنَا وَعَلَى عِزَّتَيْكُمَا وَعَلَى مُجِيبَيْكُمَا مِنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، بِكُمَا أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلِبَتِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ نُورِكَ، فَأَبِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُسَمَّ نُوْرَهُ.

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ امْلَأْ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^١

١٠٥٨. تهذيب الأحكام عن علي بن الحسين العبدی عن الإمام الصادق ع - في نقل دعاء بعد صلاة يوم الغدير^٢ - :... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِالَّذِي

١. وفي الإقبال: «من الدعوات في يوم الغدير، ما رويناه بإسنادنا عن الشيخ المفيد - رضوان الله عليه - : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ...» وفي البلد الأمين والكفعمي «ثم ادع أيضاً بهذا الدعاء: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ...»
٢. ورد صدر هذا الدعاء في المصادر بالشكل التالي:

تهذيب الأحكام: الحسين بن الحسن الحسيني، قال: حدثنا محمد بن موسى الهمداني، قال: حدثنا علي بن حسان الواسطي، قال: حدثنا علي بن الحسين العبدی، قال: سمعت أبا عبد الله الصادق ع يقول: ...
الإقبال: ومن الدعوات في يوم عيد الغدير ما نقلناه من كتاب محمد بن علي الطرازي أيضاً بإسناده إلى أبي الحسن عبد القاهر بن مؤمن مولانا أبي إبراهيم موسى بن جعفر وأبي جعفر محمد بن علي ع، قال: حدثنا أبو الحسن علي بن حسان الواسطي بواسط، قال: حدثني علي بن الحسن العبدی، قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه الصلاة والسلام وعفي آياته وأياته يقول: ...

پیر وانشان، با خدای متعال دعا و راز و نیاز کن. سپس دعا کن و بگو: «... ستایش ویژه خدایی که فضیلت امروز را به ما شناساند و حرمت آن را به ما فهماند و ما را با آن گرامی داشت و ما را با معرفتش شوکت داد و با نورش هدایت کرد. ای فرستاده خدا، ای امیر مؤمنان! بر شما دو تن و بر خاندان و دوستانانتان از سوی من، بهترین سلامها تا روز و شب باقی است نثاران باد. برای برآورده شدن درخواستم و قضای حوائجم و آسان شدن کارهایم، با شما به سوی خداوند، پروردگار من و شما روی می آورم.

خدایا! به حق محمد و خاندان محمد، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و هر کس که حق امروز را انکار می کند و حرمت آن را پاس نمی نهد و جلوی راه تو را برای خاموش کردن نورت می گیرد، لعنت کنی؛ که خداوند، چیز دیگری جز کامل شدن نورش را نمی پذیرد.

خدایا! گره از کار اهل بیت پیامبرت بگشای و سختی ها را از ایشان و به دست ایشان از مؤمنان برطرف کن. خدایا! زمین را به دست ایشان از عدالت پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و آنچه را به ایشان وعده داده ای به انجام رسان که تو خلف وعده نمی کنی^۱».

۱۰۵۸. تهذیب الأحکام - به نقل از علی بن حسین عبدی، در بیان دعای پس از نماز روز غدیر :- امام صادق علیه السلام فرمود: «... خدایا! به حقی که نزد ایشان نهادی و به آنچه آنان را بدان بر همه جهانیان برتری دادی، از تو می خواهم امروز که ما را در آن گرامی داشتی، بر ما مبارک گردانی و نعمت را بر ما کامل کنی و آن را برای همیشه نزد ما

۱. در الإقبال آمده است: از دعاهای روز غدیر، دعایی است که ما با اسناد خود آن را از شیخ مفید - رضوان خدا بر او - روایت کردیم: «خداوند! از تو درخواست می کنم»، و در آغاز کتاب البلد الامین و المصباح کفعمی، این گونه آمده است: «سپس این دعا را نیز بخوان: خداوند! از تو درخواست می کنم».

۲. المغنعة: ص ۲۰۴ - ۲۰۶، الإقبال: ج ۲ ص ۲۰۴ - ۲۰۶، البلد الامین: ص ۲۶۱ - ۲۶۲، المصباح کفعمی: ص ۹۰۷ - ۹۰۸، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۲۰.

فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعاً، أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ، وَأَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَتَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرّاً وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَداً، وَلَا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدِعاً؛ فَإِنَّكَ قُلْتَ: «مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدِعٌ»^١ فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدِعاً، وَارزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُ وَتَحْتَ رَايَتِهِ شُهَدَاءَ صِدِّيقِينَ فِي سَبِيلِكَ، وَعَلَى نَصْرَةِ دِينِكَ.^٢

١. إشارة إلى الآية: ٩٨ من سورة الأنعام.

٢. نقل في نسخة النزار للسفيد: ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعاً، أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا، الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالرِّقَابِ بِمَهْدِكَ الَّذِي عَهَدْتَهُ إِلَيْنَا، وَالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاقَعْتَنَا بِهِ مِنْ مَوَالِدَةِ أَوْلِيَانِكَ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ، أَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدِعاً وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً، وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَداً وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدِعاً، وَارزُقْنَا مَرِافِقَةَ وَلِيِّكَ الْهَادِي الْعَهْدِي إِلَى الْهَدْيِ، وَتَحْتَ لَوَانِهِ وَفِي زَمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ، عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ، بِرَبِّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

قرار دهی و هرگز از مانگیری و آن را موقت و امانتی نزد ما ننهی؛ که تو خود گفتی: «[باور و ایمان یا] مستقر و پابرجاست و [یا موقت و] امانتی». ^۱ پس آن را برای ما پابرجا و نه امانتی قرار بده و یاری دینت، همراه ولی هدایتگر یاری شده از میان اهل بیت پیامبرت را روزی ما کن و ما را در رکاب و زیر پرچم او شهید راستین در راهت و برای یاری دینت قرار بده» ^{۲، ۳}

۱. به آیه ۹۸ از سوره انعام، اشاره دارد.

۲. در نسخه المزار شیخ مفید این دعا چنین نقل شده است: «... خدایا! به حقی که نزد ایشان نهادی و به آنچه آنان را بدان بر جهانیان برتری دادی، از تو می‌خواهم امروز که ما را با وفا به عهدی که با تو بسته بودیم و نیز ایمان ولایت اولیایت و بیزارگی از دشمنانت که از ما گرفته بودی، گرامی داشتی، بر ما مبارک کنی و نعمتت را بر ما تمام کنی و آن را عاریتی قرار ندهی و پابرجا کنی و هیچ‌گاه آن را از ما نگیری و آن را موقت و عاریتی قرار ندهی و همراهی ولی راه‌نمای رهیافتهات به هدایت، مهدی را روزی ما کنی و ما را در رکاب و زیر پرچم او از شهیدان راستین و با بصیرت دینی قرار دهی که تو بر هر کاری توانایی».

۳. تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۴۳-۱۴۷ ح ۳۱۷، الإقبال: ج ۲ ص ۲۸۲-۲۸۸ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۰۷ ح ۲، المزار، مفید: ص ۹۰-۹۵، مصباح المتعجد: ص ۷۴۷-۷۵۱، المصباح، کفعمی: ص ۶۸۱، المبلد الأمين: ص ۲۵۹.

الفصل الرابع

الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمُهَدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

١ / ٤

الدُّعَاءُ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهُ

دُعَاءُ الْإِفْتِتَاحِ

١٠٥٩ . الإقبال^١ : مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةٍ بِإِسْنَادِهِ فَقَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو الْعَنَابِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ السَّكُونِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا بَكْرٍ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْبَغْدَادِيَّ أَنْ يُخْرِجَ إِلَيَّ أَدْعِيَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّتِي كَانَ عَمُّهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ السَّعِيدِ الْعَمْرِيُّ يَدْعُو بِهَا ، فَأَخْرَجَ إِلَيَّ دَفْتَرًا مُجَلَّدًا بِأَحْمَرَ ، فَسَخَّطُ مِنْهُ أَدْعِيَةً كَثِيرَةً ، وَكَانَ مِنْ جُمْلَتِهَا :

وَتَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِي هَذَا الشَّهْرِ تَسْمَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهِ ، وَهُوَ :

١ . لم يذكر شأن صدور هذا الدعاء في المصادر التي بين أيدينا إلا في «الإقبال»، ولكن لا يمكن الاستفادة من هذا النص بشكل صريح نسبته إلى الإمام المهدي عليه السلام، على الرغم من أن العلامة المجلسي نسبته إلى الإمام عليه السلام، حتى أنه استند إلى مفاده في بحث الإمامة.

فصل چهارم دعا برای امام مهدی علیه السلام در ماه رمضان

۱ / ۴
دعا برای امام علیه السلام در هر شب ماه

دعای افتتاح

۱۰۵۹. الإقبال^۱ - به نقل از ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سکونی -: از ابو بکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری [نایب امام زمان علیه السلام] می خوانده، برایم درآورد. پس دفتری را که جلد قرمز داشت، بیرون آورد. من دعاهای بسیاری از روی آن نوشتم و از جمله آنها این نوشته بود: و این دعا را در هر شب از ماه رمضان می خوانی که فرشتگان، دعا در این ماه را می شنوند و برای دعاکننده، آمرزش می طلبند و دعا چنین است: «خدایا! من ستودن را با ستایش تو می آغازم و تو با نعمت بخشی ات، استوارکننده راه درستی، و یقین دارم که تو رحیم ترین رحیمان در جایگاه عفو و بخششی و سختگیر ترین کیفر دهندگان در

۱. سبب صدور این دعا، تنها در الإقبال ذکر شده است؛ اما با استناد به این گفته، نمی توان آن را قاطعانه به امام مهدی علیه السلام نسبت داد، هر چند علامه مجلسی، آن را به امام نسبت داده، و در بحث امامتش به آن استناد کرده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَقَنْتُ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ العَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ المَعاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقِمَةِ...
اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ القَائِمِ المَوْمِلِ، وَالعَدْلِ المُنْتَظَرِ، وَحُفَّهٖ بِمَلَائِكَتِكَ المَقْرَبِينَ، وَأَيَّدْهُ بِرُوحِ القُدْسِ يَا رَبَّ العَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالقَائِمِ بِدِينِكَ، وَاسْتَخْلِفْهُ فِي الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الذِّينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ، وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، [وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا مُبِينًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا]١.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ؛ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَتَلَّغْنَا.

اللَّهُمَّ المُمِّ بِهِ شَعْنًا^٢، وَاشعَبَ بِهِ صَدَعْنَا^٣، وَارْتَقَ بِهِ فَتَقْنَا، وَكثُرَ بِهِ قَلْتْنَا، وَأَعِزَّنَا

١. أضيفت الزيادة من الطبعة الحجرية للمصدر والمصباح للكفعمي.

٢. الشَّعْتُ: انتشار الأمر، يقال: نَمَّ اللهُ شَعْتَكَ: أي جَسَعَ أَمْرَكَ المُنْتَشِرَ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩٥٤ «شعت»).

٣. شَعَبْتُ الشَّيْءَ: جمعته وأصلحته: أي أصْلَحَ بِهِ مَا تَشَعَّبَ مِنْهُ. وَالصَّدْعُ: الشَّقُّ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩٥٤ و

جایگاه مجازات و انتقام....

خدایا! بر ولیّ امرت، قائمی که آرزویش را می‌برند و عدلی که چشم به راهش هستند، درود فرست و گرداگرد او را با فرشتگان مقربت پُر کن و او را با روح القدس استوار بدار، ای خدای جهانیان!

خدایا! او را دعوتگر به کتابت و برپا دارنده دینت قرار بده. او را در زمین، خلیفه کن، همان گونه که پیشینیان از او را خلیفه کردی. او را بر [تحقق] همان دینش که برایش پسندیده‌ای قدرت بده. او را پس از بیم و هراسش، آسوده خاطر کن که تنها تو را می‌پرستد و هیچ چیزی را همتای تو نمی‌گیرد.

خدایا! او را عزیز کن و با او [دیگران را] عزیز کن. او را یاری بده و به دست او انتقام بگیر. او را نصرتی پیروزمند عطا کن و فتحی آشکار به دست او فراهم آور، و از جانب خودت تسلطی پیروزمند را برای او قرار بده.

خدایا! دین و سنت پیامبرت را به دست او چنان آشکار کن که چیزی از حقیقت را به خاطر هراس از کسی پنهان ندارد.

خدایا! ما مشتاقیم تا دولت کریمه‌ای بر سر کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن، عزیز گردانی و نفاق و منافقان را با آن ذلیل گردانی و در آن، ما را از دعوتگران به فرمان برداری‌ات و پیش‌برندگان به راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را با آن، روزی ما کنی.

خدایا! توفیق عمل به آنچه از حق شناخته‌ایم، به ما عنایت کن و آنچه را به آن نرسیده‌ایم، به ما برسان.

خدایا! به دست او پراکندگی مان را به اتحاد و تفرقه‌مان را به اتفاق تبدیل کن و شکافمان را با او پُر کن و کمی شمارمان را با او به فراوانی دگرگون کن و خواریمان را با او به عزت برسان و فقیرمان را با او توانگر کن و وامدارمان را با او توان پرداخت بده و فقرمان را با او جبران کن و نداشته‌هایمان را با او پر کن و دشواری‌هایمان را با

بِهِ ذَلَّتْنَا، وَأَعْنِي بِهِ عَائِلْنَا^١، وَأَقْضِي بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا^٢، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَيَبِيضْ بِهِ وُجُوهَنَا، وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا، [وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا]^٣، وَأَعْطِنَا بِهِ آمَالَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهِ عَيْظَ قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ؛ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَغَيْبَتَهُ إِمَامِنَا^٤، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا [وَقَلَّةَ عَدَدِنَا]^٥ وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرٍّ تُكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ [مِنْكَ]^٦ تُلَبِّسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

٢ / ٤

الدُّعَاءُ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ

١٠٦٠. المقنعة: بَابُ الدُّعَاءِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ وَشَرْحِهِ:

١. العائل: الفقير (النهاية: ج ٢ ص ٣٣٠ «عيل»).
٢. المَغْرَم: كثير الدين (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣١٧ «غرم»).
٣. أُضِيفَت الزِّيَادَةُ مِنَ الطَّبَعَةِ النَّحْجَرِيَّةِ لِلْمَصْدَرِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْمِيِّ.
٤. فِي الْمَصْبَاحِ لِلْكَفْمِيِّ: «وَلَيْتَنَا» بَدَلَ «إِمَامِنَا».
٥. أُضِيفَت الزِّيَادَةُ مِنَ الطَّبَعَةِ النَّحْجَرِيَّةِ لِلْمَصْدَرِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْمِيِّ.
٦. أُضِيفَت الزِّيَادَةُ مِنَ الطَّبَعَةِ النَّحْجَرِيَّةِ لِلْمَصْدَرِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْمِيِّ.

او آسان کن و سیمایمان را با او نورانی بنما و اسیران را با او آزاد کن و درخواست هایمان را با او برآورده ساز و وعده هایی که به ما داده ای، با او به انجام برسان و دعایمان را با او مستجاب کن و آنچه را خواسته ایم با او عطا کن و ما را به دست او به آرزوهای دنیایی و آخرتی مان برسان و ما را با او به آرزوهایمان برسان و بیش از رغبتمان به ما ببخش، ای بهترین درخواست شونده و گشاده دست ترین عطا کننده! سینه هایمان را با او شفا بده و خشم دل هایمان را با او از میان ببر و ما را به اذن خودت و به دست او در آن جا که حق دچار اختلاف می شود، هدایت کن؛ که تو هر کس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی، و ما را با او بر دشمنت و دشمنان ما یاری و پیروزی بده، ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از فقدان پیامبران - که درو دهایت بر او و خاندانش باد - به تو شکوه می کنیم و از غیبت امامان و فراوانی دشمنانمان و کمی شمارمان و شدت فتنه هایمان و پشت به پشت هم دادن روزگار بر ضد ما، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را بر این امر یاری ده با فتوحی که در آن تعجیل می کنی و با برطرف کردن دشواری، و نصرتی پیروزمندانه و سیطره حقی که پدیدار می نمایی و رحمتی از جانب خودت که ما را فرا می گیرد و عافیتی که بر ما می پوشانی، به رحمتت ای رحیم ترین رحیمان»^۱

۲ / ۴

دعای هر روز ماه رمضان برای امام عجل الله فرجه

۱۰۶۰. المقنعة: باب دعای هر روز ماه رمضان و شرح آن: در هر روز آن، دعا می کنی و

۱. الإقبال: ج ۱ ص ۱۲۸، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۰۸، مصباح المتعبد: ص ۵۷۷ ح ۶۹۰، انبئد التأمین: ص ۱۹۳، انصباح، کفعمی: ص ۷۷۰، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۱۶۶ ح ۱۴.

وَتَدْعُو فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ، فَتَقُولُ ١:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ... يَا أَحَدُ، يَا صَمَدُ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ، اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَإِبْرَارِ عِتْرَتِهِ، وَاقْتُلْ أَعْدَاءَهُمْ بَدْأً، وَأَحْصِهِمْ عَدْدًا، وَلَا تَدْعَ عَلَيَّ ظَهْرَ أَرْضِكَ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا.

يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ، أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، الْبَدِيءُ، الْبَدِيعُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَالِدَائِمُ غَيْرُ الْغَائِلِ، وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، أَنْتَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، أَنْتَ نَاصِرُ مُحَمَّدٍ، وَمَفْضَلُ مُحَمَّدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ، وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ، وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَى عُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

١٠٦١. المقنعة: بابُ شرحِ الصَّلَاةِ عَلَيَّ النَّبِيِّ وَالْأَئِمَّةِ ع في كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ إِلَى آخِرِهَا:

وَتَتَّبِعُ هَذَا التَّسْبِيحَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ عَلَيَّ مَا جَاءَتْ بِهِ الْآثَارُ فَتَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ٢

١. المتن الوارد في التهذيب ومصباح المتعبد يشابه ذلك الوارد في المقنعة.

ولكن نقل السيد بن طاووس في الإقبال هكذا:

أقول: وها نحن ذا نذكر ما وعدنا به من الدعاء كل يوم من شهر رمضان؛ وهو مما رويناه بإسنادنا إلى محمد يعقوب الكليني من كتاب الكافي، ومن كتاب عني بن عبد الواحد النهدي بإسنادهما إلى مولانا علي بن الحسين صفوات الله عليهما، أنه كان يدعو به. وأن مولانا محمد بن علي الباقر كان أيضاً يدعو به كل يوم من شهر رمضان. وفي بعض الروايات زيادة ونقصان. وهذا اللفظ بعضها: اللهم هذا شهر رمضان، الذي أنزلت فيه القرآن...

٢. الأحزاب: ٥٦.

می‌گویی: «خدایا! این ماه رمضان است که قرآن را در آن فرو فرستادی... ای یگانه! ای بی‌نیاز! ای خدای محمدا! امروز برای محمد و نیکان عترتش خشم بگیر و دشمنانش را دسته‌دسته به هلاکت برسان و یک‌یک آنها را به شمار آر و یک تن از آنها را بر روی زمینت باقی مگذار و هرگز آنها را نیامرز.

ای همراه نیکو! ای جانشین پیامبران! تو رحیم‌ترین رحیمانی. آغازگر! نوآفرین! کسی که چیزی همانندت نیست، جاوید بی‌غفلت، زنده بی‌مرگ و هر روز به کاری. تو یاور محمد و برتری‌دهنده محمدی. از تو می‌خواهم که وصی محمد، خلیفه محمد، قیام‌کننده به عدالت را از میان اوصیای محمد - که درودهایت بر ایشان باد - یاری دهی [و] یاریات را متوجه آنان کنی. ای خداوند بی‌همتا! به حق یگانگی و بی‌همتاییات، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را در دنیا و آخرت، همراه آنان کن و فرجام کرم را به سوی مغفرت و رحمتت قرار بده، ای رحیم‌ترین رحیمان!»^۱

۱۰۶۱. المنقعة: باب توضیح درود فرستادن بر پیامبر و امامان علیهم‌السلام در هر روز ماه رمضان از اول تا آخر آن: در پی این تسبیح، بر محمد و خاندانش - مطابق همان گونه که روایات گفته‌اند - درود می‌فرستی. پس می‌گویی: «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای مؤمنان! بر او درود فرستید و سلامی کامل و شایسته به او بدهید». آری، ای خدای من! حتماً چنین

۱. متن موجود در تهذیب الأحکام و مصباح المنهجد. شبیه متن موجود در المنقعة است؛ اما سید این طاووس در الإقبال، آن را این گونه نقل کرده است.

می‌گویم: ما دعایی را که برای هر روز ماه رمضان وعده کردیم، نقل کنیم. چنین است: آنچه با سند خود از محمد بن یعقوب کلینی در کتاب الکافی، و از کتاب عنی بن عبد الواحد نهدی، با سند هر دو به امام علی بن حسین - که صنوات خدا بر آن دو باد - روایت کرده‌ایم، این است و امام زین العابدین علیه‌السلام، آن را می‌خواند. و امام محمد بن علی باقر علیه‌السلام نیز در هر روز ماه رمضان آن را می‌خواند. در برخی روایت‌ها، کم و زیاد دارد و الفاظ برخی چنین است: «اللهم هذا شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن... خداوند! این ماه رمضان است، که در آن قرآن را فرو فرستادی...».

۲. المنقعة: ص ۲۲۲ - ۲۳۹، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۱۱ - ۱۱۴، مصباح المنهجد: ص ۶۱۰ - ۶۱۴ ح ۶۹۶، الإقبال: ج ۱ ص ۲۰۲ - ۲۰، البند الأمن: ص ۲۲۳ - ۲۲۵، المصباح، کفعمی: ص ۸۱۷ - ۸۲۱، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۰۱ - ۱۰۴ ح ۳.

لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (العسكري) إمامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ،
وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمْتَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إمامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَيْرَةِ مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي أَهْلِهِ، اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السَّرِّ
وَالْعَلَانِيَةِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ^١ وَوَتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَكُفِّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ
وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ
تَكْيَلًا.

١. في المصدر: «بذحلهم»، والتصويب من بحار الأنوار. والذحل: الوتر، وطلب المكافأة بجناية جنيت عليه
(النهاية: ج ٢ ص ١٥٥ «ذحل»).

می‌کنم. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و... خدایا! بر امام حسن عسکری، پیشوای مسلمانان، درود فرست و هر کس را با او دوستی می‌کند، دوست بدار و هر کس را با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار و عذاب ستمکار بر او را دو چندان کن. خدایا! بر جانشین پس از او، امام مسلمانان درود فرست و هر کس را با او دوستی می‌کند، دوست بدار و هر کس را با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار....

خدایا! بر برگزیدگان از نسل پیامبرت درود فرست. خدایا! خودت جانشین پیامبر میان خاندانش باش. خدایا! آنان را بر زمین مسلط کن. خدایا! ما را از شمار ایشان و در نهان و آشکار، یار و یاور آنان برای حقیقت قرار بده. خدایا! انتقام و قصاص و خون‌بهای ایشان را بستان و آزار و هراس هر گردنکش سرکشی را از ما و آنان و از هر مرد و زن باایمان و هر جنبه‌ای که تو اختیارش را به دست داری، باز دار؛ که هراس از تو بیشتر و کیفر و عقوبت تو سخت‌تر است.^۱

۱. المقننه: ص ۳۲۹. نهذب الأحكام: ج ۳ ص ۱۱۹. مصباح المسجّد: ص ۶۲۰ ح ۶۹۹. روضة القوافلین: ص ۳۵۵. الإقبال: ج ۱ ص ۲۱۲-۲۱۵. بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۰۸.

٣ / ٤

الدُّعَاءُ لَهُ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ عَشَرَ مِنْهُ

١٠٦٢. الإقبال : فصل فيما يختص باليوم الثالث عشر من دعوات غير متكررة^١ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَوِلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ، وَوِلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ، وَأَدِينُكَ يَا رَبُّ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ، أَدِينُكَ يَا رَبُّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، عَلِيٌّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ^٢ وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَلسانِكَ وَالْقَائِمِ

١. ورد بداية هذا الدعاء إني «وادفع عن وليك» في أدعية تعقيبات الصلاة الواجبة عن الصادق (ع).

الكافي : محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن سنان ، عن عبد الملك القتي ، عن إدريس أخيه ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إذا فرغت من صلاتك فقل : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ وَوِلَايَةِ رَسُولِكَ وَوِلَايَةِ الْأئِمَّةِ (عليهم السلام) مِنْ أَوْلَادِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» ، وَتَسْتَبِيهِمْ ثُمَّ قُلْ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِهِمْ وَالرَّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ ، غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَيَّ مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَيَّ حُدُودَ مَا أَنَا فِيهِ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا ، مَوْمِنٌ مَقْرٌ مَسْلَمٌ بِذَلِكَ ، رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبُّ ، أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَالتَّوَارِثَ الْآخِرَةَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ فِيهِ ، فَأَحْبِبْنِي مَا أَحْبَبْتَنِي عَلَيَّ ذَلِكَ ، وَأُتَمِّنِّي إِذَا أَمَّنْتَنِي عَلَيَّ ذَلِكَ ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيَّ ذَلِكَ ، وَإِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَابْنِي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهَا عِنْدَكَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَكَلِّمَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَحْبَبْتَنِي ، لَا أَقْلُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ ، إِنَّ النِّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي عَلَيْهَا وَأَنْتَ عَسَى رَاضٍ ، وَأَنْ تَخْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَلَا تَحْوُلْنِي عَنْهَا أَبَدًا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ» (الكافي : ج ٣ ص ٣٤٥ ح ٢٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٩ ح ٢٥٩ ، الإقبال : ج ١ ص ٢٢٨ ، فلاح السائل : ص ٣٠٥).

٢. القسم الأخير من هذا الدعاء هو جزء من دعاء الإمام الرضا (ع) وسنورده ضمن أدعية الأئمة (ع).

۳/۴

دعا برای امام عج در روز سیزدهم رمضان

۱۰۶۲. الإقبال: دعاهای ویژه روز سیزدهم و دعاهای غیر تکراری آن: ^۱ «خدایا! من به اطاعت از تو و ولایت تو گردن می‌نهم و نیز به ولایت محمد، پیامبرت و ولایت امیر مؤمنان، دوست پیامبرت، و ولایت حسن و حسین، دو نوه پیامبرت و دو سرور جوانان بهشتی‌ات، و - ای خدای من - ولایت علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و سرور و مولایم صاحب الزمان را برای تو گردن می‌نهم. ای خدای من! من به اطاعت از ایشان و ولایتشان و تسلیم در برابر آنچه با آن به ایشان برتری بخشیدی، با رضایت و مطابق آنچه در کتابت نازل کرده‌ای، در برابرت سر فرود می‌آورم بی آن که به انکار برخیزم یا گردن کشم.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست ^۲ و از ولایت دفاع کن. او که خلیفه

۱. بخش نخست این دعا در الکافی، جزو تعقیبات پس از نمازهای واجب و به نقل از امام صادق ع با تفاوت‌هایی آمده است: «خدایا! من به اطاعت و ولایت تو و ولایت پیامبرت و ولایت امامان ع از آغاز تا فرجامشان گردن می‌نهم»، و نام امامان را می‌بری و سپس می‌گویی: «خدایا! من پذیرای آیین توأم با اطاعت از تو و ولایت اهل بیت و رضایت به آنچه آنها را به آن برتری دادی. بی آن که کبر و تکبری داشته باشم، در برابر آنچه در کتابت فرو فرستادی، در همان چارچوبی که در آن برای ما آمد و آنچه نیامد، مؤمنم و اعتراف دارم و در برابر آن تسلیم هستم. پروردگارا! به آنچه تو به آن راضی هستی، من به آن راضی‌ام. توجه تو را و سرای آخرت را با آن طلبیم. با آن هراسناکم و با آن مشتاق توأم. پس تا زمانی که مرا زنده می‌داری، به آن زنده بدار، و هرگاه میراندی با آن بمیران. و هرگاه برانگیختی با آن برانگیزان. اگر در گذشته، کوتاهی از سوی من بوده، از آن به درگاه تو توبه می‌کنم، و به آنچه در نزد توست رنجبم. از تو درخواست می‌کنم که مرا از گناهانت ننگه‌داری، و تا زمانی که زنده‌ام می‌داری. یک چشم به هم زدن و کمتر و بیشتر از آن، به خودم وا مگذاری؛ چرا که نفس به بدی فرمان می‌دهد، جز آنچه تو ترختم کنی. ای مهربان‌ترین مهربانان! از تو درخواست می‌کنم که مرا در طاعت خودت ننگه‌داری تا زمانی که مرا بمیرانی، و نوا از من خشنود باشی، و عاقبتم را به خوش‌بختی ختم کنی، و هرگز از آن به چیز دیگر تغییر ندهی و هیچ نیرویی جز تو نیست».
۲. بخش پایانی این دعا، بخشی از دعای امام رضایت ع است که در ضمن دعاهای ائمه ع خواهیم آورد.

بِقِسْطِكَ، وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ وَأُذُنِكَ السَّامِعَةِ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيغُ، وَأَيُّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعْيُنُهُ وَأَعْيُنَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدَيَّ وَمَا وُلِدَا وَوُلْدِي مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ وَيَسْتَنْصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا، اللَّهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمِّمْ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَاقْصِمِ رُؤُوسَ الضَّالَّةِ حَتَّى لَا تَدَّعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيَّارًا.

١٠٦٣. الإقبال: دُعَاءُ آخِرُ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ مَجْمُوعَةِ مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ ع:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلْمَةَ جَحَدُوا آيَاتِكَ وَكَفَرُوا بِكِتَابِكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُنَكِّرْ وِلَايَةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوِلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع، وَوِلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سِبْطِي نَبِيِّكَ وَوَلَدَي رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَوِلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ مِنْ ذُرِّيَةِ الْحُسَيْنِ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَوِلَايَةَ الْقَائِمِ السَّابِقِ مِنْهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، الْمُفْتَرَضِ الطَّاعَةَ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ وَالتَّسْلِيمِ لِفَرَضِهِمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ، وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْفٍ، عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى مَوْجُودِ مَا أَنَا

و زبان تو ست و به عدالت قیام می کند و حرمت تو را بزرگ می دارد و از جانب تو سخن می گوید و به حکم تو لب می گشاید، چشم بینای تو و گوش شنوای تو و گواه بر بندگانت و حجت تو بر آفریده هایت و مجاهد در راه تو و کوشا در اطاعتت است. او را جزو امانت های خودت بر گیر که امانت تو تباه نمی شود و او را با سپاه چیره ات، استوار کن و یاری و رهایی اش ده و مرا و پدر و مادرم و فرزندان آنها و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که او را یاری می کنند و در دنیا و آخرت، از یاری او بهره می برند. تفرقه مان را با او به اتفاق تبدیل کن و شکافمان را با او پر کن. خدایا! ستم را به دست او بمیران و دشمنش را هلاک بگردان و سران گمراهی را به دست او چنان بکوب که یک تن از آنان بر روی زمین باقی نگذاری»^۱.

۱۰۶۳. الإقبال: دعایی دیگر در روز سیزدهم رمضان از مجموعه مولایمان زین العابدین عج:
 «خدایا! ستمکاران، آیات تو را انکار کردند و به کتابت کفر ورزیدند و فرستادگانت را تکذیب نمودند.... خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به رحمتت بر ما رحم کن، ای رحیم ترین رحیمان! خدایا! من به اطاعتت گردن می نهم - ای خدای من - و ولایت محمد، پیامبرت - که خدا بر او و بر اهل بیتش درود فرستد - و ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عج و ولایت حسن و حسین عج دو نوه پیامبرت و دو فرزند فرستاده ات - که بر آن دو سلام - و ولایت معصومان پاک از نسل حسین: علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی - سلام و برکات خدا بر همه ایشان باد - و نیز ولایت قائم ایشان، پیشی گیرنده به نیکی ها، واجب الإطاعة، صاحب زمان - که سلام خدا بر او باد - را انکار نمی کنیم.

ای خدای من! اطاعت از ایشان و ولایت و تسلیم در برابر امرشان را برای تو، به گردن می نهم، با رضایت و بدون انکار و گردنکشی و سر باز زدن و مطابق با آنچه

فِيهِ، رَاضِيًا مَا رَضَيْتَ بِهِ، مُسْلِمًا مُقَرَّرًا بِذَلِكَ يَا رَبِّ، رَاهِبًا لَكَ رَاجِيًا فِيمَا
لَدَيْكَ.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَوَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَالشَّاهِدِ عَلَيَّ
عِبَادِكَ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ، وَوَلِيِّكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ، وَأَعِذْهُ مِنِّي سَرًّا مَا
خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيعُ مَنْ كَانَ فِيهَا، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا
يُقَهَّرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ، وَانصُرْهُ بِنصْرِكَ الْعَزِيزِ، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اعصِمْهُ بِالسَّكِينَةِ، وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَأَعِزَّهُ وَانصُرْهُ بِنصْرِكَ الْعَزِيزِ
نصراً عَزِيزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، اللَّهُمَّ
اشعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا، وَالْمُمْ بِهِ شَعْنَنَا، وَكُثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا، وَأَعِزِّزْ بِهِ ذِلَّتَنَا،
وَاقْضِ بِهِ عَنَّا مَغْرَمَنَا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتَنَا، وَأَعِزِّزْ بِهِ فَاقَتَنَا، وَيَسِّرْ بِهِ
عُسْرَتَنَا، وَكُفِّ بِهِ وَجْهَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دُعَاءَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ
رَغْبَتِنَا، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَاهْدِنَا لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ
تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

اللَّهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَقَوِّ نَاصِرَهُ وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ نَصَبَ
لَهُ، وَأَهْلِكَ مَنْ غَشَّاهُ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْصِمِ [بِهِ] رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَسَائِرِ
أَهْلِ الْبِدْعِ وَمُقَوِّئَةِ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأُپِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ
الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، لَا تَدْرُ عَلَيَّ

در کتابت به ما رسیده و موجود است و به هر چه به آن خوشنودی، من نیز خوشنودم و در برابر آن تسلیم و معترفم و از تو بیم و به آنچه نزد توست امید دارم، ای خدای من! خدایا! از ولایت، فرزند پیامبرت، خلیفه‌ات، حجتت بر آفریده‌هایت، گواه بر بندگانت، مجاهد کوشا در اطاعتت، ولایت، و امین در زمینت دفاع کن و او را از شر آنچه آفریده‌ای و درست کرده‌ای، پناه بده و او را جزو امانت‌های خودت قرار بده که اگر کسی در پناه آن باشد، تباہ نمی‌شود، و در پناه خودت که مقهور چیزی نمی‌شود و با امانت، او را ایمن کن و در سایه حمایتت قرار بده و او را با یاری پیروزمندان یاری ده، ای خداوند! ای خدای جهانیان!

خدایا! او را با آرامش نگاه دار و زره نگه‌دارنده‌ات را به او بپوشان و او را یاری ده و او را با نصرت پیروزمندت نصرتی شکست‌ناپذیر بده و فتوحی آسان را به او عطا کن و از جانب خودت تسلطی یاری شده را برای او قرار بده.

خدایا! هر که او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هر که او را دشمن می‌دارد، دشمن بدار و هر که او را یاری می‌دهد، یاری کن و هر که او را وا می‌گذارد، وا بگذار. خدایا! اختلافمان را با او به سامان بیار و شکافمان را با او پر کن و پراکندگی مان را با او به اتحاد تبدیل کن و اندک بودنمان را با او به فراوانی دگرگون کن و خواری مان را با او به عزت مبدل کن و غرامتمان را با او ادا کن و نیازمان را با او جبران کن و جای خالی مان را با او پر کن و کمبودمان را با او برطرف کن و سختی مان را با او آسان کن و آبرویمان را با او نگاه دار و حاجتمان را با او روا کن و دعایمان را با او اجابت کن و بیشتر از خواسته‌مان را با او به ما عطا کن و سینه‌هایمان را با او شفا بده و هر جا که اختلاف شد، ما را به راه حق هدایت کن، ای خدای من! تو هر که را بخواهی به راه راست، هدایت می‌کنی.

خدایا! ستم را با او نابود کن و عدالت را با او پدیدار کن و یاورش را تقویت و واگذارنده‌اش را وا بگذار و هر که را به دشمنی با او برخاسته، نابود کن و هر که را به او خیانت کرده، هلاک کن و گردنکشان کافر را به دست او از میان ببر و سران گم‌راهی و دیگر بدعت‌گزاران و تقویت‌کنندگان باطل را به دست او درهم کوب و جباران را به دست او خوار کن و کافران، منافقان و کژروان را در شرق و غرب زمین، دریا و خشکی و کوه و

الأرض منهم دياراً، ولا تُبق لهم آثاراً، اللهم أظهِرهُ وافتح عَلِيَّ يَدِيهِ الخَيْرَاتِ،
واجعل فرَجنا مَعَهُ وبِهِ.

٤ / ٤

الدُّعَاءُ لَهُ فِي الْيَوْمِ الْخَادِي وَالْعِشْرِينَ مِنْهُ

١٠٦٤. الإقبال عن حماد بن عثمان^١: دَخَلْتُ عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لَيْلَةَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنْ
شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ لِي: «يَا حَمَّادُ، اغْتَسَلْتَ؟»

قُلْتُ: نَعَمْ، جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَدَعَا بِحَصِيرٍ، ثُمَّ قَالَ: «إِلَى إِزْقِي فَصَلِّ». فَلَمْ يَزَلْ
يُصَلِّي وَأَنَا أَصَلِّي إِلَى إِزْقِي حَتَّى فَرَعْنَا مِنْ جَمِيعِ صَلَاتِنَا، ثُمَّ أَخَذَ يَدَعُو وَأَنَا أُؤَمِّنُ
عَلَى دُعَائِهِ إِلَى أَنْ اعْتَرَضَ الْفَجْرُ، فَأَذَّنَ وَأَقَامَ وَدَعَا بَعْضَ غِلْمَانِهِ، فَقُمْنَا خَلْفَهُ
فَتَقَدَّمْ وَصَلَّى بِنَا الْغَدَاةَ، فَقَرَأَ: بِ«فَاتِحَةِ الْكِتَابِ»، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فِي
الْأُولَى، وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِ«فَاتِحَةِ الْكِتَابِ»، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّقْدِيرِ وَالتَّنَائِي عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَالصَّلَاةِ عَلَى
رَسُولِهِ ص وَالدُّعَاءِ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِنَاتِ، وَالمُسْلِمِينَ وَالمُسْلِمَاتِ الْأُولِينَ
وَالْآخِرِينَ، خَرَّ سَاجِدًا لَا أَسْمَعَ مِنْهُ إِلَّا النَّفْسَ سَاعَةً طَوِيلَةً، ثُمَّ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

١. ورد صدر هذا الحديث في الكتاب هكذا:

الإقبال: فصل فيما يختص باليوم الخادي والعشرين من دعاء غير متكرر: رواه محمد بن علي الطرازي، قال:
عن عبد الباقي بن بزاد - أيده الله - قال: أخبرني أبو عبد الله محمد بن وهبان بن محمد البصري، قال: حدثنا
أبو علي محمد بن الحسن بن جمهور، قال: حدثنا أبي، عن أبيه محمد، عن حماد بن عيسى، عن حماد بن
عثمان، قال: دخلت على أبي عبد الله ...

دشت آن، به دست او نابود فرما و یک تن از آنان را بر روی زمین زنده و اثری از ایشان باقی مگذار. خدایا! او را آشکار کن و خیرها را به دست او بگشای و گشایش کار ما را با او و به دست او قرار بده.^۱

۴ / ۴

دعا برای امام مهدی علیه السلام در روز بیست و یکم رمضان

۱۰۶۳. الإقبال - به نقل از حماد بن عثمان - : شب بیست و یکم ماه رمضان بر امام صادق علیه السلام وارد شد. به من فرمود: «ای حماد! غسل کرده‌ای؟».

گفتم: آری، فدایت شوم!

امام علیه السلام حصیری خواست و سپس فرمود: «کنار من نماز بخوان»، و امام پیوسته نماز می خواند و من هم کنار امام نماز می خواندم تا از همه نمازهایمان فارغ شدیم. سپس امام به دعا کردن آغاز کرد و من بر دعای امام، آمین می گفتم تا سپیده دمید و اذان و اقامه گفت و برخی از غلامانش را فرا خواند و ما پشت سر امام ایستادیم و امام جلو رفت و نماز صبح را با ما خواند و در رکعت اول، سوره حمد و قدر و در رکعت دوم، سوره حمد و توحید را خواند.

هنگامی که از تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای خدای متعال و صلوات بر پیامبر خدا و دعا برای همه مردان و زنان باایمان و مسلمان از اولین تا آخرین آنها فارغ شدیم، امام برای مدتی طولانی به سجده افتاد، به گونه‌ای که جز صدای نفس ایشان را نمی شنیدم. آن گاه شنیدم که می فرمود: «خدایی جز تو نیست، دگرگون کننده

۱. الإقبال: ص ۱۴۵ (چاپ دار الکتب الإسلامیة). در الإقبال صدر حدیث چنین آمده است: «فصل ویژه روز بیست و یکم و دعای غیر تکراری آن».

لا إله إلا أنت مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، لا إله إلا أنت خَالِقُ الْخَلْقِ بِلا حَاجَةٍ فِيكَ إِلَيْهِمْ، لا إله إلا أنت مُبْدِي الْخَلْقِ لا يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ، لا إله إلا أنت باعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، لا إله إلا أنت مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، لا إله إلا أنت دَيَّانُ الدِّينِ، وَجَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ.

لا إله إلا أنت مُجْرِي الْمَاءِ فِي الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، لا إله إلا أنت مُجْرِي الْمَاءِ فِي الثَّيَابِ، لا إله إلا أنت مُكُونُ طَعْمِ الثَّمَارِ، لا إله إلا أنت مُحْصِي عَدَدِ الْقَطْرِ وَمَا تَحْمِلُهُ السَّحَابُ، لا إله إلا أنت مُحْصِي عَدَدِ مَا تَجْرِي بِهِ الرِّيحُ فِي الْهَوَاءِ، لا إله إلا أنت مُحْصِي مَا فِي الْبِحَارِ مِنْ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، لا إله إلا أنت مُحْصِي مَا يَدِبُّ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَفِي أَطْبَاقِ الثَّرَى.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ، أَوْ صِدِّيقٍ، أَوْ شَهِيدٍ، أَوْ أَحَدٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيَ.

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَبَرَكَاتِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَأَنْلَتْهُمْ بِهِ فَضْلَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَسِرَاجِكَ السَّاطِعِ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاؤِكَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَنُورًا اسْتَضَاءَ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشِّرْنَا بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ وَأَنْذِرْنَا الْأَلِيمَ مِنْ عَذَابِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوهُ ذَانِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ.

دل‌ها و دیده‌هایی. خدایی جز تو نیست، آفریدگار خلقی بی آن که نیازی به آنان داشته باشی. خدایی جز تو نیست، آغازگر آفرینشی و از فرمان‌روایی تو چیزی کم نمی‌شود. خدایی جز تو نیست، برانگیزاننده خفتگان در قبرهایی. خدایی جز تو نیست، تدبیرگر کارهایی. خدایی جز تو نیست، حاکم و داور روز جزایی و درهم شکننده جبارانی. خدایی جز تو نیست، جاری کننده آب در دل تخته‌سنگ سختی. خدایی جز تو نیست، جریان دهنده آب در گیاهی. خدایی جز تو نیست، مزه دهنده به میوه‌هایی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده قطره‌های باران و بار ابرهایی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده تعداد آنچه بادها در هوا جا به جا می‌کنند هستی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده هر تر و خشکی در دریا هستی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده آنچه در تاریکی‌های دریا و در لایه‌های زیرین زمین می‌خزد هستی.

از تو می‌خواهم به آن نامت که خود را به آن نامیدی و یا تنها میان دانش‌های غیبی‌ات برای خود نگاه داشتی، و از تو به هر اسمی که فردی از مردمانت تو را به آن نامیده است، خواه پیامبر یا انسان‌های راستین و یا از گواهان [اعمال] و یا یکی از فرشتگان باشد، درخواست می‌کنم و از تو، به اسمی درخواست می‌کنم که چون با آن خوانده شوی، جواب دهی و چون درخواست شوی، عطا کنی!

و از تو به حَقِّ بر محمد و اهل بیتش - که درودها و برکاتت بر ایشان باد - و به حَقِّ آنان که خود آن را بر عهده‌ات نهاده‌ای و فضلت را با آن به ایشان رساندی، می‌خواهم که بر محمد، بنده‌ات و فرستاده‌ات، دعوتگر به سوی تو به اذنت و چراغ درخشان میان بندگانت در زمین و آسمانت درود فرستی! او را که رحمت برای جهانیان و نوری برای پرتو گرفتن مؤمنان، از آن قرار دادی و او ما را به پاداش بزرگت بشارت و به عذاب دردناکت هشدار داد.

گواهی می‌دهم که او به حق و از نزد حق آمد و پیامبران را تصدیق کرد و گواهی می‌دهم که تکذیب‌کنندگان او، چشندگان عذاب دردناک اند. از تو می‌خواهم، ای

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ، يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي، يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَسْأَلُكَ فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْقَرِ عِبَادِكَ وَسَائِلِيكَ نَصِيبًا، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَمَا لَمْ أَسْأَلُكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ، مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجٍ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ، عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ.

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَقْلِنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، يَا خَالِقِي وَيَا رَازِقِي وَيَا بَاعِثِي، وَيَا مُحْيِي عِظَامِي وَهَيَّ رَمِيمًا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فَلَمَّا فَرَعُ رَفَعُ رَأْسَهُ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَدْعُو بِفَرَجٍ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ وَأَوْلِيَائِهِ، أَوْ لَسْتَ أَنْتَ هُوَ؟

قَالَ: «لَا، ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ».

قُلْتُ: فَهَلْ لِيخْرُوجِهِ عِلَامَةٌ؟

قَالَ: «نَعَمْ، كُضُوفُ الشَّمْسِ عِنْدَ طُلُوعِهَا ثُلْثِي سَاعَةٍ مِنَ النَّهَارِ، وَخُسُوفُ الْقَمَرِ

ای الله، ای الله، ای الله! پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! ای سرور من، ای سرور من، ای سرور من! ای مولای من، ای مولای من، ای مولای من! در این بامداد از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از پُربهره‌ترین بندگان و درخواست‌کنندگان قرار دهی و با آزاد کردنم از آتش، بر من منت نهی، ای رحیم‌ترین رحیمان!

و از تو می‌خواهم به حق همه آنچه خواسته و نیز آنچه از شوکت و شکوه بزرگت نخواسته‌ام که اگر می‌دانستم، آن را می‌خواستم، بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و اجازه فرج امر کسی را بدهی که از فرج او، کار اولیا و برگزیدگان خلقت گشایش می‌یابد و ستمکاران را به دست او نابود و هلاک می‌کنی. ای خدای جهانیان! این را تعجیل بفرما و ای صاحب جلال و شکوه و اکرام! درخواستم را در همه آنچه از تو خواستم، چه در این دنیای زودگذر و چه در آخرت در پی آینده به من عطا کن.

ای که از رگ گردن به من نزدیک‌تری! لغزشم را نادیده بگیر و به جایش حاجت‌هایم را برآورده کن. ای آفریدگار من! ای روزی‌رسان من! ای برانگیزاننده من! ای زنده‌کننده استخوان‌های پوسیده من! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دعایم را مستجاب کن، ای رحیم‌ترین رحیمان!

هنگامی که سرش را بالا آورد، گفتم: فدایت شوم! شنیدم تو برای فرج امر کسی دعا می‌کنی که فرج کار برگزیدگان و اولیای خداوند در فرج کار اوست. آیا تو آن شخص نیستی؟

امام فرمود: «نه، او قائم آل محمد ع است».

گفتم: آیا برای خروج و قیام او نشانه‌ای هست؟

فرمود: «آری. گرفتن خورشید هنگام طلوعش که دو سوم روز طول می‌کشد و

[في] ثلاثٍ وعشرين^١، وفِتْنَةٌ يَصِلُ أَهْلَ مِصْرَ الْبَلَاءِ وَقَطْعُ السَّبِيلِ^٢، اِكْتَفَبِ بِمَا بَيَّنَّتْ لَكَ، وَتَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلَتِكَ وَنَهَارِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَن شَأْنٍ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَبِهِ تَحْصِينُ أَوْلِيَائِهِ وَهُمْ لَهُ خَائِفُونَ».

٥/٤

الدُّعَاءُ لَهُ فِي لَيْلَةِ الثَّالِثَةِ وَالْعِشْرِينَ

١٠٦٥. مصباح المتهجد: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عليه السلام قَالَ:

تُكْرَرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ، وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ، وَكَيْفَ مَا أَمَكَّنَكَ وَمَتَى حَضَرَ مِنْ ذَهْرِكَ. تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ عليه السلام:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ^٣ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ^٤ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَرِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا^٥ حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ^٦ فِيهَا طَوِيلًا.

١٠٦٦. الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عليه السلام، قَالَ: تُكْرَرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ، وَفِي

١. يحدث كسوف الشمس في وسط النهار عادة، لا عند طلوعها، ويقع خسوف القمر في منتصف الشهر، لا في الأسبوع الثالث والرابع، وذلك فإن هاتين الظاهرتين عجيبتان وغير عاديتين.

٢. في نسخة: «النيل» بدل «السبيل» وكذلك في بحار الأنوار.

٣. في التهذيب «الصادقين» بدل «الصالحين» وفي المصباح للكنعني «عنهم» عليه السلام.

٤. في المصباح للكنعني «محمد بن الحسن المهدي» بدل «فلان بن فلان». جدير بالذكر أنه ورد الإقبال: ج ١ ص ١٩١ «اللهم كن لوليك، القائم بأمرك، للحجة محمد بن الحسن المهدي...» راجع: ص ٢٥٢ ح ١٠٨٩.

٥. في المزار الكبير: «المليحة» بدل «الساعة».

٦. في الإقبال: «مؤيداً» بدل «عيناً».

٧. في تهذيب الأحكام «تمكنه» بدل «تمتعه».

ماه گرفتگی در شب بیست و سوم،^۱ و فتنه‌ای که اهل مصر مبتلا و گرفتار آن می‌شوند و راهشان [یا آب نیل] قطع می‌شود؛ به همین‌ها که برایت روشن کردم، بسنده کن و کار صاحبیت را شب و روز منتظر باش که خداوند، هر روز به کاری است و اشتغال به کاری، او را از کار دیگر باز نمی‌دارد. او خداوند صاحب اختیار جهانیان است و اولیایش به دست او حفظ می‌شوند و برای او بیمناک‌اند.^۲

۵/۴

دعا برای امام علیه السلام در شب بیست و سوم

۱۰۶۵. مصباح‌المتهجد - به نقل از محمد بن عیسی به سندش از صالحان [یا صادقان] علیهم السلام :-
«این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان تکرار می‌کنی، چه در حال سجود و چه قیام و چه نشسته و در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر گاه و هر زمان که برایت میسر بود.

پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله می‌گویی:
خدایا! در این لحظه [یا در این شب] و در هر لحظه دیگر، برای ولایت فلان بن فلان (حجّة بن الحسن) سرپرست و نگاهبان و راهبر و یاور و راهنما و دیده باش تا او را در زمینت که فرمان بردارش شده، جای دهی و او را در آن برای مدتی طولانی، بهره‌مند کنی.»^۳

۱۰۶۶. الکافی - به نقل از محمد بن عیسی به سندش از صالحان علیهم السلام :- «این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان تکرار می‌کنی، چه در حال سجود و چه قیام و چه نشسته و

۱. کسوف خورشید معمولاً در میانه روز و نه هنگام طلوع آن، و خسوف ماه هم در نیمه ماه و نه هفته سوم یا چهارم رخ می‌دهد. از این رو، این دو امر، شگفت‌انگیز و غیر عادی هستند.

۲. الإقبال: ج ۱ ص ۳۶۶. بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۵۷.

۳. مصباح‌المتهجد: ص ۶۳۰ ح ۷۰۹. تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۰۲ ح ۲۶۵. المیزان الکبیر: ص ۶۱۱. فلاح السائل: ص ۱۱۳ ح ۵۳. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۹۲. المصباح، کفعمی: ص ۷۷۹. بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۳۴۹.

الشَّهْرَ كُلَّهُ، وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ، وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ. تَقُولُ - بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ
 وَتَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ - : اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا، وَعَوْنًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ
 أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر گاه و هر زمان که برایت میسر بود.

پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله می گویی:
خدایا! در این لحظه و در هر لحظه دیگر، برای ولایت فلان بن فلان (حجّت بن الحسن...) سرپرست و نگاهبان و یاور و راهنما و راهبر و کمک و دیده باش تا او را در زمینت که فرمانبردارش شده، جای دهی و او را برای مدّتی طولانی، در آن بهره مند کنی.^۱

ر.ک: ص ۲۵۳ ج ۱۰۸۹.

الفصل الخامس

الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْجُمُعَةِ

١/٥

الدُّعَاءُ لَهُ عَقِبَ صَلَاةِ جَعْفَرٍ فِي الْجُمُعَةِ

١٠٦٧ . جمال الأسبوع : الدُّعَاءُ بَعْدَ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عليه السلام ، وَتُعْرَفُ بِصَلَاةِ التَّسْبِيحِ : حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ . قَالَ : حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمُهورٍ ، عَنِ أَبِيهِ . عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الْقَبَائِسِيِّ . قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام بِبَغْدَادَ وَهُوَ يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرٍ عليه السلام عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، فَلَمْ أَصِلْ خَلْفَهُ حَتَّى فَرَعُ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ، ثُمَّ قَالَ :

يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ ، وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ ، يَا مَنْ لَا يَسْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْتَارِكَ فِي عِبَادِكَ ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ ،

١ . في مصباح المتعبد : «فإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الصَّلَاةِ عَقِبْتَ بِعَدَا وَتَسَبَّحْتَ الزَّهْرَاءَ عليها السلام ثُمَّ تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ» .

فصل پنجم

دعا برای امام مهدی علیه السلام در روز جمعه

۱/۵

دعا برای او پس از نماز جعفر طیار در روز جمعه

۱۰۶۷. جمال الأسبوع: دعای پس از نماز جعفر که به نماز تسبیح شناخته می‌شود؛ ابو المفضل با سندش از حسن بن قاسم عباسی نقل کرد: در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. او هنگام بالا آمدن خورشید در روز جمعه، نماز جعفر را می‌خواند که [چون مستحبی بود] من پشت سرش نماز نخواندم تا نمازش را تمام کرد و سپس دستانش را رو به آسمان بالا برد^۱ و فرمود: «ای که زبان‌ها بر او پنهان نمی‌ماند و صداها برای او مشتبه نمی‌شود! ای که هر روز در کاری هستی! ای که اشتغال به کاری، او را از کار دیگری باز نمی‌دارد! ای تدبیرگر امور! ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست! ای زنده‌کننده استخوان‌های پوسیده!...
خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر جایگاه نورت میان بندگانت، دعوتگر به سویت با اذن، قیام‌کننده به امرت، اداکننده از جانب پیامبرت - که بر او و خاندانش سلام - درود فرست.

خدایا! چون او را آشکار کردی، آنچه را به او وعده داده‌ای، به انجام رسان و یارانش

۱. در نقل مصباح المتهجد آمده است: «هنگامی که نماز را به پایان بردی، پس از تعقیبات و تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام این دعا را می‌خوانی.»

القائم بأمرک، المؤدی عن رسولک علیه وآله السلام.

اللهم إذا أظهرته فأنجز له ما وعدته، وسق إليه أصحابه وانصره وقو ناصریه،
وبلغه أفضل أمیه، أعطیه سؤلته وجدد به عن محمد وأهل بيته بعد الذل الذي قد نزل
بهم بعد نبیک، فصاروا مقتولين مطرودين، مشردين خائفين غير آمنين، لقوا في
جنبك ابتغاء مرضاتك وطاعتك الأذى والتكذيب، فصبروا على ما أصابهم فيك،
راضين بذلك مسلمين لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد إليهم.

اللهم عجل فرج قائمهم بأمرک، وانصره وانصر به دينك الذي غير وبدل، وجدد
به ما امتحى منه وبدل بعد نبیک صلى الله عليه وآله.

٢ / ٥

الدعاء له بعد ظهر الجمعة

١٠٦٨. مصباح المتعبد: زوى جابر عن أبي جعفر عن علي بن الحسين (ع): من عمل يوم
الجمعة الدعاء بعد الظهر:

«اللهم اشتر متي نفسي الموقوفة عليك، المحبوسة لأمرک، بالجنة مع معصوم من
عترة نبیک صلى الله عليه وآله، مخزون^١ إظلامه، منسوب بولادته^٢، تملأ به
الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، ولا تجعلني ممن تقدم فمرق، أو
تأخر فمحق، واجعلني ممن لزم فالحق، واجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك.

١. في جمال الأسبوع: «مخزون».

٢. منسوب بولادته أي: كان مذكوراً بنسبه مشهوراً عند ولادته لأخبار آباءه به (ع) ولعله كان مستورا بولادته
(بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٧٠).

را به سوی او گسیل دار و یاری اش ده و یاورانش را تقویت کن و به برترین آرزویش برسان. درخواستش را به او عطا کن و به دست او محمد و اهل بیتش را بعد از خواری ای که پس از پیامبرت به ایشان رسیده و کشته و رانده و آواره و هراسان و بی‌امان شدند، تجدید حیات کن؛ آنان که به خاطر تو و در طلب رضایت و اطاعتت، آزار و تکذیب دیدند و بر آنچه به ایشان رسید، شکیب ورزیدند و به آن، راضی و در همه آنچه به ایشان رسید و می‌رسد، تسلیم تو بودند.

خدایا! فرج قائم به امرت را تعجیل بفرما و او را یاری ده و دینت را - که تغییر و تبدیل یافته - با او یاری کن و آنچه از آن را که پس از پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - محو و دگرگون شده، زنده کن.^۱

۲/۵

دعا برای اوست از ظهر جمعه

۱۰۶۸. مصباح‌المتجهّد - به نقل از جابر، از امام باقر ع، از امام زین‌العابدین ع: «از اعمال روز جمعه، این دعا پس از ظهر است: "خدایا! جانم را که وقف تو شده و تنها در پی امر توست، در برابر [جای دادن در] بهشت همراه معصومی از عترت پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - که ذخیره شده تا حق به ستم برده شده را بگیرد، از من خریداری کن. او که به ولادتش منسوب است^۲ و زمین را به دست او از عدل و داد پر می‌کنی، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است و مرا از کسانی که [از امامان] جلوتر و از دین بیرون رفتند و یا عقب ماندند و نابود شدند، قرار مده؛ بلکه از کسانی قرار بده که همراه [امامان] باقی ماندند و [به سعادت] رسیدند و مرا شهیدی سعادت‌مند و در اختیار خود قرار بده."^۳

۱. جمال‌الأسبوع: ص ۱۸۳ - ۱۸۶، مصباح‌المتجهّد: ص ۳۰۶ و ۳۰۹ ح ۴۱۷ بدون اسناد به امام ع، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۹۵ - ۱۹۸ ح ۳.

۲. همان‌گونه که علامه مجلسی ع آورده: ممکن است «منسوب»، مصحف «مستور» باشد، یعنی از هنگام ولادتش پنهان است، اما اگر نسخه درست باشد، معنایش این است که امام به دلیل وجود روایات متعدد، پیش از توند و هنگام آن، مشهور و معروف بوده است.

۳. مصباح‌المتجهّد: ص ۳۷۵ ح ۵۰۲، جمال‌الأسبوع: ص ۲۶۷، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۶۸ ح ۱۲.

٣/٥

الدُّعَاءُ لَهُ فِي خُطْبَةِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ

١٠٦٩ . الكافي^١ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام - في خُطْبَةِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ... [الْحُطْبَةِ
الثَّانِيَةَ] :-

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ...
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولِ رَبِّ
العَالَمِينَ .

ثُمَّ تَقُولُ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ثُمَّ تُسَمِّي الْأَئِمَّةَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ ، ثُمَّ تَقُولُ :

إِفْتَحْ لَهُ قِتْحاً يَسِيراً وَانصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ ، حَتَّى لَا
يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ
كَرِيمَةٍ ، تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ ، وَتُذِيلُ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى
طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ^٢ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اللَّهُمَّ مَا حَمَلْتَنَا مِنَ
الْحَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ ، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَعَلَّمْنَاهُ .

١ . هكذا ورد صدر الرواية في الكتاب :

محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد ، عن الحسين بن سعيد ، عن النضر بن سويد ، عن يحيى الحلبي ، عن يزيد
بن معاوية ، عن محمد بن مسلم ، ...

٢ . هكذا في المصدر ولكن في بعض المصادر «إلى سبيلك» راجع : تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ١١١ . مصباح
الشيعة : ص ٥٨١

دعا برای او در خطبه نماز جمعه

۱۰۶۹. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم، در خطبه دوم روز جمعه - : امام باقر ع فرمود:
«ستایش ویژه خداست. او را می ستاییم و از او یاری می جویم و از او آمرزش
می خواهیم و هدایت می طلبیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم... خدایا! بر
محمد، بنده و پیامبرت درود فرست؛ سرور فرستادگان و پیشوای تقوای پیشگان و
پیام آور خدای جهانیان».

سپس می گوئی: «خدایا! بر امیر مؤمنان و وصی پیام آور خدای جهانیان درود
فرست».

آن گاه امامان را نام می ببری تا به صاحبت می رسی و می گوئی: «برایش فتحی
آسان پیش آور و او را نصرتی شکست ناپذیر عطا بفرما. خدایا! دینت و سنت
پیامبرت را با او آشکار کن تا آن که چیزی از حق را به هراس کسی از مردم، پنهان
ندارد. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت بزرگواری روی کار بیاوردی که اسلام و
مسلمانان را با آن عزیز می کنی و نفاق و منافقان را با آن خوار می داری، و ما را از
دعوتگران به سوی فرمان برداریات و راهبران به راهت قرار می دهی و کرامت دنیا
و آخرت را روزی ما می کنی. خدایا! آنچه را از حق بر دوش ما نهاده ای، به ما
بشناسان و آنچه را به آن نرسیده ایم، به ما بیاموز»^۱.

الدُّعَاءُ لَهُ فِي قُنُوتِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ

١٠٧٠. مصباح المتهجد: رَوَى ابْنُ مِقَاتِلٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاءُ (ع): أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ فِي قُنُوتِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ؟ قُلْتُ: مَا تَقُولُ النَّاسُ، قَالَ: لَا تَقُلْ كَمَا يَقُولُونَ وَلَكِنْ قُلْ: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيقَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ، وَحُقِّقْ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَيُّدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَخِي مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَرَيْكَ سُلْطَانًا، وَائْذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

١٠٧١. كتاب من لا يحضره الفقيه^١: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): الْقُنُوتُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ تَمْجِيدُ (اللَّهِ) وَالصَّلَاةُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ، وَكَلِمَاتُ الْفَرَجِ، ثُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ^٢، وَالْقُنُوتُ فِي الْوَتْرِ كَقُنُوتِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ تَقُولُ قَبْلَ دُعَائِكَ لِنَفْسِكَ:

اللَّهُمَّ تَمِّمْ نُورَكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَّمْتَ حِلْمَكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَجِهْتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ، وَعَظَمْتَنِيكَ أَفْضَلُ الْعَطِيَّاتِ وَأَهْنَأُهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ نَسِيتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضَّرَّ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، لَا يَجْزِي

١. جاء صدر هذه الرواية في الأمالي للصدوق بسلسلة سنديّة كاملة:

الأمالي للصدوق: وبهذا الإسناد | حدّثنا أبي (رضي الله عنه)، قال: حدّثنا علي بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن حماد بن عيسى، عن حرير بن عبد الله، عن زرارة بن أعين، قال: قال أبو جعفر الباقر (ع): القنوت في الوتر كقنوتك يوم الجمعة، تقول في دعاء القنوت: اللهم تمّ نورك فهديت ...

٢. لعلّ عبارة «ثمّ هذا الدعاء» من كلام المؤلف - رحمه الله - والإشارة إلى الدعاء المنقول عن النبي (صلى الله عليه وآله) في الكتاب.

دعا برای او در قنوت نماز جمعه

۱۰۷۰. مصباح المتعبد - به نقل از ابن مقاتل - امام رضا عج فرمود: «در قنوت نماز جمعه چه چیزی می‌گویید؟».

گفتم: آنچه را مردم می‌گویند.

فرمود: «آنچه می‌گویند، تو نگو، بلکه بگو: خدایا! بنده‌ات و خلیفه‌ات را با آنچه پیامبران و فرستادگانت را به سامان آوردی، به سامان بیاور و گرداگرد او را با فرشتگانت پُر کن و او را با روح القدس، از جانب خودت تأیید بفرما و نگهبانانی در راهش از پیش رو و پشت سرش بگمار تا او را از هر بدی حفظ کنند و پس از بیمناکی‌اش، او را آسوده‌خاطر کن؛ او که تو را می‌پرستد و چیزی را همتای تو نمی‌کند. و هیچ کس از مردمت را بر ولایت چیره نکن و اجازه جهاد با دشمنت و دشمن او را به او بده و مرا از یاران او قرار بده که تو بر هر کاری توانایی».^۱

۱۰۷۱. کتاب من لا یحضره الفقیه؛ امام باقر عج فرمود: «قنوت در روز جمعه، مشتمل بر حمد و ثنای خدا و درود بر پیامبر خدا و کلمات فرج و سپس این دعاست.^۲ و قنوت در نماز وتر، مانند قنوت در روز جمعه است. سپس پیش از دعا برای خودت می‌گویی: خدایا! نورت کامل شد و ره نمودی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! و دستت را گشودی و عطا کردی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! و بردباری‌ات بزرگ بود و عفو کردی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! روی تو، کریم‌ترین روی‌ها و سمت تو بهترین سمت و عطیه تو، برترین و گواراترین عطیه است. خدای ما! چون اطاعت شوی، قدردانی می‌کنی و چون نافرمانی شوی، هر که را بخواهی می‌آمیزی؛ گرفتار را اجابت می‌کنی و دشواری را برطرف می‌سازی؛ بیمار را شفا می‌دهی و از اندوه بزرگ می‌رهانی. هیچ کس نمی‌تواند نعمت‌هایت را جزا دهد و گرفتار هیچ گوینده‌ای، نعمت‌های

۱. مصباح المتعبد: ص ۳۶۶ ح ۴۹۴، جمال الأسبوع: ص ۲۵۶، بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۲۵۱.

۲. شاید عبارت «سپس این دعا» گفته مؤلف کتاب (شیخ صدوق) باشد که اشاره به دعای پیشین در کتاب خویش کرده است.

بِأَلَايِكَ أَحَدٌ، وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ، وَثُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي،
وَدُعِيَتِ بِاللُّسُنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَافْتَحْ
بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ
الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، فَارْجُ ذَلِكَ يَا رَبُّ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ
مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ عَدْلِ تَظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ثُمَّ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ - سَبْعِينَ مَرَّةً - وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ
كَثِيرًا.

٥/٥

الدَّعَاءُ لَهُ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

١٠٧٢. مصباح المتهجد: رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) : أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) بَعْدَ

العصرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا (ص) كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

١. ورد صدر هذا الدعاء في مصادر أخرى وهي كالآتي:

جمال الأسبوع: رويت هذه الصلاة بإسنادي إلى أبي العباس أحمد بن عقدة، من كتابه الذي صنّفه في مشايخ

الشيعة فقال: أنبأنا محمد بن عبد الله بن مهران، قال: حدّثني أبي، عن أبيه: أن أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع)

دفع إلى محمد بن الأشعث كتاباً، فيه دعاء، والصلاة على النبي (ص)، دفعه جعفر بن محمد بن الأشعث إلى ابنه

مهران وكانت الصلاة على النبي (ص) التي فيه:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا (ص) كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ...

تو را نمی توان به شمار آورد.

خدایا! به سوی تو [و نه دیگری] دیده ها دوخته شده و گام ها جا به جا شده و گردن ها کشیده شده و دست ها بالا آمده است. با زبان ها خوانده شده ای و راز و نیازشان در کارها با توست. خدای ما! ما را پیامرز و بر ما رحم آور و [گره] میان ما و قوممان را به حق بگشای؛ که تو بهترین گشاینده ای.

خدایا! از غایب شدن پیامبران از میان ما و سختگیری روزگار بر ما و رخ دادن فتنه ها برای ما و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضد ما و فراوانی دشمنانمان و کمی شمارمان، به تو شکایت می کنیم. ای خدای من! با فتوحی سریع و از جانب خودت و یاری پیروزمندان و پیشوای عادل که آشکارش می کنی، گشایشی در این وضعیت بده، ای خدای حق، خدای جهانیان!

سپس هفتاد مرتبه می گویی: از خداوند، پروردگارم آمرزش می خواهم و به سوی او باز می گردم. و از آتش فراوان به خداوند پناه می بری.^۱

۵ / ۵

دعا برای او پس از عصر روز جمعه

۱۰۷۲. مصباح المتعجب: از امام صادق عج روایت شده که: «مستحب است پس از نماز عصر روز جمعه، با این صلوات، بر پیامبر خدا درود فرستاده شود:^۲

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۴۸۷ ح ۱۴۰۴، الامالی، صدوق: ص ۴۷۴ ح ۶۳۹، مصباح المتعجب: ص ۳۶۶ ح ۴۹۲، الامالی، طوسی: ص ۴۳۲ ح ۹۷۱، جمال الأسبوع: ص ۲۵۷، معارج الأنوار: ج ۸۷ ص ۱۹۸ ح ۶.

۲. آغاز این دعا در منابع دیگر این چنین است:

«این نماز را من از کتاب ابوالعباس احمد بن عقده نقل می کنم که آن را در باره بزرگان شیعه نگاشته و گفته است: محمد بن عبدالله بن مهران، برزی ما روایت کرده که: پدرم از پدرش برایم نقل کرد که: امام صادق عج به محمد بن اشعث نوشته ای داد که در آن دعا و صلوات بر پیامبر عج بود. جعفر بن محمد بن اشعث آن را به پسرش مهران سپرد. و صلوات بر پیامبر در آن این گونه بود: «اللَّهُمَّ اِنَّ مُحَمَّدًا كَمَا وَصَفْتَهُ فِی كِتَابِكَ ... : خداوند! محمد آن گونه که تو در کتابت او را تعریف کرده ای ...» (ر. ک: جمال الأسبوع: ص ۲۸۸).

وَعَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، الْأَوْلَىٰ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ قَوْعِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً،
وَانصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ
مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.

خدایا! محمد ص همان گونه [است] که در کتابت او را توصیف کرده‌ای....
خدایا! بر محمد و خاندان محمد و امامان مسلمانان، از اوّل تا آخر آنان درود
فرست.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر پیشوای مسلمانان [صاحب الزمان عج]
درود فرست و او را از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و پایینش حفظ کن و
فتوحی آسان برایش پیش بیاور و نصرتی پیروزمند را به او برسان و تسلطی یاری
شده از جانب خودت را برای او قرار بده. خدایا! در فرج آل محمد، تعجیل بفرما و
دشمنان آنان را از جنّ و انسان، هلاک بگردان.^۱

۱. مصباح التمهید: ص ۳۸۷ - ص ۳۹۲ ح ۵۱۷، جمال الأسبوع: ص ۲۸۸ - ۲۹۳، البند الأمين: ص ۷۲ - ۷۵،
المصباح، کفعمی: ص ۵۶۵ - ۵۷۰، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۸۲.

الفصل السادس

الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَائِرِ الْأَوْقَاتِ

١ / ٦

الدُّعَاءُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

١٠٧٣ . مصباح المتعبد : وفي هذه الليلة النصف من شعبان أو ولد الحجة الصالح صاحب الأمر عليه السلام ، ويُستحبُّ أن يُدعى فيها بهذا الدعاء :

اللَّهُمَّ ! بِحَقِّ لَيْلَتِنَا وَمَوْلُودِهَا ، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا ، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلَكَ ، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ، لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ ، نوركِ الْمُتَأَلِّقِ وَضِيأُوكِ الْمُشْرِقِ ، وَالْعَلْمُ التَّوْرُ فِي طُخْيَاءِ الدَّيْجُورِ ، الْغَائِبِ الْمَسْتَوْرِ ، جَلُّ مَوْلِدُهُ وَكَرَمُ مَحْتِدُهُ^٢ ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاةٌ ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو ، وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو ، وَدُو الْجِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو ، مَدَارُ الذَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزَلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَّةٌ ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ .

١ . الطُّخْيَاءُ : ظُلْمَةُ اللَّيْلِ (لسان العرب : ج ١٥ ص ٥ «طخأ»).

٢ . الْمُحْتِدُ : الْأَصْلُ ؛ يُقَالُ : فُلَانٌ مِنْ مُحْتِدٍ صَدَقٍ (الصحاح : ج ٢ ص ٢٦٢ «حتد»).

فصل ششم

دعا برای امام مهدی علیه السلام در وقت نایم دگر

۱۱۶

دعا برای او در شب نیمه شعبان

۱۰۷۳ . مصباح المتهجد: و در این شب نیمه شعبان، حجت صالح، صاحب الأمر، متولد شد و

خواندن این دعا در این شب مستحب است:

خدایا! به حق شب ما و مولودش و حجت تو و موعودش، شبی که فضل خودت را با فضل آن همراه کردی و کلمه تو، به راستی و عدالت کامل شد که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست و رد کننده‌ای برای نشانه‌های تو نباشد. او نور درخشان تو و پرتو نورافشان توست. او پرچم برافراشته نور در شب تاریک [ستم] است. او غایب پوشیده است. ولادتگاهش جلیل و اصلش کریم است و فرشتگان، گواهان اویند و به گاه سر رسیدن وعده‌اش، خداوند، یاور و مؤید او و فرشتگان، امداد رسانان اویند. او شمشیر بُرّان خداست که کُند نمی شود و نور درخشان اوست که خاموش نمی شود. بردباری است که بی صبری نمی کند. او مدار [چرخش] روزگار و ناموس های زمان و [جزو] والیان امر است؛ آنان که آنچه در شب قدر نازل می شود، برایشان فرود می آید؛ اصحاب روز قیامت و رستاخیز؛ مترجمان وحی خدا و صاحب اختیاران امر و نهی او.

اللَّهُمَّ ا فَصِّلْ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتَوِرِ عَنِ عَوَالِمِهِمْ . وَأَدْرِكَ بِنَا أَيَّامَهُ
وظُهُورَهُ وِقِيَامَهُ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ ، وَاقْرُنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ ، وَاکْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ
وَحُلَصَائِهِ ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ ، وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ ، وَمِنْ الشُّوءِ
سَالِمِينَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ! وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترَتِهِ النَّاطِقِينَ ، وَالْعَن جَمِيعَ
الظَّالِمِينَ ، وَاحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ .

٢ / ٦

الدُّعَاءُ لَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ

١٠٧٢ . الصحيفة السجادية - مِنْ دُعَائِهِ ع يَوْمَ عَرَفَةَ :- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... رَبِّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ ،
وَحَفَظَةَ دِينِكَ ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ
وَالدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ .

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ
الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَائِلِكَ ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَقَوَائِدِكَ .

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا ، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا ، وَلَا نِهَايَةَ
لِآخِرِهَا .

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ ، وَمِلاءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ ، وَعَدَدَ
أَرْضِكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى ، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى .

خدایا! بر خاتم آنان و قائم پنهان از دنیای آنان درود فرست و ما را به روزگار و ظهور و قیام او برسان و ما را از یاوران او قرار بده و خونخواهی ما را با خونخواهی او همراه کن و ما را از زمره یاران و خالصان وی قرار بده و ما را در دولت او نعمت بخش و از همدمی با او بهره‌مندمان کن و ما را قیام‌کننده برای حق او و از بدی‌ها رهیده قرار بده، ای رحیم‌ترین رحیمان! و ستایش، ویژه خدای جهانیان است و خدا بر محمد، خاتم پیامبران و فرستادگان و بر اهل بیت صادق و عترت ناطق او درود فرست، و همه ستمکاران را لعن کن و تو میان ما و ایشان حکم بران، ای حاکم‌ترین حاکمان!

۲/۶

دعا برای او در روز عرفه

۱۰۷۲. صحیفه سجّادیه - از دعا‌های امام سجّاد در روز عرفه :- «ستایش، ویژه خداوند است... خدای من! بر محمد و خاندانش درود فرست... خدای من! بر پاکان اهل بیتش درود فرست؛ آنان که برای امرت برگزیدی و ایشان را خازنان علمت و حافظان دینت و جانشینان در زمینت و حجت‌های بر بندگانت قرار دادی و آنان را با اراده‌ات از آلودگی و ناپاکی، پاکیزه کردی و وسیله و راه‌گذر به بهشت قرارشان دادی. خدایا! بر محمد و خاندانش درودی فرست که بخشش و کرامتت بر آنها را افزون و عطاها و افزوده‌هایت به ایشان را کامل و بهره از صلدها و فایده‌هایت را برایشان فراوان کند.

خدایا! بر او و ایشان (محمد و خاندانش) درودی فرست که آغاز و انجامش ناپیدا و پایانی نداشته باشد.

خدایا! درودی به وزن عرش و هر چه پایین‌تر از آن است و به اندازه آسمان‌هایت و هر چه بالاتر از آنهاست و به شمار زمین‌هایت و آنچه زیر آنها و نیز آنچه میان اینهاست تا آنان را به نزدیکی تو برساند و مایه خشنودی تو و ایشان شود، و این درودها پیوسته و

۱. مصباح المتجّد: ص ۸۴۲ ح ۹۰۸، المزار الکبیر: ص ۴۱۰، الإقبال: ج ۳ ص ۲۳۰، تلبند الأملین: ص ۱۸۷، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۴.

وَمُصَلَّةٌ بِنُظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ
أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ،
وَخَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ
وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ،
وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِرُؤُوسِكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزُهُ، وَقَوِّ عَضُدَهُ،
وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَامُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِمِ بِهِ
كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَحْيِي بِهِ مَا
أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَأَ الْجَوْرِ عَن طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ
مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَن صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَسْدِكَ عِوَجًا، وَأَلِنْ
جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَانِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ،
وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاةٍ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ

١. الضراء - بتشديد الراء -: المضرة والشدة، أي اقطع به أو أبعد به الشدة الواقعة في سبيلك بسبب تغلب أرباب
النظم والجور وعدم تمكن الإمام من هداية عامة الخلق إلى سلوكها والدلالة عليها، أو المراد الشدة التي تلحق
سالكها من أهل الجور والعدوان. ويوجد في كثير من النسخ: «وابن به الضراء» بتخفيف الراء والمد على وزن
شباب. قال في القاموس: الضراء: الاستخفاء والشجر الملتف في الوادي. وفي الصحاح: فلان يمشي الضراء،
إذا مشى مستخفياً فيما يوازي من الشجر. وعلى هذا فيجوز أن يكون قوله: ابن من الإبانة بمعنى الكشف
والإيضاح. والمعنى أكشف به ما وقع في سبيلك من الاستخفاء، حتى تبين وتضح، وإن حملته على معنى الشجر
الملتف مجازاً عما وقع في سبيله تعالى من التأريلات الباطلة والآراء الزائفة والبدع المحرمة فالإبانة بمعنى
القطع والإبعاد أرباب السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين عجله: ج ٦ ص ٤٠٥.

جاویدان بپاید.

خدایا! تو دینت را در هر زمان با امامی که او را نشانه برافراشته‌ای برای بندگانت و نشان پرتوافشانی در سرزمین‌هایت قرار دادی و استوار نموده‌ای. پس از آن که رشته او را به رشته خود متصل و او را وسیله‌ای برای دستیابی به رضوانت کرده‌ای، اطاعتش را واجب و از نافرمانی‌اش برحذر داشته‌ای و به اجرای فرمان‌هایش، و باز ایستادن به گناه بازداشتنش، فرمان داده‌ای و نیز از این که کسی از او پیش افتد و یا پس بنشیند؛ که او مایه حفظ پناهجویان، پناه مؤمنان و دستاویز چنگ زندگان [به رشته استوار الهی] و شکوه دل‌انگیز جهانیان است.

خدایا! سپاس‌گزاری از نعمت داده شده به ولایت را به او و مانند آن را به ما الهام کن و یاری پیروزمندانه‌ای را از نزد خودت به او عطا کن و فتحی آسان را نصیب او بگردان و او را با نیروی شکست‌ناپذیرت یاری ده و پشتش را محکم بدار و او را تقویت کن و تحت مراقبت خود بگیر و او را با حفاظت حمایت کن و با فرشتگانت یاری‌اش کن و با لشکریان چیره‌ات یاری‌اش برسان و به دست او کتاب، حدود، آیین‌ها و نیز سنت‌های پیامبرت - که درودهای ای خدا بر او و خاندانش باد - را بر پا دار و به دست او آنچه را ستمکاران از نشانه‌های دینت میرانده‌اند، زنده کن و با او زنگار ستم را از راهت پاک گردان، و با او ناهمواری‌ها و پستی و بلندی‌های راهت را هموار نما و منحرفان از راهت را کنار بزن، و به دست او آنان را که در پی کج کردن راه راست هستند، نابود بفرما و او را برای اولیایت نرم و بر دشمنانت چیره بگردان و رأفت، رحمت، توجه و مهربانی او را به ما عطا کن و ما را گوش به فرمان و مطیع او، کوشا در پی خشنودی، یاری، حمایت و محافظت از او قرار بده به گونه‌ای که با اینها در پی تقرب به تو و پیامبرت - که درودهای ای خدا بر او و خاندانش باد - باشیم.

خدایا! درودهای مبارک، پاکیزه و بالنده‌ات را هر صبح و شام بر اولیایشان،

مُكِنِّينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ - صَلَّوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ .
 اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ
 آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ،
 الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ
 أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ
 وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤُونَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ،
 إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

١٠٧٥ . مصباح المتهجد : دُعَاءُ الْمَوْقِفِ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) : ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ
 بِالْحَقِّ وَيَبْغِدُونَ، وَانصُرْهُمْ وَانْتَصِرْ بِهِمْ وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ، وَبَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي كُلَّ هَوْلٍ دُونَهُ، ثُمَّ اقْسِمِ اللَّهُمَّ لِي فِيهِمْ نَصِيباً خَالِصاً، يَا مُقَدِّرَ الْأَجَالِ،
 يَا مُقَسِّمَ الْأَرْزَاقِ، افْسَحْ لِي فِي عُمْرِي وَابْسُطْ لِي فِي رِزْقِي .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَاسْتَصْلِحْهُ، وَأَصْلِحْ عَلَى
 يَدَيْهِ وَآمِنْ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِإِدِينِكَ، اللَّهُمَّ امْلَأْ
 الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَآمِنْ بِهِ عَلَى قُرَاءِ الْمُسْلِمِينَ
 وَأَرَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيَعَتِهِ؛ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَأَطْوَعِهِمْ
 لَهُ طَوْعًا، وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ، وَأَسْرِعِهِمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ، وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ، وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ،
 وَارزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ .

پذیرندگان منزلتشان، پیروان راهشان، گام گذارندگان بر جای پایشان، چنگ زندگان به دستگیره ولایتشان، آنان که امامشان را پذیرفته و در برابر فرمانشان سرسپرده و در اطاعتشان کوشنده و به انتظار روزگار [حکومت] ایشان بنشسته و چشم به ایشان دوخته، بفرست و بر ایشان و جان‌هایشان سلام بده و کارشان را بر تقوا فراهم و امورشان را به سامان آور و به آنان بازگرد که تو بازگردنده، مهربان و بهترین آمرزشگری، و ما را در سرای سلامت، با ایشان همراه کن، به رحمت ای رحیم‌ترین رحیمان! ^۱.

۱۰۷۵. مصباح‌المتجهّد - دعای موقف [عرفات] از علی بن الحسین علیه السلام - : «... خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گره از کار خاندان محمد بگشای و آنان را امامانی قرار بده که به حق، ره می‌نمایند، و به سوی آن می‌روند، و آنان را یاری کن و به دست ایشان انتقام بگیر و آنچه را به ایشان وعده داده‌ای، به انجام برسان و مرا به فتح خاندان محمد برسان و در این راه، از هر هول [و بلایی] کفایت کن. آن گاه خدایا! برای من بهره‌ای خالص میان ایشان قرار بده، ای اندازه‌دهنده اجل‌ها! ای قسمت‌کننده روزی‌ها! عمرم را دراز و روزی‌ام را فراخ کن.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امام ما را برای ما و اوضاع را برای او به سامان بیاور و به دست او اصلاح کن، و بیم خودش و ما را بر او به آسودگی تبدیل کن. خدایا! او را کسی قرار ده که دینت را با او یاری می‌دهی. خدایا! زمین را با او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و با او بر فقیران و بیوه‌زنان و بینوایان مسلمان، منت بگذار و مرا از گزیدگان وابسته و پیروان او که بیشترین محبت را به او دارند و مطیع‌ترین‌اند و بهترین فرمان‌برداری را دارند و در پی رضایت او سریع‌ترین‌اند و بیشترین پذیرش سخن او را دارند و بیش از بقیه به کار او قیام می‌کنند، قرار بده، و شهادت در پیش روی او را روزی‌ام کن تا تو را در حالی دیدار کنم که از من خوشنودی ^۲.

۱. الصحیفة السجّادة: ص ۱۸۵ - ۱۹۰، دعای ۴۷، الإقبال: ج ۲ ص ۸۷ و ۹۱، المصباح، کفعمی: ص ۸۸۶ - ۸۹۰.

۲. مصباح‌المتجهّد: ص ۶۹۷ ح ۷۷۱، الإقبال: ج ۲ ص ۱۱۰، العزّار، مفید: ص ۱۶۳، العزّار الکبیر: ص ۴۵۶ (هر دو بدون اسناد به امام علیه السلام). بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۳۴.

٣ / ٦

الدُّعَاءُ لَهُ يَوْمَ رَحْوِ الْأَرْضِ

١٠٧٦. مصباح المتهجد - في عمَلِ الْيَوْمِ الْخَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ -: يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى فِي هَذَا الْيَوْمِ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ دَاحِيِ الْكَعْبَةِ، وَفَالِقِ الْحَبَّةِ، وَصَارِفِ اللَّزْبَةِ^١، وَكَاشِفِ الْكُرْبَةِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أُعْظِمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا، وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعةً، وَإِلَيْكَ ذَرِيعَةً، وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

اللَّهُمَّ وَالْعَنِ جَبَابِرَةَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَبِحَقُوقِ أَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ، اللَّهُمَّ وَأَقْصِمِ دَعَائِمَهُمْ، وَأَهْلِكِ أَسْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ، وَأَسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَنِ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ.

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ، وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ، وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْهُ لِيَدَيْكَ مُنْتَصِراً، وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِراً، اللَّهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ، وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مُنْتَقِماً لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضاً، وَيَمْحَضُ الْحَقُّ مَحْضاً^٢، وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأَسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِيهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ. اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهَدْنَا أَيَّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَعَلَيْهِ السَّلَامُ، - وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ - وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

١. اللَّزْبَةُ: الشِّدَّةُ وَالْقَطْعُ (المصباح: ج ١ ص ٢١٩ «الزَّب»).

٢. فِي الْإِقْبَالِ: «وَيَمْحَضُ الْحَقُّ مَحْضاً».

۳/۶

دعا برای او در روز دحو الارض (گسترده شدن زمین)

۱۰۷۶ . مصباح المنتهجد . در عمل روزیست و پنجم ذی قعدة :- مستحب است که در این روز، این دعا را بخوانند:

«خدایا! ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و دور کننده قحطی و برطرف کننده سختی! در این روز که حقشان را بزرگ داشتی و آنها را پیش تر مقدم داشتی و نزد مؤمنان به ودیعت گذاشتی و وسیله‌ای به سوی تو و رحمت گسترده‌ات قرار دادی، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی....»

خدایا! به حق اولیایت که ویژه خود ساخته‌ای، جباران را از اول تا آخرشان لعنت کن. خدایا! پایه‌های آنان را درهم بکوب و پیروان و کارگزارشان را هلاک کن و هلاکشان را تسریع کن و مملکت‌هایشان را از آنان بگیر و راه‌هایشان را بر آنان تنگ کن و همکار و شریکشان را لعنت کن. خدایا! فرج اولیایت را تعجیل بفرما و آنچه را به ستم از ایشان برده‌اند، به آنان بازگردان و قائمشان را به حق، ظاهر کن و او را یاور دینت و در کار [هلاکت] دشمنانت، مجری فرمانت قرار بده. خدایا! گرداگرد او را با فرشتگان امداد رسان فرا بگیر و نیز با آنچه از امر در شب قدر به او القا می‌کنی، تا انتقام تو را بستاند و خشنود شوی، و دینت به وسیله و دست او تازه و نو، و حق، ناب و بی آمیغ و باطل، از بیخ و بن برافکنده شود.

خدایا! بر او و همه پدرانش درود فرست و ما را از همراهان و گروه او قرار بده و ما را در بازگشتش برانگیز تا در روزگار او از یارانش باشیم. خدایا! ما را به قیام او برسان و در روزگارش حاضر کن و بر او درود فرست. بر او سلام باد و سلام او را به ما بازگردان، و رحمت و برکات خدا بر او باد!^۱

۱. مصباح المنتهجد: ص ۶۶۹-۷۳۲، الإقبال: ج ۲ ص ۲۷، البلد الامن: ص ۲۴۳، المصباح، کفعمی: ص ۸۷۰.

٤/٦

الدُّعَاءُ لَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ

١٠٧٧. المزار الكبير عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق ع - فِي الدُّعَاءِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ -^١

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَعَبَدُوا عَصِيْرَكَ،
وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ مُحِبًّا وَمَنْ أَوْضَعَ^٢ مَعَهُمْ،
أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ، لَعْنَا كَثِيرًا. اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةَ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ
فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتِّحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.
ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ وَاقْنُتْ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَقُلْ وَأَنْتَ تُوَسِّئُ إِلَى أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ع:
اللَّهُمَّ، إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ.

١. هكذا ورد صدر الدعاء في الكتاب:

المزار الكبير: زيارة أبي عبد الله الحسين ع في يوم عاشوراء: أخبرنا الشيخ الفقيه العالم عماد الدين محمد بن أبي القاسم الطبري، قراءة عليه وأنا أسمع، في شهر سنة ثلاث وخمسين وخمسة بمشهد مولانا أمير المؤمنين صلوات الله عليه، عن الشيخ المفيد أبي علي الحسن بن محمد، عن والده الشيخ أبي جعفر رضي الله عنه، عن الشيخ المفيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، عن ابن قنويه وأبي جعفر بن بابويه، عن محمد بن يعقوب الكليني، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، قال: دخلت على سيدي أبي عبد الله جعفر بن محمد ع في يوم عاشوراء، فألقيته كأسف اللون، فظاهر الحزن، ودموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط، فقلت: يا بن رسول الله، مم بكاؤك لا أبكي الله عينيك؟ فقال لي: أو في غفلة أنت، أما علمت أن الحسين بن علي ع قتل في مثل هذا اليوم... (ثم ذكر في توصيفه وصلاته، ثم قال): فإذا فرغت من سعيك وفعلك هذا، فقف في موضعك الذي صليت فيه. ثم قل: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ...

٢. أَوْضَعَتْهُ فِي الْأَمْرِ: إِذَا وَاقَفْتَهُ فِيهِ عَلَى شَيْءٍ، (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٩٧ «وضع»). وفي بحار الأنوار ج ٣٢ ص ٢٠٩: أَوْضَعَ أَي زَكَّضَ دَائِبَتَهُ وَأَسْرَعَ.

دعا برای او در روز عاشورا

۱۰۷۷. المزار الکبیر - به نقل از عبد الله بن سنان - : امام صادق علیه السلام در دعای روز عاشورا^۱ فرمود - : «خدایا! تبهکاران را عذاب کن؛ آنان که با پیامبرت دشمنی کردند و با اولیایت جنگیدند و غیر تو را پرستیدند و حرام‌هایت را حلال شمردند، و رهبران و پیروان و محبان و موافقان [و همراهان] و خشنودان به کارشان را فراوان لعنت کن. خدایا! در فرج خاندان محمد تعجیل بفرما و در ودهایت را بر او و بر ایشان بفرست و آنان را از دست منافقان گمراه و کافران منکر برهان و فتحی آسان برایشان پیش آور و آسودگی و گشایشی نزدیک را برایشان فراهم کن و تسلطی یاری شده از جانب خود برای ایشان قرار بده.

سپس دستانت را بالا می‌بری و این دعا را در قنوت و در حالی که به دشمنان خاندان محمد اشاره می‌کنی می‌خوانی:

خدایا! بسیاری از امت، به دشمنی با امامان ننگه دارنده [ای دین] برخاسته و به کلمه [ای توحید و امامت] کفر ورزیده و به زمامداران ستمکار روی آورده و کتاب و

۱. المزار الکبیر سندش را به عبد الله بن سنان ذکر کرده و پیش از نقل متن دعا از زبان او چنین آورده است: در روز عاشورا بر سرورم امام صادق علیه السلام در آمدم. او را رنگ پریده و اندوهگین دیدم. در حالی که اشک‌هایش مانند دانه‌های مروارید از چشمانش می‌ریخت. گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! از چه رو می‌گریی؟ خداوند چشانت را گریبان نکند! به من فرمود: «آیا غافل؟! آیا نمی‌دانی که حسین بن علی علیه السلام در چنین روزی کشته شد؟ (سپس کیفیت کارهای آن روز و نمازش را ذکر کرد و فرمود:) هنگامی که از تلاش و این کارهایت فارغ شدی، در همان جا که نماز خوانده‌ای بایست و بگو: خدایا! تبهکاران را عذاب کن...».

وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلْمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ
أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا، فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتِ عَنِ الْقَصْدِ، وَمَالَاتِ
الْأَحْزَابَ، وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ، وَكَفَرَتِ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا، وَتَمَسَّكَتِ بِالْبَاطِلِ لَمَّا
اعْتَرَضَهَا، فَضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ، وَخَيْرَةَ عِبَادِكَ،
وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ، فَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ،
وَافْلُلْ سِلَاحَهُمْ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ، وَأَوْهِن كَيْدَهُمْ، وَاضْرِبْهُمْ
بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا، وَقُمَّهُمْ^١ بِالْعَذَابِ قَمًّا،
وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا تُكْرَأُ، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي أَهْلَكَتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ، إِنَّكَ ذُو
نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ، وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ، اللَّهُمَّ
فَاعِزِّ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَاقْمَعْ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمُنِّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ،
وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَانظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيَائِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا رِداءً، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَقْدًا.

اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ عِيدًا، وَاسْتَهْلَأَ بِهِمْ
فَرَحًا وَمَرَحًا، وَخُذْ آخِرَهُمْ بِمَا أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى
ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ، وَأَبْر^٢ حُمَاتِهِمْ وَجَمَاعَتَهُمْ.

اللَّهُمَّ ضَاعِفِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ، الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ،
الْخَائِنَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ، بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ، الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ،

١. قَمَّ الشَّيْءُ قَمًّا: كَسَهُ. يُقَالُ: قَمَّ بَيْتَهُ يَقْمُهُ قَمًّا إِذَا كَسَهُ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٢٩٣ «قَمَم»).

٢. الْبُورَارُ: الْإِهْلَاكُ، وَقَوْمُ بُورٍ: أَيُّ هَلَكُوا، وَمُبِيرٌ: أَيُّ مَهْلِكٌ مُسْرِفٌ فِي إِهْلَاكِ النَّاسِ (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

سنت را ترک کرده و از دو رشته ای که به اطاعت و چنگ زدنشان فرمان داده بودی (قرآن و عترت)، منحرف شدند و حق را میرانده و از راه میانه منحرف شدند و احزاب دیگر را یاری دادند و کتاب را تحریف کردند و چون حق به ایشان رسید، به آن کفر ورزیدند و چون باطل را دیدند، به آن چنگ زدند و حق تو را تباه و خلق تو را گمراه کردند و فرزندان پیامبرت و بندگان برگزیده ات و بر دوش کشندگان علمت و وارثان حکمت و وحیات را کشتند.

خدایا! گام های دشمنانت و دشمنان پیامبر و اهل بیت پیامبرت را بلرزان و خانه هایشان را ویران و سلاحشان را کند و دچار اختلافشان بگردان. یارانشان را پراکنده و نیرنگشان را سست کن و آنان را با شمشیر بُرانت بزن و با سنگ سرشکنت بکوب و انبوه بلاها را بر آنان بریز و با عذاب، جارویشان کن و عذابی سهمگین بر آنان فرود آور و آنان را با قحطی و کیفرهایی که دشمنانت را با آن هلاک کردی، بگیر؛ که تو از مجرمان، انتقام گیرنده ای.

خدایا! سنت تو تباه و احکامت تعطیل و عترت پیامبرت در زمین سرگردان شده اند. خدایا! حق و اهلش را عزیز کن و باطل و اهلش را بکوب و با نجات ما بر ما منت بنه و ما را به ایمان، هدایت نما و در فرجمان تعجیل بفرما و آن را به فرج اولیای متصل کن و آنان را پشتیبان ما و ما را نمایندگان آنها قرار بده.

خدایا! هر کس روز کشتن فرزند پیامبرت و برگزیده خلقت را عید می گیرد و در آن، شادی و پایکوبی می کند، هلاک کن و آخرین آنها را به همان کیفری بگیر که اولین آنها را گرفتی و - ای خدا -، عذاب و عقوبت را بر ستمکاران به اهل بیت پیامبرت دو چندان کن و پیروان و زمامدارانشان را هلاک گردان و حامیان و جمعشان را از میان ببر. خدایا! درودها و رحمت و برکات را بر عترت پیامبرت دو چندان کن، عترت تباه شده بیمناک خوار شده، باقی مانده از شجره طیبه [ی رسالت]، پاکیزه و برکت یافته. خدایا! سخنشان را بالا بنشان و حجّشان را چیره

وَأَفْلِحْ^١ حُجَّتَهُمْ، وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّوَاءَ^٢ وَحَنَادِسَ^٣ الْأَبَاطِيلِ وَالْقَمَاءَ عَنْهُمْ، وَثَبَّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَجِزْبِكَ عَلَى طَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَايَتِهِمْ، وَأَعِنَّهُمْ وَامْنَحَهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً، وَأَوْقَاتاً مَسْعُودَةً، يَوْشِكَ فِيهَا قَرْجُهُمْ، وَتَوْجِبْ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنُصْرَهُمْ، كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^٤.

اللَّهُمَّ فَاكْشِفْ عَنْهُمْ، يَا مَنْ لَا يَكْشِفُ الضَّرَّ إِلَّا هُوَ، يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ، وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ، السَّائِلُ لَكَ، الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اللَّاجِئُ إِلَى فَنَائِكَ، الْعَالِمُ بِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي، وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي عِلَاتِي وَنَجْوَايَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَقَبِلَتْ نُسْكُهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ.

اللَّهُمَّ وَصَلْ أَوْلَى وَأَخِرّاً عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ.

اللَّهُمَّ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَنَجِّبَةَ،

١. فَلَاحِ أَصْحَابِهِ وَعَلَى أَصْحَابِهِ إِذَا غَلَبَهُمُ (لسان العرب: ج ٢ ص ٢٢٨ «فلاج»).

٢. اللَّوَاءُ: الشَّدَّةُ وَضِيقُ الْمَعِيشَةِ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٣٨ «لأي»).

٣. الْحَنَادِسُ: جَمْعُ حَنَدِسٍ، وَهُوَ الشَّدِيدُ الظُّلْمَةُ (الغفر: النهاية: ج ١ ص ٤٥٠ «حنديس»).

٤. النور: ٥٥.

کن و بلا و سختی و تاریکی‌های باطل و اندوه را از ایشان برطرف کن و دل‌های شیعیان ایشان و حزبت را بر اطاعت و ولایت و یاری و دوستی ایشان استوار بدار و یاری‌شان ده و شکیب و ورزیدن را بر آزار در راه تو، به ایشان عطا کن و روز‌هایی دیدنی و زمان‌هایی خوش برایشان قرار بده که فرجشان را نزدیک و تسلط و یاری‌شان را فراهم آورد، همان گونه که در کتاب نازل شده‌ات برای اولیایت ضمانت کردی و به حق و درستی فرمودی: ﴿خداوند به مؤمنان شایسته کار شما وعده داده است که بی‌تردید، آنان را در زمین خلیفه می‌کند، همان گونه که پیشینیان آنان را خلیفه کرد و دینشان را که برایشان پسندیده است، بی‌گمان برای آنها استوار و برپا می‌سازد و بیم و هراسشان را به آرامش تبدیل می‌کند﴾.

خدایا! مشکلشان را برطرف کن. ای که جز او سختی را برطرف نمی‌کند! ای یگانه! ای زنده! ای برپا دارنده! و من - ای خدای من -، بنده ترسان از تو و بازگردنده به تو و درخواست کننده از تو و روی آورنده به تو و پناهنده به درگاه تو و آگاه به تو هستم که هیچ پناهی از تو به سوی خودت نیست. خدایا! دعایم را بپذیر و - ای خدای من -، [صدای] آشکار و نجوای مرا بشنو و مرا از آنان قرار ده که عملشان را می‌پسندی و عبادتشان را می‌پذیری و با رحمتت نجاتشان می‌دهی؛ که تو عزیز، حکیم و کریمی.

خدایا! در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست. برکاتت را بر محمد و آل محمد نازل فرما. بر محمد و آل محمد رحم کن، کامل‌تر و برتر از درود و برکات و رحمتی که نثار پیامبران و فرستادگان و فرشتگان و حاملان عرشت کردی، به حق یکتایی‌ات!

خدایا! میان من با محمد و خاندانش - که درودهایت بر او و برایشان باد - جدایی مینداز و - ای خدای من - مرا از پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان پاک برگزیده‌شان قرار بده و زمینه درآویختن به رشته ایشان و رضایت به

وَهَيِّئْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَرِيقِهِمْ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

ثُمَّ عَفَّرْ وَجْهَكَ عَلَى الْأَرْضِ، وَقُلْ:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ، أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً
مَشْكُوراً، فَفَرِّجْ يَا مَوْلَايَ فَرْجَهُمْ وَفَرِّجْنَا بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الدَّلَّةِ،
وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ النِّقَلَةِ، وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَيَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي - مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ - بَسْطَ أَمْلِي، وَالتَّجَاوُزَ
عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي، وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ، وَأَنْ
تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى قَيْجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ، وَمُؤَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِيْتَنِي ذَلِكَ قَرِيباً
سَرِيعاً فِي عَافِيَتِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ثُمَّ ارْفَعْ يَدَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ، وَأَعِزَّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

٥/٦

الدَّعَاءُ لَهُ عَفِيْبَ الصَّوَابِ الْمَكْتُوبَةِ

١٠٧٨. الكافي: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

الْفَرَجِ، قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُ الرِّضَا ع... وَقَالَ:

إِذَا انصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَقُلْ:

رَضِيْتُ بِاللهِ رَبّاً، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً، وَبِالإِسْلَامِ دِيناً، وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً، وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ

أَيْمَةً، اللَّهُمَّ وَرَبِّكَ فُلَانٌ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ

راهشان و برگرفتن طریقتشان را برایم فراهم کن؛ که تو بخشنده و کریمی.
 سپس صورتت را به خاک بمال و بگو: ای که به هر چه بخواهد حکم می‌راند و
 هر چه ازاده فرماید می‌کند! تو حکم رانندی، پس سپاس و ستایش، ویژه توست ای
 ستوده ارج نهاده شده! ای مولای من! در فرج آنان گشایش بده و به همراهش فرج
 ما را نیز برسان که تو ضمانت کرده‌ای آنها را پس از خوار شدن، عزیز بداری و پس
 از اندک شدن، فراوان کنی و پس از گم‌نامی و پنهانی، آشکار سازی. ای
 راستگوترین راستگویان و ای رحیم‌ترین رحیمان!
 ای خدا و سرور من! با یاری از جود و کرم، عاجزانه از تو می‌خواهم که
 آرزویم را گسترده کنی و از من بگذری و عمل کم و زیادم را بپذیری و بر عمرم
 بیفزایی و مرا به آن جایگاه حضور برسانی و مرا از کسانی قرار دهی که چون او را
 فرا می‌خوانند به اطاعت و ولایت و یاری‌شان جواب می‌دهد و آن روزگار را به
 زودی و با سرعت و عافیت به من نشان دهی؛ که تو بر هر کاری توانایی.
 سپس دستانت را به سوی آسمان کن و بگو: به تو پناه می‌برم از این که از کسانی
 باشم که روزگار تو را امید نمی‌برند و مرا به رحمت از این حالت برهان»^۱.

۵/۶

دعا برای او پس از نمازهای واجب

۱۰۷۸. الکافی - به نقل از محمد بن فرج - : امام جواد عج به من نامه نوشت... و در آن فرمود:
 «هنگامی که نماز واجب را به پایان بردی، بگو: به پروردگاری خداوند و به پیامبری
 محمد و به دینم اسلام و به کتابم قرآن و امام بودن فلان و فلان راضی شدم. خدایا!
 فلان ولایت (صاحب الزمان عج) را از پیش و پس و چپ و راست و بالا و پایینش
 حفظ فرما و بر عمرش بیفزای و او را قیام‌کننده به امرت و یاور دینت قرار بده و

۱. المرزاتر الکبیر: ص ۴۷۲ - ۴۷۵ ح ۶، مصباح المنهجد: ص ۷۸۳ ح ۸۵۲ و ۸۵۶، مصباح الاثر: ص ۲۶۲،
 الاقبال: ج ۳ ص ۶۷ (با عبارت مشابه). بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۲۰۳ - ۲۰۵ ح ۴.

فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامُدُّ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، وَالْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهِ
مَا يُحِبُّ وَمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَفِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ،
وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَاشْفِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ
قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

١٠٧٩. كتاب من لا يحضره الفقيه: وقال [الإمام الجواد] ع: إِذَا انصرفت من صلاة مكتوبة
فقل:

رَضِيْتُ بِاللهِ رَبًّا، وَبِالإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّهِ
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،
وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ،
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أُنْتَمَّ، اللَّهُمَّ وَلَيْتَكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ
بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامُدُّ لَهُ فِي
عُمْرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ
وَفِي ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا
يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَاشْفِ بِه صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

٦/٦

الدُّعَاءُ لَهُ عَقِيبَ صَلَاةِ الْفَجْرِ

١٠٨٠. المزار الكبير: ذَكَرَ مَا يُرَارُ بِهِ مَوْلَانَا صَاحِبُ الزَّمَانِ ع كُلَّ يَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمُ
وَمَيْتُهُمْ، وَعَنْ الْوَالِدِيِّ وَوَالِدِي وَعَنِّي، مِنْ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ، وَمِدَادِ

آنچه را دوست دارد و مایه چشم‌روشنی‌اش در خود و فرزندان و خانواده و داری و پیروان و دشمنانش می‌شود، به او نشان بده و آنچه دشمنانش از آن بیم دارند، به آنان بنمایان و آنچه را او در دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود، به وی بنمایان و سینه‌های ما و سینه‌های مؤمنان را شفا بده.^۱

۱۰۷۹. کتاب من لایحضره الفقیه: امام جواد علیه السلام فرمود: «هنگامی که نماز واجب را به پایان بردی، بگو: به پروردگاری خداوند و به دینم اسلام و به کتابم قرآن و به پیامبری محمد و به ولایت علی علیه السلام و امامت حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجة بن الحسن راضی شدم. خدایا! ولایت حجت را از پیش و پس و چپ و راست و بالا و پایینش حفظ فرما و بر عمرش بیفزای و او را قائم به امرت و یاور دینت قرار بده و آنچه را دوست دارد و مایه چشم‌روشنی‌اش در خود و فرزندان و خانواده و داری و پیروان و دشمنانش می‌شود، به او نشان بده و آنچه را دشمنانش از آن بیم دارند، به آنان بنمایان و آنچه را او در آنها دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود، به او بنمایان و با این [کار]، سینه‌های ما و سینه‌های مؤمنان را شفا بده.»^۲

۶ / ۶

دعا برای اوست از نماز صبح

۱۰۸۰. المزار الکبیر: ذکر زیارتی که هر روز پس از نماز صبح، مولایمان با آن زیارت می‌شود: «خدایا! به مولایم صاحب الزمان - که دروذهای خدا بر او باد - از سوی همه مردان و زنان باایمان در شرق و غرب عالم، در خشکی و دریا و دشت و کوه و از زنده و

۱. الکافی: ج ۲ ص ۵۴۷ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۴۲ ح ۵۲.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۱ ص ۳۲۶ ح ۹۶۰.

كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي رَقَبَتِي.

اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ

النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ

وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ

الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: «صَفًّا كَانَتْهُمْ بَيِّنَاتٌ مَرِصُوصٌ»^١، عَلَيَّ طَاعَتِكَ

وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَكَ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^٢.

٧/٦

عِنْدَ الصَّبَاحِ (دُعَاءُ الْعَهْدِ)

١٠٨١. مصباح الزائر: ذكُرَ الْعَهْدِ الْمَأْمُورِ بِهِ فِي زَمَانِ الْغَيْبَةِ: رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ

قَائِمِنَا عليه السلام، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ،

وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَهُوَ هَذَا:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ^٣، وَمُنزِلَ

التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ.

١. الصف: ٤.

٢. زاد العلامة المجلسي عليه السلام هنا: «أقول: وجدت في بعض الكتب القديمة بعد ذلك: ويصفق بيده اليمنى على

اليسرى».

٣. المسجور: أي المملوء، (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٨٢٠ «سجور»).

مرده‌شان و از پدر و مادر و فرزندانم و از سوی خودم، درودها و سلام‌هایی به وزن عرش خدا و گستره کلمات او و نهایت رضایتش و به تعداد آنچه کتابش به شمار آورده و علمش به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا! امروز و در هر روز، عهد و پیمانی و بیعتی را که برای او به گردن دارم، تجدید می‌کنم.

خدایا! همان گونه که مرا به این شرافت، گرمی داشتی و با این فضیلت، برتری بخشیدی و به این نعمت، ویژه ساختی، بر مولا و سرورم، صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاران و پیروان و مدافعان او قرار بده و مرا از شهیدان پیش رویش که به خواست خود و نه به اکراه در صف او درآمده‌اند، قرار بده؛ صفتی که آن را در کتابت توصیف کرده و گفته‌ای: «صفتی که گویی بنیادی به هم پیوسته | استوار است» و در اطاعت تو و اطاعت پیامبرت و خاندان او - که سلام بر ایشان باد - . خدایا! این بیعت با او، تا روز قیامت در گردنم هست»^{۱، ۲}.

۷/۶

دعای پگاه «دعای عهد»

۱۰۸۱ . مصباح الزائر: ذکر عهدی که در روزگار غیبت به آن امر شده است: از امام صادق ع روایت شده است که فرمود: «هر کس خدای متعال را چهل بامداد با این عهد بخواند، از یاران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور بمیرد، خدای متعال، او را از قبرش بیرون می‌آورد و در برابر هر کلمه این دعا، هزار حسنه به او می‌دهد و هزار بدی از او محو می‌کند؛ و متن آن این است: «خدایا! پروردگار نور بزرگ! پروردگار

۱ . علامه مجلسی می‌گوید: در برخی کتاب‌های قدیمی یافته‌ام که پس از این دعا، دست راستش را بر دست چپش بزند.

۲ . المزار النکبیر: ص ۶۶۲، مصباح الزائر: ص ۴۵۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۱۰.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أُشْرِقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، [وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَالْآخِرُونَ،] ١ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ. صَلِّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْيَ، مِنْ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحَوْلَ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ ٢، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا [مَقْضِيًا] ٣، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَّنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي ٤، مُلْتَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالنُّعْرَةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَتَهَجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ.

وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ

١. الزيادة من بحار الأنوار.

٢. زاد في المرار الكبير والبلد الأمين: «والممثلين لأوامره».

٣. الزيادة من بحار الأنوار.

٤. القنطرة: الترميح (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٠٣ «قنوة»).

کرسی رفیع! پروردگار دریای انبوه! نازل کننده تورات و انجیل و زبور! پروردگار سایه و گرما و نازل کننده فرقان بزرگ (قرآن) و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگان! خدایا! به روی کریمت از تو می خواهم و به پرتو روی نورافشانت و سلطنت دیرینت، ای زنده، ای برپا دارنده! از تو می خواهم، به آن سمت که آسمانها و زمینها با آن روشن شدند و به آن سمت که اولین و آخرین با آن سامان می یابند، ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از هر زنده! خدایی جز تو نیست.

خدایا! به مولایمان امام راهنمای ره یافته، قیام کننده به امرت - که دروذهای خدا بر او و بر پدران پاکش باد - از سوی همه مردان و زنان باایمان در شرق و غرب زمین، در کوه و دشت و خشکی و دریا و از سوی من و پدر و مادرم، دروذهایی به وزن عرش خدا و گستره کلمات او و به شمار آنچه علمش برشمرده و کتابش به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا! در بامداد امروز و هر روز از روزهای عمرم، عهد و پیمان و بیعتی را که برای او به گردن دارم تجدید می کنم و از آن بر نمی گردم و کناره نمی گیرم.

خدایا! ما را از یاوران، یاران، مدافعان، شتاب کنندگان در اجرای خواسته هایش، حمایتگران او، پیشی گیرندگان به تحقق اراده اش و شهیدان پیش رویش قرار بده.

خدایا! اگر مرگ - که آن را بر همه بندگانت حتمی کرده ای -، میان من و او جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون بیاور. در حالی که کفنم را به تن کرده، شمشیرم را از نیام بیرون کشیده، نیزه ام را برهنه کرده و به دعوت دعوتگر، پاسخ داده باشم، در شهر باشم یا در صحرا.

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ يَمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ^١، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسْتَمْتَنِي بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ، وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُسَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.

اللَّهُمَّ وَسُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلِيٌّ دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَضْرِبُ عَلَيَّ فَيَخِذُكَ الْأَيْمَنُ بِيَدِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَتَقُولُ:

الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.^٢

١. انروم: ٤١.

٢. ليس لهذا الدعاء سند في مصادر الأدعية، ولكن العلامة السجسي أورد له سندی کاملین و منفصلین، ونقله في «ج ٨٦ ص ٢٨٤ ح ٢٧» من الكتاب المتيقن القوي. وفي البلد الأمين من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت (عليه السلام) وأورده تحت عنوان «الدعاء لصاحب الأمر».

وفي ج ٩٤ ص ٢١ ح ٢٥: نقل من خط الشيخ محمد بن علي الجبلي، نقلاً من خط الشيخ علي بن السكون قدس الله روحهما. أخبرني شيخنا وسيدنا السيد الأجل العالم الفقيه جلال الدين أبو القاسم عبد الحميد بن فخار بن معد بن فخار العلوي الحسيني الموسوي الحائري - أظال الله بقاءه - قراءة عليه، وهو يعارضني بأصل سماعه الذي بخط والده رحمه الله، المنقول من هذا الفرع في شهر سنة ست وسبعين وستمئة [٦٧٦] قال: أخبرني والدي رضي الله عنه، قال: أخبرني الأجل العالم تاج الدين أبو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن البرقي - أظال الله بقاءه - سماعاً من نفظه وقراءة عليه في شهر ربيع الأول سنة ست وتسعين وخمسمئة [٥٩٦]، قال: أخبرني الشيخ الفقيه العالم قوام الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الله البحراني الشيباني رحمه الله، قراءة عليه سنة ثلاث وسبعين وخمسمئة [٥٧٣]، قال: قرأت على الشيخ أبي محمد الحسن بن علي، قال: قرأت هذا العهد على الشيخ علي بن إسماعيل، قال: قرأت على الشيخ أبي زكريا يحيى بن كثير، قال: قرأت على السيد الأجل محمد بن علي القرشي، قال: حدثني أحمد بن سعيد بقراءة علي الشيخ علي بن الحكم، قال: قرأت على الربيع بن محمد المسني، قال: قرأت على أبي عبد الله بن سليمان، قال: سمعت سيدنا الإمام جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) يقول:

خدایا! آن چهرهٔ رعنا و آن رخسار زیبا را به من نشان بده و سُرْمهٔ تماشای او را به چشم من بکش و در فرَجش تعجیل بفرما و خروجش را آسان کن و راهش را گشاده بگردان و مرا به راه او درآور و فرمانش را نافذ و پشتش را محکم بدار. خدایا! سرزمین‌هایت را به دست او آباد و بندگانت را زنده کن؛ که تو، به راستی گفته‌ای: ﴿تَبَاهِي فِي خَشْكِ وَ دَرِيَا بِهٖ دَلِيْلُ دَسْتَاوِرِ دِهَائِي [گناهان] مَرْدَمِ پَدِيْدَارِ شُدِهٖ اسْتِ﴾. خدایا! ولّیت، فرزند دختر پیامبرت و همنام فرستاده‌ات را آشکار کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد جز آن که آن را فرو بپاشد و حق را پابرجا و آن را اجرا کند. خدایا! او را پناهی برای بندگان ستم‌دیده‌ات، قرار بده و نیز یاور کسانی که جز تو یآوری ندارند و تجدیدگر احکام تعطیل شدهٔ کتابت و استوار کنندهٔ آنچه از نشانه‌های دینت و سنت‌های پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - رسیده است. خدایا! او را از گزند متجاوزان، در پناه خود بگیر.

خدایا! پیامبرت محمد - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - و هر کس که دعوتش را پیروی کرد، با دیدارش خشنود بفرما و بر بیچارگی ما پس از پیامبر ص رحم آور. خدایا! این اندوه را از این اَمّت [نبوه] با حضور قائمش بر طرف فرما و ظهورش را برای ما پیش انداز؛ که ﴿اَنَّا نَا نِ دَوْرٍ وَّ مَا اَنَّا نَزْدِيْكَ مِي بِيْنِيْمِ﴾، به رحمت ای رحیم‌ترین رحیمان^۱.

سپس با دستت سه مرتبه بر ران راست می‌زنی و می‌گویی: بشتاب، بشتاب، بشتاب، ای مولای من، صاحب الزمان^{۱، ۲}.

۱. علامه مجلسی، این دعا را از الکتاب العتیق با دو سند مشابه نیز نقل کرده است. در ائیند الامین این دعا به امام نسبت داده نشده است و تحت عنوان «دعا برای صاحب الامر عج» آمده است.

۲. مصباح الزائر: ص ۲۵۵، التزاور الکبیر: ص ۶۶۲، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۹، ائیند الامین: ص ۸۲. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۹۵ ح ۱۱۱.

١٠٨٢. الاختيار لابن الباقي، عن الإمام الصادق عليه السلام أنه قال: مَنْ قَرَأَ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ هَذَا الدُّعَاءَ، فَإِنَّهُ يَرَى الْإِمَامَ «م ح م د بن الحسن» عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ فِي الْبِقْطَةِ أَوْ فِي الْمَنَامِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي، لَا أَحْوَلُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ الذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ بَصْرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَطَوَّلْ عُمُرَهُ، وَاعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَرَبِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحِقَّ اللَّهُ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ «إِنَّهُمْ يَزُونَهُ بَعِيدًا» وَتَرَنَّهُ قَرِيبًا^٢ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

١. في بحار الأنوار: اللهم اعمر.

٢. المعارج: ٧ و ٦.

۱۰۸۲. الاختیار، ابن باقی: امام صادق عج فرمود: «هر کس این دعا را پس از هر نماز واجب بخواند، امام م ح م د بن الحسن - که سلام بر او و پدرانش - را در بیداری یا خواب می بیند: به نام خداوند گسترده مهر مهربان. خدایا! به مولایمان، صاحب الزمان در هر جا که باشد و هر حالتی که دارد، در شرق و غرب زمین، و دشت و کوه آن، از سوی من و پدر و مادر و فرزندان و برادرانم به او درود و سلام برسان. به تعداد مخلوقات خدا و وزن عرش خدا و به تعداد آنچه کتابش به شمار آورده و علمش به آن احاطه دارد.

خدایا! من در بامداد امروز و تا هر زمان که زنده‌ام، عهد و پیمان و بیعتی را که برای او به گردن دارم، تجدید می‌کنم و از آن بر نمی‌گردم و نادیده‌اش نمی‌گیرم.

خدایا! مرا از یاران و یاوران و مدافعان او و نیز از انجام دهندگان اوامر و نواهی‌اش در روزگار حکومتش و از شهیدان پیش رویش قرار بده.

خدایا! اگر مرگ - که آن را بر همه بندگان حتمی کرده‌ای -، میان من و او جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به تن کرده، شمشیرم را از نیام بیرون کشیده، نیزه‌ام را برهنه کرده و به دعوت دعوتگر پاسخ داده باشم، در شهر باشم یا در صحرا.

خدایا! آن چهره زعنا و آن رخسار زیبا را به من نشان بده و سرمه تماشای او را به چشم من بکش و در فرجش تعجیل بفرما و خروجش را آسان کن. خدایا! پشتش را محکم بدار و پشتیبانش باش و عمرش را طولانی کن و سرزمین‌هایت را به دست او آباد و بندگان را زنده کن که تو به راستی گفته‌ای: «تباهی در خشکی و دریا به دلیل دستاوردهای مردم پدیدار شده است». خدایا! ولایت، فرزند دختر پیامبرت و همانم فرستاده‌ات - که درودهایت بر او و خاندانش باد - را برایمان آشکار کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد جز آن که آن را از هم بباشد و خداوند، حق را با کلماتش پابرجا و محقق کند. خدایا! این اندوه را از این امت [انبوه] با حضور او برطرف فرما که «آنان آن را دور و ما آن را نزدیک می‌بینیم»، و خدا بر محمد و خاندانش درود فرستد.^۱

الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ

١٠٨٣. فلاح السائل نقلاً عن عبّاد بن محمّد المدايني : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ حِينَ فَرَغَ مِنْ مَكْتُوبَةِ الظُّهْرِ وَقَدْ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَيَقُولُ^١ :

«أَي سَامِعٌ كُلِّ صَوْتٍ، أَي جَامِعٌ كُلِّ قَوْتٍ، أَي بَارِيٌّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، أَي بَاعِثٌ، أَي وَارِثٌ، أَي سَيِّدُ السَّادَةِ، أَي إِلَهَ الْآلِهَةِ، أَي جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ، أَي مَلِكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَي رَبُّ الْأَرْبَابِ، أَي مَلِكُ الْمُلُوكِ، أَي بَطَّاشٌ، أَي ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَي فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، أَي مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَتَقَلِّ الْأَقْدَامِ، أَي مَنْ السُّرُّ عِنْدَهُ عِلَانِيَةٌ، أَي مُبْدِيٌّ، أَي مُعِيدٌ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ - الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ - وَعَدَّهُ.

اللَّهُمَّ أَيْدُهُ يَنْصُرُكَ وَانْصُرْ عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

قُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ دَعَوْتَ لِنَفْسِكَ جُعِنْتَ فِدَاكَ؟

١. ورد صدر هذا النص في كتاب فلاح السائل هكذا:

من المهمّات عقيب صلاة الظهر الالتداء بالصادق عليه السلام في الدعاء للمهدي عليه السلام الذي بشر به محمّد رسول الله صلى الله عليه وآله أمته في صحيح الروايات، ووعدهم أنه يظهر في أواخر الأوقات، كما رواه محمّد بن وهبان الديلمي. قال: حدّثنا أبو عليّ محمّد بن الحسن بن محمّد بن جمهور العمي، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه محمّد بن جمهور، عن أحمد بن الحسين السكري، عن عبّاد بن محمّد المدايني، قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام بالمدينة ...

دعا برای او پس از نماز ظهر

۱۰۸۳ . فلاح السائل - به نقل از عبّاد بن محمّد مدائنی - : در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ایشان نماز ظهرشان را خوانده و با دستانشان رو به آسمان، چنین دعا می کرد: ^۱ «ای شنونده هر صد! ای گردآورنده هر چه از دست رفته! ای پدیدآورنده هر جان پس از مرگ! ای برانگیزنده! ای میراثدار [همه چیز! ای سرور سروران! ای خدای خدایان! ای جبران کننده جبران کنندگان! ای مسلمان دنیا و آخرت! ای صاحب اختیار همه اختیار داران! ای سلطان سلاطین! ای قدرتمند! ای نیرومند سختگیر! ای کننده هر چه اراده کنی! ای به شمار درآورنده عدد همه نفس ها و جابه جاشدن همه قدم ها! ای که هر رازی نزدش آشکار است! ای آغازگر! ای بازآورنده! از تو می خواهم به حقیقت بر آفریدگان برگزیده ات و به حقی که خود برای ایشان بر خود لازم کردی، بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی و هم اکنون با آزادی ام از آتش، بر من منت نهی و وعده ات را به ولایت، فرزند پیامبرت، دعوتگر به سوی تو با اجازه ات، امین تو میان مردم، دیده ات میان بندگانت، حجتت بر آفریدگانت - که درودها و برکت هایت بر او باد - به انجام رسانی.

خدایا! او را با یاری ات استوار دار و بنده ات را یاری ده و یارانش را نیرو بخش و شکیبایشان کن و دریچه یاری پیروزمندان را برایشان بگشای و در فرجش تعجیل کن و او را بر دشمنانش و دشمنان پیامبرت چیره کن، ای رحیم ترین رحیمان».

گفتم: فدایت شوم! آیا این دعا را برای خودت نکردی؟

۱ . مؤلف فلاح السائل، این دعا را جزو تعقیبات نماز ظهر آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که روایات صحیحی بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او و ظهورش را در آخر الزمان، گزارش کرده اند و این روایت نیز از جمله آنهاست.

قَالَ: قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَسَائِقِهِمْ، وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. قُلْتُ: مَتَى يَكُونُ خُرُوجُهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟

قَالَ: إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ. قُلْتُ: فَلَهُ عَلَامَةٌ قَبْلَ ذَلِكَ؟

قَالَ: نَعَمْ، عَلَامَاتٌ شَتَّى. قُلْتُ: بِمِثْلِ مَاذَا؟

قَالَ: خُرُوجُ رَايَةٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَرَايَةٍ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَفِتْنَةٌ تُظِلُّ أَهْلَ الزُّورَاءِ، [و١]

خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ، وَانْتِهَابُ سِتَارَةِ الْبَيْتِ، وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.^٢

٩ / ٦

الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ^٣

١٠٨٣. فلاح السائل نقلاً عن يحيى بن الفضل النوفلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ

جَعْفَرٍ عليه السلام بِبَغْدَادَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ^٣:

«أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ

مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ،

١. لم ترد الواو في المصدر، وأثبتناها من بحار الأنوار.

٢. في المنابع من دون إسناد إلى المعصوم، وفيها «يا» بدل «أي» في جميع المواضع، وليس فيها ذيله: «قلت: أليس قد دعوت...»

٣. ورد صدر هذا الدعاء في الكتاب هكذا:

الفصل الحادي والعشرون... ومن المهمات بعد صلاة العصر الاقتداء بمولانا موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام في الدعاء لمولانا المهدي عليه السلام، الذي بشر به النبي صلى الله عليه وآله أمته صلوات الله وسلامه وبركاته على محمد جدّه وبلغ ذلك إليه. كما رواه محمد بن بشير الأزدي. قال: حدثنا أحمد بن عمر بن موسى الكاتب. قال: حدثنا الحسن بن محمد بن جمهور القتي. عن أبيه محمد بن جمهور، عن يحيى بن الفضل النوفلي. قال: دخلت على أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام ببغداد....

فرمود: «برای نور آل محمد و پیش‌راننده آنها، انتقام گیرنده از دشمنانشان به فرمان خداوند، دعا کردم».

گفتم: خدا مرا فدایت کند! قیام او کی خواهد بود؟
 فرمود: «آن گاه که صاحب اختیار خلقت و امور عالم بخواهد».
 گفتم: پیش از آن، نشانه‌ای دارد؟
 فرمود: «آری، علامت‌های گوناگونی دارد».
 گفتم: مانند چه؟

فرمود: «خروج کردن پرچمی از مشرق و پرچمی از مغرب و فتنه‌ای که اهل بغداد را فرا می‌گیرد و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن و به غارت بردن پوشش کعبه، و البته خداوند هر چه بخواهد می‌کند».^۱

۹/۶

دعا برای اوبعد از نماز عصر

۱۰۸۴. فلاح السائل - به نقل از یحیی بن فضل نوفلی - : در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. ایشان از نماز عصر فارغ شده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده می‌فرمود: ^۲ «تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست. اوّل و آخر، پیدا و نهان تویی و تو خدای بی‌همتایی. کم و زیاد چیزها با توست و تو خدای بی‌همتایی. آفریده‌ها را آفریدی بی آن که از دیگری کمک‌گیری و نیازی هم نداشتی. تو خدای بی‌همتایی. خواست از توست و آغاز با تو، تو خدای بی‌همتایی. قبل از قبل و آفریدگار [زمان] قبل، تو خدای بی‌همتایی. بعد از بعد و آفریدگار [زمان]

۱. فلاح السائل: ص ۳۰۸ ح ۲۰۹، مصباح المستهدف: ص ۶۰ ح ۹۶، البند الأمين: ص ۱۳، المصباح کفعمی: ص ۲۸، بحار الاثوار: ج ۸۶ ص ۶۲ ح ۱.

۲. مؤلف فلاح السائل. این دعا را جزو تعقیبات نماز عصر از امام کاظم علیه السلام آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشارت او را به امتش داده است.

أنت الله لا إله إلا أنت، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أنت الله لا إله إلا أنت، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أنت الله لا إله إلا أنت، تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أنت الله لا إله إلا أنت، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أنت الله لا إله إلا أنت، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، أنت الله لا إله إلا أنت، لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُتَخَزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

قَالَ: ^٢ قُلْتُ لَهُ: مَنْ الْمَدْعُوُّ لَهُ؟ قَالَ: ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي الْمُنْتَدِحِ ^٣ الْبَطْنِ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ، أَحْمَشُ ^٤ السَّاقِينَ، بَعِيدُ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبِينَ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ تَعْتَادُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَةٌ يَرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، بِصَبَاحِ الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ. قُلْتُ: مَتَى خُرُوجُهُ؟

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الْعَسَاكِرَ بِالْأَنْبَارِ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ وَالصَّرَاةِ ^٥ وَدِجَلَةَ، وَهَدَمَ قَنْطَرَةَ الْكُوفَةِ، وَإِحْرَاقَ بَعْضِ بُيُوتَاتِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ

١. عَزَبَ: غَابَ وَخَفِيَ (المصباح المنير: ص ٤٠٧ «عزب»).

٢. لَيْسَ فِي الْمَصْبَاحِ لِلْمَدْعُومِ وَالْمَدْعُوِّ مِنَ الْقَوْلِ: «قُلْتُ: مَنْ الْمَدْعُوُّ» إِلَى آخِرِهِ.

٣. فِي الْمَصْدَرِ: «الْمُنْتَدِحُ»، وَالصُّوْبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ. وَالْمُنْتَدِحُ: السُّعَّةُ، وَقَوْلُهُمْ: نَكَدَ الْمُنْتَدِحُ فِي الْبِلَادِ: أَيَّ مَكَانٍ وَاسِعٍ عَرِيضٍ (لسان العرب: ج ٢ ص ٦١٢ «ندح»).

٤. أَحْمَشُ السَّاقِينَ: أَيُّ دَقِيقَهُمَا (النهاية: ج ١ ص ٣٤٠ «حمش»).

٥. الصَّرَاةُ: يُطْلَقُ عَلَى نَهْرَيْنِ بِنِجْدَانَ، الصَّرَاةِ الْكُبْرَى وَالصَّرَاةِ الصُّغْرَى (معجم البلدان: ج ٣ ص ٣٩٨).

بعد، تو خدای بی‌همتایی. هر چه را بخواهی می‌زدایی و می‌گذاری و کتاب اصلی [خلقت] نزد توست، تو خدای بی‌همتایی. غایت و وارث هر چیز، تو خدای بی‌همتایی، کوچک و بزرگ از تو پوشیده نمی‌ماند، تو خدای بی‌همتایی. زبان‌ها برای تو پنهان نمی‌ماند و صداها برایت مشتبه نمی‌شود. هر روز به کاری هستی. هیچ کاری تو را از کار دیگری باز نمی‌دارد. دانا به نادیده‌ها و نهان‌هایی، جزا دهنده جزا، تدبیرگر کارها، برانگیزنده هر که در قبرهاست و زنده‌کننده استخوان‌های پوسیده‌ای. از تو درخواست می‌کنم به وسیله نام نهفته و اندوخته‌ات، زنده برپادارنده‌ای که درخواست کننده با آن ناکام نمی‌ماند، بر محمد و خاندانش درود فرستی و در فرج انتقام‌گیرنده تو از دشمنانت تعجیل کنی و آنچه را به او وعده داده‌ای به انجام رسانی، ای صاحب شکوه و جلال!

به امام گفتیم: برای چه کسی دعا می‌کنی؟

فرمود: «همان مهدی خاندان محمد». سپس فرمود: «پدرم فدای آن، فربه شکم، ابرو به هم پیوسته، باریک‌ساق، چهارشانه، سبزه‌رویی که پرتوی از زردی شب‌بیداری بر او عارض شده است! پدرم فدای آن که شبش در سجود و رکوع به پاییدن ستاره‌ها سپری می‌شود! پدرم فدای آن که در راه خدا از سرزنش کسی نمی‌ترسد و چراغی برای تاریکی‌هاست! پدرم فدای کسی که به فرمان خدا پیام می‌کند!»

گفتم: کی خروج می‌کند؟

فرمود: «هنگامی که لشکرها را در شهر انبار بر کناره رودهای فرات، صراة^۱ و دجله دیدی و نیز انهدام پل کوفه و آتش زدن برخی خانه‌های کوفه را که چون اینها را دیدی، خداوند آنچه بخواهد می‌کند و کسی بر امر خدا چیره نیست و

۱. صراة بزرگ و کوچک، دو نهر هستند که از بغداد می‌گذرند.

ما يَشَاءُ، لا غَالِبَ لِأَمْرِ اللَّهِ ولا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ.

١٠/٦

فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ (بَعْدَ الرَّكَعَةِ الرَّابِعَةِ)

١٠٨٥. مصباح المتعبد: ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَتِي الشُّكْرِ [بَعْدَ الرَّكَعَةِ الرَّابِعَةِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ] فَتَقُولُ فِيهِمَا مِنْهُ مَرَّةً: «ما شاء الله، ما شاء الله» ثُمَّ تَقُولُ عَقِيبَ ذَلِكَ:

يا رَبِّ أَنْتَ اللهُ، ما شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيما تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتَجْعَلَ فَرَجِي وَفَرَجَ إِخْوَانِي مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ، وَتَفْعَلَ بِي كذا وكذا، وَتَدْعُو بِما تُحِبُّ.

١١/٦

الدُّعَاءُ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ

١٠٨٦. المقنعة: وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَقْنُتَ فِي الْوَتْرِ بِهَذَا الْقُنُوتِ وَهُوَ:

لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ.... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَبَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ ما بَارَكْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطِي الرَّحْمَةَ وَإِمَامِي الْهُدَى، وَصَلِّ عَلَيَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،

بازدارنده‌ای از حکمش وجود ندارد.^۱

۱۰/۶

در نماز شب، پس از رکعت چهارم

۱۰۸۵. مصباح‌المتهجد: آن‌گاه پس از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می‌کنی و در هر یک، صد مرتبه می‌گویی: «ماشاء الله! هر چه خدا بخواهد و در پی آن می‌گویی: «ای پروردگار من! تو - ای خداوند - هر چه اراده کنی، می‌شود. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و میان آنچه اراده می‌کنی، فرج خاندان محمد - که خداوند بر او و بر ایشان درود فرستد - را برایم قرار بده و فرج من و برادرانم را نیز با فرج ایشان همراه کن و برایم این کار و آن کار را بکن»، و آنچه دوست داری بخواه.^۲

۱۱/۶

دعا برای او در قنوت نماز وتر

۱۰۸۶. المقنعة: خواندن این دعا در قنوت نماز وتر مستحب است: «خدایی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، خدایی جز خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. خدایی جز خداوند فرمان‌روای حق آشکار نیست... خدایا! بر محمد، بندهات و پیامبرت و خاندان پاکش درود فرست، برتر از درودی که بر هر یک از آفریده‌هایت فرستاده‌ای و برای محمد و خاندان محمد، مبارک گردان، برتر از هر مبارک‌کردنی که برای هر یک از آفریده‌هایت کرده‌ای. خدایا! بر امیر مؤمنان، و وصی فرستاده خدای جهانیان، درود فرست. خدایا! بر حسن و حسین، دو نوه [پیامبر] رحمت و امامان هدایت درود فرست و نیز بر امامان از نسل حسین: علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجت، جانشین او.

۱. فلاح السائل: ص ۲۵۲ ح ۲۲۸. مصباح‌المتهجد: ص ۷۳ ح ۱۱۹. المصباح. کفعمی: ص ۵۱. التبلید الآسن: ص ۱۹. بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۸۰ ح ۸.
 ۲. مصباح‌المتهجد: ص ۱۴۵ ح ۲۳۳. بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۲۵۰.

وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ
الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْقَائِمَ الَّذِي بِهِ يُنْتَصَرُ، اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا،
وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ
وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ تَمَّ نورك فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا،
وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَجَهَّتْكَ خَيْرُ
الْجِهَاتِ، وَعَطَيْتَكَ أَفْضَلَ الْعَطَايَا وَأَهْنَوْهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ
لِمَنْ تَشَاءُ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ
الْعَظِيمِ، لَا يَجْزِي بِآلَائِكَ أَحَدٌ، وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَتُقَلَّتِ الْأَقْدَامُ، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَدُعِيَتْ بِالْأَلْسُنِ،
وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِالْأَعْمَالِ، وَرُفِعَتِ الْأَبْصَارُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَافْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ
قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ وَرَثَتِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا،
وَتَظَاهَرَ أَعْدَائِنَا، وَكَثْرَةَ عَدَدِهِمْ، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، فَفَرِّجْ يَا رَبِّ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِثْلِكَ
تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِثْلِكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ حَقِّ تَظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ «أَغْفِرْ لَنَا وَإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^١.

خدایا! او را امامی قرار بده که انتظارش را می‌کشند و قائمی که با او انتقام می‌گیرند.
 خدایا! او را نصرتی شکست‌ناپذیر و فتوحی آسان عطا کن و از سوی خودت تسنّطی هم‌اره
 یاری‌شده برایش قرار بده. خدایا! ما را از یاران، یاوران و مدافعان او قرار بده. ای خداوند
 حق، پروردگار جهانیان!

خدایا! نورت کامل شد و هدایت کردی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! و
 بردباری‌ات بزرگ شد و عفو کردی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! و دست
 احسانت را گستردی و عطا نمودی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! روی تو
 کریم‌ترین روی‌ها و سمت تو بهترین سمت و عطیه تو برترین عطیه و گواراترین آنهاست.
 خدای ما! چون اطاعت شوی، قدردانی می‌کنی و چون نافرمانی شوی، هر که را بخواهی
 می‌آمرزی. [درخواست] گرفتار را اجابت می‌کنی و سختی را می‌زدایی و بیمار را شفا
 می‌دهی و از دشواری‌های سهمگین، رهایی می‌بخشی. هیچ کس را توان جزا دادن به
 نعمت‌هایت نیست و شمارش نعمت‌هایت از [دست و] زبان کسی برنیاید.

خدایا! دست‌ها به سوی تو بالا آمده و گام‌ها به سوی تو برداشته شده و گردن‌ها به
 سوی تو کشیده شده است. تو را با گفتار می‌خوانند و با کردار به تو نزدیکی می‌جویند و
 دیده‌ها به سوی تو دوخته شده است. خدایا! ما را بیمارز و بر ما رحمت آور و میان ما و
 قوم ما، راه حق را بگشای که تو بهترین گشاینندگان هستی.

خدایا! نبودن پیامبران و غیبت ولی‌مان و سختگیری روزگار بر ما و درگیر شدن ما با
 فتنه‌ها و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضدّ ما و فراوانی آنها و کمی شمارمان را به تو
 شکوه می‌بریم. خدایا! با فتوحی از جانب خودت که در آن تعجیل می‌کنی و یاری‌ای از
 جانب خودت که [ما را] با آن شکست‌ناپذیر می‌داری و امام حقی که آشکار می‌نمایی، این
 گره‌ها را برای ما بگشای. ای خدای حق! ای خدای جهانیان!

خدایا! «ما و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند بیمارز و کینه‌ای در دل‌های ما نسبت به
 مؤمنان مگذار که تو - ای خدای ما - رؤف و مهربانی»^۱.

١٢/٦

الدُّعَاءُ لَهُ فِي زِيَارَةِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٨٧. المزار الكبير: روى مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ [الإمام الهادي عليه السلام] - فِي زِيَارَةِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :-

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَصَبْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَّمْتُ رَغْبَتِي، فَأَقْبَلْ يَا سَيِّدِي تَوْبَتِي، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ نَصيباً، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعَائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي، وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَإِنَّا لَكَ سِلْمٌ، لَا أَرْجُو نَجَاحاً وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفاً إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِتَبْلِيغِي هَذَا الْمَكَانَ الشَّرِيفَ مِنْ قَابِلِي، وَأَنَا مُعَافٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ، وَأَعْنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ فِي دِينِي، وَامْدُدْ لِي فِي أَجَلِي، وَأَصِحِّحْ لِي جِسْمِي، يَا مَنْ رَحِمْتَنِي وَأَعْطَانِي، وَبِفَضْلِهِ أَغْنَانِي، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَنْعِمْ لِي بِعَمَّتِكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، حَتَّى تُوَفِّقَانِي وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخْرِجْنِي مِنْ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ، فَإِنِّي اعْتَصَمْتُ بِحَبْلِكَ فَلَا تَكِلْنِي إِلَى غَيْرِكَ.

١. ورد صدر هذا النص في الكتاب هكذا:

زيارة اخرى لهما [أبي الكاظم والجواد عليه السلام]: روى محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن ذكره، عن أبي الحسن عليه السلام قال:

تقول ببغداد: «السلام عليك يا حجة الله، السلام عليك يا نور الله في ظلمات الأرض، السلام عليك يا من يد الله في شأنه، أنتك عارفاً بحقك، معادياً لأعدائك، فاشفع لي عند ربك». وادع الله واسأل حاجتك. قال: وتسلم على أبي جعفر عليه السلام بهذا. ورد إلى هاهنا فقط في الكتب التالية (الكافي: ج ٤ ص ٥٧٨، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٨٢، كامل الزيارات: ص ٥٠١).

۱۲/۶

دعا برای او در زیارت امام جواد علیه السلام

۱۰۸۷. المزار الکبیر - به نقل از محمد بن عیسی بن عبید، از کسی که برایش دعای امام هادی علیه السلام به هنگام زیارت امام جواد علیه السلام را نقل کرده است: ^۱ «خدایا! دستانم را به سوی تو بالا برده‌ام و رغبتم به آنچه نزد توست، فزونی گرفته است. پس ای سرورم! توبه‌ام را بپذیر و مرا بیمارز و به من رحم کن و در هر خیری برایم بهره‌ای و به سوی آن، راهی قرار بده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دعایم را بشنو و بر زاری و خواری و بیچارگی و توکلم بر تو رحم کن؛ که من تسلیم تو هستم و رستگاری و عافیت و بزرگ‌داشتی جز به تو ندارم و امید بر توست. بر من منت بنه و مرا در آینده نیز به این مکان شریف برسان در حالی که از هر ناخوشی و هراسی، آسوده باشم و مرا اطاعت از خودت و اولیایت که آنان را از میان خلقت برگزیدی، یاری ده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دینم را به سلامت و عمرم را طولانی‌تر و بدنم را سالم بدار. ای که به من رحم می‌کنی و یا عطا و فضیلت، بی‌نیازم می‌گردانی! گناهم را بیمارز و نعمتت را در باقی مانده عمرم بر من تمام کن تا هنگامی که مرا به سوی خود می‌بری، از من راضی باشی.

۱. اول حدیث در کتاب این گونه آمده است:

زیارت دیگری برای امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام آمده است: محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از ابو الحسن علیه السلام روایت کرده که فرمود: «در زیارت نامه ابو الحسن علیه السلام در بغداد می‌گویی: سلام بر تو ای ولی خدا! سلام بر تو ای حجت خدا! سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین! سلام بر تو ای کسی که در شائش‌ها برای حق تعالی حاصل شده! به زیارت آمده‌ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن دشمنانت هستم. پس ای مولای من! نزد پروردگارت شفیع من باش». سپس امام فرمود: «خدا را بخوان و از او حاجتت را در خواست نما». امام علیه السلام فرمود: «و یا همین عبارات بر ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام سلام بده».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَانْفَعْنِي بِمَا
عَلَّمْتَنِي، وَامَلَأْ قَلْبِي عِلْماً وَخَوْفاً مِنْ سَطَوَاتِكَ وَنِقَمَاتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْمُضْطَرِّ إِلَىكَ، الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ مِنْ عِقَابِكَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَغْمَدَنِي
وَتَحْنَنَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ، وَتَعُودَ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ، وَتُوَدِّيَ عَنِّي فَرِيضَتَكَ، وَتُغْنِيَنِي
بِفَضْلِكَ عَنِ سُؤَالِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً
يَسِيراً، وَانصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ بِوَلِيِّكَ، وَأَحْيِ سُنَّتَهُ بِظُهُورِهِ،
حَتَّى يَسْتَقِيمَ بِظُهُورِهِ جَمِيعُ عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ، وَلَا يَسْتَخْفِي أَحَدٌ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أُرْعَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ، الَّتِي تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدِيلُ
بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدَّاعِينَ إِلَى طَاعَتِكَ،
وَالْفَائِزِينَ فِي سَبِيلِكَ، وَارزُقْنَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنَ الْحَقِّ
فَعَرَّفْنَاهُ، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتَجِبْ لَنَا جَمِيعَ مَا دَعَوْنَاكَ، وَأَعْطِنَا جَمِيعَ
مَا سَأَلْنَاكَ، وَاجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَإِلَّا لَيْتَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَاغْفِرْ لَنَا يَا خَيْرَ
الْغَافِرِينَ، وَافْعَلْ بِنَا وَبِالْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١.

١. أكثر فقرات هذا الدعاء، في المتنوعة في أعمال «موقف عرفات» ضمن الأدعية التي ينبغي في ذلك الموقف عند
الغروب، من دون إسناد إلى أحد، وتبعه في ذلك بعض الفقهاء، في نقله في كتاب الحج وأعمال موقف عرفات،
كصاحب المنهاج والذرائع والحدائق.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از دین اسلام بیرون مبر؛ که من به رشته تو آویخته‌ام. پس مرا به غیر خودت وا مگذار.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را به من سود می‌دهد، به من بیاموز و آنچه را به من آموخته‌ای برایم سودمند قرار بده و دلم را از دانش و بیم از توانایی‌ها و مجازات‌هایت آکنده کن. خدایا! من از تو مانند گرفتاری که از تو چاره می‌جوید و از عذابت می‌هراسد و از کيفرت می‌ترسد، درخواست می‌کنم که مرا بیمارزی و با رحمتت مرا در بر بگیری و با من مهربانی کنی و با آمرزشت، به من بازگردی و توفیق دهی فریضه‌ام را ادا کنم و با فضل و بخششت، مرا بی‌نیاز کنی تا درخواستی از هیچ یک از مردمانت نکنم و مرا با رحمتت از آتش برهانی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در فرج ولایت و فرزند ولایت تعجیل بفرما و فتحی آسان و یاری پیروزمندان‌های را برای او پیش آور.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و حجت او را با ولایت آشکار کن و ستش را با ظهور او زنده کن تا با ظهورش، همه بندگان و همه سرزمین‌هایت قوام گیرند تا هیچ کس، چیزی از حق را پنهان نکند. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت شریف و کریمش را - که اسلام و مسلمانان را با آن عزت می‌بخشی و نفاق و منافقان را با آن خوار می‌سازی - بر سر کار آوری.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را در آن [روزگار] از دعوت‌گران به فرمان‌برداری‌ات و کامیابان در راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را روزی ما بگردان. خدایا! آنچه را از حق نشناختیم، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم، به ما برسان.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه آنچه را از تو خواستیم، برابمان اجابت نما و هر چه را از تو درخواست کردیم، به ما عطا کن و ما را سپاس‌گزار نعمت‌هایت و یادکننده بخشش‌هایت قرار بده و ما را بیمارزای بهترین آمرزندگان! و با ما و مؤمنان، آن کن که تو شایسته‌اشی، ای رحیم‌ترین رحیمان! ^۱ ^۲

۱. مرحوم مفید در المقنعة، بیشتر این دعا را بدون سند در اعمال عرفات آورده است. برخی از فقها به تبع او در کتب حج آورده‌اند.

۲. المزار الکبیر؛ ص ۵۴۱ ح ۲، المقنعة؛ ص ۴۱۴، بحار الأنوار؛ ج ۱۰۲ ص ۱۰ ح ۶.

١٣/٦

الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ صَلَاةِ الْمُنَسُّوْبَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٨٨ . جمال الأسبوع : صلاة الحُجَّةِ الْقَائِمِ ﷺ : رَكَعَتَيْنِ ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ إِلَى

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تَقُولُ مِئَةَ مَرَّةٍ: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تُبَيِّنُ قِرَاءَةَ

الْفَاتِحَةِ ، وَتَقْرَأُ بَعْدَهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً ،^١ وَتَدْعُو عَقِيْبَهَا فَتَقُولُ :

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنَعَتْ^٢

السَّمَاءُ ، وَإِيَّاكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكَى ، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ ، وَعَجَّلِي اللَّهُمَّ فَرْجَهُمْ

بِقَائِمِهِمْ ، وَأَظْهِرْ إِعْرَازَهُ . يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

١ . إن كيفية هذه الصلاة جاءت في موضعين آخرين :

الأول في صلاة الحاجة التي وردت من الناحية المقدسة ، وذكرها المرحوم الطبرسي في كتاب كنوز النجاح و نقلها السيد ابن طاووس في مهج الدعوات (ص ٢٥١) عنه ، وذكرناها نحن في قسم «الأدعية المأثورة عن الإمام ﷺ» . وهذا الدعاء يتعلق بعصر الغيبة الصغرى (راجع: ص ٢٠٠ ح ١٠٩٨) وجاء الموضع الثاني في كيفية صلاة مسجد جمكران . باختلاف هو أن الأمر جاء بأداء صلاة التحية أيضاً . (راجع: ج ٣ ص ٥٨) لأنها تؤدي في المسجد . وهذا الدعاء ، يتعلق بعصر ما بعد الغيبة الصغرى و زمان انشيع الصدوق .

بناء على ذلك . فإن الصلاة التي ذكرها السيد ابن طاووس هنا . اقتبسها من صلاة الحاجة نفسها التي جاءت في كنوز النجاح . ويتضح هذا الموضوع من سياق الصلوات المذكورة في هذا القسم لأن كلاً منها يتضمن شأن الصدور و قد نسبت إلي المعصوم . و ذكر السيد سندها ، ولم يفعل ذلك هنا . و أما الدعاء الذي اقترحه بعد هذه الصلاة فهو دعاء الفرج «عظم البلاء» الذي ذكرناه في بداية قسم «الأدعية المأثورة عن الإمام» . ولا صلاة فيه ، و من جهة أخرى فإن صلاة الحاجة المنقولة في كنوز النجاح فيها دعاء آخر يبدأ بعبارة «اللهم إن أظعتك فالمحمدة لك ... (راجع: ص ٢٩٤ ح ١٠٩٥)» .

وهكذا فإن الصلاة و الدعاء اللذين أوصي بهما هنا ، نيس لهما تركيب مأثور ، إلا أن كل واحد منهما مأثور بشكل منفصل و تركيب هذه الصلاة و الدعاء ، هو من ابتكار السيد (رض) .

٢ . في المصدر «بما» وسعت والصحيح ، أبتناه .

۱۳/۶

دعا برای اوست از نماز امام زمان علیه السلام

۱۰۸۸. جمال الأسبوع: نماز حجّت، قائم آل محمد عج دو رکعت است که در هر رکعت، سوره حمد را می‌خوانی تا به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسی، آن را صد مرتبه می‌گویی و سپس سوره حمد را تا پایان قرائت می‌کنی و پس از آن سوره توحید را یک مرتبه می‌خوانی^۱ و پس از نماز می‌گویی: «خدایا! بلا بزرگ شده، و نهان، آشکار شده و پرده، کنار رفته و زمین، تنگ گشته و آسمان، [از باریدن] بخل ورزیده است.^۲ و ای خدای من! شکوه‌ها و دردها را نزد تو می‌آورند و تکیه‌گاه در سختی و راحتی، تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که ما را به اطاعتشان

۱. دستور این نماز در دو جای دیگر آمده است. نخست در نماز حاجتی که از ناحیه مقدسه وارد شده و مرحوم طبرسی در کتاب کنوز النجاح آن را آورده است و سید ابن طاووس در مهج الدعوات (ص ۳۵۱) از آن نقل می‌کند و ما آن را در بخش «ادعیه ماثور از قائم عج»، آورده‌ایم. این دعا مربوط به عصر غیبت صغری است (ر. ک: ص ۳۰۱ ح ۱۰۹۸) و دومین مورد، در دستور نماز مسجد جمکران وارد شده است. با این فرق که در آن جا چون مسجد بوده، دستور خواندن نماز تحیت نیز داده شده است. (ر. ک: ج ۳ ص ۵۹) این دعا مربوط به دوران پس از غیبت صغری و زمان شیخ صدوق است. بنا بر این، نمازی را که سید ابن طاووس در این جا آورده، از همان نماز حاجتی که در کنوز النجاح آمده، اقتباس نموده است. این مطلب از سیاق نمازهای آمده در این بخش معلوم می‌شود؛ زیرا هر کدام دارای شأن صدور بودند و به معصوم نسبت داشته‌اند. سید، مستند آنها را آورده و این جا چنین کاری نکرده است. دعایی هم که بعد از این نماز پیشنهاد کرده است، دعای فرج «عظم التبلاء» است که در آغاز بخش «ادعیه ماثور از قائم عج» آورده‌ایم و این دعا، نماز ندارد و از سوی دیگر، نماز حاجت نقل شده در کنوز النجاح دعای دیگری دارد که با عبارت «اللهم ان أطلعك فالمحمدة لك...» شروع می‌شود (ر. ک: ص ۲۹۵ ح ۱۰۹۵)

نتیجه آن که، نماز و دعایی که در این جا، توصیه شده، ترکیبی ماثور ندارد؛ ولی هر کدام به طور جداگانه ماثور هستند و ترکیب این نماز و دعا، ابتکار سید است.

۲. در متن عربی، واژه «السماء» بدون فعل مناسب آن آمده است و به نظر می‌رسد فعل «منعت» جا افتاده باشد که در این صورت، با متن مشهور همین دعا شبیه می‌شود که در آینده، به عنوان اولین دعای ماثور از امام مهدی عج خواهد آمد (ر. ک: ص ۲۹۵ یا نوشت ح ۱۰۹۵).

كافيائي، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، انصُراني فَإِنَّكُما ناصِرَيايَ، يا مُحَمَّدُ
يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، احفظاني فَإِنَّكُما حافظَيايَ، يا مَولايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ
- ثلاثَ مَرَّاتٍ - العَوثُ العَوثُ العَوثُ، أدِرْكني أدِرْكني أدِرْكني، الأمانَ الأمانَ
الأمانَ.

فرمان دادی. خدایا! در گشایش امرشان به دست قائم ایشان تعجیل بفرما و عزت‌ش را آشکار بفرما. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا حفظ کنید که شما حافظان من هستید. ای مولای من! ای صاحب الزمان! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس! مرا دریاب، مرا دریاب! امان، امان، امان!

ر. کد ص ۳۹۵ ج ۱۰۹۵.

الفصل السابع

الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ حَالٍ

١ / ٧

دُعَاءُ الْفَرَجِ (اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ)

١٠٨٩ . الإقبال : جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ، وَقَدْ اخْتَرْنَا مَا ذَكَرَهُ ابْنُ أَبِي قُرَّةٍ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ :

وَكُرِّرْ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَالشَّهْرِ كُلِّهِ ، وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ ، وَمَتَى حَضَرَكَ فِي دَهْرِكَ ، تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ ، وَلِيًّا وَحَافِظًا ، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا ، وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَعَرَضًا ، وَتَجْعَلَهُ وَدُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ ،

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ ، وَالْفَتْحَ عَلَيَّ وَجِهَهُ ،

فصل هفتم

دعا برای امام مهدی علیه السلام در هر حال

۱/۷

دعای فرج (اللهم کن لولیک القائم)

۱۰۸۹. الإقبال: جماعتی از بزرگان شیعه روایت کرده‌اند و ما نقل کتاب ابن ابی قره را انتخاب کرده‌ایم که به سندش از محمد بن عیسی به سندش از صالحان رضی الله عنہم آورده است که فرمود: این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال ایستاده و نشسته و در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر زمان که برایت میسر بود، تکرار کن. پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش می‌گویی:

«خدایا! در این لحظه و در هر لحظه دیگر، برای ولایت قائم به امرت، حجت، محمد بن حسن مهدی - که بر او و پدرانش بهترین درود و سلام باد - سرپرست و نگاهبان و راهبر و یاور و راهنما و استوارکننده باش تا او را در زمینت - که به اطاعت او درآمده -، جای دهی و او را در طول و عرض آن بهره‌مند کنی و او و نسلش را از امامان وارث [زمین] قرار دهی.»

خدایا! او را یاری کن و با او انتقام بگیر، و یاریات را برای او و به دست او، و فتح را به سود او قرار بده، و کار را به سوی کسی دیگری مچرخان.

وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَىٰ غَيْرِهِ.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ، وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ الْمَلَأَى؛ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ.

راجع: من ٢٠٠ (الفصل الرابع / الدعاء له في ليلة الثالثة والعشرين).

٢ / ٧

دُعَاءُ «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ»

١٠٩٠. مصباح المتهجد: روى يونس بن عبد الرحمن^١: أَنَّ الرَّضَائِيَّ كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَخُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ^٢

١. قال الشيخ الطوسي: أخبرنا بجميع كتبه ورواياته جماعة، عن أبي جعفر بن بابويه، عن محمد بن الحسن، وعن أحمد بن محمد بن الحسن، عن أبيه، عنه.

وأخبرنا بذلك ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن، عن سعد الحميري وعلي بن إبراهيم ومحمد بن الحسن الصفار، كلهم عن إبراهيم بن هاشم، عن إسماعيل بن مرار وصالح بن السندي، عنه (التهرست للطوسي: ص ٢٦٦ الرقم ٨١٣).

٢. الجحجج: السيد الكريه (النهاية: ج ١ ص ٢٢٠ «جحجج»).

خدایا! دینت و سنت پیامبرت را با او آشکار کن تا آن جا که هیچ چیز از حقیقت را به هراس از کسی پنهان ندارد. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت باکرامتی روی کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن عزیز کنی و نفاق و منافقان را با آن خوار بداری. ما را از دعوتگران به سوی اطاعت از تو و از راهبران به راه تو قرار بده و به ما در دنیا و آخرت، نیکی عطا بفرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار و خیر هر دو سرا را برای ما گرد آور و همه آنچه را در آن دو سرا دوست داری، برایمان به انجام برسان و با رحمت و منت نهادنت، خیر همراه عافیت را در آن برایمان قرار بده. آمین ای خدای جهانیان! و از فضل و دست پُرت، برای ما بیغزا که هر عطاکننده‌ای از داری‌اش می‌کاهد و عطای تو بر ملکیت می‌افزاید»^۱.

ر.ک: ص ۲۰۱ (دعا برای او در شب بیست و سوم رمضان).

۲ / ۷

دعای «خدایا! از ولایت [بلا] را [دفع کن]

۱۰۹۰. مصباح‌المتجهّد: یونس بن عبد‌الرحمان می‌گوید: امام رضا ع به خواندن این دعا برای صاحب‌الأمر فرمان می‌داد: «خدایا! از ولایت، جانشینت و حجتت بر خلقت [بلاها را] دفع کن؛ او که زبان بازگوکننده از جانب تو و بیان‌کننده حکم توست و به اذن تو دیده بینای توست؛ گواه تو بر بندگانت، سرور مجاهد کوشا و بنده پناهنده به تو و

المُجَاهِدِ، العَائِدِ بِكَ، العَائِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ
وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ
وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ، أَيْمَتَكَ
وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ^١، وَفِي
مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقَهَّرُ، وَأَمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ
فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَانصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ،
وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ
الْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا.

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتَقَ، وَأَمِيتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ
بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقُوَّةِ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،
وَدَمِّدِمْ^٢ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّاهُ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ وَدَعَائِمَتَهُ،
وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُؤَمِّتَةَ الشُّنَّةِ، وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ، وَذُلُّلْ بِهِ
الْجَبَّارِينَ، وَأُپِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا
وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دَيْتَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّزْ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُحْيِ بِهِ سُنَنَ
الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ^٣ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ،
حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا، مَحْضًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ
وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَةَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ

١. خفرت الرجل: إذا تقضت عهده وغدرت به (مجمع البحرين: ج ١ ص ٥٢٨ «خفر»).

٢. دمدم عليهم: أي أهلكهم وأزعجهم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣١٧ «دمدم»).

٣. دارس التنزيل: عفا وخفيت آثاره (المصباح الصغير: ص ١٩٢ «درس»).

پرستشگر پیش توست. او را از شر آنچه آفریده‌ای، درست کرده‌ای، ایجاد نموده‌ای، پدید آورده‌ای و صورت داده‌ای، پناه ده و او را از جلو و پشت، راست و چپ، بالا و پایین، حفظ فرما، با همان حفظت که اگر کسی را در بر بگیری، تباہش نمی‌کند. و پیامبرت، و پدرانش را که امامان تو و ستون‌های دینت هستند، در او حفظ کن، و او را در زمره امانت‌های خود که تباہ نمی‌شود بگیر، و در پناه و پیمان خودت که شکسته نمی‌شود بیاور، و به قلعه عزت و منع خودت که مغلوب نمی‌شود درآور، و با امان استوار خودت امانش ده که هر کس را با آن امان دادی، و انهدادی، و او را در حمایت خود قرار ده که هر کس در آن باشد، قصد نابودی او را نمی‌کنند، و او را با یاری پیروزمندان یاری ده، و با لشکر چیره‌ات استوار بدار، و با نیرویت تقویت کن، و با فرشتگان پشتیبانی بنما. خدایا! هر که را دوست می‌دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می‌دارد، دشمن بدار، و زره نگاه‌دارنده‌ات را بر او بپوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان به طور کامل بگیر.

خدایا! پراکندگی‌ها را با او جمع کن و شکاف‌ها را با او پر کن و ستم را با او نابود گردان و عدالت را با او پدیدار کن و زمین را با طول بقایش زینت بخش و با یاری‌ات استوارش کن و با هراس [در دل دشمن] یاری‌اش ده، و یاورانش را تقویت کن و واگذارندگانش را وا بگذار، و هر که را با او دشمنی می‌کند، به هلاکت برسان، و هر که را به او خیانت می‌کند، نابود بفرما، و گردن‌کشان، سرکردگان و پایه‌های کفر را به دست او بکش، و سران گمراهی، بدعت‌گزاران اصلی، نابودکنندگان سنت و تقویت‌کنندگان باطل را به دست او درهم شکن، و گردن‌کشان را به دست او خوار کن، و همه کافران و منحدان را در شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا و کوه و دشتت به دست او نابود بفرما تا کسی از آنان نگذاری و اثری از ایشان نماند.

خدایا! سرزمین‌هایت را از آنان پاک و بندگانت را از دست آنان نجات بده، و مؤمنان را با او عزت ببخش، و سنت‌های فرستادگان و احکام از یاد رفته پیامبران را به دست او زنده کن، و آنچه از دینت محو و آنچه از احکامت دگرگون شده، به دست او زنده کن تا دینت را با او و بر دستان او نو، شاداب، درست و ناب کنی، بی هیچ کژی و بدعتی در آن تا با عدالتش، تاریکی‌های ستم را روشن کنی و آتش کفر را خاموش کنی و جایگاه‌های حق و

مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ عَلَيَّ
عَبِيدِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ
الذَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ^١ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً، وَلَا أَتَى
حَوْباً، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضِعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ
فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّه الْهَادِي الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ
الزَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَالِدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُفَرِّقُ بِهِ عَيْنَهُ،
وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا،
حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَيَّ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ^٢ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَيَّ يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحْجَةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى،
الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَيَّ طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلَيَّ
مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ
مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ
وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ
بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُجَلِّلَنَا مَحَلَّةً، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

١. الطَّامَّةُ: هي القيامة تطمُّ كلُّ شيء (لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٧٠ «طمم»).

٢. في الطبعة المعتمدة: «تغلب» وهو تصحيف، والصواب ما أثبتناه كما في جميع المصادر وكذلك في النسخ
الخطية للمصدر.

عدالت‌های ناشناخته را روشن کنی؛ که او همان بندهٔ توست که او را برای خود برگزفتی و برای [امور] غیبی‌ات برگزیده‌ای و از گناهان، نگاهش داشتی و از عیب‌ها مبرایش کردی و از آلودگی، پاکش نمودی و از پلیدی، سالمش نهادی.

خدایا! ما روز قیامت و روز بلای بزرگ برایش گواهی می‌دهیم که نه گناهی کرده و نه خطایی از او سر زده و نه نافرمانی تو را کرده و نه از اطاعت تو فروگذار کرده و نه حرمتی را از تو دریده و نه واجبی را از تو دگرگون ساخته و نه شریعتی را از تو تغییر داده است، و او امام راه‌نمای راهیافته، پاک پروا پیشهٔ پاکیزهٔ راضی و بالنده است.

خدایا! به خودش، خانواده‌اش، فرزندان‌ش، نسلش، امتش و همهٔ مردمش، مایهٔ چشم روشنی‌اش و آنچه جان‌ش را شاد می‌کند، عطا کن و حکومت همهٔ مملکت‌ها، نزدیک و دور، نیرومند و خوار را برای او گرد آور تا حکمش بر هر حکمی، جاری شود و حقش بر هر باطنی، غلبه کند.

خدایا! ما را به دست او به راه روشن هدایت و شاه‌راه روشن آن و طریقهٔ میانه - که تندرو، به آن باز می‌گردد و عقب‌مانده، خود را به آن می‌رساند -، بپر. خدایا! ما را بر فرمان‌برداری از او نیرومند کن و بر پیروی او استوار بدار و دنباله‌روی از او را بر ما منت بده و ما را در جرگهٔ او و برپا دارندگان کارش قرار بده که همراه او شکیب می‌ورزند و خشنودی تو را با خیرخواهی برای او می‌جویند، تا آن که روز قیامت، ما را در زمرهٔ یاران و یاوران و تقویت‌کنندگان حکومت او محشور کنی.

خدایا! همهٔ اینها را از جانب ما تنها برای خودت و به دور از هر شک و شبهه و ریا و خودنمایی قرار ده تا بدان، بر غیر تو اعتماد نکنیم و جز تو را با آن نجویم و تا آن گاه که ما را در جایگاه او جای دهی و در بهشت همراهش سازی. ما را در کار او به ملالت و کسالت و سستی و ناتوانی مبتلا نکن، و ما را از کسانی قرار ده

وَأَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ
وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا؛ فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ،
وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسَدَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا
لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا؛ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُرَّانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ
تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،
وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيائِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ.

راجع: ص ٨٦ (الفصل الأول: دعاء الإمام الرضا ع).

٣ / ٧

دُعَاءُ الْمَعْرِفَةِ الْمَرْوِيِّ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمَفْدَسَةِ

١٠٩١. مصباح المتجهّد: رُوِيَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا
جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ: أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ مُحَمَّدَ بْنَ هَشَامٍ
أَخْبَرَهُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَذَكَرَ أَنَّ الشَّيْخَ أَبَا عَمْرٍو الْعَمْرِيَّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ،
وَأَمَرَهُ أَنْ يَدْعُو بِهِ، وَهُوَ الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ:
اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي
رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ
إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِي مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي.

که دینت را با آنان یاری می‌دهی و ولایت را پیروزمندان یاری می‌دهی، و دیگری را به جای ما مگذار که ما را با دیگری عوض کردن، برای تو آسان و بر ما گران است.

خدایا! بر جانشینانش و امامان پس از او، درود فرست و به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و یاری‌شان ده و آنچه از امور دینت را به ایشان سپرده‌ای، برایشان کامل کن و پایه‌هایشان را استوار بدار و ما را یاران ایشان و یاوران دینت قرار ده؛ که آنان معادن کلمات تو، گنجوران دانش تو، پایه‌های توحید تو، عهده‌داران کار تو، بندگان خالص تو، برگزیدگان از میان آفریدگان تو، اولیای تو و از نسل اولیایت و برگزیدگان فرزندان پیامبر تو هستند. درود و رحمت و برکات خدا بر او و ایشان باد! ^۱

ر. ک. ص ۸۷ (فعل یکم دعای امام رضا عج).

۳ / ۷ دعای معرفت

۱۱۹۱. مصباح‌المتجهّد: جماعتی از ابو محمد هارون بن موسی تلّکبری نقل کردند که او گفت: این دعا را ابو علی محمد بن همام [از عالمان شیعه در قرن سوم و چهارم] ^۲ نقل نموده و ذکر کرده که شیخ ابو عمرو عمری [نائب امام زمان عج] آن را برایش املا کرده و به او فرمان داده است که آن را بخواند. این دعا برای روزگار غیبت قائم آل محمد - که بر او و بر ایشان سلام باد - است:

«خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو خود را به من نشناسانی، فرستاده‌ات را

۱. مصباح‌المتجهّد: ص ۴۰۹ ح ۵۲۵، جمال‌الأسبوع: ص ۳۰۷، ائینة‌الأمین: ص ۸۱، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۶، مصباح‌الزائر: ص ۴۵۷ با عبارت مشابه بدون اسناد، بحار‌الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۰ ح ۴.
۲. ابو علی محمد بن ابو بکر همام بن سهیل کاتب اسکافی (۲۵۸ - ۳۳۶)، نجاشی گفته است: شیخ اصحاب ما و پیشگام آنها، دارای عظمت و جایگاهی والا و پُر روایت است. شیخ گفته است: «محمد بن همام اسکافی، مکنّی به ابو علی، شخصیتی جلیل‌القدر، مورد اعتماد و کثیر‌الحدیث است». او در کتاب رجالش محمد را در زمره کسانی شمرده که از ائمه عج روایتی را نقل نکرده‌اند و در وصفش چنین گفته است: «محمد بن همام بغدادی مکنّی به ابو علی، و همام مکنّی به ابو بکر، شخصیت جلیل‌القدر و مورد اعتماد است» (ر. ک: رجالی الطوسی: ص ۴۲۸ ش ۶۲۷، الفهرست، طوسی: ص ۲۱۷ ش ۶۱۲، رجال‌النجاشی: ج ۲ ص ۲۹۵ ش ۱۰۲۳، خلاصه‌الأقوال: ص ۱۴۵ ش ۳۸).

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ قَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ: أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَجَعْفَرًا، وَمُوسَى، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلْيَنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلَيْتِكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ^١، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ بِمَنْ؟ وَكَيْفَ؟ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ؟ وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرَبِّئَنِي لِوَلِيِّ الْأَمْرِ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، أَبْرَزَ يَا رَبُّ مُشَاهِدَتَهُ^٢، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زَمَرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ بَدْيِهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَن حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

١. في كمال الدين والبند الأمين: «ستره».

٢. في كمال الدين وبحار الأنوار: «مشاهدته».

نخواهم شناخت. خدایا! فرستاده‌ات را به من بشناسان که اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّتت را به من بشناسان که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌شوم. خدایا! مرا به مرگ جاهلی نمیران و قلبم را پس از آن که هدایت نمودی، از راه به در مبر.

خدایا! همان گونه که مرا به ولایت کسانی هدایت نمودی که اطاعتشان را از میان والیان امر پس از پیامبرت - که درودهایت بر او و خاندانش باد - واجب نموده بودی تا آن که والیان امرت: امیر مؤمنان، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجّت قائم، مهدی - که درودهایت بر همه آنان باد - را ولیّ خود گرفتیم، پس مرا بر دینت پایدار بدار و به اطاعتت بگمار و دلم را برای ولیّ امرت نرم بگردان و مرا از آنچه مردمانت را به آن آزمودی، معاف بدار و بر اطاعت از ولّیت که از مردمت پوشیده‌اش داشتی استوار بدار که به اذن تو از دیده مردمت غایب شده و امرت را انتظار می‌کشد و تو، به علم خود می‌دانی که چه هنگام، اذن به آشکار کردن کار و رازش به صلاح اوست. پس مرا بر این امر شکیبیاکن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می‌اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می‌اندازی، دوست نداشته باشم و آنچه را پوشیده داشته‌ای، نگشایم و آنچه را تو پنهان نموده‌ای، نکاوم و در تدبیرت با تو نستیزم و نگویم: چرا؟ و چگونه؟ و یا چرا ولیّ امر ظهور نمی‌کند، با آن که زمین از ستم پر شده است؟! و همه این امور را به تو می‌سپارم.

خدایا! از تو می‌خواهم که ولیّ امرت را به من بنمایانی در حالی که ظهور کرده و امرش نافذ است، و می‌دانم که سیطره و قدرت از آن توست و نیز برهان و دلیل و خواست و توانایی و قوت. پس این را برای من و همه مؤمنان به انجام رسان تا به ولّیت - که درودهایت بر او باد - بنگریم در حالی که سخنش آشکار و هدایت نمودنش علنی و راه‌نمای میان گمراهی و شفا دهندة نابخردی است. ای خدای من! جایگاه‌های حضورش را بنما و پایه‌های [حکومتش] را پابرجا کن و ما را از کسانی قرار بده که چشمشان به

اللَّهُمَّ وِئِدْ فِي عُمْرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنَهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ^١ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ، الزَّكِيُّ النَّفِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالذُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْنَطْنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ.

اللَّهُمَّ وَقُوَّةَ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقُوَّةَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَتُبِّسْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ، وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَقَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ، لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ^٢ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ^٣ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاسِكِينَ، وَجَمِّعْ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْجِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَّعَ مِنْهُمْ دِيَاراً^٤، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً، طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ

١. في كمال الدين وبعار الأنوار: «أوليتته».

٢. دمدم: أي أطبق عليهم القناب (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦٠٨ «دمدم»).

٣. أبر القوم: أهلكتهم (القاموس المحسط: ج ١ ص ٣٦١ «أبر»).

٤. ديار: أي ساكن (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٢١ «دار»).

دیدارش روشن می‌شود و ما را به خدمت او بگمار و بر دین او بمیران و در جرگه او محشورمان بفرما.

خدایا! او را از گزند هر چه خلق کرده و ساخته و آفریده و پدید آورده و صورت داده‌ای، در پناه خود بگیر و از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و پایینش حفظش فرما؛ به حفظ خودت که هر کس را با آن حفظ می‌کنی، تباه نمی‌شود و پیامبر و وصی پیامبرت - که بر آنان سلام باد - را با [حفظ] او محافظت فرما.

خدایا! عمرش را طولانی کن و بر مهلتش بیفزای و وی را در آنچه به او سپرده‌ای و به عهده‌اش نهاده‌ای، یاری‌اش کن و در بزرگداشت او بیفزای که او ره‌نمای ره‌یافته، قیام‌کننده آشنا به راه، پاک پروا پیشه، پاکیزه‌ناب، خشنود پسندیده و شکیبای سپاس‌گزار کوشاست. خدایا! در اثر به درازا کشیدن غیبتش و بی‌خبر ماندن ما از او، یقین ما را مگیر و ذکر و انتظارش و نیز ایمان ما به او و استواری یقین ما را به ظهورش و دعا و صلوات برای او را از یاد ما مبر، تا طول غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند و یقین ما در این باره مانند یقین ما به قیام فرستاده‌ات - که در ودهایت بر او و خاندانش باد - و آنچه از وحی و فرو فرستاده‌هایت آورده است، باشد.

خدایا! دل‌هایمان را بر ایمان به او تقویت کن تا ما را به دست او به راه هدایت و شاه‌راه روشن آن و طریقه میانه [و اصلی] ببرد. ما را بر اطاعت از او نیرومند و بر پیروی‌اش استوار بدار و ما را در زمره حزب و یاران و یاوران و رضایتمندان به کار او در آور و این را در زندگی و هنگام مرگمان از ما مگیر تا آن‌گاه که جانمان را می‌گیری، بر همین حال باشیم بی‌آنکه شک داشته و یا پیمان شکسته و یا تردید کرده و به تکذیب برخاسته باشیم.

خدایا! در فرجش تعجیل بفرما و او را با نصرتت، استوار بدار و یارانش را یاری ده و وانهادهندگانش را وا بپه و آنان را که به دشمنی با او و تکذیبش برخاسته‌اند، هلاک کن و حق را به دست او آشکار کن و ستم را بمیران و بندگان مؤمنت را به دست او از خواری برهان و سرزمین‌هایت را با او آباد کن و زورگویان کافر را به دست او بکش و سران گمراهی را به دست او خرد کن و جبّاران و کافران را به دست او خوار گردان و منافقان و

مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ
وَعُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ
وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ
لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ
الْغُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرُّجَسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ
الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شِعْبَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ
مِنْ آمَالِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ،
حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَعَيْتَةَ وَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ،
وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنِكَ تَعَجُّلَةً،
وَنَصْرِ مَنِكَ تُعِزَّةً، وَإِمَامِ عَدْلِ تَظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ^١، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ
فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبُّ دِعَامَةً إِلَّا قَضَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا
قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا خَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا
أَكَلَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْبِعَهُمْ
يَا رَبُّ بِحَجْرِكَ الدَّامِعِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبِنَاسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ
الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِبَيْتِكَ

١. في الطبعة المعتمدة: «بلادك» بدل «عبادك». وما أثبتناه من كمال الدين وجمال الأسبوع ونسخة أخرى من
المصدر وبحار الأنوار.

پیمان شکنان و همه مخالفان و کژروان را در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و کوه و دشت به دست او هلاک کن تا آن که هیچ یک از آنان را بر جای نگذاری و اثری از ایشان باقی نماند. سرزمین هایت را از ایشان پاک کن و سینه های بندگانت را با هلاکت آنان شفا بده و آنچه را از دینت محو شده، با او احیا کن و آنچه را از حکمت، دگرگون شده و آنچه را از سنتت تغییر یافته، به دست او اصلاح کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه و درست شود، بی هیچ کژی و بدعتی در آن، تا آن که آتش کافران را با عدالتش، خاموش کنی؛ که او بنده ای است که برای خود برگرفته ای و برای یاری دینت پسندیده ای و او را با آگاهی ات برگزیده ای و از گناهان محفوظش داشته ای و از عیب ها پاکش نموده ای و بر غیب ها آگاهی کرده ای و به او نعمت داده ای و از آلودگی، پاک و از پلیدی ها، پاکیزه اش کرده ای.

خدایا! بر او و بر پدران وی - امامان پاک - و بر پیروان برگزیده اش درود فرست و به آرزوهایشان برسان و این را از ما خالص و بی شک و شبهه و خودنمایی و ریاکاری قرار بده تا جز تو را نخوریم و جز روی تو را نجویم.

خدایا! نبودن پیامبران، غیبت و لئیمان، سختگیری روزگار بر ما، رخ دادن فتنه ها، پشت به پشت هم دادن دشمنان و فراوانی آنها و اندک بودن ما را به تو شکوه می بریم. خدایا! اینها را از ما با فتوحی سریع از سوی خودت و یاری ای شکست ناپذیر از جانب خودت و امام عدلی که آشکارش می کنی، بگشای. ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از تو می خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدالت را میان بندگانت پدیدار کند و دشمنانت را در سرزمین هایت بگشود تا - ای خدای من - هیچ پایه ای از ستم را و نگذاری جز آن که آن را در هم شکنی و بازمانده ای از آن را و آنچه جز آن که به باد فنایش بسپاری و نیز هیچ قدرتی جز آن که سستش کنی و ستونی جز آن که منهدمش کنی و تیزی ای جز آن که کندش کنی و سلاحی جز آن که ناکارش کنی و پرچمی جز آن که سرنگونش کنی و جسوری جز آن که از پایش درآوری و لشکری جز آن که از هم بپاشی. و ای خدای من! با سنگ سرشکنت آنان را بکوب و با شمشیر برانت آنان را بزن و نیز با عذابت که آن را از تبهاران باز نمی گردانی و دشمنانت و دشمنان ولایت و دشمنان

وَلِيكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ .

اللَّهُمَّ اكْفِ وَيْلَكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَّرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ الشُّؤْمِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْرِجْهُمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِبْهُمْ نَارًا، وَاحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِبْهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ.

اللَّهُمَّ فَأَحْيِ بِيَوْمِكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا^١ لَا لَيْلَ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِيزَةَ^٢، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْخُدُودَ الْمُعْطَلَّةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّتِي سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَوَيْلَكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيقَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجْرِنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

١. السَّرْمَدُ: الدائم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٤٠٨ «سرمده»).

٢. وَغَيْرُ صَدْرَةٍ: أَيِ اعْتِلَا غَيْظًا (المصباح العنبر: ص ٦٦٦ «وغير»).

پیامبرت - که دروذهای تو بر او و خاندانش باد - را با دست ولایت و دستان بستگان با ایمانت، عذاب ده.

خدایا! ولی و حجتت را در زمین، از بیم دشمنانش کفایت کن و با هر کس که با او حيله می‌کند، حيله و هر که با او مکر می‌کند، مکر کن و پیشامدهای بد را بر سر هر کس که قصد بدی با او دارد، بریز و آنها را از بیخ و بن برکن و دل‌هایشان را از او بترسان و پاهایشان را بلرزان و آنان را آشکار یا ناگه‌گیر و عذابت را بر آنها تشدید کن و آنان را میان بندگانت رسوا و در سرزمین‌های لعنت کن و در پایین درجه دوزخ جایشان ده و سخت‌ترین کیفرت را بر آنان مسلط کن و به درون آتش ببر و گورهای مردگانشان را از آتش آکنده کن و داغی آتش را به آنها برسان که ایشان نماز را تباه و شهوت‌ها را پیروی و بندگانت را گمراه کردند.

خدایا! قرآن را به وسیله ولایت زنده کن و نور او را جاوید و بی‌تاریکی بر ایمان بنمایان و دل‌های مرده را با او زنده بدار و سینه‌های پُرعظیم [مؤمنان] را با او شفا بده و خواسته‌های متفرق را با او به گرد حق، جمع کن و حدود اجرا نشده و احکام و انهداده شده‌ات را با او برپا کن تا حقی نماید جز آن که پدیدار شود و عدالتی جز آن که بشکند و - خدایا - ما را از بساوران و تقویت‌کنندگان سیطره او، فرمان‌پذیران امر او، رضایت‌مندان به کار او و تسلیم‌شدگان در برابر حکم او قرار بده و از کسانی که نیازی به تقیه کردن از مردم نداشتند باشند. تو ای خدای من! کسی هستی که سختی را می‌گشایی و بیچاره را چون دعایت کند، پاسخ می‌دهی و از دشواری‌های سهمگین، رهایی می‌دهی. پس سختی ولایت را بزدای و او را جانشین خود در زمینت قرار بده، همان گونه که برایش ضمانت کرده‌ای.

خدایا! مرا از رودررویان خاندان محمد قرار مده و مرا از دشمنان خاندان محمد قرار مده و مرا از خشم‌گیرندگان و دل‌ناخوشان بر خاندان محمد قرار مده؛ که من از آن به تو پناه می‌برم. پس پناهم بده و از آن به فریادرسی تو نیاز مندم. پس به فریادم برس!

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به وسیله ایشان در دنیا و آخرت

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ^١.

راجع: ج ٥ ص ٣١٣ [بخش هفتم / الفصل الثالث / دعاء المعرفة].

٣ / ٧

دُعَاءُ الصَّلَاةِ

١٠٩٢. الغيبة للطوسي^٣: عَنْهُ^٢. عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي

١. قال في كمال الدين: «حدثنا أبو محمد الحسين بن أحمد المكتوب. قال: حدثنا أبو علي بن همام بهذا الدعاء. وذكر أن الشيخ العمري - قدس الله روحه - أملاء عليه. وأمره أن يدعو به. وهو الدعاء في غيبة القائم عجله الله. وقال في جمال الأسبوع: «أخبرني الجماعة الذين قدمت الإشارة إليهم بإسنادهم إلى جدي أبي جعفر الطوسي - رضوان الله جل جلاله عليه - قال: أخبرنا جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري...».

٢. جاء هذا الدعاء في المصادر بشكليين مختصر (نقلًا عن الإمام الصادق عجله الله) ومفصل (نقلًا عن النائب الثاني نولي العصر عجله الله). وقد تمت توصيتهما كليهما لعصر الغيبة وكما قال السيد ابن طاووس في جمال الأسبوع (ص ٣١٥) فإن بداية الدعاء المفصل شبيهة بالدعاء المختصر. بل إننا سنرى من خلال تأملهما أن الدعاء المختصر هو القسم الأول من الدعاء المفصل والذي جاء في المصادر الروائية. ويبدو أن بعض الأسباب مثل التلخيص. وشهرة الدعاء أدت إلى أن لا تأتي فيه سوى أقسام من التفورات الأونی. وعلى سبيل المثال فإن التعبير «إلى آخره» من جانب الشيخ الطوسي في كتاب الغيبة (ص ٣٣٤) يمكن أن يكون شاهداً على هذا الموضوع. وكما مر فإن اندعاء المفصل نقل في معظم المصادر عن النائب الثاني. واعتبر هذا الدعاء من إملاته. هذا في حين أن الشيخ تصدق ذكره في كمال الدين في قسم توقيعات إمام الزمان. كما يعتبره الكفعمي في البلد الأمين مروياً عن نولي العصر عجله الله. ويبدو أن أصل هذا الدعاء للإمام الصادق عجله الله حيث أنشئ لعصر الغيبة وكان عند الأئمة عجله الله وبعض الأصحاب. في عصر النائب الثاني حيث كان الشيعة يرضخون شيئاً فشيئاً لوطأة الآثار وانضغوط النفسية والعاطفية للغيبة. وضعه النائب الثاني تحت تصرف الشيعة الذين كانوا يعيشون تلك الظروف. كما أن ذكر هذا الدعاء في قسم التوقيعات من كتاب كمال الدين. ونسبته إلى إمام الزمان عجله الله في البلد الأمين. يمكن أن يكون هو أيضاً باعتبار نسبته إلى النائب الثاني. علماً أن النواب لم يكونوا يقومون بأي عمل إلا بإذن الإمام وطلبه. ولذلك يمكن أن يحمل أيضاً عنوان توقيع الإمام نولي العصر عجله الله.

٣. وقال في مصباح المنهجد: «دُعَاءُ آخَرَ مَرْوِيِّ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عجله الله. خَرَجَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الضَّرَابِ الْأَصْفَهَائِيِّ بِسُكَّةٍ. بِإِسْنَادٍ نَمَّ تَدَكَّرَهُ اخْتِصَاراً. نُسَخَّتُهُ».

٤. أي: أحمد بن علي الرازي.

رستگاز و جزو مقربان [درگاہت] قرار بده. دعایم را اجابت کن، ای خدای
جهانیان!^۱

ر.ک: ج ۵ ص ۴۱۵ (بخش هفتم / فصل سوم / دعای معرفت)

۴/۷ دعای صلوات

۱۰۹۲. الغیبة، طوسی:^۲ یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی - در بازگشت از اصفهان - صلوات
از ناحیه مقدسه را چنین نقل کرده است: ... «بسم الله الرحمن الرحیم. خدایا! بر
محمد، سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجّت خدای جهانیان، انتخاب شده

۱. این دعا در منابع به دو صورت خلاصه (به نقل از امام صادق عج) و مفصل (به نقل از نایب دوم ولی عصر عج)
آمده است. هر دو برای عصر غیبت توصیه شده‌اند و چنان که سید ابن طاووس در جمال الأسبوع (ص ۳۱۵)
گفته، آغاز دعای مفصل، شبیه دعای خلاصه است؛ بلکه با تأمل در این دو خواهیم دید که دعای خلاصه،
بخش نخست دعای مفصل است که در منابع روایی آمده است. به نظر می‌رسد دلایلی چون تلخیص و شهرت
دعا باعث شده که فقط بخش‌هایی از فقرات آغازین آن بیاید. چنان که تعبیر «الی آخره» از سوی شیخ طوسی
در کتاب الغیبة (ص ۳۲۴) نیز می‌تواند گواه این مطلب باشد.

همان گونه که گذشت، دعای مفصل در بیشتر منابع، از نایب دوم نقل شده و این دعا را املا می‌نمودند. این
در حالی است که شیخ صدوق در کمال الدین، آن را در بخش توقیعات امام زمان عج آورده است و کفعمی نیز در
البلد الامین، آن را مروی از ولی عصر عج می‌داند. به نظر می‌رسد اصل این دعا از امام صادق عج است که برای
دوره غیبت انشا شده است و نزد ائمه عج و برخی اصحاب بوده است. در دوره نایب دوم که آرام آرام، آثار و
فشارهای روانی و عاطفی غیبت بر شیعیان سنگینی می‌کرده، نایب دوم، آن را در اختیار شیعیان آورده از
شرایط، قرار داده است. آمدن این دعا در بخش توقیعات کمال الدین و انتسابش به امام زمان عج در البلد الامین،
نیز می‌تواند به اعتبار انتسابش به نایب دوم باشد. ضمن آن که نواب هر کاری انجام می‌دادند به اذن و خواست
امام بوده است. از این رو نیز می‌تواند عنوان توقیع ولی عصر عج را داشته باشد.

۲. مصباح المنهج: ص ۴۱۱ ح ۵۳۶، کمال الدین: ص ۵۱۲ ح ۴۳، جمال الأسبوع: ص ۳۱۵، مصباح الزائر:
ص ۴۲۵، البلد الامین: ص ۳۰۶، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۷ ح ۱۸.

۳. در مصباح المنهج گفته است: دعای دیگری از صاحب الزمان روایت شده و به دست ابوالحسن ضرباب
اصفهانی در مکه رسیده، و ما سند آن را به خاطر رعایت اختصار، ذکر نکردیم، متش این است.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ الْقُمِّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَوْسُفَ الضَّرَّابُ الْغَسَّانِيُّ - فِي مَنْصَرَفِهِ مِنْ أَصْفَهَانَ -: فِي ذِكْرِ صَلَوَاتِ خَرَجَتْ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ: ... «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ غَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ شَرِّفْ بِنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِيءْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً، يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ^١، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

١. قائد العُرَى المحجّلين: الفرقة بياض في الوجه، يريد بياض وجوههم بنور الوضوء (مجمع البحرين: ج ٢ ص

هنگام پیمان گرفتن [از انسان در عالم ذرا، برگزیده در عالم ارواح، پاک شده از هر تباهی، به دور از هر عیب، او که نجات را به دست او می‌بینند و شفاعت او را امید می‌برند، کسی که دین خدا به او سپرده شده است، درود فرست.

خدایا! بنایش را رفعت ده و برهانش را بزرگ بدار و حجّتش را غلبه ده و درجه‌اش را بالا ببر و نورش را درخشان کن و رویش را سپید گردان و فضل و فضیلت و نیز درجه و منزلت والای بهشتی را به او عطا کن و او را به جایگاه ستوده [ی شفاعت امت] برسان؛ جایگاهی که اوّلین و آخرین به آن رشک می‌برند.

و بر امیر مؤمنان، وارث فرستادگان، زمامدار روسپیدان، سرور و صیّان و حجّت خدای جهانیان، درود فرست و بر حسن بن علی امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر حسین بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر علی بن الحسین، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر جعفر بن محمد، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر موسی بن جعفر، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر علی بن موسی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست، و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر علی بن محمد، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر حسن بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان درود فرست و بر جانشین شایسته، راه‌نمای رادیافته، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجّت خدای جهانیان، درود فرست.

المؤمنين، ووارث المرسلين، وحجة رب العالمين. وصل على علي بن محمد إمام المؤمنين، ووارث المرسلين، وحجة رب العالمين، وصل على الحسن بن علي إمام المؤمنين، ووارث المرسلين، وحجة رب العالمين. وصل على الخلف الصالح الهادي المهدي إمام المؤمنين، ووارث المرسلين، وحجة رب العالمين.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الْأَنْبِيَاءِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَعَدَّدْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَخَفَّفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَرَثَتِكَ الْمُحِبِّ سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وشاهدك على عبادك.

اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ، وَمُدِّدْنَا فِي عُمُرِهِ، وَزَيَّنْنَا الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

اللَّهُمَّ اكْفِنَا بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْنَا مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَادْحَرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْنَا مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ، وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتُسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَّغُهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

١. في المصدر: «وتخصه»، والصواب ما أثبتناه. كما في المصادر الأخرى.

خدایا! بر محمد و خاندانش، امامان راه‌نمای راه‌یافته، عالمان راستین، نیکان پروا پیشه، پایه‌های دینت، ستون‌های توحیدت، مترجمان وحیات، حجّت‌هایت بر مردمانت و جانشینان در زمینت درود فرست؛ آنان که برای خودت برگزیدی و بر بندگانت برتری بخشیدی و برای دینت پسندیدی و به معرفت ویژه ساختی و به کرامتت بزرگشان داشتی و با رحمتت فراگرفتی و با نعمتت پروراندی و با حکمتت تغذیه‌شان کردی و نورت را بر ایشان پوشاندی و به ملکوتت برگزیدی و گرداگردشان را با فرشتگانت گرفتی و با پیامبرت شرافتشان بخشیدی.

خدایا! بر محمد و ایشان درود فرست؛ درودی فراوان، جاویدان و پاکیزه، که جز تو به آن احاطه نیابد و جز تو در دانشش ننگجد و جز خودت از شماره کردن آن بر نیاید.

خدایا! بر ولایت، زنده‌کننده سنتت، قیام‌کننده به امرت، دعوتگر به سویت، راه‌نمای به تو، حجّت تو بر مردم، جانشینت در زمینت و گواहत بر بندگانت درود فرست.

خدایا! یاری‌اش را پیروزمندانه و عمرش را طولانی قرار ده و زمین را با طول بقایش زینت بخش.

خدایا! از ستم حسودانش، [آسوده و] کفایتش کن و از گزند حیل‌گران، پناهش ده و خواسته ستمکاران را [در آزار و قتل او] از وی دور کن و او را از دست جبّاران برهان.

خدایا! چیزی در جان و فرزندان و پیروان و مردمان و خاصّ و عامّش و در باره دشمنان و همه اهل دنیا، به او بنما که چشمش را روشن و جانش را شادمان کند و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان؛ که تو هر کاری توانایی.

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِيَّ مِنْ دِينِكَ، وَأَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهَدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ يَدْعَةٍ، وَاهْدِمِ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حَكِيمٍ، وَأَذِلَّ لِإِسْلَامِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنِ الرِّضَا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى^١، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْخَبَلِ الْمَتِينِ، وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ^٢ فِي آجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى أَمَالِهِمْ دُنْيَا وَآخِرَةً^٣ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^٤

١. في المصدر: المصطفى، والتصويب من المصادر الأخرى.

٢. في المصدر: «وأزد» وما أثبت من المصادر الأخرى.

٣. في جمال الأسبوع والمزار الكبير: «ديننا ودنيا وآخرته».

٤. جاء صدر هذا الدعاء في جمال الأسبوع: «أخبرني الجماعة الذين قدّمت ذكرهم في عدة مواضع، بإسنادهم إلى جدّي أبي جعفر الطوسي - رضوان الله عليه - قال: أخبرني الحسين بن عبيد الله، عن محمد بن أحمد بن داود وهارون بن موسى التلعكبري، قالوا: أخبرنا أبو العباس أحمد بن علي الرازي أنخضيب الأبادي، فيما رواه في كتابه كتاب الشفاء والجلال، عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي - رضی الله عنه - قال: حدثني الحسين بن محمد بن عامر الأشعري القمي، قال: حدثني يعقوب بن يوسف الصراب الغساني في منصرفه من أصفهان، قال: ...».

خدایا! آنچه را از دینت محو شده، به دست او احیا کن و آنچه از [تفسیر و تأویل] کتابت تغییر یافته، به دست او زنده کن و آنچه از حکمت دگرگون شده، به دست او آشکار کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه، خالص و ناب، بی شک و شبهه و بدون هیچ باطل و بدعتی گردد.

خدایا! هر ظلمتی را با نورش نوزانی کن و هر بدعتی را با شوکتش در هم بکوب و هر گمراهی‌ای را با عزتش فرو ریز و هر جباری را به دست او در هم شکن و هر آتشی را با شمشیرش خاموش کن و هر جباری را با عدالتش هلاک کن و حکمش را بر هر حکومتی جاری و نافذ کن و هر سلطانی را در برابر سیطره او خوار کن.

خدایا! هر که را با او در رو شود، خوار بدار و هر که را با او دشمنی می‌کند، هلاک کن و با هر که با او حيله می‌کند، حيله کن و هر که حقش را انکار می‌کند و امرش را سبک می‌شمرد و در پی خاموش کردن نور اوست و می‌خواهد یاد او را فرو بنشانند، از بیخ و بن برکن.

خدایا! بر محمد مصطفی درود فرست و نیز بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن رضامند و حسین برگزیده و همه وصیان، چراغ‌های میان تاریکی، نشانه‌های هدایت، پرتوافشان تقوا، دستگیره استوار، رشته محکم و راه مستقیم؛ و بر ولایت و الیان کارگزارش و امامان از نسل او، درود فرست، و عمرشان را دراز کن و بر مهلتشان بیفزای و آنان را به دورترین آرزوی دنیایی و آخرتی‌شان برسان؛ که تو بر هر کاری توانایی.^۱

۱. الغیبه، طوسی؛ ص ۲۷۲-۲۷۷ ح ۲۲۸، جمال الأسبوع؛ ص ۲۰۱ و ۲۰۴، دلائل الإمامه؛ ص ۵۴۵-۵۴۹ ح ۵۲۴، مصباح المسجّد؛ ص ۲۰۶ ح ۵۲۴، المیزان الکبیر؛ ص ۶۶۶، بحار الأنوار؛ ج ۵۲ ص ۱۷-۲۰ ح ۱۴.

١٠٩٣ . مصباح المتجهّد نقلاً عن أبي محمد عبد الله بن محمد العابد عن الإمام العسكري ع

- فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَأَوْصِيَاءِهِ ع: - الصَّلَاةُ عَلَى وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنْتَظَرِ ع:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ
وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يَوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ
فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ
خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ
حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهِ
الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ
وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا
يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

١٠٩٤ . تهذيب الأحكام نقلاً عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد القمي - فِي الصَّلَاةِ

١ . جاء صدر هذا الدعاء في مصباح المتجهّد: أخبرنا جماعة من أصحابنا، عن أبي المفضل الشيباني، قال: حدثنا
أبو محمد عبد الله بن محمد العابد بالدالية لفظاً، قال: سألت مولاي أبا محمد الحسن بن علي ع في منزله بسر
من رأيت، سنة خمس وخمسين ومئتين [٢٥٥] أن يملي علي من الصلاة على النبي وأوصيائه - عليه وعليهم
السلام - وأحضرت معي قرطاساً كثيراً، فأملى علي لفظاً من غير كتاب: الصلاة على النبي ع: اللَّهُمَّ! صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ رَحِيكَ وَبَلَّغْتَ رِسَالَاتِكَ... قال أبو محمد اليميني: فلما انتهيت إلى الصلاة عليه، أمسك،
فقلت له في ذلك، فقال: لولا أنه دين أمرنا الله تعالى أن نفعله ونؤديه إلى أهله لأحببت الإمساك، ولكنه الدين،
اكتب: الصلاة على الحسن بن علي بن محمد ع: اللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ... الصلاة على ولي
الأمر المنتظر ع: اللَّهُمَّ! صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ...

۱۰۹۳. مصباح المتهجد - به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد - : امام عسکری علیه السلام در باره صلوات بر پیامبر و وصیانش فرمود: «صلوات برای ولی امر منتظر علیه السلام: ۱. خدایا! بر ولایت و فرزند ازلیت درود فرست؛ آنان که اطاعتشان را واجب و حقشان را لازم کردی و آلودگی را از آنان بردی و پاک و پاکیزه‌شان کردی. خدایا! دینت را با او یاری ده و اولیای خود و اولیای او و پیروان و یاورانش را با او یاری ده و ما را جزو آنان قرار ده.

خدایا! او را از گزند هر ستمکار و سرکش و از گزند همه مردمانت در پناه خود بگیر و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپش حفظ و از او حراست کن و از رسیدن بدی به او مانع شو و پیامبر و خاندان پیامبرت را با [حفظ] او حفظ کن و عدالت را با او یاری کن و او را با نصرت استوار بدار و یاورانش را یاری ده و واگذارندگانش را واگذار و جباران کافر را با او درهم کوب و کافران، منافقان و همه کژروان را در هر زمان و در هر گوشه از شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا، به دست او هلاک کن و زمین را به دست او از عدالت آکنده کن و دین پیامبرت - که بر او و بر خاندانش سلام - را به دست او آشکار بنما. خدایا! مرا از یاوران و یاران و دنباله‌روان و پیروان او قرار بده و آنچه را خاندان محمد آرزو دارند و دشمنشان از آن بیم دارند، به من نشان بده. خدای حق! دعایم را اجابت کن. ۲.

۱۰۹۴. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، در درود فرستادن بر

۱. اول دعا در مصباح المتهجد به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد: در سال ۲۵۵ق، از آقایم ابو محمد حسن بن علی علیه السلام در منزل ایشان در سامرا تقاضا کردم که درود فرستادن بر پیامبر و اوصیای ایشان - که بر او و اوصیای او سلام باد - را به من املا بفرماید، و مقدار زیادی کاغذ هم با خودم آورده بودم. ایشان بدون آن که از روی کتاب و نوشته‌ای بخواند، به من چنین املا کرد: «صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله. بار خدایا! بر محمد درود فرست که او حامل وحی تو بود و پیام‌های تو را [به خلق] می‌رساند...». ابو محمد یمنی گفت: چون نوبت صلوات بر خود ایشان (امام عسکری علیه السلام) رسید، ادامه نداد. من بر ادامه آن اصرار ورزیدم، فرمود: «اگر نبود که این [بیان صلوات] از دین است و خدای تعالی به ما فرمان داده است که آن را به اهتس برسانیم. دوست داشتم که دیگر ادامه ندهم؛ اما بنویس این از دین است؛ صلوات بر حسن بن علی بن محمد علیه السلام. بار خدایا! درود فرست بر حسن بن علی بن محمد... صلوات بر ولی امر منتظر. بار خدایا! بر ولی خود و فرزند اولیای خود درود فرست...».

۲. مصباح المتهجد: ص ۴۰۵ ح ۵۳۳. جمال الأسبوع: ص ۲۰۰. بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۷۸ ح ۱.

عَلَى الْمُعْصومِينَ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ
وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ، وَتَجْعَلُنَا
مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَأُوَالِي وَلِيِّهِمْ وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

١. نقلت هذه الزيارة من كتاب الجامع لمحمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد القمي أستاذ الشيخ الصدوق. قال
الشيخ الطوسي في كتاب - تهذيب الأحكام صدر هذه الزيارة: «ذكر هذه الزيارة محمد بن الحسن بن أحمد بن
الوليد القمي - رضي الله عنه في كتابه المترجم بالجامع: إذا أردت زيارة قبر أبي الحسن الرضا...» وينقل أيضاً
الشيخ الصدوق في عيون أخبار الرضا هذه الزيارة عن كتاب أستاذه: «باب في ذكر زيارة الرضا بطوس
ذكرها شيخنا محمد بن الحسن في جامعه فقال: إذا أردت زيارة الرضا بطوس...»
مضافاً إلى الشيخ الصدوق يبدو أن الكتاب المذكور كان عند الشيخ الطوسي أيضاً، حيث نقل عن الكتاب
مباشرة.

وتبين من خلال اعتماد الشيخين - رحمهما الله - على الكتاب المذكور أن مضمونه كان مأثوراً، وخصوصاً أن
المؤلف كان من كبار أعيان أهل قم، حيث كانوا أصحاب نزعة نصية ولا يعدلون عن النصوص بحال.

معصومان ع به هنگام زیارت قبر امام رضا ع - ۱: «خدا یا بر حجّت و ولّیت: قیام‌کننده میان مردمانت، درودی بفرست که کامل، بالنده و جاوید باشد و فرّجش را با آن نزدیک سازی و یاری‌اش کنی، و ما را در دنیا و آخرت، همراه او قرار دهی.

خدا یا! من با محبّت ایشان به تو نزدیکی می‌جویم و دوست ایشان را دوست، و دشمن ایشان را دشمن می‌دارم. خیر دنیا و آخرت را به سبب ایشان، روزی من کن و به سبب ایشان، شرّ دنیا و آخرت را از من دور کن و بیم و هراس‌هایم را در روز قیامت، کفایت نما. ۲.

۱. با توجه به برخی قرینه‌ها که محققان کتاب دریا نوشت متن عربی برشمرده‌اند، می‌توان مضمون این گزارش را از معصومان ع دانست (م).

۲. این زیارت، از کتاب الجامع محمد بن الحسن بن احمد بن ولید قمی - که استاد شیخ صدوق بوده - نقل شده است. شیخ طوسی در تهذیب الأحکام در صدر این زیارت می‌نویسد: «این زیارت را محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی - رضی الله عنه - در کتاب الجامع خود آورده است: «هنگامی که خواستی قبر ابوالحسن امام رضا ع را زیارت کنی...». شیخ صدوق نیز در عبون أخبار الرضا ع این زیارت را از کتاب اسنادش نقل کرده است: «در کیفیت زیارت امام رضا ع که در طوس است. این زیارت را شیخ ما محمد بن حسن در جامع خود ذکر کرده و گفته است: چون بخواهی امام رضا ع را در طوس زیارت کنی...».

علاوه بر شیخ صدوق به نظر می‌رسد کتاب یاد شده، در دست شیخ طوسی نیز بوده که مستقیماً آن را از کتاب نقل کرده است. از اعتماد این دو بزرگوار به کتاب دعای یاد شده، چنین بر می‌آید که مضمون کتاب، مأثور بوده است، خصوصاً که نویسنده، بزرگ قبیان بوده و آنان نص‌گرا بودند و از متون دینی، عدول نمی‌کردند.

۳. تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۸۶-۸۸ ح ۱۷۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۶۰۴ ح ۲۲۱۰، عبون أخبار الرضا ع: ج ۲ ص ۲۶۹، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۴۶.

پژوهشی درباره حکمت دعا برای امام زمان علیه السلام

دعا و عمل در کنار هم، دو پایه تحقق خواسته‌ها و آرزوهای بشر بوده‌اند. ظهور و قیام مصلح موعود برای تحقق عدالت، امنیت و کمال حقیقی انسان نیز خواسته و مطلوبی مهم برای بشریت است و از این قاعده، مستثنا نیست. اصلاح جهانی، عمومی و عمیق زندگی انسانی، به صدها زمینه‌چینی در درازنای تاریخ و پشتوانه‌ای انبوه از دعا و درخواست از خداوند نیاز دارد و تسریع یا تسهیل و حتی وقوع آن، سخت به دعای نیکان نیازمند است. این گونه است که شاهد درخواست پیوسته و مکرر امامان برای تحقق ظهور و قیام مصلح جهانی هستیم؛^۲ نکته‌ای که در دعاهای منقول از امام مهدی علیه السلام و نیز در توصیه امامان به پیروانشان مشاهده می‌شود.

موضوعات ادعیه

بسیاری از این دعاها را - که در بخش هفتم دانش‌نامه امام مهدی علیه السلام آمده‌اند - می‌توان در موضوعات زیر دسته‌بندی کرد.

۱. دعا برای تحقق فرج و انجام وعده الهی و درخواست اذن قیام: «أَنْجِزْ لِيَوْمِكَ»^۳

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین عبد الهادی مسعودی.

۲. ما از هشت امام، دعاهایی برای امام زمان علیه السلام در دست داریم؛ ولی از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام هادی علیه السلام دعایی نقل شده و محتمل است که این چهار امام نیز دعا کرده باشند؛ ولی گزارش آن به دست ما نرسیده باشد (ر.ک: ص ۷۳ «فصل یکم: دعاهای اهل بیت علیهم السلام برای امام مهدی علیه السلام»).

۳. ر.ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰.

«أُنَجِّزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ»^۱ «وَأَذِّنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ»^۲.

۲. دعا برای این که مهدی علیه السلام همان منجی و مهدی موعود و قائم منتظر و ناصر دین باشد: «تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ»^۳.

۳. دعا برای تعجیل در فرج: «وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ»^۴ «عَجِّلْ فَرَجَهُ»^۵ «أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ»^۶.

۴. دعا برای تحقق آثار و برکات قیام امام علیه السلام: «شَمَلِ الْأُمَّةِ»^۷ «عَدْلًا وَقِسْطًا»^۸ «وَأَمِيتَ بِهِ الْجَوْرَ»^۹ «وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَجَى مِنْ دِينِكَ»^{۱۰} «وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ»^{۱۱}.

۵. درخواست پاسداری و نگاه داشت امام علیه السلام از آسیب‌ها و شرور و نیز حفظ از بغی حسودان^{۱۲} و افزایش کرامت الهی^{۱۳} و مصونیت از نیرنگ دشمنان: «وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا...»^{۱۵} «فِي حِصَانَةٍ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ»^{۱۶}.

۶. درخواست خواری و هلاکت دشمنان خدا و امام: «أَذِلُّ بِهِ... مَنْ نَصَبَ لَهُ

۱. ر.ک: ص ۸۵ ح ۱۰۴۲.

۲. ر.ک: ص ۲۰۱ ح ۱۰۷۰.

۳. ر.ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳ و ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۵.

۴. ر.ک: ص ۷۷ ح ۱۰۳۹ و ص ۲۰۳ ح ۱۰۷۲ و....

۵. ر.ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰ و ص ۱۲۵ ح ۱۰۵۴ و....

۶. ر.ک: ص ۸۵ ح ۱۰۴۲ و ص ۲۲۷ ح ۱۰۸۴.

۷. ر.ک: ص ۷۵ ح ۱۰۳۷.

۸. ر.ک: ص ۱۰۹ ح ۱۰۲۶.

۹. ر.ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳.

۱۰. ر.ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳.

۱۱. ر.ک: ص ۹۵ ح ۱۰۴۴.

۱۲. ر.ک: ص ۲۷۵ ح ۱۰۹۲.

۱۳. ر.ک: ص ۹۷ ح ۱۰۴۵.

۱۴. ر.ک: ص ۲۱۷ ح ۱۰۷۷.

۱۵. ر.ک: ص ۱۹۱ ح ۱۰۶۵.

۱۶. ر.ک: ص ۹۷ ح ۱۰۳۵.

الْعَدَاوَةِ»^۱ «وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْمَنِ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ»^۲.

۷. دعا برای آسانی کار قیام و به یاری آمدن فرشتگان: «وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً»^۳ «وَحُفَّتْ بِعَلَائِكُكَ حَقّاً»^۴ «وَأَزِدْفُهُ بِعَلَائِكُكَ»^۵ «وَأَشْدُدْ أُرْرَهُ»^۶.

گفتنی است در دعاهای فراوان در باره امام زمان علیه السلام، موضوعات دیگری مانند: ارسال درودها،^۷ بیعت و پیمان بستن با امام،^۸ و فراز آوردن باورها و آرمان‌های شیعه،^۹ پیوستن به یاران ایشان و طلب صبر و استقامت برای آنان،^{۱۰} شناختن حجت،^{۱۱} تحمل انتظار و رجعت و حضور در قیام و درآمدن به جرگه یارانش^{۱۲} نیز به چشم می‌آید که با موضوع اصلی در این پژوهش - حکمت دعا برای امام زمان علیه السلام - متفاوت است.

همچنین ما به دعاهای امام زمان علیه السلام برای خود نگاه جداگانه‌ای نداشته‌ایم؛ زیرا برخی از آنها در موضوعات پیش‌گفته می‌گنجد، مانند: دعا برای تعجیل در فرج،^{۱۳} آسانی آن^{۱۴} و نیز آسانی زندگی امام زمان علیه السلام در روزگار غیبت و پوشیده ماندن از

۱. ر.ک: ص ۱۰۲ ح ۱۰۴۵.
۲. ر.ک: ص ۱۱۰ ح ۱۰۴۷.
۳. ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۲.
۴. ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۳.
۵. ر.ک: ص ۸۶ ح ۱۰۴۳.
۶. ر.ک: ص ۲۲۸ ح ۱۰۷۵.
۷. ر.ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۵ و ص ۱۷۳ ح ۱۰۶۰ و ص ۱۸۱ ح ۱۰۶۲.
۸. ر.ک: ص ۲۳۳ ح ۱۰۸۲.
۹. ر.ک: ص ۱۶۱ ح ۱۰۵۶ و ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۵ و ص ۲۶۸ ح ۱۱۱۵ و ص ۳۷۷ ح ۱۱۱۶.
۱۰. ر.ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰ و ص ۱۱۳ ح ۱۰۴۹.
۱۱. ر.ک: ص ۳۷۹ ح ۱۰۹۳.
۱۲. ر.ک: ص ۳۶۸ ح ۱۱۱۵ و ص ۳۷۷ ح ۱۱۱۶ و
۱۳. ر.ک: ص ۱۱۶ ح ۱۰۵۰ و ص ۱۱۹ ح ۱۰۵۱.
۱۴. ر.ک: ص ۱۱۰ ح ۱۰۴۷.

چشم دشمنان.^۱ برخی از این دعاها نیز دعای امام برای یاران خویش اند (وَاجْمَع لِي أَصْحَابِي، وَصِيْرُهُمْ)^۲ که با موضوع این پژوهش ارتباط ندارند.

همان گونه که مشاهده می شود، طیف گسترده‌ای از درخواست‌ها در این ادعیه مطرح شده‌اند که بسیاری از آنها روشن و بدون اشکال‌اند؛ اما در برخی موارد، درخواست‌هایی سؤال‌برانگیز به چشم می‌آیند که در قالب زیر بررسی می‌شوند.

سؤال‌ها

۱. ظهور امام مهدی علیه السلام امری حتمی و بدون «بدا» است. برای تحقق چنین امر حتمی‌ای که وعده تخلف‌ناپذیر الهی است، چه نیازی به درخواست و دعا داریم؟
 ۲. آیا تحقق آثار قیام - که فلسفه نهضت جهانی مهدی علیه السلام است -، به دعا نیاز دارد؟

۳. مگر یاری رساندن فرشتگان به امام مهدی علیه السلام، امری مشکوک و مردد است که به دعا نیاز داشته باشد؟

۴. مضمون بسیاری از ادعیه، تعجیل در فرج است، در حالی که بنده مطیع و راضی به قضای الهی، تعجیل و تأخیر در هیچ یک از مقدرات الهی را نمی‌خواهد.

۵. در چند دعا، از خداوند خواسته شده است که منجی بشر را همین مهدی موعود قرار دهد. مگر تردیدی در این زمینه وجود دارد؟

۶. مگر خداوند، به امام مهدی علیه السلام عمر طولانی نمی‌دهد و او را سالم و تن‌درست نگاه نمی‌دارد که برای سلامت‌ش باید دعا کنیم؟ و مگر دشمنانش او را می‌بینند و یا قدرت آسیب رساندن به او را دارند؟

۷. چرا این دعاها یا دعاها خود امام زمان علیه السلام، تاکنون اثر نکرده و فرج آقا

۱. ر.ک: ص ۱۱۸ ح ۱۰۵۱.

۲. ر.ک: ص ۱۱۷ ح ۱۰۴۹.

نزدیک نشده است؟ آیا تنها اثر تلقین و یا معرفت‌آموزی دارند؟

پیش از پاسخ دادن، ابتدا به چند امر مقدماتی و کلی اشاره می‌کنیم و سپس به پاسخ پرسش‌ها می‌پردازیم.

مقدمات بحث

۱. اصل ظهور، از امور حتمی است؛ اما زمان وقوع آن، بدپذیر است و مانند اجل و مرگ، قابلیت تقدیم و تأخیر دارد. یعنی ممکن است که خداوند، مانند اجل انسان، برای فرج نیز دو زمان معلق و مسما (قطعی)، تقدیر کرده باشد که اگر دعا و کارهای مناسب از بندگان تحقق یابد، تقدیر نخست محقق می‌شود و طول دوره غیبت، کوتاه‌تر می‌شود و اگر چنین نشود، غیبت به درازا می‌کشد و بر تقدیر مسما و قطعی خود منطبق می‌شود. در کتاب تفسیر العیاشی، حدیثی بر این مطلب و تأثیر درخواست از خداوند بر پیش افتادن فرج، دلالت دارد.^۱

۲. قضای حتمی و تقدیر قطعی الهی با درخواست و دعای ما و دیگران دگرگون نمی‌شود؛ اما این همه، مانع دعا کردن نمی‌شود؛ زیرا تحقق امور حتمی نیز حاصل گردد هم آمدن همه زمینه‌ها و عوامل گوناگون آن است که هر یک، جزئی کوچک یا بزرگ را از علت تام و تمام آن امر، فراهم می‌آورند و دعا نیز می‌تواند جزئی از آن علت تامه باشد. به زبان فلسفی، خداوند مقرر فرموده که کارها در این دنیا از طریق اسباب و مسببات آن انجام گیرد؛ ولی اشکالی ندارد که بخشی از این اسباب، امور نادیدنی، غیبی و کارهایی مانند دعا کردن باشد.

۳. جایگاه رضایت به تقدیر الهی و تسلیم در برابر قضای او، پس از حتمی شدن تقدیر و وقوع آن است. از این رو، دعا کردن و درخواست نمودن را - که جزئی از

عوامل پیشینی حتمی شدن و وقوع تقدیر است - نمی توان دخالت و یا کراهت نسبت به تقدیر الهی دانست. این بدان معناست که ما باید دعاها و گریه های خود را به پیشگاه الهی تقدیم بداریم؛ اما در نهایت، به آنچه خداوند تقدیر می کند، راضی باشیم. مانند امام صادق علیه السلام که هنگام بیماری فرزندشان و پیش از مرگ او نگران بودند و دعا می کردند؛ ولی پس از مرگ او، بی تابی نکردند و آرام و صبورانه، خبرش را اعلام و رضایتشان را به قضای الهی، ابراز نمودند.^۱

شاید دعای زیر در فرمان امام به نایبش عمری نیز به همین موضوع ناظر باشد:

فَصَبِّرْ نِي عَلَي ذَلِكَ حَتَّى لَا أُجِبَّ تَعْجِيلًا مَا أُخِّرْتُ، وَلَا تَأْخِيرًا مَا عَجَّلْتُ.^۲

پس مرا بر این امر شکبیا کن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می اندازی، دوست نداشته باشم.

یعنی ما باید دعا کنیم و با اصرار از خدا درخواست خود را بخواهیم؛ اما این را نیز بطلیم که اگر حکمت خداوند و مصلحت ما بر چیز دیگری قرار گرفت، بدان راضی شویم و حتی تقدیم و تأخیر آن را بپذیریم و به خیر و صلاح خود بدانیم.

۴. دعا کردن، افزون بر کمک به دستیابی در آنچه مطلوب ما و مرضی خداوند است، در تلقین آموزه های دینی و غیبی به دعاکننده و پالایش روحی و تقویت حس توحیدی او مؤثر است. دعا در هویت بخشی به دعاکننده شرکت می جوید و موضع اجتماعی - سیاسی او را روشن تر می کند و احساس مسئولیت او را در آنچه بر عهده اوست، بر می انگیزد. این نکته، در بسیاری از ادعیه ما برای امام زمان علیه السلام به چشم

۱. ر. ک: الکافی: ج ۳ ص ۲۲۵ ح ۱۱: «يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا تَجْرَعُ قَبْلَ الْمُصِيبَةِ. فَإِذَا وَقَعَ أَمْرٌ اللَّهُ رَضِينَا بِقَضَائِهِ وَسَلَّمْنَا لِأَمْرِهِ؛ مَا أَهْلُ بَيْتٍ. تَنْهَا يَشِزُّ أَمْرًا مَصِيبًا. بِي تَابِي مِي كُنِيهِ؛ أَمَّا وَقْتِي دَسْتُورِ خَدَا عَمَلِي شَد، بَه قَضَائِشِ خَشْنُودِ وَبَه لِرْمَانِشِ تَسْلِيمِ هَسْتِيم.»

۲. ر. ک: ص ۲۶۱ ح ۱۰۹۱.

می‌آید. ما در این دعاها به خود یادآور می‌شویم که: برای تحقق چه آثاری انتظار می‌کشیم و چگونه خود را شکل دهیم تا لایق جامعه آرمانی مهدوی باشیم؟ و اگر دوستدار رجعت و شرکت در قیام هستیم، چگونه زندگی کنیم و چه‌سان روح خود را پالاییم و بسازیم؟

۵. دعا‌های مأثور، در واقع، احادیثی هستند که بررسی صحت و سقم آنها از قواعد ارزشیابی متنی و سندی حدیث پیروی می‌کند. از این رو، اگر دعایی برای ما مفهوم نبود و سندی معتبر نداشت، وجوب قبول ندارد، هر چند رد آن نیز به سادگی ممکن نیست و باید علم آن را به اهلش و نهاد؛ وظیفه‌ای که در احادیث بدان سفارش شده است.^۱

حال بر پایه این مطالب می‌توان به سؤال‌ها پاسخ داد. گفتنی است که برخی از دعاها ممکن است در روزگاری مفهوم باشد و در روزگاری دیگر، مبهم نماید. برای نمونه، ممکن است دعا‌های مربوط به حفظ امام عصر از گزند حاکمان، مربوط به روزگار غیبت صغرا باشد و در دوره غیبت کبرا کمتر به آنها نیاز داشته باشیم.^۲

پاسخ سؤال یک تا سه

بر پایه مقدمه نخست، اگرچه قیام مهدوی، حتمی است، اما دعای ما و هزاران نفر دیگر در طول تاریخ، می‌تواند جزئی از علت تامه و تقدیر الهی برای ظهور امام زمان علیه السلام باشد. با دعا کردن و درخواست از خدا، و با گرد هم آمدن دیگر عوامل، زمینه حصول علت تامه ظهور و قیام امام زمان علیه السلام فراهم می‌آید و حتمیت و عده الهی، رقم می‌خورد. گفتنی است که اصل قیام امام مهدی علیه السلام حتمی است، اما زمان و شکل وقوع و نیز آسانی و سختی آن، و همچنین افراد و تعداد شرکت‌جویان در آن، از قطعیت برخوردار نیست و این، خود، عرصه جدیدی برای دعا و راز و نیاز فراهم

۱. ر.ک: بصائر الدرجات: ص ۵۵۷، تحف العقول: ص ۱۱۶، وضع و نقد حدیث: ص ۱۷۸.

۲. ر.ک: ص ۲۹۱ (پاسخ سؤال شش).

می آورد. بر همین پایه، تحقق آثار قیام و به کمال رسیدن نهضت نیز امری است که به فراهم آمدن ده‌ها عامل و صدها زمینه‌چینی نیازمند است که دعا و درخواست از خدای رحمان می‌تواند بخشی از آنها باشد. همچنین توجه به محتوای ادعیه می‌تواند جامعه آرمانی شیعه را ترسیم کند و فاصله ما را با آن برنماید؛ امری که مسئولیت ما را در زمینه‌چینی برای ظهور به ما یادآوری می‌کند.

شرکت جستن فرشتگان در قیام و تعداد و زمان به یاری آمدن آنها نیز می‌تواند بدین‌گونه به دعای ما گره بخورد و در پی اجابت ادعیه، تعداد فراوان‌تری فرشته و بسی پیش‌تر و یا در مواضعی بیشتر به یاری بیایند. افزون بر این، بازخوانی مکرر این ادعیه، سبب افروختن شعله امید در دل منتظران ظهور و تقویت روحی یاران امام است.

پاسخ سؤال چهار

ما باید به تقدیر الهی راضی باشیم؛ اما می‌توانیم به صلاح‌دید خداوند و یا حتی سفارش و فرمان الهی، با انجام دادن اعمالی و یا پیگیری دعاهایی، بخشی از تقدیر الهی را به شکل دلخواه در آوریم. بخشی از اعمال و ادعیه شب قدر و نیز وجود دو اجل معلق و حتمی برای انسان می‌تواند در همین خصوص باشد. در شب قدر درخواست کنیم خدا عمرمان و ترفیق عملمان را افزایش دهد و در طول زندگی، با دعا کردن، و یا صدقه دادن، از اجل زودرس و معلق می‌گریزیم. بر این اساس و نیز آنچه در مقدمه اول گذشت، ما می‌توانیم با دعا و عمل مناسب خود، زمان وقوع فرج را - که امری بدا پذیر و قابل نزدیک و دور شدن است - جلو بپندازیم و این، درون تقدیر و برنامه الهی و جزئی از آن است. روایت منقول در مقدمه اول و نیز توصیه امامان، این سفیران حقیقی خدا در زمین، و القای دعاهای بسیار در این باره، شاهد ماست.

در این نگرش، دعا و درخواست ما، زمینه‌ها و عوامل تحقق فرج را پیش

می اندازد و فرج در درون برنامه خود و نه بیرون از آن صورت می گیرد. از این رو، با عجله - که اقدام به کار و یا درخواست آن پیش از فراهم آمدن زمینه و مؤلفه های تحقق خارجی آن است -، تفاوت دارد. به سخن دیگر، دعای ما زمینه وقوع فرج را در اولین وقت ممکن، و نه پیش از آن، فراهم می آورد که با عجله، متفاوت است.^۱

گفتنی است دعاهای متعدد برای درخواست تعجیل در فرج، گونه ای یادآوری وظیفه ما برای تحقق این امر است. ما باید با خودسازی و جامعه سازی، زمینه ظهور امام عصر (عج) را فراهم کنیم و آن بخش از علت غیبت را که به ما مربوط می شود، از میان ببریم و برای تحقق دیگر عوامل نیز دست به دامان خداوند شویم و در دوره غیبت، همواره از یاد امام منجی، غافل نشویم تا از پاداش انتظار نیز بهره ببریم.

پاسخ سؤال پنجم

در چند گزارش، سفارش شده تا برای این که امام مهدی (عج) همان قائم به امر الهی باشد، دعا کنیم. این گزارش ها چندان فراوان نیستند و هرچند در کتاب های معتبر و یا مشهوری نقل شده اند، اما اسناد همه، مرسل اند و از این رو، از نظر سندی، ضعیف به شمار می آیند.^۲ با این همه می توان آنها را در قالب ادبیات گفتگو با

۱. ر.ک: مکالمات السکایه؛ ج ۱ ص ۳۸۲.

۲. اجعله القائیم المنتظر؛ او را قائمی قرار بده که چشم به راهش باشند. (ر.ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۳).

اجعله الداعی الی کتابک، والقائیم بدینک؛ خدایا! او را دعوتگر به کتابت و برپا دارنده دینت قرار بده. (ر.ک: ص ۱۷۰ ح ۱۰۵۹).

واجعله القائیم بأمرک؛ او را قائم به امرت قرار بده. (ر.ک: ص ۲۴۴ ح ۱۰۷۸).

اجعله الإمام المنتظر؛ خدایا! او را امامی قرار بده که انتظارش را می کشند. (ر.ک: ص ۲۴۲ ح ۱۰۸۶). به نقل از اثمتعة).

واجعله القائیم المؤمن، والنوصی المفضل، والإمام المنتظر، والعدل المختیر؛ و او را قیام کننده ای که به وی امید بسته اند و وصی برتری داده شده و امنی که چشم به راهش هستند و عدل آزموده قرار بده. (ر.ک: ص ۴۳۲ ح ۱۱۲۱).

خدای متعال، توجیه پذیر دانست؛ خدایی که هیچ گاه و در برابر هیچ چیزی دستش بسته نیست و کسی یارای برابری با او را ندارد؛ خداوند قادری که حتی مقدرات تعیین شده اش در قبضه اراده و مشیت او قرار دارند و هر لحظه می تواند تغییرشان دهد. در این نگاه به هستی است که ابراهیم علیه السلام، نیای بزرگ ترین پیامبران الهی، خود را برای انجام دادن بدیهی ترین فریضه الهی یعنی نماز، به عنایت الهی نیازمند می بیند و ندا بر می آورد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي»^۱ با آن که تردیدی نیست که ابراهیم علیه السلام از اوابین و نمازگزاران حقیقی بوده است. پس مؤمنان، همه و همیشه باید از خدا بخواهند که بر همان خیر و صلاحی باشند که خداوند برایشان مقدر کرده و در اجرای فرمانها و خواست الهی، در جایگاه مقدر خود باقی بمانند و خدای ناکرده، کسانی دیگر جایشان را نگیرند تا از پاداش عظیم الهی بی بهره نمانند. ما باید همواره از خداوند بخواهیم که منجی بشر، همان امام دوازدهم ما باشد و ما نیز پیرو پا در رکاب ایشان باشیم.

اللَّهُمَّ... وَاجْعَلْنَا مِنْ تَنْصُرٍ بِهٖ لِدِينِكَ... وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا.^۲

خدایا!... ما را از یاوران دینت قرار بده... و کسی دیگر را در این امر به جای ما مگذار.

پاسخ سؤال ششم

ابتدا به این نکته اشاره می کنیم که بیماری و پیشامدهای طبیعی، یک عارضه عمومی برای همه انسان هاست و کمتر انسانی را می توان یافت که در عمر چند دهه ای خود، از گزند آن در امان بوده باشد. گویی این سنت الهی است که همه را بدین وسیله بیازماید و اجر صبر رنجشان را توشه آخرتشان کند. از این رو، امام زمان علیه السلام نیز می تواند برای ساعتها و روزهایی بیمار شود و بیکر مبارکش از خاری و یا زخمی

۱. ابراهیم: آیه ۴۰.

۲. ر.ک: ص ۹۲ ج ۱۰۲۳ و ص ۲۵۵ ج ۱۰۹۰.

رنجور گردد، همان گونه که امامان پیشین و پیامبران نیز روزها و گاه مانند ایوب ع سال‌ها بیمار بوده‌اند. بر این اساس، طول عمر امام زمان ع مستلزم بیمار نشدن ایشان و یا خلیدن خاری در پا و سقوط از جایی و شکستگی اندام مبارکشان نیست و چه بسا ناراحتی از کردار بسیاری، تن و روح مبارک ایشان را نیز بیازارد و برای چند صباحی، ایشان را به بستر بیماری بکشاند.

افزون بر این، ممکن است در آینده، وقایع غیر قابل پیش‌بینی اتفاق بیفتد که امر قیام را با دشواری‌های طاقت‌فرسا رو به رو سازد و یا به امام مهدی ع آسیب رساند و سلامت ایشان را به خطر اندازد. این بدان معناست که از هم‌اکنون باید با دعا و توسل در اندیشه رهیدن از این خطرها و به سلامت گذر کردن از دوره انتظار و حوادث قیام بود.

به سخن دیگر، ممکن است حکمت و نیاز به برخی ادعیه برای ما روشن نباشد؛ اما برای پسینیان و آیندگان، نیازی حتمی و هویدا باشد.

همچنین می‌توان این دعاها را ناظر به دوره غیبت صغرا نیز دانست؛ زیرا احتمال دسترسی دشمنان به امام زمان ع از طریق شناسایی نایبان خاص و مرتبطان با امام و فشار آوردن به آنها وجود داشته است و این دو احتمال برای وجود و پذیرش این ادعیه کفایت می‌کند.

بر این پایه و نیز آنچه در مقدمه بحث گفته شد - که تحقق خواسته‌ها به دعا نیز نیاز دارد -، تداوم سلامت ناجی ما، می‌تواند به دعا و درخواست ما گره خورد. در این صورت می‌توان با دعا و نیز صدقات و نذر و نیاز و خیرات و مبرات، بیماری‌های جسمی و خطر حوادث طبیعی را - که به طور عمومی، دامنگیر همه انسان‌ها می‌شود - و نیز گزند احتمالی دشمنان و همچنین رنج حاصل از گناهان و کردار ناشایست انسان‌ها را که ممکن است خود نیز در آن سهیم باشیم، از آن وجود نازنین، دور نمود.

پاسخ سؤال هفت

در پاسخ به این سؤال باید گفت: تعجیل در یک امر تاریخی، با یک امر شخصی تفاوت زیاد دارد. آرزوها و آرمان‌های شخصی ما در یک محدودهٔ عمر چند ده‌ساله شکل می‌گیرد، و درخواست و پیگیری می‌شود و گاه به وقوع می‌پیوندد؛ اما تحقق درخواست‌های تاریخی به یک دورهٔ چند صدساله و بلکه چند هزارساله نیاز دارند. در این باره، نمونه‌های متعددی می‌توان ارائه داد. نوح علیه السلام صدها سال هدایت و نجات امتش را پیگیری و از خداوند درخواست می‌کرد. قوم بنی اسرائیل در مصر، قرن‌ها در انتظار نجات بخشی بودند که آنها را از دست فرعونیان رهایی بخشد و یهودیان حجاز، قرن‌ها چشم به راه پیامبری بودند که مشرکان را درهم بشکند.

اینها همه درخواست برای یک امت و در یک منطقهٔ محدود بوده است و بر این پایه، دور از ذهن نیست که برای نجات عمومی بشر و در گستره‌ای به وسعت کرهٔ زمین، نیاز باشد که همهٔ انسان‌ها یا لا اقل در هر منطقه، بخشی از آنها سال‌ها و قرن‌ها برای تحقق عدالتی دعا کنند که می‌خواهد در سر تا سر زمین جاری شود، گوشه‌گوشه آن را از ستم بزداید و از عطر عدالت و برادری بیاکند.

افزون بر این، تعجیل در یک امر تاریخی، لزوماً به معنای جلو انداختن آن برای یک یا دو قرن نیست؛ زیرا یک قرن در درازنای تاریخ، مانند یک روز در عمر ماست و اگر فرض شود که ظهور امام زمان علیه السلام و مهدی موعود باید بیست قرن دیگر تحقق پذیرد، آن‌گاه می‌توان فرض و تصور کرد که دعا برای تعجیل فرج، اثر نموده و آن را چند قرن به جلو کشیده است، هر چند برای ما و ده‌ها نسل دیگر، معلوم و محسوس نباشد.

الفصل الثامن

الأعيان المأثورة عن الإمام المهدي عليه السلام

١ / ٨

دُعَاءُ «اللَّهُمَّ عَظِّمِ الْبَلَاءَ»

١٠٩٥ . جنة المأوى نقلاً عن كتاب كنوز النجاح^١ : دُعَاءُ عَلَّمَهُ صَاحِبُ الزَّمَانِ - عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَانِ - أَبَا الْحَسَنِ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ بْنَ أَبِي اللَّيْثِ - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - فِي بَلَدَةِ بَغْدَادَ...: اللَّهُمَّ عَظِّمِ الْبَلَاءَ، وَبَرِّحِ الْخَفَاءَ، وَانْقَطِعِ الرَّجَاءَ^٢، وَانكشَفِ الْغَطَاءَ.

١ . إن أقدم مصدر لهذا الدعاء هو كتاب كنوز النجاح للطبرسي صاحب تفسير مجمع البيان (القرن السادس الهجري) وللأسف فإن هذا الكتاب ليس في أيدينا الآن، ولذا أوردنا الدعاء نقلاً عن كتاب جنة المأوى للمرحوم حاجي نوري، وحسب ما نقله للشيخ الطبرسي، فإن الإمام المهدي عليه السلام علم هذا الدعاء لأبي الحسن محمد بن أحمد بن أبي الليث الذي فر من القتل إلى مقابر قريش إلى بغداد، فكتبت له النجاة من الموت ببركته. كما ورد هذا الدعاء في بعض المصادر المتأخرة مع اختلاف، مثل: المصباح للكفعمي: ص ٢٢٥ وبعض المصادر نسبت الدعاء إلى الإمام عليه السلام ولم تشر إلى شأن صدوره، مثل المعززر الكبير: ص ٥٩١ والمعززر للنسب الأئمة: ص ٢١٠ وبعضها أوردته بدون أن تنسبه إلى الإمام المهدي عليه السلام ضمن الأعمال الخاصة بالإمام المهدي عليه السلام كما في «جمال الأسبوع» للسيّد بن طاووس: ص ١٨١ ونقص الأنبياء لفرغوندي: ص ٢٦٥ وبعض آخر أوردته في الأعمال العبادية الخاصة لباقي الأئمة كمصباح الثائر: ص ٢٨٦. وبناء على ذلك، فإن المصدر الأصلي والتقديم لهذا الدعاء لا يتوفر لدينا، فضلاً عن عدم اكتمال السند.

٢ . نيس في المعززين: «وانقطع الرجاء».

فصل هشتم

دعای رسیده از امام مهدی علیه السلام

۱/۸

دعای «خدایا! بلا فروزی گرفت»

۱۰۹۵. جنة المأوی - به نقل از کتاب کنوز النجاح -^۱ دعایی است که صاحب الزمان عجل الله فرجه - که سلام خداوند فرمانروای نعمت دهنده بر او باد - آن را در شهر بغداد به ابو الحسن محمد بن احمد بن ابی لیث - که خدای متعال رحمتش کند - آموخته است: «... خدایا! بلا بزرگ شده و نهانها آشکار شده و امیدها ناامید شده و پرده، کنار رفته و زمین، تنگ شده و آسمان [از باریدن]، بخل ورزیده است.^۲ ای خدای من! شکوه‌ها را نزد تو می‌آورند و تکیه‌گاه در

۱. کهن‌ترین منبع این دعا کتاب کنوز النجاح مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان (سده ششم) است. اما امروزه این کتاب در دسترس ما نیست. از این رو، ما آن را به نقل از جنة المأوی مرحوم حاجی نوری آوردیم. بنا بر نقل مرحوم طبرسی، امام زمان عجل الله فرجه این دعا را به ابو الحسن محمد بن احمد بن لیث - که از ترس مرگ و اعدام فراری بود و به مقابر قریش در بغداد پناه برده بود - یاد داد که موجب نجات وی شد. این دعا در منابع پسین نیز با تفاوت‌هایی آمده است (المصباح، کفعمی: ص ۲۳۵). در برخی از منابع، دعای یاد شده را به امام زمان عجل الله فرجه منسوب دانسته‌اند؛ اما شأن صدور آن را بیان نکرده‌اند (المرآة الکبیر: ص ۵۹۱، التمریز، شهید اول: ص ۲۱۰). برخی نیز بدون انتساب به امام عصر عجل الله فرجه، آن را برای اعمال عبادی مربوط به امام زمان (ر. ک: ص ۲۶۳ ح ۱۰۹۰ «جمال الأسبوع»، قصص الأئمة، راوندی: ص ۳۶۵) و یا امامان دیگر (مصباح الزائر: ص ۲۸۶) توصیه کرده‌اند. بنا بر این، افزون بر ناتمامی سند، مصدر اصلی و کهن این دعا در اختیار ما نیست.

۲. جمله «وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ»، شاید اشاره به دشواری و سختی مؤمنان در دنیا دارد که با غیبت امام عصر عجل الله فرجه شدت بیشتری گرفته است. هم چنان که می‌تواند ناظر به زمان صدور و وضعیت محمد بن احمد بن ابی لیث باشد که دچار سختی و دشواری فراوان بود و از ترس کشته شدن، به مقابر قومش پناه برده بود.

وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ^١، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَةِ
وَالرِّخَاءِ.

اللَّهُمَّ! فَضَّلْ عَلِيَّ مُحَمَّدٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ، أَوْلِي الْأَمْرِ^٢ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَفْنَا
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ،
إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ^٣، وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْعَوْتُ
الْعَوْتُ (الْعَوْتُ)، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي [السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ]^٤.

راجع: ص ٢٤٨ ح ١٠٨٨.

٢ / ٨

دُعَاءُ «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ»

١٠٩٦. دلائل الإمامة: حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي
أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي الْبَغَلِ الْكَاتِبُ... [عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ] فَقَالَ: تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَتَقُولُ:
يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ^٥، وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ،
يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ،
يَا مُتَّهِيَ كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ

١. نعل العبارة «ضاقَتِ الأرض و منعت السماء» إشارة إلى الصعوبات التي يلقاها المؤمنون في الدنيا، والتي اشتدت على إثر غيبة إمام العصر (عج). كما يمكن أن يراد منها زمان الصدور و حالة محمد بن أحمد بن أبي الليث الذي كان يواجه الكثير من المشاق و الصعوبات، وكان قد نجا إلى مقابر... مخافة القتل.

٢. ليس في النزاعين: «أولي الأمر».

٣. بوضع الالتفات إلى بداية الدعاء و التوحيد المحوري الأساسي فيه و خاصة «عليك المعول في الشدة و الرخاء» أن العبارات الأخيرة «اكفياني فإنكما كافيائي و انصُراني فإنكما ناصراي» إشارة إلى كفاية النبوة و الإمامة في اللجوء إلى ظل العناية الإلهية، و مثل هذا الشخص سوف لا يحتاج للجوء إلى الآخرين.

٤. ما بين المعقوفين أقتناه من المصباح للكفعمي.

٥. الجريرة: الجنابة و الذنب (النهاية: ج ١ ص ٢٥٨ «جرر»).

سختی و راحتی، تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب کردی و بدین‌گونه منزلتشان را به ما شناساندی. پس خدایا! به حق ایشان بر ایمان گشایشی به سان یک چشم بر هم زدن یا سریع‌تر قرار بده. ای محمد! ای علی! مرا کفایت کنید که شما کفایت‌کننده من هستید،^۱ و مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید. ای مولای من! ای صاحب الزمان! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس! مرا دریاب، مرا دریاب! الآن، الآن، الآن! بشتاب، بشتاب، بشتاب! ای رحیم‌ترین رحیمان! به حق محمد و خاندان پاکش.^۲

ر.ک: ص ۲۴۹ ج ۱۰۸۸.

۲ / ۸

دعای «ای که زیبارا آشکار می‌کنی»

۱۰۹۶. دلایل الإمامة - به نقل از ابو الحسین بن ابی بعل کاتب - : [صاحب الأمر علیه السلام] فرمود: «دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی: ای که [کار] زیبارا آشکار می‌کنی و [کار] زشت را می‌پوشانی! ای که [مجرم را زود] به جرم و جنایت بازخواست نمی‌کنی و پرده را نمی‌دری! ای که متنی بزرگ بر ما داری! ای بخشنده باگذشت! ای نیکو درگذرنده! ای که آمرزشت گسترده و دستانت به رحمت گشوده است!

ای نهایت هر رازگویی! ای غایت هر شکوه و گله‌گرازی! ای یاور هر یاری‌خواه!

۱. توجه به آغاز دعا و توحید محوری بنیادین آن بویژه: «عَلَيْكَ الْمُقُولُ فِي الشَّدْوَةِ وَانْرُخَاء» معلوم می‌کند که جملات پایانی: «إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمْ كَالْفِيَاءِ، وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمْ نَاصِرَانِي». به بسندگی نبوت و امامت در پناه‌جویی در ذیل عنایات الهی اشاره دارد و فردی این چنین به بناه‌جویی از دیگران نیاز نخواهد داشت.

۲. جنة المأوى چاپ شده در: بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۲۷۵ حکایت ۴۰، للمزار الكبير: ص ۵۹۱، المعزاز، شهید نؤل: ص ۲۱۰، المصباح، کفعمی: ص ۲۳۵، مصباح الزائر: ص ۲۸۶ (هر دو منبع با عبارت مشابه).

قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، يَا رَبَّاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا سَيِّدَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا مَوْلَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا غَايَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عليهم السلام إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرِيمِي ، وَنَفَسْتَ هَمِّي ، وَفَرَّجْتَ عَنِّي ، وَأَصْلَحْتَ حَالِي .
وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتَ ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ . ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ ، وَتَقُولُ مِئَةَ مَرَّةٍ فِي سُجُودِكَ : « يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ . اِكْفِيَانِي فَإِنِّكُمَا كَافِيَايَ ، وَانصُرَانِي فَإِنِّكُمَا نَاصِرَايَ » .

وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ ، وَتَقُولُ مِئَةَ مَرَّةٍ : « أُدْرِكْنِي » وَتُكْرِرُهَا كَثِيرًا ، وَتَقُولُ : « الْغُوثُ الْغُوثُ » حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ ، وَتَرْفَعُ رَأْسَكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ بِكَرَمِهِ يَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (تعالى) .

٣ / ٨

دُعَاءُ الْفَرَجِ (اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ)

١٠٩٧ . مصباح المتهجد : وَمَا خَرَجَ عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام :

١ . ملحوظتان : ١ . نزل الشيخ الطوسي في مصباح المتهجد (ص ٢٢٠ ح ٣٣٢) في الأدعية التي يُدعى بها في تعقيبات صلاة الفجر ، الدعاء المعروف بدعاء الحريق ، ثم نقل بعده هذا الدعاء ، وفي صدره : «ومما خرج عن صاحب الزمان زيادة في هذا الدعاء إلى محمد بن ائصمت القمي [الظاهر هو محمد بن أحمد بن علي بن الصلت] : «اللهم رب النور العظيم...» والظاهر من قوله : «زيادة في هذا الدعاء» استحباب قراءة الدعاء المروي عن صاحب الزمان عليه السلام بعد دعاء الحريق في تعقيبات صلاة الفجر ، لا ازدياد هذا الدعاء بدعاء الحريق من ناحيته عليه السلام كما زعمه بعض .

٢ . إن هذا الدعاء الذي رواه الشيخ الطوسي بعد دعاء الحريق هو مشترك في المقطع الأول منه وتارة حتى النصف مع ثلاث أدعية أخرى هي : أ - دعاء العهد الذي أوصى بقراءته أربعين صباحاً (ر.ك : ص ٢٢٠ «الفصل السادس / عند الصباح «دعاء العهد» . ب - الدعاء الذي رواه الشيخ الطوسي في صلاة الحاجة يوم الخميس : من كانت له حاجة قلبصم الثلاثلاء والأربعاء والخميس فإذا كان العشاء تصدق بشيء ، قبل الإفطار ... يستحب لمن صام أن يدعو بهذا الدعاء قبل إفطاره (راجع : مصباح المتهجد : ص ٢٦٣ ، جمال الأسبوع : ص ٨٧ و ص ١٢٦) ج - الدعاء المروي عن النبي صلى الله عليه وآله في شهر رمضان قبل الإفطار (راجع : الإقبال : ج ١ ص ٢٣٩ ، البلد الأمين : ص ٢٣١) .

ای آغازگر نعمت‌دهی پیش از استحقاق آن! و آن گاه هر یک از این نام‌ها را ده بار صدا می‌زنی: "یاربانه"، "یا سیداه"، "بامولاه"، "یا غایتاه"، "یا منتهی رغبتاه" و پس از آن می‌گویی: از تو می‌خواهم که به حق این نام‌ها و به حق محمد و خاندان پاکش، دشواری‌ام را بزدایی و اندوهم را ببری و گره از کارم بگشایی و حالم را به سامان آوری.

و پس از اینها، هر دعایی می‌خواهی بکن و حاجتت را بخواه و سپس گونه راستت را بر زمین می‌نهی و در سجدهات صد مرتبه می‌گویی: "ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری دهید که شما یاری‌دهندگان من هستید." و گونه چپت را بر زمین می‌نهی و صد مرتبه می‌گویی: "مرا دریاب" و آن را فراوان تکرار می‌کنی، و می‌گویی: "فریادرس، فریادرس تا نفست بی‌ردد، و سرت را بالا می‌آوری که خداوند به کرمش، حاجتت را برآورده می‌کند، ان شاء الله تعالی!"^۱

۳ / ۸

دعای فرج (اللهم رب النور العظيم)

۱۰۹۷. مصباح‌المتبهج: از جمله چیزهایی که از سوی صاحب‌الزمان علیه السلام آمده است: ^۲ «خدایا!

۱. دلائل‌الإمامة: ص ۵۵۱ ح ۵۲۵، فرج‌المهموم: ص ۲۴۵، بحار‌الأنوار: ج ۹۱ ص ۳۴۹ ح ۱۱. نیز برای دیدن

همه حدیث، ر. ک: همین دانش‌نامه: ج ۵ ص ۱۲۲ (بخش ششم / فصل سوم / ابو‌الحسین بن ابوبعل).

۲. دو نکته: یک. شیخ طوسی در ضمن دعاهایی که در تعقیبات نماز صبح خوانده می‌شود، دعای معروف به «دعای حریق» را نقل کرده، و بعد از آن این دعا را نقل کرده که در آغازش چنین آمده است: از جمله چیزهایی که از سوی صاحب‌الزمان علیه السلام به محمد بن صلت قمی - ظاهراً محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی باشد - صادر شده است، افزوده‌ای در این دعاست: «اللهم رب النور العظيم...». ظاهراً منظور از «افزوده‌ای در این دعا» استحباب خواندن دعای روایت شده از امام‌الزمان علیه السلام پس از دعای حریق در تعقیبات نماز فجر است، نه آن گونه که برخی پنداشته‌اند به دعای حریق از سوی امام‌الزمان علیه السلام چیزی افزوده باشد.

دو. این دعای فرج - که شیخ طوسی آن را بعد از دعای حریق آورده است - در بخش آغازین و گاه تا نصف، با سه دعای دیگر مشترک است. این دعاها، عبارت‌اند از: الف - دعای مشهور عهد که خواندن آن برای چهل صبح سفارش شده است، ر. ک: ص ۲۲۶ ح ۱۰۸۱ ب - دعایی که شیخ طوسی در اعمال مستحب شب جمعه برای رفع حاجت آورده و توصیه کرده که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه و پنج‌شنبه روزه گرفته شود و شب جمعه، قبل از افطار این دعا خوانده شود، ج - دعایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و برای قبل از افطار ماه رمضان، توصیه شده است.

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ^١، وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنزِلَ الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ، أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَخَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَحَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا حَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِيِّ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ عَلَيْهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ، وَيَا مُحْيِي الْمَوْتَى، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ^٢، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارزُقني مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، رِزْقاً وَاسِعاً، خِلالاً طَيِّباً، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُوهُ وَأَمْلُهُ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

٤/٨

دُعَاءُ طَلِبِ الْحَاجَةِ

١٠٩٨. مهج الدعوات : رأيتُ في كتاب «كنوز النجاح»، تأليف الفقيه أبي عليّ الفضل بن

١. وإذا البحار سُجرت: أي أضربت ناراً (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٩٨ «سجرت»). وقال الطريحي: البحار المسجور: أي المملوء، «وإذا البحار سُجرت» (التكوير: ٤) أي ملئت ونفذ بعضها إلى بعض فصار بحراً واحداً (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٨٢٠ «سجرت»).

٢. القَيُّوْمُ: القائمُ الحافظُ لكلِّ شيءٍ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٦٩١ «قوْم»).

خداوند نور بزرگ؛ خداوند تخت رفیع؛ خداوند دریای ملامال از آب؛ نازل کننده تورات و انجیل؛ خداوند سایه و گرما؛ نازل کننده زبور و قرآن بزرگ؛ خداوند فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل. تو خدای هر که در آسمان است و خدای هر که در زمین است، هستی. جز تو خدایی در این دو نیست و تو چیره بر آسمانیان و چیره بر زمینیان هستی و جز تو کس دیگری در آسمان و زمین چیره نیست. تو آفریدگار آسمانیان و آفریدگار زمینیان هستی و جز تو کس دیگری آفریدگار این دو نیست. تو داور آسمانیان و زمینیان هستی و جز تو داوری در زمین و آسمان نیست. خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به روی کریمت و به نور تابان رویت و به فرمان‌روایی دیرینت. ای زنده برپا دارنده هستی! از تو می‌خواهم به آن سمت که آسمان‌ها و زمین‌ها با آن نور گرفت و به آن سمت که اولین و آخرین با آن به سامان می‌آیند. ای زنده پیش از هر زنده! ای زنده پس از هر زنده! ای زنده به هنگامی که هیچ زنده‌ای نبود! ای زنده کننده مردگان! ای زنده! هیچ خدایی جز تو نیست. ای زنده! ای برپادارنده هستی! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از راهی که گمان نمی‌برم و راهی که گمان می‌برم، روزی برسانی، روزی گشاده، حلال و پاک، و غم و اندوهم را بزدایی و آنچه را امید و آرزو دارم به من عطا کنی؛ که تو بر هر کاری توانایی.^۱

۴ / ۸

دعا برای حاجت‌خواهی

۱۰۹۸. مهج الدعوات: در کتاب کنوز النجاح نوشته ابو علی فقیه، فضل بن حسن طبرسی، نوشته‌ای را از مولایمان حجّت عج دیدم که متنش این است: احمد بن دربی از خزامه

۱. مصباح‌المتجهّد: ص ۲۲۷ ح ۲۳۶، البند الامین: ص ۵۱، بحار الاثوار: ج ۸۶ ص ۱۷۱.

الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيِّ عَنِ مَوْلَانَا الْحُجَّةِ ع مَا هَذَا لَفْظُهُ: رَوَى أَحْمَدُ بْنُ الدَّرِيمِيِّ، عَنِ خَزَامَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَزْوفَرِيِّ، قَالَ: خَرَجَ عَنِ النَّاجِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ:

مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ، وَيَأْتِي مُصَلِّئًا، وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي الرِّكَعَةِ الْأُولَى «الْحَمْدَ»، فَإِذَا بَلَغَ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» يُكْرِّرُهَا مِئَةَ مَرَّةٍ، وَيَتَمَّمُ فِي الْمِئَةِ إِلَى آخِرِهَا.

وَيَقْرَأُ سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً، ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ وَيُسَبِّحُ فِيهَا سَبْعَةَ سَبْعَةٍ، وَيُصَلِّي الرِّكَعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَتِهِ^١، وَيَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ: فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْضِي حَاجَتَهُ الْهَيَّةَ كَائِنًا مَا كَانَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي قَطِيعَةِ الرَّجِيمِ. وَالدُّعَاءُ:

«اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمِدُ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَعَفَرَ.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وُلْدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا؛ مَتَى مِنْكَ بِدِيَّ عَلَيَّ لَا مَتَى مِنِّي بِدِيَّكَ.

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِزُبُودِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَيَذْنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ - حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ -

ثُمَّ يَقُولُ: «يَا أَيْمَنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ خَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ

١. وردت هذه الصلاة في صلاة مسجد جسکران أيضاً وراجع: ص ٢٥٥ ح ٨٨٥ (حسن بن مثله).

نقل کرد که ابو عبد الله بزوفری^۱ گفت: از سوی ناحیه مقدسه آمد: «هر کس درخواستی از خدا دارد، شب جمعه، پیش از نیمه شب، غسل کند و به نمازگاهش بیاید و دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول، سوره حمد را بخواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، صد مرتبه آن را تکرار کند و سپس بقیه سوره را تا پایان بخواند و سوره توحید را نیز یک مرتبه بخواند و به رکوع و سجود برود و ذکر تسبیح هر یک [از رکوع و سجود] را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز به همین گونه بخواند^۲ و این دعا را بخواند که خدای متعال، حاجت او را هر چه باشد، بی تردید روا می کند، مگر آن که درخواست قطع رَحِم داشته باشد، و دعا این است: «خدایا! اگر اطاعتت کردم، ستایش و سپاس از آن توست و اگر تو را نافرمانی کردم، دلیل و حجت از آن توست. آسودگی و گشایش از توست. تسبیح می گویم آن کس را که نعمت داد و خود قدر نهاد. تسبیح می گویم آن که را قدرت یافت و بخشید. خدایا! اگر تو را نافرمانی کرده ام، در محبوب ترین چیزها نزد تو، یعنی ایمان به تو، فرمانت را برده ام، بی آن که فرزندی برایت بگیرم و یا شریکی برایت قرار دهم و این هم منت تو بر من است، نه منت من بر تو.

۱. شوشتری در قاموس الرجال می گوید: بزوفری سه نفرند:

۱. ابو عبد الله حسین بن علی بن سفیان بزوفری ۲۱. ابو علی بزوفری، پسر عموی ابو عبد الله احمد بن جعفر بن سفیان ۲. ابو جعفر بزوفری محمد بن حسین بن سفیان، راوی دعای ندبه. ظاهراً وی عموی ابو عبد الله است؛ چون جد هر دوی اینها سفیان است، هر چند کسی به این سخن، تصریح نکرده است. همه اینها در یک دوره می زیسته اند. مفید و حسین بن عبید الله حضائری از همه آنها روایت نقل کرده، و همه آنان از احمد بن ادریس روایت دارند (قاموس الرجال: ج ۱۲ ص ۱۹ ش ۲۰).

نمازی در شرح حال محمد بن حسین بزوفری گفته است: «او با محمد بن حسین بن علی بن سفیان بزوفری یکی است» (مستدرکات علم الرجال: ج ۷ ص ۵۹ ش ۱۳۱۷۱-۱۳۱۷۲).

ظاهراً منظور از ابو عبد الله حسین، همان حسین بن علی بن سفیان، مکتبی به ابو عبد الله بزوفری است. نجاشی در شرح حال او نوشته است: «استاد مورد اعتماد و بزرگوار، از اصحاب ماست» (رجال النجاشی: ج ۱ ص ۱۸۸ ش ۱۶۰).

شیخ، او را از زمره کسانی شمرده که از ائمه روایت نقل نکرده اند و گفته است: «او مکتبی به ابو عبد الله است و کتائب‌هایی دارد که ما آنها را در الفهرست گفته ایم. تلغیبری از وی روایت دارد». در خبر غیبت، با عنوان «ابو عبد الله بزوفری، وکالت از جانب سفرادارده در باره وی وارد شده است (الغیبة، طوسی: ص ۲۰۸ ح ۲۶۰).

۲. این نماز، در مورد نماز در مسجد جمکران هم وارد شده است.

كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

يا كافي إبراهيم نمرود، يا كافي موسى فرعون، أسألك أن تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ^١، فَتَسْتَكْفِيَنِي شَرَّ مَنْ يَخَافُ شَرَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَسْأَلُ حَاجَتَهُ وَيَتَضَرَّعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ خَالِصًا إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَةِ، وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ كَاتِبًا مَا كَانَ، وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ^١.

٥ / ٨

دُعَاؤُهُ فِي مَطَالِبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

١٠٩٩. البلد الأمين: دعاء آخر مروى عن المهدي عجل الله فرجه أيضاً: اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّبِيِّ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَاغْضُضْ^٢ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالغِيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالرُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالإِتْبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ

١. ليس في الصباح نذكفني ذيله من «وأن تكفيني...».

٢. غَضُّ طَرَفَةٍ: أَي كَسَرُهُ وَأَطْرَقَ وَلَمْ يَنْتَحِ عَيْنُهُ (النهاية: ج ٣ ص ٢٧١ «غضض»).

و ای خدای من! تو را نافرمانی کردم نه از سر انکار و مخالفت و یا بیرون رفتن از بندگی و عبودیت و یا پذیرفتن ربوبیت؛ بلکه هوسم را پیروی کردم و شیطان، مرا لغزاند. ولی حاجت تو بر من تمام است و آن را به من نموده‌ای. اگر عذابم کنی، به خاطر گناهانم است و متمکار نبستی و اگر مرا پیامرزی و بر من رحم کنی، تو بخشنده و کریمی. ای کریم، ای کریم!...". می‌گویی تا نفست بریده شود.

سپس می‌گوید: "ای که از هر چیز ایمنی و هر چیز از تو در هراس و برحذر! به ایمنی‌ات از هر چیز و هراس هر چیز از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و برای خودم، خانواده‌ام، فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای، امانم دهی تا آن جا که هرگز از کسی نترسم و از هیچ چیزی نهراسم که تو بر هر کاری توانایی، و خداوند، ما را کافی است و او بهترین وکیل است. ای کفایت‌کننده ابراهیم از نمرود! ای کفایت‌کننده موسی از فرعون! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از شر فلان بن فلان آسوده کنی" که اگر خدای متعال بخواهد او را از شر کسی که از او بیم دارد، آسوده می‌کند.

سپس به سجده رُود و حاجتش را بخواهد و به خدای متعال گریه و زاری کند که هیچ مرد و زن باایمانی این نماز را نخواند و خالصانه این دعا را نکرد جز آن که درهای اجابت آسمان به رویش گشوده شد و در همان وقت و شب، جواب گرفت، هر حاجتی که بود و این، از فضل خدا بر ما و بر مردم است.^۱

۵/۸

دعای و برای خواسته‌های دنیایی و آخرتی

۱۰۹۹. البلد الامین: دعایی دیگر که از امام مهدی علیه السلام روایت شده است: «خدایا! توفیق اطاعت، دوری از معصیت، نیت درست و شناخت حرام را روزی ما کن و ما را با در راه آوردن و پایداری [در آن]، گرامی بدار و زبان‌هایمان را به حکمت و درستگویی استوار بدار و دل‌هایمان را از دانش و معرفت، آکنده ساز و شکم‌هایمان را از حرام و شبهه‌خواری پاک

۱. مهج الدعوات: ص ۲۵۱. مکارم الاخلاق: ج ۲ ص ۱۲۵ ح ۲۲۲۶، المصباح، کفعمی: ص ۵۲۲. در این کتاب، بخش پایانی حدیث نیامده است (بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۳۲۲ ح ۲۰).

وَالسَّكِينَةَ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ^١ وَالثَّوْبَةِ، وَعَلَى النَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى
الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَزَةِ بِالتَّصَرُّفِ
وَالْعَلْبِيَّةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى
الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السُّيرَةِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَاقْضِ
مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

٦ / ٨

دُعَاءُ سَهْمِ اللَّيْلِ

١١٠٠. البلد الأمين: دُعَاءُ مَرْوِيِّ عَنِ الْمَهْدِيِّ ع، يُسَمَّى «سَهْمَ اللَّيْلِ»:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِزَالِ عِزَّتِكَ، بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ
بِقَدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأَكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رِفْعَتِكَ، بِدِيمُومِ
قَيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسُعَاةِ
صَلَاةِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ،
بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ، بِخَنِينِ أَنْبِيَاءِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ، بِحَرَاقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ
الْخَائِنِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ الصَّابِرِينَ،
بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ.

اللَّهُمَّ ذَهَلَتْ الْعُقُولُ، وَانْحَسَرَتْ الْأَبْصَارُ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ،
وَقَصُرَتْ الْخَوَاطِرُ، وَبَعُدَتْ الظُّنُونُ عَنْ إدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ
أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَالُؤِ لَمَعَاتِ بُرُوقِ سَمَائِكَ.

اللَّهُمَّ مُحَرِّكِ الْحَرَكَاتِ، وَمُبْدِيِ نِهَائِيَةِ الْغَايَاتِ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ

١. الإِنَابَةُ: (الرجوع إلى الله بالثَّوْبَةِ) (النهاية: ج ٥ ص ١٢٣ «نوب»).

بدار و دستانمان را از ستم و دزدی باز بدار و دیده‌هایمان را از تباہکاری و خیانت پوشیده بدار و گوش‌هایمان را از بیهوده‌گویی و غیبت، بسته بدار و بر دانشمندانمان، به زهد و خیرخواهی و بر دانشجویان، به کوشش و اشتیاق و بر شنوندگان، به پیروی و اندرز [پذیری] و بر بیماران مسلمان، به شفا و آسودگی و بر مردگانمان، به رحم و شفقت و بر پیران ما، به وقار و آرامش و بر جوانان، به بازگشت و توبه و بر زنان، به حیا و عفت و بر توانگران، به فروتنی و گشاده‌دستی و بر نیازمندان، به صبر و قناعت و بر جنگاوران، به یاری و پیروزی و بر اسیران، به رهایی و آسودگی و بر فرمان‌روایان، به عدالت و دلسوزی و بر مردم، به انصاف‌دهی و نیک‌رفتاری، تفضل و منت نه و در توشه و هزینه حاجیان و زائران برکت ده و آنچه را از حج و عمره بر ایشان واجب کرده‌ای، به انجام رسان، به فضل و رحمتت ای رحیم‌ترین رحیمان! ^۱

۶ / ۸ دعای بهره‌شب

۱۱۰۰. البلدا الامین: دعایی روایت شده از امام مهدی علیه السلام که «بهره‌شب» نامیده می‌شود: «خدایا! از تو درخواست می‌کنم به عزیزی که عزت‌بخش او، عزت برخاسته از عزیز کردن توست، به نیروی حاصل از توان عظیم برخاسته از قوت تو، به قدرت پدید آمده از قدرت برخاسته از نیروی مقتدرانه‌ات، به ستایش مؤکد بزرگداشت عظمتت، به اوج گرفتن والایی بالنده رفعتت، به برپادارندگی جاویدان همیشه بودنت، به رضوان برآمده از آمرزش آسوده‌کننده رحمتت، به بلندپایگی بی‌نمونه فرمان‌روایی نفوذناپذیرت، به پیک‌های روان دروذهای ریزان از رحمتت، به حقایق حقیقی برخاسته از حقیقت حقه‌ات، به راز نهفته میان نهان‌ترین رازهایت، به عزت‌های گره خورده به گوهر عزتت، به ناله آرزومندانه آرام‌بخش خواهندگان، به آه سوزناک از دل برآمده بیمناکان، به آرزوهای چیره بر گفتار تلاشگران، به خشوع فروتنانه آب شدن زهره شکیبایان، به تعبد شب‌زنده‌داران عابد چالاک.

خدایا! عقل‌ها سرگردان، دیده‌ها درمانده، فهم‌ها تباہ و وهم‌ها حیران شده و خیال‌ها

النَّباتِ، يا مَنْ شَقَّ صُمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَّاتِ، وَأَتَبَعَ مِنْهَا مَاءً مَعِيناً حَيَاةً
لِلْمَخْلُوقَاتِ، فَأَحْيَا مِنْهَا الْحَيَّوانَ وَالنَّباتَ، وَعَلِمَ ما اِخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفكارِهِمْ مِنْ نُطْقِ
إِشاراتِ حَفِيَّاتِ لُغَاتِ التَّمَلِّ السَّارِحَاتِ، يا مَنْ سَبَّحْتَ وَهَلَّلْتَ وَقَدَّسْتَ وَكَبَّرْتَ
وَسَجَدْتَ لِجَلالِ جَمالِ أَقوالِ عَظيمِ عِزَّةِ جَبَرُوتِ مَلَكُوتِ سُلْطَنِيَّةِ مَلانِكَةُ السَّبْعِ
سَمَواتِ، يا مَنْ دارَتْ فَأَضاءَتْ وَأَنارتْ لِدَوامِ دَيَمُومِيَّةِ النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ،
وَأَحصى عَدَدَ الأحياءِ وَالأمواتِ، صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيرِ البَرِيَّاتِ، وَافْعَلْ
بِي كَذا وَكَذا.

٧ / ٨

الدُّعَاءُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

١١٠١. مهج الدعوات نقلاً عن مجموع الأدعية المستجابات^١: دُعَاءُ الإِمامِ العالِمِ الحُجَّةِ عليه السلام:

«إِلهي! بِحَقِّ مَنْ نَجاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي البَرِّ وَالبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَي فُقراءِ
المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالعِنايَةِ وَالثَرِوةِ، وَعَلَي مَرَضَى المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفاءِ
وَالصِّحَّةِ، وَعَلَي أحياءِ المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالكَرَمِ^٢، وَعَلَي أمواتِ
المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَي عُرباءِ المُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلى
أوطانِهِمْ سالِمِينَ غائِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجمَعِينَ^٣»^٤.

١. صدر هذا النص المنقول في عبارة السيد هكذا: «وجدت في مجموع الأدعية المستجابات عن النبي
والأنبياء عليه السلام - قاله أقل من اثنين نحو السدس - أنه دعاء مستجاب، اللهم ائذف في قلبي رجائك. وفي آخره ما
هذا لفظه: دعاء الإمام العالم الحجة عليه السلام: إلهي ابحق من ناجاك...».

٢. في بعض نسخ المصدر والمصباح للكفعمي: «والكرامة».

٣. قال السيد علي بن طانوس: كنت أنا بسراً من زاني فسمعت سحراً دعائه (التقائم عليه السلام) فحفظت منه من الدعاء لئن
ذكرت الأحياء والأمرات: وأبيهم أو قال: وأحبيهم في عزنا وملكتنا أو سلطاننا ودولتنا وكان ذلك في ليلة الأربعاء
ثالث عشر ذي القعدة سنة ثمان وثلاثين وبشبهة.

٤. وردت فقرات هذا الدعاء بنفس هذا الشكل المترابط ضمن دعاء، أفرج المفصل والذي أورد الكفعمي قراءته
بعد صلاة الحاجة، رواية عن الإمام الرضا عليه السلام من غير أن ينسب الدعاء إلى أحد «البلد الأمين»: ص ٣٢٣.

بازمانده و گمان‌ها از درک ژرفای چگونگی پیدایش شگفتی‌های گوناگون و آشکار و نوپدید برآمده از قدرت دور افتاده و به شناخت درخشش پرتو آذرخش‌های آسمانی‌ات نرسیده‌اند.

خدایا! ای حرکت دهنده حرکت‌ها و آغازگر فرجام همه پایان‌ها و بیرون کشنده چشمه‌های رویاننده گیاهان تازه در هر گوشه و کرانه! ای که دل سخت نخته‌سنگ‌های استوار را می‌شکافی و آبی زلال را برای زندگی آفریدگان بیرون می‌کشی و حیوان و گیاه را از آن زنده می‌گردانی و آنچه از سخنان نهان و اشاره‌ای و درونی [و حتی] به زبان مورچگان در اندیشه‌های پنهانشان می‌گذرد، می‌دانی!

ای که فرشتگان هفت‌آسمان در برابر شکوه زیبایی گفتار سترگ برآمده از عزت جبروتی ملکوت فرمان‌روایی‌اش، او را تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر گفته و به سجده افتاده‌اند! ای که ستارگان فروزان، به گرداگرد پابندگی جاویدش می‌چرخند و پرتوافشانی و نورانی می‌کنند! ای که شمار زندگان و مردگان را می‌دانی! بر محمد و خاندان محمد - بهترین مردمان - درود فرست و برایم فلان کار و فلان کار را بکن.^۱

۷ / ۸

دعا برای مردان و زنان با ایمان

۱۱۰۱. مهج الدعوات - به نقل از مجموعه دعاهای مستجاب -^۲ دعای امام فرزانه، حجت عج:

«خدای من! به حق کسی که با تو مناجات می‌کند و به حق کسی که تو را در خشکی و دریا می‌خواند، منت بگذار، بر مردان و زنان فقیر با ایمان، به ثروت و توانگری، و بر بیماران زن و مرد با ایمان، به شفا و تن درستی، و بر مردان و زنان با ایمان زنده، به لطف و کرم، و بر مردان و زنان مؤمن از دنیارفته، به آموزش و رحمت، و بر مردان و زنان مؤمن غریب، به

۱. البلد الامین: ص ۳۴۹، المنصاح، کفعمی: ص ۳۵۴.

۲. آغاز این متن - که در عبارت سید نقل شده - چنین است: «در مجموعه دعاهای اجابت شده پیامبر و ائمه ع دیدم که مجموع آنها کمتر از یک هشتم و قریب یک ششم کل دعا بود. آغازش این دعای اجابت شده بود: خداوندا! امید به خودت را در قلبی التماکن. در آخر آن چنین آمده بود: دعای امام عالم حجت عج این بود: خدای من! به حق کسی که با تو مناجات می‌کند...».

دُعَاءُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ

۱۱۰۲. مصباح المتعبد: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: مِمَّا خَرَجَ عَلَيَّ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَانَ بْنِ سَعِيدٍ رضي الله عنه مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ، مَا حَدَّثَنِي بِهِ جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كَتَبْتُهُ مِنَ التَّوْقِيعِ الْخَارِجِ إِلَيْهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَدْعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ، الْمَأْمُونُونَ عَلَيَّ سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَسِيئَتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ، الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا إِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقَهَا وَرَتَقَهَا بِيَدِكَ، بَدْوَهَا مِنْكَ، وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ^۲ وَأَشْهَادٌ، وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ^۳، وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادٌ، فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءُكَ وَأَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعِلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَاناً وَتَسْبِيحاً، يَا بَاطِئاً فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِراً فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالذُّجُورِ، يَا مُوصِوفاً بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شَبْهِ، حَادِّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْجُودِ.

۱. في الإقبال والبلد الأمين وبحار الأنوار: «خير» بدل «جبير».

۲. عضد الرجل: أنصاره وأعوانه، والعضد: المعين والجمع: أعضاء (لسان العرب: ج ۳ ص ۲۹۳ «عضد»).

۳. الذائيد: هو الحامي المدافع (النهاية: ج ۲ ص ۱۷۲ «ذود»).

بازگشت با سلامت و دست پُر به وطن هایشان، به حقّ محمد و همه خاندانش^۱ ۲.

۸ / ۸

دعای هر روز از ماه رجب

۱۱۰۲. مصباح‌المتّهجد - به نقل از ابن عیّاش^۳ - جیبیر بن عبد الله برایم گفت: از روی توقیعی که از طرف ناحیه مقدّسه به دست شیخ بزرگ، ابو جعفر محمد بن عثمان رسید، این متن را نوشتم: «بسم الله الرحمن الرحيم. در هر روز از ماه رجب، این دعا را بخوان: خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به معنای همه آنچه والیان امرت تو را به آن خوانده‌اند؛ آن والیانی که رازنگهدار تو، بشارت یافتگان امر تو، توصیفگران قدرت و آشکارکنندگان بزرگی‌ات هستند. از تو می‌خواهم به آنچه از خواستت در باره آنها گفتم [و موجود شد] و آنها را معادن کلمه‌هایت و ستون‌های توحیدت و نشانه‌ها و جایگاه‌ها [ی معرفت تقرّب به تو] قرار دادی؛ نشانه‌هایی که هیچ جایی از آنها تهی نیست و هر کس تو را شناخته به آنها شناخته است و تفاوتی میان تو و آنها نیست، جز آن که آنان بندگان و مخلوق تو هستند و باز و بست و آغاز و پایانشان با توست. یاران و گواهان، آزمودگان و مدافعان و حافظان و پیش‌گامان اند که آسمان و زمینت را با ایشان پر کردی تا آن جا که یکتایی و بی‌همتایی‌ات پدیدار شد.

به وسیله اینها و نیز به جایگاه‌های عزّت برخاسته از رحمت و به مقامات و نشانه‌هایت، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و استواری من بیفزایی. ای نهان در پیدایی‌اش و پیدا در نهان و پوشیدگی‌اش! ای جداکننده نور و تاریکی‌ای وصف شده بی آن که به ژرفایش توان رسید! ای معروف بی آن که مشابهی

۱. سیّد علی بن طاووس گوید: در سامرا بودم که سحر، دعای قائم علیه السلام را شنیدم و بخشی از آن را که به ذکر مردگان و زندگان می‌پرداخت، حفظ کردم: «و آنان را در روزگار عزّت و فرمان‌روایی و تسلّط و دولت مایاتی بدار» - یا فرمود: «و آنان را زنده بدار» - و این در شب چهارشنبه سیزدهم ذی قعدّه سال ۶۳۸ بود.

۲. مسجّع الدعوات: ص ۳۵۲. المصباح، کفعمی: ص ۴۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۴۵۰ ح ۲. گفتمی است بخش‌های این دعا، به همین شکل پیوسته در ضمن دعای فرج مفضّل آمده و در آنچه کفعمی خواندن آن را پس از نماز حاجت آورده، به روایتی از امام رضا علیه السلام است، بی آن که این دعا به کسی نسبت داده شود.

۳. ر. ک: ج ۴ ص ۳۸۵ پانویشت ۲ ح ۷۲۹.

يا مَنْ لا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، ولا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ، يا مُحتَجِباً عَن كُلِّ عَيْنٍ، يا دِيمومُ يا قَيومُ، وعالِمَ كُلِّ مَعْلومٍ، صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الْمُتَحَبِّينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِّينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَبِهِمُ الصَّافِينَ الحَاقِينَ، وَبارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا المُرَجَّبِ المُكْرَمِ، وما بَعْدَهُ مِنَ الأشْهُرِ الحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النُّعْمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ القِسْمَ، وَأَبْرِرْ لَنَا فِيهِ القِسْمَ، بِاسْمِكَ الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ الأَجَلِّ الأَكْرَمِ، الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَيَّ النَّهَارِ فَأَضَاءَ، وَعَلَيَّ اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا ما تَعَلَّمْ مِنَّا ولا نَعَلَّمْ، وَاعصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ العِصْمِ، وَاكفِنَا كَوافِي قَدْرِكَ، وَامُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، ولا تَكِلْنَا إِلى غَيْرِكَ، ولا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبارِكْ لَنَا فيما كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا حَسْبِيئَةَ أَسْرارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الإِيْمانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وما بَعْدَهُ مِنَ الأَيَّامِ وَالْأَعْوامِ، يا ذَا الجَلالِ وَالْإِكْرَامِ.

٩ / ٨

دُعَاءُ التَّوَسُّلِ بِالمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ

١١٠٣. مصباح المتعبد: قال ابن عيَّاش: خَرَجَ إِلى أَهْلِ عَلِيِّ بْنِ الشَّيْخِ أَبِي القَاسِمِ عليه السلام فِي مَقامِهِ عِنْدَهُمْ هَذَا الدُّعَاءُ فِي أَيَّامِ رَجَبٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي ^١ وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ المُتَنَجِّبِ ^٢، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ القَرَبِ، يا مَنْ إِلَيْهِ المَعْرُوفُ طَلِبَ، وَفِيما

١. ورد في المصادر التالية أن ولادة الإمام الجواد عليه السلام في شهر رجب: مصباح المتعبد: ص ٨٠٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٧٩، كشف الغمة: ج ٢ ص ١٣٩، إعلام الوری: ج ٢ ص ٩١، الإقبال: ج ٣ ص ٢٢٧.
٢. كما ورد في المصادر التالية أن ولادة الإمام الهادي عليه السلام كانت أيضاً في شهر رجب: الكافي: ج ١ ص ٤٩٨، مصباح المتعبد: ص ٨٠٥ و ٨١٩، إعلام الوری: ج ٢ ص ١٠٩، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٢٠١، كشف الغمة: ج ٣ ص ١٦٤.

داشته باشد! مرز گذارنده هر محدود و گواه هر مشهود، و پدیدآورنده هر موجود و به شمار آورنده هر معدود و سراغدار هر مفقود! هیچ معبودی جز تو نیست، ای که شایسته کبریایی و جودی!

ای که نه به چگونگی توصیف می شود و نه جایی برایش معین می شود! ای نهان از هر دیده! ای پاینده برپا دارنده! ای دانا به هر دانسته! بر بندگان برگزیده ات و انسان های در حجاب گذاشته ات و فرشتگان مقرب و ناشناختگان صف کشیده حلقه زننده [سرگرد عرشت] درود فرست. این ماه رجب گرامی و دیگر ماه های حرام پس از آن (ذی قعدة، ذی حجه و محرم) را برای ما مبارک گردان و نعمت هایت را در آن بر ما به فراوانی فرو بریز و بهره ما را بیشتر کن و سوگند ما را در آن، رد مکن [و درخواست ما را بپذیر]، به نام بزرگ سترگت، جلیل ترین و کریم ترین نامت؛ همان که بر روز نهادی و روشن شد و بر شب نهادی و تاریک شد. آنچه را تو از ما می دانی و ما نمی دانیم، بیا مرز و ما را از گناهان به بهترین حفظ، محفوظ بدار و ما را [با] تقدیرهای کفایت کننده ات کفایت کن و با حسن نظرت، بر ما منت بده و ما را به غیر خودت وا مگذار و از خیرت باز مدار و در عمری که برایمان نوشته ای، برکت ده و رازهای نهفته مان را سامان ده و از جانب خودت امانمان بده و ما را با ایمانی نیکو به کار گیر و ما را به ماه روزه و روزها و سال های پس از آن نیز برسان. ای صاحب شکوه و کرامت! ^۱

دعای توسل به دو مولود رجب ۹/۸

۱۱۰۳. مصباح المتعجد - به نقل از ابن عیاش - در مدتی که شیخ ابو القاسم [روح نوبختی، نائب سوم امام زمان] نزد خانواده ام بود، دعایی برای ایشان به دست او [از سوی ناحیه مقدسه] آمد که در روزهای رجب خوانده می شود: «خدایا! به [حق] دو مولود در رجب: محمد بن علی دوم (امام جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد برگزیده (امام هادی علیه السلام)^۲ از تو درخواست می کنم و بهترین تقرب را با آن دو به تو می جویم.

۱. مصباح المتعجد: ص ۸۰۳ ح ۸۶۶، الانبیا: ج ۳ ص ۲۱۴، المصباح، کفعمی: ص ۷۰۱، البلد الامین: ص ۱۷۹، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۹۲.

۲. در برخی نقل ها ولادت امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را در ماه رجب گفته اند.

لَدَيْهِ رُغِيبٌ، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقْتَهُ عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَيَّ
الْحَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنْ الرِّزَايَا حُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأُوبَةِ^١ وَالتَّنُزُوعَ عَنِ
الْحَوْبَةِ، وَمِنْ النَّارِ فِكَالِكَ رَقَبَتِيهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِيهِ^٢، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِيهِ
وِثْقَتِيهِ.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ
بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ، إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ
وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ.

١٠ / ٨

دُعَاءُ آخِرِ كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ

١١٠٢. الإقبال - فيما رواه من كتاب «معالم الدين» مروياً عن الإمام المهدي ع -: اللَّهُمَّ يَا ذَا
الْمِنَّنِ السَّابِقَةِ، وَالْآلَاءِ^٣ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنَّعْمِ
الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ.

يَا مَنْ لَا يُنَعَّثُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِتَنْظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ.

يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَالْهَمَّ فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ،
وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْرَلَ، وَمَتَّحَ فَأَفْضَلَ.

١. آب أوباً: رجع عن ذنبه وتاب (المصباح المنير: ص ٢٨ «أوب»).

٢. الربيق: الحبل والحلقة نشد بها الغنم الصغار لنلا ترضع، وشبه ما قلده أعناقها من الأوزار (اللسان العرب: ج ١٠
ص ١١٢ «ريق»).

٣. آلاء الله: أي نعمه. وقيل: الآلاء: هي النعم الظاهرة، والنعماء: هي النعم الباطنة (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٩
«آلاء»).

ای که احسان را از او می جویند و به آنچه نزد اوست، رغبت می ورزند. از تو درخواست می کنم، درخواست گنهکاری که دستاوردش گناه است و گناهانش او را هلاک کرده و عیب هایش او را به بند کشیده و به خطا خو گرفته و مصیبت های سهمگین دیده و حال از تو می خواهد که توبه کند و به نیکی باز گردد و دل از معصیت بر کند و گردنش را از آتش برهانی و از آنچه گریبانگیرش شده درگذری؛ که تو - ای مولای من -، بزرگترین امید و تکیه گاه او هستی.

خدایا! به خواست های گران بهای از تو و وسیله های والایت از تو می خواهم که مرا در این ماه با رحمت گسترده ات و نعمت های باز دارنده ات [از حرام ها و زیان ها] و جانی قناعت کننده به روزی اش، در برگیری تا آن گاه که گام به برزخ و جایگاه آخروی و آنچه رهسپار آن می شویم، بگذاریم.^۱

۱۰/۸

دعای دیگر برای هر روز از ماه رجب

۱۱۰۴. الإقبال - به نقل از کتاب معالم الدین -^۲ امام مهدی عج فرمود: «خدایا! ای دارای احسان های فراوان و نعمت های گوناگون و رحمت گسترده و نیروی فراگیر و نعمت های سترگ و موهبت های بزرگ و بخشش های نیکو و عطایای فراوان! ای که او را نمی توان با تمثیل وصف کرد و شبیهی برایش یافت و مغلوب کسی نمی شود! ای که آفرید و روزی داد، الهام کرد و به سخن درآورد، نو آفرید و آغازید، بالا رفت و اوج گرفت، تقدیر کرد و نیکو کرد، صورت داد و استوار ساخت، حجت آورد و رساند؛ نعمت بخشید و فراوان کرد، عطا داد و بسیار داد،

۱. مصباح المسجّد: ص ۸۰۴ ح ۸۶۷، الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۵، المصباح، کفعمی: ص ۷۰۳، البند الأمين: ص ۱۸۰، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۹۳.

۲. نام صاحب معالم الدین را مختلف گفته اند: أبو ظاهر محمد بن حسن حسین نرسی (برسی) (ار.ک: الملهوف: ص ۱۷۶ و پاورقی الملهوف: ص ۱۵۹، والذریعة: ج ۲۱ ص ۱۹۸ ش ۴۵۹۶، در الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۱ «أبو الحسن علی بن محمد برسی» آمده که احتمالاً تصحیف است.

يا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَارَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ، فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ، فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ ذَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَسَتْ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتْ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ. أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبَعِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَأَيْتٌ^٢ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ، وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، وَعَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَأَنْ تَحْتِمَ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَتَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ، وَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمِئْتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسْأَلَةِ الْبَرَزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^٢.

١. الْهَجَسُ: أَي مَا يَخْطُرُ فِي الضَّمَانِ وَيَدُورُ فِيهَا مِنَ الْأَحَادِيثِ وَالْأَفْكَارِ (النهاية: ج ٥ ص ٢٤٧ «هجس»).

٢. وَأَيْتٌ عَلَيَّ نَفْسِي: أَي جَعَلْتَهُ وَعَدَّأَ عَلَيَّ نَفْسِي (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٩٩ «وأي»).

٣. وَقَدْ نَسَبَ هَذَا الدَّعَاءَ إِلَى الْإِمَامِ عج فِي بَعْضِ الْمَصَادِرِ. مِثْلُ: الْمَزَارِ الْكَبِيرِ. الْمَزَارِ لِلشَّهِيدِ الْأَوَّلِ. وَإِنْ لَمْ يَصْرَحُوا بِذَلِكَ تَصْرِيحًا وَاضِحًا.

وَفِي بَعْضِ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى - كَمَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَمَصْبَاحِ الزَّائِرِ وَالْمَصْبَاحِ الْكُفَيْمِيِّ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ - أُورِدُوا هَذَا الدَّعَاءَ فِي الْأَدْعِيَةِ الَّتِي يَسْتَحَبُّ قِرَاءَتَهَا، مِمَّا يَظْهَرُ مِنْهُ أَنَّهُ مِنَ الْمَأْنُورِ، إِلَّا أَنَّهُمْ لَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُعْصُومِينَ عج.

بخشش نمود و فزون داد!

ای که چنان در عزت بالا رفتی که خیال دیده‌هائیز به آن نرسد و چنان لطیف گشتی که از خاطر اندیشه‌هائیز گذشتی! ای که در فرمان‌روایی، یکتا، در سیطره سلطنتش بی‌همتا، در کبریایی و نعمت‌بخشی، یگانه و در بزرگی منزلت، بی‌نمونه هستی! ای که نازک‌خیالی‌های اندیشه‌ها در بزرگی هیبتش سرگردان شده و برق نگاه مردمان از درک عظمتش باز مانده است! ای که چهره‌ها از هیبتش درهم کشیده می‌شوند و گردن‌ها در برابر عظمتش خم می‌شوند و دل‌ها از بیمش لرزان می‌گردند.

خدایا! به حق این ستایشی که برای جز تو روا نیست و نیز به خاطر وعده‌ای که به مؤمنان ندادننده‌ات داده‌ای و استجابت دعایشان را ضمانت کرده‌ای، ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای دقیق‌ترین نگاه‌کنندگان و ای سریع‌ترین حساب‌رسان و ای بهترین داوران و ای رحیم‌ترین رحیمان! از تو می‌خواهم که بر محمد، خاتم پیامبران و اهل بیت پاک برگزیده‌اش درود فرستی، و بهترین قسمت را در این ماه برای من قرار دهی و بهترین قضایت را برای من حتمی کنی و میان کسانی که کارشان را خاتمه می‌دهی، خاتمه کار مرا خوش‌بختی قرار دهی و تا زنده‌ام، با فراوانی زندگی کنم و مرا شاد و آمرزیده بمیران و رهایی‌ام از سؤال برزخ را عهده‌دار شو و منکر و نکیر را از من پران و مبشر و بشیر را به دیده‌ام بنمایان و حرکتم را به سوی رضوان و بهشتت و عیشی جاویدان و ملکی بزرگ قرار بده. خداوند بر محمد و خاندان او صبح و شام درود فرستد، ای رحیم‌ترین رحیمان!^{۱، ۲}

۱. الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۱-۲۱۲. المزار الکبیر: ص ۱۴۴. المزار. شهید الأول: ص ۲۶۴. مصباح الزائر: ص ۱۰۹، مصباح المتعبد: ص ۸۰۲ ح ۸۶۵. المصباح، کفعمی: ص ۶۹۹. البلد الامین: ص ۱۷۸، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۴۴۶ ح ۲۳.

۲. این دعا در برخی مصادر مانند المزار الکبیر و المزار شهید اول به امام علیه السلام نسبت داده شده است. هر چند به آن تصریح نشده است. در منابع دیگر، مانند: مصباح المتعبد، مصباح الزائر و المصباح، کفعمی و البلد الامین، این دعا را در ضمن دعاهایی آورده‌اند که خواندنش مستحب است، و از آن به دست می‌آید که مأثور است. جز این که آن را به معصومان علیهم السلام نسبت نداده‌اند.

١١/٨

دُعَاءُ الْمَشَاهِدِ الْمَشْرِفَةِ فِي رَجَبٍ

١١٠٥. مصباح المتهجد: زيارته رواها ابن عياش. قال ابن عياش^١: حَدَّثَنِي خَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مَوْلَاهُ - يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوْحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: زُرْتُ أَيْ الْمَشَاهِدِ كُنْتُ بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ إِذَا دَخَلْتَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ، وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مُخَلِّينَ^٣ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

إِنِّي قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالنَّقْرُ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ، فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيزُ وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيزُ، فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ^٤، وَيُسْفَى الْمَرِيضُ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ^٥ وَمَا تَغِيضُ^٦.

إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي

١. في المزار الكبير: الشيخ أبو بكر بن عياش.

٢. في نسخة آخر: حسين.

٣. حَلَّتْ الْإِبِلُ عَنِ الْمَاءِ: إِذَا طَرَدْتَهَا عَنْهُ وَمَنْعَهَا أَنْ تَرُدَّهُ (الصحاح: ج ١ ص ٤٥ «حلا»).

٤. هَاضُ النَّعْظَمُ: أَي كَسْرُهُ فَهُوَ مَهِيضٌ (الصحاح: ج ٣ ص ١١١٣ «هيض»).

٥. قَالَ الْعَلَامَةُ الْمَجْلِسِيُّ: «وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: «وَعِنْدَكُمْ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ» وَهُوَ أَظْهَرَ. ثُمَّ الْمُرَادُ بِهِ إِثْمًا زَيْدًا مَدَّةَ

الْحَمْلِ، أَوْ عِدَّةَ الْأَوْلَادِ، أَوْ دَمَ الْحَيْضِ (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٩٦).

٦. غَاضَ الشَّيْءُ: نَقَصَ، وَغِيضَتْهُ: نَقَصْتَهُ، يُسْتَعْمَلُ لِأَزْمًا وَمَتَعَدِّيًا (المصباح المنير: ص ٣٥٩ «غاض»).

۱۱/۸

دعای شاهد شرف در ماه رجب

۱۱۰۵. مصباح المتعجب: زیارتی که ابن عیاش آن را از خیر (یا حسین) بن عبد الله از مولایش، ابو القاسم حسین بن روح - که خدا از او راضی باشد - روایت کرده و گفته است: در ماه رجب در هر یک از مشاهد که بودی، این گونه زیارت کن: هنگامی که داخل شدی می‌گویی: «خدا را سپاس که ما را در یکی از مشاهد اولیایش در ماه رجب حاضر کرد و از حق واجبشان آنچه را که لازم است، بر ما واجب کرد و خداوند بر محمد برگزیده و اوصیای پرده‌دارش درود فرستد. خدایا! همان گونه که ما را در مشاهدشان حاضر نمودی، وعده‌شان را نیز برایمان به انجام رسان و ما را به همان جا درآور که ایشان را وارد می‌کنی بی آن که جلوی ورود ما را به سرای ماندگاری و جاوید بگیرند، و سلام بر شما باد!

من آهنگ شما را کردم و در درخواست و حاجتم - که همان آزادی‌ام از آتش و بودن همراه شما و پیروان نیکتان در سرای ماندگاری است -، بر شما اعتماد کردم. و سلام بر شما به خاطر صبرتان؛ که خانه آخرت بهترین جاست. من در آنچه به شما وانهاده شده و عهده‌دار جایگزینی‌اش هستید، به شما امیدوارم و از شما خواهانم که به وسیله شما، شکسته، ترمیم می‌شود و بیمار، شفا و تعداد فرزندان، افزایش و کاهش می‌یابد.

وَقَضَائِهَا وَإِمضَائِهَا، وَإِنجَاحِهَا وَإِبْرَاجِهَا^١، وَبِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا.
 وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ،
 وَسَعِيَهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتَيْكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلَى جَنَابِ^٢
 مُرْعٍ^٣ وَخَفْضِ^٤ مُوَشِّعٍ، وَدَعَاً وَمَهْلٍ^٥، إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرَ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ، فِي
 التَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ^٦، وَعَلٍّ^٧
 وَنَهْلٍ^٧، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ، وَرَحْمَةً اللهُ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى
 حَضْرَتَيْكُمْ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتَيْكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمَرَتَيْكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهُ
 وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

١٢/٨

دُعَاءُ الْيَوْمِ السَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ

١١٠٦. مصباح المتهجد - في أعمالِ يومِ السَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ - : رِوَايَةُ أَبِي الْقَاسِمِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ رُوْحٍ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، قَالَ: تُصَلِّي فِي هَذَا الْيَوْمِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً، تَقْرَأُ

١. في المصدر: «وإبراجها». والتصويب من بحار الأنوار والنصادر الأخرى. وقال العلامة المجلسي: «وإبرامها»
 في أكثر النسخ بالياء المرخدة والحاء المهملة، أي إظهارها من بزح الأمر، إذا ظهر. ويقال: أبرحه، أي أعجبه
 وأكرمه وعظمه (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٩٦).

٢. الْجَنَابُ: الفناء والناحية (القاموس المحيط: ج ١ ص ٤٩ «جنب»).

٣. مُرْعُ الْوَادِي: أخضب بكثرة الكلأ. وأمْرَعٌ - بِالْأَلْفِ - نَعْنَةُ الْمَصْبَاحِ الْمُنِيرِ: ص ٥٦٩ «مرع».

٤. الْخَفْضُ: الدَّعَاةُ وَالسُّكُونُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٤ «خفض»).

٥. الْمَهْلُ وَالْمَهْلُ: السُّكِينَةُ وَالرَّفْقُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٥٢ «مهل»).

٦. مَاءٌ سَلْسَلٌ: سهل اندخول في الحلق؛ لذوبته وصفائه (الصحيح: ج ٥ ص ١٧٣٢ «سلسل»).

٧. الْعَلُّ: الشَّرْبَةُ الثَّانِيَةُ، أَوْ الشَّرْبُ بَعْدَ الشَّرْبِ تَبَاعَاً. وَالنَّهْلُ: أَوَّلُ الشَّرْبِ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٠ «عل»
 و ص ٦٦ «نهل»).

من به نهان شما [نیز] ایمان دارم و در برابر گفتارتان تسلیم هستم. شما را به خدا قسم می‌دهم که مرا با حاجت‌هایی روا و امضا شده و با کامیابی و پدیدار شده و به سامان آمدن همه کارهایم بازگردانید.

سلام بر شما؛ سلام فرد خدا حافظی کننده و حاجت‌ها را به شما سپارنده؛ کسی که از خداوند می‌خواهد دوباره به نزد شما بازگردد و تلاش و آمدنش را به سوی شما قطع نکند و او را به بهترین صورت از حضورتان [به وطنش] بازگرداند، به سوی ناحیه‌ای آباد، با آرامشی گسترده و بی اضطراب و ناآرامی، تا زمان در رسیدن اجل و به سوی بهترین سرانجام و منزلگاه در نعمت همیشگی و زندگی همیشه نو و تازه و دوام خوردن، و نوشیدن شراب و آب گوارای [بهشتی] به یکباره، با جام‌های پی در پی، بدون ملالت و بی میلی.

و رحمت و برکات و درودهای خدا بر شما تا بازگشت دوباره به حضورتان و درک بازگشت دوباره‌تان و محشور شدن در جرگه‌تان، و سلام و رحمت و برکات و درودهای خداوند بر شما؛ که او ما را کافی و بهترین وکیل است.^۱

۱۲/۸

دعای وزیبت و هفتم رجب

۱۱۰۶. مصباح‌المنتهجد - در اعمال روز بیست و هفتم رجب، مطابق روایت ابو القاسم حسین بن روح - در این روز، دوازده رکعت نماز و در هر رکعت، سوره حمد با هر سوره دیگری که برایت میسر است می‌خوانی و تشهد و سلام می‌دهی و در میان هر دو

۱. مصباح‌المنتهجد: ص ۸۲۱ ح ۸۸۵، المزار الکبیر: ص ۲۰۲ ح ۲، الإقبال: ج ۳ ص ۱۸۳، معارج‌الأسوار: ج ۱۰۲ ص ۱۹۵.

فِي كُلِّ رَكْعَةٍ: فَابْحَةَ الْكِتَابِ وَمَا تَيْسَّرَ مِنَ السُّورِ، وَتَشْهَدُ وَتُسَلِّمُ وَتَجْلِسُ، وَتَقُولُ
بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ ١:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا» ٢، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي! يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي! يَا وِليِّي فِي
نِعْمَتِي! يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي! يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي! يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي! يَا
كَائِنِي ٣ فِي وَحْدَتِي! يَا أَنْسِي فِي وَحْشَتِي!

أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ
صِرْعَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ زَوْعَتِي،
وَأَقْلِنِي ٤ عَثْرَتِي، وَاصْفَحْ عَن جُرْمِي، وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَعَدَّ
الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوْعَدُونَ ٥.

فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُّعَاءِ قَرَأْتَ: الْحَمْدَ، وَالْإِخْلَاصَ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ، وَ«قُلْ
يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ٦، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، سَبْعَ مَرَّاتٍ.

١. وفي الإقبال: «أبو العباس أحمد بن علي بن نوح ع، قال: حدّثني أبو أحمد المحسن بن عبدالحكم الشجري،
وكتبته من أصل كتابه، قال: نسخت من كتاب أبي نصر جعفر بن محمد بن الحسن بن الهيثم، وذكر أنه خرج من
جهة أبي القاسم الحسين بن روح ع: إن الصلاة يوم سبعة وعشرين من رجب اثنتا عشرة ركعة. يقرأ في كل
ركعة ما تيسر من السور، ويجلس ويسلم، ويقول بين كل ركعتين: الحمد لله...».

٢. الإسراء: ١١١.

٣. في المصدر: «كائني» والصواب ما أثبتناه كما في الإقبال.

٤. أقال الله فلاناً عشرته: بمعنى اصفح عنه (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٨٠ «قيل»).

٥. وقال في الإقبال في آخره:

فإذا فرغت من الصلاة والدعاء قرأت الحمد، وقل هو الله أحد، وقل يا أيها الكافرون، والمعوذتين، وإنا أنزلناه
في ليلة القدر، وآية الكرسي - سبعة سبعة - ثم تقول: اللهم الله الله ربّي لا أشرك به شيئاً - سبع مرات - ثم ادع بما
أحببت.

٦. في الإقبال تأخر «المعوذتين» على «قل يا أيها الكافرون».

رکعت می‌نشینی و می‌گویی: ^۱ «استایش. ریژه خدایی است که فرزندی نگرفت و همتایی در فرمانروایی ندارد و نه از سر خواری و زبونی سرپرستی دارد، و او را چندان که باید بزرگ بدار». ای ساز و برگ من در مدت [عمر] من! ای همراه من در سختی‌ام! ای ولی نعمتم! ای فریاد رسم به گاه اشتیاق و روی آوردنم! ای کامیابی حاجتم! ای نگهدار من در غیابم! ای مواظب من در تنهایی! ای مونس من در بی‌کسی‌ام!

تو پوشاننده زشتی‌هایم هستی، پس تو را سپاس و تو درگذرنده از لغزش‌هایم هستی، پس تو را سپاس و تو دستگیر افتادن‌های منی، پس تو را سپاس. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و زشتی‌ام را بپوشان و هراس را از دلم بیرون کن و از لغزشم درگذر و از جرمم روی بگردان و [مانند و] جزو بهشتیان از بدی‌هایم درگذر که همین را به ایشان صادقانه وعده داده‌ای.^۲

هنگامی که از نماز و دعا فارغ شدی، سوره‌های «حمد»، «توحید»، «معوذتین (قلق و ناس)»، «کافرون»، «قدر» و نیز «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی و

۱. در الإقبال آمده است: ابو العباس احمد بن عنی بن نوح - که رضوان خدا بر او باد - گفت: ابو احمد محسن بن عبدالحکم سجری برایم روایت کرد، و آن را از روی کتابش نوشتم. او گفت: من این را از کتاب ابو نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هبتم استنساخ کردم. و گفت: از روی کتاب ابوالقاسم حسین بن روح - که رضوان خدا بر او باد - صادر شده است که: نماز روز بیست و هفتم رجب دوازده رکعت است، و در هر رکعت، هر سوره‌ای که مقدور است خوانده شود، و بعد بنشینند و سلام دهد، و در میان دو رکعت بگوید: الحمد لله! سپاس تنها از آن خداست ...

۲. الإقبال در پایان گفته است: وقتی از نماز و دعا فارغ شدی، و هر یک از سوره‌های: «حمد»، «قل هو الله أحد»، «قل یا ایها الکافرون»، «قل أعوذ برب الفلق»، «قل أعوذ برب الناس»، «إنا أنزناه فی لیلة القدر» و «آیه الکرسی» را هفت بار خواندی، می‌گویی: «اللهم الله الله ربی لا أشرك به شیئاً؛ خدایم! خدا، پروردگار من است، و من هیچ چیزی را شریک او قرار نمی‌دهم». این را هفت بار بگو و بعد هر چه دوست داری دعا کن.

ثُمَّ تَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ^۱.

ثُمَّ تَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً». وَتَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتِ.

۱. ليس في الإقبال «ثم تقول... مرات».

سپس هفت مرتبه می‌گویی: «خدایی جز خداوند نیست و خداوند، بزرگ‌تر است و خدا را تسبیح می‌کنم و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست»^۱ و سپس هفت مرتبه می‌گویی: «خداوند، خداوند صاحب اختیار من است و چیزی را همتای او نمی‌گیرم» و هر دعایی دوست داشتی بکن.^۲

۱. در نقل الإقبال، این عبارت را ندارد و در ترتیب سوره‌ها، نیز سوره «کافرون» را پیش از «معوذتین» گفته است.

۲. مصباح المتعبد: ص ۸۱۶ ح ۸۷۸، المعزاز الكبير: ص ۱۹۹، الإقبال: ج ۳ ص ۲۷۳.

الفصل التاسع

الِاسْتِخَارَاتُ الْمُنَسَّوْبَةُ إِلَى الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١ / ٩

الِاسْتِخَارَةُ بِالذُّعَاءِ

١١٠٧. فتح الأبواب : دُعَاءُ مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ فِي
الِاسْتِخَارَاتِ، وَهُوَ آخِرُ مَا خَرَجَ مِنْ مُقَدَّسِ حَضْرَتِهِ أَيَّامَ الْوِكَالَاتِ :

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - فِي كِتَابِ جَامِعِ لَهُ -، مَا هَذَا لَفْظُهُ : إِسْتِخَارَةُ
الْأَسْمَاءِ الَّتِي عَلَيْهَا الْعَمَلُ، وَيَدْعُو بِهَا فِي صَلَاةِ الْحَاجَةِ وَغَيْرِهَا، ذَكَرَ أَبُو ذَلْفٍ
مُحَمَّدُ بْنُ الْمُظَفَّرِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهَا آخِرُ مَا خَرَجَ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لَهُمَا : «أَتَيْنَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالْنَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^١،
وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى «فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ»^٢، وَأَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى «قَالُوا ءَأَمْنَا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * رَبِّ

١. فصلت : ١١.

٢. الأعراف : ١١٧ والشعراء : ٢٥. والإفك : صُرِفَ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ، فَاسْتَعْمِلَ ذَلِكَ فِي الْكُذْبِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٧٩ «أفك»).

فصل نهم

استخاره های شوب به امام مهدی علیه السلام

۱ / ۹

استخاره به دعا

۱۱۰۷. فتح الأبواب: دعای مولایمان امام مهدی - که در ودهای خدا بر او و بر پدران پاکش باد - به هنگام استخاره، و این آخرین چیزی است که از آستان مقدسش در روزگار حضور و کیلان بیرون آمده است:

محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش این متن را روایت کرده است: لازم است بر اساس استخاره اسمها عمل شود و آن را در نماز حاجت و غیر آن، می خوانند، و ابو دلف محمد بن مظفر - که رحمت خدا بر او باد - گفته: آن آخرین چیزی است که از ناحیه مقدسه بیرون آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خدایا! از تو می خواهم به آن سمت که با آن، آسمانها و زمین را قصد کردی و به آن دو فرمودی: ﴿به رغبت یا با اکراه بیاید و آن دو گفتند: فرمان بردارانه و بارغبت می آییم﴾ و به آن سمت که آهنگ عصای موسی کردی و ﴿ناگهان آن همه آنچه را بر ساخته بودند، می بلعید﴾ و از تو درخواست می کنم به آن سمت که دل های ساحران را به سوی خود چرخاندی تا آن جا که ﴿گفتند: به خدای جهانیان ایمان

مُوسَى وَفَزَّوْنَ»^١، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ، وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ؛ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُخَمِّدٍ وَآلِ مُخَمِّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَتُهَيِّئَهُ لِي، وَتُسَهِّلَهُ عَلَيَّ، وَتَلَطَّفَ لِي فِيهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُخَمِّدٍ وَآلِ مُخَمِّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَأَنْ تُصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ، وَكَيْفَ شِئْتَ، وَحَيْثُ شِئْتَ، وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرْتَهُ، وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

٢/٩

الِاسْتِخَارَةُ بِالسُّبْحَةِ

١١٠٨. منهاج الصلاح : نَوْعٌ آخَرٌ مِنَ الْإِسْتِخَارَةِ، رَوَيْتُهُ عَنْ الْإِدْرِي الْقَفِيهِ سَدِيدِ الدِّينِ يَوْسُفَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُطَهَّرِ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى، عَنِ السَّيِّدِ رَضِيِّ الدِّينِ مُحَمَّدِ الْاَوْيِّ، عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ ع. وَهُوَ أَنْ يَقْرَأَ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَأَقْلَ مِنْهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَالْأَدْوَنُ مِنْهُ مَرَّةً، ثُمَّ يَقْرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ لَكَ، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْقَلْبَانِي مِمَّا قَدْ نِيَطَتْ بِالْبَرَكَةِ أَعْجَازُهُ

١. الأعراف: ١٢١ و ١٢٢ والشعراء: ٤٧ و ٤٨.

آوردیم؛ خدای موسی و هارون، تو خدای جهانیانی و من از تو درخواست می‌کنم با قدرتی که هر نوی را کهنه و هر کهنه‌ای را نو می‌کنی، و از تو درخواست می‌کنم به حق هر حقی که برای توست و به هر حقی که آن را بر خودت قرار داده‌ای، اگر این کار، خیر دین و دنیا و آخرت را در بر دارد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و سلامی در خور به آنان بده و زمینه این کار را برایم فراهم و آسان سازی و نرم و هموارش کنی. به رحمتت، ای رحیم‌ترین رحیمان!

و اگر به زیان دین و دنیا و آخرت است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و سلامی در خور به آنها بده و آن کار را با هر چه خواهی و به هر گونه که خواهی و هر زمان که خواهی، از من دور کن و مرا به قضایت راضی و در تقدیرت برایم برکت قرار ده تا آن که پیش افتادن چیزی را که تو عقب می‌اندازی و عقب افتادن چیزی را که تو پیش می‌اندازی، دوست نداشته باشم؛ که هیچ نیرو و توانی جز به تو نیست، ای والا! ای بزرگ! ای صاحب جلال و اکرام!

۲/۹

استخاره با تسبیح

۱۱۰۸. منهاج الصلاح: گونه دیگر استخاره را از پدر فقیه خود، سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر - که خدا رحمتش کند - از سید رضی الدین محمد آوه‌ای از صاحب الزمان عج نقل می‌کنم؛ و آن به این گونه است که سوره حمد را ده مرتبه و یا دست کم، سه مرتبه و کمتر از آن، یک مرتبه بخواند و سپس سوره قدر را ده مرتبه بخواند و آن گاه این دعا را سه مرتبه بخواند:

«خدایا! از تو خیر می‌خواهم به خاطر علمت به فرجام کارها و از تو مشورت می‌گیرم به خاطر گمان نیکویم به تو در بیم و امید. خدایا! اگر فلان کار در آغاز و

۱. فتح الأبواب: ص ۲۰۵، المصباح، کفعمی: ص ۵۲۱، البند الأملین: ص ۱۶۳، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۷۵

وَبَوَادِيهِ، وَحُقَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلِيَالِيهِ، فَخِرَ لِي فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شَمْسَهُ^١ ذُلُولًا، وَتَقْعُضُ^٢ أَيَّامَهُ سُورًا، اللَّهُمَّ إِنَّمَا أَمْرُ فَاثْتِمِرَ، أَوْ نَهْيُ فَاثْتَهَيَّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ.

ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ الشُّبْحَةِ، وَيُضْمِرُ حَاجَتَهُ وَيُخْرِجُ، إِنْ كَانَ عَدَدُ تِلْكَ الْقِطْعَةِ زَوْجًا، فَهُوَ (افْعَلْ)، وَإِنْ كَانَ قَرْدًا (لَا تَفْعَلْ) أَوْ بِالْعَكْسِ.^٣

١١٠٩. بحار الأنوار: أَقُولُ سَمِعْتُ وَالْيَدِي (ره) يَرْوِي عَنْ شَيْخِهِ الْبَهَائِيِّ نَوَّرَ اللَّهُ ضَرْبَهُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَمِعْنَا مَذَاكِرَةً عَنْ مَشَائِخِنَا عَنِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْإِسْتِخَارَةِ بِالشُّبْحَةِ أَنَّهُ يَأْخُذُهَا وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَقْبِضُ عَلَى الشُّبْحَةِ وَيَعُدُّ اثْنَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ فَإِنْ بَقِيَتْ وَاحِدَةٌ فَهُوَ افْعَلْ وَإِنْ بَقِيَتْ اثْنَتَانِ فَهُوَ لَا تَفْعَلْ.^٤

٣ / ٩

الِاسْتِخَارَةُ الْمِصْرِيَّةُ

١١١٠. فتح الأبواب: رَأَيْتُ يَخْطِي عَلَى الْمِصْبَاحِ - وَمَا أَذْكَرُ الْآنَ مَنْ رَوَاهُ لِي وَلَا مِنْ أَيْنَ نَقَلْتُهُ - مَا هَذَا لَفْظُهُ: الْإِسْتِخَارَةُ الْمِصْرِيَّةُ عَنْ مَوْلَانَا الْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عج):

١. الشَّمْسُ: وَهُوَ النَّفُورُ مِنَ الْغُيُوبِ الَّذِي لَا يَسْتَقِرُّ لِشُعْبِهِ وَحَدَّثَهُ (النهاية: ج ٢ ص ١٥٠ «شمس»).
٢. فِي الْمَصْدَرِ: «تَقْعُضُ»، وَمَا أُبْتِنَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْآخَرَى، وَهُوَ الْمُنَاسِبُ. قَعَضْتُ الْعُودَ: غَطَفْتُهُ كَمَا تُعْطَفُ عُرُوشُ الْكُرْمِ (المصباح: ج ٣ ص ١١٠٣ «قعض»).
٣. وَفِي الْمَذْكُورِ: «مِنْهَا الْإِسْتِخَارَةُ بِالْعَدَدِ، وَلَمْ تَكُنْ هَذِهِ مَشْهُورَةً فِي الْعَصُورِ الْمَاضِيَةِ قَبْلَ زَمَانِ السَّيِّدِ الْكَبِيرِ الْعَابِدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ - الْمَجَاوِرِ بِالْمَشْهَدِ الْمُقَدَّسِ - أَنْفَرُوهُ (عج)، وَقَدْ رَوَيْنَاهَا عَنْهُ وَجَمِيعَ مَرْوِيَّاتِهِ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ الْفَاضِلِ جَمَالِ الدِّينِ بْنِ الْمَطْهَرِ، عَنِ وَالِدِهِ (عج)، عَنِ السَّيِّدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الدِّينِ، عَنِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ.
٤. بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٥٠ ح ٢.

انجام به برکت گره خورده و شب‌ها و روزهایش در کرامت پیچیده شده است، برای من آن را به گونه‌ای برگزین که رام شود و به اختیارم درآید و ایامش به کامم آید. خدایا! یا فرمانم بده تا فرمان پذیرم یا باز دار تا باز ایستم. خدایا! گزینه با خیر و عافیت را از تو به رحمتت می‌خواهم.»

سپس دسته‌ای از دانه‌های تسبیح را بگیرد و حاجتش را از دل بگذراند و دانه‌های تسبیح را بشمارد، اگر عدد آنها زوج بود، به معنای «انجام بده» و اگر فرد بود، به معنای «انجام نده» است، یا عکس این حالت را فرض کند.^۱

۱۱۰۹. بحار الأنوار: از پدرم شنیدم که از استادش، شیخ بهایی - که خدا ضریحش را منور کند - نقل می‌کرد که او از استادانش شنیده که قائم علیه السلام در باره استخاره با تسبیح فرموده است: «آن را می‌گیرد و بر پیامبر و خاندانش - که دروذهای خدا بر او و ایشان باد - سه بار صلوات می‌فرستد و [بخشی از] تسبیح را در دست می‌گیرد و دانه‌ها را دوتا دوتا می‌شمرد. اگر در پایان، یکی ماند، یعنی انجام بده و اگر دوتا ماند، یعنی انجام نده.»

۳ / ۹

استخاره مصری

۱۱۱۰. فتح الأبواب: حاشیه‌ای بر کتاب مصباح [المتجهّد، اثر شیخ طوسی] به خط خودم دیدم که اکنون به یاد ندارم چه کسی آن را برایم روایت کرده و یا از کجا نقل کرده‌ام؛ ولی متش این است: استخاره مصری از مولایمان حجّت صاحب الزمان: «در دو برگه جدا می‌نویسی: "گزیده خدا و پیامبرش برای فلان کس فرزند فلان زن"، و در یکی از آنها می‌نویسی: "انجام بده" و در دیگری می‌نویسی: "انجام نده" و آن دو را در دو گلوله گلی می‌گذاری و در

۱. در الذکری آمده است: از جمله استخاره با عدد است که در قرن‌های گذشته پیش از زمان سید بزرگوار، رضی اللّٰه عنہم بن محمد آوی حسینی بست نشین مشهد مقدس - که رضوان خدا بر او باد - رواج نداشت، و ما آن و همه روایاتش را از او، از جمعی از مشایخمان، از شیخ بزرگوار فاضل جمال الدین بن مطهر، از پدرش - که رضوان خدا بر او باد - از سید رضی الدین، از صاحب امر - علیه الصلاة والسلام - روایت می‌کنیم.

۲. منهاج الصلح: ص ۲۳۰. الذکری: ص ۲۵۲. المصباح، کفعمی: ص ۵۱۵. بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۴۸ ح ۲.

تَكْتُبُ فِي رُقْعَتَيْنِ: «خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ» وَتَكْتُبُ فِي إِحْدَاهُمَا:
(افعل) وَفِي الْأُخْرَى: (لَا تَفْعَل) وَتَتْرُكُ فِي بُنْدُقَتَيْنِ مِنْ طِينٍ وَتَرْمِي فِي قَدَحٍ فِيهِ
مَاءً، ثُمَّ تَتَطَهَّرُ وَتُصَلِّي، وَتَدْعُو عَقِيْبَهُمَا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ قَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ
فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ، اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَلَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَأَعِنِّي وَلَا
تُعِنْ عَلَيَّ، وَمَكِّنِّي وَلَا تُمَكِّنْ مِنِّي، وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي، وَأَرْضِنِي بِقَضَائِكَ
وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتُعْطِي مَا تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا، فَمَكِّنِّي مِنْهُ، وَأَقْدِرْ لِي
عَلَيْهِ، وَأْمُرْنِي بِفَعْلِهِ، وَأَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهِدَايَةِ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ،
فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ،
وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِيهَا: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَةً فِي عَاقِبَةِ» مِثَّةً مَرَّةً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ
وَتَتَوَقَّعُ الْبِنَادِقَ، فَإِذَا خَرَجَتِ الرُّقْعَةُ مِنَ الْمَاءِ فَاعْمَلْ بِمُقْتَضَاهَا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

ظرف آبی می‌اندازی. سپس وضو می‌گیری و نماز می‌خوانی و این دعا را پس از نماز می‌خوانی:

"خدایا! من از تو خیر می‌خواهم، خواستن کسی که امرش را به تو واگذار کرده و خودش را به تو سپرده و در کارش به تو توکل کرده و در کاری که برایش پیش آمده، در برابر تو تسلیم گشته است. خدایا! به سود من و نه زیان من برگزین، و به نفع من و نه علیه من، یاری ده و [بقیه را] به تسلط من درآور و نه مرا به زیر تسلط دیگران ببر و مرا به خیر رهنمون کن و گم‌راهم مکن و مرا به قضایت راضی بدار و در تقدیرت برایم برکت قرار بده؛ که تو آنچه را بخواهی می‌کنی و آنچه را بخواهی می‌دهی.

خدایا! اگر خیر من در این امر، چنین و چنان است، مرا بر آن قدرت بده و بر آن توانایم کن و به انجامش فرمانم بده و راه رسیدن به آن را برایم روشن کن و - خدایا - اگر غیر از این است، آن را از من به سوی چیزی که برایم از آن بهتر است، بچرخان؛ که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانای به نهان‌هایی، ای رحیم‌ترین رحیمان!

سپس به سجده می‌روی و در آن صد مرتبه می‌گویی: "از خداوند، خیر همراه عافیت می‌خواهم." سپس سرت را بالا می‌آوری و گلوله‌های گلی را می‌پایی. هر یک از برگه‌ها که از آب بیرون آمد، به مقتضای آن عمل کن، اگر خدای متعال خواست.^۱

پژوهشی درباره استخاره های منسوب به امام زمان علیه السلام^۱

استخاره در لغت و بیشتر متون کهن حدیثی، به معنای طلب خیر و نیکی از خداوند است تا در پرتو راه‌نمایی و دستگیری او، از زیان‌های احتمالی تصمیم و عمل‌مان بر کنار بمانیم. در این شیوه از استخاره، ما با دعا و درخواست از خداوند علیم متعال و استذکار قلبی اسمای الهی و توکل بر قدرت لایزال او، عنایت و توجه او را به خود جلب می‌کنیم. این کار - که می‌تواند با همه امور زندگی همراه شود و آنها را متمن و متبرک گرداند -، از سوی احادیث متعدّد فریقین با اسنادی مقبول و در کتاب‌هایی مشهور و قابل اعتماد، مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

گونه دیگر استخاره، برای بیرون آمدن از تردید و دودلی در کارهای مهم و یا نگران‌کننده و به گونه‌ای مشورت با خداوند و بهره‌گیری از راه‌نمایی و یاری اوست که به شکل‌های گوناگونی مانند: گشودن قرآن، نوشتن توصیه به کار و یا ترک آن در برگه و در آوردن آن به شکل قرعه (استخاره ذات الرقاع)، و یا با تسبیح (به دست گرفتن مقدار تصادفی دانه‌های تسبیح و خوب و بد شمردن کار بر پایه تعداد

۱. به قلم پژوهشگر ارجمند، حجّة الإسلام والمسلمین عبد الهادی مسعودی.

۲. ر. ک: المقنعة: ص ۲۱۶ (باب صلاة الاستخارة)، المحاسن: ج ۲ ص ۴۲۱ (باب الاستخاره)، الکافی: ج ۳ ص ۲۷۸ ح ۸، مکایم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۰۲ (فی صلاة الاستخارة)، وسائل الشیمة: ج ۵ ص ۲۰۴ (أبواب صلاة الاستخارة وما یناسبها)، صحیح البخاری: ج ۵ ص ۲۳۴۵ ح ۶۰۱۹ (باب الدعاء عند الاستخارة)، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۸۹ (باب فی الاستخارة)، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۱۱ ح ۱۴۷۱۳، المعجم الکبیر: ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۱۴۷۷ و....

باقی مانده دانه‌ها) انجام می‌گیرد و برخی از شیوه‌های آن بویژه ذات الرقاع و نیز آنچه با دعا و راز و نیاز همراه است، مشهور و احادیث دال بر آن، مستند هستند. سید ابن طاووس، محدث بزرگ قرن هفتم هجری، به این احادیث به دیده قبول نگریسته و شیوه‌های مطرح شده برای استخاره را در کتاب مشهورش فتح الأبواب، گرد آورده و دسته‌بندی کرده است.^۱

علامه مجلسی نیز مشابه او عمل کرده و نظر کلی خویش را چنین بیان کرده است:

الأصل في الاستخارة الذي يدلّ عليه أكثر الأخبار المعتبرة، هو أن لا يكون الإنسان مستبداً برأيه، متعمداً على نظره وعقله، بل يتوسل بربه تعالى و يستوكل عليه في جميع أموره، و يقرّ عنده بجهله بمصالحه، و يفوض جميع ذلك إليه، و يطلب منه أن يأتي بما هو خير له في أخراه وأولاه، كما هو شأن العبد الجاهل العاجز مع مولاه العالم القادر، فيدعو بأحد الوجوه المتقدمة مع الصلاة أو بدونها، بل بما يخطر بباله من الدعاء إن لم يحضره شيء من ذلك، للأخبار العامة. ثم يأخذ فيما يريد ثم يرضى بكلّ ما يترتب على فعله من نفع أو ضرر. و بعد ذلك الاستخارة من الله سبحانه ثم العمل بما يقع في قلبه و يغلب على ظنه أنه أصلح له، و بعده الاستخارة بالاستشارة بالمؤمنين، و بعده الاستخارة بالرقاع أو البنادق أو القرعة بالسبحة و الحصى أو التفلّ بالقرآن الكريم، و الظاهر جواز جميع ذلك كما اختاره أكثر أصحابنا.^۲

معنای اصلی استخاره - که بیشتر روایات معتبر بر آن دلالت می‌کنند -، آن است

۱. افزون بر کتاب فتح الأبواب بین ذوی الالباب و بین رب الأرباب فی الاستخارات - که در قرن هفتم تدوین شده -، می‌توان به مفتاح الغیب اثر مستقل علامه مجلسی در باره استخاره و نیز بحار الأنوار (ج ۹۱ ص ۲۲۲ - ۲۸۸)، مفتاح الفرج، نوشته محمدحسین خاتون‌آبادی (م ۱۱۵۱ ق) و کتاب‌های متعدد دیگری اشاره کرد که در کتاب الذریعة (ج ۲ ص ۲۰) گزارش شده‌اند. در دوره معاصر نیز می‌توان به کتاب استخاره و نغان، اثر ابوالفضل ضریقه‌دار و پژوهشی در باره استخاره از مرتضی حسینی اصفهانی اشاره نمود.

۲. بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۸۷.

که انسان، خودرأیی نوزد و بر رأی و عقل خویش اعتماد مطلق نکند؛ بلکه به خدای متعالش توسل کند و در همه کارهایش بر او توکل نماید و نزد او به ناآگاهی از مصلحت‌های خویش اقرار کند و همه این امور را به خدا بسپارد و از او بخواهد که خیر دنیا و آخرتش را برایش پیش آورد؛ به گونه همان رابطه‌ای که میان بنده نادان ناتوان و مولای دانای توانا برقرار است. پس مطابق یکی از شیوه‌های روایت شده و همراه نماز یا بدون آن، دعا می‌خوانند و یا هر دعایی که به ذهنش رسیده، که روایات عامه بر این مطلب دلالت دارد. آن گاه آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد و پس از استخاره و طلب خیر از خداوند، به حاصل آن، چه سود و چه زیان، راضی می‌شود. شیوه دیگر، طلب خیر از خداوند و سپس آنچه را در دلش می‌افتد و بیشتر گمان می‌برد که به مصلحتش است، عمل می‌کند. پس از این، استخاره به وسیله مشورت با مؤمنان است و پس از این، استخاره ذات الرقاع (استخاره با ورقه) یا با گلوله‌های گلی و نیز قرعه‌کشی با دانه تسبیح و ریگ و یا تفأل به قرآن است و ظاهر این است که همه این شیوه‌ها مجازند و این، نظر بیشتر عالمان شیعه است.

گفتنی است شیوه‌های کمتر مشهور و بی سند و یا دارای اسناد ضعیف نیز می‌توانند در زمره قرعه و یا دیگر عناوین کلی جای بگیرند و در پی تجربه‌های متعدد و همراهی معنویت فرد استخاره‌کننده، اعتبار نسبی یابند، آن گونه که بسیاری از عالمان موثق و مشهور عمل کرده‌اند.^۱ این شیوه‌ها پس از اندیشه و مشورت فرد مردد، راه‌کاری برای خروج از حالت سخت دودلی و بی‌تصمیمی است و به قراخور خود، از نیازمندانش، کارگشایی می‌کنند و در جایگاه تعیین شده خویش، کارایی دارند.

در میان شیوه‌های گوناگون، چند استخاره به امام زمان عج منسوب شده‌اند که در

۱. برای آگاهی از این عالمان و استخاره‌های شگفت ایشان، رک: استخاره و تفأل.

این جا بررسی می‌کنیم.

۱. حدیث اول

ابن طاووس این استخاره را در زمرة توقیعات صادر شده در دوره غیبت صفرا دانسته؛ ولی چون فاصله زمانی ابن طاووس با نایبان خاص امام زمان علیه السلام در روزگار غیبت صفرا حدود سه قرن است، باید دید این انتساب چه سازوکاری داشته است.

متن گزارش ابن طاووس در کتاب حاضر آمده است.^۱ این استخاره، به معنای دعا و طلب خیر از خداوند است و شکل و مضمون آن، مطابق با بسیاری از استخاره‌های توصیه شده در احادیث است، هر چند با استخاره‌های متداول امروزی تفاوت دارد. از این رو، متن حدیث، پذیرفتنی است.

سند گزارش ابن طاووس

به دلیل نامعین بودن منبع گزارش ابن طاووس و مؤلف آن، محمد بن علی بن محمد، و نیز تضعیف صریح رجال‌شناسان شیعه نسبت به راوی اول این گزارش، ابو دلف محمد بن مظفر،^۲ سند حدیث، ضعیف محسوب می‌شود و تنها با پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن و یا از طریق تعاضد مضمونی می‌توان حدیث را مقبول شمرد. افزون بر این، ابو دلف، این متن را آخرین چیزی می‌داند که از سوی ناحیه مقدسه وارد شده است، و این، در تنافی با نقل مشهور است که آخرین توقیع را اعلام خبر وفات نایب چهارم، جناب سمري می‌داند.

گفتنی است کفعمی نیز این دعا را با تعبیر «مروى عن القائم علیه السلام» گزارش کرده^۳

۱. ر.ک: ص ۳۲۸ ح ۱۱۰۸.

۲. ر.ک: قاموس الرجال: ج ۹ ص ۵۹۰ ش ۷۲۸۶.

۳. المصباح، کفعمی: ص ۵۲۱، البلد الأمين: ص ۱۶۳.

و منبع آن را در کتاب المصباح خود، فتح الأبواب دانسته است؛ ولی در کتاب دیگرش (البلد الامین) منبعی برای آن ذکر نکرده است، هرچند به نظر می‌رسد در آن جا نیز از فتح الأبواب نقل کرده باشد.

۲. استخاره مصری

ابن طاووس، استخاره‌ای دیگر در فتح الأبواب نقل و آن را به امام زمان عج منسوب نموده است. متن این استخاره در کتاب آمده؛^۱ اما تعبیر ابن طاووس، از مرسل و بی اعتبار بودن طریق و سند این نقل حکایت دارد. تعبیر او چنین است:

زَأَيْتُ بِخَطِّي عَلَى الْمِصْبَاحِ مَا أَذْكَرُ الْآنَ مِنْ زَوَاةٍ لِي وَلَا مِنْ أَيْنَ نَقَلْتُهُ .

حاشیه‌ای به خط خودم در کتاب مصباح [المتهجد، اثر شیخ طوسی] دیدم که اکنون به یاد نمی‌آورم که چه کسی آن را برایم روایت کرده و یا از کجا نقل کرده‌ام.

گفتنی است که ابن طاووس، این استخاره را نسبت به ذات الرقاع، مرجوح دانسته و احتمال داده است که آن برای معذوران از استخاره به ذات الرقاع باشد.^۲ همچنین ابن طاووس، درست پیش از این روایت (در ص ۲۶۴) استخاره‌ای را با دعایی بسیار مشابه همین استخاره از قول امیر مومنان عج نقل می‌کند و این نکته، انتساب استخاره به حجت عج را تضعیف می‌کند.^۳

یادآور می‌شویم که مطابق با نقل طبرسی از توقیع حمیری در الاحتجاج، امام زمان عج چگونگی استخاره را به آنچه امامان پیشین ارائه داده‌اند، ارجاع داده است و

۱. ر.ک: ص ۳۲۶ ح ۱۱۰۷ (فتح الأبواب: ص ۲۶۵).

۲. فتح الأبواب: ص ۲۶۵.

۳. فتح الأبواب: ص ۲۶۴؛ وجدت بخط علي بن يحيى الحافظ - ولنا منه إجازة بكل ما يرويه - استخارة مولانا أمير المؤمنين عج؛ به خط علي بن يحيى حافظ - که به ما اجازه روایت هر روایتی را که کرده داده -، استخارة مولایمان امیر مومنان عج را یافتیم.

آن را به شیوه استخاره به رقاع همراه با نماز دانسته است. این روایت در صورت صحت سند، می‌تواند نقل‌ها و دیگر استخاره‌های منسوب به قائم (عج) را بی اعتبار کند؛ اما طریق طبرسی به حمیری، مرسل است. متن گزارش چنین است:

عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری أنه كتب إلى الحجّة (عج):
 وسأل عن الرجل يعرض له الحاجة بما لا يدري أن يفعلها أم لا، فيأخذ خاتمين فيكتب في أحدهما: «نعم افعل» وفي الآخر: «لا تفعل» فيستخير الله مراراً، ثم يرى فيهما، فيخرج أحدهما فيعمل بما يخرج. فهل يجوز ذلك أم لا؟ والعامل به والتارك له أهو مثل الاستخارة أم هو سوى ذلك؟

فأجاب (عج): الذي سنه العالم (عج) في هذه الاستخارة بالرقاع والصلاة.^۱

سؤال: کسی که برایش کاری پیش آید و نداند چه کند و دو مهر بر می‌دارد، در یکی «بله انجام بده» و در دیگری «انجام نده» می‌نویسد و چندین بار از خدا طلب خیر می‌کند و سپس به آن دو می‌نگرد و یکی را بیرون می‌کشد و به هر چه که آمد، عمل می‌کند، آیا این کار، جایز است یا نه، و آیا عمل کننده و یا عمل نکننده به آنچه بیرون آمده، مانند کسی است که استخاره کرده است یا مانند آن نیست؟

جواب: سنتی که عالم (عج) در این موقعیت‌ها بنا نهاده است، استخاره با برگه‌های شش‌گانه [و نماز استخاره است.

گفتنی است استخاره ذات الرقاع، بهترین نوع استخاره است که گونه‌های متفاوتی دارد و ما معتبرترین آنها را از الکافی همراه بیان علامه مجلسی در پانویست می‌آوریم.^۲

۱. رک: ج ۴ ص ۱۹۶ ح ۶۹۰.

۲. نقة الاسلام کلینی گویند: غمر و اجدر عن سهل بن زناد عن أحمد بن محمد البصری عن النابغی بن عبد الرحمن الهاتیمی عن هارون بن خاریجة عن أبي عبد الله (عج) قال: إذا أردت أمراً فخذ بيث رقاع فاكُتب في ثلاثٍ منها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ بَقْدَانِ بْنِ فَلَانَةَ افْعَلْهُ وَفِي ثَلَاثٍ مِنْهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ بَقْدَانِ بْنِ فَلَانَةَ لَا تَفْعَلْ ثُمَّ ضَعْنَهَا تَحْتَ مُصَلِّكَ ثُمَّ صَلِّ ذَكَرْتَنِي فَبَادَا فَرَعَتْ فَاسْجُدْ

« سجدة و قُل فِيهَا يَا نَبِيَّ: أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي عَالِيَةِ نَوْمِ اسْتَوِي جَالِسًا و قُل: اللَّهُمَّ جُورِي و اخْتَرِي لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يَسْرِ بَيْتِكَ و عَافِيَةِ نَوْمِ اضْرِبْ بِيَدِكَ إِلَى الرُّقَاعِ فَشَوْشَهَا و أَخْرِجْ وَاجِدَةً فَإِنْ خَرَجَ ثَلَاثَ مَثَوَاتٍ أَفْعَلْ فَأَفْعَلِ الْأَمْرَ الَّذِي تُرِيدُهُ و إِنْ خَرَجَ ثَلَاثَ مَثَوَاتٍ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَفْعَلْهُ و إِنْ خَرَجَتْ وَاجِدَةٌ فَافْعَلْهُ و الْأُخْرَى لَمْ تَفْعَلْ فَأَخْرِجْ مِنَ الرُّقَاعِ إِلَيَّ خُمْسَ فَانظُرْ أَكْثَرَهَا فَافْعَلْ بِهِ و دَعِ السَّادِسَةَ نَا تَحْتَاجُ إِلَيْهَا.

امام صادق (ع): «هرگاه تصمیم کاری را داشتی، شش تکه [کاغذ] بردار و در سه تایی آنها بنویس: به نام خدای مهربان مهرورز. انتخابی از سوی خداوند عزیز حکیم برای فلانی پسر فلان زن، آن را انجام بده. و در سه تایی دیگر بنویس: به نام خدای مهربان مهرورز. انتخابی از سوی خداوند عزیز حکیم برای فلانی پسر فلان زن. آن را انجام بده. بعد آنها را زیر سجاده نمازت بگذار، و سپس دور رکعت نماز بخوان و وقتی نماز را تمام کردی، به سجده برو و در آن، یک صد بار بگو: اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةِ: از خداوند به مدد رحمتش درخواست گزینش و انتخاب خیر با عافیت و ایمن می‌کنم. پس بنشین و بگو: اللَّهُمَّ جُورِي...! خداوند! برایم برگزین، و در تمامی کارهایم برای من آسایش و عافیتی از سوی خود را برگزین. سپس دست به تکه‌های کاغذ ببر و آنها را به هم بریز و یکی از آنها را بردار. اگر پی در پی سه تکه «بکن» آمد، کاری که می‌خواهی انجام دهی، انجام بده و اگر پشت سر هم سه تکه «نکن» آمد، انجامش نده: اما اگر یکی «بکن» و دیگری «نکن» درآمد، تا پنج تکه را بردار، و به آنها نگاه کن. و به آنی که زیاده‌تر بود عمل کن و تکه ششم را رها کن که نیازی به آن نیست (الکافی: ج ۳ ص ۴۷۱ ح ۳).

بیان علامه مجلسی: مشهورترین روش این استخاره، و مورد اعتمادترینش، این است و اصحاب ما هم به آنها عمل کرده‌اند، و در آن، غسل ذکر نشده است، چون غسل در دیگر انواع استخاره وارد شده، برخی از اصحاب، آن را ذکر کرده‌اند، و اشکالی ندارد، و در آن، سوره خاصی برای نماز استخاره ذکر نشده است. برخی دو سوره حشر و الرحمن را ذکر کرده‌اند؛ چون در استخاره مطلق، این دو وارد شده‌اند. همان طور که گذشت، و یا در روایت کراچکی - رحمة الله علیه - می‌آید، اگر شخص، این دو را با سوره اخلاص در هر رکعت بخواند، حسنتش بعید نیست.

بدان که برداشتن پنج برگ، گاهی ضروری نیست، همان گونه که اگر یکی را بردارد و «نکن» باشد و بعد سه تا «بکن» و یا به عکس، کافی است. اگر بگویی: این هم جزء همان دو بخش یاد شده است، می‌گویم: اگر آن را بپذیریم - هر چند بعید است - ممکن است «بکن» در بیاید، بعد «نکن» و دوبار «بکن» و به عکس. و در این صورت، نیازی به برداشتن پنج برگ نیست. ظاهر مسئله این است که آنچه در خیر آمده، بالاترین احتمالات است، مضاف بر این که احتمال دارد برداشتن برگه پنج، تعبیدی باشد - هر چند بعید است - ناگفته نماند که با کثرت یکی از دو طرف، تفاوتی در مراتب حسن و ضد حسن نخواهد بود. برخی از اصحاب، با شتاب و سرعت آمدن «بکن» و «نکن» مراتبی برای آن قائل شده‌اند یا با پشت سر هم آمدن یکی از آن دو، مثلاً با چهار برگه آمدن «بکن» یا «نکن» از پنج برگ، قائل به مراتب شده‌اند. نیز در دوبار «بکن» آمدن، و یک بار «نکن» و بعد «بکن» را بهتر می‌دانند از «نکن» آمدن در آغاز، و یا سه بار «بکن» آمدن و همین طور است عکس آن، و نیز دیگر اعتبارهایی که با موارد ذکر شده سنجیده می‌شوند، که بعید نیستند (بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۳۰).

۳. استخاره با تسبیح و عدد

این استخاره که در آن از تسبیح و عدد استفاده می‌شود و دعایی نیز دارد، مربوط به دوره غیبت کبراست و علامه حلی آن را در کتاب منهاج الصلاح - که تلخیص وی از مصباح المنتهجد شیخ طوسی است -، نقل کرده و طریق خود را به آن، این گونه نقل کرده است:

نوع آخر من الاستخارة. رويته عن والدي الفقيه سيد الدين يوسف بن علي بن المطهر - رحمه الله تعالى - . عن السيد رضي الدين محمد الآبي . عن صاحب الزمان عليه السلام .

گونه دیگر استخاره را از پدر فقیهم، سید الدین یوسف بن علی بن مطهر - که خدا رحمتش کند - از سید رضی الدین محمد آوهای حسینی از صاحب الامر علیه السلام نقل می‌کنم.^۱

او سپس متن حدیث را می‌آورد که در کتاب آمده است.

شهید اول نیز این استخاره را به نقل از علامه حلی و با همان طریق آورده؛ اما تصریح کرده است که این شیوه استخاره از زمان سید رضی الدین آوهای مرسوم شده و پیشینه‌ای ندارد.^۲ گفتنی است شهید اول نقل ابن طاووس را که در پی می‌آید نیز گزارش کرده است .

سید ابن طاووس نیز که با این سید آوهای هم‌عصر است و او را برادر خود خوانده، همین استخاره را از او نقل کرده؛ اما آن را به صادق علیه السلام نسبت داده که به احتمال فراوان، امام جعفر صادق علیه السلام است، اگرچه به احتمالی بعید، عنوانی کلی برای امام زمان علیه السلام باشد. متن گزارش، مشابه متن منقول علامه و آغاز آن چنین است:

فوجدت بخط أخي الصالح الرضي القاسمي الآبي محمد بن محمد بن

۱. ر.ک: ص ۳۲۹ ح ۱۱۰۸.

۲. التذکری: ص ۲۵۳.

الْحُسَيْنِيِّ ضَاعَفَ اللَّهُ سَعَادَتَهُ وَ شَرَّفَ خَاتِمَتَهُ مَا هَذَا لِقَوْلِهِ عَنِ الصَّادِقِ (ع) ...
 به خط برادر شایسته‌ام، قاضی محمد بن محمد حسینی آوی - خداوند سعادتش را
 دوچندان کند و پایان کارش را شرافت بخشد - مطلبی را از امام صادق (ع) یافتیم
 که چنین بود:

و آن گاه متن مشابه را با تفاوت‌هایی در بخش انتهایی آورده است.^۱
 یادآور می‌شویم، رابط سید ابن طاووس در انتساب برخی ادعیه به امام زمان (عج)،
 همین سید آوه‌ای است. بنا بر این، اگر سید آوه‌ای، این استخاره را به امام زمان (عج)
 نسبت می‌داد، قاعدتاً ابن طاووس نیز همان گونه نقل می‌کرد، در حالی که ابن
 طاووس در کتاب دیگرش الأمان، این استخاره و دعای مربوط به آن را بدون ذکر
 سند نقل کرده؛ اما باز آن را به امام صادق (ع) نسبت داده است.^۲
 می‌توان گفت: اصل این استخاره و دعای مربوط بدان، از متون منسوب به امام
 صادق (ع) بوده است که در دسترس سید آوه‌ای بوده؛ ولی چون او، شخصی مقدس
 و مورد احترام معاصرانش بوده و ملاقات‌هایی با امام زمان (عج) داشته و برخی دعاها
 را نیز از ایشان نقل کرده است، چنین گمان رفته که این استخاره را نیز از امام زمان (عج)
 نقل کرده است. با این حال، به دلیل وجود این دو نقل، «استخاره یا تسبیح» به امام
 صادق (ع) و امام زمان (عج) نسبت داده شده است چنان که صاحب جواهر در بیان انواع
 استخاره‌ها می‌نویسد:

و تارة بالسبحة كما روى عن الصادق وصاحب الزمان وعليهما العمل في زماننا
 هذا من العلماء وغيرهم.^۳

و گاه با تسبیح است، چنانچه از امام صادق (ع) و امام زمان (عج) نقل شده و در این
 زمان، برخی از علما و دیگران، به آن عمل می‌کنند.

۱. فتح الأبواب: ص ۲۷۲، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۴۷ ح ۱، وسائل الشیعة: ج ۵ ص ۲۱۹ ح ۲.

۲. الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان: ص ۹۸.

۳. جواهر الکلام: ج ۱۲ ص ۱۶۳.

احتمال دیگر آن که این استخاره از امام صادق علیه السلام صادر شده، ولی در دسترس عموم شیعیان نبوده و امام زمان علیه السلام آن را برای سید آوهای نقل کرده است. در هر صورت، این حدیث نیز مشکل محتوایی ندارد؛ ولی سندش، مرسل و ضعیف است.

۴. استخاره با تسبیح

علامه مجلسی نیز استخاره‌ای منسوب به امام زمان علیه السلام را به نقل از پیشینیان خود نقل کرده که بسیار شبیه رسم متداول امروزمین در استخاره با تسبیح است. او این شیوه را در باب «الاستخارة بالسبحة والحصاة» گزارش کرده و در کتاب، موجود است:^۱ این حدیث نیز در چارچوب آموزه‌های دینی مانند قرعه و نگاه مشورتی به استخاره می‌گنجد؛ اما سند معتبری ندارد؛ زیرا ابتدای سند، مشتمل بر بزرگانی چون مجلسی پدر و شیخ بهایی است، اما ادامه سند مشخص نیست و حدیث مرفوعه به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

روایات منسوب به حضرت حجت علیه السلام در باره استخاره از صحت سندی مصطلح برخوردار نیستند، اما هیچ یک مشکل محتوایی ندارند و مضمون آنها با سایر روایات در باره استخاره، همگون است. از این رو، با توجه به تجربه‌های متعدد و استخاره‌های کارگشا و نیز قداست معنوی فرد استخاره‌گیرنده و توکل به خدای متعال، می‌توانیم این شیوه را برای طلب خیر از خداوند و بیرون آمدن از شک و دودلی و بی‌تصمیمی به کار بیندیم، هرچند باید از انتساب قطعی آنها به امام زمان علیه السلام بپرهیزیم.

الفصل العاشر

التوسُّلُ بِإِلَافِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١/١٠

دُعَاءُ «اللَّهُمَّ عَظِّمِ الْبَلَاءَ»

١١١١ . جمال الأسبوع : صلاة الحجَّة القائمِ عليه السلام : رَكَعَتَيْنِ ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ إِلَى «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تَقُولُ مِثْلَ مَرَّةٍ : «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تُتِمُّ قِرَاءَةَ الْفَاتِحَةِ ، وَتَقْرَأُ بَعْدَهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً^١ ، وَتَدْعُو عَقِيْبَهَا فَتَقُولُ :

اللَّهُمَّ عَظِّمِ الْبَلَاءَ^٢ ، وَبَرِّحِ الْخَفَاءَ ، وَانْكَشِفِ الْغِطَاءَ ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنْعَتِ^٣ السَّمَاءُ ، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُسْتَكْنَى ، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ ، وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ ، وَأَظْهِرْ إِعْزَاؤَهُ . يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، اكَفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ - ثَلَاثَ

١ . من الواجب التذكير بهذه الملاحظة وهي أن كيفية هذه الصلاة جاءت في موضعين آخرين .

٢ . ذكر هذا الدعاء مع مقدمة أخرى . ر.ك : ص ٢٩٤ (الفصل الثامن / دعاء «اللهم عظم البلاء»).

٣ . في المصدر «بما وسعت» والصحيح ما اثبتناه .

فصل دهم

توسل به امام مهدی علیه السلام

۱/۱۰

دعای «خدایا! بلا فرونی گرفت»

۱۱۱۱. جمال الأسبوع: نماز حجت قائم آل محمد علیهم السلام دو رکعت است که در هر رکعت، سوره حمد را می خوانی تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسی، آن را صد مرتبه می گویی و سپس سوره حمد را تا پایان قرائت می کنی و پس از آن سوره توحید را یک مرتبه می خوانی^۱ و پس از نماز می گویی: «خدایا! بلا بزرگ شده^۲ و نهان، آشکار شده و پرده کنار رفته و زمین تنگ گشته و آسمان، [از باریدن] بخل ورزیده است^۳ و ای خدای من! شکوه ها و دردها را نزد تو می آورند و تکیه گاه در سختی و راحتی تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست! کسانی که ما را به اطاعتشان فرمان دادی؛ خدایا! در گشایش امرشان به دست قائم ایشان تعجیل بفرما و عزتت را آشکار بنما. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا حفظ کنید که شما نگهبانان من هستید. ای

۱. دستور این نماز در دو جای دیگر آمده است. ر.ک: ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۸ و ص ۳۰۱ ح ۱۰۹۸

۲. گزارشی دیگر از این دعا وجود دارد که در آن با مقدمه ای دیگر آمده است. ر.ک: ص ۲۹۰ (فصل هشتم / دعای «خدایا! بلا فرونی گرفت»).

۳. در متن عربی، واژه «السماء» بدون فعل مناسب آن آمده است و به نظر می رسد فعل «منعت» جا افتاده باشد که در این صورت، با متن مشهور همین دعا شبیه می شود که به عنوان اولین دعا از امام مهدی علیه السلام آمده است.

مَرَاتٍ - الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ.
 راجع: ص ٢٩٠ ح ١٠٦٦.

٢/١٠

دُعَاءُ «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ»

١١١٢ . دلایل الإمامة : حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّمُكْبَرِيُّ، قَالَ :
 حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي الْبَغَلِ الْكَاتِبُ ... [عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ] فَقَالَ : تُصَلِّي
 رَكَعَتَيْنِ، وَتَقُولُ :

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ . يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ، يَا
 عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ الشَّجَاوِزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
 بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئًا
 بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا سَيِّدَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا مَوْلَاهُ - عَشْرَ
 مَرَّاتٍ - يَا غَايَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ
 الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عليهم السلام إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرِيمِي، وَنَفَسْتَ هَمِّي،
 وَفَرَّجْتَ عَنِّي، وَأَصْلَحْتَ حَالِي .

وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتَ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ . ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ،
 وَتَقُولُ مِئَةَ مَرَّةٍ فِي سُجُودِكَ : «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا
 كَافِيَايَ، وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ» .

وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِئَةَ مَرَّةٍ : «أَدْرِكْنِي» وَتُكْرِرُهَا كَثِيرًا .

مولای من! ای صاحب الزمان به فریاد برس، به فریاد برس! به فریاد برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب! امان، امان، امان! ^۱

رکعت ص ۲۹۱ ج ۱۰۶۶.

۲/۱۰

دعای «ای که زیبارا آشکار می کنی»

۱۱۱۲. دلائل الإمامة - با سندش به نقل از ابو الحسین بن ابویعلی کاتب - : صاحب الأمر عج فرمود: «دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: "ای که [کار] زیبارا آشکار می کنی و [کار] زشت را می پوشانی! ای که [مجرم را زود] به جرم و جنایت بازخواست نمی کنی و پرده را نمی دری! ای که متنی بزرگ بر ما داری! ای بخشنده باگذشت! ای نیکو درگذرنده! ای که آمرزشت گسترده و دستانت به رحمت گشوده است! ای نهایت هر رازگویی! ای غایت هر گله گزاری! ای یاور هر یاری خواه! ای آغازگر نعمت دهی پیش از استحقاق آن!"

آن گاه هر یک از این نامها را ده بار صدا می زنی: "یا ربّاه"، "یا سیداه"، "یا مولاه"، "یا غایتاه"، "یا منتهی رغبتاه" و پس از آن می گویی: "از تو می خواهم که به حقّ این نامها و به حقّ محمد و خاندان پاکش، دشواری ام را بزدایی و اندوهم را ببری و گره از کارم بگشایی و حالم را به سامان آوری."

و پس از اینها، هر دعایی می خواهی بکن و حاجتت را بخواه و سپس گونه راستت را بر زمین می نهی و در سجدهات صد مرتبه می گویی: "ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری دهید که شما یاری دهندگان من هستید."

و گونه چپت را بر زمین می نهی و صد مرتبه می گویی: "مرا دریاب" و آن را فراوان تکرار می کنی، و می گویی: "فریادرس، فریادرس!" تا نفست ببرد، و سرت را

وَقَوْلُ: «الْعَوْتُ الْعَوْتُ» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ، وَتَرْفَعُ رَأْسُكَ، فَإِنَّ اللَّهَ بِكْرَمِهِ يَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (تعالى).

٣/١٠

دُعَاءُ أَبِي الْوَفَاءِ

١١١٣ . بحار الأنوار نقلا عن قبس المصباح: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الصَّدُوقُ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ النَّجَاشِيِّ الصَّرْفِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْكُوفِيِّ بِبَغْدَادَ فِي آخِرِ شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ، وَ كَانَ شَيْخاً بَهِيماً ثِقَةً صَدُوقَ اللِّسَانِ عِنْدَ الْمُوَافِقِ وَ الْمُخَالِفِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الشَّيْبِيِّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: حَكَى لِي أَبُو الْوَفَاءِ الشَّيرَازِيُّ وَ كَانَ صَدِيقاً لِي أَنَّهُ قَبَضَ عَلَيْهِ أَبُو عَلِيٍّ الْيَاسُ صَاحِبُ كِرْمَانَ قَالَ: فَقَيَّدَنِي وَ كَانَ الْمُؤَكِّلُونَ بِي يَقُولُونَ إِنَّهُ قَدْ هَمَّ فَيْكَ بِمَكْرُوهٍ فَقَلِقْتُ لِذَلِكَ وَ جَعَلْتُ أَنَا حِي اللَّهِ تَعَالَى بِالْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَ فَرَعْتُ مِنْ صَلَاتِي نِمْتُ فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ ص فِي نَوْمِي وَ هُوَ يَقُولُ لَنَا تَوَسَّلْ بِي وَ لَنَا بِابْنِي لِشَيْءٍ مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْيَا إِلَّا لِمَا تَبْتَغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ رِضْوَانِهِ وَ أَمَّا أَبُو الْحَسَنِ أَخِي فَإِنَّهُ يَنْتَقِمُ لَكَ مِمَّنْ ظَلَمَكَ

قَالَ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَنْتَقِمُ لِي مِمَّنْ ظَلَمَنِي وَ قَدْ لُبِّتَ فِي حَبْلِ فَلَمْ يَنْتَقِمْ وَ غَضِبَ عَلَيَّ حَقِّي فَلَمْ يَنْكَلَمْ قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيَّ كَالْمُتَعَجِّبِ وَ قَالَ: ذَلِكَ عَهْدُ عَهْدَتُهُ إِلَيْهِ وَ أَمْرٌ أَمَرْتُهُ بِهِ فَلَمْ يَجْزِ لَهُ إِلَّا الْقِيَامُ بِهِ وَ قَدْ أَدَّى الْحَقُّ فِيهِ إِلَّا أَنْ الْوَيْلَ لِمَنْ تَعَرَّضَ لِوَلِيِّ اللَّهِ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَلْيَلْتَجِءَ مِنَ السَّلَاطِينِ وَ نَفْسِ الشَّيَاطِينِ

بالا می آوری که خداوند به کرمش، حاجتت را برآورده می کند، ان شاء الله تعالی! ^۱

۳/۱۰

دعای ابوالوفا

۱۱۱۳. بحار الأنوار - به نقل از قبس المصباح -: شیخ راستگو ابوالحسن احمد بن علی بن احمد نجاشی صیرفی، مشهور به «ابن کوفی» که شیخی مورد اعتماد و راستگو در نزد موافقان و مخالفان بود - و خداوند از وی راضی باد و او را راضی کند - در پایان ماه ربیع الأول سال ۴۴۲ق در بغداد به ما خبر داد که: حسن بن محمد بن جعفر تمیمی - که خبر بر او قرانت شده بود - به من خبر داد و گفت: دوستم ابوالوفای شیرازی برایم نقل کرد: ابر علی الیاس متولئی کرمان مرا دستگیر کرد و به غل و زنجیر کشید. مأمورانی که بر من گمارده شده بودند، به من گفتند که الیاس، قصد سوئی به تو دارد، و من از این جهت، نگران شدم، و با توسل به ائمه علیهم السلام، شروع کردم با خداوند راز و نیاز کردن. شب جمعه فرا رسید، و من در آن شب پس از نماز خوابیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله را خواب دیدم که می فرمود: «برای خواسته های دنیوی به من و فرزندانم حسن و حسین توسل مشو؛ مگر در کارهایی که در پی طاعت خدای متعال و خشنودی او باشد؛ اما برادرم ابوالحسن [علی] انتقامت را از کسی که به تو ستم کرده می گیرد».

گفتم: ای پیامبر خدا! چه طور ایشان از کسانی که به من ظلم کرده اند، حقم را می گیرند، در حالی که دستان خودش با ریسمانی بسته شد و انتقام نگرفت، و حقم غصب شد، ولی حرفی نزد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاهی متعجبانه به من کرد و فرمود: «آن پیمانی بود که من با او بسته بودم و قراری بود که من به او دستور داده بودم، و بر او جز اقدام به آن، کار دیگری روا نبود، و او هم حق آن را ادا کرد؛ اما وای بر کسی که متعرض دوستان او شود! اما علی بن الحسین برای نجات از حاکمان و وسوسه شیطان هاست. محمد بن علی و جعفر بن

۱. دلائل الإمامة: ص ۵۵۱ ح ۵۲۵. فرج المهموم: ص ۲۲۵. بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۳۴۹ ح ۱۱. نیز، برای دیدن

همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۵ ص ۱۰۲ (بخش ششم / فصل سوم / ابو الحسن بن ابویخل).

وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَةِ وَمَا تَبَتَّغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 وَأَمَّا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتِمِسْ بِهِ الْعَافِيَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
 فَاطْلُبْ بِهِ السَّلَامَةَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْبَحَارِ وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَاسْتَنْزِلْ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ
 اللَّهِ تَعَالَى وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلنَّوَافِلِ وَبِرِّ الْأَخْوَانِ وَمَا تَبَتَّغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ
 وَجَلَّ وَأَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَلِلْآخِرَةِ

وَأَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الذَّبْحَ فَاسْتَعِنْ بِهِ فَإِنَّهُ يُعِينُكَ وَوَضَعَ
 يَدَهُ عَلَى خَلْقِهِ

قَالَ: فَتَادَيْتُ فِي نَوْمِي يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي.

قَالَ أَبُو الْوَفَاءِ: فَانْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمِي وَالْمَوْكِلُونَ يَأْخُذُونَ قُبُودِي.

١١١٤. الدعوات للراوندي: وَحَدَّثَ أَبُو الْوَفَاءِ الشَّيْرَازِيُّ قَالَ: كُنْتُ مَا سُورًا بِكِرْمَانَ فِي يَدِ

ابنِ الْيَتَّاسِ مُقَيَّدًا مَغْلُوبًا فَوَقَفْتُ عَلَى أَنَّهُمْ هَمُّوا بِقَتْلِي فَاسْتَشْفَعْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

بِمَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ فَحَمَلْتَنِي عَيْنِي فَرَأَيْتُ إِيَّيَ

الْمَنَامِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ لَا تَتَوَسَّلْ بِي أَوْ لَا بِابْتِي أَوْ لَا بِابْنِي فِي شَيْءٍ مِنْ

عُرُوضِ الدُّنْيَا بَلْ لِلْآخِرَةِ وَ لِمَا

تُوَمِّلُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِيهَا. وَأَمَّا أُخِي أَبُو الْحَسَنِ فَإِنَّهُ يَنْتَقِمُ لَكَ مِنْ

ظَلَمِكَ.

محمد برای آخرت و هر چه در طلب اطاعت خدای عز و جل هستی، هستند.

با توسل به موسی بن جعفر، از خداوند عز و جل عافیت بخواه. و با علی بن موسی، سلامت در بیابان‌ها و دریاها را طلب کن. با محمد بن علی، نزول روزی از سوی خداوند متعال را درخواست کن. علی بن محمد برای انجام دادن نافذه‌ها و نیکی کردن به برادران و رفتن دنبال اطاعت خدای عز و جل است. حسن بن علی برای آخرت است.

اما صاحب الزمان، برای وقتی است که شمشیر به بریدن [سر] تو برسد (و دستش را بر گنویش گذاشت)، از او کمک بخواه که تو را کمک می‌کند.»

من در خواب فریاد زدم: ای مولا! ای صاحب الزمان! مرا دریاب که طاقتم طاق شده است.

ابوالوفا گفت: از خواب بیدار شدم در حالی که مأموران، بندهای دست و پایم را باز می‌کردند.^۱

۱۱۱۴. الدعوات، راوندی - به نقل از ابوالوفای شیرازی - : در کرمان به دست پسر الیاس، اسیر و در غل و زنجیر بودم، و آگاه شدم که آنان عزم کشتن مرا دارند. از مولایمان ابو محمد علی بن حسین زین العابدین ع درخواست شفاعت کردم. چشمانم را خواب ربود و در خواب، پیامبر خدا ص را دیدم که می‌فرمود: «به من و به دو پسرم برای خواسته‌های دنیایی متوسل شو؛ بلکه برای آخرت و به آنچه از فضل خدای متعال آرزو داری متوسل شو؛ اما برادرم ابوالحسن، انتقام تو را از کسی که به تو ستم کرده می‌گیرد».

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا به فاطمه ع ستم نشد، و او صبر کرد، و ارث تو غصب شد، و او صبر کرد. پس چگونه انتقام مرا از ظالم به من می‌گیرد؟

پیامبر ص فرمود: «آن پیمانی بود که من با او بسته بودم، و دستوری بود که من به او داده بودم، و بر او جز اقدام به آن، روان بود، و او هم حق آن را ادا کرد. اکنون، وای بر کسی که متعرض دوستان او شود! اما علی بن الحسین، برای نجات از دست حاکمان و رهایی از

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ ظَلِمْتَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَصَبَرَ وَغَضِبَ عَلَيَّ إِرْتِكَ فَصَبَرَ
 فَكَيْفَ يَنْتَقِمُ لِي إِمَّنْ ظَلَمَنِي فَقَالَ عليه السلام: ذَاكَ عَهْدٌ عَاهَدْتُهُ إِلَيْهِ وَ أَمْرٌ أَمَرْتُهُ بِهِ وَ لَمْ
 يَجْزَلْهُ إِلَّا الْقِيَامُ بِهِ وَ قَدْ أَدَّى الْحَقُّ فِيهِ وَ الْآنَ فَالْوَيْلُ لِمَنْ يَتَعَرَّضُ لِمَوَالِيهِ وَ أَمَّا عَلِيُّ
 بْنُ الْحُسَيْنِ فَلِلنَّجَاةِ مِنَ السَّلَاطِينِ وَ مِنَ مَعْرَةِ الشَّيَاطِينِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ
 بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَةِ - وَ أَمَّا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتِمَسْ بِهِ الْعَافِيَةَ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
 فَلِلنَّجَاةِ مِنَ الْأَسْفَارِ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَاسْتَنْزِلْ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ
 تَعَالَى وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِقَضَاءِ النَّوَافِلِ وَ بِرِّ الْأَخْوَانِ وَ أَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ
 فَلِلْآخِرَةِ

وَ أَمَّا الْحُجَّةُ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الْمَدْبُوحَ - وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحَلْقِ - فَاسْتَغِيثُ بِهِ
 فَإِنَّهُ يُغِيثُكَ وَ هُوَ غِيَاثٌ وَ كَهْفٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِهِ.

قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُسْتَعِيثٌ بِكَ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ قَدَنْزَلُ مِنَ
 السَّمَاءِ تَحْتَهُ فَرَسٌ وَ بِيَدِهِ حَرَبَةٌ مِنْ نُورٍ قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ اكْفِنِي شَرَّ مَنْ يُؤْذِينِي فَقَالَ:
 قَدْ كَفَيْتُكَ إِفَانِي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ وَ قَدْ اسْتَجَابَ دَعْوَتِي فَأَصْبَحْتُ
 فَاسْتَدْعَانِي ابْنُ الْإِيَّاسِ أَوْ حَلَّ قَيْدِي وَ خَلَعَ عَلَيَّ ا وَقَالَ: بِمَنْ اسْتَعَثْتَ فَقُلْتُ:
 اسْتَعَثْتُ بِمَنْ هُوَ غِيَاثُ الْمُسْتَعِيثِينَ ا حَتَّى سَأَلَ رَبُّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ا.

راجع: ص ٢٦٨ (القسم التاسع / الفصل الأول / زیارت آل یس)

و ص ٢٠٢ (زیارت دوم)

و ص ٢٠٦ (زیارت سوم).

آزار شیطان‌هاست، و محمد بن علی و جعفر بن محمد برای آخرت هستند. با توسل به موسی بن جعفر، تن‌درستی را طلب کن. علی بن موسی، برای نجات از خطرهای سفر در دریا و بیابان است. با توسل به محمد بن علی، فرود آمدن روزی از سوی خدای متعال را درخواست بکن. علی بن محمد برای انجام دادن نوافل و نیکی کردن به برادران است و حسن بن علی برای آخرت است.

اما حجت، برای وقتی است که شمشیر به بریدن [گلوی] تو برسد (و اشاره به گلو کرد)، از او کمک بخواه که کمکت می‌کند، و او برای کسی که از او فریادرسی بخواهد، فریادرس و پناهگاه است».

گفتم: ای مولای من! ای صاحب زمان! من از تو فریادرسی می‌خواهم؛ که ناگهان در برابر شخصی قرار گرفتم که از آسمان فرود آمد و در زیر او فرشی و در دستش جنگ‌افزاری از نور بود. گفتم: ای مولای من! مرا از شر کسانی که آزارم می‌دهند، کفایت کن.

فرمود: «کفایت کردم. من در باره تو از خداوند عز و جل درخواستی کردم و خداوند، خواست مرا اجابت کرد».

صبح که شد، پسر الیاس مرا خواست و غل و زنجیرم را باز کرد و آزادم نمود و گفت: از چه کسی فریادخواهی کردی؟

گفتم: از کسی فریادرسی کردم که فریادرس نیازمندان است، تا جایی که او از پروردگارش [برای من] درخواست کرد. ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است.^۱

و.ک: ص ۲۶۹ (بخش نهم: فصل اول زیارت آل پس)

و.ص ۴۰۳ (زیارت دوم)

و.ص ۲۰۵ (زیارت سوم).

سخنی درباره توسل به امام زمان علیه السلام به وسیله عرضیه^۱

بر پایه آموزه‌های دینی، انسان می‌تواند به دو گونه مستقیم، یا با واسطه، با خدای خویش ارتباط برقرار کند. آدمی می‌تواند به گاه دعا و راز و نیاز، درخواست‌های خود را بی هیچ واسطه‌ای با آفریدگار خویش در میان بگذارد و می‌تواند از اولیای مقرب درگاه الهی بخواهد که حاجت‌های او را از خدا بطلبند و برای روا شدنشان، پادرمیانی و شفاعت کنند. در شیوه دوم، فرد حاجتمند، به دیدار ولی زنده و یا زیارت ولی از دنیا رفته می‌رود و خواسته خود را رو در رو در میان می‌نهد. قرآن کریم به این شیوه، تصریح نموده و فرموده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.﴾^۲

هیچ پیامبری را نفرستادیم جز آن که دیگران به امر خدا باید مطیع فرمان او شوند. و اگر هنگامی که مرتکب گناه شدند، نزد تو آمده و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش می‌خواست، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

این آیه برای ما شیعیان، بر اوصیا و جانشینان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قابل تطبیق است و اساساً آنها از مصادیق «وسیله» در آیه زیر به شمار می‌آیند:

۱. به قلم یزوهشگر ارجمند، حجة الاسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی.

۲. نساء: آیه ۶۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید.

ما روح امامان را زنده و آنان را از علم غیب خدادادی، برخوردار می‌دانیم، و از این رو، تفاوتی نمی‌کند که این درخواست را در حال حیاتشان و رو در رو و با زبان خود و یا از طریق نایبان و وکیلانشان با آنها در میان بنهیم و یا آن را در نامه بنویسیم و در گلی بیچیم و با توسل و دعا، مانند مادر موسی ع به آب روان بسپاریم و یا پس از رحلت ایشان در مرقد و مزارشان بگذاریم. امامان ع ناظر بر اعمال و احوال ما هستند و از ما باخبر و در پی حل بسیاری از مشکلات ما هستند. آنها با علم لدنی و با قدرت خدادادی، می‌توانند از خواسته ما آگاه شوند و اگر صلاح دیدند، پی جوی آن شوند و روا شدنش را از خداوند بخواهند. بر این پایه، می‌توان توسل را به این شکل دید که خواسته‌ها را به جای گفتن و بر زبان آوردن، در نامه‌ای نگاشت و آن را در جوار قبر امام ع نهاد، یا به سوی آسمان فرستاد و یا به آب و چاه سپرد؛ امری که به دلیل اشتمال بر عرض حاجت و نگارش آن به «عریضه‌نویسی»، مشهور شده است هر چند چیزی جز گونه‌ای از توسل نیست.

جواز شرعی

همان گونه که امکان عریضه‌نویسی را پذیرفتیم، می‌توان پذیرفت که دستور العمل خاصی برای آن از سوی راه‌نمایان دین و دنیای ما صادر شده و این شیوه را ساماندهی کرده باشد؛ امری که در میراث حدیثی ما، به چشم می‌آید.^۲

۱. مائده: آیه ۳۵.

۲. برای نمونه، در روایتی از امام صادق ع چنین آمده است: «مَنْ قَلَّ عَلَيْهِ رِزْقُهُ أَوْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ مَعِيشَتُهُ أَوْ كَانَتْ

این احادیث اسناد معتبری ندارند و بیشتر آنها در منابع متأخر و نه کهن و متقدم حدیث، یافت شده‌اند، اما از محتوایی مقبول برخوردارند و مضمون عمدهٔ آنها، دعوت به توحید و توجه به یگانه مؤثر حقیقی عالم وجود، و فراز آوردن صفات رحمانیت و اسمای نقش آفرین او در هستی هستند.^۱ همچنین در بسیاری از آنها، به نقش بزرگ امامان، از جمله، امام حنّ و حاضر، مهدی علیه السلام در برآورده شدن حاجات اشاره شده است.^۲ دو نکته‌ای که با آموزه‌های اصیل شیعی، هماهنگ اند و افزون بر این، از سوی بسیاری از بزرگان راستین و مورد اعتماد، مورد تجربه قرار

«لَهُ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ مِنْ أَمْرِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رُقْعَةٍ بَيْضَاءَ وَ يَنْظُرُهَا فِي الْغَاءِ الْجَارِي عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ يَكُونُ الْأَسْمَاءُ لِي سَطْرٍ وَاحِدٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْفَلَيْكِ الْحَقِّ (الْجَلِيلِ) الْمُتَمِّينِ مِنَ انْعَبَادِ الدَّلِيلِ إِلَى الْمَوْئِي الْجَلِيلِ سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْقَائِمِ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - رَبِّ إِنِّي مَسْنِي الضَّرُّ وَ الْخَوْفُ فَكَشِفْ ضَرْبِي وَ آوِنْ خَوْفِي بِحَقِّي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَ وَصِيٍّ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ أَنْ تُضَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اشْفَعُوا بِي يَا سَادَاتِي بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَشَأْنًا مِنَ الشَّانِ فَقَدْ مَسْنِي الضَّرُّ يَا سَادَاتِي وَ اللَّهُ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَافْعَلْ بِي يَا رَبِّ كَذَا وَ كَذَا: هر کس روزی اش کم شد یا زندگی بر او سخت گرفت یا حاجت مهمی در امور دنیایی یا آخرتی خود داشت، متن زیر را در برگه‌ای سپید بنویسد و آن را هنگام طلوع آفتاب در آب جاری بیندازد و اسمای الهی در یک سطر باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان. فرمائوای حق آشکارا! از بندهٔ ذلیل به مولای جلیل، سلام بر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و قائم، سرور و مولايمان درودهای خدا بر همهٔ آنان. خدای من! تنگی و هراس به من رسیده است، تنگی‌ام را بگشای و از هراس، ایمنه بدار. به حق محمد و خاندان محمد، و از تو می‌خواهم به احق! هر پیامبر، وصی، صدیق و شهیدی که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، ای مهربان‌ترین مهربانان! ای سروران من! مرا با منزلتی که نزد خداوند داورید، شفاعت کنید که شما نزد خداوند، شأنی بزرگ داورید، ای سروران من! به من سختی و تنگی رسیده است، و خداوند، مهربان‌ترین مهربانان است. پس ای خدای من، برایم چنین و چنان کن» (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۰، البند الأمين: ص ۱۵۷، نیز، ر.ک: المصباح، کفعمی: ص ۵۳۲، بحار الأنوار: ج ۹۴: ص ۲۳ - ۲۰ به نقل از: المصباح و مختصر المصباح، شیخ طوسی، مصباح الزائر: ص ۵۳۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۲: ص ۲۲۱ و ص ۲۲۶ - ۲۲۵ ج ۴ - ۷، به نقل از کتاب العتق الفردی).

۱. ر.ک: مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۶۰ و ۱۲۹، السحاسن: ج ۲ ص ۹۸ ح ۱۲۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۵، ص ۲۸

و ۴۵۱.

۲. همانجا.

گرفته و طریقی آزموده شده برای رفع گرفتاری و حل مشکلات آنها بوده است. اگر چه این مضمون مقبول، نمی‌تواند شیوه مطرح شده در آنها را نیز مقبولیت بخشد، اما با توجه به تسامح در ادله سنن می‌توان آن را مردود ندانست.

گفتنی است که در هیچ یک از این دستور العمل‌ها چه آنها که به امامان منسوب‌اند و چه آنها که تنها از شهرت عملی برخوردارند، به ساختن چاه و جایی برای انداختن و ریختن این عریضه‌ها اشاره نشده و جای مشخصی تعیین نشده است و جز عنوان‌های کلی: مزار امام^۱، آب جاری، چاه عمیق، برکه^۲، دریا^۳ و آسمان^۴ به چشم نمی‌آید. از این رو، ساختن جایی و یا حفر چاهی برای این منظور و قداست بخشی به آن، منصوص نیست، و هر چند منع شرعی نیز ندارد و می‌توان

۱. ۱. وَ تَطْرَحُهَا عَلَى قَبْرِ بْنِ قُبُورِ الْأَيْمَةِ ع أَوْ نُسُدَهَا وَ اخْتَمَهَا وَ اعجن طِينًا نَظِيفًا وَ اجْعَلْهَا فِيهِ وَ اطْرَحْهَا فِي نَهْرٍ أَوْ بَيْتٍ عَمِيقَةٍ أَوْ غَدِيرٍ مَاءٍ فَإِنَّهَا تَصِلُ إِلَى صَاحِبِ الْأَمْرِ ع وَ هُوَ يَتَوَلَّى قَضَاءَ حَاجَتِكَ بِنَفْسِهِ. (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۱، البلد الامین: ص ۱۵۷، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹).
۲. رُقْعَةٌ تَكْتُبُ وَ يُوَجِّهُ بِهَا إِلَى مَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۴ به نقل از کتاب العتق الفروی).
۳. وَ اكْتُبْ إِلَى اللَّهِ رُقْعَةً وَ اخْتَمِهَا إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - وَ ارْفَعْهَا عِنْدَهُ إِلَى الْقُبُورِ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۴ به نقل از کتاب العتق الفروی).
۴. ۲. وَ اطْرَحْهَا فِي نَهْرِ جَارٍ أَوْ بَيْتٍ عَمِيقَةٍ أَوْ غَدِيرٍ مَاءٍ (بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹).
۵. تَرِي فِي بَيْتٍ عَمِيقَةٍ أَوْ نَهْرٍ أَوْ عَيْنٍ مَاءٍ عَمِيقَةٍ (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۳).
۶. ثُمَّ ارْبِطْهَا فِي النَّهْرِ أَوْ الْبَيْتِ أَوْ الْغَدِيرِ تَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۲).
۷. وَ تَطْرَحُهَا فِي مَاءٍ جَارٍ أَوْ بَيْتٍ فَإِنَّهُ تَعَالَى يَفْرِجُ عَنْكَ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۳ به نقل از البلد الامین، المصباح، کفعمی: ص ۵۳۰).
۸. وَ يَطْرَحُهَا فِي الْمَاءِ الْجَارِي (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۰).
۹. وَ تَطْرَحُهَا فِي نَهْرِ جَارٍ أَوْ بَيْتٍ مَاءٍ (بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹).
۱۰. ۳. ثُمَّ تَأْخُذُ الرُّقْعَةَ فَتَرْمِي بِهَا فِي بَحْرِ أَوْ فِي نَهْرٍ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۴ ح ۶ به نقل از کتاب العتق الفروی).
۱۱. وَ اطْوِ الرُّقْعَةَ وَ اعْبُدْ إِلَى وَسَطِ الْبَحْرِ... وَ ارْمِ بِهَا فِي الْبَحْرِ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۴ ح ۷ به نقل از کتاب العتق الفروی).
۱۲. مَا يَكْتُبُ أَيْضًا عَلَى كَاتِفِزٍ وَ يُرْسَلُ فِي الْغَايَةِ (البلد الامین: ص ۱۵۷).
۱۳. ۲. وَ يَذُكُّ بِالرُّقْعَةِ مَرْقُوعَةً نَحْوَ السَّمَاءِ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۱ به نقل از کتاب العتق الفروی).

برای تسهیل کار، آن را روا شمرد، ولی قداست خاصی ندارد و از این نظر؛ مانند دیگر چاه‌ها و آب‌هاست، خواه حفر چاه در جایی معمولی باشد و خواه در جایی مقدّس.

آری، حکم اولی حفر چاه و تخصیص جا بدین منظور، حرمت نیست؛ اما بسته به شرایط زمانی و مکانی ویژه و به دلیل انطباق عناوین ثانوی بر آن، می‌تواند حکم آن تغییر کند.

در پایان، به دو نمونه از توسل به امام عصر علیه السلام به وسیله عریضه که عالم بزرگوار، محدّث نوری نقل کرده و یک نمونه، توسط آیه الله شیخ لطف الله صافی نقل شده است، اشاره می‌گردد:

۱. عریضه سید محمّد عاملی: عابد صالح باتقوا سید محمّد عاملی، فرزند سید عباس،^۱ در روستای حبشیت^۲ منطقه جبل عامل لبنان زندگی می‌کرد. چون ستم فراوانی بر او رفت، از وطنش گریخت.^۳ هیچ اندوخته‌ای نداشت، ولی انسان آبروداری بود و به کسی اظهار فقر نمی‌کرد. او مدّت زمانی از این جا به آن جا رفت و در خواب و بیداری، شگفتی‌هایی را دید تا آن که به نجف اشرف رسید و در یکی از حجره‌های فوقانی صحن مقدّس سکنا گزید و با همان شدّت فقرش زیست و پس از پنج سال که از روستایش بیرون آمده بود، درگذشت و جز انسان‌های اندکی، از فقر و ناداری‌اش آگاه نشدند.

او گاه به نزد من می‌آمد و برخی کتاب‌های دعا را از من عاریه می‌گرفت و دعایی نبود که برای گشایش رزقش نخوانده باشد؛ اما گاه چنان نادار بود که جز چند

۱. محدّث نوری در باره وی گفته است: پدر او سید عباس، تا زمان تألیف کتاب زنده بوده است. او از عموزادگان عالم دانشمند کامل، و سید برجسته مؤید، یگانه دوران، و نامور روزگاران، سید صدر الدین عاملی است که در اصفهان ساکن شد، و شاگرد علامه طباطبایی بحر العلوم بود.

۲. در جنة المأوی، «حبشیت» آمده است و در نجم الثاقب «جب شیت».

۳. در نجم الثاقب آمده: چون می‌خواستند او را وارد نظام عسکریه کنند (به سر بازی بفرستند)، از وطن فرار کرد.

خرمای کوچک، چیز دیگری برای خوردن نمی‌یافت.

او روزگاری، هر روز به عریضه‌نویسی به امام زمان (عج) می‌پرداخت و آن را پیش از طلوع آفتاب، به آب [دریاچه نجف] می‌انداخت و در نیتش آن را به یکی از نائبان امام زمان (عج) می‌سپرد و سی و هشت یا نه روز چنین کرد. او می‌گوید: به گاه بازگشت [در آخرین روز] ملول و افسرده و سر به پایین افکنده می‌آمدم که دیدم مرد عربی از پی من می‌آید. بر من سلام داد و من به حداقل پاسخ اکتفا کردم و از شدت افسردگی، به او توجهی نکردم؛ ولی او در همان حال من، مقداری از مسیر را با من همراهی کرد و سپس به لهجه مردمان روستای من پرسید: «سید محمدا حاجت چیست؟ سی و هشت یا نه روز است که پیش از طلوع آفتاب به فلان جا می‌روی و عریضه به آب می‌اندازی و گمان می‌کنی که امامت از حاجت آگاه نیست؟».

من شگفت‌زده شدم؛ زیرا نه کسی را از این کارم آگاه کرده بودم و نه کسی مرا دیده و نه حتی کسی از جبل عامل و روستایمان در نجف بود که من او را شناسم، بویژه آن که لباس ویژه عراقیان را پوشیده بود که در لبنان، رایج نبود. از این رو، به خاطر آمدن که به آرزوی دور و درازم رسیده و به نعمت بزرگ تشرّف دیدار، نایل آمده‌ام و او حجّت بر زمینیان، امام زمان (عج) است.

من پیش‌ترها شنیده بودم که دست امام زمان (عج)، نرم و لطیف‌ترین دست است. با خود گفتم: با او دست می‌دهم، اگر دستش همان گونه بود که شنیده بودم، حقّ خدمت را به انجام می‌رسانم. دستم را دراز کردم و او نیز دست مبارکش را دراز کرد و با هم دست دادیم. دستش همان گونه بود، و به رستگاری و کامیابی خود یقین کردم. سرم را بلند کردم و صورتم را به سوی او چرخاندم تا دست مبارکش را ببوسم؛ اما کسی را ندیدم.^۱

۲. عریضه شیخ الإسلام نائینی: عالم فاضل صالح ورع تقی، میرزا محمدحسین

۱. جنة المأوی (چاپ شده در بحار الأنوار: ج ۵۲): ص ۲۴۸ حکایت ۲۰، نجم الثاقب: ص ۲۷۳ حکایت ۷.

نائینی، ملقب به «شیخ الاسلامی»^۱ به ما خبر داد که برادری پدری به نام میرزا محمدسعید دارم که حال مشغول تحصیل علوم دینی است. در تقریباً سنه هزار و دوست و هشتاد و پنج [هجری]، دردی در پایش ظاهر شد و پشت قدم ورم کرد به نحوی که آن را معوج کرد و از راه رفتن، عاجز شد. میرزا احمد طیب، پسر حاجی میرزا عبد الوهاب نائینی را برای او آوردند، معالجه کرد و کجی پشت پا برطرف شد و ورم رفت و ماده، متفرق شد. چند روزی نگذشت که ماده، در بین زانو و ساق ظاهر شد و پس از چند روز دیگر، ماده در همان پا در ران پیدا شد و ماده‌ای در میان کتف تا آن که هر یک از آنها زخم شد و وجع (درد) شدیدی داشت. معالجه کردند و منفجر شد و از آنها چرک می‌آمد. قریب یک سال یا زیاده بر آن گذشت بر این حال که مشغول معالجه این قروح بود به انواع معالجات و هیچ یک از آنها ملتئم نشد؛ بلکه هر روز بر جراحت افزوده می‌شد و در این مدت طویله، قادر نبود بر گذاشتن پا بر زمین و او را از جانبی به جانبی به دوش می‌کشیدند و از جهت طول مرض، مزاجش ضعیف شد و از کثرت خون و چرک که از آن قروح بیرون رفته بود، از او جز پوست و استخوان، چیزی باقی نمانده بود. کار بر والد سخت شد و به هر نوع معالجه که اقدام می‌نمود، جز زیادی جراحت و ضعف حال و قوا و مزاج، اثری نداشت و کار آن زخم‌ها بدان جا رسید - که آن دو که یکی در ما بین زانو و ساق و دیگری در ران همان پا بود - اگر دست بر روی یکی از آنها می‌گذاشتند، چرک خون از دیگری جاری می‌شد و در آن ایام، وبای شدیدی در نایین ظاهر شده بود و ما از خوف و با در قریه‌ای از قرای آن پناه برده بودیم. پس مطلع شدیم که جراح حاذقی

۱. محمدحسین بن شیخ عبد الرحیم، ملقب به شیخ الاسلام نائینی نجفی در سال ۱۲۷۳ق در شهر نایین زاده شد. و در سال ۱۳۵۵ق در نجف از دنیا رفت. او عالمی جلیل‌القدر، اصولی، فقیه، حکیم، عارف، ادیب زبان فارسی‌شناس، عبادت‌پیشه و مدرس بود. آثاری نیز به تحریر درآورده است (الاعیان الشیعة: ج ۶ ص ۱۵۴).

که او را آقا یوسف می‌گفتند - ، در قریه نزدیک قریه ما منزل دارد. پس والد، کسی نزد او فرستاد و برای معالجه حاضر کرد و چون برادر مریض را بر او عرضه داشتند، ساعتی ساکت شد تا آن که والد از نزد او بیرون رفت و من در نزد او ماندم با یکی از خالوهای من که او را حاجی میرزا عبدالوهاب می‌گویند. پس مدتی با او نجوا کرد و من از فحای آن کلمات دانستم که به او خبر یأس می‌دهد و از من مخفی می‌کند که مبادا به والده بگویم، پس مضطرب شدم و به جَزَع افتدم. پس والد برگشت.

آن جراح گفت که: من فلان مبلغ، اول می‌گیرم آن گاه شروع می‌کنم در معالجه و غرض او از این سخن، این بود که امتناع والد از دادن آن مبلغ پیش از اقدام در معالجه، وسیله باشد برای او از برای رفتن پیش از اقدام در معالجه. پس والد، از دادن آنچه خواست پیش از معالجه، امتناع نمود. پس او فرصت را غنیمت شمرد و به قریه خود مراجعت نمود و والده دانستند که این عمل جراح، به جهت یأس او بود از معالجه با آن حذاقت و استادی که داشت. پس، از او مایوس شدند و مرا خالوی دیگر بود که او را میرزا ابو طالب می‌گفتند در غایت تقوا و صلاح و در بلد، شهرتی داشت که رقعهای استغاثه به سوی امام عصر خود حضرت حجت علیه السلام که او می‌نویسد برای مردم سریع الاجابه و زود تأثیر می‌کند و مردم در شداید و بلاها بسیار به او مراجعه می‌کردند. پس والدهام از او خواهش کرد که برای شفای فرزندش رقعۀ استغاثه بنویسد. در روز جمعه نوشت و والده، آن را گرفته و برادرم را برداشت و به نزد چاهی رفت که نزدیک قریه ما بود. پس برادرم آن رقعۀ را در چاه انداخت و او معلق بود در بالای چاه در دست والده و در این حال برای او و والد، رقتی پیدا شد. پس هر دو سخت بگریستند و این در ساعت آخر روز جمعه بود.

پس چند روز نگذشت که من در خواب دیدم که سه سوار بر اسب به هیئت و شمایل که در واقعه اسماعیل هرقلی وارد شده، از صحرا رو به خانه ما می‌آیند. پس

در آن حال، واقعه اسماعیل به خاطر آمد و در آن روزها بر آن واقف شده بودم و تفصیل آن در نظرم بود. پس ملتفت شدم که آن سوار مقدم حضرت حجّت علیه السلام است و این که آن جناب برای شفای برادر مریض من آمده و برادر مریض در فراش خود در فضای خانه بر پشت خوابیده یا تکیه داده چنانچه در غالب ایام چنین بود. پس حضرت حجّت - عجل الله تعالی فرجه - نزدیک آمدند و در دست مبارک، نیزه داشت. پس آن نیزه را در موضعی از بدن او گذاشت و گویا در کتف او بود. به او فرمود: «برخیز که خالویت از سفر آمده» و چنین فهمیدم در آن حال که مراد آن جناب از این کلام، بشارت است به قدوم خالوی دیگری که داشتم نامش حاجی میرزا علی اکبر که به سفر تجارت رفته بود و سفرش طول کشیده بود و ما بر او خایف بودیم به جهت طول سفر و انقلاب روزگار از قحط و غلای شدید. چون حضرت، نیزه را بر کتف او گذاشت و آن سخن را فرمود، برادرم از جای خواب خود برخاست و به شتاب به سوی در خانه رفت به جهت استقبال خالوی مذکور. پس، از خواب بیدار شدم دیدم فجر، طالع و هوا روشن شده، کسی به جهت نماز صبح از خواب برنخاسته. پس از جای خود برخاستم و به سرعت نزد برادرم رفتم. پیش از آن که جامه بر تن کنم، او را از خواب بیدار کردم و به او گفتم که: حضرت حجّت علیه السلام تو را شفا داده! برخیز! و دست او را گرفتم و به پا داشتم. پس مادرم از خواب برخاست و بر من صیحه زد که چرا او را بیدار کردم؛ چون به جهت شدت وجع، غالب شب بیدار بود و اندک خواب در آن حال غنیمت بود. گفتم: حضرت حجّت علیه السلام او را شفا داده! چون او را به پا داشتم، شروع کرد به راه رفتن در فضای حجره و در آن شب چنان بود که قدرت نداشت بر گذاشتن قدمش بر زمین و قریب یک سال یا زیاده چنین بر او گذشته بود و از مکانی، به مکانی او را حمل می کردند. پس این حکایت در آن قریه منتشر شد و همه خویشان و آشنایان که بودند، جمع شدند که او را ببینند؛ چه به عقل، باور نداشتند و من خواب را نقل می کردم و

بسیار فرحناک بودم از این که من مبادرت کردم به بشارت شفا در حالتی که او در خواب بود و چرک و خون در آن روز منقطع شد و زخم‌ها ملتئم شد. پیش از گذشتن هفته و چند روز بعد از آن، خالو با غنیمت و سلامت وارد شد و در این تاریخ - که هزار و سیصد و سه [هجری] است -، تمام اشخاصی که نام ایشان در این حکایت برده شده در حیات‌اند جز والده و جراح مذکور که داعی حق را لبیک گفتند، والحمد لله.^۱

۳. آیه الله محمدجواد صافی گلپایگانی: یکی از مراجع تقلید معاصر، فقیه عالی قدر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، جریان عریضه نویسی پدر بزرگوارشان آیه الله محمدجواد صافی گلپایگانی را چنین گزارش کرده است: «زمانی ایشان (پدرم) مبتلا به صداع و درد سر شدیدی شده بودند که مدتی ادامه داشته و معالجات، به هیچ وجه در تخفیف و تسکین آن، سودمند نمی شده و حتی چون در آن وقت، با عدم وسایل نقلیه، انتقال دادن ایشان به تهران برای معالجه، خیلی اشکال داشته، توسط نامه نیز از بعضی اطباء معروف و استاد دستور گرفته و داروهایی فرستاده بودند که هیچ یک مؤثر واقع نشده بود. بالأخره در موقعی که درد، ایشان را به شدت رنج می داد، همسر ایشان - که از بانوان فاضله و نمونه و دختر مرحوم آیه الله آخوند محمدعلی، معاصر و هم دوره و هم حجره مرحوم آیه الله میرزای شیرازی بوده، و شرح حال و فضایل و کمالات و عبادات و برنامه های دعایی و عبادتی و زیارت عاشورای آن بانوی متعبد و ملتزم به آداب اسلامی، با انجام دادن تمام مشاغل و وظایف خانه داری، بسیار جالب است - به ایشان پیشنهاد می نماید که با عریضه و رقعه استغاثه به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - متوسل شوند. ایشان در اثر شدت درد، اظهار عجز و ناتوانی می نمایند؛ ولی

همسرشان اصرار می‌کند و کاغذ و قلم می‌آورد، و به هر نحو بوده، عریضه را می‌نویسند و سپس زیر بغل ایشان را می‌گیرند و به زحمت، ایشان را تا سر چاهی که در مسجد مقابل بوده و در آن موقع در آن عریضه می‌انداختند، می‌آورند و ایشان شخصاً عریضه را در چاه می‌اندازند. به طوری که نقل می‌کردند، عریضه را در چاه انداختند و به منزل - که چند قدم فاصله نبود - برگشته بودند. هنوز وارد حیاط منزل یا اتاق (تردید از بنده است) نشده بودند که درد، آرام گرفت و صداع آن چنانی، مرتفع شد و تا زنده بودند، به درد سر مبتلا نشدند.^۱

۱. صافی‌نامه و فیض ایزدی: پاورقی ص ۱۴. گفتنی است معظم له. این ماجرا را حضوراً برای مؤلف این دانش‌نامه (محمّد محمّدی ری شهری) نیز بیان فرموده است.

بخش نهم

زیارت‌ها

فصل یکم : زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام

فصل دوم : زیارت‌های منسوب به او

الفصل الأول

زيارات الإمام المهدي عليه السلام

١/١

الزيارة الأولى: زيارة آل يس

أ- زيارة آل يس برواية الاحتجاج

١١١٥. الاحتجاج: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجَ التَّوْقِعُ مِنَ التَّاجِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى - بَعْدَ الْمَسَائِلِ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالِغَةِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرَ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

إذا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ)^١، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّنِي^٢ آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ^٣

١. الصَّاقَات: ١٢٠، وهو مبني على قراءة نافع وابن عامر ويعقوب وزيد، وفي قراءة عاصم «إل يس».

٢. الرِّبَانِي: العالم الراسخ في العلم والدين، أو الذي يظن بعلمه وجه الله، وقيل: العالم العامل المعلم، وقيل: الرِّبَانِي: العالي الدرجة في العلم (لسان العرب: ج ١ ص ٤٠٤ «رب»).

٣. الديان: القهار، وقيل: الحاكم والقاضي، وهو فعال من دان الناس: أي قهرهم على الطاعة (لسان العرب: ج ١٣

فصل یکم

زیارت امام همدی علیه السلام

۱/۱

زیارت نخت: زیارت آل یس

الف - زیارت آل یس به روایت الاحتجاج

۱۱۱۵. الاحتجاج - به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری - : این توفیق از ناحیه مقدسه

- که خداوند متعال حفظش کند - پس از درخواست های مکرر رسید:

«بسم الله الرحمن الرحيم. نه فرمان خدا را در می یابید و نه از اولیایش می پذیرید.

این، حکمتی رساست؛ اما هشدارها به گروهی که ایمان نمی آورند، کارگر نمی افتد.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته اش.

هنگامی که خواستید با ما به خداوند و به خود ما روی بیاورید، همان را که

خداوند متعال فرموده است: «سلام بر آل یاسین»،^۱ شما هم بگویید. سلام بر تو ای

دعوتگر به خدا و عالم والای دانا به آیات او! سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم کننده

دینش! سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش! سلام بر تو ای حجت خدا و

رهنمون کننده به خواسته او! سلام بر تو ای تلاوتگر و مترجم کتاب خدا! سلام بر

۱. «آل یس» مطابق قرائت قاریان متعددی مانند: نافع، ابن عامر، یعقوب و زید است؛ ولی قرائت رایج کنونی

«آل یس» و مطابق قرائت عاصم است.

دینِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِیْلَ
 إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي آنَاءِ لَیْلِكَ
 وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِیَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِثَاقَ اللَّهِ الَّذِي
 أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ
 الْمَنْصُوبُ وَالْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْفَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ
 عَلَیْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ
 عَلَیْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ
 تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي،
 السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي اللَّیْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
 الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ، أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا
 عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ
 حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،
 وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ،
 وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ
 أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَا شَكَّ فِيهَا، يَوْمَ «لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
 إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»^١، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ
 نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ^٢ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ^٣ حَقٌّ.

١. الأنعام: ١٥٨.

٢. نشر الميت: أي عاش بعد الموت (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٧٨٤ «نشر»).

٣. الميرصاد: عن الصادق عج: هي قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٠٢

تو در لحظه لحظه شب و پاره پاره روزت! سلام بر تو ای باقی‌نهاد خدایان در زمینش! سلام بر تو ای پیمان‌گرفته و استوارشده خدایان [از بندگانش] سلام بر تو ای وعده‌ضمانت‌شده خدا! سلام بر تو ای پرچم‌برافراشته، دانش‌ریزان، فریادرس، رحمت‌گسترده و وعده‌بی‌دروغ. سلام بر تو هنگامی که بر می‌خیزی. سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرانت و تبیین می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که نماز و قنوت می‌خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجود می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که لا اله الا الله و الله اکبر می‌گویی. سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می‌کنی. سلام بر تو در شب که می‌پوشاند و در روز که جلوه می‌نماید. سلام بر تو ای امام امین! سلام بر تو ای پیشرو به او امید بسته شده! سلام بر تو؛ سلامی فراگیر.

تو را - ای مولای من - گواه می‌گیرم که من به یگانگی و بی‌همتایی خدایان و عبودیت و رسالت محمد ص گواهی می‌دهم و جز محمد و خاندانش، حبیبی نمی‌شناسم. گواهی می‌دهم که امیر مؤمنان، حجّت خداوند است و حسن، حجّت اوست و حسین، حجّت اوست و علی بن الحسین، حجّت اوست و محمد بن علی، حجّت اوست و جعفر بن محمد، حجّت اوست و موسی بن جعفر، حجّت اوست و علی بن موسی، حجّت اوست و محمد بن علی، حجّت اوست و علی بن محمد، حجّت اوست و حسن بن علی، حجّت اوست و گواهی می‌دهم که تو حجّت خدایی. شما اول و آخر هستید و رجعت شما حقیقت دارد و شکی در آن نیست، روزی که «کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمان خویش کار نیکی نکرده باشد، ایمانش را سودی نبخشد» و [گواهی می‌دهم که] مرگ حق است و ناکر و نکیر [دو فرشته سؤال‌کننده در برزخ] حق است و گواهی می‌دهم که زندگی پس از مرگ و برانگیخته شدن، حق است و صراط (راه‌گذر از دوزخ) و مرصاد (پل صراط)، حق است و وزن کردن و حساب نمودن، حق است و بهشت، حق است و دوزخ، حق است و

وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَالْجَنَّةَ حَقًّا، وَالنَّارَ حَقًّا، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقًّا، يَا مَوْلَايَ شَقِيًّا مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَوَلِيِّ لَكَ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَفَنَفْسِي مُؤَيَّنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِأَيُّمَةِ الْمُؤْمِنِينَ^١، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

الدُّعَاءُ عَقِيبَ هَذَا الْقَوْلِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نوركِ، وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نَوْرَ الْيَقِينِ، وَحُدْرِي نَوْرَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نَوْرَ الثَّبَاتِ، وَعِزْمِي نَوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نَوْرَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نَوْرَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نَوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نَوْرَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نَوْرَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نَوْرَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَسْعِنِي^٢ رَحْمَتِكَ، يَا وَوَلِيِّ يَا حَمِيدُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالذَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالتَّائِبِ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالسَّاطِعِ^٤ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ

١. نم ترد عبارة «وبأيمة المؤمنين» في بحار الأنوار.

٢. في بحار الأنوار: «فَتَسْعِنِي».

٣. البوار: الهلاك (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٤. في بحار الأنوار: «الناطق» بدل «الساطع».

و عده [به بهشت] و تهدید [به دوزخ]، حق است.

ای مولای من! هر که با شما مخالفت کرد، بدبخت شد و هر کس از شما اطاعت کرد، خوش‌بخت شد. پس هر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم، برایم [نزد خدا] گواه باش! که من، دوستدار تو هستم و از دشمنت بیزارم. حق، آن است که شما به آن خوشنودید و باطل، آن است که شما از آن ناخشنودید و معروف، آن است که شما به آن فرمان می‌دهید و منکر، آن است که شما از آن باز می‌دارید. جانم به خدای یگانه بی‌همتا ایمان دارد و نیز به فرستاده‌اش و امیر مؤمنان و ائمه مؤمنان و به شما ای مولایم! به اول و آخرتان. و یاری‌ام برای شما آماده و دوستی‌ام برای شما خالص و ناب است. دعایم را اجابت کن، اجابت کن!»

دعای پس از این زیارت

«بسم الله الرحمن الرحيم. خدايا! از تو می‌خواهم که بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نورت درود فرستی و دلم را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان و اندیشه‌ام را از نور ثبات و عزمم را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور بصیرت‌های از نزد خودت و دیده‌ام را از نور درخشش [خودت] و گوشم را از نور حکمت نگاه‌دارنده و دوستی‌ام را از دوستی محمد و خاندانش - که بر ایشان درود - آکنده کن تا تو را در حالی دیدار کنم که به عهد و پیمانت وفا کرده باشم و رحمت مرا در بر بگیرد، ای سرپرست! ای ستوده!

خدايا! درود فرست بر حجّت در زمینت و جانشینت در سرزمین‌هایت و دعوتگر به سوی راهت و قیام‌کننده به عدالتت و برانگیخته به فرمانت، سرپرست مؤمنان، هلاک‌کننده کافران، از میان برنده تاریکی، روشن‌کننده حقیقت، پرتوافشان [یا سخنران به] راستی و حکمت، کلمه کاملت در زمینت، بیمناک مراقب، ولی خیرخواه، کشتی‌رهایی، پرچم هدایت و نور دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه

الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ
مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي الْعَمَى، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ
ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَرَثَتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ،
وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ [إِلَى] دِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ،
وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يَوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،
وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ، وَانصُرْ نَاصِرِيهِ،
وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ
الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهَا
الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ
وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ،
إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و ردای حکومت] می‌پوشد و از بین برنده نابینایی، کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد؛ که تو بر هر کاری توانایی.

خدایا! بر ولایت و فرزند اولیایت، کسانی که اطاعتشان را لازم و حقشان را واجب کردی و آلودگی را از آنان زدودی و پاک و پاکیزه‌شان ساختی، درود فرست.

خدایا! یاری‌اش کن و دینت را با او یاری ده و اولیایت را و اولیای او و پیروان و یاورانش را به وسیله او یاری ده و ما را از آنان قرار ده.

خدایا! او را از شرّ هر متجاوز طغیانگر و از شرّ همه آفریده‌هایت در پناه خود بگیر، و او را از پیش رو و پشت سرش و راست و چپش حفظ و حراست کن و از این که بدی‌ای به او برسد، مانع شو و پیامبر و خاندان پیامبرت را در او محافظت کن و عدالت را با او پدیدار بنما و او را با نصرت استوار بدار و یاورانش را یاری ده و واگذارندگانش را وا بگذار و سرکشان کافر را با او درهم کوب و کافران و منافقان و همه کژروان را با دستان او به هلاکت برسان، در هر کجا که باشند، در شرق و غرب زمین یا در دریا و خشکی، و زمین را با او از عدالت آکنده کن و دین پیامبرت را با او آشکار ساز. خدایا! مرا از یاران، یاوران، دنباله‌روان و پیروان او قرار بده و آنچه را خاندان محمد - که درود بر ایشان باد - امید دارند و دشمنشان از آن بیم دارند، به من بنمایان. ای خدای حق! دعایم را اجابت کن، ای صاحب جلال و اکرام! ای رحیم‌ترین رحیمان»^۱.

۱. الاحتجاج؛ ج ۲ ص ۵۹۱ ح ۲۵۸. بحار الأنوار؛ ج ۵۲ ص ۱۷۱ ح ۵.

ب- زیارة آل یس بر وایة المزار الكبير^١

١١١٦. المزار الكبير: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيُّ بْنُ مُسَافِرِ الْعِبَادِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قِرَاءَةٌ عَلَيْهِ بِدَارِهِ بِالْحِلَّةِ السِّيْفِيَّةِ^٢ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَخَمْسِمِئَةٍ، وَحَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْعَقِيفُ أَبُو الْبَقَاءِ هَبْتَةُ اللَّهُ بْنُ نَمَاءَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حُمْدُونَ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ أَيْضاً بِالْحِلَّةِ السِّيْفِيَّةِ، قَالَا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَحَالِ الْبِقْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الطَّرِزِ^٣ الْكَبِيرِ الَّذِي عِنْدَ رَأْسِ الْإِمَامِ عَجَلَيْهِ، فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَخَمْسِمِئَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ السَّيِّدُ الْمُفِيدُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالمَشْهَدِ الْمَذْكُورِ، فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ، سَنَةَ تِسْعٍ وَخَمْسِمِئَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا السَّيِّدُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَشْنَسِ بْنِ الْبَزَّازِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَنْجَوِيهِ الْقُمِّيُّ،

١. أورد مؤلف كتاب «المزار الكبير» في باب التوجه للإمام المهدي عجلایه:

قال أبو علي الحسن بن أشناس: وأخبرنا أبو محمد عبد الله بن محمد الدعلجي، قال: أخبرنا أبو الحسين حمزة بن محمد بن الحسن بن شيبان، قال: عرفنا أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم، قال: شكوت إلى أبي جعفر محمد بن عثمان شوقي إلى رؤية مولانا عجلایه فقال لي: مع الشوق تشتهي أن تراه، فقلت له: نعم، فقال لي: شكر الله لك شوقك وأراك وجهك في يسر وعافية، لا تلتمس يا أبا عبد الله أن تراه، فإن أيام الغيبة تشتاق إليه، ولا تسأل الاجتماع معه، إنها عزائم الله والتسليم لها أوني، ولكن توجه إليه بالزيارة، فأما كيف يعمل وما أملاه عند محمد بن علي فانسخوه من عنده، وهو التوجه إلى صاحب الزيارة بعد صلاة اثنتي عشرة ركعة، تقرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ في جميعها ركعتين ركعتين، ثم تصلي على محمد وآله وتقول قول الله جل اسمه: ﴿سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ﴾ ذلك هو الفضل المبين من عند الله والله ذو الفضل العظيم، بإمامه من يهديه صراطه المستقيم، وقد أتاكم الله خلافته يا آل ياسين، وذكرنا في الزيارة وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين (المزار الكبير: ص ٥٨٥).

٢. الجلّة: مدينة كبيرة بين الكوفة وبغداد، وصارت أفخر بلاد العراق وأحسنها مدة حياة سيف الدولة صدقة بن منصور الأسدي (معجم البلدان: ج ٢ ص ٢٩٤).

٣. الطرّز: بيت إلى الطول، فارسي. وقيل: هو البيت الصنفي (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٦٨ «طرز»).

ب - زیارت آل یس به روایت المزار الکبیر^۱

۱۱۱۶. المزار الکبیر - به سند متصلش از ابو جعفر محمد بن عبد الله حمیری - از سوی ناحیه مقدسه^۲ - که خداوند حفظش کند - پس از درخواست‌ها و نماز و توجه؛ متنی آمد که ابتدایش این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. نه امر خدا را در می‌یابید و نه از اولیایش می‌پذیرید؛ حکمتی رسا که در افراد بی‌ایمان کارگر نمی‌شود، و سلام بر ما و بندگان شایسته خدا.

هنگامی که خواستید به وسیله ما به خداوند متعال و ما توجه کنید، همان را

۱. مؤلف المزار الکبیر در باب توجه به امام مهدی علیه السلام آورده است:

«ابو علی حسن بن شناس گفت: ابو محمد عبد الله بن محمد دعلجی برای ما نقل کرد و گفت: ابوالحسن حمزه بن محمد بن حسن بن شیبیب، برای ما روایت کرد و گفت: ابو عبد الله احمد بن ابراهیم برای ما تعریف کرده و گفت: به ابو جعفر محمد بن عثمان از اشتیاقم به دیدار مولا یمان علیه السلام شکوه کردم. او به من گفت: «با اشتیاق علاقه‌مند دیدار ایشان هستی؟». به او گفتم: آری. گفت: «خداوند سپاس‌گزار اشتیاق تو باشد. در چهره‌ات عافیت و آسایش می‌بینم. ای ابو عبد الله! دنبال دیدن ایشان نباش؛ چرا که تو در دوران غیبت، شوق دیدار داری، و نخواه که با او در یک جا باشی؛ چه این که غیبت، حکم قطعی خداوند است، و تسلیم بودن در برابر آن، بهتر است. اما [در عین حال] دنبال توجه به او یا زیارت او باش، اما این که چگونه باید عمل شود؟ آنچه پیش محمد بن علی علیه السلام و دیگران کرده، آن را از پیش خود او بنویسید، و آن توجه به صاحب زمان علیه السلام با زیارت کردن است. پس از خواندن دوازده رکعت نماز دو رکعتی که در آن «قل هو الله احد» را در هر رکعت نماز می‌خوانی، بعد بر محمد و خاندان محمد صلوات می‌فرستی، و قول خداوند - جَلَّ اسْمُهُ - را می‌خوانی: «سلام علی آل یاسین». این همان فضل آشکار از جانب خداوند است، و خداوند، فضل بزرگ دارد. امام، کسی است که به راه راست هدایت می‌کند. ای آل یاسین! خداوند خلافت او و ذکر ما را در زیارت، به شما داده است. صلوات خداوند بر سرور ما محمد پیامبر و خاندان پاکش.»

۲. سید ابن طاووس در مصباح الذائر، این را زیارت دوم صاحب الزمان علیه السلام قرار داده و آن را معروف به «نسخه» دانسته و نوشته است: «آن از سوی ناحیه مقدسه برای ابو جعفر محمد بن عبد الله حمیری - که خدایش پیامرزد - آمده و فرمان داده که در سرداب مقدس خوانده شود.»

قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَلِيِّ الْحَسَنِ بْنُ أَشْنَابِسَ:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ، أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ أَخْبَرَهُ وَأَجَازَ لَهُ جَمِيعَ مَا رَوَاهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنَ النَّاحِيَةِ^١ - حَرَسَهَا اللَّهُ - بَعْدَ الْمَسَائِلِ وَالصَّلَاةِ وَالتَّوَجُّهِ، أَوَّلَهُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالِغَةِ^٢ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

فَإِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى^٣: (سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ)^٤، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ - التَّوَجُّهُ:

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، وَكَشَفَ لَكُمْ الْعِطَاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ، وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمْنَاؤُهُ، وَسَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ، وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ^٥. وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحَ الْعِطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتَمًا مَقْرُونًا، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، خِيَارَةٌ لَوْلَايِكُمْ نِعْمَةً، وَانْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخِطَةً، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَجَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ عِنْدَكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، وَأَنْتَ - يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ - كَمَالُ نِعْمَتِهِ،

١. أورد السيد ابن طاووس في مصباح الزائر صدر هذه الزيارة هكذا:

زيارة ثانية لمولانا صاحب الزمان - صلوات الله عليه -، وهي المعروفة بالندبة، خرجت من الناحية المحفوفة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن عبد الله الجميري - رحمه الله -، وأمر أن تتلى في السرداب المقدس وهي: بسم الله الرحمن الرحيم، لا لأمر الله تعقلون ...

٢. زاد في البحار: فما تغني الآيات والنذر.

٣. نيس في مصباح الزائر: فإذا أردتم التوجه بنا إلى الله تعالى وإلينا، فقولوا كما قال الله تعالى. وليس في بحار الأنوار: فقولوا كما قال الله تعالى.

٤. الصافات: ١٣٠، وهو مبني على قراءة نافع وابن عامر ويعقوب وزيد، وفي قراءة عاصم «إلى يس».

٥. زاد في مصباح الزائر: وسلالة النبيين. وصفوة المرسلين. وعثرة خيرة رب العالمين.

بگویند که خداوند متعال فرموده است: ^۱ «سلام بر آل یاسین». ^۲ این همان فضل آشکار است و خداوند، دارای فضل و بخششی بزرگ برای کسی است که او را به راه راست هدایت می‌کند.

توجه

ای آل یاسین! خداوند، جانشینی‌اش، آگاهی از مجراهای کارش در قضا و تدبیرش و نیز اراده‌اش در ملکوتش را به شما داد و پرده را برایتان کنار زد و شما گنجوران، گواهان، عالمان، امانتداران، سیاستمدار امور بندگان، پایه‌های هر سرزمین، قاضیان احکام و دروازه‌های ایمان ^۳ هستید.

و از تقدیر او در بخشیدن عطایا به شما آن است که امضای نهایی و حتمی کردن آن را به شما سپرده است و هیچ چیزی از آن نیست جز آن که شما سبب و راه آن هستید. گزیده خدا برای دوستدار شما نعمت‌بخشی و انتقامش از دشمنان، ناخشنودی و خشم است. هیچ نجات و پناهی جز شما وجود ندارد و راهی جز شما نیست. ای چشم‌های بینای خداوند و حاملان معرفتش و جایگاه‌های توحیدش در زمین و آسمانش! و تو - ای حجت و باقی‌نهاد خداوند - کمال نعمت خدایی؛ وارث پیامبران و خلفایی - تا هر جا که از روزگاران به آن برسیم - . تو صاحب رجعت و بازگشتی که خدایمان آن را وعده داده و حکومت حق و گشایش کار ما و یاری خدا برای ما و عزت ما در آن است.

۱. در مصباح‌الآثار این فراز نیست: «اگر به ما و از طریق ما به خداوند متعال روی آورید، همان گونه که خداوند متعال فرموده است، بگویند». در بحار‌الانوار، این فراز نیست: «پس همان گونه که خداوند متعال گفته، بگویند».

۲. «آل یاسین» مطابق قرائت قاریان متعددی مانند: نافع، ابن عامر، یعقوب و زید است؛ ولی قرائت رایج کنونی «آل یاسین» و مطابق قرائت عاصم است.

۳. در مصباح‌الآثار افزوده است: «و نسل پیامبران، برگزیده فرستادگان و خاندان برگزیده خدای جهانیان».

ووارثُ أنبيائه وخلفائه ما بلغناه من دهرنا، وصاحبُ الرجعةِ لوعدِ ربنا التي فيها دولةُ الحقِّ وفرجنا، ونصرُ اللهِ لنا وعزُّنا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاطِقُهُ، وَيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانَتُهُ. أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةُ [الْمَعْصِيَةُ]، وَالكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبَخِّلُهُ الْحَفِظَةُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجَاهِدُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيئَةِ اللَّهِ، وَمُقَارَعَتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ، وَضَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ، وَشُكْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ، اللَّهُ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ، وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَخْرُونًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ، اللَّهُ نُورُ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ، وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُودُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُعْجِدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِي وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا وَأُيَمَّتِنَا، وَسَادَتِنَا وَمَوَالِيَتِنَا، السَّلَامُ

سلام بر تو ای پرچم برافراشته، دانش ریزان، فریادرس، رحمت گسترده و وعده بی‌دروغ!

سلام بر تو ای کسی که همه چیز در جلوی چشم و گوش اوست^۱ و پیمان‌هایش پیش روی خدا و عهدش به دست خداوند، و حکومتش به قدرت خدا، گره خورده است! تو فرزانه‌ای هستی که عصیّت، او را به عجله نمی‌اندازد، و بزرگواری هستی که ناراحتی او را از بخشش باز نمی‌دارد، و دانایی هستی که حمیّت، او را سبک‌سر نمی‌سازد. جهادت به خاطر و خواست خدا، نبردت برای او و در راستای انتقام الهی و صبرت برای همو و برخاسته از مهلت‌دهی خدا [به ستمکاران] و سپاس‌گزاری‌ات از خدا برای فزون‌بخشی و رحمت خداست.

سلام بر تو ای حفظ شده به دست خدا! ای که خداوند، نور پیش رو و پشت و راست و چپ و بالا و پایینش است! سلام بر تو ای نهفته در [آستین] قدرت خداوند! ای که خداوند، نور دیده و گوش اوست! سلام بر تو ای وعده تضمینی خدا! ای پیمان برگرفته و استوار شده خدا! سلام بر تو ای دعوتگر به سوی خدا و عالم والا و دانا به آیات او! سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم کننده دینش!

سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش! سلام بر تو حجت خدا و رهنمون کننده به خواستش! سلام بر تو تلاوتگر و مترجم کتاب خدا! سلام بر تو در لحظه لحظه شب و روزت! سلام بر تو ای باقی‌نهادنده خدا در زمینش! سلام بر تو هنگامی که بر می‌خیزی. سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرائت و تبیین می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که نماز می‌خوانی و قنوت می‌گیری. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که استعاذه و تسبیح می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که "لا اله الا الله" و "الله اکبر" می‌گویی. سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که [خدا را] بزرگ می‌داری و می‌ستایی. سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که شب می‌پوشاند و روز جنوه می‌کند. سلام بر تو در آخرت و دنیا.

۱. برای آگاهی از دلیل این ترجمه، ر.ک: الخرائج والجرائح: ج ۲ ص ۹۳۱.

عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتَ صَلَوَاتِنَا، وَعِصْمَتُنَا لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا،
وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُورُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا
مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا
حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحُسَيْنَ
حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ
مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَأَنَّ
مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،
وَأَنْتَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاءٌ وَهُدَاةٌ رُشْدِيكُمْ.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَا شَكَّ فِيهَا، يَوْمَ «لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا»^١، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقُّ، وَأَنَّ
مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقُّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقُّ، وَالْبَعْثَ حَقُّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقُّ، وَالْمِرْصَادَ
حَقُّ، وَأَنَّ الْمِيزَانَ حَقُّ، وَالْحِسَابَ حَقُّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقُّ، وَالنَّجْزَاءَ بَيْنَهُمَا لِلْوَعْدِ
وَالْوَعِيدِ حَقُّ، وَأَنْتُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقُّ لَا تُرَدُّونَ، وَلَا تُسَبِّقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ، وَبِأَمْرِهِ
تَعْمَلُونَ. وَاللَّهُ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا، وَيَبْدِئُ الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ اللَّهِ النَّعْمَى، خَلَقَ الْجِنَّ
وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ، فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِيدٌ
مَنْ أَطَاعَكُمْ.

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ، فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، تَخْزِنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتُ
عَلَيْهِ وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ، وَأَقِفُ بِهِ وَلِيًّا لَكَ، بَرِينًا مِنْ عَدُوِّكَ، مَا قِتْنَا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَإِذَا لِمَنْ

سلام بر شما ای حجّت‌ها و مراقبان گمارده شده خدا بر ما! زمامداران و پیشوایان ما؛ سیاستمداران و سرپرستان ما. سلام بر شما که نور ما و به گاه نمازهای ما آبروی ما و به هنگام دعا و نماز و روزه و استغفار و دیگر اعمالمان، نگاهدار ما هستید.

سلام بر تو ای امام به او امید بسته شده! سلام بر تو یا سلامی فراگیر. تو را - ای مولای من - گواه می‌گیرم که من به یگانگی و بی‌همنایی خداوند و عبودیت و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهم و جز محمد و خاندانش، حبیبی نمی‌شناسم. و گواهی می‌دهم که امیر مؤمنان، حجّت خداوند است و حسن، حجّت اوست و حسین، حجّت اوست و علی بن الحسین، حجّت اوست و محمد بن علی، حجّت اوست و جعفر بن محمد، حجّت اوست و موسی بن جعفر، حجّت اوست و علی بن موسی، حجّت اوست و محمد بن علی، حجّت اوست و علی بن محمد، حجّت اوست و حسن بن علی، حجّت اوست. گواهی می‌دهم که تو حجّت خدایی، و پیامبران، دعوتگران خدایند و هدایتگران [به] رشد شما. شما اول و آخر و پایان آنان هستید و رجعت شما حقیقت دارد و شکی در آن نیست، روزی که کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمان خویش کار نیکی نکرده باشد، ایمانش را سودی نبخشد و [گواهی می‌دهم که] مرگ، حق است و ناکر و نکیر [دو فرشته سوال کننده در برزخ]، حقتند و گواهی می‌دهم که زندگی پس از مرگ و برانگیخته شدن، حق است و صراط (راه گذر از دوزخ) و مرصاد (پل صراط)، حق است و وزن کردن و حساب نمودن، حق است و بهشت، حق است و دوزخ حق است و جزا دادن به آن دو به خاطر وعده و تهدید به آن دو، حق است.

شما حق شفاعت دارید بی آن که رد شود و بر خواست خدا پیشی نمی‌جوید، و به فرمان او عمل می‌کنید و رحمت و بالاترین کلمه از آن خداوند است و نیکی به دست اوست و حجّت، منت نهاده خداست. جنّ و انس را برای عبادتش آفرید و از بندگانش، بندگی خود را می‌خواهد و شقی و سعید شدن بندگانش به مخالفت با شما و اطاعت از شماست.

و تو - ای مولای من - بر آنچه برایت گواهی دادم، گواه باش. آن را برایم نزد خودت نگه دار و حفظ کن. بر آن می‌میرم و محشور می‌شوم و با آن در موقف قیامت می‌ایستم در حالی که دوستدار تو و بیزار از دشمنت هستم. از دشمن شما نفرت و به دوست

أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَالبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ،
وَالمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالقَضَاءُ المُتَّبَعُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مِنْهُمْ، وَالمَمْحُورُ مَا لَا
اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مِنْكُمْ.

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَمُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
حُجَّتُهُ، الحَسَنُ حُجَّتُهُ، الحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، جَعْفَرُ حُجَّتُهُ،
مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، الحَسَنُ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ
حُجَّتُهُ، وَأَنْتُمْ حُجَجُهُ وَبِرَاهِينُهُ.

أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ بِالبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ، قِتَالاً فِي سَبِيلِهِ، اشْتَرَى
بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللهِ وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ
وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخِيرَكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، وَمَوَدَّتِي
خَالِصَةٌ لَكُمْ، وَبِرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ - أَهْلِ الحَرَدَةِ وَالجِدَالِ - ثَابِتَةٌ لِثَارِكُمْ، أَنَا وَرَبِّي
وَحِيدٌ، وَاللهُ إِلَهُ الحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ آمِينَ، مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ،
وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللهُ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ،
أَغْنِنِي، أَدْرِكْنِي، صِلْنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرُّبِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصِلْنِي بِهِمْ وَلَا
تَقْطَعْنِي، اللَّهُمَّ بِحُجَّتِكَ اعصمني، وَسَلَامُكَ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ، مَوْلَايَ أَنْتَ الجَاهُ عِنْدَ
اللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي.

الدُّعَاءُ بِعَقِبِ القَوْلِ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كَلْمِكَ، فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى

شما محبت دارم. حق، آن است که شما پسندیدید و باطل، آن است که شما ناپسند داشتید و معروف، آن است که شما به آن امر کردید و منکر، آن است که شما از آن نهی کردید و قضای ثابت‌شونده، آن است که خواست شما به آن اختصاص یابد و قضای محوشدنی، آن است که خواست شما به آن اختصاص نیابد.

خدایی جز خدای یگانه بی همتا نیست و محمد، بنده و پیامبر اوست. علی، امیر مؤمنان، حجت اوست، حسن، حجت اوست. حسین حجت اوست، علی [بن الحسین]، حجت اوست، محمد [بن علی]، حجت اوست، جعفر [بن محمد]، حجت اوست، موسی [بن جعفر]، حجت اوست، علی [بن موسی]، حجت اوست، محمد [بن علی]، حجت اوست، علی [بن محمد]، حجت اوست، حسن [بن علی]، حجت اوست، و تر حجت اویی، و شما حجت‌ها و پرهان‌های ار هستید.

ای مولای من! من به بیعتی که خداوند از من گرفته تا بر پایه آن در راهش بجنگم و او در عوض، جان‌های مؤمنان را بخرد، شادمانم و جانم به خداوند بکتابی بی همتا و پیامبرش و امیر مؤمنان ایمان دارد و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان نیز ایمان دارم و یاری‌ام برایتان آماده و دوستی‌ام برایتان خالص و بی‌زاری‌ام از دشمنانتان و کینه‌توزان ستیزه‌جو، استوار است و در پی انتقام خونتان هستم. من دوستداری یگانه‌ام و خداوند، خدای حق، مرا این گونه قرار می‌دهد. آمین! آمین! جز تو چه کسی را دارم در [ادای] آنچه به گردن دارم و به خود تو برای آن درآورم. مرا در آنچه با آن به تو تقرب جسته‌ام حفظ می‌کنی، ای حفاظت و پوشش و برکت الهی! به فریادم برس و مرا دریاب! مرا به خود بچسبان و از من مبر!

خدایا! با ایشان به تو توسل و تقرب می‌جویم. خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به ایشان پیوندد و از ایشان مگسل. خدایا! مرا به خاطر حجت حفظ کن. سلام تو بر آل یاسین. مولای من! تو آبروی [من] نزد خداوندی، خدای تو و خدای من!

دعای پس از این زیارت

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به آن سمت که از تمامت آفریدی و در تو جای گرفت

شَيْءٍ أَبَدًا، أَيَا كَيِّنُونَ أَيَا مُكُونُ، أَيَا مُتَعَالٍ أَيَا مُتَقَدِّسُ، أَيَا مُتَرَحِّمُ أَيَا مُتَرَانِفُ، أَيَا مُتَحَنُّنُ.

أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةَ نوركِ، وَوَالِدِ
هُدَاةِ رَحْمَتِكَ، وَآمِلًا قَلْبِي نَوْرَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نَوْرَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نَوْرَ الثَّبَاتِ،
وَعَزْمِي نَوْرَ التَّوْفِيقِ، وَذَكَائِي نَوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نَوْرَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نَوْرَ الصُّدُقِ،
وَدِينِي نَوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نَوْرَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نَوْرَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ،
وَمَوَدَّتِي نَوْرَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام، وَنَفْسِي نَوْرَ قُوَّةِ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ.
حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَلتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيَّيْ يَا حَمِيدُ، بِمَرَاكَ
وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ دُعَائِي، فَوَفِّئْنِي مُنْجِزَاتِ إِبْجَابَتِي، أَعْتَصِمُ بِكَ، مَعَكَ مَعَكَ
سَمْعِي وَرِضَاي.

و هیچ گاه از تو، به سوی چیزی بیرون نمی آید. ای وجود محض! ای وجود دهنده! ای والا! ای منزّه از هر ناشایستگی! ای ترحم کننده! ای آرامش دهنده! ای مهربان! از تو می خواهم همان گونه که او را تازه و شاداب آفریدی، بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نورت و پدر راه‌نمایان رحمت، درود فرستی و دلم را از نور یقین، و سینه‌ام را از نور ایمان، و اندیشه‌ام را از نور ثبات، و عزمم را از نور توفیق، و تیزهوشی‌ام را از نور علم، و نیرویم را از نور عمل، و زیانم را از نور صدق، و دینم را از نور بصیرتی از جانب خودت، و دیده‌ام را از نور روشنی، و گوشم را از نور دربرگیرنده حکمت، و محبتم را از نور دوستی محمد و خاندانش، و جانم را از قوت بیزاری از دشمنان خاندان محمد، پر کن تا تو را در حالی دیدار کنم که به عهد و پیمانت وفا کرده باشم و رحمت مرا فرا بگیرد. ای سرپرست! ای ستوده! ای حجت خدا! دعایم را می بینی و می شنوی. پس آنچه را به اجابتشان می‌رساند برایم کامل کن. به تو چنگ زده‌ام. گوشم و نیز رضایتم با توست، با تو.^۱

۱. المزار الکبیر: ص ۵۶۶، مصباح الزائر: ص ۴۳۰، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۶ ح ۲۳ (به نقل از: خط شیخ محمد بن علی جبعی).

پژوهشی دربارهٔ سند و متن زیارت آل یس

شیوهٔ عالمان سلف، بر آن بوده است که در نقل ادعیه و زیارات، سختگیری سندی نمی‌کرده‌اند و به تسامح در ادلهٔ سنن قائل بوده‌اند. این شیوه، با سختگیری در گزارش احادیث فقهی - حقوقی، کاملاً متفاوت بوده است.

از این رو مشاهده می‌شود مرحوم شیخ طوسی، احادیث فقهی موجود در کتاب تهذیب الأحکام را با دقت در اسناد گزارش می‌کند؛ ولی در کتاب مصباح المعجذ، شیوهٔ معمول ایشان، گزارش متون ادعیه و زیارت، بدون ذکر اسناد است.

بنا بر این، پیگیری اسناد منضبط و دقیق فقهی در متون ادعیه و زیارات، گاه پژوهشگر را دچار مشکل می‌کند؛ چون این شیوه نزد پیشینیان، متعارف و معمول نبوده است.

در تأیید این شیوه می‌گوییم: مناجات، دعا و زیارت، گونه‌ای ابراز احساس و عاطفه نسبت به معبود یا بندگان خالص و برگزیدهٔ اوست. از این رو، مضامین و مفاهیم عارفانه و عاشقانه، در آنها نمود خاص دارد. در ارزیابی و سنجش دعا، «مضمون و محتوا» مورد توجه است نه بحث و دقت در سند و طریق، از این رو، حتی فراتر از قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن نیز می‌توان مناجات، دعا و زیارت را پذیرا

شد، همان گونه که برخی از جانب خود، دعا و زیارت انشائی کرده‌اند.^۱

روشن است که مناجات، دعا و زیارت مأثور، جایگاهی ویژه در فرهنگ اسلامی و شیعی دارد و اقبال بدانها بیش از ادعیه غیر مأثور بوده است؛ زیرا به اهل بیت علیهم السلام منسوب بوده است و تغییر و تبدیل آن به هیچ وجه روا نبوده است، همان گونه که امام صادق علیه السلام تغییر عبارت «یا مقلب القلوب» در دعای غریق را به «یا مقلب القلوب و الأبصار» ناصحیح برشمردند.^۲ ولی سخن آن است که در خصوص این گروه، سختگیری سندی همانند روایات فقهی، انجام نمی‌گرفته است. خلاصه آن که پیگیری دقت و انضباط موجود در اسناد فقهی، در دیگر متون و از جمله زیارات، ضروری نیست. اکنون با آگاهی از این شیوه، به بررسی مصادر و اسناد زیارت آل یس می‌پردازیم.

زیارت آل یس، اظهار ارادتی عاشقانه به امام عصر علیه السلام است که از ناحیه مقدسه (نهاد وکالت) صادر شده است. مصدر اصلی این حدیث، کتاب الاحتجاج طبرسی (م حدود ۵۶۰ ق)^۳ و المزار الکبیر ابن مهدی (ق ۶ ق)^۴ است.

۱. سید ابن طاووس در الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان (ص ۲۰) می‌گوید: «و نحن ما نذكر في الإنشاء من الدعاء إلا ما نجد غير روية ولا كلفة بل إفاضة علينا من مالک الأشياء هو ربي و حسبي كما قال جل جلاله ﴿ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي﴾ (يوسف: آية ۲۷)؛ دعاهایی که ما خود انشا کرده‌ایم چنان است که در بیان آنها هیچ فکر و مشقتی تحمل نکرده‌ایم؛ بلکه خداوند تعالی - که همه چیز از آن اوست و تنها پروردگار من است و زمام کارهایم به دست قدرت اوست - به من افاضه فرموده و بر زبانم جاری ساخته است؛ همچنان که خداوند (از قول یوسف علیه السلام) فرمود: ﴿این دانش را خدای به من آموخته است﴾.»

همچنین ر.ک: مهج الدعوات: ص ۴۰۰؛ «و من ألفاظ دعوات جرت في خاطري في الخلوات ...» از جمله الفاظی که در خلوت‌ها به خاطر من گذشته است...»؛ ص ۳۶۱؛ ذکر دعاء ورد علی خاطری: از جمله دعاهایی که به خاطر من رسیده است.»

۲. ر.ک: ج ۵ ص ۴۱۳ ح ۱۰۰۴ (دعای غریق).

۳. ر.ک: ج ۱۱۱۵ (زیارت آل یس به روایت الاحتجاج).

۴. ر.ک: ج ۱۱۱۶ (زیارت آل یس به روایت المزار الکبیر).

دو گزارش متفاوت

ظاهراً زیارت آل یس، از ذخایر موجود در نهاد وکالت محسوب می‌شده که توسط نمایان خاص و یا افراد مجاز زیر مجموعه آنان در اختیار مشتاقان قرار گرفته و در گزارش‌های موجود، ورود یافته است:

۱. کهن‌ترین گزارش از این زیارت، به نقل از محمد بن عثمان عمری، نایب دوم امام عصر (عج) است. ابو عبد الله، احمد بن ابراهیم می‌گوید: شوق و علاقه خود را به دیدار امام عصر (عج) بر ابو جعفر محمد بن عثمان گفتم. او ضمن ارج نهادن به اشتیاق من گفت: «در پی دیدار نباش و با زیارت، به او توجه کن. برای یافتن زیارت نیز نزد محمد بن علی برو و زیارت را از او استنساخ کن و...»^۱ ابن مهدی سند این گزارش را در ادامه گزارش حسین بن روح و پس از دعای ندبه، ذکر کرده است.

۲. گزارش مشهور، زیارت آل یس به نقل از محمد بن عبد الله حمیری است. محمد بن عبد الله حمیری با نایب سوم امام عصر (عج)، حسین بن روح، ارتباط داشت و مکاتبات و توقیعات فراوانی برای او صادر شده است؛ ولی در باره درخواست او از حسین بن روح برای دیدار با امام، گزارشی در دست نیست. به عبارت دیگر، سبب صدور زیارت آل یس برای حمیری بر ما روشن نیست.

این زیارت در کتاب الاحتجاج^۲ و با تفاوتی نسبتاً فراوان در کتاب المزار الکبیر^۳ نقل شده است. سید ابن طاووس نیز این زیارت را با تفاوتی آشکار به نقل از حمیری، گزارش و اضافه کرده است:

زيارة ثانية لمولاتا صاحب الزمان - صلوات الله عليه - وهي المعروفة بالندبة
خرجت من الناحية المحفوفة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن عبد الله الحميري؛ و

۱. ر. ک: المزار الکبیر؛ ص ۵۸۵.

۲. ر. ک: ح ۱۱۱۵.

۳. ر. ک: ح ۱۱۱۶.

أمر أن تتلى في السرداب المقدس وهي ...

این را زیارت دوم صاحب الزمان علیه السلام قرار داده و آن را معروف به «ندبه» دانسته و نوشته است: آن از سوی ناحیه مقدسه برای ابو جعفر محمد بن عبد الله حمیری - که خدایش پیامرزد - آمده و فرمان داده که در سرداب مقدس خوانده شود.^۱

نام‌گذاری زیارت آل یس به ندبه و دستور به خواندن آن در سرداب مقدس، تنها در مصباح الزائر آمده است و در مصادر دیگر وجود ندارد. نتیجه آن که کهن‌ترین گزارش‌ها از زیارت آل یس، مربوط به سده ششم هجری است و مصادر موجود قبل از این دوره، این زیارت را گزارش نکرده‌اند.

اسناد زیارت آل یس

مجموعه گزارش‌های زیارت آل یس، از منظر سندی، این‌گونه تحلیل می‌شود:

۱. گزارش طبرسی در کتاب الاحتجاج از زیارت آل یس، به گونه مرسل است و نیاز به بررسی اسناد ندارد.

۲. ابن مشهدی در کتاب المزار الکبیر، چندین سند برای زیارت آل یس نقل کرده است. جمع‌بندی اسناد موجود در این کتاب، سرانجام، ما را به پنج یا شش طریق برای زیارت آل یس ره‌نمون می‌کند.^۲

۱. مصباح الزائر، ص ۴۳۰. این گزارش، تفاوت‌هایی با گزارش‌های دیگر دارد. گفتنی است که این زیارت، با دعای ندبه مشهور تفاوت دارد و نام‌گذاری مصباح الزائر نباید این ذهنیت را به وجود آورد که آنها یکسان‌اند.
 ۲. او از طریق دو نفر از اساتید خود، ابو محمد عربی بن مسافر عبادی و ابو ابقاء هبة الله بن نساء، بدین گونه زیارت آل یس را گزارش کرده است؛ از ابو عبد الله الحسین بن احمد بن محمد بن علی بن ضحال مقدادی. از ابو علی حسن بن محمد طوسی، از پدرش، از محمد بن اسماعیل. از محمد بن شناس بزاز، از ابو حسین محمد بن احمد بن یحیی ققی، از محمد بن علی بن زنجویه ققی، از ابو جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری.
 افزون بر این دو طریق، ابو علی حسن بن شناس گفته است: «أخبرنا ابو المفضل محمد بن عبد الله الشیبانی: أن أبا جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری أخبره ...» ابو علی الحسن بن شناس همچنین گفته است: «أخبرنا أبو محمد عبد الله بن محمد الدعنجی، عن أبي الحسين حمزة بن محمد بن الحسن بن شبيب، عن أبي عبد الله أحمد بن إبراهيم عن أبي جعفر محمد بن عثمان العمري» (ر.ک: ص ۳۷۶ ح ۱۱۱۶).

۳. به نظر می‌رسد اسامی راویان موجود در المزار الکبیر در برخی از طبقات، دچار تصحیف شده باشد. مثلاً «محمد بن اسماعیل، عن محمد بن شناس ظاهرأ تحریف شده «حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن شناس» است که استاد شیخ طوسی است، در حالی که محمد بن اسماعیل و محمد بن شناس در میان راویان و در این طبقه وجود ندارند.

افزون بر محمد بن اسماعیل و محمد بن شناس، ابو الحسن محمد بن احمد بن یحیی قمی نیز ناشناخته است که می‌تواند تصحیف شده محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قمی باشد که در این طبقه، موجود است.

۴. با توجه به تصحیفات پدید آمده در اسناد کتاب المزار الکبیر، ارزیابی دقیق افراد واقع در اسناد، بسیار مشکل است؛ چون برخی از نام‌ها، مجهول یا مهمل هستند. از این رو، سند موجود در کتاب المزار الکبیر، از اعتبار لازم برخوردار نیست؛ ولی اگر تصحیف ذکر شده متن پیشین پذیرفته شود، برخی از افراد واقع در سند، معلوم خواهند شد و این گزارش، شایسته اعتبار شمرده می‌شود.

۵. ابن مهدی در ابتدای کتاب المزار الکبیر در اعتبار منقولات خود نوشته است:

فإني جمعت في كتابي هذا ... مما اتصلت به من ثقات الرواة إلى السادات.^۱

من در این کتابم، گردآوری کردم ... آنچه را که به آن رسیدم از راویان مورد اعتماد تا بزرگان.

برخی با استناد به این سخن ادعا کرده‌اند که این توثیق عام است و تمام افراد واقع در کتاب را شامل می‌شود. از این رو، همانند کتاب تفسیر القمی و کامل الزیارات خواهد بود.^۲ آیه الله خوئی این نظر را صواب ندانسته و نوشته است: توثیقات عام از جانب نویسندگان کهن مقبول است؛ ولی از جانب نویسندگان متأخر - که فاصله

۱. المزار الکبیر: ص ۲۷.

۲. رک: خانمة مستدرک الوسائل: ج ۱ ص ۳۶۰. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۱ ص ۶۲.

زمانی با راویان دارند - ، مورد قبول نیست.^۱ مطابق با نظر ایشان، توثیق ابن مهدی تنها نسبت به اساتید خود پذیرفته خواهد بود و در بقیه موارد، اعتباری ندارد؛ زیرا ابن مهدی با آنان معاصر نبوده است تا توثیق حسی نسبت بدان افراد داشته باشد.

۶. در هر طریق از پنج طریق موجود در اسناد زیارت آل یس، برخی از افراد، توثیق شده‌اند و برخی ممدوح هستند. در هر طریق، حداقل یک نفر ضعیف یا مجهول نیز وجود دارد که باعث کاهش اعتبار سند می‌گردد. در دو طریق، محمد بن علی بن زنجویه قمی قرار دارد که مجهول است. در دو طریق دیگر، ابوالمفضل محمد بن عبد الله شیبانی قرار دارد که تضعیف شده است.^۲ در طریق پنجم نیز حمزة بن محمد بن حسن بن شیبان قرار دارد که مجهول است. با توجه به نکات بالا، اعتبار لازم اسنادی احراز نمی‌شود و ضرورتی به بحث در باره بقیه افراد سند، وجود ندارد.

۷. برخی ابوالمفضل شیبانی را تنها در سال‌های پایانی عمر او ضعیف شمرده‌اند؛ زیرا شیخ طوسی در توصیف او گفته است:

كثير الرواية حسن الحفظ غير انه ضعفه جماعة من أصحابنا.^۳

پُر حدیث و نیک حافظه بوده است؛ اما جمعی از اصحاب ما او را تضعیف کرده‌اند.

نجاشی در باره او گفته است:

كان في أول أمره ثباتاً ثم خلط و رأيت جل أصحابنا يغمزونه و يضعفونه... رأيت

هذا الشيخ و سمعت منه كثيراً ثم توقفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني و بينه.^۴

۱. معجم رجال الحديث: ج ۱ ص ۵۱.

۲. رک: رجال النجاشی: ج ۲ ص ۳۲۲ ش ۱۰۶۰ که در آن آمده است: رأيت جل أصحابنا يغمزونه: دیده‌ام که همه اصحاب از او بدگویی می‌کنند.

۳. الفهرست، طوسی: ص ۲۱۶ ش ۶۱۰.

۴. رجال النجاشی: ج ۲ ص ۳۲۲ ش ۱۰۶۰.

در ابتدای کارش دقیق بود، اما بعداً مطالب را خلط می‌کرد. دیده‌ام که همه اصحاب ما از او بدگویی می‌کنند و تضعیفش می‌کنند... من این شیخ را دیدم و از وی روایات زیادی را شنیدم، و بعداً، در نقل روایت او متوقف شدم، جز از طریق واسطه‌ای که میان من و او بود.

از سخن نجاشی معلوم می‌شود که او در دوره اول عمر خود، دقیق و منضبط بوده است و در سال‌های پایانی عمر خویش به سبب پیری و یا علل دیگر، دقت و انضباط خود را از دست داده است.

از این رو نجاشی، احادیث دوره اول عمر او را با واسطه نقل می‌کند؛ ولی احادیث دوره پایانی عمر او را گزارش نمی‌کند. لذا با فرض آن که زیارت آل یس در غیر از سال‌های پایانی او نقل شده باشد، مقبول خواهد بود.

جمع بندی مباحث سنّی

در جمع بندی مطالب پیشین باید گفت:

۱. با معیار تسامح در ادله سنن، زیارت آل یس، مقبول است و شایستگی قرائت دارد.

۲. اگر توثیق عام ابن مشهدی، نویسنده کتاب المزار الکبیر را نسبت به تمامی راویان موجود در کتاب بپذیریم، تمام متون موجود در آن، از جمله زیارت آل یس، معتبر خواهد بود.

۳. بیشتر افراد واقع در سند، معدوح هستند و تنها یک یا دو نفر در هر طریق، تضعیف شده یا مجهول هستند.

۴. با فرض پذیرش وثاقت ابو المفضل شیبانی در سال‌های اولیه عمر او و پذیرش گزارش زیارت آل یس در آن سال‌ها، این طریق، حسن خواهد بود. چون تمام افراد آن، ثقه یا معدوح هستند.

۵. در صورت عدم پذیرش هر یک از مبانی پیشین، اسناد زیارت آل یس از اعتبار لازم برای استناد برخوردار نیست.

در بارهٔ متن زیارت آل یس

زیارت آل یس، اظهار ارادت عارفانه و عاشقانه به ساحت مقدّس امام عصر علیه السلام است که یک شیعهٔ معتقد، با برشمردن ویژگی‌های امام (بویژه امام عصر علیه السلام)، ایشان را مخاطب قرار می‌دهد و با ذکر برخی حالات عبادی و غیر عبادی قائم علیه السلام، سلامی عاشقانه به ایشان می‌گوید. آن گاه به شمارش معارف لازم شیعی از شهادتین تا شهادت بر امامان علیهم السلام و بیان عقاید شیعی می‌پردازد و به گونه‌ای نسبتاً کامل، ایمان خویش را بر ایشان عرضه می‌دارد و موضوعاتی همچون: توحید، نبوت، امامت، رجعت، معاد، بهشت و دوزخ، حساب و کتاب، صراط و میزان را به عنوان ارکان ایمان مطرح می‌کند و سرانجام، ولایت خود نسبت به امامان و برائت خویش از دشمنان ایشان را به روشنی باز می‌گوید.

عرضهٔ مجموعه عقاید و باورهای شیعی به امامان شیعه، توسط عالمان و راویان دیگر نیز انجام شده است؛ از جمله می‌توان به حدیث عرض ایمان جناب عبدالعظیم حسنی علیه السلام به امام هادی علیه السلام اشاره کرد.^۱

از این منظر، زیارت آل یس، افزون بر اظهار ارادت، گزارشی از معارف اصلی شیعی و عرض آن به محضر امام عصر علیه السلام است که پیشینه‌ای متقن در روایات دارد و مطابق با هندسهٔ معارف اسلامی و شیعی است.^۲

تنها نکتهٔ قابل بحث در زیارت آل یس، یکی از فرازهای اولیهٔ آن است که می‌گوید:

۱. رک: کمال الدین؛ ص ۳۷۹ ح ۱. الأمانی. طوسی؛ ص ۴۱۹ ح ۵۵۷. التوحید؛ ص ۸۱ ح ۳۷.
 ۲. این گزارش بر اساس نقل کتاب الاحتجاج است که با گزارش کتاب المزار الکبیر و مصباح الزائر نیز سازگار است. این دو کتاب، اضافاتی نیز دارند که در این گزارش، مورد توجه نیست.

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّعَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ

يَاسِينَ﴾، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ ...^۱

هنگامی که خواستید با ما به خداوند و به خود ما روی بیاورید، همان را بگویید که خداوند متعال فرموده است: سلام بر آل یاسین. سلام بر تو ای دعوتگر به خدا و عالم والای دانا به آیات او....

ظاهراً مراد از کلام الهی، قرآن کریم است. در حالی که عبارت «سلام علی آل یاسین» به صورت ذکر شده در قرآن وجود ندارد. بدین ترتیب، این عبارت به آیه «سَلِّمْنَا عَلَى آلِ يَاسِينَ»^۲ ناظر است، در حالی که قرائت مشهور و رسمی از این آیه با عبارت موجود در روایت، ناسازگار جلوه می‌کند.

در باره عبارت یاد شده، نکاتی قابل ذکر است:

۱. در گزارش سید ابن طاووس در مصباح الزائر، عبارت «فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى!» وجود ندارد؛ بلکه دستور به گفتن سلام علی آل یس را مطرح کرده و نوشته است:
حِكْمَةٌ بِاللُّغَةِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ (سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ)، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ.^۳

حکمتی رسا که در افراد بی‌ایمان کارگر نمی‌شود، و سلام بر ما و بندگانشایسته خدا (سلام بر آل یاسین). این همان فضل آشکار است.

۲. مصادر تفسیری سنی و شیعی، قرائت «سلام علی آل یس» را به عنوان قرائت غیر مشهور یاد کرده و آن را به «آل محمد صلی الله علیه و آله» تفسیر کرده‌اند.
فخر رازی در تفسیر خود آورده است:

قَرَأَ نَافِعٌ وَابْنُ عَامِرٍ وَيَعْقُوبُ، آلَ يَاسِينَ عَلَيَّ إِضَافَةً إِلَى لَفْظِ يَاسِينَ وَالْبَاقُونَ

۱. ر.ک: ح ۱۱۱۵.

۲. صفات: آیه ۱۳۰.

۳. مصباح الزائر: ص ۴۳۰.

بکسر الألف و جزم اللام موصولة بياسين أمّا القراءة الأولى ففيها وجوه: الأول: و هو الأقرب أنا ذكرنا أنه الياس بن ياسين فكان الياس آل ياسين. الثاني: آل ياسين، آل محمّد ﷺ و الثالث: أن ياسين اسم القرآن. كأنه قيل: سلام الله على من آمن بكتاب الله الذي هو ياسين.^۱

نافع و ابن عامر و يعقوب «آل ياسين» را به گونه‌ای که آل به ياسين اضافه شده باشد، قرائت کرده‌اند؛ ولی دیگران به کسر الف و جزم لام وصل به ياسين خوانده‌اند. قرائت اولی دارای چند احتمال است: اول که از همه نزدیک‌تر است. ما ذکر کردیم که الياس بسر ياسين بوده، پس الياس آل يس بوده. دوم، آل ياسين، آل محمّد است. سوم، ياسين اسم قرآن است و گویا گفته شده: سلام بر کسی که به کتاب الهی، ایمان آورده، که همان ياسين است.

ألوسی نیز در کتاب روح المعانی، قرائت «سلام على آل ياسين» را از نافع و ابن عامر و يعقوب و زيد بن علي نقل می‌کند و در تأیید آن می‌نویسد:

و كتب في المصحف العثماني منفصلاً ففيه نوع تأييده لهذه القراءة... و قيل ياسين فيها اسم لمحمّد ﷺ فال ياسين آله - عليه الصلاة والسلام - . أخرج ابن أبي حاتم و الطبراني و ابن مردويه عن ابن عباس أنه قال في «سلام على آل ياسين»: نحن آل محمّد آل ياسين و هو ظاهر في جعل ياسين إسماً له ﷺ.^۲

در مصحف عثمانی به صورت جداگانه و خارج متنی نوشته که در آن، نوعی تأیید بر این قرائت است... گفته شده که در ياسين نام محمّد ﷺ هست. پس آل ياسين، آل محمّد - عليه الصلاة والسلام - است. ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردويه از ابن عباس نقل کرده‌اند که او در باره «سلام على آل ياسين» گفته است: «ما آل محمّد، آل ياسين هستیم». و این نشان می‌دهد که ياسين، نام محمّد ﷺ قرار داده شده است.

۱. تفسیر الکبیر، فخر رازی: ج ۲۶ ص ۱۶۲.

۲. روح المعانی: ج ۲۳ ص ۱۴۲.

شیخ طوسی در کتاب تبیان،^۱ قرائت نافع و ابن عامر و یعقوب را نقل کرده و آن را به معنای آل محمد علیهم‌السلام دانسته است. طبرسی در مجمع البیان نیز قول ابن عباس در تفسیر آل یاسین را نقل کرده است.^۲

دیگر مفسران شیعه و سنی هم این قرائت را نقل و به «آل محمد» معنا کرده و یا آن را یکی از احتمالات برشمرده‌اند.^۳

۳. در حدیثی به نقل از اهل بیت علیهم‌السلام نیز با اشاره به این آیه، «یاسین» به عنوان نام پیامبر علیه‌السلام و «آل یاسین» به اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر شده است.^۴ تفسیر برهان، پنج حدیث از این مجموعه آورده است.^۵

گفتنی است که بعضی از این احادیث، مرسل‌اند و برخی مسند. تنها یکی از اسناد شیخ صدوق را با اغماض می‌توان معتبر شمرد.

البسته اطلاق «یس» به عنوان نام خاص پیامبر علیه‌السلام و «آل یس» به عنوان اهل بیت علیهم‌السلام - بدون نظر به آیه سوره صافات - در احادیث و متون دیگر نیز تکرار شده و امری پذیرفته است.^۶

احتمال دیگر در توجیه این عبارت، آن است که آن را به حدیث قدسی‌ای اشاره بدانیم که قول خداوند است؛ ولی قرآن نیست. بنا بر این «قولوا کما قال الله تعالی سلام

۱. التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۸ ص ۵۲۳.

۲. مجمع البیان: ج ۸ ص ۷۱۲.

۳. تفسیر ابو الفتوح رازی: ج ۱۶ ص ۲۳۴. تفسیر غریب القرآن: ص ۵۸۷. کنز الدقائق: ج ۱۱ ص ۱۷۷. تفسیر

السمرقندی: ج ۳ ص ۱۴۲. تفسیر النعلبی: ج ۸ ص ۱۶۹. شواهد التنزیل: ج ۲ ص ۱۶۸. البحر المحیط: ۷

ص ۲۵۸. فتح القدر: ج ۲ ص ۲۵۹.

۴. عبون اخبار الرضا علیه‌السلام: ج ۱ ص ۲۳۷. تحف العقول: ص ۴۲۳. تأویل الآیات الظاهره: ج ۲ ص ۴۹۸. الاحتجاج:

ج ۱ ص ۵۹۷. دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۰.

۵. البرهان: ج ۴ ص ۶۲۴-۶۲۷.

۶. رک: الکافی: ج ۶ ص ۲۰.

۷. بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۱۶۷-۱۷۲. باب «إن آل یس، آل محمد علیهم‌السلام».

علی آل یس» اشاره به حدیث قدسی خواهد بود.

۴. سیاق آیات، نشانگر آن است که مراد از آل یاسین، حضرت الیاس علیه السلام یکی از پیامبران پیشین است و پیامبر گرامی اسلام مورد نظر نیست. بنا بر این، «سلام علی الیاسین» نمی‌تواند به ظاهر به آل یس قرائت یا معنا شود. سورهٔ صافات، آیهٔ ۷۲ تا ۱۳۰، به پیامبرانی چون: نوح، ابراهیم، موسی، هارون و الیاس و برخورد ناروای مردم با آنان اشاره کرده و پس از داستان نوح علیه السلام این گونه آورده است:

﴿وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَّمْ عَلَيَّ نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.^۱

و در میان آیندگان [آوازهٔ نیک] او را بر جای گذاشتیم. درود بر نوح در میان جهانیان! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. به راستی او از بندگان مؤمن ما بود.

و پس از بیان ماجرای ابراهیم علیه السلام این گونه فرموده است:

﴿وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَّمْ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.^۲

و در [میان] آیندگان برای او [آوازهٔ نیک] به جای گذاشتیم. درود بر ابراهیم! نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. در حقیقت، او از بندگان باایمان ما بود.

و پس از داستان موسی علیه السلام و هارون فرموده است:

﴿وَتَرْكُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَيَّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.^۳

و برای آن دو در [میان] آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم. درود بر موسی و هارون! ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم؛ زیرا آن دو از بندگان باایمان ما

۱. صافات: آیهٔ ۷۸-۸۱.

۲. صافات: آیهٔ ۱۰۸-۱۱۱.

۳. صافات: آیهٔ ۱۱۹-۱۲۲.

بودند.

آن گاه در ذکر ماجرای الیاس و قوم او سخن گفته است:

﴿وَإِنَّا لِيَاسَ لَعِينُ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَأَنْتُمْ أَتَقُونَ * أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ
أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ * فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ
* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ * وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى الْيَاسِينَ *
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.^۱

و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود* به قوم خود گفت: «آیا پروا نمی‌دارید؟*
آیا "بعل" را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟* [یعنی:] خدا را که
پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟* . * پس او را دروغگو شمردند.
و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد* مگر بندگان پاک‌دین خدا* و برای او
در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. * درود بر الیاس* * ما
نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم* * زیرا او از بندگان باایمان ما بود*.

در ادامه به لوط و یونس هم اشاره می‌کند.

از این رو، ظاهر آیات سوره صافات، به الیاس اشاره دارد و قرائت آل یس به
معنای اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام در این موضع، صحیح نمی‌نماید.

۵. می‌توان تفسیر آل یاسین به آل یاسین و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را تفسیر باطنی یا
تأویلی قرآن شمرد که از ظاهر لفظ عبور کرده و معارف غیر قابل دستیابی را برای ما
بیان کرده است.

۶ احتمال دیگر آن است که در زیارت آل یاسین، تنها با اشاره به سلام علی آل
یس، در صدد بیان نحوه سخن گفتن و سلام دادن بر اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا در
جایی که خدای متعال بر بندگان صالح خود این گونه سلام می‌دهد، مردمان نیز
می‌باید به این شیوه آموزشی عمل کنند و همانند زیارت آل یس با اهل بیت علیهم‌السلام

سخن گویند و بر آنان سلام دهند.

بنا بر این، آل یس در این جا به معنای آل یس دانسته نشده و قرائت غیر مشهور نیز تأیید نشده است.

۷. نتیجه آن که با توجه به مجموعه مطالب پیشین، قرائت زیارت آل یاسین خطاب به امام مهدی عج با توجه به سند و متن موجود، رجاء مطلوب و شایسته است و عرض ایمان بر اهل بیت علیهم السلام تلقی می شود. در میان گزارش های موجود از زیارت آل یاسین، گزارش سید ابن طاووس در کتاب مصباح الزائر، از دقت بیشتری برخوردار است؛ به سبب آن که از اشکالات مطرح شده در گزارش های دیگر، مبرا است.

٢/١

الزِّيَارَةُ الثَّانِيَّةُ

١١١٧. المزار الكبير: إِسْتِغَاثَةٌ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ حَيْثُ تَكُونُ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ بِالْحَمْدِ
وَسُورَةِ، وَقَدْ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ وَقُل:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ النَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ الثَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ
اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، سُلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ
وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُعَلِّمِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، مُطَهِّرِ الْأَرْضِ،
وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، وَالْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمُرْتَضَى،
الطَّاهِرِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَهْدِيِّ ابْنِ
الْأَيْمَةِ الْمَعْصومِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَ حُكْمِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ الْحُجَّجِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ الْحُجَّجِ
عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،
فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ
لَكَ مَا وَعَدَكَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ١.

۲/۱ زیارت دوم

۱۱۱۷ . المزار الکبیر: استغاثه به صاحب الزمان علیه السلام: هر جا هستی، دو رکعت نماز با حمد و سوره می خوانی و برمی خیزی و رو به قبله و زیر آسمان می ایستی و می گویی: «سلام تمام و کمال و فراگیر و همه سویه خداوند و درودها و برکات استوار و کاملش بر حجت خدا و ولی او در زمین و سرزمین‌های خدا! جانشین او میان آفریده‌ها و بندگانش، از نسل نبوت و باقی مانده عترت برگزیده؛ صاحب زمان و پدیدار کننده ایمان و آشکار کننده احکام قرآن؛ پاک کننده زمین و گستراننده عدالت در طول و عرض [زمین]؛ حجت قائم، مهدی و امام پسندیده‌ای که چشم به راهش هستند؛ پاک و فرزند امامان پاک؛ وصی و فرزند وصیان پسندیده؛ راهنمای ره یافته؛ فرزند امامان معصوم.

سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و امانتدار حکم وصیان! سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنان مستضعف! سلام بر تو ای خوار کننده کافران متکبر ستمکارا سلام بر تو ای مولای من، صاحب الزمان، فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند فاطمه زهرا! سرور زنان جهان! سلام بر تو ای فرزند حجت‌ها [ای خدا] بر همه مردم! سلام بر تو ای مولای من؛ سلام دوست خالص تو! گواهی می دهم تو امامی ره یافته در گفتار و کرداری، و تو کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر می کنی. خداوند در فرجت تعجیل کند و خروجت را آسان سازد و زمانت را نزدیک کند و یاران و یاورانت را فراوان نماید و وعده‌اش را به تو به انجام رساند؛ که او راستگوترین گوینده است: ﴿و می خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] قرار دهیم﴾.

ای مولای من! ای صاحب الزمان! ای فرزند پیامبر خدا! حاجتم این و آن است.

يا مَوْلَايَ يا صاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا،^١ فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَيَحَقُّ مِنِّي اخْتِصَّامُ لِأَمْرِهِ، وَارْتِضَاكُمُ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

٣ / ١

الزِّيَارَةُ الثَّالِثَةُ

١١١٨. المزار الكبير - في زيارَةِ مَوْلَانَا الخَلْفِ الصَّالِحِ صاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيهِ وَعَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ :- زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عليه السلام :

إِذَا وَصَلْتَ إِلَى حَرَمِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِسُرٍّ مَن رَأَى، فَاغْتَسِلْ وَابْسِ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ، وَقِفْ عَلَيَّ بِابِ حَرَمِهِ عليه السلام قَبْلَ أَنْ تَنْزِلَ السُّرْدَابَ، وَزُرْ بِهَذِهِ الزِّيَارَةَ وَقُلْ :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ المَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الأَوْصِيَاءِ المَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ العَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ المُنْتَجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الأَعْلَامِ البَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ العِزَّةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ العُلُومِ النَّبَوِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةَ المُنْتَهَى^٢، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَى،

١. ليس في مصباح الزائر والبلد الأمين ذيله من «فقد توجهت...».

٢. سِدْرَةُ المُنْتَهَى: شَجَرَةٌ فِي أَقْصَى الجَنَّةِ إِنِهَا يَنْتَهِي عِلْمُ الأَوَّلِينَ والأَخْرينَ (النهاية: ج ٢ ص ٢٥٢ «سدره»).

پس برآورده شدنشان را برابم شفاعت کن که با حاجتم به سوی تو روی آورده‌ام؛ زیرا می‌دانم که تو شفاعتی پذیرفته و جایگاهی ستوده نزد خداوند داری. پس به حق کسی که شما را ویژه کار خودش قرار داد و شما را برای نگهداری رازش پسندید و به منزلتی که میان شما و اوست، برآورده شدن حاجتم و اجابت دعایم و برطرف شدن سختی‌ام را از خداوند متعال بخواه.^۱

۳/۱

زیارت سوم

۱۱۱۸. المزار الکبیر - در ذکر زیارت مولایمان جانشین شایسته، صاحب الزمان - بر او و پدرانش سلام - : زیارتی دیگر برای وی: چون به حرم او - که خداوند بر او و خاندانش درود و سلام بفرستد - در سامرا رسیدی، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس را بپوش و بر در حرمش و پیش از رفتن به زیرزمین بایست و با این زیارت، ایشان را زیارت کن:

«سلام بر تو ای جانشین خدا و جانشین پدران ره‌یافته‌اش! سلام بر تو ای وصی اوصیای گذشته! سلام بر تو ای حافظ رازهای خدای جهانیان! سلام بر تو ای باقی‌مانده از برگزیدگان انتخاب شده! سلام بر تو ای فرزند نورهای پرتوافشان! سلام بر تو ای فرزند نشانه‌های درخشان! سلام بر تو ای فرزند عترت پاک! سلام بر تو ای معدن دانش‌های نبوی! سلام بر تو ای درگاه خدا که جز از آن وارد نمی‌شوند! سلام بر تو ای راه خدا که هر که غیر آن را پیمود، هلاک شد! سلام بر تو ای نگرنده به درخت طوبی و سدره‌منتهی!^۲ سلام بر تو ای نور خاموش نشدنی خداوند! سلام

۱. المزار الکبیر: ص ۶۷۰، مصباح الزائر: ص ۴۳۵، البلد الامین: ص ۱۵۸ (در این دو کتاب، بخش پایان نیامده است)، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۳۷۳ ح ۱۶.

۲. سدره‌المنتهی: آخرین درخت سدر، مقصود، درخت سدر خاصی است که در بالاترین جای بهشت، قرار دارد و منشأ همه علوم گذشتگان و آیندگان است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مَن
عَرَفَكَ بِمَا عَرَّفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعْتِكَ بِبَعْضِ نَعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ، وَأَوْلِيَاءَكَ
هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِحُ كُلِّ رَتَقٍ،
وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيْتِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا، وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا،
لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَرِيًّا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ، لَا أُرْتَابُ
لِطَوْلِ الْغَيْبَةِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ^١،
وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ، وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ، ذَخَرَكِ اللَّهُ لِتُصْرِقَ الدِّينَ وَإِعْزَازِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ^٢.

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، فَمَنْ جَاءَ
بِوَلَايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ،
وَمُحِبَّتِ سَيِّمَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَن وِلَايَتِكَ وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، كَبَّهُ اللَّهُ
عَلَى مَنْخِرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يَقِمِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا.

أَشْهَدُ اللَّهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا، ظَاهِرُهُ كِبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَّتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ
عَلَى ذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ^٣ الْمُتَّقِينَ،
وَعِزُّ الْمُؤَحَّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ.

فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا،

١. في المصباح للكنعسي والبهذ الأمين: «لا يابك» بدل «لا يابك».

٢. مارق: أي خارج عن الدين (مجمع البحر بن: ج ٢ ص ١٦٨٩ «مرق»).

٣. اليعسوب: السيد والرئيس والمقدم، وأصله: فعل النحل (التهذيب: ج ٣ ص ٢٢٤ «عسوب»).

بر تو ای حجّت پنهان نماندنی خدا! سلام بر تو ای حجّت خدا بر هر که در زمین و آسمان است! سلام بر تو؛ سلام کسی که تو را از دریچه معرفتی خدا شناخته و برخی از صفات شایسته تو را برشمرده است و تو از آنها بالاتری.

گواهی می‌دهم که تو حجّت گذشتگان و باقی ماندگان هستی. حزب تو چیره، دوستانت پیروز و دشمنانت زیانکارند و تو گنجور هر دانش و بازکننده هر [گره] بسته شده‌ای، احقاقگر هر حق و باطل کننده هر باطلی. ای مولای من! به امامت و هدایت تو و ولئی و راه‌نما بودنت خوشنودم و در پی جایگزین نیستم و جز تو کسی را ولئی [خود] نمی‌گیرم.

گواهی می‌دهم تو حق ثابت بی‌عیبی و وعده خدا در باره‌ات راست است و از درازی غیبت و طول مدّت، به تردید نمی‌افتم و همراه کسانی که تو را شناختند و بی‌خبر ماندند، سرگردان نمی‌شوم؛ بلکه چشم به راه و منتظر روزگار [یا بازگشت] تو هستم و تو شفیع بی‌منازع [آخرت] و ولئی بی‌مخالف [دنیا] هستی که خداوند تو را برای باری دین و عزّت بخشی به مؤمنان و انتقام از منکیران از دین بیرون رفته، ذخیره کرده است.

گواهی می‌دهم که [تنها] با ولایت تو اعمال پذیرفته و کارها پاک و نیکی‌ها دو چندان می‌شود. پس هر کس [در روز قیامت] ولایت تو را آورد و به امامت تو اعتراف کرد، اعمالش پذیرفته و گفتارش تصدیق و نیکی‌هایش دو چندان و زشتی‌هایش محو می‌شود، و هر کس از ولایت تو کناره گرفت و تو را شناخت و دیگری را جایگزین تو کرد، خدا او را به رو در آتش می‌اندازد و عملی را از او نمی‌پذیرد و روز قیامت ترازویی برایش برپا نمی‌کند.

خدا! و تو را - ای مولایم - بر این [ادعا] گواه می‌گیرم، ظاهر و باطن آن یکسان است و نهان و آشکارش همسان، و تو هم شاهد باش که آن عهد و پیمانم نزد توست؛ زیرا تو رشته به سامان آورنده دین، سرور پروا پیشگان و عزّت یکتاپرستان هستی و خدای جهانیان مرا به آن امر کرده است. پس اگر روزگار طولانی و عمرها به درازا بکشد، جز یقین و محبتم به تو افزون نمی‌شود و جز به تو اتکا و اعتماد نمی‌کنم و جز ظهور تو را

وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا، وَلظهورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا، وَلجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ
مُتَرَقِّبًا، فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ،
وَالْتَصَرَّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ.

يا مولاي، فَإِن أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ، فَهَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ،
مُتَصَرِّفٌ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ.

مولاي! فَإِن أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظَهْوَرِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي
ظَهْوَرِكَ، وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِيَّ مِنْ أَعْدَائِكَ قُودِي.

مولاي! وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ
العَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَيَّ شَفَاعَتِكَ، وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي،
وَسْتَرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ زَلَّي، فَكُنْ لِي لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَأَسْأَلُ اللَّهَ
عُفْرَانَ زَلَّي، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوَلَاتِيكَ، وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لِي لَوْلِيكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ
دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَيَّ عَدُوَّهُ وَعَدُوَّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ النَّامَةَ، وَمُعَيَّنِكَ فِي أَرْضِكَ،
الْخَائِفَ الْمُتَرَقِّبَ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ
الَّذِينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأَقْوَالِ، وَأَجْلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكْشِفْ بِهِ الْعُمَةَ،
اللَّهُمَّ وَأَمِنْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ اْمَلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ
ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، انْدَن لِي لَوْلِيكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ، صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

منتظر و چشم به راه نخواهم بود و جز جهاد کردن پیش روی تو را نخواهم پایید تا جان و مال و زن و فرزند و همه نعمت‌هایی را که خداوند به من داده است، پیش روی تو فدا کنم و در پی اجرای امر و نهی تو باشم. ای مولای من! اگر روزگارِ پرتوافشان و نشان‌های درخشانت را درک کردم، بنده تو خواهم بود و مجری امر و نهایت ر با آن، شهادت پیش رویت و رستگاری نزد تو را امید می‌برم.

مولای من! اگر مرگ مرا پیش از ظهورت دریابد، با تو و پدران پاکت به خدای متعال متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستد و مرا در روزگار ظهورت، به دنیا بازگرداند تا با اطاعت کردن از تو، به مقصودم رسم و دلم را [با انتقام] از دشمنانت خنک کنم.

مولای من! در زیارت تو، در جایگاه خطاکاران پشیمان و بیمناک از کبفر خدای جهانیان ایستاده‌ام و به شفاعت تو اعتماد کرده‌ام و با ولایت و دوستی و شفاعتت، محو شدن گناهانم و پوشاندن عیب‌هایم و آمرزش لغزش‌هایم را امید می‌برم. پس ای مولای من! دوستدارت را به آرزویش برسان و آمرزش لغزش‌هایش را از خداوند بخواه؛ که به رشته تو آویخته و به ولایت تو چنگ زده و از دشمنان تو بیزاری جسته است.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را به ولایت و وعده داده‌ای، به انجام رسان. خدایا! کلمه او را آشکار کن و دعوت او را برافراز و او را [در غلبه] بر دشمنش و دشمنت یاری ده، ای خدای جهانیان!

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کلمه کاملت و پنهان کرده در زمینت و بیمناک منتظر را آشکار کن. خدایا! او را یاری پیروزمندانه بده و فتحی آسان برایش پیش بیاور. خدایا! دین را به دست او پس از گم‌نامی، عزیز بدار و حق را پس از افول، به دست او، به اوج آور و تاریکی را روشن کن و اندوه را برطرف ساز. خدایا! به دست او، سرزمین‌ها را امن و بندگان را هدایت کن. خدایا! زمین را به دست او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است؛ که تو شنوا و پاسخ دهنده‌ای.

سلام بر تو ای ولی خدا! به دوستدارت اجازه ورود به حرمت را بده. درودها و

وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

الْقَوْلُ عِنْدَ نَزُولِ السُّرُودِ:

[السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى مُحِبِّي الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ] ١، السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّةِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ. السَّلَامُ عَلَى وَاثِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ وَالْغَائِبِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالتَّوْرِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ الثَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَيْتَامِ وَفِطْرَةِ الْأَنْامِ ٢، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمصَمِ ٣ وَقَلَّاقِ الْهَامِ ٤. السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ.

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودَةٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السَّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ ﷻ بِهِ الْأُمَّةَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا، وَيُعَكِّنَ لَهُ وَيُنَجِّزَ بِهِ وَعَدَّ الْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةُ مِنْ آبَائِكَ أَيْمَتِي وَمَوَالِيِّي، فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

١. في مصادر أخرى بدأت هذه الزيارة بهذه الفقرة حتى أن الشهيد الأول في كتابه المزار هذه الفقرة في بعض أقسام كتابه ومن جعلتها هذه الزيارة طبقاً لكتاب المزار الكبير. فمن المحتمل أن تكون هذه الفقرة موجودة في النسخ الأولى لكتاب المزار الكبير ولأسباب ما فقدت.

٢. في بحار الأنوار و...: «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ وَفِطْرَةِ الْأَيْتَامِ».

٣. الصَّمصَمُ: السيف القاطع (النهاية: ج ٣ ص ٥٢ «صمصم»).

٤. الهام: جمع هامة: الرأس (النهاية: ج ٥ ص ٢٨٤ «هوام»).

رحمت و برکات خدا بر تو و بر پدران پاکت!».

زیارت هنگام وارد شدن به سرداب

«سلام بر حق‌نویس و دانایی که دانشش زوال نمی‌یابد. سلام بر زنده‌کننده مؤمنان و هلاک‌کننده کافران. سلام بر مهدی امت‌ها و گردآورنده همه کلمه‌ها. سلام بر جانشین نیکو و باشوکت گذشتگان. سلام بر حجت‌خدای پرستیده شده و کلمه ستوده. سلام بر عزت‌بخش اولیا و خوارکننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران و خاتم وصیان. سلام بر امام چشم‌انتظارش و غایب مشهور شده. سلام بر شمشیر از نیام کشیده، ماه فروزان و نور درخشان. سلام بر خورشید تاریکی و ماه شب چهارده. سلام بر بهار یتیمان و سرنوشت مردمان.^۱ سلام بر صاحب شمشیر بُرّان و شکافنده سرها. سلام بر صاحب دین بر جای مانده و کتاب نگاشته شده.

سلام بر باقی‌نهادۀ خدا در سرزمین‌هایش و حجتش میان بندگانش. او که میراث پیامبران به او می‌انجامد و آثار برگزیدگان الهی، نزد او می‌ماند. سلام بر امانت‌دار راز الهی و ولی امر. سلام بر مهدی‌ای که خدای عز و جلال به امت‌ها وعده داده است که زمین را به دست او یک‌جا زیر پرچم عدل و داد درآورد و در اختیار او نهد و وعده‌اش را به مؤمنان با او به انجام برساند. گواهی می‌دهم که تو و پدران امامت، امامان و صاحب‌اختیاران من هستید، چه در زندگی این دنیا و چه روزی که گواهان برمی‌خیزند. ای مولای من! از تو می‌خواهم که صلاح‌کارم، برآورده شدن حاجت‌هایم، آمرزش گناهانم و دستگیری‌ام را در دین و دنیا و آخرتم، از خداوند - تبارک و تعالی - بخواهی و این را افزون بر من، برای برادران و خواهران ایمانی‌ام نیز بطلبی؛ که او آمرزنده و مهربان است، و خداوند بر سرورمان محمد، پیامبر خدا و

۱. در بهار الاثوثر به جای «سلام بر بهار یتیمان و سرنوشت مردمان». آمده است: «سلام بر بهار مردم و شادایی روزگار».

وَعُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِكَافَّةِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ، وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ.

٤ / ١

الزِّيَارَةُ الرَّابِعَةُ

١١١٩. المزار الكبير - في زيارَةِ الْعَسْكَرِيِّينَ -: ثُمَّ تَخْرُجُ وَوَجْهَكَ إِلَى الْقَبْرَيْنِ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ، وَتَأْتِي
سِرْدَابَ الْغَيْبَةِ فَتَقِفُ بَيْنَ الْبَابَيْنِ مَا سِكَأَ جَانِبَ الْبَابِ بِيَدِكَ، ثُمَّ تَنْحَنُّ كَالْمُسْتَأْذِنِ، وَسَمِّ
وَأَنْزِلْ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَفَارُ، وَصَلِّ زَكَعَتَيْنِ فِي عَرَصَةِ السَّرْدَابِ، وَقُلْ:

اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَبِهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَّفَنَا
أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَقَّفَنَا لِيَزِيَارَةَ أَيْمَتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ
الْمَقْضُوعِينَ^٢، وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصَرِينَ^٣.

السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللهِ وَابْنِ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَتِهِ (أَوْلِيَائِهِ) اللهُ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ،
السَّلَامُ عَلَيَّ النَّوْرِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلَ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَأَبَى اللهُ إِلَّا أَنْ يُنَمَّ نَوْرُهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَمَدَّهُ
بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَيَّ يَدَهُ الْحَقُّ بِرَغْمِهِمْ.

أَشْهَدُ أَنَّ اللهُ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ
الْجِبْتَ^٤ وَالطَّاغُوتَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَعَلَى خُدَّامِي وَأَعْوَانِي عَلَيَّ غَيْبِيَّةٍ وَقَائِدِي، وَاسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ

١. العَرَصَةُ: كُلُّ مَوْضِعٍ وَاسِعٍ لِابْنَاءِ فِيهِ (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٨ «عرص»).

٢. الْمَقْضُوعَةُ: قَوْمٌ قَالُوا: إِنَّ اللهُ خَلَقَ مُحَمَّدًا عجله وَقَضَى إِلَيْهِ خَلْقَ الدُّنْيَا، فَهوَ الْخَلْقُ لِمَا فِيهَا، وَقِيلَ: فَوَضَ ذَلِكَ
إِلَيَّ عَلَيَّ عجله (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٢٢٢ «فروض»).

٣. الْمُقْصَرَةُ: الَّذِينَ يَقْصُرُونَ عَنِ مَعْرِفَةِ الْأَيْمَةِ وَعَنِ مَعْرِفَةِ مَا فَوَضَ إِلَيْهِمْ مِنْ رُوحِهِ.

٤. الْجِبْتُ: الصَّنَمُ وَالْكَاهِنُ وَالسَّاحِرُ وَكُلُّ مَا عُبِدَ مِنْ دُونِ اللهِ تَعَالَى (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٢٥ «جبت»).

خانندان پاک محمد درود فرستد.^۱

۲/۱

زیارت چهارم

۱۱۱۹. المزار الکبیر - در زیارت دو امام [هادی و حسن] عسکری - سپس در حالی که رویت به قبرهای این دو امام است، عقب عقب بیرون می‌آیی و به سرداب غیبت می‌روی و میان دو در، در حالی که کنار در را با دست گرفته‌ای، می‌ایستی و سرفه‌ای می‌زنی مانند کسی که اجازه ورود می‌گیرد، و بسم الله بگو و با وقار و آرامش پایین برو و میان سرداب دو رکعت نماز می‌خوانی و [سپس] می‌گویی: «خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است. خدایی جز خداوند نیست و خدا بزرگ‌تر است و ستایش، ویژه خداست و ستایش، ویژه خدایی است که ما را به این، ره نمود و دوستان و دشمنانش را به ما شناساند و ما را به زیارت امامانمان موفق کرد و ما را از مخالفان به دشمنی برخاسته و نیز از غالیان [که همه کارها را در اختیار امامان می‌دانند]^۲ و همچنین از تردیدکنندگان کوتاه‌اندیش در حق ایشان قرار نداد.^۳ سلام بر ولی خدا و فرزند اولیای او. سلام بر ذخیره [ی الهی] برای بزرگداشت اولیای خدا و هلاک کردن دشمنانش. سلام بر نوری که کافران خاموشی‌اش را می‌خواستند؛ اما خداوند، جز این نخواست که نورش را با وجود ناپسند داشتن آنها، به کمال رساند و زندگی او را چندان دراز گرداند که علی رغم خواست آنان، حق را به دست وی پدیدار کند.

گواهی می‌دهم که تو را در خردسالی برگزید و دانش‌هایش را در بزرگسالی برایت کامل کرد و تو نخواهی مرد تا آن که بت‌ها و طاغوت‌ها را از میان ببری.

۱. المزار الکبیر: ص ۵۸۶ ح ۴ و ۵، المزار، شهید اوّل: ص ۲۰۳، المصباح، کفعمی: ص ۶۵۷، البسند الامین: ص ۲۸۴، مصباح الزائر: ص ۲۳۷ (با عبارت مشابه، در این کتاب، بخش پایانی حدیث نیامده است)، بحار الأنوار: ج ۱۰۲، ص ۹۸.

۲. مفوضه، گروهی گمراه هستند که قائل اند خداوند تعالی محمد صلی الله علیه و آله را آفرید و بعد آفرینش و خلق دنیا را به او تفویض فرمود. پس او خود خلاق را آفرید. و می‌گویند: پاره‌ای از ایشان اعتقاد دارند که خداوند متعال، آفرینش موجودات را به امیر مؤمنان علیه السلام بلکه دیگر ائمه علیهم السلام تفویض فرموده است.

۳. مقصره، اهل تفریط اند که حق اهل بیت را چنان که باید نمی‌شناسند.

مَعْقِلًا حَرِيْرًا^١، وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ وَطَأْتِكَ عَلَيَّ مُعَانِدِيهِ، وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ.

اللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي دُونَ نُصْرَتِهِ مَشْهُودًا^٢، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلِيقَتِكَ رَغْمًا، فَأُحْيِنِي عِنْدَ ظَهْوَرِهِ خَارِجًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرِّرًا بِكَفْنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: «كَأَنَّهُمْ بُنَيْنٌ مُّرْصُوصٌ»^٣.

اللّٰهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَشَمَتَ بِنَا الْفُجَّارُ، وَضَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللّٰهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمَنُونِ. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَانَ، وَهَجَرْتُ لِرِيَابِرتِكَ الْأُوطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنِ أَهْلِ الْبُلْدَانِ، لِتَكُونَ شَفِيعًا لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِيِّي فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاحِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحَابِ الْحَقِّ وَقَادَةَ الْخَلْقِ، وَاسْتَجِبْ بِنِي مَا دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ثُمَّ ادْخُلِ الصُّفَّةَ^٤ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَقُلْ:

اللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءٍ وَوَلِيِّكَ الْمَرْوَرِ، الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَبِيدِ

١. الجزر: النوضع الحصين، ويقال: جزر حرير (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٨٦ «حرز»).

٢. وفي مصباح الزائر: «مشهوراً» بدل «مشهوداً».

٣. الصف: ٣.

٤. الصُّفَّةُ مِنَ الْبُنْيَانِ: شبه التيهو [أي البيت المقدم أمام البيوت] الواسع الطويل (ساج العروس: ج ١٢ ص ٣٢٥

«صف»).

خدایا! بر او و خدمت‌گزاران و یاورانش در طول غیبت و دوری‌اش، درود فرست و او را پوششی نفوذناپذیر و پناهگاهی نگاه‌دارنده عطا کن. خدایا! سختگیری‌ات را بر دشمنان او تشدید کن و دوستان و زیارت‌کنندگان او را پاسداری کن.

خدایا! همان‌گونه که دلم را به ذکر او آباد کردی، شمشیرم را برای یاری وی از نیام برکشیده قرار ده و اگر مرگ میان من و دیدار او جدایی انداخت - مرگی که آن را بر بندگانت حتمی کرده و علی‌رغم میل آفریدگانت، آن را بر ایشان چیره ساخته‌ای -، مرا به هنگام ظهور ایشان، با همان کفنم از قبرم بیرون بیاور تا پیش رویش در همان صفی بجنگم که آن را در کتابت ستوده‌ای و فرموده‌ای: ﴿گویی مانند بنیاتی استوار و به هم پیوسته‌اند﴾.

خدایا! انتظار به درازا کشید و نابه‌کاران، ما را شماتت می‌کنند و دادستاندن بر ما دشوار شده است. خدایا! روی خجسته ولایت را در زندگی‌مان و پس از مرگمان به ما نشان بده. خدایا! من به بازگشت پیش روی صاحب این بارگاه باور دارم. به فریادمان برس، به فریادمان برس، به فریادمان برس، ای صاحب‌الزمان! برای پیوند با تو، از دوستان بریدم و برای زیارت تو، از وطن هجرت کردم و کارم را از مردم سرزمین‌ها پنهان داشتم تا نزد خدایت و خدایم، پیش‌پدرانت و اختیارداران من، برای نیکو بودن توفیقم و ریزش نعمت بر من و سوق دادن احسان به سویم، شفیع من باشی. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، یاران حق و زمامداران خلق، درود فرست و آنچه را از تو خواستم، اجابت فرما و آنچه را در دعایم بر زبان نیاوردم و به صلاح دین و دنیایم است، به من عطا کن؛ که تو ستوده و بزرگی، و خداوند بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد.

سپس به ایوان برو و دو رکعت نماز بخوان [و آن‌گاه بگو]: «خدایا! بنده زیارت‌کننده‌ات در آستان ولیّ زیارت‌شونده‌ات - که اطاعتش را بر بنده و آزاد واجب کرده‌ای و اولیایت را به دست او از آتش نجات داده‌ای -، قرار دارد. خدایا! آن را زیارتی پذیرفته که دعایی مستجاب به همراه دارد، از کسی که تصدیق‌کننده بدون تردید ولایت است، قرار بده. خدایا! آن را آخرین تجدید پیمان و زیارت او قرار مده و جای پای در مرقد او و زیارت پدر و جدش برایم باقی بگذار.

وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتِ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقِي بَوْلِيكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا يَزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ.

اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفْقَتِي، وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَإِلِخْوَانِي وَأَبَوَيَّ وَجَمِيعِ عِتْرَتِي، أَسْتَوِدُّكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ، يَا مَوْلَايَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زَائِراً لَكَ وَإِلَيْكَ وَجَدُّكَ، مُتَبَيِّناً الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِداً إِمَامَتَكُمْ.

اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيَّينَ^١، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

٥/١

الزِّيَارَةُ الْخَامِسَةُ

١١٢٠. جمال الأسبوع^٢: يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمٌ صَاحِبِ الزَّمَانِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - وَبِاسْمِهِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَةً، أَقُولُ مُتَمَثِّلاً وَأُسِيرُ إِلَيْهِمْ

١. العليّون: تعني المنزلة الرفيعة، وتطلق على المكان السامي الذي يحضره المعزبون عند تله عز وجل في الجنة.

٢. وذكر السيد هذه الزيارة في الفصل الثالث من كتابه (جمال الأسبوع: ص ٢٥) ويقول في بيان مكان هذه الزيارة:

«الفصل الثالث: في تعيين أسماء النبي والائمة عليهم السلام بأيام الأسبوع، وزيارات لهم في كل يوم من أيام الأسبوع المشار إليه كما وقفنا عليه ...»

يوم الجمعة، وهو يوم صاحب الزمان - صلوات الله عليه - وباسمه، وهو اليوم الذي يظهر فيه ...»

كما نلاحظ فإن السيد لا يذكر أي مصدر أو قائل لهذا النص، ويبدو أنه من ابتكاراته، خصوصاً أنه في الأقسام السابقة لهذا الفصل متى ما وجدت زيادة أو دعاء ولها سند وقائل معصوم يذكره: وإن كان قد نقل من كتاب فيصرح به. ولذا يتبين أن هذا النص لا مصدر له. وبإتأكيد فإن السيد وقبل أن يبدأ زيارت الأسبوع ينقل رواية من كتاب «الخصال» للصدوق «و«الخرائج والجرائج»: بأن الإمام الهادي عليه السلام سمي يوم الجمعة بيوم القائه عليه السلام.

خدایا! هزینه‌ام را جایگزین کن و از آنچه روزی‌ام کرده‌ای در دنیا و آخرت به من سود برسان و افزون بر من برای برادرانم و پدر و مادرم و همهٔ خاندانم نیز سود داشته باشد. ای امامی که مؤمنان با او پیروز می‌شوند و به دست او کافران تکذیب‌کننده هلاک می‌شوند! تو را به خدا می‌سپارم، ای مولای من! ای محمد بن حسن بن علی! من به زیارت تو، قدرت و جدت آدم در حالی که به رستگاری با شما یقین، و امامت شما را باور دارم.

خدایا! این گواهی و زیارت را برای من در علیین^۱ بنویس و مرا به جایگاه صالحان برسان و از محبت ایشان، سودم بخش، ای خدای جهانیان!^۲

۵/۱

زیارت پنجم

۱۱۲۰. جمال الأسبوع^۳: روز جمعه، متعلق و به نام صاحب الزمان - که در روزه‌های خدا بر او باد - است و آن روزی است که در آن ظهور خواهد کرد. خداوند در فرجش تعجیل فرماید! با خطاب و اشاره به اهل بیت - که در روزه‌های خدا بر ایشان باد - به این شعر تمثیل می‌کنم:

۱. علیین: طبقهٔ بالاین بهشت و با جایی در آسمان هفتم که ارواح مؤمنان را بدان جا می‌برند (ر.ک: لغت‌نامهٔ دهخدا: ذیل «علیین»).

۲. التمرار الکبیر: ص ۶۵۷، مصباح الزائر: ص ۴۴۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰۲.

۳. سید، این زیارت را در فصل سوم کتاب آورده که برای روشن شدن جایگاه این زیارت می‌گوید: «فصل سوم: در تعیین روزهای هفته به نام‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، و زیارت آنان در هر روز از روزهای هفته است. آن گونه که به آن اشاره شده و ما از آن اطلاع یافتیم ... روز جمعه، روز صاحب الزمان عجل الله فرجه و به نام ایشان است: همان روزی است که ایشان در آن ظهور می‌کنند...».

همان گونه که مشاهده می‌کنید، سید برای این نقل خود هیچ منبع و مصدر و قائلی نقل نمی‌کند و به نظر می‌رسد از ابتکارات خود ایشان است، خصوصاً که در بخش‌های قبلی این فصل، هر جا زیارت یا مطلبی دارای سند و قائل معصوم بوده، آن را آورده یا اگر از کتابی نقل کرده، بدان تصریح کرده است.

پنا بر این معلوم می‌شود این متن از شخص ایشان صادر شده و منبع دیگری ندارد. البته ایشان قبل از آغاز زیارت ایام هفته، روایتی از الخصائص صدوق و الخرائج و الجرائح نقل می‌کند که در ضمن آن، امام هادی علیه السلام روز جمعه را روز قائم عجل الله فرجه نامیده است.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ:

مُحِبُّكُمْ وَإِنْ قُبِضَتْ حَيَاتِي وَزَائِرُكُمْ وَإِنْ عُقِرَتْ رِكَابِي

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَلُ اللَّهِ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأَخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَ ظُهُورُكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ لَكَ. وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمُعَةِ أَوْلِيَائِكَ.

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالصِّيَاقَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِيفَنِي وَأَجْرِنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

يقول سيدنا رضي الدين ركن الإسلام أبو القاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن محمد الطاووس: أنا أتمثل بعد هذه الزيارة وأقول بالإشارة:

١. عُقِرْتُ بِهِ: إِذَا قُتِلَتْ مَرْكُوبُهُ وَجَعَلْتَهُ رَاجِلًا (النهاية: ج ٣ ص ٢٧١ «عقر»).

دوستدار شمایم، حتی اگر جانم گرفته شود،

زائر شمایم، حتی اگر مرکبم کشته شود.

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش! سلام بر تو ای دیده خدا در مردمش! سلام بر تو ای نور خدایی که راه یافتگان به آن راه می‌جویند و گره از کار مؤمنان به دست او گشوده می‌شود! سلام بر تو ای پیراسته بیمناک! سلام بر تو ای ولی خیرخواه! سلام بر تو ای کشتی نجات! سلام بر تو ای چشمه حیات! سلام بر تو، خداوند بر تو و اهل بیت پاک و پاکیزه‌ات درود فرستد.

سلام بر تو، خداوند در یاری و آشکار کردن کارت که به تو وعده داده تعجیل فرماید. سلام بر تو ای مولای من! دوستدار تو و آگاه به اولین و آخرین شما هستم. با تو و اهل بیتت به خداوند تقرب می‌جویم و ظهور تو و ظهور حق را به دستان تو انتظار می‌کشم و از خداوند می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و مرا از منتظران، دنباله‌روان و یاران تو در برابر دشمنانت، و شهیدان پیش رویت در جرگه اولیایت قرار دهد.

ای مولای من! ای صاحب الزمان! دروذهای خدا بر تو و اهل بیتت. امروز جمعه است و آن روزی است که ظهور تو را در آن توقع دارند و گشایش کار مؤمنان به دست تو و کشتن کافران، با شمشیر تو در آن رخ می‌دهد، و من - ای مولای من - در آن، مهمان و پناهنده تو هستم و تو - ای مولای من -، کریمی از فرزندان کریمان هستی و به مهمانداری و پناه دادن فرمان داری. پس مرا مهمان کن و پناهم بده. دروذهای خدا بر تو و بر اهل بیت پاکت.

سرورمان، رضی الدین، سید ابن طاووس، رکن اسلام می‌گوید: من پس از این

زیارت، به این شعر تمثل می‌کنم و به اشاره می‌گویم:

تَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ.

٦ / ١

الزِّيَارَةُ السَّلَاسَةَ

١١٢١. مصباح الزائر: الفصل السابع عشر: في زيارة مولانا صاحب الأمر صلوات الله عليه وما يلحق بذلك.

إذا أردت زيارته صلوات الله عليه وسلامه فليكن ذلك بعد زيارة العسكريين عليهم السلام، فإذا فرغت من العمل هناك، وبلغت من زيارتهما هناك، فامض إلى الشرداب المقدس وقف على بابه وقل:

إلهي إني قد وقفت على باب بيت من بيوت نبيك محمد صلواتك عليه وآله، وقد منعت الناس من الدخول إلى بيوتيه إلا بإذنيه، فقلت: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ».

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَزُورُونَ مَكَانِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيُرْتَدُونَ سَلَامِي عَلَيَّ، وَأَنْتَ حَاجِبْتَنِي عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبُّ أَوْلَى، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ، وَأَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقِطْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ السَّامِعَةِ.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلُونَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْمُبَارَكِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

فرود آمده بر تو هستیم، هر جا و هر سو که رکاب درکشم،
و مهمان تو هستیم در هر سرزمینی که باشم.^۱

۶/۱ زیارت ششم

۱۱۲۱. مصباح الزائر: فصل هفدهم: زیارت مولایمان صاحب الأمر - که درودهای خدا بر او باد - و ملحقات آن:

هنگامی که خواستی او - که درودها و سلام خدا بر او باد - را زیارت کنی، آن را پس از زیارت دو امام [هادی و حسن] عسکری قرار بده و چون اعمال آن جا را به پایان بردی و آن دو را در آن جا زیارت کردی، به سرداب مقدس برو و بر درگاهش پایست و بگو:

«خدای من! بر درگاه خانه‌ای از خانه‌های پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - ایستاده‌ام که مردم را از ورود بدون اجازه به خانه‌هایش منع کردی و گفتی: «ای مؤمنان! به خانه‌های پیامبر درنیاید جز آن که به شما اجازه داده شود». خدایا! من حرمت پیامبرت را در غیابش به همان گونه حضورش باور دارم و می‌دانم که فرستادگان و جانشینانت، زنده‌اند و نزد تو روزی می‌خورند. جایگاهم را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و سلام مرا پاسخ می‌دهند و تو گوش مرا از شنیدن سخنشان در حجاب نهاده‌ای و دریچه فهم مرا به لذت مناجاتشان گشوده‌ای. من ابتدا از تو اجازه می‌خواهم - ای خدای من - و سپس از فرستاده‌ات - که درودهایت بر او و خاندانش - اجازه می‌خواهم و نیز از خلیفه‌ات؛ امامی که اطاعتش بر من واجب شده است. برای ورود در این لحظه به خانه‌اش اجازه می‌خواهم و از فرشتگان گمارده شده‌ات به این بقعه مبارک که گوش به فرمان و مطیع تو هستند نیز اجازه ورود می‌خواهم.

۱. جمال الأسبوع: ص ۴۱. بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۱۵.

وَبَرَكَاتُهُ. يَا ذَنبِ اللَّهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خُلَفَائِهِ وَإِذْنِ هَذَا الْإِمَامِ وَإِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، أَدْخُلْ هَذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ بِاللهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ أَعْوَانِي، وَكُونُوا أَنْصَارِي حَتَّى أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتَ، وَأَدْعُوا اللَّهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَأَعْتَرَفَ اللَّهُ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَلِهَذَا الْإِمَامُ وَأَبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - بِالسَّاعَةِ:

ثُمَّ تَنْزِيلُ مُقَدِّمًا رِجْلَكَ الْيَمْنَى وَتَقُولُ:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

وَكَبَّرِ اللَّهُ وَاحْتَمَدَهُ وَسَبَّحَهُ وَهَلَّلَهُ، فَإِذَا اسْتَقَرَّرْتَ فِيهِ فَتَقِفُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَقُلْ:

سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ، عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ، صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ، وَالَّذِينَ الْمَأْتُونَ، وَاللَّوَاءِ الْمَشْهُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَنْشُورِ، وَصَاحِبِ الدَّهْورِ وَالْعُصُورِ، وَخَلْفِ الْحَسَنِ، الْإِمَامِ الْمُؤْتَمَنِ، وَالْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعَضُدِ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ، وَرُكْنِ الْأَنْبَاءِ، وَمِفْتَاحِ الْكَلَامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكَامِ، وَشَمْسِ الظُّلَامِ، وَبَدْرِ التَّمَامِ، وَنُضْرَةِ الْأَيَّامِ، وَصَاحِبِ الصَّمَامِ، وَقَلَابِ الْهَامِ، وَالْبَحْرِ الْقَمَقَامِ^١، وَالسَّيِّدِ الْهُمَامِ^٢، وَحُجَّةِ الْخِصَامِ، وَبَابِ الْمَقَامِ لِيَوْمِ الْقِيَامِ.

وَالسَّلَامُ عَلَى مُفْرَجِ الْكُرْبَاتِ، وَخَوَاضِ الْغَمْرَاتِ، وَمُنْقَسِ الْحَسْرَاتِ، وَبِقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَصَاحِبِ فَرْضِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ، وَحُجَّةِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِهِ، وَالْقَيِّمِ مَقَامَهُ، وَوَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

١. القمقام: السيد، رومي معرب (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٥١٤ «قمقم»).

٢. الهمام: أي العظيم الهمة (النهاية: ج ٥ ص ٢٧٥ «همم»).

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای فرشتگان گمارده شده در این مزار شریف و مبارک! با اجازه خدا و اجازه پیامبرش و اجازه جانشینانش و اذن این امام و اذن شما - که درودهای خدا بر همه شما باد - وارد این خانه می‌شوم در حالی که با یاری گرفتن از خدا و پیامبرش محمد، و خاندان پاکش، به خدا تقرب می‌جویم. پس ای فرشتگان خدا! یاوران من و امدادگران من باشید تا به این خانه درآیم و خدا را به گونه‌های مختلف بخوانم و به عبودیت در برابر خداوند و اطاعت از این امام و پدرانش - که درودهای خدا بر ایشان باد - اعتراف کنم».

سپس پای راست را پیش می‌گذاری و فرود می‌آیی و می‌گویی: «به نام خدا، به یاری خدا، در راه خدا و بر دین پیامبر خدا، گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتای بی‌همتاییست و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست»، و «الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا اله الا الله» بگو و چون در سرداب مستقر شدی، رو به قبله بایست و بگو:

«سلام و برکات و درودها و صلوات خدا بر مولایم صاحب الزمان، صاحب نور و روشنی و دین بر جای مانده و پرچم مشهور و کتاب نشر یافته و صاحب عصرها و زمان‌ها و جانشین حسن [عسکری]، امام امانتدار و قائم مورد اعتماد و یاری شده استوار گشته و پناه و بازو، پایه اسلام و ستون مردم، گشاینده سخن و ولی احکام و خورشید تاریکی و ماه شب چهارده و سرسبزی روزگار و صاحب شمشیر بُرّان و شکافنده سرها و دریای جود و سرور بلندهمت و حجّت در مخاصمه و دروازه جایگاه روز رستاخیز.

و سلام بر گشاینده [گره] سختی‌ها و غوطه‌ور در دشواری‌ها و زداینده اندوه‌ها و باقی‌نهادنده خدا در زمینش و صاحب واجباتش و حجّتش بر خلقتش و گنجینه علمش و جایگاه صدقش. او که میراث پیامبران، سرانجام به وی رسیده و آثار اوصیا نزدش موجود است و حجّت خدا و فرزند پیامبرش و عهده‌دار رسالت او و ولی امر خداست، رحمت و برکات خدا بر او باد!

اللَّهُمَّ كَمَا انتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ، وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِأَسَايِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَدَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصَلَ الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَتُفَرِّجَ بِهِ عَنِ الْأُمَمِ، وَتُسَيِّرَ بِعَدْلِهِ الظُّلْمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَأَنَارِهِ، وَتُظَهِّرَ بِهِ بِلَادَكَ، وَتُسْفِيَّ بِهِ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَتَجْمَعَ بِهِ الْمَمَالِكَ كُلَّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، غَزِيرَهَا وَذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَغَرْبَهَا، سَهْلَهَا وَجَبَلَهَا، صَبَاها وَدَبُورَهَا، شَمَالَهَا وَجَنُوبَهَا، بَرَّهَا وَبَحْرَهَا، حُزُونَهَا^١ وَوُعُورَهَا، يَمَلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجُورًا، وَتُمْكِّنَ لَهُ فِيهَا، وَتُنَجِّزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا، وَحَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَحَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُظَهِّرُ بِهَا حُجَّتَهُ، وَتُوضِحُ بِهَا بَهْجَتَهُ، وَتُرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَتُوَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَتُعْظِمُ بِهَا بُرْهَانَهُ، وَتُسَرِّفُ بِهَا مَكَانَهُ، وَتُعَلِّي بِهَا بُيُوتَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا نَصْرَهُ، وَتُرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ، وَتُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظَهِّرُ بِهَا كَلِمَتَهُ، وَتُكثِّرُ بِهَا نَصْرَتَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا دَعْوَتَهُ، وَتَزِيدُهُ بِهَا إِكْرَامًا، وَتَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، وَتُبَلِّغُهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ، مِثْلَ هَذَا الْأَوَانِ، وَفِي كُلِّ مَكَانٍ وَأَوَانٍ، مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، لَا يَبْلُغُ جَدِيدُهُ، وَلَا يَفْنَى عَدِيدُهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّرْفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ.

١. الصُّبَا: رِيحٌ تهبُّ من مَطْلَعِ الشَّمْسِ، وَقِيلَ: الَّتِي تَجِيءُ من ظَهْرِكَ إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ، وَالدُّبُورُ: عَكْسُهَا (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٢ ص ١٠٠٨ «صبا»).

٢. الْحَزْنُ: مَا غَلِظَ مِنَ الْأَرْضِ، وَهُوَ خِلَافُ السَّهْلِ، وَتَجْمَعُ حُزُونُ (الصَّبَاحِ الْمُنِيرِ: ص ١٣٤ «حزن»).

خدایا! همان‌گونه که او را برای علمت برگزیدی و برای حکومت انتخاب کردی و به معرفت ویژه داشتی و با کرامت فراگرفتی و با رحمت فرو پوشاندی و با نعمت پروراندی و با حکمت تغذیه کردی و برای خودت برگزیدی و برای نبردت [با ظالمان] انتخابش نمودی و برای آستان مقدّست، پسندیدی و او را راه‌نمای هر یک از مردمانت که خواستی و حکمران دینت به عدالت و داور نهایی میان بندگان قرار دادی و به او وعده دادی که همه را به دست او متحد کنی و گره از کار امت‌ها بگشایی و تاریکی‌ها را با عدالتش نورافشان کنی و آتش ستم را خاموش کنی و گرمی [بازار] کفر و آثار آن را در هم بکوبی و سرزمین‌هایت را به دست او پاک و دل بندگان را خنک کنی و همه کشورها، نزدیک و دور، نیرومند و ناتوان، در شرق و غرب، کوه و دشت، و نیز بادهای وزنده از شرق و غرب و شمال و جنوب، خشکی و دریا و حتی سرزمین‌های ناهموار و دشوار را [تحت امر او] یک‌پارچه کنی تا آنها را از عدل و داد پر کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد و او را بر آن چیره کنی و وعده‌ات را به مؤمنان، با دست او به انجام رسانی تا آن که کسی برایت شریک نگیرد و حقی نماید جز آن که پدیدار شود و عدلی نماند جز آن که پرتو افشاند تا آن جا که هیچ چیزی از حقیقت را به هراس از کسی پنهان ندارد. [به همین گونه] بر او درودی بفرست که حجّتش را با آن پدیدار کنی و شادی‌اش را آشکار نمایی و درجه‌اش را بالا ببری و فرمان‌روایی‌اش را استوار کنی و برهانش را بزرگ بداری و جایگاهش را شوکت دهی و بنایش را برافرازی و برای پیروزی، یاری‌اش دهی و قدر و منزلتش را رفعت بخشی و یادش را به اوج ببری و کلمه‌اش را چیره کنی و یاری‌اش را فراوان کنی و دعوتش را شکست‌ناپذیر بنمایی و تکریمش را افزون کنی و او را پیشوای پروايشگان قرار دهی و سلام و درود ما را از این مکان و مانند این زمان و در هر مکان و زمان، به او برسان بی آن که از تازگی بیفتد و یا شمارش آن به پایان رسد.

سلام بر تو ای باقی‌نهادۀ خدا در زمین و شهرهایش و حجّت او بر بندگان!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الشُّمُوسِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ الْأَرْضِ، وَعَيْنَ الْفَرَضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَالْعَالِي الشَّانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْأَوْصِيَاءِ، وَابْنَ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُنْذِلَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ وَالْحَقُّ الْمُسْتَهْزَأُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى وَالْحَقُّ الْمُسْتَهْنَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَالطُّغْيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ لِتَبْيَانِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، وَالْحَاصِدُ فُرُوعَ الْغِيِّ وَالشُّقَاقِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ آثَارِ الرِّبِغِ وَالْأَهْوَاءِ، وَقَاطِعَ حَبَائِلِ الْكُذِبِ وَالْفِتَنِ وَالْإِفْتِرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَلَا يُبْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَنَاشِرَ رَايَةِ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلَّفَ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ نَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالثَّائِرَ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ الْمُجَابُ إِذَا دَعَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْخَلَائِفِ، الْبَرُّ النَّقِيُّ الْبَاقِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.

سلام بر تو ای جانشین شایسته پیشینیان! سلام بر تو ای شرافتمند! سلام بر تو ای حجت خدای پرستیده شده! سلام بر تو ای کلمه ستوده! سلام بر تو ای خورشید خورشیدها! سلام بر تو ای مهدی زمین و فریضه ناب! سلام بر تو ای مولای من، ای صاحب روزگار و عالی مقام! سلام بر تو ای خاتم وصیان و فرزند خاتم پیامبران! سلام بر تو ای عزیز کننده اولیا و خوار کننده دشمنان! سلام بر تو ای امام یگانه! سلام بر تو ای امام به انتظارش نشسته و حق آشکار شده! سلام بر تو ای امام، سرپرست انتخاب شده و حق خواسته شده! سلام بر تو ای امام به او امید بسته شده برای زدودن ستم و تجاوز! سلام بر تو ای امام هلاک کننده فاسقان و سرکشان! سلام بر تو ای امام منهدم کننده بنای شرک و نفاق و از بیخ برکننده شاخه‌های گمراهی و دودستگی!

سلام بر تو ای ذخیره شده برای تجدید فریضه‌ها و سنت‌ها! سلام بر تو ای پاک کننده آثار انحراف و هواپرستی و قطع کننده رشته‌های دروغ و فتنه و افترا! سلام بر تو که برای زنده کردن حکومت شریف [اسلام] به او امید بسته‌اند! سلام بر تو ای گردآورنده همه کلمه‌ها بر تقوا! سلام بر تو ای درگاه خدا! سلام بر تو ای که خون خواهش خداست!

سلام بر تو ای زنده کننده نشانه‌های دین و دینداران! سلام بر تو ای در هم کوبنده شوکت متجاوزان! سلام بر تو ای وجه خدا که تا روز قیامت، نه از میان می‌رود و نه کهنه می‌شود! سلام بر تو ای رشته پیوند میان زمین و آسمان! سلام بر تو ای پیروزمند و برافرازننده پرچم هدایت! سلام بر تو ای الفت‌دهنده پراکندگی نیکی‌ها و خشنودی‌ها! سلام بر تو ای خون خواه پیامبران و فرزندان آنها و خون خواه خون ریخته شده در کربلا! سلام بر تو ای که بر ضد تجاوزکار یاری می‌شود! سلام بر تو ای که به انتظارش نشسته‌اند و چون بخواند پاسخش گویند! سلام بر تو ای بازمانده جانشین‌ها، نیکوکار پروا پیشه باقی مانده برای زدودن ستم و تجاوز!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْقَادَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَصْفِيَاءِ الْمُهَذَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرَةِ الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَادَةِ الْبَشَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ^١ الْأَكْرَمِينَ وَالْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهَرَرَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَالْخَضَارِمَةَ^٢ الْأَنْجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْمُنِيرَةِ، وَالشُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ^٣، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَعَادِنِ الْحِلْمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْكَوَاكِبِ الزَّاهِرَةِ، وَالنُّجُومِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَقْمَارِ السَّاطِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ وَالْأَعْلَامِ الْمَلَانِحَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّوَاهِدِ الْمَشْهُودَةِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ وَالذَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبِرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ وَالنَّعَمِ السَّابِغَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ طُهُ وَالْمُحَكَّمَاتِ، وَيَاسِينَ وَالذَّارِيَاتِ وَالطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَاقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ

١. الْغَطْرِيفُ: السَّيِّدُ، وَالْجَمْعُ: الْغَطَارِيفُ (النهاية: ج ٣ ص ٣٧٢ «غطف»).

٢. الْخَضْرَمُ - بِالْكَسْرِ -: تَجْوَادُ الْكَثِيرِ الْعَطِيَّةِ، مَشَبَّهُهُ بِالنَّهْرِ الْخَضْرَمِ، وَهُوَ الْكَثِيرُ الْمَاءُ، وَالْجَمْعُ: خَضَارِمُ وَخَضَارِمَةٌ (لسان العرب: ج ١٢ ص ١٨٤ «خضرم»).

٣. الثَّاقِبُ: الْمَضِيءُ (النهاية: ج ١ ص ٢١٦ «ثقب»).

سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو ای فرزند عنی مرتضی! سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبرا و فرزند سروران مقرب و زمامداران متقی! سلام بر تو ای فرزند نجیبان گرامی! سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پیراسته! سلام بر تو ای فرزند راه‌نمایان ره‌یافته! سلام بر تو ای فرزند برگزیده برگزیدگان! سلام بر تو ای فرزند سروران آدمیان! سلام بر تو ای فرزند مهتران بزرگوار و پاکان پاکیزه! سلام بر تو ای فرزند نیکان برگزیده و بخشندگان نژاده! سلام بر تو ای فرزند حجت‌های نورافشان و چراغ‌های پرتوافشان! سلام بر تو ای فرزند شهاب‌های درخشان! سلام بر تو ای فرزند پایه‌های دانش! سلام بر تو ای فرزند کان‌های بردباری.

سلام بر تو ای فرزند ستارگان فروزان و درخشان! سلام بر تو ای فرزند خورشیدهای برآمده! سلام بر تو ای فرزند ماه‌های نورافشان! سلام بر تو ای فرزند راه‌های روشن و نشان‌های هریدا! سلام بر تو ای فرزند سنت‌های مشهور! سلام بر تو ای فرزند نشانه‌های بر جا مانده! سلام بر تو ای فرزند شواهد دیدنی و معجزه‌های در دسترس! سلام بر تو ای فرزند راه راست و خیر سترگ! سلام بر تو ای فرزند آینده‌های روشن و دلیل‌های آشکار! سلام بر تو ای فرزند برهان‌های واضح!

سلام بر تو ای فرزند حجت‌های رسا و نعمت‌های سرشار! سلام بر تو ای فرزند طه، محکمات، یاسین، ذاریات، طور و عادیات! سلام بر تو ای فرزند کسی که [به خدا] نزدیک و نزدیک‌تر شد تا آن که به اندازه قاب میان دو کمان یا کمتر با خدای والای برتر فاصله داشت!

کاش می‌دانستم در کدامین سو و ناحیه جا گرفته‌ای؟ آیا در وادی طوبی هستی؟ بر من سخت است که مردم را بینم و تو دیده نشوی و هیچ آوا و نجوایی از تو شنیده نشود. بر من ناگوار است که مردم، دیده شوند و تو دیده نشوی. بر من دشوار است که دشمنان، گرداگرد تو را بگیرند. جانم فدای تو که از دیده‌ها پنهانی! اما میان مایی! جانم فدای تو که جدایی! اما از ما دور نیستی! و ما می‌گوییم: ستایش، ویژه خدای جهانیان است و خداوند بر محمد و خاندانش، همه آنان درود فرستد.

تسعی أين استقرت بك النوى؟ أو أنت بوادي طوى؟ عزيز علي أن أرى الخلق ولا ترى، ولا يسمع لك حسيس ولا نجوى، عزيز علي أن يرى الخلق ولا ترى، عزيز علي أن تحيط بك الأعداء، بنفسى أنت من مغيب ما غاب عنا، بنفسى أنت من نازح ما نزع عنا، ونحن نقول: الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله أجمعين.

ثم ترفع يدك وتقول:

اللهم أنت كاشف الكرب والبلوى، وإليك نشكو غيبة إمامنا وابن بنت نبينا، اللهم فاملاً به الأرض عدلاً وقسطاً، كما ملئت ظلماً وجوراً.

اللهم صل على محمد وأهل بيته، وأرنا سيدنا وصاحبنا وإمامنا ومولانا صاحب الزمان، وملجأ أهل عصرنا، ومنجى أهل دهرنا، ظاهر المقالة، واضح الدلالة، هادياً من الضلالة، منقذاً من الجهالة، وأظهر معالمه، وثبت قواعده، وأعز نصره، وأطل عمره، وأبسط جاهه، وأحي أمره، وأظهر نوره، وقرب بعده، وأنجز وعده، وأوف عهده، وزين الأرض بطول بقائه، ودوام ملكه، وعلو ارتقائه وارتفاعه، وأبر مشاهدته، وثبت قواعده، وعظم برهانه وأمد سلطانه، وأعل مكانه، وقو أركانه، وأرنا وجهه، وأوضح بهجته، وارفح درجته، وأظهر كلمته، وأعز دعوته، وأعطه شؤله، وبلغه يا رب مأمولة، وشرف مقامه، وعظم إكرامه.

وأعز به المؤمنين، وأحي به سنن المرسلين، وأذل به المنافقين، وأهلك به الجبارين، واكف به غي الحاسدين، وأعده من شر الكائدين، وازجر عنه إرادة الظالمين، وأيده بجنود من الملائكة مسومين^١، وسلطه على أعداء دينك أجمعين.

١. مسومين: أي معلمين أنفسهم أو خيلهم بعلامة يعرفون بها (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩١١ «سوم»).

سپس دستانت را بالا می‌بری و می‌گویی: «خدایا! تو زداينده سختی و بلايي و غيبت وليّ مان و فرزند دختر پیامبرمان را به تو شکوه می‌بريم. خدایا! زمین را به دست او از عدل و داد پر کن؛ همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است.

خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و سرور و صاحبمان، امامان و مولایمان، صاحب الزمان، او را که پناهگاه اهل روزگارمان و نجات‌بخش مردم زمانه‌مان است، به ما بنمایان، در حالی که آشکارا سخن می‌گويد و راه می‌نماید و راه‌نمای میان گم‌راهی و رهایی‌بخش از جهالت است.

[خدایا!] نشانه‌هایش را آشکار کن و پایه‌هایش را استوار بدار و نصرتی پیروزمندانه به او عطا و عمرش را طولانی کن و مقام و منزلتش را بگستران و امرش را زنده بدار و نورش را پایدار کن و دوری‌اش را نزدیک بگردان و وعده‌ات را به او به انجام برسان و عهده‌ی را که با او بسته‌ای، ادا کن و زمین را با طول بقایش و استمرار فرمان‌روایی‌اش و اوج گرفتن ترقی و صعودش، زینت بخش و جایگاه‌های حضورش را نورانی و پایه‌هایش را استوار و برهانش را بزرگ و فرمان‌روایی‌اش را طولانی کن و جایگاهش را فراز آر و ستون‌هایش را تقویت کن و رویش را به ما بنما و شادی‌اش را روشن بدار و درجه‌اش را رفعت بخش و کلمه‌اش را چیره بدار و دعوتش را شکست‌ناپذیر قرار ده و خواسته‌اش را به او عطا کن و - ای خدای من - او را به آرزویش برسان و جایگاهش را با شوکت و گرمی‌داشتش را با شکوه‌تر کن و مؤمنان را به دست او عزیز و سنت‌های فرستادگان الهی را زنده بدار و منافقان را به دست او خوار و جبّاران را هلاک بگردان و ستم‌حسودان را از او کفایت کن و او را از گزند مکاران، در پناه خود بگیر و خواست ستمکاران را از او باز دار و او را با لشکری از فرشتگان نشاندار، تأیید بفرما و بر همه دشمنان دینت چیره‌اش کن و هر زورگوی لجبازی را با او درهم کوب و هر آتش برافروخته‌ای را با شمشیر او خاموش بگردان و حکمش را در هر جانا فاد و جاری کن و فرمان‌روایی‌اش را بر هر ملک و سیطره‌ای مسلط کن و بندگان بت‌ها را با او قلع و قمع کن و اهل قرآن و

وَأَقْصِمَ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَأَخْمَدَ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَقِيدٍ، وَأَنْفَذَ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ،
وَأَقِمَ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، وَأَقَمَعَ بِهِ عَبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَشَرَّفَ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمَانِ،
وَأَظْهَرَهُ عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ، وَآكَبَتِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَذَلَّتْ مَنْ نَاوَاهُ، وَاسْتَأْجَلَ مَنْ جَحَدَ
حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَاكْشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ
الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَالْوَصِيَّ الْمُفْضَلَّ، وَالْإِمَامَ
الْمُنْتَظَرَ، وَالْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ، وَأَمَلًا بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَيْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا،
وَأَعِينَهُ عَلَى مَا وُلِّيْتَهُ وَاسْتَخْلَفْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ،
وَيَهْدِيَ بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاحْرُسْهُ اللَّهُمَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاكْنِفْهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا
يُرَامُ، وَأَعِزَّهُ بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ.

وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ عَدَدِهِ وَمَدَدِهِ، وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَرْكَانِيهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ،
وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَحَتِهِ، وَالْبِسْنِي ثَوْبَ بَهْجَتِهِ، وَأَحْضِرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأَكِيدْ عَقْدِيهِ،
بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَقِّفْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ، وَالْمَتْوَى فِي
خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْتَبِ فِي دَوْلَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِن تَوَقَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ،
فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكُرُّ فِي رَجَعَتِهِ، وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَيَسْتَمَكِّنُ فِي أَيَّامِهِ،
وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَيُحَشِّرُ فِي زُمَرَتِهِ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ، بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ
وَكَرَمِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.

ثُمَّ صَلَّى فِي مَكَانِكَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً وَأَقْرَأَ فِيهَا مَا شِئْتَ، وَاهْدِهَا لَهُ ﷺ، فَإِذَا
سَلِمْتَ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فَسَبِّحْ تَسْبِيحَ الزُّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقُلْ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حَيْثَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ.

ایمان را به دست او گرامی بدار و او را بر همهٔ دین‌ها غلبه بده و هر که را با او دشمنی می‌کند، خوار نما و هر که را با او مخالفت می‌کند، ذلیل کن و هر که حقش را به جای نمی‌آورد و راستی او را انکار می‌کند و امرش را خوار می‌شمرد و در پی فراموشاندن یاد او و تلاش برای خاموش کردن نور اوست، از بیخ و بُن برکن.

خدایا! هر تاریکی‌ای را با نورش منور کن و هر اندوهی را با او برطرف ساز و جلوتر از او، هراس را [به دل دشمنانش] بیفکن و دل [دوستانش] را با او استوار بدار و پیروزی در جنگ را با او برپا دار و او را قیام‌کننده‌ای که به وی امید بسته‌اند و وصی برتری داده شده و امامی که چشم به راهش هستند و عدل آزموده قرار بده و زمین را با او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و او را در آنچه به عهده‌اش نهاده‌ای و جانشینش ساخته‌ای و به او سپرده‌ای، یاری ده تا حکمش بر هر حکمی جاری و نافذ باشد و با حقش هر گم‌راهی را هدایت کند. خدایا! او را با چشمت که نمی‌خوابد، مواظبت کن و او را در حمایت خود بگیر؛ حمایتی که آهنگ [ضربه زدن] به آن نیز نمی‌شود و او را با عزت خود عزت بخش؛ که هیچ چیز بر آن چیره نمی‌گردد.

خدای من! مرا از شمار یاوران و یاران و کمک‌کاران و پایه‌ها و پیروان و دنباله‌روان او قرار ده و مزهٔ شادی‌اش را به من بچشان و جامهٔ سرورش را به من بپوشان و مرا همراهش حاضر کن تا با او نزد کعبه و میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] بیعت و پیمانش را محکم کنم. ای خدای من! مرا به قیام برای اطاعتش و استقرار در خدمتش و درنگ در دولتش و دوری از نافرمانی‌اش موفق بدار و اگر - ای خدا - مرا پیش از اینها، قبض روح کردی - ای خدای من -، مرا در میان کسانی قرار بده که در بازگشت او باز می‌گردند و در حکومتش، صاحب مُنک و در روزگارش قدرتمند می‌شوند و زیر سایهٔ او به سر می‌برند و در جرگهٔ او محشور می‌شوند و چشمانشان به دیدار او روشن می‌گردند. به فضل و احسان و کرم و منت، ای صاحب بخشش بزرگ و منت‌دیرین و نیکی بزرگوارانه‌ا.

سپس در جایب دوازده رکعت نماز بگزار و در آن هر چه خواستی بخوان و آنها را به امام زمان علیه السلام هدیه کن و در پایان هر دو رکعت که سلام دادی، تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام را بگو و سپس بگو:

«خدایا! تو سلامی و سلام از توست و به تو باز می‌گردد. خدای ما! ما را با سلامی

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَإِلَى وَلِيِّكَ وَإِبْنِ أَوْلِيَائِكَ، الْإِمَامِ ابْنِ الْأَيْمَنِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْحُجَّةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ بِهَا وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي، وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.

فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَهُوَ دُعَاءُ مَشْهُورٌ يُدْعَى بِهِ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عَجَلَهُ، وَهُوَ:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

اللَّهُمَّ لَا تُعْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَآلَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ: أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَجَعْفَرًا، وَمُوسَى، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ انْقَائِمَ الْمَهْدِيِّ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَبَسِّنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مَعًا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبَسَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَإِلَيْكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَكَشْفِ سِتْرِهِ، وَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

١. جاء هذا الدعاء من هنا و حتى آخره، بسند متصل عن أبي عمرو العمري، نائب الإمام المهدي عجله الله عنه، في مصباح المهجد للشيخ الطوسي. وقد جئنا به تحت عنوان «دعاء المعرفة» [من الفصل السابع: الدعاء للإمام المهدي في كل حال].

از جانب خودت بنواز. خدایا! این رکعات، هدیه من به ولایت و فرزند ولایت و فرزند اولیایت، امام، فرزند امامان، جانشین شایسته، حجت صاحب الزمان باشد. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را به ایشان برسان و برترین آرزویم و امیدم به تو و پیامبرت - که درودهای خدا بر او و بر همه خاندانش باد - را به من عطا کن.

هنگامی که از نماز فارغ شدی، این دعا را بخوان که دعایی مشهور است و در روزگار غیبت قائم عج خوانده می‌شود:

«خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو خود را به من نشناسانی، فرستاده‌ات را نخواهم شناخت. خدایا! فرستاده‌ات را به من بشناسان که اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّتت را به من بشناسان که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دینم گم‌راه می‌شوم.

خدایا! مرا به مرگ جاهلی نمیران و قلبم را پس از آن که هدایت نمودی، از راه به در مبر. خدایا! همان گونه که مرا به ولایت کسانی هدایت نمودی که اطاعتشان را از میان والیان امر پس از پیامبرت - که درودهایت بر او و خاندانش باد - واجب نموده بودی تا آن که والیان امرت: امیر مؤمنان، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجّت قائم، مهدی - که درودهایت بر همه آنان باد - را ولی خود گرفتم، پس مرا بر دینت پایدار بدار و به اطاعتت بگمار و دلم را برای ولی امرت نرم بگردان و مرا از آنچه مردمانت را به آن آزمودی، معاف بدار و بر اطاعت از ولایت - که از مردمت پوشیده‌اش داشتی - استوار بدار که به اذن تو از دیده مردمت غایب شده و امرت را انتظار می‌کشد و تو، به علم خود می‌دانی که چه هنگام اذن به آشکار کردن کار و رازش به صلاح اوست. پس مرا بر این امر شکبیا کن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می‌اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می‌اندازی،

۱. از این جا تا آخر این دعا با سند متصل از ابو عمرو عمری، نائب امام زمان در مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی آمده است که ما آن را در ذیل عنوان «دعای معرفت»، (از فصل هفتم) آورده‌ایم (ر.ک: ص ۳۶۱ ح ۱۰۹۱).

وَلَا كَشَفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنْازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ: لِمَ،
وَكَيْفَ؟ وَلَا مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ، وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ؟ وَأَفْوَضُ
أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَّتِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ
السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ
وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ،
وَاضِحِ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، أُبْرِزُ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ، وَتَبِّتْ
قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا
فِي زَمَرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ
بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامَ، وَمُدَّ عُمُرَهُ وَزِدْ فِي أَجَلِهِ،
وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَدَّعْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي، وَالْقَائِمُ
الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ، الرَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ
وَانتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُّعَاءَ لَهُ، وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا
تُقَنِّطُنَا غَيْبَتَهُ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْقِينِنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا
عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ،

دوست نداشته باشم و آنچه را پوشیده داشته‌ای، نگشایم و آنچه را تو پنهان نموده‌ای، نکاوم و در تدبیرت با تو نستیزم و نگویم: چرا؟ و چگونه؟ و یا چرا ولی امر ظهور نمی‌کند، با آن که زمین از ستم پر شده است؟! و همه این امور را به تو می‌سپارم.

خدایا! از تو می‌خواهم که ولی امرت را به من بنمایانی در حالی که ظهور کرده و امرش نافذ است، و می‌دانم که سیطره و قدرت، از آن توست و نیز برهان و دلیل و خواست و توانایی و قوت. پس این را برای من و همه مؤمنان به انجام رسان تا به ولایت - که درودهایت بر او باد - بنگریم در حالی که سخنش آشکار و هدایت نمودنش علنی و راهنمای میان گم‌راهی و شفا دهندة نابخردی است. ای خدای من! جایگاه‌های حضورش را بنما و پایه‌های حکومتش [را پابرجا کن و ما را از کسانی قرار بده که چشمشان به دیدارش روشن می‌شود و ما را به خدمت او بگمار و بر دین او بمیران و در جرگه او محشورمان بفرما.

خدایا! او را از گزند هر چه خلق کرده‌ای و ساخته‌ای و آفریده‌ای و پدید آورده‌ای و صورت داده‌ای در پناه خود بگیر و از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و پایین او را حفظ فرما به حفظ خودت؛ که هر کس را با آن حفظ می‌کنی، تباہ نمی‌شود و پیامبر و وصی پیامبرت - که بر آنان سلام - را با [حفظ] او محافظت فرما.

خدایا! عمرش را طولانی کن و بر مهلتش بیفزای و وی را در آنچه به او سپرده‌ای، و به عهده‌اش نهاده‌ای، یاری‌اش کن و در بزرگداشت او بیفزای که او ره‌نمای ره‌یافته، قیام کننده آشنا به راه، پاک پروا پیشه، پاکیزه ناب، خشنود پسندیده و شکیبای سپاس‌گزار کوشاست.

خدایا! در اثر به درازا کشیدن غیبتش و بی‌خبر ماندن ما از او، یقین ما را مگیر و ذکر و انتظارش و نیز ایمان ما به او و استواری یقین ما را به ظهورش و دعا و صلوات برای او را از باد ما مبر، تا طول غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند و یقین ما در این باره مانند یقین ما به قیام پیامبرت - که درودهایت بر او و خاندانش باد - و آنچه از وحی و آیات نازل شده آورده است، باشد.

وَتَبَسْنَا عَلَىٰ مُتَابِعِيهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّىٰ تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَىٰ ذَلِكَ، لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ^١ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَآخِذْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْجَبَّارَةَ وَالْكَافِرَةَ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّىٰ لَا تَدْعَ مِنْهُمْ ذِيَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَسِيفْ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَىٰ مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّىٰ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّىٰ تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَضَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَىٰ الْغُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَىٰ شَيْعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آيَاتِهِمْ مَا يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّىٰ لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتْنَا، وَغَيَّبْتَنَا إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ

١. انكثت: نقض العهد (النهاية: ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).

خدایا! دل‌هایمان را بر ایمان به او تقویت کن تا ما را به دست او به راه هدایت و شاه‌راه روشن آن و طریقه میانه [اصلی] ببرد. ما را بر اطاعت از او نیرومند و بر پیروی‌اش استوار بدار و ما را در زمره حزب و یاران و رضایت‌مندان به کار او درآور و این را در زندگی و هنگام مرگمان از ما مگیر تا آن‌گاه که جانمان را می‌گیری، بر همین حال باشیم بی آن که شک داشته و یا بیمان شکسته و یا تردید کرده و به تکذیب برخاسته باشیم.

خدایا! در فرجش تعجیل بفرما و او را با نصرتت، استوار بدار و یارانش را یاری ده و وانهادهندگانش را وابنه و آنان را که به دشمنی با او و تکذیبش برخاسته‌اند، هلاک کن و حق را به دست او آشکار کن و ستم را بمیزان و بندگان مؤمنت را به دست او از خواری برهان و سرزمین‌هایت را با او آباد کن و زورگویان کافر را به دست او بکش و سران گم‌راهی را به دست او خرد کن و جباران و کافران را به دست او خوار گردان و منافقان و پیمان‌شکنان و همه مخالفان و کزبوان را در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و کوه و دشت به دست او هلاک کن تا آن‌که هیچ‌یک از آنان را بر جای نگذاری و اثری از ایشان باقی نماند. سرزمین‌هایت را از ایشان پاک کن و سینه‌های بندگان را با هلاکت آنان شفا بده و آنچه را از دینت محو شده، با او احیا کن و آنچه را از حکمت، دگرگون شده و آنچه را از سنتت تغییر یافته، به دست او اصلاح کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه و درست شود، بی هیچ کژی و بدعتی در آن، تا آن‌که آتش کافران را با عدالتش، خاموش کنی؛ که او بنده‌ای است که برای خود برگرفته‌ای و برای یاری دینت پسندیده‌ای و او را با آگاهی‌ات برگزیده‌ای و از گناهان، محفوظش داشته‌ای و از عیب‌ها پاکش نموده‌ای و بر غیب‌ها، آگاهی کرده‌ای و به او نعمت داده‌ای و از آلودگی، پاک و از پلیدی‌ها پاکیزه‌اش کرده‌ای.

خدایا! بر او و بر پدران وی - امامان پاک - و بر پیروان برگزیده‌اش درود فرست و به آرزوهایشان برسان و این را از ما خالص و بی‌شک و شبهه و خودنمایی و ریاکاری قرار بده تا جز تو را نخواهیم و جز روی تو را نجویم.

خدایا! از نبودن پیامبران، غیبت و تیمان، سختگیری روزگار بر ما، روی آوردن فتنه‌ها

بِنَا، وَتَظَاهِرُ الْأَعْدَاءِ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرَجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنِكَ
تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مَنِكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ عَدْلِ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِرُؤْيَاكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي
بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ بِعَامَّةٍ إِلَّا قَضَمْتَهَا^١، وَلَا بِقِيَّةٍ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حِدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ^٢، وَلَا رَايَةَ
إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ
الذَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبِنَابِيكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ
أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ
الْمُؤْمِنِينَ.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ
مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَأَرِيبْ لَهُ
قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي
عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِبْهُمْ
نَارًا، وَاحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِبْهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا
الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ.

اللَّهُمَّ وَأَحْيِ يَوْمِيكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا^٣ لَا لَيْلَ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ
الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغِيرَةَ^٤، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ

١. قَضَمْتَهَا: أَي خَطَمْتَهَا وَهَشَمْتَهَا، وَتِلْكَ عِبَارَةٌ عَنِ الْهَلَاكِ (انظر: مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٢٨٦ «قضم»).

٢. كَلِيلٌ وَكَالٌ: أَي غَيْرُ قَاطِعٍ (المصباح المنير: ص ٥٢٨ «كلل»).

٣. السَّرْمَدُ: الدَّائِمُ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٠٨ «سرمد»).

٤. وَغَيْرُ صَدْرَةٍ: مُتَلَاغِيَةً (المصباح المنير: ص ٦٦٦ «وغر»).

به سوی ما، پشت به پشت هم دادن دشمنان و فراوانی آنها و اندک بودن ما به تو شکوه می‌بریم. خدایا! اینها را از ما با فتوحی سریع از سوی خودت و یاری‌ای شکست‌ناپذیر از جانب خودت و امام عدلی که آشکارش می‌کنی، بگشای، ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از تو می‌خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدالتت را میان بندگان پدیدار کند و دشمنانت را در سرزمین‌هایت بکشد تا - ای خدای من - هیچ پایه‌ای از ستم را و نگذاری جز آن که آن را درهم شکنی و بازمانده‌ای از آن را وانتهی جز آن که به باد فنایش بسپاری و نیز هیچ قدرتی جز آن که سستش کنی و ستونی جز آن که منهدمش کنی و تیزی‌ای جز آن که کندش کنی و سلاحی جز آن که ناکارش کنی و پرچمی جز آن که سرنگونش کنی و جسوری جز آن که از پایش درآوری و لشکری جز آن که از هم‌پاشی، و - ای خدای من - با سنگ سرشکنت آنان را بکوب و با شمشیر برزانت آنان را بزنی و با عذابت که آن را از تبهکاران باز نمی‌گردانی، آنان را عذاب کن و دشمنانت و دشمنان ولایت و دشمنان پیامبرت - که دروذهای تو بر او و خاندانش باد - را با دست ولایت و دستان بندگان با ایمانت، عذاب ده.

خدایا! ولایت و حجتت را در زمین، از بیم دشمنانش کفایت کن و با هر کس که با او حيله می‌کند، حيله کن و هر که با او مکر می‌کند، مکر کن و پیشامدهای بد را بر سر هر کس که قصد بدی با او دارد، بریز و آنها را از بیخ و بن برکن و دل‌هایشان را از او بترسان و پاهایشان را بلرزان و آنان را آشکار یا ناگهانی بگیر و عذابت را بر آنها تشدید کن و آنان را میان بندگان رسوا کن و در سرزمین‌هایت لعنت کن و در پایین‌ترین درجهٔ دوزخ جایشان ده و سخت‌ترین کیفرت را بر آنان مسنط کن و به درون آتش ببر و گورهای مردگانشان را از آتش پر کن و داغی آتش را به آنها برسان؛ که ایشان نماز را تباه و شهرت‌ها را پیروی و بندگان را گمراه و شهرهایت را خراب کردند.

خدایا! قرآن را به وسیلهٔ ولایت زنده کن و نور او را جاوید و بی‌تاریکی را برایمان بنمایان و دل‌های مرده را با او زنده بدار و سینه‌های پر غیظ [مؤمنان] را با او شفا بده و خواسته‌های متفرق را با او به گرد حق، جمع کن و حدود اجرا نشده و احکام رانهاذه

الْحُدُودَ الْمُعْطَلَّةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَّةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ،
وَأَجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمَقْوِيَّةِ سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،
وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ.

وَأَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ
الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنَّا وَوَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ص، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ص،
وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ص، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ فَائِزاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَمِنَ الْمُتَقَرَّبِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

١١٢٢. المزار الكبير: إذا أردت زيارة أحد من الأئمة ع فقف عليه وقل:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَافِعَ السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيَّاتِ، وَيَا سَاطِعَ الْأَرْضِينَ
الْمَدْحُوتِ^١... السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُتَزَّرِ عَنِ الْمَائِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ، الْحَبِيبِ
الْعَالِمِ الَّذِي لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، الْعَالِمِ بِالْأَحْكَامِ، الْمُغَيَّبِ وَوَلَدُهُ عَنِ عُيُونِ
الْأَنَامِ، بَدْرِ الظُّلَامِ، التَّقِيِّ النَّقِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْعَسْكَرِيِّ ع.

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ وَالْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، وَالْغَائِبِ
عَنِ الْعُيُونِ وَالْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ ذَا الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي
بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، وَيُنَادِي بِشِعَارِهِ: يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ، أَنَا الطَّالِبُ بِالْأُوتَارِ، أَنَا

١. دحا: أي بسط ووسع (التهذيب: ج ٢ ص ١٠٦ «دحا»).

شده‌ات را با او برپا کن تا حقی نماند جز آن که پدیدار شود و عدالتی جز آن که بشکفتد و ای خدای من - ما را از یاوران و تقویت کنندگان سیطره او، فرمان‌پذیران امر او، رضایتمندان به کار او، تسلیم شدگان در برابر حکم او قرار بده و از کسانی که نیازی به تقیّه کردن از مردمت نداشته باشند.

تو - ای خدای من -، کسی هستی که سختی را می‌گشایی و درمانده را چون دعایت کند، پاسخ می‌دهی و از دشواری‌های سهمگین، رهایی می‌دهی. پس سختی ولّیت را بزدای و او را جانشین خود در زمینت قرار بده، همان گونه که برایش ضمانت کرده‌ای.

خدایا! مرا از رودررویان خاندان محمد قرار مده و مرا از دشمنان خاندان محمد قرار مده و مرا از خشم‌گیرندگان و دل‌ناخوشان بر خاندان محمد قرار مده؛ که من از آن به تو پناه می‌برم. پس پناهم بده و از آن به فریادرسی تو نیاز مندم. پس به فریادم برس.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به وسیله ایشان در دنیا و آخرت رستگار و جزو مقرّبان [درگاهت] قرار بده. دعایم را اجابت کن، ای خدای جهانپان‌ا.^۱

۱۱۲۲. **المزار الکبیر**: هنگامی که خواستی هر یک از امامان را زیارت کنی، بر سر مزارش بایست و بگو: «از تو می‌خواهم ای خدا! ای برافرازنده آسمان‌های بنا شده و ای گستراننده زمین‌های گسترده شده...! سلام بر امام پیراسته از گناهان، پاکیزه از ستم‌ها، دانای فرزانه‌ای که در راه خدا از سرزنش کسی نمی‌هراسد، عالم به احکام که فرزندش از چشم مردمان غایب است، ماه کامل میان تاریکی، پروا پیشه، بی‌آمیغ (بدون آمیختگی)، پاک و پاکیزه، ابو محمد حسن بن علی عسکری (عج).

سلام بر امام عالم غایب از دیده‌ها و حاضر در شهرها، غایب از چشم‌ها و حاضر در اندیشه‌ها، باقی مانده نیکان، وارث [شمشیر] ذوائفقار. او که در خانه پرده‌دار خدا [کعبه] ظهور می‌کند و شعار خوانخواهی حسین را سر می‌دهد و می‌گوید: من ستاننده خون‌های ریخته شده‌ام. من درهم کوبنده هر گردنکش هستم. من حجّت خدا بر هر ناسپاس

قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ، أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ كَافِرٍ خَتَّارٍ^١، الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ ابْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ
وآلِهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهَجَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ،
الذَّائِبِينَ عَنْهُ، الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنَّا الْأَعْمَالَ، وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ الْأَمَالَ
وَأَفْسِحِ الْأَجَالَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الرِّضَا وَالْعَفْوَ عَمَّا مَضَى، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ
وَتَرْضَى.

١. الْخَيْرُ الْعَظِيمُ، وَخَتَّارٌ لِلْمَبَالِغَةِ (النهاية: ج ٢ ص ٩ «ختر»).

خیانت‌پیشه هستم. بر قائم منتظر، فرزند حسن و خاندانش برترین سلام.
 خدایا! در فرجش تعجیل کن و خروجش را آسان بفرما و راهش را گشاده بنما و
 ما را از یاران و یاورانش، از مدافعانش، از مجاهدان در راهش و شهیدان پیش
 رویش قراز بده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و اعمال ما را بپذیر و به رحمت
 ما را به آرزوهایمان برسان و عمرمان را طولانی کن. خدایا! ما رضایت و گذشت تو
 را از گذشته و توفیق به انجام دادن آنچه را دوست می‌داری و به آن خشنودی، از تو
 می‌خواهیم.^۱

۱. المزار الکبیر: ص ۱۰۲-۱۰۷، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۹۱-۱۹۳ (به نقل از سید ابن طاووس).

فهرست تفصیلی

۷	فصل چهارم: دعا برای تعجیل در فرج
۱۱	فصل پنجم: زمینه‌سازی برای حکومت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱	۱/۵ احادیثی که به انقلاب زمینه‌ساز اشاره دارند
۱۵	۲/۵ نقش قمیان در دفاع از حق و نصرت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹	پژوهشی در باره مهم‌ترین وظیفه پیروان اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در عصر غیبت
۱۹	دو دیدگاه در باره تأسیس حکومت در عصر غیبت
۱۹	۱. تأسیس حکومت، مهم‌ترین وظیفه عصر غیبت
۲۰	یک. ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام غایب
۲۱	دو. ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه‌سازی ظهور
۲۲	۲. اختصاص تشکیل حکومت به عصر حضور
۲۳	شواهد دیدگاه دوم
۲۴	یک. احادیث فراگیر شدن ظلم، قبل از ظهور امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۵	دو. احادیث نهی از قیام، قبل از قیام قائم <small>علیه السلام</small>
۳۰	نقد و بررسی احادیث نهی از قیام
۳۰	الف - ارزیابی سند احادیث نهی از قیام
۳۱	ب - ارزیابی مضمون احادیث نهی از قیام
۳۳	ج - سنجش احادیث نهی از قیام با موازین حدیث‌شناسی
۳۳	یک. تعارض با قرآن
۳۵	دو. تعارض با سنت

۳۹	سه. تعارض با سیره اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۴۰	چهار. تعارض با احادیث قیام
۴۶	چکیده مطالب
۴۹	۳/۵ قیام گروهی از شرق با پرچم‌های سیاه رنگ
۵۵	۴/۵ پرچم‌های سیاه رنگ از خراسان
۶۰	پژوهشی درباره روایات «رایات سود»
۶۰	بیان گزارش‌ها
۶۰	۱. مصادر
۶۰	الف - مصادر شیعی
۶۲	ب - مصادر اهل سنت
۶۵	۲. احادیث
۶۵	الف - احادیث خالص شیعی
۶۶	نکته
۶۶	ب - احادیث اهل سنت
۶۶	ب / ۱. احادیث نبوی
۶۷	ب / ۲. احادیث اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۶۸	ج - آثار
۶۹	جمع‌بندی

بخش هشتم: دعا

۷۳	فصل یکم: دعاهای اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> برای امام مهدی <small>عج</small>
۷۳	۱/۱ دعای امام علی بن ابی طالب <small>علیه‌السلام</small>
۷۷	۲/۱ دعای امام زین العابدین <small>علیه‌السلام</small>
۷۹	۳/۱ دعای امام صادق <small>علیه‌السلام</small> و اندوه او بر طول کشیدن غیبت امام مهدی <small>عج</small>
۸۵	۴/۱ دعای امام کاظم <small>علیه‌السلام</small>

۴۴۹	فهرست تفصیلی
۸۷	۵/۱ دعای امام رضا <small>علیه السلام</small>
۹۵	۶/۱ دعای امام جواد <small>علیه السلام</small>
۹۷	۷/۱ دعای امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	فصل دوم: دعای امام مهدی <small>علیه السلام</small> برای فرجش
۱۰۹	۱/۲ دعایش هنگام تولد
۱۱۱	۲/۲ دعایش در قنوت
۱۱۷	۳/۲ دعایش نزد کعبه
۱۱۷	۴/۲ دعایش هنگام عبور از وادی السلام
۱۱۹	۵/۲ دعا برای محفوظ ماندن
۱۲۱	۶/۲ دعایش برای آسان شدن کارهای سخت او
۱۲۵	فصل سوم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در عیدها
۱۲۵	۱/۳ دعا برای امام در عیدهای چهارگانه «دعای ندبه»
۱۴۵	تحلیلی درباره متن و سند دعای ندبه
۱۴۶	نگاهی به سند دعای ندبه
۱۴۶	۱. دعای ندبه در مصادر کهن
۱۴۶	الف - المزار الکبیر، نگاشته محمد بن جعفر، معروف به ابن مشهدی (ق ۶ق)
۱۴۷	ب - مصباح الزائر، نگاشته سید ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴)
۱۴۸	ج - اقبال الأعمال، نگاشته سید ابن طاووس
۱۴۸	د - زوائد الفوائد، نگاشته جمال الدین علی بن علی بن طاووس
۱۴۸	ه - مزار قدیم، نویسنده نامعلوم (ق ۶ق)
۱۴۸	۲. بررسی سند: ابن مشهدی و سید ابن طاووس
۱۴۹	۳. انتساب دعای ندبه به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۴۹	۱/۳. قرینه های اجمالی انتساب
۱۵۱	۲/۳. انتساب تفصیلی دعا به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۵۴	پاسخ به یک شبهه

۲۵۰ دانش‌نامه امام مهدی <small>علیه السلام</small> ج ۶
۱۵۷ ۲/۳ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در روز عید فطر
۱۶۱ ۳/۳ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در روز جمعه و دو عید
۱۶۳ ۴/۳ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در عید غدیر
۱۶۹ فصل چهارم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در ماه رمضان
۱۶۹ ۱/۴ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در هر شب ماه
۱۶۹ دعای افتتاح
۱۷۳ ۲/۴ دعای هر روز ماه رمضان برای امام <small>علیه السلام</small>
۱۷۹ ۳/۴ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در روز سیزدهم رمضان
۱۸۵ ۴/۴ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در روز بیست و یکم رمضان
۱۹۱ ۵/۴ دعا برای امام <small>علیه السلام</small> در شب بیست و سوم
۱۹۵ فصل پنجم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در روز جمعه
۱۹۵ ۱/۵ دعا برای او پس از نماز جعفر طیار در روز جمعه
۱۹۷ ۲/۵ دعا برای او پس از ظهر جمعه
۱۹۹ ۳/۵ دعا برای او در خطبه نماز جمعه
۲۰۱ ۴/۵ دعا برای او در قنوت نماز جمعه
۲۰۳ ۵/۵ دعا برای او پس از عصر روز جمعه
۲۰۷ فصل ششم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در وقت‌های دیگر
۲۰۷ ۱/۶ دعا برای او در شب نبعثت شعبان
۲۰۹ ۲/۶ دعا برای او در روز عرفه
۲۱۵ ۳/۶ دعا برای او در روز دحو الارض (گسترده شدن زمین)
۲۱۷ ۴/۶ دعا برای او در روز عاشورا
۲۲۳ ۵/۶ دعا برای او پس از نمازهای واجب
۲۲۵ ۶/۶ دعا برای او پس از نماز صبح
۲۲۷ ۷/۶ دعای پگاه «دعای عهد»
۲۳۵ ۸/۶ دعا برای او پس از نماز ظهر

۴۵۱	فهرست تفصیلی
۲۳۷	۹/۶ دعا برای او بعد از نماز عصر
۲۴۱	۱۰/۶ در نماز شب، پس از رکعت چهارم
۲۴۱	۱۱/۶ دعا برای او در قنوت نماز وتر
۲۴۵	۱۲/۶ دعا برای او در زیارت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	۱۳/۶ دعا برای او پس از نماز امام زمان
۲۵۳	فصل هفتم: دعا برای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در هر حال
۲۵۳	۱/۷ دعای فرج (اللهم کن لولیک القانم)
۲۵۵	۲/۷ دعای «خدایا، از ولایت [بلاها را] دفع کن»
۲۶۱	۳/۷ دعای معرفت
۲۷۱	۴/۷ دعای صلوات
۲۸۲	پژوهشی در باره حکمت دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۸۲	موضوعات ادعیه
۲۸۵	سؤال‌ها
۲۸۶	مقدمات بحث
۲۸۸	پاسخ سؤال یک تا سه
۲۸۹	پاسخ سؤال چهار
۲۹۰	پاسخ سؤال پنج
۲۹۱	پاسخ سؤال شش
۲۹۳	پاسخ سؤال هفت
۲۹۵	فصل هشتم: دعاهای رسیده از امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۹۵	۱/۸ دعای «خدایا! بلا قزونی گرفت»
۲۹۷	۲/۸ دعای «ای که زیبا را آشکار می‌کنی»
۲۹۹	۳/۸ دعای فرج (اللهم رب التور العظیم)
۳۰۱	۴/۸ دعا برای حاجت‌خواهی
۳۰۵	۵/۸ دعای او برای خواسته‌های دنیایی و آخرتی

- ۳۰۷ ۶/۸ دعای بهره شب
- ۳۰۹ ۷/۸ دعا برای مردان و زنان با ايمان
- ۳۱۱ ۸/۸ دعای هر روز از ماه رجب
- ۳۱۲ ۹/۸ دعای توسل به دو مولود رجب
- ۳۱۵ ۱۰/۸ دعایی دیگر برای هر روز از ماه رجب
- ۳۱۹ ۱۱/۸ دعای مشاهد مشرفه در ماه رجب
- ۳۲۱ ۱۲/۸ دعای روز بیست و هفتم رجب
- ۳۲۷ فصل نهم: استخاره‌های منسوب به امام مهدی علیه السلام
- ۳۲۷ ۱/۹ استخاره به دعا
- ۳۲۹ ۲/۹ استخاره با تسبیح
- ۳۳۱ ۳/۹ استخاره مصری
- ۳۳۴ پژوهشی درباره استخاره‌های منسوب به امام زمان علیه السلام
- ۳۳۷ ۱. حدیث اول
- ۳۳۷ سند گزارش ابن طاووس
- ۳۳۸ ۲. استخاره مصری
- ۳۴۱ ۳. استخاره با تسبیح و عدد
- ۳۴۳ ۴. استخاره با تسبیح
- ۳۴۳ نتیجه‌گیری
- ۳۴۵ فصل دهم: توسل به امام مهدی علیه السلام
- ۳۴۵ ۱/۱۰ دعای «خدایا! بلا فزونی گرفت»
- ۳۴۷ ۲/۱۰ دعای «ای که زیبا را آشکار می‌کنی»
- ۳۴۹ ۳/۱۰ دعای ابو الوفا
- ۳۵۵ سخنی درباره توسل به امام زمان علیه السلام به وسیله عریضه
- ۳۵۶ جواز شرعی

بخش نهم: زیارت‌ها

۳۶۹	فصل اول: زیارت‌های امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۹	۱/۱ زیارت نخست: زیارت آل یس
۳۶۹	الف - زیارت آل یس به روایت الاحتجاج
۳۷۳	دعای یس از این زیارت
۳۷۷	ب - زیارت آل یس به روایت المزار الکبیر
۳۷۹	توجه
۳۸۵	دعای یس از این زیارت
۳۸۸	پژوهشی دربارهٔ سند و متن زیارت آل یس
۳۹۰	دو گزارش متفاوت
۳۹۱	اسناد زیارت آل یس
۳۹۴	جمع بندی مباحث سندی
۳۹۵	دربارهٔ متن زیارت آل یس
۴۰۳	۲/۱ زیارت دوم
۴۰۵	۳/۱ زیارت سوم
۴۱۱	زیارت هنگام وارد شدن به سرداب
۴۱۳	۴/۱ زیارت چهارم
۴۱۷	۵/۱ زیارت پنجم
۴۲۱	۶/۱ زیارت ششم

